UNIVERSAL
LIBRARY
OU_228778
UNIVERSAL
LIBRARY

OSMANIA UNIVERSITY LIBRARY
Call No. ت - ع / ۳۷۰۵۹ ف Accession No. ۳۵۷۶
Author عیسی صدیقی
Title تاریخ فرهنگ ایران در یکصد سال اخیر
This book should be returned on or before the date last marked below.

فارغ‌التحصیل از دانش‌سرای ورسای
لیسانسیه در ریاضی ازدانشگاه‌پاریس
دکتر درفلسفه ازدانشگاه کلمبیا (نیویورك)

[illegible] ماه ۱۳۳۶
چاپخانهٔ [illegible]گاه

فهرست مندرجات

فهرست تفصیلی کتاب
فهرست تصویرها ونقشه‌ها وجدولها
غلطنامه
دیباچه

فصل اول

آموزش وپرورش دریونان باستان

کشوریونان ـ مردم یونان ـ دوره‌های آموزش وپرورش
دورهٔ نخست (تا۴۷۹ پیش ازمیلاد)
دراسپارت ـ درآتن ـ دورهٔ تحصیل ـ برنامه ـ محسنات ومعایب
دورهٔ دوم (۱۴۶ - ۴۷۹ پیش ازمیلاد)
عصرطلائی ـ تحول از دورهٔ نخست بدوم ـ تغییرات بزرك ـ تفوق شخصی و انحطاط ـ آموزش عالی ـ سقراط ـ افلاطون ـ ارسطو ـ دانشگاه آتن ـ درخارج ازیونان ـ دانشگاه اسکندریه ـ خدمات یونان باستان

فصل دوم

آموزش وپرورش در روم

روم قدیم ـ اوصاف رومیها ـ نتیجهٔ امپراطوری روم ـ تربیت‌خانگی ـ دورهٔ تحول ـ نفوذیونان ـ دبستان ـ دبیرستان ـ آموزشگاه‌های‌سخنرانی ـ تحصیلات عالی ـ محاسن فرهنك روم ـ معایب فرهنك روم ـ خدمات روم

فصل سوم

ظهورمسیح وتأثیراودرآموزش وپرورش

مذهب رومیها ـ بنی‌اسرائیل ـ ظهوروانتشاردین‌مسیح ـ خدمات مذهب مسیح
آموزشگاههای مقدماتی ـ آموزشگاههای علوم دینی ـ خانقاهها

فصل چهارم

صفحه

آموزش وپرورش درقرون وسطی ۴۸

انحطاط روم ـ مهاجرت وهجوم‌ژرمنها ـ مشخصات قرون وسطی ـ خانقاه‌ها ـ شارلمانی وجنبش موقت فرهنك ـ اقدامات‌الفرد درانگلستان

ظهوراسلام وتأثیرآن درآموزش وپرورش ۵۷

صدراسلام ـ اخوان‌الصفا ـ رساله‌های‌اخوان‌الصفا ـ اهمیت‌بغداد ـ انتقال علوم باسپانی ـ فرهنك اسلامی دراروپای غربی

روش اهل مدرسه ۶۹

اهل‌مدرسه ـ موضوع هائی که بکارمیرفت ـ طرزبیان مطلب ـ چندکتاب ـ محاسن ومعایب روش اهل مدرسه

پرورش بزرگان ۷۵

دانشگاه‌ها ۷۶

اولین‌دانشگاه‌ها ـ امتیازات ـ سازمان ـ برنامه‌وروش ـ درجه‌ها ـ نظرانتقادی

فصل پنجم

تحول ازقرون وسطی بعصرجدید ۸۴

الف ـ جنبش فرهنك پژوهان درایتالیا ۸۷

پترارك ـ فرهنك یونان و کـریزولوراس ـ حمایت بزرگان ـ آموزشگاه مانتو ـ روابط فرهنك پژوهان با دانشگاه ها و کلیسا ـ انحطاط درپایان قرن پانزدهم

ب ـ جنبش فرهنك پژوهان درکشورهای مرکزی اروپا ۹۴

فرق جنبش مذکورباجنبش ایتالیا ـ درفرانسه ـ درکشورهای‌آلمان ـ اراسم آموزشگاه شاهزادگان ـ ژیمناز ـ در انگلستان ـ مدرسهٔ سن پل ـ نتیجهٔ جنبش دراروپای مرکزی وشمالی .

ج ـ جنبش دینی ۱۰۹

علل و مقدمات جنبش ـ لوتر ـ عقاید لوتر دربارهٔ فرهنك ـ کالون ـ هانری هشتم ـ آموزش وپرورش درکشورهای پرتستان ـ نتیجهٔ جنبش دینی

د ـ واکنش کاتولیکها ۱۱۸

شورای ترانت ـ یسوعی‌ها ـ آموزشگاه‌های یسوعی ـ اهمیت مدارس‌یسوعیها ـ ژانسنی‌ها ـ برادران‌مدارس‌مسیحی ـ مدارس مسیحی ـ فنلن وپرورش‌دختران ـ نتیجهٔ جنبش دینی وواکنش آن

صفحه

۱۲۸ **جنبش حقیقت جوئی یا جنبش علمی**

حقیقت جوئی - رابله - مونتنی - مولکاستر - میلتن

۱۳۵ جنبش علمی

علوم طبیعی و ریاضی در یونان و روم - ضدیت روحانیان - کپرنیك - کپلر - گالیله - نیوتن - پاراسلسوس - لاندمن - پالیسی - وسالیوس - بیکن - دکارت - کمنیوس - تأثیر جنبش حقیقت‌جوئی در مدارس

فصل هفتم

۱۵۳ **ورزش ذهنی - بسط قوای فکری - فلسفهٔ تعلیم زبانهای باستانی (لاتین و یونانی)**

مقدمه - اساس نظریه - علل پیدایش نظریه .. محاسن و معایب نظریه - جان‌لك - تربیت بدنی - تربیت اخلاقی - تربیت فکری - نظریهٔ ورزش ذهنی در کشورها - در انگلستان - در آلمان - در فرانسه - در امریکا

فصل هشتم

۱۶۳ **طبیعت دوستی - روسو**

طغیان قرن هیجدهم - زندگانی روسو - نخستین آثار او - امیل - بخش نخست - بخش دوم - بخش سوم - بخش چهارم - بخش پنجم - محسنات و معایب کتاب - خلاصهٔ افکار روسو - تأثیرات روسو - انتشار عقاید روسو - باسدو

فصل نهم

۱۷۹ **توجه بروان شناسی**

پستالزی - یتیم‌خانه - دربورگدورف - بنگاه ایوردن - عقاید پستالزی - نفوذ پستالزی - هربارت - زندگانی هربارت - روانشناسی هربارت - منظور از پرورش - برنامه - روش هربارت - نفوذ هربارت - فربل - نظریات اصولی فربل - روش فربل - برنامهٔ کودکستان - ارزش کار و عقیدهٔ فربل - عقاید فربل در اروپا و امریکا - نفوذ پستالزی و هربارت و فربل .

فصل دهم

۲۰۷ **توسعهٔ علوم طبیعی و ریاضی و ورود آنها بآموزشگاه**

توسعهٔ علوم و صنایع - تأثیر در آموزش و پرورش - هربرت اسپنسر - عقاید اسپنسر - هکسلی - دانشمندان دیگر - ورود علوم بآموزشگاه‌ها

فصل یازدهم

صفحه

در تأثیر اجتماعی آموزش و پرورش ۲۱۸

آموزش و پرورش درنظر زمامداران - درنظر پستالزی وهربارت و فربل - درنظرطرفداران علوم طبیعی - درنظر جامعه شناسان توسعهٔ فرهنك دراثرمردم دوستی واعتقادات مذهبی ۲۲۳

درآلمان - در انگلستان - آموزشگاه های بچگان - انجمن آموزشگاه های رسمی درامریکا - تأسیس مدارس رسمی

فصل دوازدهم

سازمان رسمی فرهنك آلمان ۲۲۸

مقدمه - دبستان - اصلاحات ۱۹۱۹ - دبیرستان - دانشگاهها - تغییرات دردورهٔ نازیها - بعدازجنك جهانی دوم - دورهٔ ابتدائی - دورهٔ متوسطه - آموزش فنی تعلیمات عالیه - تربیت معلم - آمار

فصل سیزدهم

سازمان فرهنك فرانسه ۲۴۵

دورهٔ ابتدائی - دورهٔ متوسطه - تعلیمات فنی - دانشگاهها - تمرکز اداری - جنبش اصلاح طلبی - آمار

فصل چهاردهم

سازمان فرهنك انگلستان ۲۵۸

قوانین مهم فرهنگی - قانون ۱۹۴۴ - وزارت فرهنك - حوزه‌های فرهنگی - آموزش ابتدائی ومتوسطه - حفظ دستگاه کهن - تعلیمات فنی - تربیت معلم - دانشگاهها - آمار

فصل پانزدهم

سازمان فرهنك آمریکا ۲۷۱

تاریخچهٔ مهاجرت بامریکا - قانون اساسی وفرهنك - هیئت مدیرهٔ فرهنك هر کشور - مدیر کل فرهنك هر کشور - ادارهٔ کل فرهنك هر کشور - حوزه های فرهنگی - حوزهٔ فرهنك شهرها - کمك‌های دولت مرکزی - منابع درآمد فرهنك - آغاز تعلیم عمومی - دستگاه آموزش و پرورش - آموزش همگانی - روش و برنامه . نظریات دیوئی - اهمیت فرد - تعلیمات متوسطه - روش علمی - تربیت معلم - تعلیمات فنی - دانشگاهها

فصل شانزدهم

صفحه

سازمان فرهنگ روسیه ۳۰۹

نکاتی از تاریخ روسیه - نظریهٔ پیشوایان کمونیسم- مشخصات عمده - سازمان اداری -- دستگاه تعلیم و تربیت - برنامهٔ ابتدائی و متوسطه - تعلیمات دینی - تعلیمات عالیه برای کارگران - تعلیمات فنی - مدارس عالی و دانشگاهها تربیت معلم - انجمن‌های خارج ازمدرسه - آموزش سالمندان .

فصل هفدهم

توجه بهنر و صنعت - تحولات کلی فرهنگ درقرن بیستم ۳۳۲

فهرست اصطلاحات فرهنگی ۳۳۹

مآخذ کتاب ۳۴۱

فهرست نامها ۳۴۵

فهرست تصویرها و نقشه‌ها و جدولها

	صفحه
نقشهٔ یونان باستان	۲
تخته‌حساب یونانیها	۷
سقراط	۱۴
افلاطون و ارسطو	۱۵
ارسطو	۱۶
نقشهٔ دانشگاههای یونان	۱۸
نقشهٔ ایتالیا	۲۳
نقشهٔ امپراطوری روم	۲۸
تخته حساب رومیها	۳۰
دبستان رومی	۳۱
نقشهٔ اروپا هنگام مهاجرت ژرمنها	۵۰
نقشهٔ عالم اسلامی	۶۳
مجلس درس آلبرت بزرگ	۶۶
تماس آکیناس	۷۲
کلیسای نتردام	۷۷
دانشگاه کیمبریج	۷۸
کلژ کالج	۷۹
پاپ گرگوار نهم	۸۷
پترارک	۸۹
اراسم	۹۹
اشتورم	۱۰۱
دمستن	۱۰۲
جان کلت	۱۰۴
آموزشگاه ایتن	۱۰۷
لوتر	۱۱۲
رابله	۱۳۰
مونتنی	۱۳۱

	صفحه
کپرنیك	۱۳۸
گالیله	۱۴۰
نیوتن	۱۴۰
فرانسیس بیکن	۱۴۲
دکارت	۱۴۴
کمنیوس	۱۴۶
الك	۱۵۶
مهرمدرسه	۱۶۰
روسو	۱۶۶
کاخ ایوردن	۱۸۴
پستالزی	۱۸۶
هربارت	۱۹۲
فربل	۱۹۸
اسپنسر	۲۱۱
هکسلی	۲۱۳
فیشته	۲۲۹
طرح مدرسهٔ اصلاح‌شده	۲۳۴
سازمان مدارس آلمان	۲۴۱
سازمان دبیرستانهای فرانسه	۲۴۹
سازمان مدارس فرانسه	۲۵۱
سازمان مدارس انگلستان	۲۶۷
سازمان مدارس امریکا	۲۸۶
ویلیام جیمس	۲۸۹
جان دیوئی	۲۹۱
ابراهام لینکلن	۳۰۱
دانشسرای عالی نیویرك	۳۰۶
پل منرو	۳۰۷
سازمان مدارس روسیه	۳۲۷

غلطنامه (۱)

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳۵	حاشیه	سیرفرهنك در	تاریخ فرهنك
٤۰	۱۰	۵۹۸	۵۸۸
٤۱	۱	ابتلات	ابتلاآت
۵۲	۲٤	درفلسطین	درمصروفلسطین
٦۰	حاشیه	اصلاحات	اصطلاحات
۱۰۹	۱۱	تباخ	تبلیغ
۱۱۸	۱	تنی	تنی چند
۱۲۱	حاشیه	Convictius	Convictus
۱۳۱	حاشیه (٤)	مردانست	مرداست
۱٦۸	۱۵	ایندوره امیل	دراینده‌وره امیل‌مایل
۱۹۵	٤	دربهرداو	دادبهردو
۲۰۲	۱۰	مادر را	مادر
۲۰۳	٦	انحاه	انحاء
۲۰۸	حاشیه (۱)	۱۸۳٦	۱۷۳٦
۲۱۱	حاشیه	Horbert	Herbert
۲۲۰	۸	انسانی	انسان
۲۳۳	حاشیه (۱)	Realymnase	Realgymnase
۲٤۰	حاشیه	Operstufe	Oberstufe
۲٤۷	٤	تحصیلات دورهٔ اول	تحصیلات
۲٦۲	۱۲	دبستانها	دبستانها ودبیرستانها
۲۷٦	حاشیه (۱)	دویست	دویست هزار
۲۸۰	۱٦	کشورها	کشورهاازمالیاتهای‌معارفی
۳۱۷	حاشیه	Niepolnya	Niepolnaya
۳۲۰	۲۳	پنکاهگاه	پناهگاه

(۱) تنها اغلاط فاحش دراینجا خاطرنشان شده است .

بنام پروردگار دانا و توانا

بیست وپنج‌سال است کـه در دانش‌سرای عالی چند کرسی برای علوم تربیتی تأسیس شده وتدریس تاریخ فرهنك بعهدهٔ من محول بوده‌است .

چهارسال ازاین مدت وظیفهٔ مذکوررا باسخنرانی انجام داده‌ام سپس کتابی بنام «تاریخ مختصر تعلیم وتربیت» تألیف کرده‌ام که تا ۱۳۳۱ متن درس بوده وسه‌بار تکمیل وچاپ شده‌است .

در سال مذکور کتاب جـامعتری در این رشته تألیف نمودم کـه در سلسلهٔ انتشارات دانشگاه تهران بنام «سیرفرهنك درایران ومغرب زمین» بطبع رسید ودر آبان ۱۳۳۲ منتشر گردید . در۱۳۳۵ نسخ آن تمام گشت ودانشگاه برآن‌شد که‌از نو آنرا بزیور طبع آراید . من نیز موقع را مغتنم شمردم وبا اضافات وتغییراتی دو کتاب مستقل ازآن ترتیب‌دادم : یکی «تاریخ فرهنك ایران» که درمهرماه۱۳۳۶ انتشاریافت ودیگر کتاب حاضر که اکنون بخوانندهٔ گرامی تقدیم میشود .

دراین کتاب نقائصی که در «سیرفرهنك» بنظرمیرسید درحدودامکان‌برطرف ساختم ـ مطالبی که مبهم می‌نمودروشن کردم ـ نکات تازه‌ای‌به‌بعضی‌ازفصول افزودم‌ـ سازمان فرهنك پنج کشور بزرك جهان را تکمیل وشرح معارف آنهارا بزمان حاضر رساندم .

گرچه این کتاب برای دانشجویان دانش‌سرای عالی ودانشکدهٔ ادبیات‌تألیف گردیده ولی اکنون که مجاهدت میشود باکمال سرعت از فرهنك اروپا و امریکا اقتباساتی بعمل آید وازطرق جدید تربیت استفاده شود برفرهنگیان است که امثال این کتابرا مطالعه کنند وازتجربیات مترقی‌ترین‌ملل جهان‌آگاه گردند ودرنقشه‌ها

وطرحها واقدامات خود از آنها بهره بر گیرند .

دراینجا باید تذکر دهم که اولا باوجود مشهودات شخصی دراروپا وامریکا مطالب ومندرجات این کتاب باستناد مآخذی است که صورت آنها درپایان مجلد داده شده ولی ازذکر مأخذ درحاشیه ومتن حتی‌الامکان خودداری کرده‌ام تاباعث تشتت حواس خواننده نشود . ثانیاً فهرست نامهای کتاب را آقای دکتر منوچهر افضل دانشیار تاریخ فرهنك تهیه کرده‌اند که ازاین جهت باید ازایشان تشکر کنم .

امیدوارم این کتاب بروشن شدن فکر طبقات مربی و آموزندهٔ مملکت کمك کند و سبب بهبود تعلیم وتربیت ایران گردد تامقصود ومنظوری که ازتألیف آن داشته‌ام برآورده شود و از عمری که دراین راه صرف کرده‌ام پیوسته خشنود و سرافراز باشم .

لویزان ـ ۱۶ آذر ۱۳۳۶

عیسی صدیق

فصل اول

آموزش و پرورش در یونان باستان

یونان باستان کشوری بود کوچك که هیچ نقطهٔ آن بیش از شصت کیلومتر از دریا فاصله نداشت . باوجود این بچندین شهرستان مستقل تقسیم شده بود که مهمترین آنها ازحیث تمدن شبه جزیرهٔ آتیك (۱) بود که پایتختش را آتن مینامیدند . در ازای این شبه جزیره بده فرسخ نمیرسد و پهنای آن از پنج فرسنگ تجاوز نمیکند .

تمام یونان شاید سه کرور جمعیت داشت مرکب از آزادگان و بیگانگان و بندگان. در آنزمان وسایل گذران عبارت بود از ماهیگیری و برزگری و دامپروری .

آب وهوای یونان معتدل است ـ زمستانهایش کوتاه وملایم و تابستانهایش خشك وسالم . ازیکطرف دریا و آسمان کبود وازطرف دیگر کوهستان و جنگل های کاج برزیبائی کشور میافزاید . دامنه وپایهٔ کوهها را درختان انجیر وزیتون و نارنج و لیمو و مو پوشانده منظره های فرح بخش بوجود میآورد و بینندگان را بستایش طبیعت میخواند .

ازلحاظ سیاسی یونان باستان تقریباً به بیست دولت تقسیم شده و هر دولت شهری داشت که مرکز فرمانروائی آن بود . افراد آزاد هردولت حکومت را در دست داشتند. مهمترین دول مذکور عبارت بود ازشبه جزیرهٔ آتیك که پایتخت آن آتن نام داشت ـ لاکونی (۲) که مقر حکومت آن اسپارت بود ـ بوئسی (۳) که شهر مهمش تب (٤) نامیده میشد .

---

(۱) Attique (۲) Laconie (۳) Boétie (٤) Thèbes

دربرخی ازاین دولتها حکومت ملی وجودداشت کـه بهترین نمونهٔ آن در آتن بود . دربعضی دیگرعدهٔ محدودی بردیگران حکمفرمائی داشتند .

تمام یونانیها خودرا ازدودمان هلن (۱) میدانستند وباهم یکزبان ویك کیش

یونان باستان

داشتند معذلك هردولت مستقل بود و تبعهٔ هریك دردیگری بیگانه بشمارمیرفت‌و نمیتوانست مثلا درآنجا مالك شود یا زن بگیرد . گاهی عده‌ای ازدولتهای مذکور باهم متفق میشدند چون هنگام لشکر کشی ایران (۴۷۹ ـ ۴۹۲ پیش از میلاد) و گاهی باهم منازعه وجدال داشتند . رشك ورقابت ودشواری ارتباط وتمایل آنها به منفرد زیستن موجب شده بود که دولتهای یونان باهم متحد نمیشدند و نفاق میان

(۱) Hellène. یونانیها کشور خودراهم Hellas می‌نامیدند .

آنها وجود داشت .

مردم یونان

شبه جزیرهٔ لاکونی را درحدودهزارسال پیش‌ازمیلادوشبه جزیرهٔ آتیك را بین ۸۰۰ تا۹۰۰ سال قبل ازمیلاد یونانیها مسکن خویش قرار دادند ودرحدود ۶۵۰ پیش ازمیلاد در سواحل شرقی‌مدیترانه توطن گزیدند. حکومت دردست طبقهٔ مخصوصی بود که‌افراد آزاد جامعه‌راتشکیل میدادندوعضوجامعه محسوب میشدند . عضویت جامعه ازراه ارث وپـرورش خاص حاصل میگشت . تنها عضو جامعه ممکن بود پایهٔ رسمی داشته باشد ـ ازخود در دادگاه دفاع کند ـ سمت مالکیت پیدا کند ـ درمجامع همگانی حاضرشود ـ در عیدهای مذهبی شرکت جوید . مذهب هم مختص این طبقه بود .

آموزش وپرورش نیزمنحصربپسران همین طبقه وبرای نگاهداری سلطه و حکومت طبقهٔ مذکور بود .

ازسال ۵۰۹ پیش‌ازمیلاد که‌یونانیهای شبه‌جزیرهٔ آتیك بیگانگانرا باشرائط معینی بعضویت جامعهٔ خویش پذیرفتند برشمارهٔ اعضاء جـامعه افزوده شد معذلك هشتادسال‌بعدیعنی‌در ۴۳۰ پیش‌ازمیلاد عدهٔ اعضاءجامعه‌ازچهل‌هزارتن‌تجاوزنمیکرد درصورتیکه ۱۵۰٫۰۰۰ بنده و ۱۰٫۰۰۰ بیگانه درآن شبه جزیره‌زیست‌می کرد .

مشاغل بندگان عبارت بود از نوکری ـ کارگری ـ ملوانی ـ شاگردی ـ لله گی‌ومانندآن . عده‌ای‌ازاین بندگان قبلا دردولتهای دیگریونان عضویت‌جامعه را داشتند ودرجنگهای داخلی باسارت گرفتار شده بودند .

در اسپارت شمارهٔ اعضاء جامعه بسیار کمتر از آتن بود و مشاغـل بندگان خیلی پست‌تر .

دوره‌های آموزش وپرورش

تاریخ آموزش وپرورش یونان باستان‌را میتوان بدو دورهٔ مشخص تقسیم کرد :

دورهٔ نخست اززمان قدیم تالشکرکشی ایران وپس‌نشینی

ایرانیان یعنی‌سال۴۷۹ پیش‌ازمیلاد . دورهٔ دوم‌را از۴۷۹بایدآغاز کرد وبسال۱۴۶ قبل ازمیلاد که‌یونان جزو متصرفات امپراطوری روم‌شد خاتمه داد.اطلاعات‌درست تنها راجع بآتن واسپارت دردست است . دراین دو کشور منظور ازپرورش این‌بود که پسران اعضاء جامعه را برای حکومت ودفاع ازمیهن آماده کنند .

دورهٔ نخست

(تا ۴۷۹ پیش ازمیلاد)

در اسپارت

لاکونی جلگه‌ای است که از اطراف کوهها آنرا گرفته و مردمان جنگجو ورشید میپرورانده است ولی بیشتر این مردم ازنعمت تربیت بهره‌مند نمیشدند بلکه پرورش منحصربود به پسران شایستهٔ کسانی که‌فرمانروائی داشتند. بندگان اغلب آرام نبودندوبوسیلهٔ زور آنهاراساکت نگاه‌میداشتند . فضائلی که موردتوجه بود نیرو - دلاوری - پایداری - میهن‌پرستی وفرمانبرداری بود. ارسطو گفته است که «اسپارت خودرابرای جنك آماده میکرد وبهنگام صلح مانند شمشیردرغلاف زنك میزد» ومقصودش این بود که ادب‌وهنر وعواطف واحساسات دراسپارتی‌ها نمونمیکرد. هنگام تولد اگرطفل‌را شورای‌ریش سفیدان ازلحاظ استخوان بندی ونیرومندی نمی‌پسندید در کوهها می گذاردند تا تلف شودواگرمورد پسندواقع میشد مادرموظف بنگاهداری اوبود ولی این‌وظیفه فقط تا رسیدن پسربسن هفت دوام داشت .

ازهشت تاهیجده سالگی پسررا درسربازخانه پرورش وویرا بتحمل‌سختی و مشقت عادت میدادند . خوراك وپوشاکش کم ورختخوابش سخت‌بود : کارهائی که بدو میآموختند عبارت بود ازدویدن - جستن - مشت زدن - کشتی - موزیك نظامی - توپ بازی- بکاربردن شمشیر - جنك کردن- سخنرانی موجزومختصر.

ازسن هیجده تابیست اورا برای جنگیدن‌آماده میکردند .

ازبیست تاسی‌سالگی هر کس باید درپاسگاههای مرزی بسربرد .

ازسی‌سالگی بعضویت جامعه پذیرفته میشدند ومجبور بودند زن بگیرند لیکن درسربازخانه زیست کنند وبپرورش کودکان اشتغال ورزند .

تربیت‌نظری وفکری‌اسپارتیها منحصر بودبه حفظ کردن‌قانونهای‌لیکورك[۱] ومنتخبات همر[۲]ـ شنیدن گفتگوی پیرمردان . دخترهارا تنهاازلحاظ تندرستی ونیرومندی تربیت میکردند تابچهای سالم وقوی‌بجامعه تحویل دهند .

ازآنچه گذشت بخوبی روشن است که اسپارت در ادبیات وعلوم وفلسفه و صنایع وسیاست خدمتی بعالم بشر ننمود .

درآتن

برای عضویت جامعه علاوه براینکه‌آتنی باید ازخانواده های مخصوص‌وافرادآزاد باشد میبایستی خواندن‌ونوشتن وموزیك وورزش بداند . آموزش وپرورش‌آزاد بود وروش القاء عقیده‌وجودنداشت. از اینرو دولت‌آموزشگاه تأسیس ونگاهداری نمیکرد بلکه بموجب قانون پدر موظف‌بود فرزند خودرابتحصیل گمارد واگربدین وظیفه‌عمل نمیکرد طفل‌مجبور نبود هنگام پیری پدر ازاونگاهداری کند .

آموزگاران پایهٔرسمی نداشتند وتنها ازماهانه‌ای که ازشاگردان‌میگرفتند گذران میکردند. درجامعه رتبه وحیثیت زیاد برای آنها قائل‌نبودند وفقط نسبت باستادان حرمت میگذاشتند . کسی که گم میشد میگفتند یامرده یاآموزگارشده وکلمهٔ آموزگارمطابق گفتهٔ اپیقور[۳] ازالفاظ ناسزا بوده است .

آموزشگاه‌ها ازبامداد تاغروب بازبود . تعطیل هفتگی وجود نداشت لیکن در سال نود روز عید میگرفتند و مدارس بسته بود . شاگرد بهمراهی لله که

---

(۱) Lycurgue پادشاه وقانون‌گذارمعروف که ظاهراً درحدود ۸۰۰ سال پیش ازمیلاد میزیسته است

(۲) Homère شاعرحماسه سراکه درحدود ۸۵۰ سال پیش ازمیلاد میزیسته است(کتاب ادبیات جهان تألیف ریچاردسن واون ـ صفحهٔ ۶۲) صاحب ایلیاد Iliade واودیسه Odyssée

(۳) Epicure حکیم نامی یونان (۲۷۰ ـ ۳۴۱ قبل ازمیلاد)

پداگوگ[1] می‌نامیدند وازبندگان بود ، بآموزشگاه میرفت وبرمیگشت .

روش آموختن انفرادی بود و آموزگار بهرشاگردی جداگانه درس میداد . آموزگار درس را میگفت وشاگرد ازبرمیکرد . تنبیه بدنی هم در آموزشگاه‌وهم درخانه معمول بود .

دورهٔ تحصیل

هنگام‌تولد اگربچه مورد پسند پدرنبود اورادر کوهستان میگذاشت تا تلف شود . اگربنظر وی شایسته‌و نیکو بود تاهفت سالگی درخانه پرورش می‌یافت . دراین سن پسررا ازدخترجدا میکردند . دخترازمادرخانه داری میآموخت وباوی همیشه دراندرون بود. دختران‌توانگران درزی گری‌وموزیك وبافندگی‌نیزفرامیگرفتند. ازسال‌هفتم پسررا بدوآموزشگاه میفرستادند: آموزشگاه موزیك‌وادب و آموزشگاه تربیت‌بدنی. طفل‌بخشی‌ازروزرا دراولی‌وبخش‌دیگررا دردومی‌بسرمی‌بردیایکروزدراولی‌بود وروزدیگردر دومی.

ازشانزده تاهیجده سالگی جوانها به‌ژیمنازی میرفتند که ازطرف دولت‌برپا شده بودوآنهارا برای خدمت‌نظامی حاضرمیکرد . پس ازآن دوسال صرف‌خدمت نظامی میشد ـ سال اول درآتن سال‌دوم در مرزها . ازاینرو دورهٔ تحصیل دربیست سالگی بپایان می‌رسید .

برنامه

چنانکه در فوق اشاره شد خواندن و نوشتن وموزیك و ورزش اساس برنامه بود . مختصری نیزشمارمیآموختند . بجای عدد که ازقرن نهم میلادی‌ازایران باروپا رفت حروف الفبا را بکار میبردند.

---

(۱) Pédagogue ـ واژهٔ پداگوژی Pédagogie که در زبانهای اروپائی بمعنی اصول آموزش وپرورش آمده ازهمین کلمه مشتق است . فقط درقرن حاضر این رشته بسط حاصل کرده ودرائر تحقیقات و تتبعات امریکائیها و اروپائیها بشعب مختلف تقسیم‌شده ودرردیف‌دروس‌عالی‌قرار گرفته‌است‌ودردانشگاهها‌منزلت پیدا کرده ومجموع آنها بعلوم تربیتی موسوم شده است .

هر حرف‌ارزش معینی داشت (۱) وروی حروفی که بدین طریق بکار میرفت علامت مخصوص می گذاردند . محاسبه راباانگشت یاروی تخته انجام میدادند که شکلی از آن درذیل چاپ شده است :

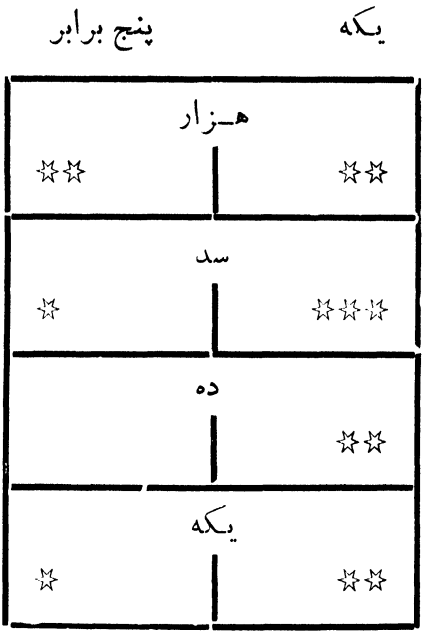

تخته حساب یونانیها

ستاره‌هاعلامت ریگهائی است که باندازه‌ها یارنگهای مختلف برای‌هرمرتبه بکارمیبردند ووضع آنهادرروی‌تخته مقدارآنهارا معین‌میکرد . تختهٔ بالاعدد ۱۲۸۲۷ رانشان میدهد.

همینکه کودك خواندن را یادگرفت وی را بخوب خواندن عادت میدادندو مجاهدت میشد که آنچه اطفال میخوانند نمایش دهند وازاینجاست که‌نمایشگران

---

(۱) مانند ارزشی که حروف ابجددر ادبیات فارسی‌داردوشعرا ازآن ماده تاریخ میسازند چنانکه‌مثلا جامی برای تاریخ تولد ظهیرالدین‌بابر که بعدها بپادشاهی‌هندوستان رسید فرموده :

چون درشش محرم زادآن شه‌مکرم تاریخ مولدش هم‌آمد شش‌محرم

شش محرم بحساب ابجد میشود ۸۸۸

خوب دریونان بوجود آمده‌اند .

کتاب درس‌وجود نداشت و آموزگارمطالب‌را جزوه میگفت.نخستین کتابی که بدین ترتیب مینوشتند ومیآموختند ایلیاد(۱) واديسهٔ(۲) همربود سپس اشعار هزیود(۳) وتهاوگنیس(٤) وحکایات وافسانه‌های ازوپ(٥).موزیك‌توأم‌بودباخواندن وبمنظور تحریك احساسات اخلاقی ومیهنی تعلیم میشد . زدن چنگ را نیز ضمن موزیك میآموختند واشعار وغزلیات را بآواز میخواندند . دراعیاد مذهبی آتنی ها بالاجماع میخواندند و درس موزیك برای آن داده میشد که ازعهدهٔ آواز گروهی برآیند . بعلاوه موسیقی برای کودکان تفریح ولذت روحی دارد ودرس را جالب میکند و بواسطه نمایش‌نیك‌وبد و زیباوزشت در شنونده خوشی‌یا درد پدید آورد وموجب‌تهذیب اخلاق واعتلای روح گردد .

اشتغال جستن‌بموزیك وورزش یعنی آنهاراپیشه وشغل قرارندادن‌بنظرجامعه خوب نمی‌آمد ومختص بطبقهٔ بنده بود .

ورزش‌را برای این می‌آموختند که رشد اعضا وجوارح کودك متناسب‌باشد. اقسام‌آن عبارت بود از جستن بـرای بسط و رشد تن وسینه ـ مسابقه دو بمنظور چابکی واستقامت ـ پرتاب کردن صفحه‌برای ورزیدن‌دست وبازو ـ انداختن‌ژوبین جهت آموختن شکار ـ مشت زنی و کشتی برای چالاکی و تسلط برنفس ـ شنا و رقص فردی یا گروهی بهمراهی موزیك برای‌آموختن حرکات موزون .

---

(۱) Iliade که از کلمهٔ Ilion مشتق‌است و آن نام‌شهری بود که در پیرامون آن‌بین‌یونانیها و اهالی تروا Troie (که اسم دیگری است از ایلیون) کارزار صورت گرفته است . درمحل ایلیون اکنون شهرحصارلی است (درترکیه) .

(۲) Odyssée

(۳) Hésiode (شاعرقرن نهم پیش ازمیلاد)

(٤) Théognis (شاعرقرن ششم پیش ازمیلاد)

(٥) Esope (افسانه نویس قرن هفتم پیش ازمیلاد)

محسنات و معایب

سه عیب عمده در آموزش و پرورش یونان باستان موجود بود . نخست آنکه مختص بعدهٔ محدودی بود که طبقهٔ آزاد و اعضاء جامعه مینامیدند و دیگر طبقات که شمارهٔ آنها بسیار افزونتر از اعضاء جامعه بود از نعمت تحصیل محروم بودند . دوم اینکه برای دختران همین طبقه نیز ترتیباتی منظور نشده بود که آموزش و پرورش آنهارا تأمین کند . عیب سوم این بود که بسیار موضوعهای قابل انتقاد در دستگاه تربیت آنها وجـود داشت چون تلف کردن بچگانی که مورد پسند واقع نمیشدند ـ عیاشی و تجمل خواهی و هوس بازی طبقهٔ آزاد ـ تحمیل تمام زحمات و مشقات بر طبقات دیگر جامعه و مانند آن .

ازمعایب مذکور گذشته محسنات عمده درطرز تربیت آتن موجود بود .

برای نخستین بار در تاریخ بواسطهٔ این ملت روح آزاد منشی وحکومت ملی وتجدد در دنیا ظهور کرد ـ برای مرتبهٔ اول ملت یونـان طوری وسایل زندگانی را فراهم نموده بود که فرهنگ ملی وتمدن معنوی میتوانست روزبروز پیشرفت و توسعه حاصل کند .

تعلیم وتربیت یونان عملی بود وطرقی که اتخاذ میشد جالب وجاذب. منظور از آموزش و پرورش در آتن عبارت بود از ترس از خدایان ـ درستکاری ـ تنفر از راحتی ـ فرمانبرداری از قوانین ـ احترام نسبت بدیگران بویژه بزرگـان و خردمندان .

مدت دویست سال این نوع آموزش و پرورش ادامه داشت و اشخاصی را پرورش داد که هیبت و عظمت دولت هخامنشی نتوانست آنهارا از پای در آورد و مغلوب لشکر ایران کند.

دورهٔ دوم

(۴۷۹-۱۴۶ پیش ازمیلاد)

بگفتهٔ مورخان یونانی لشگر کشی ایران بیونان بیش از یازده سال بطول انجامید. کامیابی یونانی ها درجنگ ماراتن (۴۹۰ پیش ازمیلاد) وسالامین (۴۸۰ پیش از میلاد) وپلاته (۴۷۹ پیش ازمیلاد) موجب دلاوری آنها گردید ونیروی آنان را بـر خودشان ظاهرساخت . درنتیجهٔ توفیق مذکور مدت پنجاه سال ترقیات عظیمی از

لحاظ سیاسی وادبی وهنری دریونان بظهور پیوست که مانندآن دردنیا دیده نشده است . دراین‌مدت بواسطهٔ فداکاری‌های قبلی شبه جزیرهٔ آتیك (مانند تخلیه وترك آتن وسوزاندن آن ازطرف ایرانیها) آتن ازلحاظ سیاسی‌ومدنی پیشوای دیگردول یونان گردید .

عصر طلائی
۴۳۱ ـ ۴۷۹
پیش ازمیلاد

عصری که پس ازعقب نشینی ایرانیان دریونان بوجودآمد معروفست بعصرطلائی یاعصرپریکلس [۱] . درهر رشته‌از اموراشخاص برجسته‌ای‌پیدا شدند که موجب افتخاریونان باستان هستند . درکارسیاست وحکومت تمیستوکل [۲] و پریکلس ـ درهنرهای‌زیبافیدیاس [۳] ومیرون [۴] ـ درتاریخ‌هرودوت وتوسیدید [۵] درنمایش وتعزیه‌اشیل [۶] وسفکل [۷] ـ درنمایشگری وبازی وتقلید و هنرپیشگی آریستفان [۸] از نامداران جهان هستند . متأسفانه حسادت اسپارت نگذاشت این عصر ادامه یابد وجنگهای معروف پلوپونز [۹] آغاز وموجب خرابی همهٔ یونان‌شد. دولت آتن ازلحاظ سیاسی ازمیان رفت لیکن ادب وهنرآن باقی ماند .

تحول ازدورهٔ نخست بدوم

چنانکه درصفحات قبل مذکور افتاد پیش از لشگرکشی ایران‌در۵۰۹ قبل‌ازمیلاد دولت آتن شرایط عضویت‌جامعه راآسان نمود و منحصرنکرد بکسانی که از خانواده های مخصوص باشند و بطرز خاصی تربیت شوند بلکه بازرگانان نیز بعضویت پذیرفته گشتند و در نتیجه بر نفوذ و جمعیت شبه جزیرهٔ آتیك افزوده شد. همینکه در

---

(۱) Périclès (۲) Thémistocle
(۳) Phidias (۴) Myron
(۵) Thucidide
(۶) Eschyle (۷) Sophocle
(۸) Aristophane
(۹) Péloponèse نام شبه جزیرهٔ جنوبی یونان است که لاکونی جزئی از آن است

جنگهای باایران(بقول مورخین یونان) کامیاب شدند نفوذشبه جزیرهٔ مذکور زیادتر گردید - بازرگانی رو بفزونی گذاشت - سفارتها با کشور های دیگر مبادله شد - آتنی‌ها باطراف مدیترانه مسافرت کردند - برشمارهٔ بیگانگان درخاك یونان افزوده گشت ودر نتیجه نسبت بعقاید واصولی که موجود بود نظریات تازه پیدا شد . ادبیات وفلسفه مورد توجه واقع گردید .

تاآنزمان حکما راجع بعالم صوری وظاهری نظریاتی ابراز کرده ودرمقام این بودند که منشأ وریشهٔ اصلی موجودات را پیدا کنند . طالس که در ۵۴۸ پیش ازمیلاد درگذشت منشأ تمام موجودات را آب میدانست - انکسیمانوس[۱] معتقد بود که موجودات از هوا مشتق شده - هرقلیطوس[۲] تصورمیکرد همه چیزازآتش بوجودآمده - فیثاغورث که بایران مسافرت کرده وازدانشمندان آن بهره‌مند شده و در ۵۰۰ قبل ازمیلاد درگذشته است عدد را منشأ اصلی موجودات می‌پنداشت . از این ببعد حکما ومتفکران بعالم باطنی واحساسات وعواطف بشری توجه کردند و درفلسفه واخلاق ومنطق تتبعاتی نمودند .

روی‌هم رفته تغییرات کلی درافکار وسیاست وراههای پیشرفت پدیدآمد که محتاج بطرز جدیدی درآموزش وپرورش بود . دراین عصرتازه برای اینکه هر فرد مقامی که شایسته است احراز کند می‌بایست راجع بمسائل سیاسی و اقتصادی واجتماعی بتواند بحث کند - درمیدانگاهها و دادگاه‌ها قادربه سخنرانی باشد - اجتماعات ملی را بوسیلهٔ خطابه های شیرین بخود جلب نماید - در هیئت های اعزامی بخارجه بتواند کارمند شود - شمارهٔ بسیاری رأی برای خود تهیه نماید ... ازاینرو آموزش وپرورش دورهٔ نخست دیگربسنده نبودوبرای زندگانی نومیبایستی ترتیبات نواتخاذ گردد .

---

(۱) Anaximène (وفات در۵۲۴ پیش ازمیلاد)

(۲) Héraclite (متوفی در۴۷۵ قبل ازمیلاد) که معتقدبه‌عدم ثبات و بقا است وآتش‌راکامل‌ترین مظهر بی‌ثباتی میداند وعالم رابرودی تشبیه کرده که جاری و هرآن متغیر است

تغییرات بزرگ

این بود کـه رفته رفته تغییراتی نسبت بدورهٔ نخست بعمل آمد. ورزش های دورهٔ اول آسان‌تر ودلپسندترشد. بجای مشقهای نظامی کـه برای خدمت بدولت میآموختند ورزش های تفریحی معمول گردید. کتاب های درس تبدیل بکتابهای تازه شد که نسبت بگذشته کمترجنبهٔ دینی داشت. آلات نوین موزیك جای چنگ را که هفت سیم داشت گرفت. آموزش وپرورش بیشتر جنبهٔ نظری پیدا کرد. هندسه ورسم جزوبرنامه شد. صرف و نحو ومعانی وبیان وسخنرانی مورد توجه واقع گشت. چهارسالی کـه ازسن ۱۶ تا ۲۰ صرف تربیت بدنی‌ونظامی میشد صرف تحصیل وامور فکری شد. معلمان تازه‌پیدا شدندبنام‌سوفسطائیان که کودکان‌رابرای‌مشاغل‌سیاسی آماده‌میکردندوچون‌مشاغل سیاسی بوسیلهٔ‌جلب افکارهمگانی‌بدست میآمدبسیاری‌ازجوانان نزدمعلمان مذکور رفتندتاطرزجمله‌بندی ـ انتخاب‌واژه‌ها ـ معانی‌وبیان ـ تجزیه‌وترکیب رابیاموزند.

درحدود سال ۳۵۰ پیش ازمیلاد سه مرحله ممکن بوددرآموزش و پرورش یونان تشخیص داد. مرحلهٔ نخست: دورهٔ ابتدائی که ازهفت هشت‌سالگی آغاز وتا سن سیزده ادامـه داشت وشامل خـواندن ونوشتن وحساب وآواز بود. معلم آن آموزشگاه گراماتیست(۱) نام داشت. مرحلهٔ دوم: دورهٔ متوسطه که از سیزده تـا شانزده سالگی‌بطول میانجامید وبرنامهٔ‌تحصیل عبارت‌بود ازهندسه ورسم وموزیك. بعدهاصرف ونحووم‌عانی‌بیان نیزبدان‌افزوده‌شدومعلم‌این‌مدرسه‌را گراماتیکوس(۲) میگفتند. مرحلهٔ سوم: دورهٔ عالی که ازسن شانزده ببعدتعقیب میگردید.

تفوق شخصی وانحطاط

جنگهای پلوپونز که از ۴۳۱ تا ۴۰۴ پیش از میلاد میان آتن و اسپارت ادامه داشت وبواسطهٔ کمکهای ایران بـه پیروزی اسپارت پایان یافت موجب خرابی و انحطاط تمام یونان شد. میل به‌پیشرفت شخصی وتفوق فردی که درآموزش وپرورش ظاهرشده

---

(۱) Grammatiste

(۲) Grammaticus

بود وبواسطهٔ سوفسطائیان تعلیم میگردید درتمام شئون اجتماعی پدیدآمده بود . گزنوفون (متوفی در۳۶۲ پیش ازمیلاد) در «کورش نامه» کـه چگونگی تربیت کورش‌را شرح‌داده ـ افلاطون در کتاب «جمهوری» ـ ارسطودر کتابهای «اخلاق» و «سیاست» ـ زینون وابیقورهریك طرز نوی برای آموزش وپرورش وبهبودی کار یونان پیشنهاد کردند ولی کوشش آنها بیهوده ماند . هر کس تنها بفکر ترقی و پیشرفت خود افتاد وخدمت بکشور ودولت تابع منافع شخصی شد . چون شخص‌را فوق جامعه پنداشتند دیگرپای‌بند اصول‌اخلاقی‌نشدند ودرنتیجه اخلاق‌خانوادگی رو به پستی نهاد وبالاخره دولت هم روبفساد گذاشت تا ۳۳۸ پیش از میلاد فیلیپ مقدونی یونانرا تصرف نمودوجزو امپراطوری خویش کرد . بسال ۱٤٦ قبلاازمیلاد یونان بدست رومیها افتاد ویکی ازبخشهای امپراطوری روم گشت .

شگفت‌آور آنکه یونان پس ازمغلوب شدن برغالبان خوددرعالم معنی فائق آمدودرهنرهای زیباوادبیات وفلسفه وعلوم‌نمونه‌های برجسته وشاهکارهائی‌بوجود آورد که نفوذآنرا درتمام کشورهای مدیترانه تأمین کردویکی‌ازارکان عمدهٔ تمدن فعلی مغرب زمین گشت و ازآنجا بتمام دنیا انتشار یافت کـه دراین فصل برسبیل اختصار ازآن ذکر خواهد شد .

آموزش عالی

سوفسطا در یونانی بمعنی دانشمند وخردمندآمده ونامی است که طبقه‌ای از معلمان برخود نهادنـد . ایـن طبقه چنانکه گفته شد فکر منافع شخصی وپیشرفت فردی را ترویج میکردند و مدعی بودند که هر کس را میتوانند قادر باستدلال وسخنرانی وجلب توجه مردم کنند و دراین قسمت چندان مبالغه مینمودند که میگفتند شاگردرا ممکن است آنگونه پرورش داد کـه بتواند در آن واحد برله وبرعلیه موضـوع معینی سخن گـوید . سوفسطائیان‌بملاحظهٔ اسم‌دانشمند که‌برای‌خویش‌برگزیده بودندو بملاحظهٔ ترویج منافع‌شخصی‌وگرفتن ماهانهٔ گزاف ازشاگرد بعنوان‌اینکه وی را شایستهٔ‌سخنوری کنند و بواسطهٔ پرداختن بمجادله مورد انتقاد ومـلامت علمای واقعی و حکمای

حقیقی قـرار گرفتند بطوری که بعد ها کلمهٔ سفسطه معنی مذموم پیدا کـرد و مرادف بامغالطه شد .

چنانکه درصفحهٔقبل ذکرشدهریك ازاین حکمای حقیقی سعی کردنـدبرای فسادی که در کشوربظهور پیوسته بودازطریق فلسفه راه حلی برای مسائل و مشکلات زندگانی پیدا کنند که بطورمختصر نام ونظریهٔبزرگترین آنان دراینجاذکرمیشود.

سقراط

سقراط سر دستهٔ این حکمای حقیقی بود و کوشش نمود مردم را ازفکرمنافع شخصی وخودخواهی منصرف کند و متوجه حقیقت سازد . چون بازگشت بآموزش وپرورش دورهٔ نخست وآماده کردن افراد برای خدمت بجامعه و دولت غیرمقدور بود سقراط مجاهدت نمود اساس تازه‌ای برای تربیت بریزدو **فضیلت و اخلاق شخصی** راشالودهٔ آن قرار دهد . بعقیدهٔ او آدمی جویای سعادت است وسعادت اوبسته بسعادت اجتماع. هر کس وقتی سعادت را درك میکند که وظائف خویش را نسبت بافراد جامعه نیکوانجام دهد . برای رسیدن باین مقصود و تشخیص نیك از بد انسان باید دانا باشد بنا براین اساس رفتار و اخلاق دانش است و حکمت. روش آموختن او از راه گفت‌وشنود باجوانان‌بود ـ در هر رهگذر که آنهارا میدید .درسیاست وحکومت معتقد بتزریق و پرورش فکر بود نه‌قوهٔ قهریه وزور . در نتیجهٔ بیدار کردن مردم دشمنانی پیدا کـرد که در ۳۹۹ پیش ازمیلاد اورا در ۷۱ سالگی بجرم گمراه کردن جوانان آتن محکوم بمرگ وهلاك نمودند .

سقراط
(۳۹۹–٤٦۹ پیش از میلاد)
از روی مجسمهٔ نیم تنه که در موزهٔ واتیکان در روم موجود است

افلاطون
۴۲۹-۳۴۸
پیش از میلاد

بزرگترین شاگرد سقراط بود که بواسطهٔ دلبستگی بفلسفه از مشاغل سیاسی کناره گیری کرد. شخصی بود توانگر و اطلاعاتی که راجع به آراء وافکار سقراط در دست میباشد توسط او رسیده است. در ۳۸۶ قبل از میلاد درباغ شخصی که آکادموس (۱) نام داشت آموزشگاهی برپا نمود و قریب چهل سال در آن بتدریس وتألیف پرداخت. آموزشگاه مذکور را آکادمی (۲) نامیدند وعبارت بود ازجامعه‌ای ازاستاد ودانشجو که مشترکاً

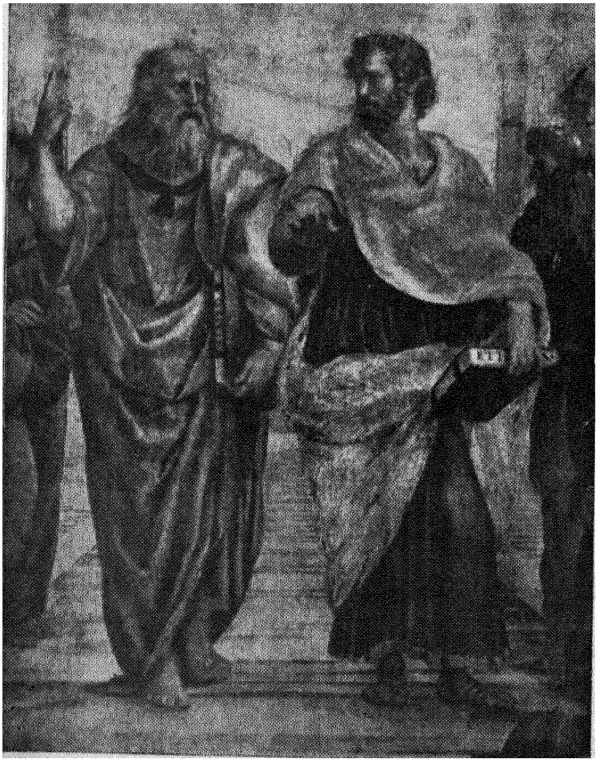

افلاطون وارسطو درمدرسهٔ آتن
اثر رفائل نقاش شهیرایتالیائی (۱۵۲۰-۱۴۸۳) درموزهٔ واتیکان

(۱) Académus

(۲) Académie - اروپائی‌هاوامریکائی‌ها کلمهٔ اکادمیرا بامعنی های مختلف برای بنگاههای معارفی اخذکردند مانند حوزهٔ فرهنگی - فرهنگستان - دبیرستان - کلاسهای برزخی بین متوسطه وعالی ومانندآن.

نمازخانه‌و کتابخانه واطاق‌های درس داشتند . برنامهٔ تدریس شامل‌فلسفه‌وریاضیات وعلوم طبیعی بود وزنان ومردان حق ورود داشتند. آثار کتبی اودرحدودسی‌رساله است که‌مهمترین آنرادرمملکت ما «سیاست» نامند واروپائیان آنرا «جمهوریت» (۱) خوانندوحاوی نظریات اودرباب تعلیم وتربیت است . دراین کتاب افلاطون معتقد است که باایجادسوسیالیسم اشرافی فضیلت وعدالت دریونان برقرارخواهدشدوفساد موجود ازمیان خواهد رفت .

ارسطو
۳۲۲ - ۳۸٤ پیش‌از میلاد

ازشاگردان افلاطون بود که در ۳۳۵قبل‌ازمیلادمدرسه‌ای بنام لیسه(۲) باز نمود واطلاعات و معلومات زمان خود را ترکیب وتألیف کردونخستین حکیمی‌است که‌علم‌ودانش‌را تنظیم‌وطبقه‌بندی کردومنطق‌وتاریخ‌فلسفه‌وتاریخ طبیعی‌راوضع‌وتدوین‌نمودوبهمین جهت‌است که‌اورا **معلم‌اول** نامیده‌اند.بواسطهٔ کتب‌متعددی که‌نوشته‌وبزبانهای‌فارسی‌و عربی‌ترجمه‌شده‌وقریب دوهزارسال مدارمعرفت‌وحکمت بوده شهرت‌اودرایـران و مشرق زمین بیش ازاستادش میباشد . چنانکه درفوق اشاره شد نظریات اودر کتاب «اخلاق» و «سیاست» راجع بفرهنك تشریح شده وآموزش پرورش راوسیلهٔاصلاح مفاسد ومعایب یونان و اجرای آنراازوظایف دولت دانسته است .

ارسطو
(۳۲۲ – ۳۸٤ ق. م.)

دیگرازحکمائی که‌معروفندزینون(۳) مؤسس‌مکتب رواقیان (٤)میباشدکه در۳۰۸ قبل ازمیلاد بایجاد آن موفق شد .

پیروان او در رواقی درشهر آتن جمع میشدندومعتقدبودند که‌عقل‌بایدبراعمال‌انسان حاکم باشد وانسان باید از شهوات ونفسانیات دوری‌جوید ونفس‌را مغلوب‌عقل کند وخودرا

(۱) La République (۲) Lycée (۳) Zénon
(٤) Stoïcisme

ازعلائق مادی رهائی بخشدتا آزاد ووارسته باشد. بعقیدهٔ زینون خوشی و سعادت امر باطنی وعبارتست از آرامش و خرسندی خاطر .

چون رواقیان درزندگانی روزانه اصول مذکوررا رعایت میکردند و بکار می‌بستند به بی‌عاطفه گی وبیحسی وبیدردی معروف شده‌اند .

پنجمین حکیمی‌راکه باید نام برد ابیقوراست که در۳۰۶ قبل ازمیلاد اقدام بتأسیس مدرسه کرد. بعقیدهٔ وی انسان‌سعادت راازادراك لذت حاصل‌میکند وفلسفه برای تشخیص نوع این لذت است .

لذت‌باید معنوی‌باشد نه‌مادی وبهمین جهت ازمال‌وجاه بایدچشم‌پوشیدو بر نفس‌تسلط‌پیدا کردوبقناعت ودرویشی زندگی نمود تاآسایش‌خاطرفراهم گردد.

جمعی از عوام که نسبت بفلسفهٔ ابیقور اطلاعی نداشتند بر خلاف حقیقت او و پیروانش‌را عیاش وخوش گذران خواندند وبدین اوصاف آنانرا مشهورساختند.

دانشگاه آتن

درنتیجهٔ تغییراتی که دردورهٔدوم آموزش وپرورش‌دریونان بوقوع پیوست وظهورسوفسطائیان تربیت‌بدنی که‌ازشانزده تاهیجده سالگی بعمل میآمدمبدل بتحصیل شد . پس ازتسخیر آتن ازطرف‌مقدونیه (درسال۳۳۸ قبل‌ازمیلاد) دوسال خدمت نظامی که جوانان‌آتن از هیجده تا بیست سالگی میکردند دیگرمورد نداشت .آتنی ها که نفوذ سیاسی خودرا از دست‌داده بودند سعی‌نمودند ازلحاظ ادبی‌وفلسفی توجه همه‌را بخودجلب کنند ازاینروبجای دورهٔ خدمت نظامی حضور درآموزشگاه های فلسفه راکه پس‌ازسقراط‌بوجودآمد اجباری کردندوحضور درآموزشگاههای سخنرانی‌راکه درنتیجهٔ زحمات‌ایسقراط (۳۳۸-۴۳۶ پیش‌ازمیلاد) سردستهٔ سوفسطائیان برپا شده بود اختیاری نمودند .

چیزی نگذشت که شورای‌آتن برای‌آموزشگاه‌های فلسفه اعانه معین کردو بدین‌ترتیب برشمارهٔ استاد ودرس افزوده شدسپس آموزشگاه‌های سخنرانی‌وفلسفه را باهم مخلوط نمودند وسالهای تحصیل را ازدوبشش وهفت‌سال رساندندبطوریکه درحدود ۲۰۰ سال قبل ازمیلاد مؤسسه‌ای بوجودآمدکه ازلحاظ استاد و دانشجو

شبیه بحوزهٔ علمیه بودوبنام دانشگاه آتن معروف وموسوم است

مدت سیصد سال این دانشگاه مرکز تحصیل بود وتاقرن ششم میلادی نیز وجود داشت تا بالاخره ژوستی نین[۱] امپراطور روم شرقی آن رابعنوان اینکه جای تبلیغ وتعلیم پرستش خداوندان یونانی است تعطیل نمود .

درخارج از یونان

جهان گشائی اسکندر مقدونی موجب شد که مدیترانهٔ شرقی وآسیای غربی درزیر یك لوا درآمد ویك زبان درآنها رواج حاصل کرد ومعلومات وقوانین یکی شد . اسکندر شهر ها برای نگاهداری

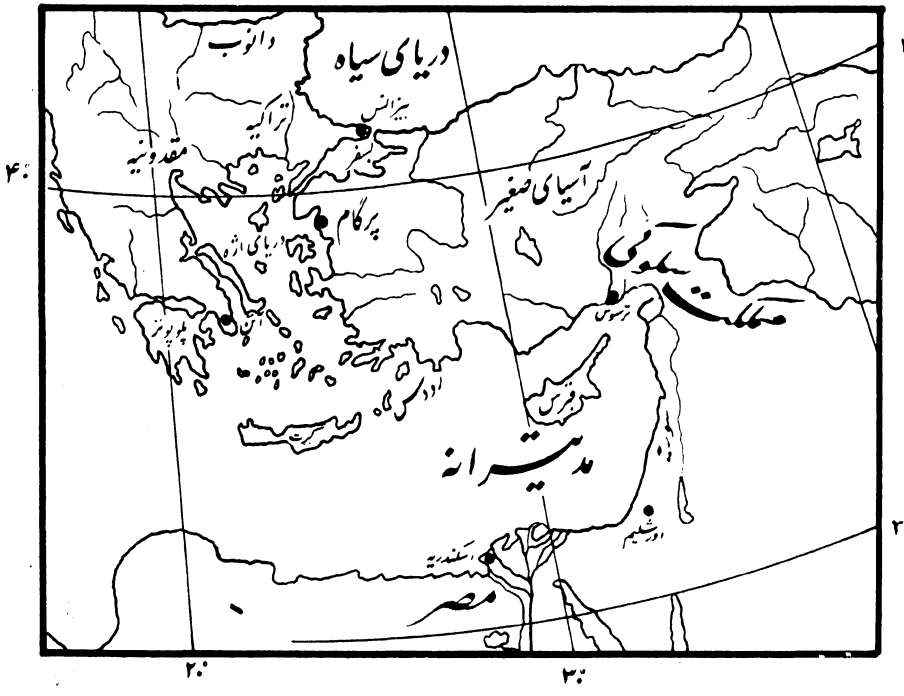

دانشگاههای یونان

امپراطوری خویش تأسیس کرد که موجب بسط وتوسعهٔ فرهنك وتمدن یونان شدزیرا درتمام آنها آموزشگاه وتماشاخانه وگرمابه ودیگر بنگاههای یونانی برپابودوبزبان یونانی سخن میگفتند . درعقب آرتش اسکندر فیلسوفان ودانشمندان ومعماران و

(۱) Justinien (که از ۵۲۷ تا ۵۶۵ میلادی سلطنت کرد)

هنرپیشگان وبازرگانان یونانی‌حرکت میکردند وتمدن یونانی را درنقاط‌مختلف امپراطوری شایع مینمودند. دانشگاه یونانی درپرگام[۱] در شمال ازمیرکنونی وتارس [۲] یاترسوس درکنارمدیترانه مقابل جزیرهٔ قبرس و در جزیرهٔ رودس و اسکندریهٔ مصر برپا گردید.

در پرگام کتابخانهٔ معتبری تأسیس شد ودرآنجا بود که جالینوس معروف درنیمهٔ قرن دوم‌میلادی معلومات پزشکی را جمع آوری و کتابی دراین‌باب تألیف کرد که بیش ازهزارسال کتاب درسی بود.

جزیرهٔ رودس در دریـای اژه بواسطهٔ تعلیم سخنرانی شهرت بسیار داشت و اشخاص نامی بزرگ مانندکاسیوس [۳] و قیصر وسیسرون [٤] در آنجـاسخنرانی آموختند.

دانشگاه اسکندریه دانشگاه اسکندریه ازهمهٔ دانشگاههای دیـگر مهمتر و معتبرتر بود ورفته رفته برعظمت‌آن افزوده‌شد تادانشگاه آتن راتحت‌الشعاع قرارداد ومرکزادبی وعلمی دنیا گشت. دانشگاه مذکور شامل دومؤسسه بودیکی کتابخانه ودیگری‌موزه. آورده‌اند که کتابخانهٔ بزرگ‌هفتصدهزار جلد کتاب بزبان عبری ویونانی ومصری وایرانی وسریانی داشت.

در موزه پژوهندگان بخرج دولت بکارتتبع وبررسی میپرداختند. مجموع دوبنگاه مذکوررا بواسطهٔ شباهتی کـه بحوزهٔ علمیه داشته دانشگاه اسکندریـه خوانده‌اند.

دراسکندریه ملل مختلف ازیونانی و رومی وایرانی و کلیمی با هم محشور شدند ودین ها ومذهب ها وطریقت های مختلف فلسفی با یکدیگرمواجه گردید

---

(۱) Pergame

(۲) Tarse

(۳) Cassius سردار رومی که بسال ٤۲ پیش ازمیلاددرگذشت.

(٤) Cicéron سخنران وسیاستمدارورومی (٤۳ - ۱۰٦ پیش ازمیلاد)

ودرتمام اینها زبان یونانی وسیلهٔ بیان وتقریر وتعلیم بود .

پیشرفتهاوترقیاتمهمی کهدراسکندریه صورت گرفت در ریاضیاتوجغرافیا وعلومطبیعی بود. روشتحقیقوتتبع کهارسطوپیدا کرده بوددر آنجامعمول گردید .

بجایتفکروتأمل دربارهٔ آثارطبیعی چنانکه دردورهٔ نخست آموزشوپرورش یونان متداول بود مشاهده و آزمایش وتجربه مبنای کارشد . اقلیدس (۲۸۳-۳۲۳ پیشازمیلاد) بسال ۳۰۰پیش ازمیلاد آموزشگاهی دراسکندریه باز کردوهندسهای تصنیف نمود که درمدارس دنیا معمولست . ارشمیدس (۲۱۲ - ۲۸۷ پیش ازمیلاد) که شاگرد اقلیدس بود درمکانیك وفیزیك کشفیاتی کرد که بعضی از آنها در آموزشگاهها بنام خود او تدریس میشود .

اراتستن [۱] (۱۹۶-۲۲۶ قبل ازمیلاد) که دراسکندریه کتابدار بود علم جغرافیا راوضع کرد واندازهٔ محیط کرهٔ زمین را تا چند هزار کیلومترتقریبمعین کرد. بطلمیوس (که در۱۶۸ میلادی در گذشت) بسال ۱۳۸ میلادی هیئتمعروف خودرا تدوین نمود که مدت پانزده قرن دراروپا ملاك ومأخذ بود .

درپزشکی پیشرفتهایعمده حاصل شد چنانکه در آموزشگاههایاسکندریه نقشه ونمونهازبدنانسان موجود بود واطاقهائی برای کالبدشناسی داشتندوتحقیقات سودمندی دروظائفالاعضاء نمودند. درقسمتهای ادبی نیز کارهای مهم انجام گرفت. کتب بسیارجمع آوری واستنساخ وتنقیح وتصحیح شد - صرف ونحو و نقدالشعرو عروض واساطیر بطورعلمی تدوین گردید - مطالعه در آثار عتیق یاباستان شناسیرا آغاز کردند - نخستین کتاب لغترا بوجود آوردند - کتاب تورات رادرقرن دومقبل ازمیلاد هفتاد تنازدانشمندان کلیمی ازعبری بهیونانی ترجمه کردند [۲] تایهودیان اسکندریه که زبان خودرا فراموش کرده بودند از آن بهرهمند شوند .

انحطاط اسکندریه بسال ۳۰قبل ازمیلادبدست رومیهاشد که آنجارا متصرف

---

(۱) Eratosthène -

(۲) این ترجمهرا Septuagint نامند .

گردیدند . نفوذ یونان مانند پیش دوام داشت ولی ازاین پس بیشترمتوجه‌فلسفه‌و حکمت‌ماوراءطبیعت ومباحث‌دینی‌شدند.سه‌قرن‌بعد که شهرقسطنطنیه‌بجای‌بیزانس در ۳۲۶ میلادی تأسیس گشت یونانیها بآنجا شتافته‌آنرا مرکزادبی و علمی قرار دادند . علوم وادبیات وفلسفهٔ یونان مدت ده قرن درآنجا محفوظ ماندتا درپایان قرون وسطی مجدداً باروپا مسترد گردید .

اسکندریه را عربها درسال ٦٤٠ میلادی بتصرف درآوردندو کتابخانهٔ آنرا که‌ازقرارمذکور درصفحهٔ قبل‌هفتصدهزارجلد کتاب داشت آتش‌زدندو گویندمدت ششماه سوخت چهارهزار گرمابه را تأمین کرد .

خدمات یونان باستان

ازلحاظ سیاسی دول یونان باهم نساختند وچون اتحادی نداشتند نتوانستند دولت‌بزرك توانائی بوجودآورند.سهمی که یونان درتمدن بشردارد صنعتی وادبی وفلسفی وعلمی است .آتنی‌ها بیشترملتی هنرمند وفکور بودند تا جنگجو وسیاستمدار و درنتیجه هنرهای زیبا وادبیات نغزی ایجاد کرده‌اند که تاامروزمردم دنیارا لذت می‌بخشد. فلسفهٔ آنها دردین مسیح نفوذ داشته ودرطرز تفکر مغرب زمین مؤثر بوده است . درعلوم طبیعی اطلاعات قابل توجه بدست‌آورده‌اند .

درآموزش وپرورش یونانیها اهمیت زیاد میدادند بارزش اخلاقی انسان و پرورش تن وروان درآن واحد ومیانه روی درهرچیز .آموزشگاههای‌آنهابرای مغرب‌آسیای صغیروحوزهٔ مدیترانه سرمشق شد وهمینکه امپراطوری روم بوجود آمدسازمان مدارس وروش‌آموزش و پرورش یونانیها مورد اقتباس قرارگرفت و مدتها جوانان رومی دردانشگاههای یونان بتحصیل پرداختند . بدین ترتیب‌وسیلهٔ بسط و توسعهٔ نفوذ ادبی وعلمی یونان درتمام حوزهٔ مدیترانه شدند . تعلیمات عالی و علوم و ادبیات یونانی ابتدا درآتن واسکندریه سپس درقسطنطنیه یعنی‌استانبول کنونی وایران ودیگرممالك اسلامی محفوظ ماند تا درآغاز عصرجدید باروپا بازگشت نمود .

فصل دوم

آموزش و پرورش در روم

ازایلات وطوائف آریائی که درشبه جزیرهٔ ایتالیا سکونت گزیده‌بودندیکی از آنها که‌لاتین‌نام‌داشت‌درنیمهٔ قرن‌پنجم قبل ازمیلاد یعنی مقارن با عصرپریکلس تمدن جدیدی بوجود آورد و کم کم‌بردیگرقبائل تسلط پیدا نمود بطوریکه‌نواحی جنوبی شبه جزیره راکه دردست مهاجران یونانی بودونواحی شمالی‌را که طائفهٔ گل[1] سکناداشت بتصرف درآورد وبسال ۲۰۱ پیش ازمیلاد تمام ایتالیا درزیر نفوذوقدرت آن‌قرار گرفت .

این‌طائفه که مرکزش شهرروم بود نسبت بقبائل وعشائری که مطیع‌میکرد سیاست‌عاقلانه‌ای‌اتخاذ مینمود- عقایدوعادات ورسوم آنهارااحترام‌میگذاشت ودرآن مداخله نمیکرد - بآنان استقلال محلی میداد - ازبردباری ومهربانی وخوشرفتاری نسبت بآنها خودداری نمینمود . تسلط خویش را باین نحو برآنها مسلم‌میکرد که اولا دسته‌هائی ازقبیلهٔ خوددرمیان آنها جای میداد وثانیاً راههای نظامی‌میساخت تامراکز آنانرامستقیماً بپایتخت‌مربوط کندثانیاًنسبت‌بآنهاملاطفت مینمودتامتمایل بحکومت آن شوند . باین‌ترتیب رفته رفته طوائف دیگرشبه‌جزیره بالاتین‌ها پیوند کردندوهمخون‌شدندوعادات‌وزبان‌رومیهاراا‌خذنمودندوملت‌روم ازمیان آنهابوجود آمد. چندی بعدنیزبترتیب‌مذکورروم توسعه پیدانمودواسپانی‌و گل‌وبریتانیاجزو

(۱) - Gaule نام طایفه وکشوری بودکه بعدموسوم بفرانسه‌شد .قسمتی‌ازآن طایفه درشمال شبه جزیرهٔ ایتالیا سکناداشتند .

آن گشت و ملتی شبیه بانگلیسهای قرن نوزدهم در دنیای آن زمان پدید آمد .

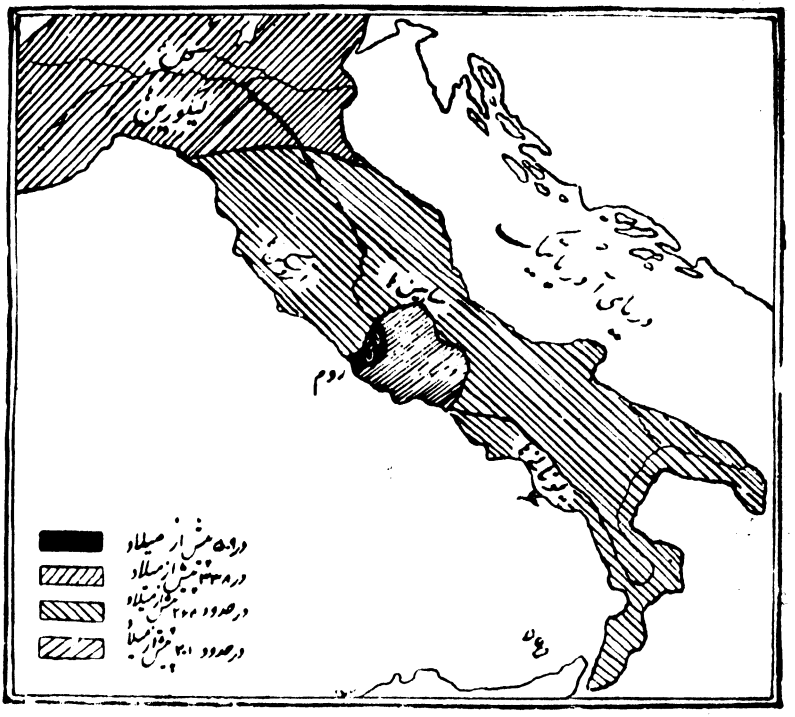

ایتالیا و طایفه‌هائی که در آن سکنا داشتند

اوصاف رومیها

رومیها ملتی بودند عملی و فعال مرکب از برزگر و چوپان و بازرگان و سرباز و کارکنان دولت . میان طبقهٔ اخیر که اعیان روم بودند و دیگر طبقات که تودهٔ ملت را تشکیل میدادند مدت دویست و پنجاه سال (از ۵۰۹ تا ۲۵۰ قبل از میلاد) برسر مساوات و حقوق سیاسی و اجتماعی کشمش بود تا رفته رفته تودهٔ ملت بحقوق خویش نائل گشت : در ۵۰۹ پیش از میلاد حق پیدا کردند که از احکام صادر از مجلس شوری پژوهش بخواهند. در ۴۴۹ قبل از میلاد قوانین روی الواح آمد و موسوم گردید بقوانین دوازده لوح که پایهٔ مجموعهٔ قوانین و حقوق مدنی و جزائی روم شد . در ۴۴۵ حق وصلت و ازدواج با اعیان پیدا کردند . در ۳۶۷

قبل از میلاد توانستند در ادارات دولتی خدمتگزار شوند و مقرر شد که یکی از قونسولها ازمیان آنها انتخاب گردد ـ در ۲۵۰ پیش ازمیلاد امتیازات اعیان ازمیان رفت وباتوده یکی شدند. مبارزهٔ ممتد مذکورموجب شد که حکومت معین باقواعد وقوانین خاص بوجود آمدونظم واستقرار حاصل کرد . در۹۲ پیش ازمیلاددولت‌روم باایران اشکانی همسایه شد و در پایان قرن نخست میلادی بسال ۹۸ روم شامل تمام دنیای غرب‌بودیعنی اسپانی و گل تا رودخانهٔ رن [۱] و بریتانیا و هلوسی [۲] تا رود دانوب وایلیری [۳]و بالکان وآسیای صغیرومصر وسواحل شمالی افریقا .

نتیجهٔ امپراطوری روم

امپراطوری روم دو نتیجهٔ بزرك برای دنیای غرب داشت یکی متحد کردن طوایف واقوام مختلف زیریك بیرق و بوجودآوردن یك کشور وسیع و دولت نیرومند . دوم حفظ تمدن‌یونان وروم اززوال کامل هنگام هجوم‌قبائل وحشی درقرن پنجم‌میلادی که شرح آن بعد خواهدآمد .

اگر رومیها مانندآلمانها واتریشیهاوروسها کوشش کرده‌بودند تمدن خودرا برقبائل مغلوب تحمیل کنند یك ملت قوی وامپراطوری نیرومند ایجادنمیشد.هنر بزرك رومیها این بود که طرز حکومت کردن را میدانستند ـ باملل واقوام مغلوب مهربانی میکردند ـ بآنها نشان میدادند که منافعشان بامنافع روم یکی‌است ـ بهر محل استقلال داخلی میدادند ـ عضویت جامعهٔ روم‌وپذیرفتن تابعیت آنرا برای آنها آزاد میگذاردند ـ بآنها حق میدادند که بمقامات‌عالی‌نائل شوند ... درنتیجه‌طوائف مغلوب حاضرمیشدند ازشخصیت خویش چشم بپوشند وازجامه ودین وعادات ونام خانوادگی وزبان قبیلهٔ خود دست بردارند. باین ترتیب وحدت زبان وقانون وپول

---

(۱) - Rhin

(۲) Helvétie که‌تقریباً سویس کنونی باشد

(۳) - Illyrie

وقواعدبازرگانی بوجود آمد وآرامش ونظم درامپراطوری مستقرماند وهمه ازنعمت امنیت وانتظام بهره‌مند شدند . زبـان لاتین عمومیت پیدا کـرد وغیرازطبقات پست دیگران‌بدان تکلم میکردند . تنهادرمدیترانهٔ شرقی زبان وفرهنك یونانی برتری داشت‌ودرآنجا نیزرومیها کوشش نکردند زبان و فرهنگ خود را برمردم‌تحمیل کنند بلکه با فراست از علوم و ادبیات آنها استفاده کردند و تمدن خودرا بسط و توسعه دادند .

اکنون که‌کلیات مذکور راجع بروم بیان شد باید بذکروتشریح آموزش و پرورش آن پرداخت .

تربیت خانگی

تاسیصد سال پیش ازمیلاد درروم آموزشگاه‌وجود نداشت. کودکان در خـانه و کشتزار و صحرا و اردو اوصاف و خصائلی را که‌لازم بود چون قناعت واحتیاط و دلاوری وجدیت و وظیفه شناسی‌وپا فشاری وثبات؛ بوسیلهٔ پندوسرمشق فرامیگرفتند . خواندن ونوشتن‌وحساب کردن را پدر بپسرمیاموخت وحکایات بزرگان روم‌را که خدماتی بملك‌وملت کرده‌بودند نقل میکردوسرودهای جنگی بوی تعلیم میداد .

از ۴۵۰ قبل ازمیلادباینطرف هر کودك مجبور بود قوانین دوازده لوح رانیز یاد بگیردومعنی آنرا بفهمد . وقتی طفل بزرك میشد بهمراهی پدر بصحرا یا میدان میرفت وبسخنان مردم گوش میداد . درآنوقت که امتیاز میان طبقات موجود بـود البته پسر اعیان از پسر توده بیشتر مطلب میآمـوخت وبهترپرورش می یافت زیرا اطلاعات ومعلومات طبقات ممتاز زیادتربود . رومیها مشاغل را بـوسیلهٔ عمل یـاد میدادند . برای سربازی یا کشتکاری یا سیاستمداری میبایست ابتدا شاگردی کرد یا دراعمال وامور جامعه شرکت جست تا ضمن کار شغل‌را فراگـرفت . منظور از تربیت این بود که کودك نیرومند وتندرست باشد ـ خـدایان وبنگاههای دولتی را تکریم کند ـ اولیای خودرافرمان بردوقوانین‌رابحد اعلی گرامی شمارد ـ بخانواده ونیاکان خود مباهات کند ودرجنك دلیروپردل باشد

نتیجهٔ تربیت مذکوراین بود که‌پرورش یافتگان قبل‌ازقرن سوم‌پیش‌ازمیلاد نسبت‌بدولت و کشورتسلیم وفرمانبردار بودند ـ جنگجوئی‌وسلحشوری آنها وسیلهٔ تسلط روم برشبه‌جزیرهٔ ایتالیاشد ـ ملتی‌تشکیل دادند عملی ودوراندیش که معتقد بود برای جهانگشائی وفرمانروائی برگیتی بوجودآمده است ـ به‌نژادخودمیبالید ودرفرمانداری وجدیت وپشتکارممتازبود لیکن مرام بلند چون بهره‌مندی‌ازجمال وزیبائی‌ـ نیرومندی‌درتفکروتخیل ـ شخصیت اخلاقی ـ آزادی سیاسی‌ـعشق‌وشوق بسیاردرزندگانی نداشت .

دورهٔ تحول

چنانکه در بالا اشاره شدتا۳۰۰ سال قبل از میلاد آموزش و پرورش منحصر بود بآنچه درخانه‌وکشتزارومیدان عملا میآموختند زیرا تاآنزمان روم دولت کوچکی بود که باجهان خـارج‌ارتباط بسیار نداشت وتربیت‌مذکور برای‌آن کفایت میکرد. در ۲۰۱ پیش ازمیلادرومیهابرتمام شبه جزیرهٔ ایتالیا دست یافتند وبرسیسیل که یونان بزرگش مینامیدندمسلط‌شدند وبا یونانیها محشور گشتند . ازطرف دیگر کشورگشائی اسکندر مقدونی (از۳۳٤ تا ۳۲۳ پیش ازمیلاد) موجب شد که‌زبان یونانی درمدیترانهٔشرقی انتشارپیدا کردو درنتیجه دانشمندان وبازرگانان یونانی درتمام مدیترانه رفت وآمد کردند وبروم نیزمسافرت نمودند .

درحدود ۳۰۳ پیش ازمیلاد چند تن‌آموزگارخصوصی درروم دبستان‌هائی باز کردند وبکاربردن للهرا چنانکه دریونان مرسوم بود برای جلب‌توجه‌توانگران معمول نمودند . بااین همه تا ۲۵۰پیش ازمیلاد درآموزش وپرورش‌روم‌تغییرمهمی حاصل نشد و برنامهٔ تحصیلات عبارت بود از خواندن و نوشتن وسخنوری و سرود وقوانین دوازده لوح .

در نیمهٔ قرن سوم قبل ازمیلادکه قسمت اعظم از شبه جزیرهٔ ایتالیا بتصرف رومیها درآمده‌بود روابط‌آنها باخارج زیادشد ودانستن‌زبان یونانی‌برای‌بازرگانی وسفارت لازم آمد . این بود که اسیران یونانی را که از جنوب ایتالیا میآوردند

بآموزگاری گماشتند . از میان اسیران مذکور آندرونیکوس[۱] نام که در زمان گرفتن شهر تارانت[۲] بدست رومیها افتاده بود ادیسه را بزبان لاتین ترجمه کرد و درروم معلم یونانی ولاتین شد . این ترجمه فوراً جای قوانین دوازده لوح را گرفت و کتاب قرائت گردید . زبان لاتین درنتیجهٔ این ترجمه شکل ثابتی پیدا کرد و کتابهای دیگر یونانی نیز ترجمه شد وطرز آموزش وپرورش وسازمان فرهنك یونان درروم مورد توجه واقتباس واقع گشت .

درقرن دوم واول پیش ازمیلاد امپراطوری روم توسعه حاصل کرد . اسپانی و وایلیری ویونان (در ۱٤٦ پیش ازمیلاد) وتمام شمال افریقا ومصر وآسیای صغیر و گل تا رود الب[۳] ودانوب بتصرف رومیها درآمد . چندی بعد تمام حوزهٔ مدیترانه در دست روم افتاد و کشتیهای آنها دریا هارا تحت سلطهٔ خود قرارداد و فرمانداران و سپاهیانش کشورهای مذکوررا اداره کردند . در نتیجهٔ تسخیر کشور های مذکور ثروت وتجمل وبنده درروم زیاد شد - دین واخلاق تنهابرای ریاکاری وصورت ظاهر بود - طلاق فراوان گشت- بهای غله بحدی تنزل کرد که روستائیان واداربفروش زمین خود وسکونت درشهر شدند ودر آنجا باقوت لایموت زندگی کردند و آراء خودرا درمقابل این قوت فروختند یابسربازی بولایات دوردست امپراطوری رفتند. توانگری کمال مطلوب شد وبرای متمول شدن می بایست واردخدمات دولت گردید: یافرمانده لشگروحکمران شد یاتوانست سیاستمداربود وشمارهٔ کافی رأی تهیه کرد .

ازاین پس دیگر آموزش وپرورش دیرین بسنده نبود. دریونان باستان هنگامی که زندگانی آنها درنتیجهٔ جنگهای پلوپونز تغییر کرد ازخود تغییرات جدیدی در فرهنگ بعمل آوردند ولی رومیها که تخیل بسیار نداشتند تنها ازیونانیها فرهنگ جدید خویش را اقتباس کردند .

---

(۱) Andronicus

(۲) Tarente ازشهرهای یونان درجنوب شبه‌جزیرهٔ ایتالیا

(۳) Elbe رودخانهٔ آلمان که بدریای شمال میریزد .

نفوذ یونان

در آغاز کار رومیها همان آموزشگاههای یونانیان را در روم باز کردند. از اینرو تعلیم بزبان یونانی داده شد ـ فرستادن

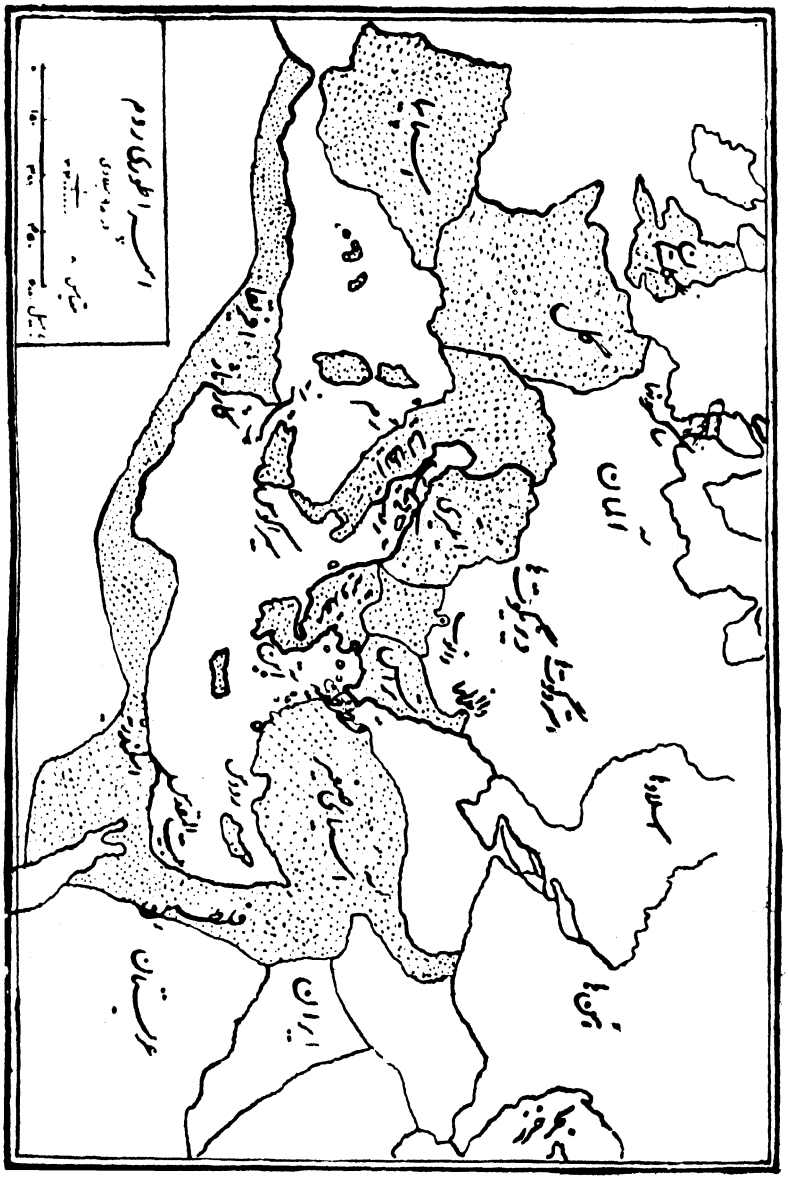

امپراطوری روم درحدود ۹۸ میلادی

الله (پداکوگ) بهمراه طفل مرسوم گردید ـ آموزشگاههای عالی سخنرانی و

فلسفه بوجود آمد . ژیمنازهائی نیز برپا نمودند که در آنها جوانان و سالمندان به پرورش تن پرداختند .

رفته رفته درنتیجهٔ تعصب ملی رومیها ازخود آموزشگاههائی ایجاد کردند که زبان لاتین‌را در آنها وسیلهٔ تعلیم قرار دادند لیکن زبان یونانی راهم آموختند . در پایان پس‌از کشمکشی که‌میان‌طرفداران‌نفوذیونان‌و کسانی که میگفتند روم‌بایدفرهنگی ویژهٔ خودداشته باشد در گرفت دستگاه آموزش وپرورش روم یکقرن پیش‌ازمیلاد سروصورت قطعی پیدا کرد ونفوذ یونان مستقرشد وسازمانی پایدارماند که‌بعضی‌از عناصر آن ازروم بود ومابقی ازیونان .

بسال۲۷قبل ازمیلاد امپراطوری جای‌جمهوری‌را گرفت. امپراطورهامعلمان جدیدو آموزشگاههای تازه‌را زیرحمایت خویش قراردادندوازآنها تشویق نمودند ودرایالات‌روم‌مدارس عالی برپا کردند . ادبیات وفلسفه رفته رفته از موادی شد که بوسیلهٔ آن ممکن بود دارای‌مقامی شد . درنتیجهٔ حمایت امپراطورها زبان‌وادبیات یونان درتمام امپراطوری‌روم وحوزهٔ مدیترانه انتشار پیدا کرد بالاخره فرهنگی‌در این کشور پهناور بوجود آمد که باید سازمان‌آن مورد بررسی قرار گیرد .

دبستان

دبستان را لاتین‌ها لودوس[۱] مینامیدند و برنامهٔ تحصیلات آن مانندبرنامهٔ مدارس‌یونان عبارت‌بود ازخواندن‌ونوشتن وحساب کردن. دختروپسرهردوحق ورودداشتند لیکن‌عموماً اطفال ذکوربدبستان میرفتند وازسن‌شش یاهفت‌آغاز مینمودند تادوازده که دورهٔ مدرسه بپایان میرسید. روش آموختن مانند یونان بود. ابتدا الفباء وسیلابهاوواژه هاواعراب‌را میآموختند سپس خواندن و نوشتن را . هر شاگرد برای خود جزوه نویسی میکرد و بدین ترتیب کتاب تهیه مینمود . چون رومیها مردمان عملی بودند وبعلاوه عادت داشتند حساب هزینهٔ خانه را درست نگاه دارند و طرز محاسبه و شمار آنها

---

(۱) Ludus یعنی بازی

دشوار (۱) بود وبالاخره باجهان متمدن آنزمان بازرگانی عمده داشتند دردبستان بحساب اهمیت بسیار میدادند ووقت زیاد صرف آموختن آن میکردند .تخته‌حسابی بکارمیبردند که درذیل دیده میشود :

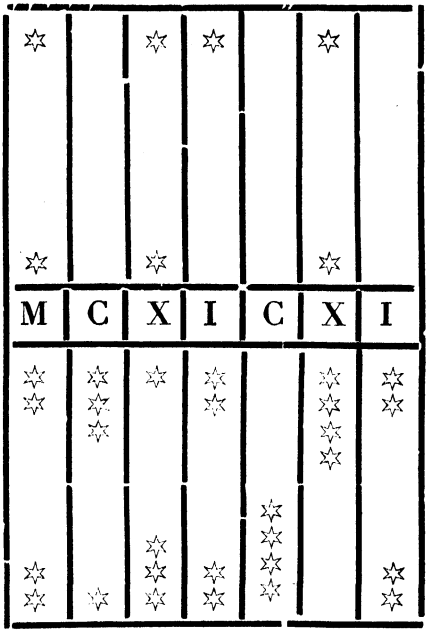

تخته حساب رومیها

از ریگهائی که در تخته بکار میبردند آنهائی که نزدیك خط مستقیم افقی بود بحساب میامد . هر ریگی که دربخش بالا بود وقتی پائین می‌آوردند پنج برابر یکهٔ زیرمحسوب‌میشد. درتخته حساب‌بالاعدد ۷۳۶۲۰۹۲ نمایش داده شده است

پایگاه آموزگاران عالی نبودواغلب ازاسیران وبندگان بودند.ماهانه‌ای که‌از شاگردان خود میگرفتند بخداوندخویش تسلیم میکردند دانش آنان‌اندك‌وبسیار سطحی‌بود.تأسیس دبستان‌وتحصیل‌در آن کاملااختیاری‌بودوشمارهٔ کمی‌از کودکان که‌سنشان مقتضی‌بود بآموزشگاه سپرده میشدند . دولت‌بهیچوجه در آموزشگاهها

---

(۲) درشمارلاتین صفروجود نداشت وچنانکه امروز نیز معمول است بجای پیکر هفت حرف الفباء (I,V,X,L,C,D,M) متداول بود که اعمال حساب بوسیلهٔ آنها بسیار طولانی ودشوار است.

مداخله نمیکرد . دبستانها ابتدا در شهرهای ایتالیا سپس در شهر های امپراطوری بوجود آمدو کاملا خصوصی وپولی بود . ماهانه متفاوت و بسته بود بقرارداد میان آموزگار واولیای کودك و گاهی مبلغ آن بسخاوت آنان واگذار میشد . همراه فرستادن لله را ازیونان تقلید کرده بودند ووی همواره بنده‌ای بود پیروناتوان که بخانوادهٔ کودك تعلق داشت .

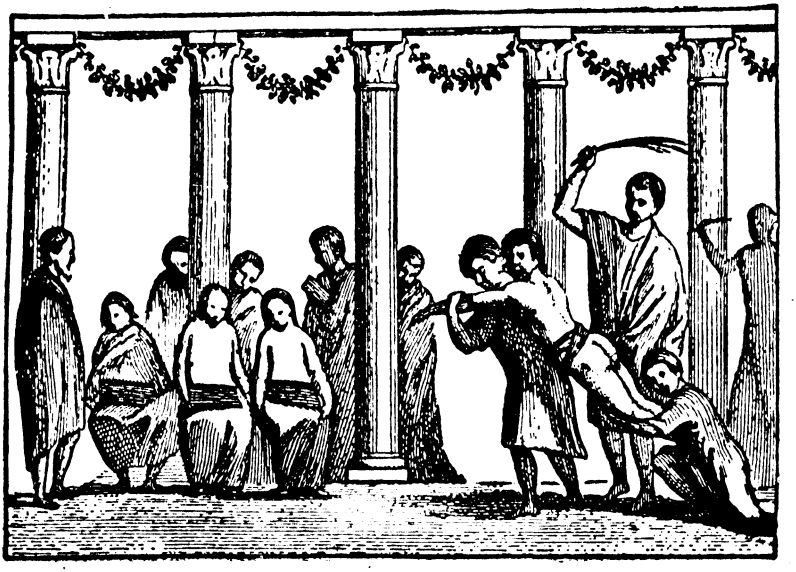

دبستان رومی درایوان خانه

(ازروی نقاشی دیواراطاقی درپمپئی برداشته شده)

جای آموزشگاه عموماً ایوان یاهشتی یاانباریادهلیزی بود .

آموزگاربرصندلی‌می‌نشست وشاگردان بر نیمکت. اطاقی برای کندن لباس ونشستن لله‌ها موجود بود . دستهٔ چوب برای تنبیه طفل‌ازلوازم بشمار میرفت زیرا تنبیه بدنی فراوان بود. دبستان صبح زود بازمیشد چنانکه در زمستان شاگردان بافانوس رهسپارآموزشگاه میگشتند .

دبیرستان

دبیرستان‌را آموزشگاه صرف ونحومینامیدند وبرای‌اطفالی بود که دوازده تاشانزده سال داشتند . درنیمهٔقرن دوم‌پیش ازمیلاد تعلیمات متوسطه بوجودآمد ودرخانهٔ توانگران توسط دبیران‌خصوصی‌داده میشد. پنجاه سال‌بعد دبیرستان‌وجود خارجی پیدا کرد ورفته رفته در شهرهای مهم امپراطوری برپا شد ولی ویژهٔ اطفال توانگران بود .

دبیران یایونانی بودند یاازلاتین‌هائی که یونانی هاتربیت کرده بودند. ازینرو برحسب ملیت معلم دوگونه‌دبیرستان وجود داشت‌وآنهائی که دردست یونانیها بود بر دیگران برتـری داشت . پایه وحقوق دبیران ازآن آموزگـاران بهتر وبیشتر بود . برنامهٔ دبیرستان عبارت بود ازصرف ونحو وادبیات یونـانی و لاتین و انشاء و اخلاق وتاریخ وجغرافیاوکمی هندسه‌وهیئت ومنظوراین بود که سخنران‌وسخنور وخدمتگزار خوب تهیه کنند. ازمواد مذکور بادبیات‌توجه خاص داشتندتاشاگرد سبکهای ادبی وفکر های عالی را تشخیص دهد و بردانش وی افزوده شود . برای اینکه دانش‌آموز ازادبیات درسخنوری بهره‌مند شود اورا وادار میکردند جمله‌ها وعبارتهارا ازبر کند تا نیروی بیان و گفتارش زیاد گردد .

روش‌آموختن ازاینقرار بود که قطعهٔ منتخب را نخست دبیر میخواند سپس شاگردان .آنگاه از نـوخوانده میشد ومطالب ونکات مربوط بتاریخ و جغرافیا و اساطیررا دبیربیان‌میکرد . همینکه این‌قسمت انجام‌می‌یافت معلم‌متن‌راانتقادمیکرد و واژه‌هاو جمله‌هاو عبارت هائی‌راکه ممکن بود اصلاح کرد خاطرنشان میساخت و در پایان راجع بسبك نوشتن مؤلف و زیبائی و زشتی قطعه اظهار نظر و قضاوت می‌نمود .

نویسندگان یونانی که بآثارآنان بیش ازدیگران رغبت داشتندعبارت‌بودند از همرومناندر[۱] وازوپ که داستانها وافسانهای او برای انشاء بکارمیرفت. از میان

---

(۱) Ménandre نویسندهٔ نمایشنامه های خنده‌آور (۲۹۰-۳۴۲ پیش‌ازمیلاد)

شاعران واستادان زبان لاتین بیش از همه به ویرژیل(۱) و هراس (۲) وسالوست (۳) اهمیت میدادند. شاگردان قطعه‌های منتخب‌را جزوه نوشته وبدین ترتیب‌برای‌خود کتاب تهیه میکردند. بعدها که شمارهٔ اسیران وبندگان باسواد افزون‌شد استنساخ کتب امکان پذیر گشت ونسخه‌های خطی بسیارفراهم کردند که مورد معامله واقع میشد واطفال توانگرخریداری میکردنـد. در دبیرستانها ی‌روم ورزش وپرورش‌تن که در یونان بعمل میآمد معمول نبود وآنرا برخلاف اخلاق و موجب اتلاف وقت میدانستند.

آموزشگاههای سخنرانی

دبستانها برای اطلاعات ومعلومات سودمندوعملی بود و دبیرستانها یاآموزشگاههای صرف ونحو برای کسب‌هنرو کمال. درفوق آنها آموزشگاههای سخنرانی بوجود آمدتا جوانانرا برای مشاغل دولتی آماده سازد. رومیها این‌مدرسه‌هارا از آموزشگاههای سخنرانی یونان که سوفسطائیان بوجود آوردند اخذ واقتباس کردند. معلمان آنرا سخنران مینامیدند وفن سخنرانی یکی از مهمترین مرام و کمال مطلوب هرروومی بود وهر کس میخواست پایگاهی درجامعه احراز کند ـ دادرس شود ـ بفرمانداری رود ـ پیشوای قوم باشد میبایستی درسخنرانی وسخنوری ماهر گردد.

دورهٔ این آموزشگاهها دوسه سال‌بودوتنهابزرگ زادگان‌وپسران توانگران ازشانزده سالگی ببعد درآنها بتحصیل میپرداختند.

برنامهٔ این مدارس عبارت بود ازتمرین درسخنرانی‌یعنی‌مناظره ونطق‌بصدای بلند ـ تمرین ادبی وزبانی ـ کمی ریاضی‌وطبیعی وفلسفه. ازقرارمعلوم موادهفتگانه که‌برنامهٔ آموزشگاههای قرون وسطی بود یعنی‌صرف ونحو ـ سخنرانی ـ منطق ـ

---

(۱) Virgile(۱۹ ـ ۷۰ پیش‌ازمیلاد) صاحب Géorgiques وBucoliques و Enéide

(۲) Horace (۸ـ۶۵ پیش ازمیلاد) غزل سرا ونویسندهٔ هجویات.

(۳) Salluste مورخ (۳۸ـ۸۶ پیش ازمیلاد)

موزیك ـ حساب ـ هندسه ـ هیئت در مدارس سخنرانی تعلیم میشد ولی بیشتر بسه مادهٔ اول ومقداری حقوق اهمیت میدادند . موزیك برای کمك بحرکات دست‌وبدن و ورزش صدا بود ـ هندسه برای این تدریس میشد که هنگام منازعه های ملکی بدان نیازمند بودنـد ـ منطق را هـم بدین منظور میآمـوختند کـه مغالطه ها را کشف کنند .

آموزشگاه سخنرانی بسیارمورد توجه بود و از هرسو بدان میشتافتند حتی پس ازانقراض جمهوری واستقرارامپراطوری ومحو آزادی که دیگرسخنرانی‌محل حاجت نبود و کسی بدان وسیله ترقی نمیکرد مدارس مزبور بحال خـود باقی بود تا اینکه بالتبع رو بانحطاط گذاشت و حالت تصنعی پیدا کرد و جزو هنرهای زیبا قرار گرفت .

ازاین پس بیشتربکلمات بزرك وبی‌معنی وحرکات نمایشی پرداختند وارزش مدارس ازمیان رفت . بااینهمه امپراطوران ازآموزشگاههای سخنرانی‌تشویق‌بسیار نمودندودرشهرهای عمده ازآنها تأسیس شد . در حدود ۷۵ میلادی برحسب فرمان امپراطور حقوق معلمان‌صرف ونحووسخنرانی شهرروم‌ازخزانهٔامپراطوری پرداخته شدودرنیمهٔ قرن دوم‌میلادی حقوق معلمان شهر های دیگررا نیز دولت پرداخت و معلمان درردیف نمایندگان مجلس سنا قرار گرفتند وعده‌ای از آنان را از دادن مالیات و خدمت نظامی وتکفل سربازان بخشودند . بعدها این امتیازات نیز توسط امپراطورها فزونترشد .

تحصیلات عالی

رومیهائی که مایل بتحصیلات عالی بودندبه‌آتن‌وجزیرهٔ رودس میرفتند . هراس شاعر بزرك و سیسرون [۱] سخنور نامی درآتن تحصیل کردند ـ قیصر معروف و کاسیوس [۲] سردار مشهور در رودس

---

(۱) Cicéron (۴۳-۱۰٦ پیش ازمیلاد)

(۲) Cassius که در ٤۲ قبل ازمیلاددر گذشت .

دانش آموختند . بعدها اسکندریه مورد توجه قرار گرفت .

وسپازین[۱] که ازامپراطوران دانش پژوه بود واز ۶۹ تا ۷۹میلادی پادشاهی کرد بواسطهٔ تأسیس کتابخانه در معبد صلح موجب ایجاد دانشگاه روم گردید . بنگاه مذکور بعدهادارای رشته‌های ذیل‌شد : حقوق ـ پزشکی- معماری- ریاضی- صرف ونحو - سخنرانی به‌یونانی ولاتین . دردانشگاه مذکور پژوهش وتتبع نمیشد بلکه آنچه دریونان میدانستند درآنجاتدریس گردید وازشهرها جوانانی‌درپی‌دانش بدانجا رهسپار گشتند .

محاسن فرهنك روم

بطوریکه دیده شد اساس عمدهٔ فرهنك روم ازیونان اتخاذ وهمانطور که رومیهادین[۲] و فلسفه وادبیات وعلوم را از یونان گرفتند همانطورنیز فرهنك و آموزشگاههای آنرا سرمشق قرار دادندوالبته مطابق‌احتیاجات‌خوددرآن تغییراتی قائل‌شدند که‌مختصراً بدان اشاره شد .

دستگاهی که بدین طریق بوجودآمد اطفال توانگران رومی را وسیلهٔ‌خوبی برای‌فراگرفتن‌فرهنك یونان بودوآنانرا برای مشاغل‌سیاسی ودولتی آماده‌میکرد. سیسرون و کنتی لین[۳] که ازفرهنك روم درکتابهای خود سخن گفته‌اند مکرر فائده وارزش مذکوررا خاطرنشان نموده وخدمات آنهارا درتهیهٔ سخنور وسخنران وپیشوایان قوم گوشزد کرده‌اند .

درایالات روم نیز آموزشگاه بهترین وسیلهٔ پرورش فکر وانتشارزبان لاتین‌و آداب ورسوم وتمدن‌روم‌بودومؤثرترین راه‌برای تربیت‌اطفال‌بزرگان وشاهزادگان و رئیسان محلی و معتقد نمودن آنها بـه مبانی و معتقدات و سنت ها وپیشینه های روم .

---

(۱) Vespasien

(۲) آئین مهرپرستی را ازایران گرفتند (رجوع شود به سیر فرهنك درایران - فصل ۱۴) .

(۳) Quintilien سخنورنامی روم (۱۲۰ ـ ۴۲ میلادی)

پس از برپاشدن امپراطوری گرچه ازفوائد فرهنك مذکور کاسته شدمعذلك همان آموزشگاه های خصوصی پیشوایان وقائدان بزرك بیرون داد ـ پیشوایانی که امپراطوری وسیع را تشکیل دادند ـ ایالات وولایات این کشور پهناوررا اداره کردند حکومت وقانون رابرای روم بوجود آوردند ـ معماری وطرزساختن رومیهارا شهرهٔ آفاق کردند .

بزعم مورخان مشابهت زیادی میان روم آنزمان باانگلستان قرن نوزدهم میلادی موجوداست. باوجوداینکه انگلستان دیرترازدیگرملل غربی برای خویش دستگاه فرهنگی منظم ایجاد کرد معذلك دبیرستانهای خصوصی مانند ایتن(۱) و هرو(۲) و روگبی (۳) و وینچستر(٤) و دانشگاه های کیمبریج واکسفرد ازآغاز عصرجدید پیشوایان بزرك برای این کشورتربیت کرد که موجب فخرومباهات هرملت بزرگی است وامپراطوری بریتانیا مرهون خدمات وزحمات آنهاست .

معایب فرهنك روم

نخستین عیب دستگاه فرهنك روم این بود که تنها اطفال توانگران وخداوندان جاه ونعمت ازآن استفاده میکردندو پرورش همگانی وجود نداشت وتوده وطبقات متوسط ازپرتو دانش و کسب فضیلت محروم بودند .

نقص دوم مدارس دراین بود که جوانانرا برای کارهای مهمی که رومیان کرده‌اند مانند ساختن راهها وپلها وراه آبهای فوق دره‌ها وعمارت‌های مجلل وهمچنین امور بازرگانی عظیم آماده نکرد و رومی ها از راه های دیگر بابراز این همه فعالیت کامیاب شدند .

بالاخره دولت درامر آموزش وپرورش مداخله ودلبستگی نداشت درصورتیکه

---

(۱) Eton
(۲) Harrow
(۳) Rugby
(٤) Winchester

یونان دراینقسمت توجه‌نموده مردمان آزاد را به تربیت فرزندان خود مجبور کرده بود. درروم از کسی نمیخواستند طفل خودرا برای عضویت جامعه مهیا کندوراجع بآموزشگاه وتحصیل ومعلم دولت دخالت نمیکرد.

تنهادرپایان دورهٔ امپراطوری‌دولت درتحصیلات عالی مداخله کردورنه‌مسئلهٔ آمورش وپرورش‌راکارخصوصی میدانستند وعدهٔ محدودی‌فرزندان‌خودرا درمدارس شخصی بتحصیل میگماشتند ودیگران درفکر تحصیل ومدرسه نبودند وطبقهٔ بنده بکلی ازنعمت تربیت محروم بود.

خدمات روم

روم خدماتی‌بعالم تمدن کرده که‌دراینجا مهمترین آنهاباید خاطرنشان شود. روم تمام کشور های مغرب و تمام حوزهٔ مدیترانه را درزیرلوای واحد درآوردوموجب‌یکی شدن زبان و آداب‌ورسوم‌وسنن وسوابق وپول رائج وقانون شد واین مسئله عامل بسیارمهمی در تسهیل انتشار دین مسیح‌وحفظ دنیای غرب‌هنگام هجوم‌قبائل‌وحشی گردید. اگرمثلابعدهٔ کشورهائی که‌اکنون درمحل امپراطوری روم موجود است درآنزمان مملکت مستقل وجود داشت دین مسیح شاید تاامروز درتمام‌آن منتشرنمیشد در صورتیکه ایمان آوردن امپراطور روم برای نشردین مذکوردرتمام امپراطوری تقریباً کافی شد.

دوم خدمت مهم روم تدوین مجموعه‌ای است ازقوانین. قوانینی که‌درروم‌بود بواسطهٔ تصمیمات‌دادگاهها ومقررات رفته رفته مبسوط گردید وچون‌فهرست‌نداشت پیداکردن قانون معینی دشوار شد تا اینکه بفرمان تئودوز [۱] در ۴۳۸ میلادی و ژوستی نین در۵۳۸ میلادی آنها را بشکل مجموعه‌ای در آوردند که تا امروز باقی است. ژرمنها که بروم تاخت وتاز بردند قوانین مذکور را پذیرفتند ومجموعهٔ آن در قرون وسطی کتاب درس دانشکده های حقوق شد سپس در دانشگاه های قرن دوازدهم و سیزدهم معمول و متداول گشت. در قرون وسطی اساس حقوق کلیسا بر همین مجموعهٔ قوانین بود و امروز پایهٔ حقوق عده‌ای از کشور های

۱ - Théodose

متمدن بر آن استوار است . ممالك لاتین مـانند اسپانی و فرانسه و ایتالیا حقوقشان را از قانون روم گـرفتند . بواسطهٔ تصرف قسمتی از امریکا توسط فـرانسویها و اسپانیولی ها در ۱۸۲٤ مجموعهٔ قوانینی بنام مجموعـهٔ قوانین لوئیزیان (۱) تنظیم گردید که ازحقوق روم اخذ شده است . مهاجران اسپانیولی وپرتغالی بنوبهٔ خودپس ازتصرف امریکای مرکزی وجنوبی قوانین روم را درآنجا معمول داشتند . بالاخره کشوری مانند ایران که بخشی ازتمدن جدید خودرا ازفرانسه اقتباس کرده ازحقوق روم بهرهٔ بزرك برده است .

بسط وتوسعهٔ زبان لاتین نیز ازخدمات روم است . الفاظ وواژه‌ها وحتی جمله‌های لاتین در بیشتر زبانهای اروپائی چـون فرانسه و انگلیسی وآلمانی و اسپانیولی و پرتغالی وایتالیائی وزبان تمام امریکای مرکزی وجنوبی بسیار فراوان است ودر تمام قرون وسطی و آغاز عصر جدید زبان مذکور زبان علمی مغرب زمین بود واصطلاحات علمی نیز اکثر از کلمات لاتین مشتق است .

چهارمین خدمت رومیان تکمیل الفبائی است که امروز تمام ملل متمدن بدان آشنا هستند . مبنای این الفبا ازفنیقیه بود که یونانیها اخذ کرده و درجنوب ایتالیا میان آنان معمول بود . رومیان آنرا گرفته واضافاتی در آن وارد کردند . اکنون الفبای تمام اروپا جز یونان وروسیه وآلمان ـ الفبای تمام امریکای شمالی ومرکزی وجنوبی ـ الفبای استرالیا ـ الفبای بخش بزرگی ازافریقا ـ الفبای ترکیه همان الفبای لاتین است وحدس میزنند که درآینده الفبای عمومی جهان خواهد شد .

بالاخره طرز فرمانروائی و اداره کردن کشور وهرشهری را در کارخود مختار نمودن وحدود اختیاراتی برای آن معین کردن که درتمام شهرها ازطرف روم معمول بود چون میراث بکشورهای مغرب زمین رسید واکنون دربیشتر آنها مانند انگلستان وامریکا معمول ومتداول است .

---

(۱) – Louisiane

فصل سوم

ظهور مسیح و تأثیر او در آموزش و پرورش

دریونان وروم‌برای هریك ازکارها خدائی‌قائل بودند. منظور ازدین این بود که از آینده پیشگوئی کنند ـ حقیقت گیتی‌رابیان نمایند ـ ازبلیات جلوگیری کنند ـ ازخدایان یاری جویند. در روم‌بخدایانی معتقد بودند که بکارهای خانه نظارت‌دارد مثلا میگفتند خانه‌راژانوس[1] از شرارواح‌خبیث حفظ‌میکند و آتش مقدس خانه تحت نظارت وستا[2] است و گنجه و انبار خوراك سپرده به پنات ها[3] است همینطور درزندگانی اجتماعی هر کار راخدائی اداره میکرد وپیش‌از آغاز بدان کار بایستی‌خشنودی‌اورافراهم ساخت. نسبت بدین‌وخدایان مللدیگررومیان‌بهیچوجه تعصب نداشتند تاآنجا که حاضربودند خدایانی ازآنها اخذ نمایند چنانکه خداوند تندرستی ـ توانگری ـ سازش ـ یگانگی ـ کشت ـ در و و عده‌ای دیگر را از یونانیها عاریه بردند و برای‌آنها درروم معبد ساختند ومهرایزد روشنائی‌راازایران گرفتند.

ازینرودین رومیان بیشتر جنبهٔعملی داشت وراجع بکارهای روزانهٔزندگانی بودوجنبهٔ اخلاق‌شخصی را فاقد. دین‌مذکورازرستاخیز چیزی‌نمیگفت‌واززندگانی واپسین سخن نمیراند ونویدپاداش یا کیفرنمیداد بلکه تمام افرادرا بوسیلهٔاحترام به

---

۱ ـ Janus

۲ ـ Vesta

۳ ـ Les Pénates

خدایان وترس از آنها متحد و متفق میکرد. وسیلهٔ آموختن اخلاق مانند پنددادن یـا وسیلهٔ تهذیب‌اخلاق مانند توبه وخواندن کتاب مقدس یا وسیلهٔ تربیت اجتماعی مـانند نماز جماعت وجود نداشت ورستگار نمودن و پرهیز کار کردن از وظائف روحانیان نبود .

بنی‌اسرائیل

حضرت مسیح در میان بنی اسرائیل ظهور کرد . این قوم ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد از مصر بکنعان (بخشی از فلسطین کنونی) مهاجرت نمودند. چون حاضر بدادن مالیات و سرباز نبودند و بار تشکیل دولت را بدوش نمیگرفتند از طرف همسایگان مورد هجوم وغـارت واقع میگشتند .

در۵۹۸ پیش ازمیلاد آنهارا باسیری ببابل بردند وپنجاه سال بعد یعنی ۵۳۸ قبل از میلاد کورش شاهنشاه ایران آنها را آزاد کرد[۱] . در ۷۰ میلادی رومیها بیت‌المقدس را خراب وساکنین آنرا پراکنده کردند .

خدمت بزرگی که‌طایفهٔ بنی‌اسرائیل نموده‌اند ازراه‌دین بوده است . اولافکر خدای یگانه مطلق نخست بنظر آنها رسید . کلیمی‌هابشررا فرزندپروردگار یگانه میدانند وازاینروهمه باید باوخدمت کنند واخلاق‌نیکوداشته‌باشند ووجوددیگران را مقدس وگرامی‌شمارند وکودکانرا حفظ کنند نه‌اینکه‌اگرپسندیده‌نبودندمانند یونانیان آنهارا تلف نمایند . ثانیاً کلیمی هامعتقد بـه برگشت وزندگانـی واپسین هستند بنـابراین به پاداش و کیفر ایمان دارنـد و این مسئله در اخلاق آنهابسیار مؤثر بود.

ازلحاظ ادبی خدمتی که قوم مذکور کرد نوشتن تورات بود که گروهی از اولیا وانبیاء وبزرگان بنی اسرائیل برشتهٔ تحریردرآوردند وشرح حال ومهاجرت

---

(۱) ـ درتورات شرح حال قوم یهود در اسارت وتوجه و محبت شاهنشاه ایران نسبت بآن قوم درکتاب عزرا واشعیاء نبی‌بیان وکورش چون مأمورحق ومجری‌خواست خدا معرفی وستوده شده است .

وابتلات وامیداوریها و آرزوها ونجات آنها رابزبانی شیرین و سبکی مخصوص بیان کردند. قبل از اسیر شدن بنی‌اسرائیل بدست بابلی‌ها سفرهای پنجگانهٔ تورات (پنج فصل اول تورات- سفر بکسرسین وسکون فاورا یعنی کتاب) تدوین شده‌وبرای آنها مجموعه‌ای ازقوانین ووسیلهٔ وحدت درزمان اسارت بود. پس ازبرگشت ازبابل بفلسطین رعایت قوانین مذکور مهمترین وظیفه در زندگانی آنها شدبهمین جهت همه جا کنیسه برپا کردند تاروزهای شنبه قوانین را تفسیروتوضیح کنند. باین‌نحو طبقه‌ای بوجود آمد بنام ربانی که وظیفهٔ آنها علاوه برآموختن قوانین موسی تربیت ربانیان دیگربود ورفته رفته دادرسی و آموزگاری قوم بنی‌اسرائیل بدست آنان افتاد. ربانیان‌عادات‌ورسوم‌رابعدازسال ۷۰قبل‌ازمیلاد درکتابی‌باسم **تلمود** (یعنی‌تعلیم) تدوین کردند که‌نزدکلیمی‌ها مقدس است. رئیسان قوم بنی‌اسرائیل پس ازبازگشت ازبابل ملتفت شدند که هستی آنها بسته به نیروی نظامی نیست بلکه مربوط است بوحدت اخلاقی واین مسئله تنها بوسیلهٔ مدرسه و پرورش و ازراه‌آموختن سنن و سوابق‌وآداب ورسوم وقوانین تأمین میشود. ازینروبتأسیس کلاسهای تورات‌درهوای آزاد اقدام کردندوبعدها دخول‌درآنرابرای تمام‌پسران‌اجباری نمودند. جسته‌جسته دبستانهائی در مجاورت کنیسه ها درتمام دهکده‌هاایجادشد تادر ٦٤ میلادی رئیس ربانی ها موسوم به یوشع بن جمال آموزش را اجباری نمود و درتمام دهات مدرسه برای پسران برپا ساخت وبرای دختران آموختن خانه‌داری را معین کرد. برنامهٔ آموزشگاه پسران عبارت بود ازخواندن ونوشتن وحساب وتاریخ قوم‌بنی‌اسرائیل‌و سرودهای دینی وقوانین سفرهای پنج گانه وقسمتی‌از کتاب تلمود.

روش آموختن زبانی وبوسیلهٔ سپردن بحافظه وازبرکردن بود. نسبت بتعلیم قوانین کلیم‌الله واطاعت ازخدای یگانه‌واحترام معلم ونگاهداری سنن‌وسوابق‌وآداب و رسوم توجه مخصوص داشتند. پس از پراکنده شدن یهودیها در۷۰ میلادی البته آموزشگاه های آنان بهم‌خورد لیکن‌تربیت ربانیان وملاهای‌آنان ادامه‌داشت‌واین

طبقه تعلیم سنن وسوابق‌را دنبال کرد و درنتیجه باوجود نداشتن استقلال وخاك و دولت جداگانه موجودیت ملی آنها محفوظ ماند واین‌بهترین نمونهٔنجات ملی‌است ازراه‌آموزش وپرورش همگانی واجباری .

ظهور وانتشار دین مسیح

حضرت مسیح از میان قوم بنی اسرائیل برخاست ـ دین خودرا اعلام داشت ـ پیروانی برای خود پیدا کرد و پس ازچندی مصلوب گردید .

حضرت عیسی پایهٔ دین خودرا براخلاق شخصی واهمیت فردکه در میان کلیمیان‌تااندازه‌ای‌منظوربود گذاردوبهبود جامعه‌را ازراه‌اصلاح‌افراد آن‌تعقیب‌نمود. تاآنزمان‌فرد درجامعه تحت‌الشعاع و دربرابر دولت محو بود از اینروفکرمسیح که هریك ازافراد مردم ممکن‌است باعث نجات خویش گردد تازگی داشت . تأکید او درمهربانی وهمدردی وفداکاری وبرادری تمام بشرمسئلهٔملیت را ازبین برد . تعلیم ایمان به‌برگشت ورستاخیز وزندگی واپسین موجب شد که همه متوجه عالم عقبی و نسبت باین دنیا بی‌اعتنا گشتند ودرنتیجه نفوذ واهمیت دولت وجامعه درنظر آنها تقلیل یافت . یکصد سال پس از کشتن مسیح دربیشتر نقاط آسیای صغیر وبرخی‌از نقاط یونان ومقدونیه کلیسا برپا بود وهنوزقرن‌چهارم‌میلادی بپایان‌نرسیده درتمام امپراطوری روم کلیسا های متعدد موجود بود . بسال ۳۱۳ میلادی قسطنطین (۱) امپراطور روم (که در۳۲۶ مرکزامپراطوری را شهر قسطنطنیه قرار داد) مسیحی شد ومذهب مسیح را مذهب رسمی معرفی نمود وبرای روحانیان همان امتیازی را قائل شد که معلمان‌آموزشگاه های سخنرانی دارا بودند و در فصل گذشته بدان اشاره شد .

درسال ۳۹۱ میلادی تئودوز(۲) امپراطور پرستش خدایان را ممنوع‌ساخت.

---

(۱) Constantine

(۲) Théodose

در۵۲۹ میلادی ژوستی نین [۱] تمام آموزشگاههائی را که معروف بود بـه تعلیم و تبلیغ پرستش خدایان اشتغال‌دارند مانند دانشگاه آتن بست و مذهب مسیح همه‌جا روا شد .

خدمات مذهب مسیح

دین مسیح فکر یگانگی خدا را ازیهود گرفت و بواسطهٔ محدود نکردن خدای یکتا بطائفه وعشیرهٔمعینی‌همه کس توانست اورا قبول کند و ابتدا تمـام امپراطوری روم بـه یگانگی خدا گرویدند وازآنجابروسیه ونقاطی که‌بعدها عالم اسلام‌شد انتشار یافت و سپس امریکا آنرا اخذ نمود .

باوحدانیت‌خداوپدری‌اوعقاید نوینی‌ظاهرشد مانندمهربانی‌خداوبخشایندگی او ویکسان بودن مردم اعم ازمردوزن در برابر او و برادری افراد بشر واهمیت و مقام هرفرد درپیشگاه او. ازینرو قواعداخلاق تغییر کردوبرطبق‌عقائد جدیداخلاق تازه‌ای بوجود آمـد چـون مقدس بودن ازدواج و زندگانی خانواده ـ جنـایت شمردن دور انداختن اطفال ومانندآن. فکر برگشت که ازکلیم‌الله وزردشت گرفته شد مردم را بفکر زندگانی آینده انداخت و این اندیشه راکـه تا آنزمان معمول نبود رواج داد . در نتیجه امیدواری برای بشر پیدا شد و هر فـرد مسئول رفتار و کردار خود گشت و نیك بختی یا بدبختی او بسته بخودش شد . ایـن امیدواری و نیرومندی درقرن پنجم که هجوم قبایل ژرمن آغاز گردید مانع محوشدن تمدن و خرابی کامل عالم غرب شدودرقرون تاریك مایهٔ روشنائی و موجب تحریـك بکار و ادامهٔ حیات بود .

سازمان دین مسیح نیز باعث شد که‌کلیسا جای دولتها وحکومتهاقرار گرفت و بواسطهٔ نفوذ روحانی ومعنوی که داشت درمقابل طوایف وحشی ومهاجم‌سدی‌شد.

---

(۱)- Justinien دراین موقع بود که هفت‌تن‌ازحکمای‌یونان که‌ازپیروان‌فلوطین بودند بایران پناه‌آوردند وانوشیروان درپیمانی که باروم بست‌شرط کرد بدون اینکه‌آنها را بیازارند بگذارند تابمیهن خود برگردند .

باضافه آموزشگاه‌هائی ازطرف کلیسا برپا گردید که بنشردین وتعلیم وتربیت مردم اقدام کردودراینجا باید بتشریح آنها پرداخت .

آموزشگاه‌های مقدماتی

درآغاز نشرمسیحیت چون گروندگان معتقد بودند که حضرت عیسی بزودی باز میگردد وجهان بپایان میرسد نیازی بسازمان نبود و عقائد مذهبی نیز تنظیم و تدوین نگشته بود . اصول عقائد مسیح عبارت بود از اعتراف وشناختن خداوند و اقرار بپدری او ـ توبه‌ازگناهان گذشته ـ زندگانی‌بازهدوپرهیزگاری ـ میل‌برستگاری. مسئلهٔ مهم بهبودی جامعه بود ازراه اصلاح گروندگان .

برای رسیدن بدین مقصود روشی برای آموختن ودوره‌ای برای آزمایش بایسته‌آمد .آموزشگاه‌هائی که باین نحو ایجاد شد تنها مقدمات دین را در ظرف دوتاچهارسال میآموخت وبدین جهت مدارس مقدماتی نامیده شد .

متمایلان بدین‌مسیح بچهاردرجه تقسیم‌میشدند : نخست کسانی که‌تنهانسبت بپذیرفتن دین‌مذکور اظهار میل کرده بودند .دستهٔدوم‌شنوندگان که‌تاخواندن دعا و شنیدن وعظ حاضر بودند . سومین گروه زانو زنندگان بودند که با گروندگان دعای جمعی میخواندند . دستهٔ چهارم که برگزیدگان نام داشتند برای غسل‌تعمید حاضربودند .

جایگاه‌آموزش ایوان یادهلیزیارواق کلیسا بود. موادی که میآموختندشامل تعلیمات دینی واخلاقی ـ خواندن ـ نوشتن ـ ازبرکردن کتاب مقدس وسرودهای مذهبی بود .

آموزشگاه های علوم دینی

هنگامی که‌دین مسیح‌آغازبتوسعه کرد فلسفهٔ یونان و روم میان طبقات ممتاز امپراطوری رواج و انتشار داشت . اساس فلسفهٔ مذکور بر عقل استوار وراجع به زندگانی وخوشی دراین‌دنیابود درصورتیکه عیسویان معتقد بودند که مسیح‌بازگشت‌میکند وجهان بپایان میرسد ازینرو پیوسته درفکر دنیای آینده بودند . عده‌ای‌ازآشنایان

بفلسفهٔ یونان‌وروم عیسوی شدندو کوشش نمودند مسیحیت‌را با فلسفهٔ مذکور وفق وسازش دهند یعنی آنچه در دین مسیح مطابق عقل و منطق است بپذیرند و آنچه خارق‌العاده‌وازخرد دوراست کنار گذارند. باین ترتیب فلسفه‌ودین‌مسیح بایکدیگر آمیخته گردید وتحصیلات عالی برای مسیحی ها لازم‌آمد بویژه برای دانشمندانی که ایمان میآوردند و همچنین برای روحانیان و معلمان وپیشوایان دین مسیح .از اینجا درنیمهٔ دوم قرن دوم میلادی دراسکندریه‌آموزشگاه علوم دینی بوجودآمد. آموزشگاه‌مذکورساختمان مخصوص‌نداشت‌ودانشجویان درخانهٔاستاد گردمیآمدند ولی ازوسائل کار دانشگاه اسکندریه و کتابخانه وموزهٔ آن استفاده مینمودند.برنامهٔ این آموزشگاه عبارت بود از حکمت الهی ـ فلسفهٔ یونان باستثنای فلسفهٔ ابیقور ـ ادبیات یونان ـ صرف و نحو ـ سخنرانـی ـ منطق ـ حساب و هندسه و هیئت ـ موزیك...

نظیرمدرسهٔ اسکندریه بعدها در انطاکیه و رها (اورفهٔ کنونی) و نصیبین‌و قیصریه تأسیس گردید وبناشد کشیشان وزعمای دینی درآنها بتحصیل عـلوم دینی پردازند . این آموزشگاهها پس ازچندی درکلیسا تشکیل شد بدین جهت از قرن ششم به‌این طرف مدارس علوم دینی را آموزشگاه های‌کلیسا نامیدند .

درقسمت غربی‌امپراطوری روم‌چون پیشوایان‌دین‌مسیح ازرومیان‌بااستخوان و کمتر تحت نفوذ فلسفهٔ یونان بودندتوسعهٔ دین مسیح موجب بدبینی آنها نسبت بعلوم‌وفلسفهٔ یونان وباعث‌مخالفت آنان‌بافرهنك یونان شد ودامنهٔ این ضدیت‌بجائی کشید کـه از قرن چهارم آشکار گردید و بسال ٤٠١ شورای دینی قرطاجنه(١) خوانـدن و بررسی آثار یونانی و غیر عیسوی را بر روحانیان ممنوع سـاخت و بدین ترتیب مدت هزار سال زبان و ادبیات و علوم و فلسفهٔ یونـان از مغرب زمین رخت بربست .

---

(١)-Carthage

خانقاه‌ها (۱) ازقرن سوم میلادی کلیسا دارای سازمانی شد که از طرز حکومت و کشورداری روم اتخاذ گردید. همان طور که امپراطور در رأس کشور قرار گرفته و بفرمان وی استانداران وزیردست اینان فرمانداران و زیردست فرمانداران بخشداران کشور را اداره میکردند همانطور نیز پاپ در رأس عالم مسیحیت بود وزیردست او بطرکها وزیردست بطرکها رئیس اسقفها وزیردست اینان اسقفها کلیسارا اداره مینمودند باین ترتیب سازمان کلیسا قوت گرفت و رفته رفته دولتی شد در قلب دولت روم. چندتن از پاپها که با تدبیر وسیاستمدار بودند برنفوذ دنیوی کلیسا و حکومت مسیحیت افزودند و اقتدار آنرا در تمام کشورهای مسیحی بحد اعلی بردند.

درمقابل توجه پاپها وطرفداران آنها بکارهای دنیوی عده‌ای از گروندگان بدین مسیح معتقد بودند که زهد مستلزم دوری کامل ازاین عالم پست و پر گناه است باین جهت بعضی بصحرا رفتند و برخی درجنگل اقامت گزیدند و دسته‌ای از جامعه کناره گیری کرده بعبادت مشغول شدند. بنظر این عده رهبانیت که بموجب آن مردان می‌باید مانند برادر باهم زندگی کرده ازدنیا چشم بپوشند و بعبادت و ریاضت مشغول شوند و بادرویشی بسازند واطاعت وزهد را پیشهٔ خویش قرار دهند بسیار دلپسند افتاد و خانقاه ازاینجا پیداشد.

در ۳۳۰ میلادی درجزیرهٔ طبرنه واقع درروددخانهٔ نیل نخستین خانقاه تأسیس گردید. بیست سال بعد رهبانیت در آسیای صغیر معمول شد و بزودی توسعه پیدا کرد. مقارن همان وقت درروم نیز آموزشگاهی برای رهبانان بوجود آمد. درقرن پنجم درمارسیل (۲) و در درهٔ رودخانهٔ رن (۳) ولوار (٤) در گل خانقاه‌های متعدد ایجاد

---

(۱) خانقاه بجای واژهٔ Monastère بکاررفته‌است

(۲) Marseilles

(۳) Rhône

(٤) Loire

شد وتاهجوم قبائل وحشی استقرار پیـدا کرد . درخانقاه ها کودکان را از دوازده سالگی بعنوان نوچه می‌پذیرفتند لیکن‌تاسن هیجده نوچه‌ها ممکن نبودنذر کنند. درمـدت این شش سال خواندن ونوشتن وحساب ساده و محاسبهٔ عید های دینی و موزیك کلیسا را بنوچه‌ها میآموختند . ازین پس هریك از اعضای خانقاه در اطاق جداگانه میزیست و تنها هنگام خوراك وعبادت در تالارهای مخصوص حاضرمیشد و با دیگران شرکت میکرد . درآغازکار نذر میکردند کـه درویش و پرهیزکار و فرمانبردار باشند وروزگارخویش را صرف کارهای با مشقت کنند تاروان آنـان تعالی یابد .

خانقاههای مذکورهریك تابع آئینی بود.یکی ازآنها که توسطبندیکت(۱) در۵۲۹ میلادی درکوه کاسینو(۲) در جنوب شهر روم تأسیس شده بود ۷۳ قاعـده داشت که‌بیشترخانقاههای‌اروپای غربی‌آنهارا پذیرفته‌واجرا کردند .ازلحاظ آموزش وپرورش قاعدهٔ چهل وهشتم ازهمه‌مهمتربود زیرا بموجب آن‌تمام‌رهبانان میبایستی هرروز دست کم‌هفت ساعت کاربدنی کنند ودوساعت قرائت‌ومطالعه نمایند . ازاینجا کارهای دستی رهبانان و کشاورزی وهنرمندی‌آنها درقرون وسطی معروف‌وممتاز گردید . نگاهداری اطلاعات ومعلومات نیزدرقرون مذکوربیشتربواسطهٔروزی دو ساعت قرائت بود که رهبانان انجام میدادند .

خانقاه‌هائی که تاکنون توصیف شد تمام برای مردان بود . برای دختران‌نیز آموزشگاههاوصومعه‌هائی باز کردند که درقرون وسطی تنهابنگاههائی‌بود که تـا اندازه‌ای وسیلهٔ پرورش زنان راهب وتارك دنیارا فراهم میکرد .

---

۱ ـ Benedict که فرانسویها بنوا Benoit گویند .

۲ ـ Monte Cassino

فصل چهارم

آموزش و پرورش درقرون وسطی

قرون طلائی امپراطوری روم از پادشاهی اگوست [۱] تا زمان مارك اورل [۲] ادامه داشت (۳۱ پیش ازمیلاد ـ ۱۹۲ میلادی) ووسائل آسایش وترقی مردم و آبادی کشور وپیشرفت ادبیات وعلوم ازهرحیث فراهم بود. درزمان مارك اورل اشکالات و مصائب زیاد برای رومیها روی داد مانند طاعون [۳] وطغیان رودخانه‌ها و قحطی و هجوم ژرمنها واغتشاشاتی که بواسطهٔ دین جدید (مسیحیت) بوجود آمد. از اواخر قرن دوم امپراطوری روم رو بانحطاط وناتوانی رفت وتغییراتی که از آغاز تأسیس امپراطوری درزندگانی واخلاق ملت روم پدیدار شده بود و در فصل دوم مختصر بدان اشاره شد آثارش ظاهروهویدا گشت.

فضیلت وپرهیزکاری که ازخصائص رومیهای اولی بود تبدیل بفساداخلاق شد وبیشتردامنگیرطبقات ممتاز واولیای امور گردید. دولت روم نتوانست در نقاط مختلف امپراطوری ازروی امانت ودرستی وایمان امور کشوررااداره کند درآموزش وپرورش مداخله نکرد تا شاید ازاین راه تمایلات و هوسرانی های مخاطره آمیز زمامداران را تعدیل واصلاح کند بلکه رفته رفته قبائل ژرمن را که ازطرف شمال فشار

---

(۱) ـ Auguste نخستین امپراطورروم (۶۳ پیش ازمیلاد ـ ۱۴ میلادی)

۲ ـ Marc Aurèle

۳ ـ طاعون سال ۱۶۶ بین سربازان رومی که بسرداری کاسیوس بتصرف سوریه و ارمنستان وحمله بایران رفته بودند بروز کرد و بوسیلهٔ آنها وارد روم شد و موجب هلاکت نصف جمعیت ایتالیا گردید.

میآوردندبدرون امپراطوری‌پذیرفت وپیوسته برشمارهٔ بندگان واسیران که‌بیشتراز حیث هوش واستعداد واستخوان بر صاحبان خود برتری داشتند وتنها مغلوب‌شدن درجنك آنهارا بدین روز انداخته بود افزود و باین ترتیب ازنیرووقدرت‌امپراطوری کاست . ازعوامل مهم دیگر که موجب تخریب وتضعیف کشور مذکورشد ازمیان رفتن خورده مالك و بوجود آمدن املاك وسیع بود که متعلق بیك تن و توسط بندگان واسیران کاشته میشد ـ ازدیاد مستمند و بینوا درشهرها ـ کم شدن‌موالید ـ پستی اخلاق طبقات بی‌چیز که مسبب آن زمامداران وقت بودند که حاجت بـرأی داشتند ـ توسعهٔ دین مسیح که مردم را متوجه عقبی ونسبت بدنیا بی‌اعتنا میساخت واطاعت‌دولت راوقع نمیگذاشت . تمام این عوامل موجب شد که دراواخر قرن دوم میلادی امپراطوری روم مانند درخت تنومندو کهن‌سالی بود که در ظاهر با عظمت وخوب ودرحقیقت پوست وقشری بیش‌نداشت وهرباد مخالف وتندی میتوانست آنرا ازپای درآورد .

مهاجرت وهجوم ژرمنها

حدود شمالی امپراطوری روم رود دانـوب ورن [۱] بود وقبائل‌وحشی که‌رومیان آنهارا ژرمن مینامیدند درآنسوی این دو رودخانه سکنا داشتند وتنها ارتش‌روم‌مانع سرازیر شدن آنها بدرون کشور بود .

در۱٦٦میلادی یعنی‌سالی که طاعون ایتالیارافراگرفت یکی‌ازطوایف‌وحشی بامپراطوری روم هجوم‌آورد وحتی به دریای‌آدریاتیك هم‌رسید و سیزده سال طول کشید تا رومیان‌آنهارا بآنطرف رود دانوب راندند .

درسال ۲۷۵ میلادی رومیان ایالت داسی واقع درجنوب دانوب را به قبـایل ویزیگت [۲] واگذار کردند تا ازفشارآنها رهائی یابند . درسال ۳۷۸قبایل‌خونخوار هیون [۳] ویزیگت ها را زیرفشار گذاردند وآنها نیزروم شرقی‌رامورد تاخت وتاز

---

۱ - Rhin

۲ - Visigoths

۳ - Huns ظاهرا همان قبایلی که‌ازطرف قفقازبایران حمله‌می‌بردند .

قرارداده رومیان را درادرنه شکست دادند وامپراطور را کشته در بالکان سکونت اختیارنمودند. چندی‌بعد درتحت ریاست آلاریك[۱] ویزیگت‌هایونان‌راتصرف‌نمودند سپس‌بطرف غرب پرداخته ازشمال ایتالیا به‌شبه جزیره هجوم بردندوبسال ۴۱۰ شهر روم‌را گرفته وغارت کردند. این مسئله باندازه‌ای مهم بود که جمعی تصور نمودند که گیتی بپایان رسیده است زیرا مدت هشتصد سال پایتخت روم ازهر گونه هجوم

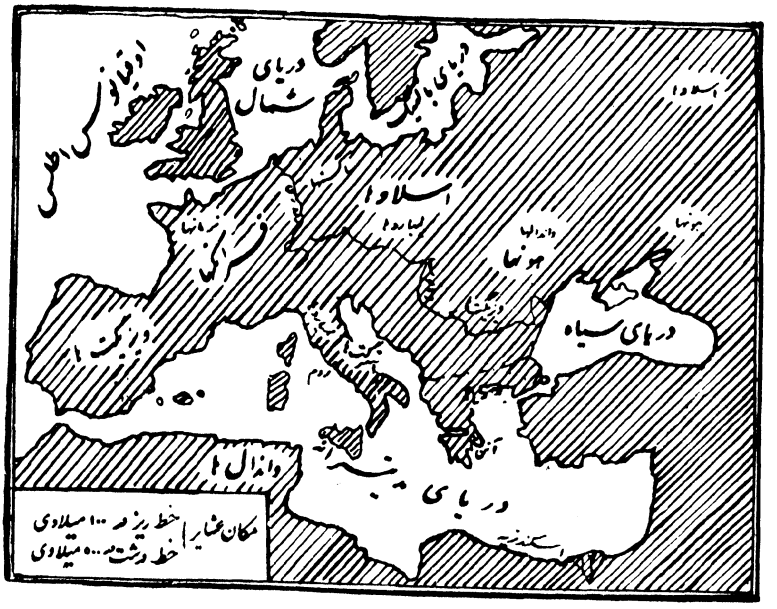

مهاجرت ژرمنها

بر کنار بودو کسی باور نداشت که بتوان آنرا تصرف وغارت نمود. بالاخره قبایل مذکور ازنوبطرف غرب بر گشته ودراسپانی وجنوب گل متوطن گشتند.

مهاجرت مهم دیگری که بوقوع پیوست نیزبواسطهٔ فشارهیونها بود که‌قبایل واندال[۲] را بمغرب کوچداد ودرظرف پنجاه سال‌از آلمان وفرانسه واسپانی گذشته تمام شهرهاراغارت نمودند وبالاخره از دریای مدیترانه عبور نموده شمال افریقا را

---

(۱) Alaric

(۲) Vandales

تصرف کردند . درسال ۴۵۵ میلادی طوائف مذکور مجدداً از دریا گذشته بایتالیا رفتند وشهرروم را تصرف وغارت کردند .

درسال ۴۷۶ چریکهائی که‌ازعشایروحشی بودندودرارتش‌روم‌خدمت‌مینمودند اززندگانی اردوخسته‌شده درخواست کردندزمین‌هائی‌به‌آنهاواگذارشود که‌بتوانند درآن سکونت کنند وچون حاجت آنها برآورده نشدطغیان کردند وامپراطور روم غربی را خلع ویکی ازایلخانهای طوائف شمالی را موسوم به اودوواکار[۱] بجای‌او منصوب کردند وبدین ترتیب امپراطوری روم غربی منقرض شد .

مهاجرت های دیگری که تأثیرزیاد دروضع اروپاداشت عبارت بود از کوچ کردن قبایل آنگل[۲] وساکسون که درمحل دانمارك کنونی سکنا داشتندبمشرق وجنوب بریتانیا (در۴۸۵ ـ ۴۴۳ میلادی) . فرانك[۳] هانیز که دربخش پائین رن متوطن بودند در۴۸۶ مهاجرت آغاز کرده رفته رفته تمام گل را متصرف و در آنجا ساکن شدند.درقرن ششم‌اسلاوها متوجه‌امپراطوری روم‌شرقی شدندویوگواسلاوی وبلغارستان کنونی را قبضه کرده درآنجا اقامت گزیدند . ازینروعلاوه برلاتن های ساکـن بخشی از اروپای باختری ، جنوب شرقی اروپا را نژاد اسلاو و یـونان و اروپای غربی را نژاد ژرمن متصرف‌شده تصاحب کردند و با این وضع قرون‌وسطی آغاز شد .

مشخصات قرون وسطی

ازلحاظ آموزش وپرورش قرون وسطی دو مشخص بزرك دارد . نخست اینکه قرون مذکور دورهٔ جذب و تحلیل و متمدن کردن قبایل وحشی است که در قرن پنجم و آغاز قرن ششم میلادی براروپا مستولی گشتند وامپراطوری روم غربی را منقرض کرده درقارهٔ اروپای متمدن سکونت گزیدند وباین ترتیب مواجه شدند با تمدن یونان و

---

(۱) Odovacar
(۲) Angles
(۳) Franc

تمدن روم ودین مسیح وسازمان کلیسا وهزارسال طول کشید تاطوایف ژرمن برای کسب ودرك وجذب این سه‌عامل آماده شدند.

موجباتی که آنها را باین مسئله جلب کرد عبارت بود از طرز حکومت و کشورداری روم وثروت وهنرهای آن ملت که درشهرها وساختمانها وراهها و پلها پدیدار وهویدا بود- وحدت حکومت درامپراطوری‌پهناوری که سالها باآن‌مجاور وهمسایه بودند واختلاف آشکاری که باحکومت عشیره‌ای خودآنها داشت -وحدت سازمان‌کلیسا بانفوذ ونیروئی که نسبت بتمام ملل حائز بود - ادبیات و علوم و آموزشگاه‌های یونان وروم که بدست مسیحیان‌اداره میشد. قبایل وحشی‌درمقابل این‌تمدن خیره ومبهوت شدندوآنرا غایت مطلوب وحداعلای زندگی فرض کردند و کورکورانه به‌تقلیدآن پرداختند.

دومین مشخص بزرگ قرون وسطی فرمانبرداری و انقیاد محض و توقف و رکود بود. عقایدوافکار و آداب وعادات ومؤسساتی که وجود داشت همه را غایت مقصود ونوع اکمل میدانستند وپذیرفتن عین‌آن را لازم میشمردند وبکسی‌اجازهٔ چون وچرا نمیدادند و تغییرآنها را روا نمیدانستند. باین جهت ترقی و پیشرفت غیر ممکن بود - تنوع و ابتکار ممتنع مینمود - تحجر کامل درکارها حکمفرما و هر کس ناگزیرازتقید وتقلید واطاعت وتسلیم بود.

خانقاه ها

درتمام قرون وسطی طبیعة کلیسا ازلحاظ آموزش وپرورش بزرگترین نفوذراداشت‌زیرادین‌مسیح‌دین‌رسمی امپراطوری روم‌شده وبواسطهٔ سازمان کامل ومتمرکزی که‌داشت اختیار وقدرتش نامحدودبود. پس ازبسته شدن مدارس غیرعیسوی از طرف ژوستینین در۵۲۹ میلادی‌آموزشگاه های دینی بی‌رقیب ماند وازمیان آنها مدارس رهبانان یا خانقاه ها از همه بیشتر توسعه پیدا کرد.

چنانکه درفصل گذشته ذکرشد خانقاه ها ازاواسط قرن چهارم میلادی‌برپا گردیدونخست درفلسطین وسوریه سپس‌دریونان وایتالیا وگل وشهرروم وجزیرهٔ

بریتانیابسط پیدا نمودو آئین ونظاماتی راکه‌بندیکت وضع کرده بود عموماًدر آنها پذیرفته واجرا کردند. چون‌مطابق‌مادهٔ ٤٨ آئین‌نامه رهبانان باید روزی‌دو ساعت قرائت ومطالعه کنند خانقاهها آغاز بگردآوری نسخهٔ خطی نمودند وبدین ترتیب کتابخانه‌هائی بوجودآمد که بعضی دارای چندصد جلد کتاب بود و یکی از آنها موسوم به نوالز[۱] درایتالیا گویند ششهزاروپانصد جلد کتاب داشت .چون رهبانان بخواندن ومطالعه نیازمند بودندو گاهی‌نیزمیخواستند کتابهای خودرابا کتاب‌های دیگرخانقاهها‌مبادله نمایند استنساخ کتب‌خطی‌مانند کتاب‌انجیل‌وتورات وتفسیرو دعا و کتابهای ادبی رواج پیدا کرد وباین ترتیب وسیلهٔ نشر معرفت فراوان شد و ذخائر علمی وادبی از زوال وفنا محفوظ ماند .

درتمام قرون وسطی خانقاهها مهمترین مراکزآموزش وپرورش‌بود . نه‌تنها زندگانی روزانهٔ آنها نوعی‌ازتربیت بود بلکه هرعضومیبایستی نذر کند که‌پیوسته فرمانبرداراباشد ودرویش ومجرد بماندوبرطبق‌این نذرعمل نماید تا تقرب بخداوند حاصل کند .

برنامهٔ تحصیل درآغاز تأسیس خانقاهها مقدماتی وشامل خواندن ونوشتن‌و محاسبهٔ عیدهای دینی‌بود لیکن اززمان بندیکت یعنی ازقرن‌ششم‌میلادی‌به‌بعد که کلیسا استقرار پیدا کرد ودیگرباکی نداشتند کـه علوم و ادبیات یونان در دماغ گروندگان تردید وشك ایجاد کند مواد هفتگانهٔ معروف را که عبارت باشد از صرف ونحو-سخنرانی- منطق- حساب - هندسه - موزیك - هیئت بیاموختندوچند کتاب درسی که شامل این مواد بود تألیف کردند . چون نسخهٔ کـتاب بعدهٔ کافی وجود نداشت معلم جزوه میگفت وشاگردان‌مینوشتند .

روش تعلیم‌عبارت بود ازنویساندن پرسش هاوجوابهائی که شاگرد بایدهمهٔ آنها را عیناً بیاد سپارد . برای اینکه درجهٔ فکر ودانش مردم آنزمان معین شود چند پرسش وپاسخ که برای آموختن به پسرشارلمانی تهیه شده وشبیه است بآنچه

---

(۱) Novalese -

درخانقاه ها میآموختند دراینجا نقل میشود :

پ ـ چه چیز باعث سخن گفتن میشود ؟

ج ـ زبان

پ - زبان چیست ؟

ج ـ تازیانهٔ هوا

پ- هوا چیست ؟

ج ـ نگاهدارندهٔ زندگانی

پ ـ زندگانی چیست ؟

ج ـ لذت بردن ازچیزهای خوب ـ غمگین‌شدن ازچیزهای بد ـ انتظار مرك .

پ ـ باران چیست ؟

ج ـ منبع آب زمین ـ مادرمیوه ها

پ ـ یخبندان چیست ؟

ج ـ جور کنندهٔ به‌گیاهها ـ خراب کنندهٔ برگها ـ زنجیر کنندهٔ زمین

پ ـ برف چیست ؟

ج ـ آب خشك .

گرچه خانقاهها گاهی ازخط راست منحرف میشدند وازحیث اخلاق‌وتقدس وکارقابل انتقادبودند وباعلوم وادبیات یونان وروم مخالفت میورزیدند بااینهمه‌باید گفت که روی همرفته درقرون وسطی خدمات بزرك نمودند. قبایل‌وحشی ژرمن‌را رام کردند ـ زمین های پهناور بایررا حاصلخیز نمودند ـ پیشه وهنررا که‌روزی هفت ساعت بدان اشتغال داشتند میان مردم ترویج کردند ـ بینوایان وگرسنگان را پناهگاه بودنـد ـ مسافـران فرسوده را آسایش بخشیدند ـ فـرهنگی را که در دست بود محفوظ داشتند ـ کتب را بوسیلهٔ تـکثیر نسخه از محو شدن مـانـع گردیدند .

شارلمانی وجنبش موقت فرهنك

در قرون وسطی عامل اصلی آموزش و پرورش کلیسا و کارگزاران‌آن یعنی روحانیان ومتصدیان کارهـای دینی بودندلیکن بطور استثناء دولت وعوامل سیاسی نیز گاهی

در آن تأثیر داشت چنانکه شارلمانی[۱] ازجملهٔ این عوامل بود .

میان قبایل ژرمن آنانکه درناحیه های پائین رودخانه رن اقـامت داشتند و موسوم بودند بفرانك برای خویش سلطنتی بوجود آوردند که در اواخر قرن هشتم میلادی شامل فرانسهٔ کنونی و بلژیك وهلند و آلمان غربی بود . از دودمانی کـه پادشاهی میکرد مهمترین شهریاری که براریکهٔ سلطنت جلوس نمود شارلمانی بود که بحکومت خود مرکزیت داد وبراقتدارات خویش افزود ودر ۸۰۰ میلادی توسط پاپ مراسم تاجگذاری وی بعنوان امپراطور رومی‌ها بعمل آمد .

شارلمانی درطرز اداره کردن کشور اصلاحاتی نمود . درقسمت فرهنك چون آموزشگاههای کلیساوخانقاههاروبانحطاط رفته ـ استنساخ کتاب موقوف شده ـ سواد کشیشهاتقلیل یافته بودشارلمانی بزرگترین دانشمندان زمان را بخدمات فرهنگی گماشت . ازجملهٔ این دانشندان شخصی بود موسوم به الکوئین[۲] که انگلیسی و مدیر آموزشگاه کلیسا دریرك[۳] بود وامپراطور درحقیقت او را بوزارت فرهنگ تعیین کرد. الکوئین درکاخ شاهنشاهی آموزشگاهی برپانمود که شارلمانی وخانواده ودرباریانش در آن بتحصیل پرداختند . برنامهٔ این مدرسه عبارت بود از صرف و نحو ـ سخنرانی ـ منطق ـ حساب ـ هیئت ـ یزدان‌شناخت (حکمت الهی) .

بوسیلهٔ فرمانهائی که شارلمانی بروحانیان ومتصدیان کارهای دینی صادر نمود آموزشگاههائی در خانقاه ها و کلیساها و دهکده ها بوجود آمد و آنها که از پیش وجود داشت بجنب وجوش افتاد . در ۸۰۲ نیز فرمانی برای آموزش اجباری صادر کرد .

بسال ۷۹۶ میلادی الکوئین اصراردر کناره گیری از کارهای فرهنگی کردو در شهرتور[٤] خانقاه نمونه‌ای برپا نمود وتا پایان عمر نفوذ زیاد درآموزش و

---

(۱) ـ Charlemagne (۷٤۲-۸۱٤)

(۲) Alcuin

(۳) ـ York شهری درسیصد کیلومتری شمال لندن

(٤) ـ Tours

پرورش کشور داشت . پس ازوی شاگردانش کار اورا دنبال کردند . یکی از آنها موسوم به رابانوس[١] خانقاه فولدا[٢] واقع درپروس رامرکزعلمی نمود .

باوجودزحماتی که شارلمانی متحمل شد وجنبشی که بوجودآورد چون کار های کشور بی‌اساس و جانشین های وی ناتوان بودند و قبایل شمالی پیوسته هجوم میآوردند پس ازاو فرهنك روبضعف وانحطاط گذارد ونتیجه‌ای که ازشهریاری‌وی در آموزش وپرورش باقی ماند این بود که ادبیات وعلوم یونان وروم که در زمان جلوس وی تنها درجزیرهٔ بریتانیا فی‌الجمله رائج بود در قارهٔ اروپا نیز تا حدی متداول ومعمول گشت .

اقدامات آلفرد در انگلستان

نظیر اقدامات شارلمانی را تقریباً یك قرن بعد الفرد[٣] بزرك پادشاه انگلستان در کشورخویش نمود .

این پادشاه در ٨٧١ میلادی بتخت شهریاری نشست وچون ضعف وانحطاط فرهنك را مشاهده نمود شخصاً آموزشگاه دربارارا زیر نظر گرفت وازاروپای بری مربیان ودانشمندان بزرگی را مانند گریم بولد[٤] که در فلاندر[٥] مدیر خانقاه بود بانگلستان جلب کرد ـ تأسیس آموزشگاه رادرخانقاه‌ها برای تعلیم‌سواد تشویق نمود ـ آموزشگاههای موجودرا اصلاح کرد .

الفرد علاوه‌برنظارت‌شخصی که‌درآموزشگاه دربارمینمود بواسطهٔ دلبستگی که بفرهنگ داشت چندکتاب که راجع بفلسفه وتاریخ در آنزمان معمول بود از لاتین‌بانگلیسی ترجمه کرد. البته کتابهای مذکوربهترین متن‌های آن عصرمینمود ولی ازهرحیث متوسط است وشایان توجه نیست .

---

(١) Rabanus که‌فرانسویها «رابان» گویند.

(٢) Fulda

(٣) Alfred (٨٧١ـ٩٠١) که‌قبایل مهاجم‌دانمارکی‌راشکست داد.

(٤) Grimbald

(٥) Flandre ولایتی است در مغرب بلژیك کنونی میان مرز فرانسه و دریای‌شمال.

ظهور اسلام و تاثیر آن در آموزش و پرورش

شارلمانی والفرد دوعامل جنبش درقرون وسطی بودند که اثردائمی از آن باقی نماند. عامل سوم دین اسلام بود که درتمدن وفرهنك شرق وغرب تأثیرات فراوان بخشید. هنگامیکه محمدبن عبدالله (ص) به‌پیغمبری برگزیده شد عربهاعمومابادیه نشین وازتمدن کم بهره وبی‌سواد ونادان بودند بطوریکه مدتها قرآن سینه بسینه نقل‌میشد وتقریباً سی‌سال پس ازهجرت تدوین وجمع آوری شد.

تسخیرسوریه (که درعصرساسانی میان ایران وروم دست بدست می گشت) و تسخیرایران ومصراعراب را باملل متمدن محشورساخت. درآسیا سه امرمهم زمینه را برای استفادهٔ تازیان مهیا ساخته بود. نخست آنکه ایران دارای تمدن و فرهنك عالی و درخشانی بود و بهنر وادب و علوم وحکمت و پزشکی توجه خاصی مبذول میداشت.

ازقرن سوم میلادی هم کتب هندی ویونانی به پهلوی ترجمه ومنتشرشده و دانشگاه گند شاپور درخوزستان مرکزنشر وتعلیم معارف وعلوم بود.

دوم آنکه چون نسطوراسقف قسطنطنیه (پایتخت روم شرقی یا بیزانس) دین مسیح‌را با منطق‌وحکمت یونان‌وفق دادشورای مذهبی منعقد درشهرافیسوس[1] در ۴۳۱ میلادی او وپیروانش را محکوم کردواز بیزانس راند. مسیحیان نسطوری از بیزانس بایران (درزمان قباد) پناه آوردند و پروانهٔ اقامت در نصیبین یاتدریس در دانشگاه گند شاپور یافتند و از قرن ششم میلادی کتب یونانی را در فلسفه وعلوم طبیعی وریاضی وپزشکی بسریانی ترجمه کردند ودر نقاطی چون نصیبین و رها و

(۱) ـ درکناردریای مدیترانهٔ شرقی درآسیای صغیر

انطاکیه وقیصریه و حران بآموختن وتبلیغ عقاید خویش پرداختند.

سوم اینکه در۵۲۹ میلادی ژوستی‌نین امپراطور بیزانس‌دانشگاه آتن راکه که بزعم او پرستش خدایان را می‌آموخت تعطیل کرد. حکمای یونان پراکنده شدند وهفت نفربایران (درزمان انوشیروان) پناه‌آوردند وچندی ازدانش وحکمت اطرافیان‌خودرا بهره‌مند ساختند.

بنابراین وقتی که اعراب درقرن هفتم میلادی برسوریه وایران چیره آمدند درنقاط ومراکزی که ذکرشد مواجه با روحانیان نسطوری وایرانیان شدندکه از علم وفلسفه بابهره وباحکمت ودانش یونان‌آشنابودند. ازنیمهٔ قرن هشتم میلادی که بنی عباس بخلافت رسیدند ونفوذ ایرانیان دردربار خلفا استقرار یافت ترجمهٔ کتابهای فلسفه و پزشگی و علوم ریاضی و طبیعی از پهلوی‌و سریانی‌و یونانی بعربی آغاز شد و مدت دویست سال (۹۵۰-۷۵۰) این کار ادامه داشت و بغداد ودمشق وبصره و کوفه مرکزعلمی گشت.

مقارن این احوال متفکران عالم اسلام درصدد برآمدند که خرافات‌ومطالب خارق‌العاده وفوق طبیعت‌را ازدین اسلام خارج کنندوپایهٔ آنرا برعقل ومنطق نهند. یکی ازمتفکران مذکور واصل‌بن عطاء غزال (۷۴۹-۷۰۰) بود که مؤسس‌طریق معتزله است. این شخص ایرانی بود و آشنا به حکمت طبیعی و فلسفهٔ یونان. پیروانش نیز ازترجمهٔ کتبی که تحت حمایت منصور(۷۷۵-۷۵۴) و مأمون(که‌از ۸۱۳ تا ۸۳۳ خلافت داشت) فراهم شده بود کاملا بهره برگرفته وسعت نظر پیدا کرده بودند.

معتزله که خودرا اهل عدل و توحید مینامیدند معتقد بودندکه اولا ذات و صفات باری تعالی یکی‌است وخداوند لم یزلی است ونهایت و حد ندارد ثانیاً درباب جبرواختیار که ازمباحث مهم مذهبی وفلسفی عصر بود عقیده به «اختیار» داشتند وآدمی را فاعل مختارمیدانستند ومیگفتند انسان دردوران حیات‌آزادی عمل‌دارد

وهمین موضوع عادل بودن پروردگاررا روشن میسازد . ثالثاً حقایق لازم را برای نجات وفلاح انسان درعقل وخرد اومیدانستند که پی بحقایق امو ربردونیکی‌را از بدی وصواب را از خطا تشخیص دهد (۱).

فارابی (۹۵۰-۸۷٤ میلادی) وابن‌سینا (۱۰۳۷-۹۸۰) و امام محمد غزالی (۱۰۵۹-۱۱۱۱) سه‌فیلسوف نامی ایران وابن رشد(۱۱۹۸-۱۱۲٦) فیلسوف‌معروف اندلس درعقاید قشری وتعصب‌آمیزمذهب رخنه واردآوردند ودردین آزادی فکر را داخل نمودندو کتب بسیار بزبان عربی نگاشتند.

اخوان‌الصفا

پادشاهان بویه که شیعه بودند درنیمهٔ قرن دهم میلادی‌بر مستکفی خلیفه عباسی چیره شدند وبغداد را تصرف کردند (احمد معزالدوله دیلمی در۳۳٤ هجری کـه مقارن با ۹٤٦ میلادی باشد بغداد را تسخیر کرد) وبیش‌ازیك قرن‌درآنجا فرمانروائی کردند. باین‌جهت بحث درمسائل دینی وفلسفی روا شدوهیئتی ازمسلمانان باسم اخوان‌الصفا بوجودآمد که کارمعتزله را دنبال نمود. این هیئت وجههٔ همت خویش قرارداد که دین ودانش را باهم‌سازش دهد ـ عقاید و قوانین اسلامی را با فلسفهٔ یونان یعنی عقل و منطق تـألیف وتطبیق نماید ـ تمام معلومات‌آنزمان را بشکل دائرةالمعارف درآورد . نتیجهٔ زحمات‌آنها درپنجاه ویك رساله تدوین شدودرحدود ۹۷۰ میلادی بپایان رسید .

ازاخوان‌الصفا نام پنج تن بما رسیده که از روی نام و انتساب سه تن از آنها ایرانی‌اند : ابوسلیمان محمدبن نصر بُستی معروف به المقدسی- ابوالحسن علی‌بن هارون‌زنجانی ـ ابواحمد مهرجانی ـ العوفی ـ زیدبن رفاعه .

رساله‌های اخوان‌الصفا

رساله‌هائی که اخوان‌الصفاتدوین کرده‌اندرحقیقت‌مجموعهٔ تعلیمات‌عالی عصر بود و شیوهٔ نوشتن‌آنها ساده وعوام فهم . معذلك شاگردمیبایستی ازپیش تحصیلات زیررا کرده‌باشد

---

(۱) برای تفصیل بیشتررجوع شود به کتاب خاندان نوبختی- اقبال ـ صفحهٔ ۳۷-۳۲ وتاریخ ادبی ایران براون ـ جلد اول ـ فصل هشتم

تابتواند ازمطالعهٔ رساله‌ها بهره‌مند شود .

الف ـ علوم دنیوی مشتمل‌برخواندن ونوشتن ـ صرف ونحو ـ حساب‌ـعروض وقافیه ـ تفأل علم سعد ونحس ـ طلسم وجادو و کیمیا گری ـ پیشه ها و هنرها ـ بازرگانی و کشاورزی ـ قصص وتراجم احوال .

ب ـ علوم دینی که شامل قرآن‌ـ تفسیرقرآن ـ اخبارواحادیث ـ فقه‌ـریاضت وتصوف بود .

پنجاه و یك رساله اخوان‌الصفا راجع بود بآنچه حکمت مینامیدند و بشرح زیربخش میشد :

سیزده‌رساله درخصوص ریاضیات ومنطقیات یعنی حساب ـ هندسه ـ هیئت‌ـ جغرافی ـ موزیك ـ رابطهٔ حساب وهندسه ـ پیشه‌ها وهنرها ـ تنوع اخـلاق بشر و مقولات‌عشر(جوهر‌ـ کمیت ـ کیفیت‌ـ مضاف ـ وضع‌ـ مکان ـ زمان ـ جده ـان‌یفعل‌ـ ان ینفعل[1]).

هفده رساله درطبیعیات وانسانیات که درخصوص هیولا (یعنی ماده) وصورت وزمان‌ومکان وحرکت‌ـ آفرینش گیتی‌و کون وفسادوعناصر‌ـهواشناسی‌ـ کان‌شناسی‌ـ ماهیت طبیعت و آثارآن ـ گیاه شناسی ـ جانور شناسی ـ کالبد شناسی ـ حواس پنجگانه ـ جنین شناسی ـ آدمی چـون جهان کـوچکی است ـ تحول نفسانی ـ تن وروان ـ ماهیت حقیقی لذت ودرد ـ زبان شناسی .

ده رساله راجع بنفسانیات یا روان شناسی .

یازده رساله درالهیات که ازمرام‌وروش اخوان‌الصفا سخن‌میراندوعقایدباطنی اسلام ـ نظام عالم روحانی ـ نجوم وسحروجادو را مورد بحث قرار میدهد .

---

(۱) اصلاحات مذکور بزبان فرانسه بترتیب عبارتست از :

Essence و Quantité و Qualité و Relation و Situation و Lieu و Temps و Manière d' être و Action و Passion

مطابق تحقیقاتی که دی‌تریتسی[1] مستشرق آلمانی کرده است اخوان‌الصفا در عقاید و افکار فلسفی و علمی خویش بیشتر تحت نفوذ فیلسوفان و دانشمندان یونان قرار گرفته‌اند بطوریکه در منطق و طبیعیات از ارسطو ـ در ریاضی از فیثاغورثیان و افلاطونیان جدید ـ در تاریخ طبیعی از بطلمیوس و در پزشکی از جالینوس بهره یافته‌اند.

اخوان‌الصفا معتقد بودند که کمال از ترکیب فلسفهٔ یونان و شرع اسلامی بوجود آید و از این حیث پیرو معتزله و فارابی و پیشقدم ابن‌سینا و امام محمد غزالی بودند و فلسفه‌ای که ایجاد کردند موسوم شد به فلسفهٔ عرب **زیرا بزبان عربی تدوین گردید**

اهمیت بغداد

حشر و تماس عربها با مردم سوریه و ایران و مصر و روحانیان نسطوری ـ ترجمهٔ کتابهای فلسفی و علمی از سریانی و یونانی و پهلوی[2] بعربی ـ پیدایش معتزله و اخوان‌الصفا ـ حمایت هارون و مأمون از دانشمندان موجب شد که بغداد که توسط منصور دومین خلیفهٔ عباسی از روی نقشهٔ خالد برمکی و نوبخت (که هر دو ایرانی بودند) در ۷۶۱ میلادی در خاك ایران نزدیك تیسفون ساخته شده بود مرکز مهم علمی شد و بصره و کوفه نیز مورد توجه واقع گردید. آموزشگاههای متعدد در بغداد برپا شد و از هر سو دانشجو بدانجا روی کرد ـ ایرانیان و دیگر مسلمانان و یونانیها و کلیمیهای فاضل بتدریس پرداختند ـ در علوم ریاضی و طبیعی ترقیاتی نمودند و از آنچه یونانیان یافته بودند پافراتر نهادند. از جمله کارهائی که مسلمانان (که بیشتر ایرانی بودند) در این زمینه کردند این بود که در ۸۰۰ میلادی پیکرهای هندسی را از هندیان گرفتند سپس اروپائیان آنها را بنام

---

(۱) Dieterici که در کتاب تاریخ ادبیات ایران نگارش مرحوم پروفسور براون جلد نخست ص ۳۸۱ نقل شده است.

(۲) در فهرست ابن‌الندیم اسامی عده‌ای از مترجمین کتب پهلوی بعربی ذکر گردیده که برای مثال میتوان نام ابن مقفع روزبه ـ چندتن از خاندان نوبخت (نوبخت پسر گودرز ـ ابوسهل پسر نوبخت که منجم منصور خلیفه بود و هفت کتاب از او در فهرست آمده ـ عبداله و فضل‌اله پسران ابوسهل. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود بکتاب خاندان نوبختی ـ اقبال ـ صفحهٔ ۳) حسن بن سهل ـ محمد بن جهم برمکی ـ زادویه و محمد اصفهانی ـ بهرام بن مروان شاه ـ عمر بن فرخان را در اینجا نقل کرد

پیکرهای عرب اقتباس نمودند وبدین ترتیب انقلاب بزرگی درمحاسبه ایجاد شد- طول یکدرجه از نصف‌النهار را میان کوفه و بغداد و کنار دریای احمر اندازه گرفتند [۱] - بسال ۸۳۰ میلادی شیب مدار خورشید را نسبت بسطح استوا معین کردند - نخستین کتاب جبرومقابله را نوشتند - علم مثلثات را وضع کردند -طول سال را حساب کردند - تقویم نوشتند - زیج تهیه کردند - آونك را برای اندازه گرفتن زمان بکاربردند -درفیزیك وشیمی اکتشافاتی کردند (مانند قانون انکسار نور- تعیین ارتفاع‌جو- سنگینی‌هوا - نیروی گرانی - تعیین وزن مخصوص اجسام - تغییر وزن اجسام درهوای رقیق و کثیف) که تا قرن هفدهم وهیجدهم براروپائیان مجهول بود - درپزشکی‌وجراحی کارهائی کردند که مانندآنها تنها درقرن نوزدهم در اروپا انجام یافت - راجع بصرف و نحو و لغت و داروسازی کتابهای پر بها نگاشتند . . .

در۱۰۶۵میلادی که مقارن۴۵۷ هجری قمری‌باشد خواجه نظام‌الملك‌مدرسهٔ نظامیه‌رادربغدادبرپا کرد که بزودی یکی‌ازمراکزعلمی‌شد.موادی که‌درآن‌تدریس مینمودند عبارت بود ازحساب - هندسه - مثلثات - فیزیك - هیئت - زیست‌شناسی- پزشکی - جراحی - حکمت ماوراء طبیعت - منطق - فقه . . .

انتقال علوم باسپانی

عربها پس ازتسخیراسپانی وهجوم بفرانسه در۷۳۲ میلادی از شارل مارتل [۲] شاهزاده و سردار فرانك ها در نزدیکی تور[۳] شکست خوردند وباسپانی برگشته درآنجاسکونت گزیدند . تنی ازعربها که درمادرید متوطن وبه مسلم‌بن محمدبن ابوالقاسم‌المجریطی (مادریدی) اندلوسی (وفات در۱۰۰۵ میلادی) موسوم بود افکار و عقاید اخوان‌الصفارا با خود

---

(۱) طولی که یافتند ۹۰ کیلومتر بود وطولی که در قرن هیجدهم فرانسویها پیدا کردند ۱۱۱ کیلومتر است بنابراین اختلاف‌بیش از۲۱ کیلومتر نبوده‌است. اکنون میدانیم که دائرهٔ نصف‌النهاردائرهٔ فرضی‌است ومفهوم خارجی ندارد .

(۲) Charles Martel

(۳) Tours

بمغرب زمین‌برد. این افکار دردماغ عربهای‌اسپانی ویهودیها ومسیحیها تأثیرفراوان داشت . میان اعراب مغربی ابن رشد (۱۱۹۸-۱۱۲۶) کوشش کرد تا اسلام و فلسفهٔ ارسطورا باهم سازش دهد ودرتمام قرون وسطی مفسر ارسطو درمغرب زمین شد .

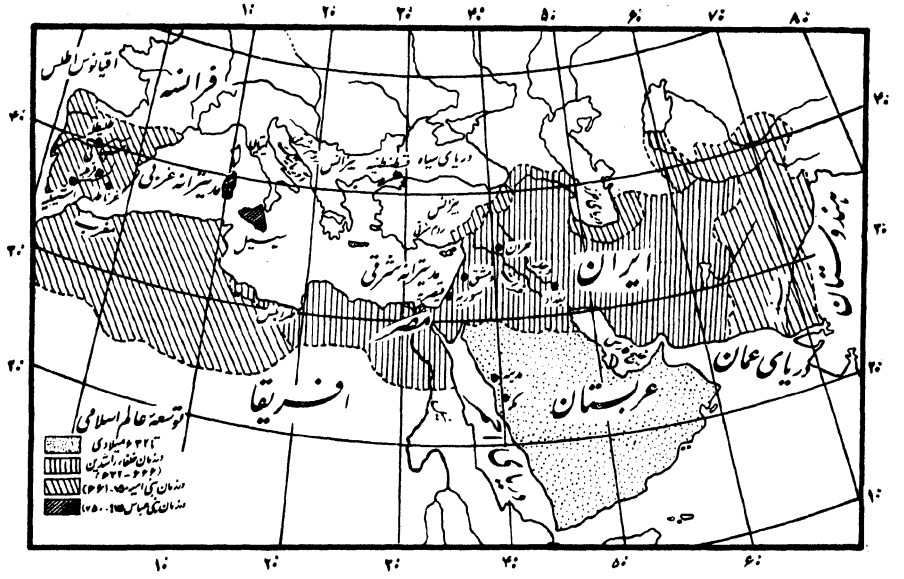

عالم اسلامی

ازطرف دیگرنادانی وتعصب تودهٔ عرب - پیدایس اشعریها[۱] ومخالفت‌شدید آنها بامعتزله - تسلط ترکها برخلفای عباسی موجب شد که پیروان اخوان‌الصفا و فلسفهٔ یونان درآخرقرن یازدهم میلادی ازبغداد رانده شدند ومانندهمان‌واقعه‌پیش آمد که درقرن پنجم میلادی درایتالیا بظهور پیوست وباعث شد که فلسفهٔ یونان‌از مغرب زمین‌رخت بربست ودرفصل سوم‌مختصراً بدان اشاره شد . پیروان اخوان‌الصفا

---

(۱) اشعریها پیروان ابوالحسن اشعری بودند که بسال ۲۶۰ هجری متولد شد و درآغاز درمکتب معتزله پرورش یافت ودرچهل سالگی بصف مخالف پیوست و بررد معتزله‌رسالاتی‌انتشارداد. اشعریها برخلاف‌معتزله انسان‌را درزندگانی مختار نمیدانستند بلکه ایمان‌به جبرداشتند - قرآن را قدیم وغیرمخلوق می گفتند - معتقد به رؤیت‌خداوند درروز رستاخیز بودند ودرعالم اسلام تعصب ومحدودیت فکروتحجرور کود ایجاد کردند (برای اطلاعات بیشتر رجوع شود بتاریخ ادبی ایران - براون - جلد اول - صفحهٔ ۲۹۱ و ۳۵۲)

به شمال‌افریقا واسپانی مهاجرت کردند ودراسکندریه [1] وقاهره واشبیلیه‌وغرناطه وقرطبه‌وطلیطله مدارسی‌شبیه بنظامیهٔ بغداد برپانمودند که طلاب درآنهامیزیستند وبرنامه‌ای‌شبیه‌به‌برنامهٔ نظامیه داشتند. دراین‌مدارس جغرافیاراازروی کرهٔ‌مصنوعی میآموختند درصورتیکه دراروپای مسیحی معتقد بودند که زمین‌مسطح‌است‌ـهیئت ونجوم را دررصدیادمیدادند ـ وقت را باساعت تعیین میکردند ـ پزشکی‌وجراحی‌را تدریس میکردند. حمایت خداوندان ثروت ومکنت وصاحبان نفوذ وقدرت‌ازدانش وادب رواج پیدا کردو گردآوری کتاب وتأسیس کتابخانه متداول شدوبدین ترتیب جنبشی درعالم غربی‌اسلام پدیدآمد که نتایج آشکار داد. درشهرها بیمارستانهابرپا کردند ـ مسجدهای عالی‌و گرمابه‌های همگانی‌ومجاری‌آب ومیدان خریدوفروش ساختند ـ کوچه ها را فرش نمودند وآنهارا درشب روشن نگاهداشتند و تغییراتی بوجودآوردند که عالم مسیحیت تا چند قرن بعد نتوانست بدان پایه ازتمدن برسد.

فرهنك اسلامی در اروپای غربی

درسدهٔ دهم ویازدهم و دوازدهم میلادی اروپا در تاریکی جهل میزیست وخرافات وموهومات برمردم مستولی بود. سحر و جادو ـ شیاطین و ارواح پلید در همه جا شیوع داشت ودرتمام کارها مؤثر مینمود. شهرها کوچك بود و کثیف ـوسایل ارتباط بد بودو کم ـ راههائی که وجودداشت درمعرض غارت بود وتاخت وتاز دزدان. اوضاع بهداشت بسیار وخیم بود. بیماری درنظرهمگان عبارت بود از کیفر گناه و بایستی بوسیلهٔ دعارفع‌شود. دیوانگان را تازیانه میزدند تا ارواح پلید وشیاطین ازتن‌آنها خارج شود... روحانیان مسیحی کـه تنها دانشمندان عصر بودند علوم مسلمانان را «هنرسیاه» مینامیدند وآنهارا ازعلوم شیطانی میدانستند.

باوجوداین‌احوال‌درنتیجهٔ‌آموختن موادهفتگانه‌درخانقاهها‌وآموزشگاههای علوم دینی‌عده‌ای مایل‌شدند از کتابهای قدیم بویژه کتابهای ارسطواستفاده کنندواز

---

(۱) ابن‌یامین تودل Benjamin de Tudèle نقل میکند که در۱۱۷۳ بیست مدرسه دراسکندریه مشاهده کرده‌است (تمدن اسلامی صفحهٔ ٥٤٠)

علوم ریاضی نیزمتمتع شوند ودراین قسمت ازمسلمانان اسپانی درس گرفتند ورفته رفته **موجب بیداری اروپا** گشتند . از این عده چند تن پیشوا بودنـد کـه باید مختصری راجع بهریك ازآنها دراینجا گفت .

یکی ازاین پیشوایان ادلهارد [۱] پارسای انگلیسی است که درحدود ۱۱۲۰ میلادی درقرطبه پایتخت دولت اسلامی‌اندلس دانش‌میآموخت ورساله‌هائی‌درهیئت ازمحمدبن موسی خوارزمی وابومعشربلخی به‌لاتین ترجمه کرد وحساب و هندسه وجبررا باخود بانگلستان بارمغان برد . کتاب اقلیدس اوتا اوایل سدهٔ چهاردهم در دانشگاهها تدریس میشد .

دیگری ژرارد [۲] ازاهالی شهر کرمون [۳] واقع در شمـال ایتالیاست که در ۱۱۱٤ متولد شد ودرطلیطله بتحصیل پرداخت سپس عده‌ای از کتب‌ریاضی‌وطبیعی وطبی را باخود بایتالیا بردوبدستاری یـکنفرکلیمی از۱۱٦۷ تا۱۱۸۷ که وفات کرد قریب هشتاد رساله و کتاب مهم ازعربی به‌لاتین ترجمه نمود و ابواب علوم وفرهنك را بروی اروپائیان باز کردوبرای مترجمین بعدی نیزسرمشق بزرگی‌شد . ازجمله آثاری که ژرارد بترتیب فوق ترجمه کرد چند کتاب ذیل بطورنمونه‌ذکرمیشود :

ترجمهٔ کتب بقراط وجالینوس توسط حنین‌ابن اسحاق

المجسط بطلمیوس درهیئت ونجوم

کتاب منصوری محمد زکریای رازی درپزشکی

بعضی از مجلدات دائرةالمعارف یا فرهنگنامهٔ طبی محمد زکـریای رازی موسوم به‌حاوی

جبرومقابلهٔ محمدبن موسی خوارزمی

کتاب موسیقی فارابی

---

(۱) Adelhard از اهالـی شهر باث Bath کـه در ۲۰۰ کیلو متری مغرب لندن است .

(۲) Gérard (۱۱۸۷-۱۱۱٤ میلادی)

(۳) Crémone

قانون ابن سینا

سومی آلبرت بزرك [1] است کـه در ۱۱۹۳ بجهان آمد و جامـه‌ای شبیه لباس علمای اسلامی برتن میکرد ودر پاریس کتابهای فارابی وابن سینا و غزالی را میآموخت.

شخص دیگری که درانتقال معارف اسلامی باروپای غربی‌مؤثر بودفردریك

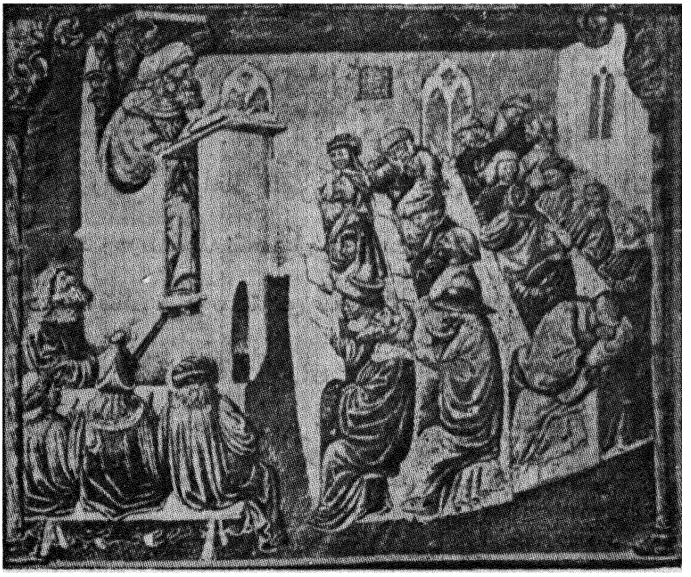

مجلس درس آلبرت بزرك (بادستار ورداه) درپاریس ازروی تصویری که درنسخهٔ خطی مورخ ۱۳۱۰ در برلن موجود است

امپراطور آلمان بود که از ۱۲۲۷ تا ۱۲۵۰ شهریاری میکردوروزگارخودرا بیشتر درسیسیل [2] وایتالیامیگذراند وباپاب برسرپادشاهی پیوسته در زدوخورد بود ودر پایان مغلوب شد.فردریك ستایش بی‌اندازه‌ای‌نسبت‌بفرهنك اسلامی داشت‌ودسته‌ای

(۱) Albertus Magnus (۱۲۸۰-۱۱۹۳)

(۲) Sicile جزیرهٔ بزرك وحاصلخیزجنوب ایتالیا که در حدود یکقرن ونیم تا ۱۰۹۱ میلادی درتصرف‌اعراب بودو بهمین جهت پس‌ازاسپانی مهمترین مرکز نشرمعارف اسلامی دراروپا گردید

ازپزشکان کلیمی را بترجمهٔ کتابهای عربی گماشت . مهمترین کتابی که‌بدین‌ترتیب نیز به‌لاتین نقل شد قانون ابن سینا بود کـه تاسدهٔ هفدهم میلادی کتاب اساسی در پزشکی بود ودردانشگاه‌های‌اروپا ازروی‌آن تدریس میشد . ازدیگر کتب طبی که که دراین دوره به‌لاتین ترجمه‌ومنتشر گردید حاوی دائرةالمعارف پزشکی محمد زکریای رازی است که بدستور شارل اول [۱] پادشاه ناپل (برادر پادشاه فرانسه) فرج‌بن سالم‌کلیمی‌ازاهالی سیسیل ترجمهٔ آنرابعهده گرفت وپس ازسالها زحمت در ۱۲۷۹ بپایان رسانید .

کتابهای دیگری که دربیداری اروپا کمك فراوان کرد ترجمهٔ کتابهای ابن رشد (۱۱۹۸–۱۱۲۶) فیلسوف اندلسی است کـه کوشید تا فلسفهٔ ارسطو را بادین اسلام سازش دهد و در تمام قرون وسطی بزرگترین مفسر گفته های ارسطو بـه شمارمیرفت .

درموسیقی نیز آثاراساتید اسلامی وایرانی چون فارابی وابن رشدوفخرالدین رازی توسط عده‌ای مانند قسطنطین افریقائـی وجهانس هیسپالنسیز [۲] وژرارد از

---

(۱) Charles d'Anjou (۱۲۸۵ - ۱۲۲۶) که با برادرخود در جنك صلیبی شرکت کرد ودرمشرق زمین اسیرشد و باتمدن وفرهنك اسلامی آشنا گشت و در ۱۲۶۶ به‌سلطنت ناپل وسیسیل رسید .

(۲) Johannes Hispalensis (که در ۱۱۵۷ درگذشته‌است)

موسیقی ایـران را بناهائـی که عبدالله بن زبیر که مدعی بنی‌امیه در امرخلافت بود ازایران برای تعمیر کعبه خواسته بود درعربستان داخل کردند باین ترتیب که بهنگام کار چنانکه امروزهم معمول است آوازمیخواندند وآهنك‌ها موردپسند واقع شد واسامی واصطلاحات موسیقی ایران عیناً در زبان عربی بکاررفت بعضی ازبناهای مذکورنیز که آلات موسیقی باخود برده بودند زدن آنهارا تعلیم‌دادند .

خلفای‌بنی‌امیه موسیقی دانان بسیارازایران بدمشق خواندند ووقتی که عبدالرحمن دوم در ۸۲۲ میلادی بخلافت اندلس رسید - زریـاب موسیقی دان ایرانـی را به قرطبه دعوت‌نمود واودراندلس‌شهرت ونفوذ فـوق‌العاده یـافت تاآنجا که آداب و رفتاروجامـه وسلیقه اوبرای مردم سرمشق شد (میراث ایران – ۱۹۵۳ - دکترلوی صفحهٔ ۷۸-۷۷)

عربی به لاتین ترجمه ودراسپانی تدریس گردیدوتوسط خوانندگان ونوازندگان‌با آلات متنوع عملاآموخته شد ودرفرانسه وایتالیا انتشاریافت واثرآن تا بامروز در اسپانی باقی است .

بترتیبی که گفته‌شدعلوم‌وادبیات‌وفلسفه که بواسطهٔ نادانان ومتعصبان‌مسیحی درقرن چهارم وپنجم میلادی ازاروپا رخت بربست دو باره توسط ایرانیان و دیگر مسلمانان درسدهٔ یازدهم باروپا برگشت وانگیزهٔ بزرگی برای بیدارشدن اروپا و توجه بعلوم وفلسفه گردید .

روش اهل مدرسه

روش اهل مدرسه [1] عبارت است از طریقه‌ای که معلمان و شاگردان آموزشگاه های قرون وسطی ازسدهٔ یازدهم تا پانزدهم میلادی در تدریس وتحصیل وتفکر بکار میبردند. پیش از قرن یازدهم دانشمندان عصر نسبت بعقاید وافکار و احکام بویژه آنهائی که مربوط بدین میشد مطیع محض بودندوچون وچرا در کار نبود - تردید وشك وپژوهش وتتبع گناه شمرده میشد. از سدهٔ مذکور باین طرف درمغرب زمین سستی عقیده میان عده‌ای پدیدآمد وعلت این بود که اولا از زمان شارلمانی ازموادهفتگانه توجه مخصوصی بمنطق پیدا شد. ثانیاً درجنگهای صلیبی اروپائیان با افکار متنوع مذهبی شرق تماس پیدا کردند.

روحانیان و اولیای دین مسیح مصمم شدند که هم بازور و هم با استدلال از دین مسیح دفاع کنند. در نتیجه روش اهل مدرسه بوجود آمد. ازینرومنظور از آن روش این بود که عقل و استدلال را بخدمت عقاید دینی بگمارند و احکام دینی را با عقل سازش دهند و هرنوع شك و تردید و پرسشی‌را با دلیل جواب گویند.

از لحاظ آموزش وپرورش این مقصود دنبال میشد که اولاشاگردان رادارای قوهٔ بحث واستدلال کنندتاعقاید دینی‌را بامنطق ثابت نمایندودلایل‌مخالف‌رارد کنند بی‌آنکه‌دراصل احکام ودراساس دین شك وسستی وارد شود ثانیاً علوم راکه بعقیدهٔ اهل مدرسه تنها عبارت بود ازحکمت‌الهی وفلسفه مرتب ومدون کنند ثالثاً علومی که بدین ترتیب تدوین وتنظیم شده بود بیاموزند.

---

(۱) Scholasticisme

موضوعهائی که بکار میرفت

دلبستگی اهل مدرسه باین بود که افکار دینی را بشکل منطقی درآورند وچون منطقی که وجود داشت ازارسطو بود روش‌اهل مدرسه رابیشتربراین نحوتعبیر کرده‌اند که اتحادی است میان عقاید دینی مسیحیان بامنطق ارسطو

موضوعهائی که اهل مدرسه بدان دلبستگی داشتند دینی ومحدود و شامل مطالبی بود چون تزکیهٔ نفس ـ سرنوشت بشر ـ مسئلهٔ تثلیث ـ جبر و تفویض ـ قلب ماهیت[۱] . . . وظیفهٔ آنها این بود که این مطالب را بشکل فلسفی درآورند ـ آنهارا مرتب‌ومدون ومنظم سازند ـ اشکالاتی که ممکن است ازطرف‌موافق‌ومخالف بشود جواب گویند ـ هرچه‌برخلاف عقیدهٔ کلیساست رد کنند. این‌عمل را چنانکه اشاره شد بوسیلهٔ منطق ارسطومیکردند .

ازجمله‌مطالبی که اهل مدرسه مورد بحث قرارمیدادند ماهیت علم[۲] بود.در آخرسدهٔ یازدهم نسبت بدین موضوع دوعقیدهٔ مختلف پیدا شد .آنسلم[۳] انگلیسی (۱۱۰۹ـ۱۰۳٤) رئیس کلیسای بزرك کنتوبوری[٤] باتکاء قسمتی از عقاید افلاطون معتقد باصالت وجود بود ومیگفت حواس بشرخطا میکند و تنها مثل حقیقت دارد بنابراین اسم نوع وجود حقیقی دارد وهرقدرکلمه‌ای عمومی‌تر باشد بیشتر حقیقت خارجی دارد[۵] . رسلن[٦] فرانسوی باتکاء ارغنون ارسطو اعتقاد باصالت ماهیت داشت ومیگفت حقیقت را بوسیلهٔ پژوهش وبکار بردن عقل‌باید پیدا کرد واسم نوع

---

(۱) مانند تبدل‌نان وشراب بگوشت‌وخون حضرت مسیح (ضمن‌یکی‌ازآداب‌مذهبی مسیحیان که موسوم است به عشاء ربانی)

(۲) مقصود Connaissance است

(۳) Anselme

(٤) Canterbury درجنوب شرقی انگلستان .

(۵) برای روشن کردن این مبحث رجوع کنید بجلد اول کتاب سیرحکمت‌دراروپا نگارش فروغی صفحهٔ ۵۰ ـ ۳٤

(٦) Roscelin (۱۱۰٦ - ۱۰۵۰)

تنهااسمی است که بعده‌ای ازموجودات اطلاق میشود وخود حقیقت خارجی ندارد . چون عقیدهٔ اولی بحال کلیسا مفیدبود ودومی خطرناك کلیساطرفداراولی‌شد ورسلن را وادار کرد که از گفتهٔ خوداستغفار کند . منازعهٔ طرفداران آنها چهار قرن بطول انجامید و کتابهای متعدد دراین باب نوشته شد .

بعدها آبلارد[۱] پیداشد که معتقد باصالت ماهیت ووجودهردو بود .

طرز بیان مطلب

اهل مدرسه‌روش تحلیلی‌را برای‌بیان مطلب‌بکارمیبردند. موضوع‌درس یامتن کتاب تقسیم به‌بخشهائی‌میشد-هربخش بفصل هائی - هرفصل بمباحثی - هر مبحث بقسمت هـای کوچکترتابرسد بجمله.سپس‌هریك‌ازجمله‌هابسبك ارسطومورد دقت‌قرارمیگرفت چه ازلحاظ علت (علت‌صوری- مادی - غائی - فاعل)وچه ازحیث‌معنی (تحت‌اللفظی استعاری - عرفانی - اخلاقی)

پس ازبیان هرمطلب تمام دلایل مخالفان (یعنی دلایل مخالفان عقیده‌ای که کلیسا نسبت بمطلب معینی‌داشت) اظهارویکی یکی رد میشد بعددلایل موافق‌ذکر و مطلب را ثابت میکردند و ایراد هائی که ممکن بود بگیرند عنوان کرده جواب میگفتند .

چند کتاب

یکی ازنامی ترین اهل مدرسه آبلارد (۱۱۴۲-۱۰۷۹) بود که نخست‌صرف‌ونحوسپس‌حکمت‌الهی‌درپاریس‌میآموخت وازاکناف اروپا شاگردان بسیار پای کرسی درس او گرد می‌آمدند . برای کمك بآموختن حکمت الهی ۱۵۷ پرسش راجع بمعضلات دین مسیح در کتاب کوچکی موسوم به« آری یانه» نوشت که موجب بیداری فکرمردم وانگیختن آنان‌به تفکر وتعقل گردید . برای‌آگاهی ازنوع مطالبی که اهل مدرسه‌را بخودمشغول میداشت چند فقره ازپرسش‌ها دراینجانقل میشود :

آیا ایمان بشر بایدمتکی بعقل باشدیانه ؟

---

(۱) Abélard

آیا خدا تقسیم‌بسه اصل میشود یا نه ؟
آیااصل‌های خدا باهم فرق دارند یانه؟
آیا خدا ماده‌است یانه؟
آیادرمقابل خدا میتوان ایستادگی کرد یانه؟
آیابی‌اراده گاهی گناه میکنیم‌یانه؟
آیا برای گناه معینی خداهم دراین دنیا کیفرمیدهد هم درآخرت یانه؟
آیاخداهمه چیزرا میداند یانه؟
آیاخدا آفرینندهٔ شرهست یانه؟

آبلاردمعقد بود که‌عقل مقدم‌برایمان‌است وبهمین جهت درعقایددینی‌سستی

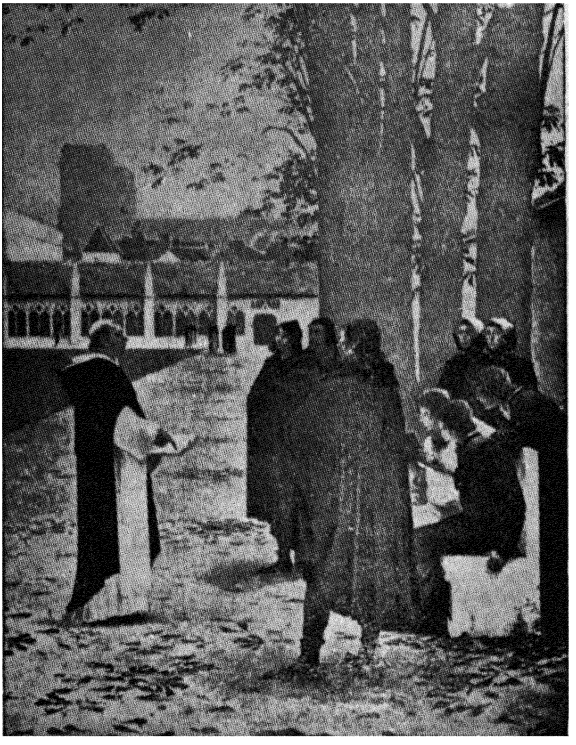

تماس آکیناس درمدرسهٔ آلبرت بزرك
ازروی پردهٔ نقاشی که لورول Lerolle فرانسوی
درنیمهٔ دوم قرن نوزدهم کشیده‌است

ایجاد کرد ودانشمندان‌رابه‌پژوهش وتفکر تحریك نمود ودر نتیجه محکوم و مورد

تعقیب واقع شدولی بااینهمه افکاروی بعدها دربیداری اروپا تأثیرفراوان داشت .

دیگر از مهمترین کتب اهل مدرسه « مجموعهٔ الهیات » تألیف تماس آکیناس[۱] (۱۲۷٤ ـ ۱۲۲۵) ایتالیائی است که تا امروز کاملترین کتابی است که در حکمت‌الهی راجع بمسیحیت نوشته شده‌است و کانولیك‌ها آنرا کتابی‌معتبربرای بیان عقاید خویش میدانند . تماس آکیناس شاگرد آلبرت بزرك بود که وی‌را معلم کل میخواندندودرهمین فصل نام اوبرده شد .آلبرت‌بزرك (۱۲۸۰ـ۱۱۹۳)نخستین معلمی است که‌فلسفهٔ ارسطورا بطور منطقی آموخت و متن‌هائی که‌بکارمیبردعبارت بودازترجمهٔ کتب حکما ودانشمندان ایران یعنی فارابی وابن سینا وغزالی.

محاسن ومعایب روش اهل مدرسه

روش اهل مدرسه درکشور مـا هنوز معمول است و در مدارس علوم دینی آنرا بکارمیبرند . معایب‌بزرك این روش آنست که اولا تمام توجه بمباحثه واستدلال است‌نه درستی یانادرستی موضوع ومحمول . ثانیاً کلیهٔ موضوع هائی که موردبحث واقع میشود ازمجردات است وهیچگاه‌ازدنیای خارج‌وعالم واقع‌وطبیعت وآدمی گفتگونمیشودونتایجی که‌بدست میآید تنها مربوط بجهان فکراست‌وخیال. ثالثاً بسیاری از مباحثات آن اساساً بی‌معنی وعبارت است از لفاظی وحرافی و ذکر اصطلاحات وکلمات‌مغلق وبی‌مغز.همین تماس آکیناس که کتابش یکی‌ازمعتبرترین کتب حکمت الهی کانولیکها است مدتها وقت خودرا صرف این‌بحث کرده است که چندفرشته برنوك سوزن ممکن است جای گیرد ؟

روش‌اهل‌مدرسه درکلیساهای معروف‌انگلیس وفرانسه وایتالیا که‌آموزشگاه های علوم دینی داشتند وهزاران دانشجوازنقاط دوردست درآنها گرد میآمدند بکار میرفت‌وحسن‌بزرگش‌این‌بود که‌روش‌بحث ودقت و کنجکاوی‌وتفکروتعمق‌رادرآنها بوجودآورد و کلیسا نیزمجبورشد عقاید دینی‌را بامنطق بثبوت رساند

---

(۱) Thomas Aquinas

علوم و حکمت و فرهنك اسلامی و ایرانی که از اسپانی وارد اروپ شد ـ زوار بیت‌المقدس واروپائیانی که‌درجنك‌های صلیبی از۱۰۹۹تا۱۲۷۰شرکت کردند ودرنتیجهٔ حشربامسلمانان ویونانیها دارای وسعت‌فکرشدند ـ روش اهل مـدرسه از **عواملی بودکه به بیداری مغرب‌زمین کمك مؤثر نمود** و مقدمات و موجبات نهضت‌بزرك علمی وادبی (رنسانس) رافراهم ساخت[۱]

---

(۱) برای اینکه روشن شود فرهنك اسلامی تا چه پایه بدست ایرانیان ساخته و پرداخته شده رجوع کنید به کتاب فجر الاسلام وضحی‌الاسلام تألیف استاد احمد امین مصری که بقلم آقای عباس خلیلی تحت عنوان پرتواسلام دردوجلد بفارسی ترجمه و طبع شده‌است. همچنین رجوع‌شود بکتاب فرهنك ایرانی‌وتأثیرآن درتمدن‌اسلام‌وعرب تألیف آقای محمدمحمدی. درکتاب میراث اسلام که‌بقلم ۱۳ نفرازمستشرقین‌نامی‌اروپانوشته‌شده است اسامی۹۸ تن‌ازبزرگان وعلمای اسلامی جهان ذکرشده که خدمات‌برجسته بدنیای علم وادب کرده‌اند وازعدهٔ مذکور۳٤نفرایرانی هستند.

برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به تاریخ فرهنگ ایران (مخصوصاً فصل پنجم وششم و چهاردهم) تألیف نگارنده (تهران ـ۱۳۳٦)

پرورش بزرگان

غیر از طبقهٔ روحانی که در خانقاه‌ها و آموزشگاههای علوم دینی پرورش می‌یافت طبقهٔ بزرگان نیز نوعی از آموزش و پرورش ویژهٔ خود داشت.

بزرگان و خداوندان ملك که در نتیجهٔ ناتوانی جانشینان شارلمانی هر کدام در حوزهٔ خود فرمانروائی داشتند در اروپا ملوك‌الطوایفی را بوجود آوردند. کار عمدهٔ آنان جنك ونزاع بود. برای آماده کردن خود جنگهای ساختگی میکردند که بعد بصورت نمایش درآمد وجزو تفریح شد. باین ترتیب تاسدهٔ دوازدهم میلادی عصر گردی ودلاوری بودوبعد از آن دورهٔ ادب و آداب منشی.

بزرگزادگان پیش از رسیدن به‌پایهٔ اشرافی بایست نخست در خانه پرورش یابند سپس در کاخ یکی از بزرگان که غالباً ارباب پدر طفل بود پیشخدمتی کنند و از بانوئی آئین رفتار و طرز سلوك باخانم‌هارا بیاموزند. در بیست ویك سالگی باتشریفات دینی بپایگاه اشرافی ترفیع می‌یافتند.

در نتیجهٔ پرورش مذکور میان این طبقه همه گونه مردمی بوجود آمدند ـ هم دلیر در کارزار وهم بیرحم نسبت باسیران ـ هم عفیف ونیکوسیرت هم بداخلاق و بدقول. حسن بزرك آن این بود که عده‌ای را از فکر آخرت دور کرد وبفکر زندگانی دراین جهان انداخت وبواسطهٔ تعلیماتی که از خانمها گرفتند از خشونت آنان کاسته و برادب آنان افزوده گشت.

دانشگاهها

عوامل مختلف درقرون وسطی موجب پیدایش عده‌ای دانشگاه در نقاط مهم اروپا شد. این عوامل کم و بیش در ضمن این فصل ذکر شده وعبارت است از آموزشگاههای‌علوم دینی ـ خانقاه‌ها ـ آشنائی‌وحشربامسلمانان درجنگهای‌صلیبی واخذ علوم وفلسفه ازمسلمانان اسپانی ـ دلبستگی بمنطق ومباحثات‌دینی‌وپیدایش روش اهل مدرسه ـ دورشدن ازفکر آخرت ومتوجه شدن بدنیا که درنتیجهٔ آموزش وپرورش بزرگان (اشراف)وترقی وتوسعهٔ شهرها بوجود آمد... دانشمندان قرون وسطی باکمال‌جد در آموزشگاههای قرطبه وغرناطه واشبیلیه واسکندریه‌بتحصیل پرداختند ومواد جدیدرا باروش تازه آموختند وازمیان آنان معلمانی پدیدآمد که بپایگاه بلند رسیدندودر آموزشگاههای‌علوم دینی وخانقاهها بتدریس‌پرداختندوبه این ترتیب دانشگاههائی بوجود آمد.

نخستین آموزشگاه عالی که درپزشکی شهرتی بسزایافت درسالرن[1] نزدیك ناپل بود که‌ازحیث آب وهوا ممتاز وازنیمهٔ قرن یازدهم جایگاه‌مهمی‌برای‌آموزش پزشکی بشمارمیرفت یعنی اززمانی که قسطنطین افریقائی (ازکلیمیان مسیحی‌شده که در۱۰۸۷ درگذشته‌است)پس ازمسافرت درهندوستان و آسیای صغیر ومصر از کتابهای طب وشیمی مانند کتاب ملکی علی‌بن عباس مجوسی (متوفی در ۹۹۳) و کتاب کیمیای‌محمدزکریای‌رازی (متوفی در۹۳۲) اززبان عربی ویونانی به لاتین ترجمه کرد وآنها رابنام خودمنتشرساخت وازروی‌آنها درسالرن تدریس نمود.

نخستین بنگاهی که رسماً دانشگاه‌شناخته‌شد دانشگاه بولونی[2] بوددرشمال

---

(۱) Salerne

(۲) Bologne

شبه‌جزیرهٔ ایتالیا که اززمان شارلمانی جزو امپراطوری مقدس آلمان بودودر۱۱۵۸ ازطرف‌فردریك‌باربروس[۱]امپراطور آلمان قانون‌اساسی بدان‌داده شده .دانشجویان این دانشگاه کلان سال و رشید بودند ودرمحیط سیاسی آزاد و مستقلی میزیستند وهمهٔ کارهای دانشگاه را چون برگزیدن‌استاد -تعیین‌ماهانه-مدت تحصیل -آغاز کار و مانند آن خودشان انجام میدادند دانشگاههائی که از آن پس درایتالیا واسپانی و پرتغال و جنوب فرانسه برپا شد بولونی را سرمشق قراردادند .

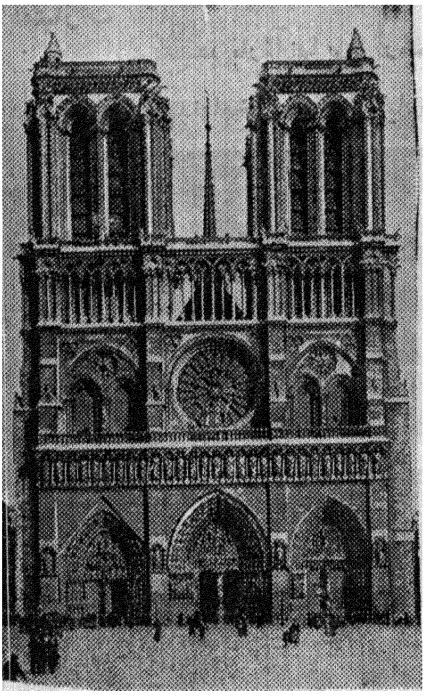

کلیسای نتردام که آموزشگاه پیوستهٔ بدان پایهٔ دانشگاه پاریس بود

دانشگاه پاریس از آموزشگاه علوم‌دینی‌نوتردام[۲]منشعب‌وجدا شد ودر۱۱۸۰ ازطرف لوئی هفتم پادشاه فرانسه‌قانون‌اساسی آن‌اعطا گردید.دراین‌دانشگاه‌دانشجویان بالنسبه کم‌سال‌وجوان‌بودندواداره‌آن‌بدست استادان‌بود.دانشگاه‌هائی که‌درانگلستان وآلمان وسوئد ودانمارك تشکیل شد پاریس را نمونه وسرمشق گرفتند . دانشگاه اکسفرد در۱۱۶۷(یعنی صدسال پس‌ازتأسیس‌نظامیهٔ‌بغداد بدست خواجه‌نظام‌الملك) بفرمان هانری دوم پادشاه انگلیس ودانشگاه کیمبریج در۱۲۰۹ برپا شد . در سدهٔ سیزدهم وچهاردهم چند دانشگاه دیگر در اروپا ایجاد گردید بطوریکه هنگام

---

(۱) Fréderic Barberousse

(۲) Notre Dame

جنبش بزرك علمی و ادبی (رنسانس) دست کم هفتادو نه دانشگاه در اروپا وجـود داشت .

امتیازات

دانشگاهها امتیازات بسیار داشتند که پادشاهانو پاپ هـا در بارهٔ آنها برقرار نموده بودند چون حمایت‌مستقیم پادشاه وحق‌دادن درجه که‌مدتهامخصوص روحانیان‌بود وداشتن دادگاهی که‌ویژهٔ‌خودشان

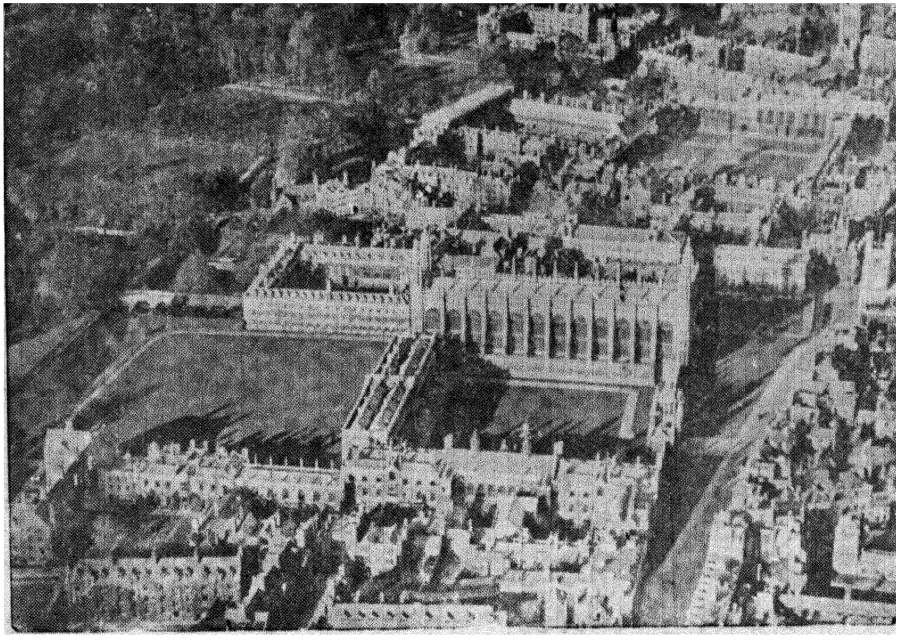

منظرهٔ دانشگاه کیمبریج ازهوا
ساختمان جلو نمازخانهٔ مدرسهٔ شاه‌است .

بودوبخشودگی از خدمت نظامی جزدرمواقع استثنائی (مانند نزدیك شدن دشمن بشهر) و معافیت از پرداخت مالیات وحق نصب استادان وتعطیل درس ومانندآن .

سازمان

درآغاز کار دانشگاه بمعنی مدرسه یااجتماع مدارس‌وجای تحصیل نبود بلکه عبارت بودازجامعهٔ دانشجویان‌واستادان که مانند سایررسته‌های قرون وسطی‌بمنظورمعینی دورهم گردمیآمدند .محلی که درآن بتدریس‌میپرداختند مدرس همگانی[۱] نامیده میشد . از سدهٔ چهاردهم‌ببعد

(۱) بلاتین Studium Generale

واژهٔ دانشگاه بمحل تحصیلات عالی اطلاق گردید. عموماً دانشجویان برحسب ملتی که بدان تعلق داشتند دسته‌بندی می‌شدند. هردسته نماینده‌ای برمیگزید که موظف بنگاهداری حقوق افراد آن بودودراخلاق آنان نیزوارسی میکرد.

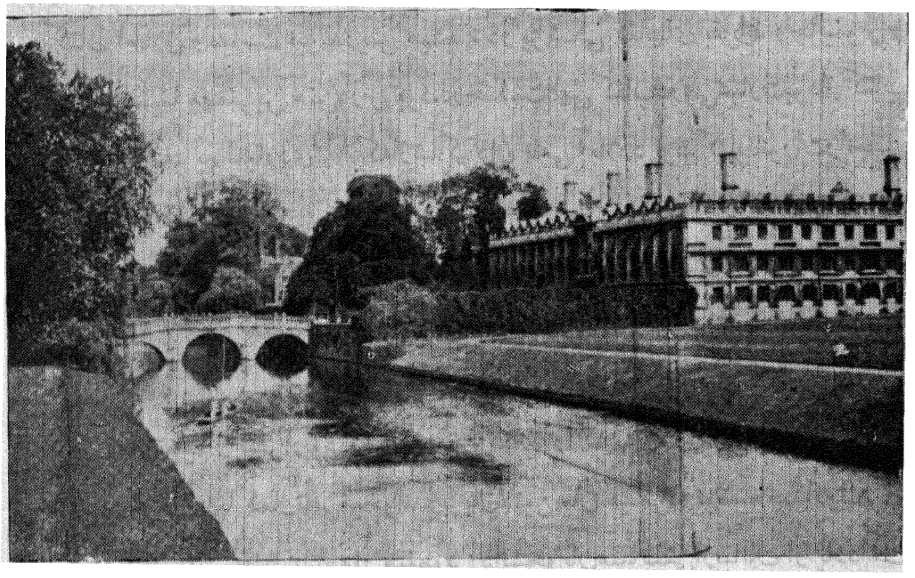

کلر کالج Clare College یکی ازمدارسی که دانشگاه کیمبریج‌را تشکیل میدهد. رودخانهٔ کم Cam از میان چمن‌زارها وباغهای مدارس میگذرد.

استادان‌موادی که‌بیکدیگرمرتبط بوددانشکده‌رانشکیل میدادند.دردانشگاه کامل چهاردانشکده بنام ادبیات - حقوق - پزشکی - یزدان شناخت وجود داشت.

در آغاز کار استادان هر دانشکده رئیس آنـرا انتخاب میکردند. رئیسان دانشکده‌ها ونمایندگان دانشجویان رئیس دانشگاه‌را برمیگزیدند(۱)

(۱) بعدها که دانشگاهها رو بتکامل رفت وقانون اساسی وسازمان ثابت پیدا کرد ودارای بودجهٔ منظم شد طرز انتخاب رئیس دانشکده ودانشگاه نیزتغییرحاصل کردزیرا باترتیبی که معمول بود **رئیس‌دانشکده از استادان و رئیس دانشگاه از رؤسای دانشکده‌ها ملاحظه داشت وناگزیر بود نظریات‌گوناگون و منافع‌شخصی آنها را رعایت‌کند تا بوی مجدداً رأی دهند باین جهت ممکن نبود مصالح عمومی رعایت شود ودرکاردانشکده‌ها واستادان نظارت بعمل آید ونظم و انظباط مستقرگردد** لذا انتخاب رئیس دانشکده بنظر رئیس دانشگاه موکول شد

بقیه درحاشیهٔ صفحهٔ بعد

برنامه وروش

برنامهٔ عمومی دانشگاه ها شامل مواد هفتگانه وعبارت‌بود ازصرف ونحو-سخنرانی[۱]- منطق - حساب - هندسه - موزیك - هیئت . بعضی از کتابهای ارسطو مانند ارغنون و کتاب اخلاق وسیاست نیز تدریس میشد . در پزشکی کتابهای بقراط وجالینوس و قانون ابن‌سینا مهمترین متن‌درس بود.درحکمت‌الهی کتاب‌درسی‌عبارت‌بوداز کتاب «عقاید» تألیف پیرلمباردی[۲] که‌ازشاگردان نامی آبلارد بود. کتاب‌تورات‌وانجیل را نیزمیآموختند .

در دانشکدهٔ حقوق مجموعهٔ قوانین ژوستینین که در فصل دوم بدان اشاره شد (صفحهٔ ۳۷) و همچنین مجموعهٔ قوانین و مقررات و نظامات مربوط بکلیسا تدریس میشد .

روش‌تعلیم‌ازاینقراربود که استادمتن کتاب راکه به زبان‌لاتین بودباحواشی و معلقات وشرح آن‌باکمال‌تأنی‌میخواندوبزبان‌لاتین‌بیان میکردوتوضیح‌میدادوتکرار میکردوازخودنیز عقایدی اظهار مینمود ودانشجویان‌میبایستی‌ازبیانات او یادداشت بردارند وآنرا فراگیرند.ازینروپیش‌ازورودبدانشگاه‌میبایستی زبان‌لاتین‌راآموخته باشند.مباحثه وحتی مجادله میان‌دانشجویان ازلوازم تحصیل بود.

درجه‌ها

پس ازسه تاهفت سال تحصیل وتمرین شایستگی دانشجورا درمباحثه ومجادله میآزمودند ودرصورتی که کامیاب‌میشد ویرا درجهٔ مدرسی ودکتری میدادند . بادرجهٔ مدرسی دانشجو حق تدریس پیدا میکرد -همانطور که یك تن‌جوان درمیان رسته‌ها پس‌ازمدتی شاگردی‌وکارگری

بقیه ازحاشیهٔ صفحهٔ قبل

و انتخاب رئیس دانشگاه از طرف دولت یا هیئت مخصوصی که قانون معین میکرد و خارج از دانشگاه بود صورت میگرفت . این ترتیب اکنون در دانشگاههای اروپا و امریکا معمول‌است . شرح‌آن بعداً درسازمان فرهنك کشور های‌بزرك ذکرخواهدشد.

(۱) Rhétorique که گاهی بلاغت وفصاحت برای آن بکار میبرند ومرادگفتن ونوشتن سخنان درست وزیبا ومؤثر است ودر این کتاب به«سخنرانی» تعبیر شده است.

(۲) Pierre le Lombard (۱۱۶۰ - ۱۱۰۰)

ونشان دادن قطعه‌ای از شاهکارهای خود اجازهٔ آغازبکار و هم چشمی با دیگران حاصل مینمود.

همینکه دانشجو پروانهٔ تدریس (مدرسی) بدست میآورد حق داشت بادیگر مدرسان برای پیدا کردن دانشجوهم‌چشمی کند. گویند درجهٔ مدرسی ودکتری‌در ابتدا مشابه‌و یکسان بوده است. امتحان درجهٔ مدرسی بسیارجدی وغیر علنی لیکن امتحان دکتری علنی بود وبیشترصورت تشریفات داشت. پس از کامیابی‌درامتحان مدرسی دانشجو فوراً درمقام گرفتن درجهٔ دکتری برمیآمد و اجازهٔ تدریس (یا درجهٔ مدرسی) ودرجهٔ دکتری دریك زمان بوی داده میشد.

طرزاعطای‌درجهٔ‌دکتری ازاینقراربود که دانشجوبهمراهی‌دوستان‌وهمدرسان خود با صدای شیپوربا کمال وقار به‌کلیسا میرفتند. درآنجا پس‌ازسخنرانی‌ودفاع رسمی ازموضوعی که مخالفان‌آن حاضر بودند برئیس روحانی حوزهٔ دینی معرفی میشد واو با گفتن جمله‌های معینی درجه‌را اعطا مینمود.

باکالورئا [۱] در ابتدا درجه نبود بلکه پروانه‌ای بود برای ورود بدانشگاه و داوطلب شدن‌جهت اخذ مدرسی چنانکه اکنون درفرانسه گواهینامهٔ دبیرستان که بموجب آن میتوان وارد دانشگاه شد باین اسم نامیده میشود لیکن درانگلستان و امریکانخستین درجه‌ای‌است که دردانشگاه داده میشود و آغازآن ازسدهٔ سیزدهم میلادی است که‌جوانانی که مایل بمدرسی نبودند برای کسب افتخاردرصدد گرفتن آن‌برمی‌آمدند. ازقرن پانزدهم ببعد باکالورئا درجهٔ جداگانه شد.

نظر انتقادی

برنامهٔ دانشگاه‌ها بی‌مغزوغیرمتغیر ومتکی برعقاید قشری وتعصب‌آمیزومجادله‌بود- تعلیمات آنها کتابی وبدون‌توجه بکشف حقیقت و مشاهده. ادبیات یونان وروم در گوشهٔ فراموشی غنوده بود و بپرورش ورشد فکر وخیال بهیچوجه التفات نمیشد. روش‌آموختن قالبی و تعبدی بودو کسی‌بفکر پژوهش وتتبع نمی‌افتاد.

---

(۱) Baccalauréat

لیکن معایب مذکور درهمهٔ بنگاههای قرون وسطی وجودداشت و منحصر بدانشگاههانبود. باوجود این معایب، دانشگاهها رفته رفته موجب توسعهٔ ذهن‌شدند زیرا وارد مباحث‌دقیق‌میگشتند - درموضوع‌معین‌بحث‌فراوان وتعمق‌بسیارمینمودند و کاملا بتشریح مطالب میپرداختند. همین تعمق و دقت بتدریج روش پژوهش واستدلال‌رابوجود آوردوموجب شد که‌اشخاص بزرگی‌مانندانت(۱)(۱۳۲۱-۱۲۶۵) وپترارك (۲) (۱۳۷٤-۱۳۰٤) و اراسم (۳) (۱۵۳٦ - ۱٤٦۷) در ادبیات ـ لوتر (٤) (۱۵٤٦-۱٤۸۳) دردین - کپرنیك(۵) (۱۵٤۳-۱٤۷۳) وگالیله(٦) (۱٦٤۲-۱۵٦٤) وفرانسیس بیکن(۷) (۱٦۲٦-۱۵٦۱) درعلوم ریاضی وطبیعی ظهور کردند که تأثیر آنهادرعصرجدید وجنبش بزرك ادبی وعلمی اروپا درفصلهای آینده موردبحث‌واقع خواهد شد.

خدمت دیگری که دانشگاهها نمودند کمك بآزادی بحث وپیشرفت‌حریت وحکومت ملی بود. ازاین حیث دانشگاهها باعث تعدیل اقتدار پاپها و حکومت استبدادی پادشاهان گشتند. تمام‌طبقات‌مردم‌آنها را چون هیئت داوری‌میدانستند و منازعات ودعاوی میان اولیای دین ودولت بآنها مراجعه میشد. از اینرودانشگاه پاریس بواسطهٔ موقع وشمارهٔ استاد ودانشجو وطرزاداره‌اش دارای نفوذ وقدرت‌زیاد گردید چنانکه فیلیپ ششم (متوفی در ۱۳۵۰) پادشاه فرانسه برای طلاق دادن

---

(۱) Dante شاعرنامی ایتالیا صاحب‌کمدی الهی

(۲) Pétrarque

(۳) Erasme

(٤) Luther

(۵) Copernic

(٦) Galilée

(۷) Francis Bacon

زن خویش بدان مراجعه کردودانشگاه مذکور جان بیست ودوم[۱] راکه پاپ‌بود وادار به پوزش خـواهی وپس گرفتن حکمی نمود کـه وی داده بود . رویهمرفته دانشگاهها تمام بنگاههای قرون وسطی‌را بسوی آزادی واحترام شخصی و پیشرفت تمدن راهبری کردند وموجبات ترقی اروپارا فراهم ساختند .

---

(۱) Jean XXII که فرانسوی بود ودر ۱۳۱٦ بسمت پاپ انتخاب شد و شهر آوینیون Avignon را در فرانسه مقرخودساخت ودر۱۳۳٤ وفات‌یافت.

فصل پنجم

تحول ازقرون وسطی بعصر جدید

جنبش معروف قرن پانزدهم وشانزدهم یك نهضت فکری وصنعتی و اجتماعی ود بهمین جهت تأثیر زیاددر آموزش وپرورش کرد .

درقرون وسطی زندگانی وطرزفکروروش پرورش نتیجه و محصول رهبانیت وسازمان سوارکاری اشراف[۱] وروش اهل مدرسه بود وازلحاظ منطق باندازه‌ای کامل می‌نمود که اجازهٔ تغییروترقی نمیداد . مجموع قواعد ومؤسسات وبنگاههای قرون وسطی براتحاد شکل وفشاراستواربود وتوجهی به‌شخصیت افراد وپرورش آن بهیچوجه نمی‌شد درصورتیکه در جنبش قرن پانزدهم(رنسانس[۲])رعایت شخصیت وتقویت هریك ازافراد جامعه ازمسائل مهم وبزرك بشمارمیرفت .

ادمس[۳] امریکائی در کتاب «تمدن قرون وسطی» این‌مسئله رانیکوتشریح کرده آنجا که گوید :

«درقرون‌وسطی بهرفردازمردم‌اهمیت‌داده نمیشدوانسان فقط‌جزئی‌ازدستگاه بزرگی بودچون دسته‌وجمعیت‌دهکده‌ودسته‌های مذهبی و مانندآن . کسی بنفس خویش اعتماد نداشت ولیاقت وقابلیت برای تفوق برمشکلات وانجام دادن کار های بزرك درخود بسیار کم احساس مینمود. زندگانی باندازه‌ای دشوار ومحدودبود که

---

(۱) سازمان سوارکاری اشراف برای کلمهٔ Chevalerie گرفته شده است .

(۲) Renaissance

(۳) Adams, G.B. که در تاریخ آموزش وپرورش کبرلی حاشیهٔ صفحهٔ ۲۴۳ نقل گردیده است .

آدمی از لذت حیات بهره‌مند نمیشد و از زیبائی محیط متمتع نمیگردید و با وجود ظلمت و تاریکی دنیای آن عصر باید پیوسته درفکر دنیای پر از دهشت بعد باشد» .

و بر کهارت[۱] آلمانی در کتاب «تمدن رنسانس درایتالیا» مینویسد:

« درقرون وسطی وجدان بشر درپس پرده درحال خواب یا میان خواب و بیداری بود . این پرده تاروپودش ازعقاید دینی وافکار کودکانه و خرافات و اوهام درست شده بود وازدرز آن دنیا وتاریخ بشکل غریبی دیده میشد . آدمی تنهامتوجه بود که عضودسته و گروهی است که نژاد- ملت - حزب- خانواده - رسته‌مینامند... نخست درایتالیا این پرده دریده شدوانسان شخصیت معنوی پیدا کرد وآنجابود که شخصیت خودرا درك نمودوبازشناخت ... »

دراین نهضت بزرك سه مسئله بارز وآشکار بود . نخست دلبستگی‌بزندگانی یونان وروم قدیم که در دورهٔ اعتلای خویش فرهنك عالی ودرخشان از خود بجای گذاشته بود - دوم دلبستگی بزندگانی وخوشی دراین جهان وشناختن قدرزیبائی و کمال درمقابل توجه دائم برستاخیز وجهان آینده که درقرون وسطی رواج‌داشت سوم توجه به‌طبیعت ومیل بمشاهدهٔ آثارطبیعی که درقرون وسطی‌برمردم مجهول و سخن گفتن ازآن مایهٔ ننك بود .

علاقه بزندگانی یونان وروم باستان موجب‌شد که زبان یونانی ولاتین‌رابیشتر وبهترفراگیرند وادبیات آن دوقوم را بادقت مطالعه کنند . درنتیجه نسخه‌های‌خطی کتب‌راجمع آوری وتکثیر کردندوهمین که فن‌چاپ‌اختراع‌وشایع شد کتب‌مذکور طبع ونشر گردید .

دلبستگی بزیبائی ولذت اززندگی باعث شرکت درامور دنیوی وبهره‌مندی ازکاروفعالیت شد که‌قهراً مردم‌را بکوشش وترقی و کسب دانش سوق میدادوادبیات

---

(۱) Burckhardt

وصنایع را بوجود میآورد .

توجه بطبیعت ومشاهدهٔ آثـار آن سبب اقدام به تجربه و آزمایش و منجر باکتشافات نجومی وجغرافیائی عظیم گردید .

نظربعلاقه‌ای که پیشوایان این نهضت بزرگ در قرن پانزدهم نسبت بفرهنگ یونان وروم داشتند آنانرا فرهنگ پژوهان(۱) خواندند .

پیشوایان‌این جنبش نخست‌درایتالیا ظهور کردندسپس‌در کشورهای‌مرکزی اروپا یعنی آلمان وفرانسه وانگلستان . نتایجی که درایتالیا ازاین نهضت حاصل‌شد بانتایجی که دردیگر کشورهابدست‌آمد متفاوت بود ازاینروهریك بطور جداگانه دراینجا مورد بررسی واقع خواهد شد .

---

(۱) Humanistes ومسلك را Humanisme نام نهادندکه از کلمهٔ رومی قدیم Humanitas مشتق است بمعنای‌فرهنگ

الف ـ جنبش فرهنك پژوهان درایتالیا

عللی چند موجب شد که جنبش فرهنك پژوهان نخست درایتالیا پدیدآمد. نزدیك بودن ملت ایتالیا بمقرپاپ نخستین علت بود . ایتالیائیها ملاحظه میکردند که پاپ‌ازوظیفهٔحقیقی وروحانی‌خویش منحرف شده ومتوجه اموردنیوی گردیده

پاپ گرگوار نهم Grégoire ix (۱۲٤۱-۱۱۲۷) رقیب مبارز فردریك امپراطور آلمان درحال تسلیم مجموعهٔ قوانین‌کلیسا

(بقلم رفائیل نقاش نامی ایتالیا)

ومثلادر فکر ازدیادنفوذسیاسی وتوسعهٔمتصرفات خویش وتأمین آیندهٔ کسان خودمیباشد باین جهت عقیدهٔ آنها نسبت به پاپ سست شدوعده‌ای ازدستور های او و فکر عقبی روگردان شدند .

علت دوم کشمکشهای سیاسی و دائمی بود میان امپراطور آلمان و پاپ و نمایندگان آنهاوهمچنین کشمکش میان شهرها که هر کدام حکومت مستقل داشتند ومتازعاتی که درهرشهرمیان روحانیان وخوانین ودسته‌های مختلف برسر حکومت جریان داشت وباعث شد که هر کس برای امنیت وحفظ منافع خودبیدار وهوشیار شود بطوریکه کم کم درفکرمردم استقلال پدید آمدوجنبش ظاهر گردید .

سومین سبب بازرگانی بندرهای مهم ایتالیا مانند ونیز (۱) وژن (۲) بود با دیگر نقاط جهان بویژه هنگام جنگهای صلیبی که باعث حشر ایتالیائیهابادیگرملل وبازشدن فکر آنها وراغب شدن به تحصیل گردید .

بالاخره باید تذکرداد که زبان و ادبیات روم درایتالیا بکلی ازبین نرفته‌بود ونسخه‌های خطی یونانی ولاتین هنوز وجود داشت وتنها لازم بود قید اسارت وپنجهٔ قهروفشار کلیساازمیان رود تاارزش واهمیت ادبیات مذکورروشن شودوروح زندگانی گذشته بازگشت کند .

پترارك

نخستین پیشوائی که در ایتالیا ظهور کرد پترارك (۳) (۱۳۷٤-۱۳۰٤) بود که بکلی برضد افکار قرون وسطی و معتقد بود که نباید پیوسته بفکر رستاخیز وآخرت بود بلکه از زیبائی و لذتهای زندگانی باید بهرمند شد واززمان حال باید استفاده کرد و برای پیشرفت و تعالی فرصت را مغتنم شمرد . پترارك مخالف سنن و عادات بود و میگفت حقایق را باید بوسیلهٔ مشاهده وپژوهش واستدلال کشف کرد نه اینکه مانند اهل مدسه به لفاظی پیوست وفقط بکلام قدما استناد جست وتنها بمنطق تکیه نمود .

---

(۱) Venise
(۲) Gênes
(۳) Pétrarque

با داشتن این عقاید پترارك قهراً وجه اشتراکی با دوره های درخشان یونان و روم پیدا میکرد و به همین جهت کوشید تا فرهنك باستانرا زنده کند و در دیوان خود و کتابهائی که درادبیات ونقدشعرواخلاق‌نوشت مانند «مجموعهٔسرود» و «نامه» و «مردمان نامی» روح گذشته‌را ظاهرساخت . در ۱۳۴۱ بسمت شاعری دانشگاه روم برگزیده شد ودر کاپیتول(۱) جامهٔ افتخار دربر کرد . ازاین‌پس بسیاری ازشهرهای ایتالیارا بازدیدنمودوروح جنبش‌نوین‌را منتشر کرد.ازشاگردان‌معروف اونام بوکاس(۲)(۱۳۷۵ـ۱۳۱۳) وازکسانی که از کتب وی استفادهٔ فوری کردندنام بارزیزا(۳) (۱۴۳۱ـ۱۳۷۰) راکه هردو ازمهمترین فرهنك پژوهان محسوبندباید دراینجا ذکر کرد .

پترارك
(۱۳۰۴-۱۳۷۴)

فرهنك یونان و کریزولوراس(۴)

در قرون وسطی زبان یونانی بکلی از میان رفته و آنچه از نویسندگان یونـان میدانستند از راه ترجمهٔ کـتب آنهـا بزبان لاتین بود ـ حتی ترجمهٔ کتاب همر را کـه آندرونیکوس بلاتین نموده بود و در فصل دوم (صفحهٔ ۲۷) بدان اشاره شد وجود نداشت لیکن در بیزانس (روم شرقی) بویژه در قسطنطنیه زبان و ادبیات یونان را میدانستندوفرهنك پژوهانی که‌درایتالیا ظهور کردند کوشش بسیاربرای‌فراگرفتن آن نمودند زیرا درترجمه‌های کتب یونانی پیوسته خواننده‌را باصل کتاب مراجعه میدادند و همین مسئله عده‌ای را بمطالعهٔ متن یونانی ترغیب وتحریص میکرد.

---

(۱) Capitole معبدی درروم که‌خدمتگزاران بزرك‌را درآنجا تجلیل میکردند
(۱) Boccace
(۳) Barzizza
(۴) Chrysoloras

پترارك کمی یونانی نزد سفیرونمایندهٔ روم شرقی آموخته بود وبوکاس آن را بحد کافی فرا گرفت وبرحسب اشارهٔ پترارك کتابهای همررا بکمك معلم یونانی خود به لاتین ترجمه کرد واین کار نیزموجب رغبت بتحصیل زبان و ادبیات یـونانی شد بطوریکه تا اواخر قرن چهاردهم عده‌ای را برای تعلیم زبان یونانی بایتالیا دعوت کردند .

در۱٤٥۳ که قسطنطنیه بدست ترکها افتاددانشمندان یونانی با کتابهائی که داشتندبایتالیا مهاجرت کردند ودرنتیجه کتابهای خطی استنساخ وترجمه‌هافراوان شدوتا ۱٥۰۰ میلادی شاهکارهای لاتین ویونانی برای تتبع وپژوهش بطرزنو وبرای عصرنوفراهم آمد .

نخستین دانشمند بزرگی که درایتالیا رحل اقامت افکندوزبان یونانی تدریس نمود کریزولوراس (۱٤۱٥-۱۳٥۰) بود که در۱۳۹۳ ازطرف امپراطور روم شرقی به‌ونیز فرستاده شد تا برضد ترکها کمك ویاری جوید . دراین موقع دانشمندان و پژوهندگان ایتالیا برای یادگرفتن زبان یونانی اورا احاطه کردند . سه سال بعد بمعلمی زبان وادبیات یونانی‌دردانشگاه فلورانس[۱] منصوب شدوشانزده‌سال‌درآنجا وونیز ومیلان وروم بتدریس پرداخت وعده‌ای کتاب ازیونانی به‌لاتین ترجمه کرد ودستوری‌راجع بزبان یونانی تألیف‌نمود که مدتها برای ایتالیائیها کتاب درسی‌بود.

کریزولوراس عدهٔ بسیاری‌شاگرد تربیت کرد که بعدهاازبزرگان ادب‌بشمار رفتند وصاحب نفوذ زیاد شدند وزبان وادبیات و فرهنك یونان را در ایتالیا منتشر ساختند بطوریکه بااشاعه وزنده کردن فرهنك مذکور درایتالیا همان خدماتی را انجام دادند که پترارك نسبت بفرهنگ لاتین کرده بود .

حمایت بزرگان

بترتیبی که مذکور افتاد عدهٔ بسیاری از فرهنك پژوهان درقرن پانزدهم میلادی ظهور کردند. بزرگان ایتالیایکی ازعوامل‌این پیشرفت سریع شدند زیراکه استقرارنفوذ وحکومت خودرادرهرشهر

---

(۱) Florence

وابسته بدین میدانستند که مقرخودرا بردیگر شهر ها ازحیث شهرت ومقام علمی بالاتربرند . خانوادهٔ ویسکنتی[۱] درمیلان ومدیسیس[۲] درفلورانس از آن جمله بودند. ازخانوادهٔ نخست ژان گالئاس ویسکنتی[۳] کتابخانه ودانشگاهی برپا کرد وازخانوادهٔ دوم کسم‌دومدیسیس[٤] علاوه‌برهمراهی‌نسبت‌بفرهنك پژوهان‌وحمایت از آنـان با اقتباس از آکادمی افلاطون فرهنگستانی بوجود آورد و کتابخانه‌ای تأسیس کرد .

آموزشگاههای درباری نیز بوسیلهٔ اشراف درشهرهای مهم‌مانند فلورانس و ونیزوپاوی[٥] تشکیل گردید ودرآنها فرهنك پژوهان بتربیت فرزندان بزرگان‌و خویشان و کسان‌آنان پرداختند .

آموزشگاه مانتو نامی‌ترین این مدارس در باری آموزشگاهی بود کـه در شهرمانتو[٦] بریاست ویتورینو[۷] (۱۳۷۸ ـ ۱٤٤٦) ازاهالی شهرفلتر[۸] برپا گردید . چون عقاید و نظریـات فرهنك پژوهان در بارهٔ آمـوزش و پرورش توسط ویتورینوبکاربسته شد وکارهای او نیز حـاکی از طرز پرورش مربیان جنبش قرن پانزدهم (رنسانس) بود بجای خلاصه کردن عقایـد در اینجا به تشریح وتوصیف مدرسه پرداخته میشود .

آموزشگاه درجای بسیارزیباومصفا وفرح بخشی بود که ویتورینونام‌دلگشا برآن نهاده‌بود وشخصاً آنرا زیرنظرداشت . منظوری که دنبال میکردرشد فکری و بدنی واخلاقی شاگرد بود بطور معتدل که یونانیان قدیم‌آنرا « پرورش شایستهٔ

(۱) Visconti
(۲) Médicis
(۳) Jean Galéas Visconti
(٤) Cosme de Médicis
(٥) Pavie
(٦) Mantoue واقع میان ونیزومیلان
(۷) Vittorino که فرانسویها Victorin گویند
(۸) Feltre واقع درنزدیکی ونیز

مردمان آزاد »میخواندند.برای رسیدن بدین منظورویتورینو (مانند دیگرفرهنك پژوهان)معتقدبود که‌بکتب‌وادبیات‌یونان و روم‌بایدتوسل‌جست‌وبهمین‌جهت کودك‌را تاده سالگی‌بآموختن‌زبان وصرف ونحولاتین میگماشت . سپس تحصیل‌زبان یونانی آغازمیشد وشاعران وسخنوران وتاریخ‌نویسان یونان را مورد مطالعه قرارمیدادند. آنگاه بخواندن کتب لاتین میپرداختند . نوشته های اولیای دین مسیح و کتاب مقدس نیز تدریس ومورد بررسی واقع میشد .

چون کتاب وچاپ وجود نداشت دروس را جزوه میگفتند . برای پرورش‌تن واخلاق ویتورینو اقسام ورزش را داخل برنامه کرد مانند شمشیربازی ـ کشتی ـ پا کوبی ـ دو ـ جست وخیز ـ توپ‌بازی . بوسیلهٔ پند وسرمشق روح‌دیانت واحترام دین وشعار دینی‌را درشاگرد تزریق‌مینمود وازتألیفات اولیای دین مسیح‌مخصوصاً اگوستن[۱] خوانده میشد و درهمان حال ازقطعات اخلاقی متقدمان یونان و روم نیزدیکته میگفتند .

مهمترین امتیازآموزشگاه مانتو روش تربیت‌آن بود . ویتورینو شایستگی و استعداد ـ ذوق و شوق ـ زندگانی و شغل آیندهٔ هر شاگرد را با دقت بسیار مطالعه میکرد و بر طبق آن برای هریك دروسی که متناسب باهوش وعشق وپیشهٔ آیندهٔ او بود برمیگزید . دراینصورت انتظامات بسیارملایم بود وتنبیه بدنی‌وجود نداشت .

باین ترتیب ویتورینو روح تربیت قدیم و حفظ و بسط شخصیت را زنده و تجدید کرد وفرهنك پژوهان پیوستگی تن وروان را درك کردند وپرورش اخلاقی ودینی را لازم شمرده کمال مطلوب تربیت یونانی‌را که پرورش معتدلانه باشد عملا

---

(۱) Augustin (۴۳۰-۳۵۴) که ابتدا بمذهب مانی گروید ودرسی و سه سالگی مسیحی شد وشرحی در رد مانویت نوشت که امروزمعتبرترین کتاب‌برای‌پی‌بردن بعقاید مانی است . شاهکار او موسوم است به « شهرخدا » و تألیفات دیگرش که در مدارس خوانده میشد عبارتست از مواعظ ـ تفسیر مزامیر ـ شرح کتاب مقدس و مانندآن .

بکاربستند .

ویتورینو تأثیربسیاردرمعاصران وشاگردان خودداشت وچندین‌تن پیشوا که سرانجام‌ازنامووران شدند تربیت کرد که جزومردان سیاسی وبزرگان‌وکشورداران واولیای دین واستادان بلند پایه قرار گرفتند .

روابط فرهنك پژوهان با دانشگاهها و کلیسا

آموزشگاه مانتو و دیگر مدارس درباری در آغاز کاررقیب‌دانشگاههابود سپس‌مکمل آنها گردید ودرپایان برای آنها سرمشق واقع شد ودانشگاهها رفته رفته بآموختن زبان‌وادبیات یونان وروم پرداختند . نسبت بکلیسا ودین تنی چند از فرهنك پژوهان مخالفت شدیدداشتند چه میگفتند اصول عقاید ما مخالف باسنن و آراء قشری وتعصب‌آمیز کلیسا است ولی عده‌ای دیگرمسلك خودرابادین مسیح ترکیب وجمع کرده وباهم سازگارنمودند. رویهمرفته بیشتر آنان درصورت ظاهرباعقاید قشری کلیسا موافق ودرباطن شکاك وبی‌عقیده بودند ویااساساً بی‌طرف . بااینهمه باید گفت که از همین آموزشگاهها که‌زیرنفوذ ووارسی فرهنك پژوهان بود چندتن به‌بزرگترین‌پایگاه روحانی نائل گشتند چنانکه نیکلای [۱] پنجم (۱۴۵۵ ـ ۱۳۹۸) و پی [۲] دوم (۱۴۶۴-۱۴۰۵) که از پاپهای نامی هستند ازشاگردان مدارس مذکوربودند .

انحطاط در پایان قرن پانزدهم

کمال مطلوب و برنامه وروش تربیت فرهنك‌پژوهان جسته جسته تغییر کردودائره وافق اندیشهٔ آنان رفته‌رفته کوچك شد بطوریکه‌ازقسمتهای صنعتی واجتماعی کم کم منحرف‌شده‌وتنهامتوجه‌دستورزبان‌وصرف‌ونحووصورت‌ظاهر گشتندوتمام هم‌خودرا صرف لفظ نمودند وبمعنی اهمیت‌ندادند و کوشیدند تا ازسیسرون سخنورنامی‌روم اسلوب نگارش وطرزجمله‌بندی وبکاربردن استعارات راتقلید کنندوتمام‌وقت‌خودرا برای‌همین‌تقلیدتلف‌نمودند. بدین‌جهةدیگرذوق وشوق واستعداد کودکان موردتوجه قرارنگرفت ورفته‌رفته تنبیه بدنی معمول شدوانحطاط درایتالیا هویدا گشت .

---

(۱) Nicolas (۲) Pie

ب ـ جنبش فرهنك پژوهان در كشور های مركزی اروپا

تقریباً تا پایان سدهٔ پانزدهم جنبش منحصربایتالیا بودلیکن درحدود ۱۴۵۰ درآلمان اختراع چاپ صورت گرفت ورفته رفته درفرانسه وسویس وهلندواسپانی وانگلستان اشاعه یافت . در ۱۴۷۲ نخستین بار کتاب و یرژیل درفلورانس چاپ شد وبعد تکثیرمتن بتندی پیشرفت نمود . این فن شریف موجب شد که عقاید و مسلك فرهنك پژوهان نخست درفرانسه سپس در کشورهای آلمان وانگلستان منتشر گردد . درآغاز کارازدانشمندانی که دارای مسلك مزبوربودندازایتالیا بکشورهای مرکزی رفتند سپس دانشجوازآنها بایتالیا رهسپارشد . در اواخرقرن پانزدهم در ممالك مزبور شمارهٔ فرهنك پژوهان روبفزونی گذاشت بطوریکه در سدهٔ شانزدهم یعنی درهمان زمان که جنبش درایتالیا روبانحطاط میرفت در کشورهای مرکزی اروپا درحالت نضج بودوتاآخرقرن شانزدهم ادامه داشت و تنها درپایان این قرن به‌حال رکوددرآمد.

فرق جنبش مذکور باجنبش ایتالیا

در ایتالیا مراد ازجنبشی که بوقوع پیوست نشو و رشد شخصی ونموشخصیت ونیك بختی فرد بود در صورتی که در اروپای مرکزی وغربی بویژه در کشور آلمان منظور فرهنك پژوهان بهبودی حال جامعه ازلحاظ اخلاقی ودینی بود وتوجهی به تربیت بدنی وفکری وهنری معطوف نمیشد .

دانشمندان آلمان‌وانگلستان **روشنائی وحقیقت‌رادرانجیل‌جستجومیکردند** وبرای اینمنظورمتن اصلی آنرا که‌بزبان یونانی بودمورد مطالعه قراردادند.بررسی

انجیل آنهارا رفته رفته بمطالعهٔ تورات واداشت وبرای خواندن تورات مجبور شدند زبان عبری را فراگیرند . بدین ترتیب در اروپای مرکزی غور ومطالعه در کتاب مقدس بهمان اندازه از مشخصات فرهنك پژوهی بود که خواندن زبان و ادبیات یونان وروم . بدلیل مذکور عقاید و نظریاتی که از لحاظ دینی حاصل شد مسئله جنبش دینی[۱] را نتیجهٔ منطقی جنبش معروف قرن پانزدهم (رنسانس) بشمار آورد .

درفرانسه

هنگامی که روش اهل مدرسه رواج داشت فرانسه مرکز علمی و ادبی اروپا بود بهمین جهت نخستین کشوریست که ازمعلومات جدیدوجنبش نوین استفاده کرد . لشکر کشی شارل هشتم در۱۴۹۴ برای گرفتن فلورانس وروم[۲] ولشکر کشی لوئی دوازدهم در۱۴۹۸ برای گرفتن میلان که پادشاه مذکور میراث خود میدانست[۳] مؤید این جنبش وموجب شد که چندسالی درمدت تصرف بخشی ازایتالیا فرانسویان بافرهنك یونان وروم تماس پیدا کردند ودرمقابل آن سرتعظیم فرود آوردند . همین مسئله آنهارا برانگیخت که مقام پیشین خودرا حفظ کنند وازاینرو ازپایان سدهٔ پانزدهم بازدرجنبش فرهنك پژوهی درردیف نخست واقع شدند . درآغاز باجنبش مذکور سخت مخالفت شد بویژه از طرف دانشگاهها که بسیارمحافظه کاربودندلیکن باحمایت فرانسوای نخست (که از ۱۵۱۵ تا ۱۵۴۷ پادشاهی کرد) جنبش نیرو گرفت ودانشمندان بسیارظهور کردند . مهمترین آنها که قهرمان وپهلوان فرهنك یونان وروم شمرده میشود گیوم بوده[۴]

---

(۱) Réforme

(۲) چون فرانسه دراین زمان نیرومند شده بود خواست شهرهاوکشورهای ایتالیا راکه کوچك وناتوان بودند تسخیر کند . شارل هشتم ناپل را تصرف کرد ولی بواسطهٔ اتحاد کشورهای ایتالیا نتوانست آنرا حفظ کند .

(۳) لوئی دوازدهم که نوهٔ دختری امیر (دوك) میلان بود آن ایالت رامیراث خود میدانست وبا زورتسخیر نمود ولی بعدها بواسطهٔ اتحاد پاپ وونیزوانگلستان مجبورشد در۱۵۱۳ ازمیلان صرف نظر کند .

(۴) Guillaume Budé

(۱۵٤۰–۱٤٦۸) است که کتابی نیز راجع بعقاید تربیتی فرهنك پژوهان نوشت و نسخه‌های خطی بسیار گرد آورد وبتأسیس چاپخانهٔ معروف استین[۱] کمك کرد و فرانسوا را راهنمائی نمود تاکلژدوفرانس[۲] را برپاساخت و آموختن زبان یونانی وعبری ولاتین را معمول داشت .

درفرانسه آموزشگاهی که‌نمونهٔ مدارس‌قرن شانزدهم ومطابق مسلك‌فرهنك پژوهان باشد مدرسهٔ گوین[۳] دربندر بردو[٤] بود که برطبق نظریهٔ آنان‌سازمانش تجدید شد . اولا چندتن معلم شایسته برای آن تعیین کردند ثانیاً ده کلاس بدان دادند که برنامهٔ دبیرستان داشت ودو کلاس عالی فلسفه که بمنزلهٔ دانشکدهٔ ادبیات وعلوم‌محسوب میشد . زبان لاتین وشرعیات واصول دین مسیح را درتمام‌دبیرستان میآموختند . زبان یونانی وریاضی وسخنرانی وسخنوری درسه یاچهار کلاس آخر تدریس‌میشد. در کلاس فلسفه‌از کتابهای ارسطومنطق‌وعلوم طبیعی را میآموختند. زبان لاتین را بوسیلهٔ زبان مادری تعلیم میدادند و مباحثه یکی ازروشهای تدریس بود وبه تنبیه جسمانی سخت حاجت نداشتند .

در کشورهای آلمان

مهمترین عامل نشرعقاید فرهنك پژوهان در کشورهای آلمان آموزشگاه‌هائی بود که توسط فرقهٔ دینی موسوم به **برادران توده**[۵] بوجود آمد. این فرقه در۱۳۷٦ درهلاند تأسیس گردیدواعضای آن مردمان‌بادینی بودند که دلبستگی بسیارنسبت‌بکارودانش وپرورش توده داشتند . گذران آنهاازراه استنساخ کتب بود وروزگار خودرا صرف آموزش‌وپرورش نیازمندان میکردند . بدین منظور مدارسی‌برپا کردند که‌در آنها

---

(۱) Estiennes

(۲) Collège de France که یکی‌ازبزرگترین وعالی‌ترین مرکز تحقیقات ادبی وعلمی فرانسه بشمارمیرود .

(۳) Collège de Guyenne

(٤) Bordeaux

(۵) Brethren of the Common Lot

کتاب مقدس وزبان مادری و گفتگوبه‌لاتین را میآموختند وهمین که نفوذفرهنك پژوهان در کشورهای آلمان محسوس شد باحفظ مواد دینی آموختن زبان وادبیات یونان وروم‌وزبان‌عبری راآغاز کردند.تعلیماتی که‌میدادندعموماً درحدود دبستان ودبیرستان بودولی درموارد متعدد دروسی نیزداده میشد که مطابق برنامهٔ دانشکدهٔ ادبیات وعلوم بود .

پیش ازجنبش فرهنك پژوهی درمرکزاروپا، چهل وپنج آموزشگاه‌درهلاند و کشورهای آلمان وفرانسه برپا کرده بودند کـه در ظرف بیست وپنج سال شمارهٔ آنها سه برابرشد و از مراکز علمی و ادبی بشمار آمد . محلی که فرقه در آنجـا پیدا شد شهر دونتر[۱] بود و مدرسهٔ آن در اواخر سدهٔ شانزدهم دوهزار شاگـرد داشت .

نخستین استادی کـه طریقه ومسلك فرهنك پژوهان را وارد مدارس کـرد ژوهان وسل[۲] (۱۴۸۹ ـ ۱۴۲۰) بود ـ دیگری آگریکلا[۳] کـه زبان و ادبیات روم را تدریس نمودو کتابی هم راجع به «تنظیم مطالعه» تألیف کرد . سه تن دیگر نیزدرتألیف کتاب لغت و دستور و تدریس زحمات فراوان بـرده وعبارتند از رویخلین[٤] (۱۵۲۲ ـ ۱۴۵۵) وهگیوس[٥] (۱۴۹۸ـ۱۴۳۳) و ویمفلینك[٦] (۱۵۲۸ـ۱۴۵۰) . این شخص باندازه‌ای نفوذ پیدا کرد که رایزن فرمانفرمایان و بزرگان واقع شد وبه «معلم آلمان» ملقب گردید .

---

(۱) Deventer درهلاند

(۲) Johann Wessel

(۳) Agricola

(٤) Reuchlin

(٥) Hegius

(٦) Wimpfeling

اراسم (۱) بزرگترین پیشوای طریقهٔ فرهنك پژوهی در اروپای مرکزی اراسم (۱۵۳۶-۱۴۶۷) بود که زبان وادبیات یونان وروم رانخست دردونترسپس درپاریس واکسفرد ومراکزمهم ایتالیا آموخت و در ۱۵۱۰ باستادی یزدان شناخت (حکمت الهی) دردانشگاه کیمبریج منصوب شد و ضمناً زبان یونانی‌را برایگان تدریس نمود. در ۱۵۲۲ که گفتگوی جنبش دینی (رفورم) آغازشد به سویس بشهربال[۲] رفت‌وتاپایان‌زندگی کتاب‌های‌متعدد تألیف‌و ترجمه‌وچاپ کرد.

اراسم معتقد بود که زشت خوئی و آلودگی وجهل پرستی و نادان فریبی آخوندهای‌مسیحی وروحانیان‌رانباید ازراه تفرقه‌وایجاد دسته‌های مختلف درکلیسا رفع کرد بلکه باید بوسیلهٔ آموختن زبان وادبیات یونان وروم ونوشته‌های اولیای دین مسیح بویژه‌ازمیان بردن نادانی توده‌کلیسا رابهبودی بخشید. بهمین‌جهت‌برای اشاعهٔ مرام وروش فرهنك پژوهان کوشش فراوان کرد.

برای کمك بآموختن زبان یونانی ولاتین چند کتاب درانشاء لاتین و صرف ونحو وجمله‌هائی که درمکالمهٔ زبان لاتین بکار میرود تألیف کرد ـ عده‌ای از کتب اساتید ادب یونان و روم را تنقیح وطبع کردوبعضی از آنها را ترجمه نمود ـ انجیل را بادقت به‌لاتین نقل وبا متن یونانی چاپ کرد.

برای انتقاد ازسوء استفاده هـای روحانیان و تشریح اوضاع ناگوار دین و فرهنك هجویاتی نوشت کـه تحت عنوان «داستان واندرز» ـ «گفت وشنود» ـ «ستایش دیوانگی» چاپ شده است. راجع به آموزش و پرورش کتابهائی نگاشت

---

(۱) Erasme که اسم اصلی‌اش Geert Geerts یعنی محبوب مهربان بودو مطابق رسم فرهنك پژوهان آنرا تبدیل بدو کلمهٔ لاتین و یونانی کرد و خـود را Desiderius Erasmus نامید.

(۲) Bâle

بنـام « پرورش کودکان » و « روش صحیح تحصیل » و « در بـارهٔ رفتار و ادب کودکان » .

بر طبق کتـاب اخیر منظور از آموزش و پرورش بعقیدهٔ اراسم بقرار ذیـل است :

۱ ـ گرویدن بدین .
۲ ـ فراگرفتن دانش
۳ ـ آماده شدن برای انجام دادن وظایف زندگانی.
٤ ـ ادب (رفتار واخلاق نیکو) .

اراسم عقیده بهپرورش همگانی تمام مردم اعم ازمردوزن ودرویش وتوانگر داشتواندازهونوع تربیتهر کسی را بسته باستعداد وی میدانست نه به پول واستخوان و جنس او .در کتاب «پرورش کودکان» اراسم میگوید که طفلرا تاشش یا هفت سالگی مادر باید بعـادات نیکو متخلق کـند بطوریکه تندرست باشد و بتوانـد خویشتن را اداره نماید . خواندن ونوشتن و نقاشی شناختن جانـوران و چیز های معمولی باید بطورغیرجدی وغیر رسمی تعلیم شود . روش آموختن باید ازراه حکایت وشکل و بازی و نشان دادن اشیاء باشد نه تنها بوسیلهٔ سپردن مطلب بحافظه . چون بدین ترتیب ذوق شاگرد رعایت میشود توسل به تنبیه بدنی یا سرزنش مورد پیدانمیکند. ازسن

اراسم
(۱٤٦۷-۱۵۳٦)

هفت کودك را باید پدر یا الله یا مربی تعلیم دهد و یا بایـد او را بدبستان فرستاد و برحسب‌مسلك فرهنك پژوهان تربیت کرد یعنی کتاب مقدس ـ کتب اولیای دین مسیح وزبان وادبیات یونان وروم را بدو آموخت .

برنامهٔ تفصیلی و روش تعلیم ادبیات یونان وروم را در کتاب « روش صحیح تحصیل » تشریح کرده است . دراین کتاب اراسم متذکرشده است که برای فهمیدن متون ادبی یونان وروم باید علم اساطیر ـ جغرافیا ـ کشاورزی ـ معماری ـ لشکر آرائی ـ تاریخ طبیعی ـ هیئت ـ تاریخ ـ موسیقی ـ جزو برنامه باشد و صرف و نحو را نباید کمال مطلوب دانست بلکه بایدآنرا وسیله‌ای شناخت برای فهمیدن‌و بکاربردن‌زبان. درتدریس‌ادبیات یونان‌وروم‌بایدتوجه‌بمعنی وموضوع ومفهوم مطالب داشت ومقاصد وافکار وعقاید نویسندگان را درك کرد نه طرزانشاء و سبك تحریر آنانرا . ازشرح فوق ، وسعت نظروعمق فکراراسم کاملا هویداست .

آموزشگاه شاهزادگان

علاوه‌برتأثیراتی که‌اراسم و دیگردانشمندان درنتیجهٔ‌تربیت برادران توده درکشور های‌آلمان کردند و مدارسی کـه تأسیس نمودند چندگونه‌آموزشگاه دیگرنیزبوجودآمد که‌ازآنجمله مدارس شاهزادگان بود. این مدارس را شاهزادگان وامیران‌پرتستان ازمحل اوقاف خانقاه هائی که‌بنفع مردم تصرف کرده بودند برپاساختند وبمدارس درباری ایتالیا بسیارشبیه بود چه ازحیث منظوروچه ازلحاظ برنامه . برای پرورش رئیسان ادارات وکلیسا ازاین گونه مدارس درتمام کشورهای پرتستان در آلمـان تأسیس گردید .

ژیمناز

نوع دیگری ازمدارس که درهمین زمان بوجود آمد وتـا امروزباقیست موسوم است به ژیمناز(۱) که‌اساس‌آن‌همان آموزشگاه کلیسا ومدارس شهری است واختلاف‌آن با دیگرمدارس این بود کـه اولا شهرداری بجای‌کلیسا یادولت‌آنرا اداره میکرد ثانیاً شبانه روزی نبود .نخستین

(۱) خودآلمانها آنرا گیمناز گویند .

ژیمناز در۱۵۴۳ در ساکس تأسیس گردید . بجای تدریس صرف ونحو وسخنرانی ولاتین قرون‌وسطی‌ومنطق‌دراین ژیمناز ها زبان و ادبیات لاتین و یونانی وریاضی آموختند و کتاب انجیل(بزبان یونانی)وزبان عبری راهم‌بدان‌افزودند.بعدهااشتورم(۱) (۱۵۸۹ ـ ۱۵۰۷) کـه یکی از دانشمندان بانفوذ بود تغییراتی‌در وضع‌ژیمنازداد که‌اساس‌آن‌هنوز پایداراست .

اشتورم
(۱۵۸۹-۱۵۰۷)

اشتورم‌ده کلاس برای ژیمناز قائل شد که کودك از شش هفت سالگی آغاز کند و همینکه آنرا بپایان رساند وارد دانشگاه گردد . چون معتقد بود که منظور ازآموزش وپرورش سه چیزاست :

(۱) دیانت

(۲) دانش

(۳) شیوائی وفصاحت

در ۱۵۶۵ برنامهٔ ژیمنازی کـه در استراسبورك برپـا کـرد بشرح ذیـل ترتیب داد :

برای نیل‌بمنظور نخست : اصول عقاید ودین برطبق نظریهٔ لوترسه‌سال‌بزبان آلمانی و سه سال بزبان لاتین ـ تألیفات پدران دین مسیح مانند نامه ها و رسالات

---

(۱) Sturm

ژرم (۱) وپل (۲) ازسال چهارم تاآخرین کلاس .

برای رسیدن بمنظوردوم وسوم : صرف ونحو لاتین از کلاس اول تاچهارسال-

دمستن (۳۲۲- ۳۸۵ قبل ازمیلاد)
درموزهٔ واتیکان

---

(۱) Jérôme (۴۲۰-۳٤٦) که در پایان قرن چهارم میلادی تورات را از عبری بهلاتین ترجمه کرد وترجمه‌ای که قبلا ازانجیل بزبان لاتین شده بود تصحیح وتنقیح نمود ودوترجمهٔ مذکورتنها متنی‌است از کتاب مقدس که تا بامروز کاتولیکها معتبر و رسمی میشناسند

(۲) Paul یاپولس رسول که در ٦۷ میلادی درروم بهلاکت رسید

انشاء لاتین - ادبیات لاتین بویژه آثار سیسرون - ویرژیل - پلوت [۱] ترانس [۲] مارسیال [۳] - هراس - سالوست . نامه‌نگاری - سخنرانی - مباحثه - بازیگری از کلاس چهارم‌ببالا. زبان یونانی سه‌سال‌از کلاس پنجم ببالا.ادبیات یونان(دمستن [٤] درام نویسان - همر- توسیدید) از کلاس هشتم‌ببعد .

پس‌ازاشتورم ، ریاضی - زبان خارجه- علوم طبیعی جای مقداری از زبان و ادبیات یونان وروم راگرفته ورنه ژیمناز امروزی همان است کـه اشتورم درشهر استراسبورك برپا کرد .

درانگلستان

دراوایل سدهٔ پانزدهم میلادی همفری [٥] خان گلوستر [٦] دانشمندان وطرفداران فرهنك پژوه‌را دورخودجمع کرد وبواسطهٔ کمك مادی وتشویقی که از آنان نمود روح تجدد وجنبش را درانگلستان داخل کـرد . در نتیجهٔ این اقدام از نیمهٔ قرن پانزدهم تنی‌چند از علمای دانشگاه اکسفرد بایتالیا رفتند . دراواخرقرن‌سه رفیق ازاکسفرد رهسپار ایتالیا شدند که موسوم بودندبه گروسین [۷] (۱۵۱۹-۱٤٤۳)ولینکر [۸] (۱۵۲٤-۱٤٦۰) ولتیمر [۹] (۱۵٤۵-۱٤٦۰)ودرباز گشت‌زبان یونانی‌رادردانشگاه اکسفردوارد کردند.چنانکه سابقاً هم اشاره شد اراسم نیز چهارسال (۱۵۱٤-۱۵۱۰) دردانشگاه کیمبریج‌یونانی تدریس نمود .

---

(۱) Plaute شاعرمتوفی در۱۸٤ قبل ازمیلاد

(۲) Térence شاعرمتوفی در۱۵۸ قبل ازمیلاد

(۳) Martial شاعرمتوفی در۱۰٤ میلادی

(٤) Démosthène بزرگترین خطیب‌وسخنوریونانی(۳۲۲-۳۸۵ قبل‌ازمیلاد)

(٥) Humphrey

(٦) Gloucester یکی از ولایات غربی انگلیس

(۷) Grocyn

(۸) Linacre

(۹) Latimer

دربارهانری‌هشتم بواسطهٔ وجود دوتن‌ازحامیان فرهنك‌پژوهان از آن‌مسلك طرفداری نمود وموجب پیشرفت کار آنان گردید .

مدرسهٔ سن‌پل (١) مهمترین عامل توسعهٔ تعلیمات‌وبرنامه طبق نظر ومسلك جدیدمدرسهٔ‌سن‌پل‌بود که‌بسال ١٥٠٩ ازطرف‌جان‌کلت(٢)

جان کلت
(١٤٦٦-١٥١٩)

(١٥١٩-١٤٦٦) برپاشد . وی ازشاگردان گروسین ولینکر در دانشگاه اکسفردو ازدوستان‌نزدیك اراسم بود .

---

(١) Saint Paul

(٢) John Colet

در ۱۵۰۵ بریاست کلیسای سن‌پل که درلندن واقع است گماشته شدواقدامات مؤثری برای توجه دادن طبقهٔ روشن‌فکر بمتن اصلی کتاب مقدس والتفات نکردن بسنت وپیشینهٔ روحانیان کرد وبمخالفت سختی که بااو آغاز کردند اهمیت نداد.

برای پیشرفت منظور خویش بخش بزرگی ازمیراث پدر را صرف تأسیس مدرسهٔ سن‌پل که در جنب کلیسا قرار داشت نمود ویکی از آشنایان ودانشجویان سابق اکسفرد راکه لیله[۱] (۱۵۲۹-۱۴۶۶) نام داشت وکاملا آشنا بفرهنك یونان وروم بود ودر دانشگاه های پاریس و روم و همچنین در یونان دانش آموخته بود بمدیری آن گماشت.

کلت مقرر داشت که شاگردان زبان وادبیات روم ویونان‌را بیاموزندونامه‌ها ونوشته‌های پدران دین مسیح را بخوانند تاخدارا نیکو بشناسند وپرستش کنند- اصول عقاید ودین را بزبان انگلیسی فراگیرند وبعد بآموختن صرف ونحواز کتاب دستور لیله وانشاء لاتین ازروی کتاب اراسم بپردازند.

دبیرستانهائی که درانگلستان ازقرون وسطی برپا شده ومدرسهٔ صرف و نحو نام داشت پیوسته بکلیسا یا خانقاه ووابسته برسته ها یا مدارس عالی بود وکشیش تهیه می کرد. این مدارس درتحت نفوذ جنبش قرن پانزدهم (رنسانس) و تأثیر مدرسهٔ سن‌پل واقع شد.

آموزشگاه های جدیدی نیز شبیه بمدرسهٔ سن پل تأسیس گردید. لیکن درسدهٔ هفدهم این دبیرستانها ازمنظور ومرام فرهنك پژوهان منحرف‌شده وبیشتر وقت شاگردرا صرف حفظ کردن دستورزبان لاتین وتجزیه وترکیب وجمله‌سازی بدون فهم معانی کردند وبهمین جهت ناگزیر شدندکه تنبیه بدنی را معمول‌دارند. دبیرستانهای فعلی انگلستان راکه «مدرسهٔ صرف ونحو» میخوانند با اصلاحاتی که در ظرف سیصد سال در آنها بعمل آمده اصولا همان است که در سدهٔ شانزدهم

---

(۱) Lily

بوجود آمد وسن‌پل سرمشق ونمونهٔ آن بود . البته ریاضی وتاریخ طبیعی و زبان خارجه ببرنامهٔ آنها افزوده شد ولی زبان وادبیات یونان و روم در اهمیت خود باقی است وروش تمرین را (چون صرف کردن افعال لاتین وجمله بندی و حفظ کردن کلام اساتید) در دروس دنبال میکنند . در سدهٔ شانزدهم شاگرد از هفت یا هشت سالگی واردمدرسهٔ صرف ونحومیشد وهشت کلاس‌طی مینمود . اکنون اگرقسمت ابتدائی که معمولا بمدرسهٔ مذکور پیوسته است درنظر گرفته شود باز از همان سن وارد میشوند ـ منتهاچند سال درقسمت ابتدائی‌دانش میآموزند ودرقسمت متوسطه که شش کلاس دارد از دوازده سالگی داخل میگردند .

دبیرستانهای مذکور که شبانه روزی است نخست‌برای توانگر ودرویش‌برپا گشته ولی‌بواسطهٔ هزینهٔ گزاف غیرمجانی‌وویژهٔ توانگران شد . دبیرستانهای‌دیگر هم که بنام « آموزشگاههای همگانی »(۱) معروفند و بهترین بنگاه های تربیتی انگلستان هستند شبانه روزی وشبیه بمدارس صرف و نحو میباشند و اختلاف آنها شاید این باشد که« آموزشگاههای همگانی »برحسب پیشینه‌وعادت ببزرگزادگان انگلستان تخصیص یافته است . مهمترین اینها عبارت است از مدرسهٔ وینچستر(۲) که در ۱۳۸۷ برپا شده وایتن(۳)در ۱۴۴۱ وسن‌پل در ۱۵۰۹ ورگبی(۴) در۱۵۶۷ وهرو(۵)که در ۱۵۷۱ ایجاد گردیده است .

نتیجهٔ جنبش در اروپای مرکزی وشمالی

از مجموع آنچه راجع بجنبش فرهنك پژوهی در کشور های مرکزی و شمالی اروپا گفته شد این نتیجه گرفته میشود که در نقاط مذکور منظور از آموزش و پرورش مانند ایتالیا رشد شخصیت‌وبهره بردن اززندگانی

(۱) Public School
(۲) Winchester
(۳) Eton
(۴) Rugby
(۵) Harrow

دراین جهان نبود بلکه پیشرفت جامعه ازراه اخلاق ودین ، مرام و کمال مطلوب بود وبیشتربمحو کردن ستمکاری‌روحانیان و کلیسا ودولت‌توجه میشد تابجنبه‌های

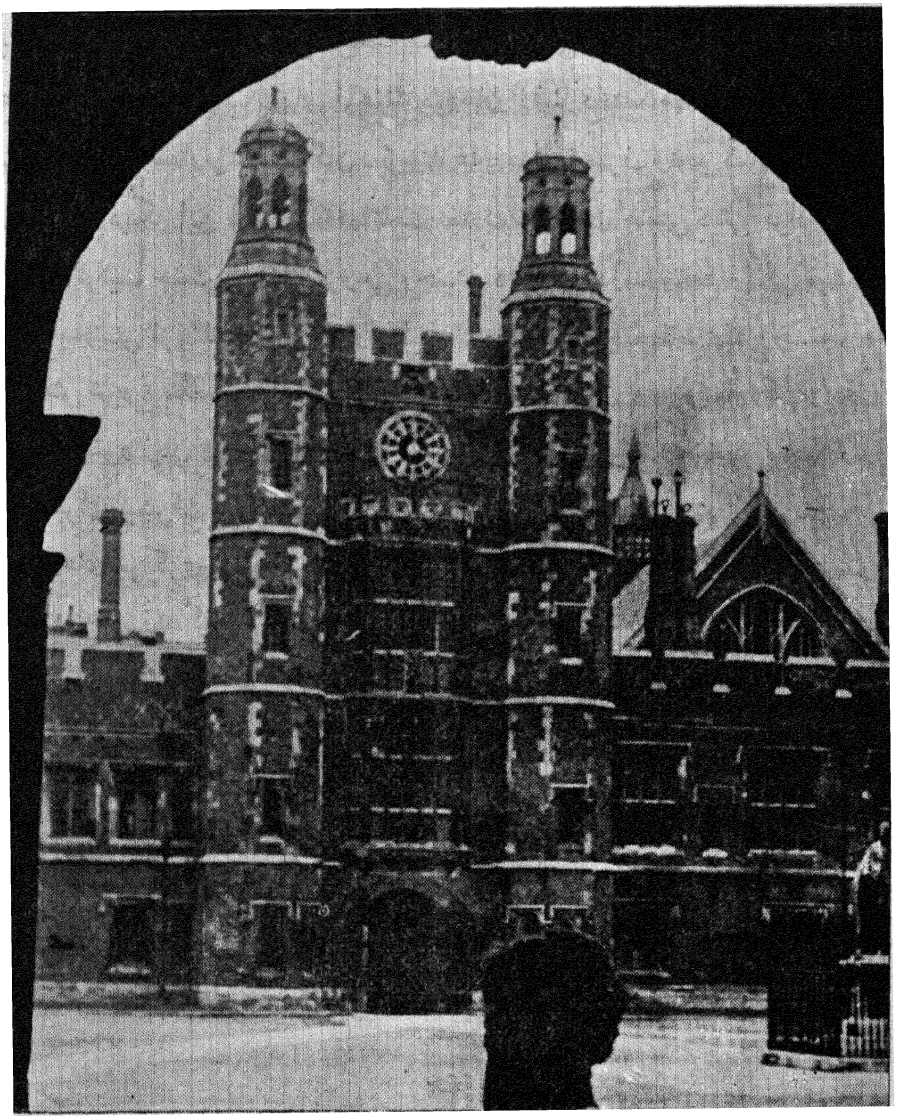

کهنترین ساختمان آموزشگاه همگانی ایتن **Eton**

ادبی وبدیعی آموزش وپرورش . راه رسیدن بمنظور فوقرا بسته بفرهنك همگانی واز میان بردن نادانی وخرافات میدانستند . ازینرو بفکر مردم وملت بودند نه

بزرگان و توانگران . ازا ینجاست که بیشتر پیشوایان این مسلك در کشورهای مرکزی وشمالی اروپا ازمصلحان دینی واجتماعی محسوب میشوند ومرام فرهنك پژوهی درآنجا باتجدد مذهبی آمیخته است . شهرهائی که جنبش دینی راپذیرفتند عموماً ببودجهٔ آموزشگاههای فرهنك پژوهان ازقبیل دانشگاهها ـ کلژها ـ مدارس برادران توده ـ مدارس شاهزادگان ـ ژیمنازها ـ مدارس صرف ونحو کمك میکردند واز طرف دیگر این آموزشگاهها تحت نظارت پیشوایان جنبش دینی قرار داشت وبدین ترتیب جنبش فرهنك پژوهی وجنبش دینی درمدرسه متحد ویکی میشد .

جنبش فرهنك پژوهی دراواسط سدهٔ شانزدهم رو بانحطاط نهاد وجستجو و پژوهش شروع بنقصان کرد . در فراگرفتن فرهنك یونان و روم تمام وقت و دقت صرف دستور زبان وجمله بندی وانشاء گردید . روش آموختن منحصر بیادسپاری شد و برای پیشرفت کار و انتظام تنبیه بدنی بمیان آمد و بدین ترتیب در ایتالیا و کشورهای مرکزی اروپا کوشش پیروان جنبش نوین در محو کردن اتحاد شکل ویك نواختی زندگانی وفکر و منهدم ساختن ستمکاری کلیسا و دولت تبدیل به تحجر تازه‌ای شد وجنبش دیگری برای تجدیدحیات جامعه لازم آمد که دراینجا باید ازآن سخن گفت .

ج - جنبش دینی

علل و مقدمات جنبش

بواسطهٔ فساد اخلاق پاپها وستمکاری روحانیان ونگاهداشتن مردم در حالت نادانی و خرافات و اوهام علائم مخالفت و طغیان چند بار پیش از سدهٔ شانزدهم میلادی پدید آمد ولی به نتیجه نرسید.

یکی از طغیانها که نفوذ ایران در آن آشکار است پیروان مانی برپا کردند. اینان درجنوب فرانسه سکونت داشتند ومرکز آنها شهر آلبی[1] بود.

مانی (۲۷۶-۲۱۶یا ۲۱۵) که درزمان شاپوراول ساسانی ظهور کرده ومبادی مذهب خود را اززردشت ومسیح وبودا اخذ کرده بود تعلیماتش در آسیا واروپاوشمال افریقا رواج یافت. پیروانش با شور زیاد بطهارت نفس وایمان قوی مشهور بودند و وعاظ آنها در جنوب فرانسه باکمال بی‌باکی برضد کشیش های متظاهر واحادیث بدعت‌آمیز کلیسا وزیارت قبوراولیای دین تبلغ میکردند. نفوذ آنها بسرعت زیاد میشد ورجال واشراف فرانسه بآنان می‌پیوستند.

پاپ آن عصرموسوم به اینسانت سوم[2] برضد آنها دستورجهاد داد که سالها بطول انجامید وبیش‌ازدویست هزارسپاهی در آن شرکت جست تا در ۱۲۴۵ بقتل‌عام آنها وخرابی کامل جنوب فرانسه خاتمه یافت.

دومین طغیان را ویکلیف[3] (۱۳۸۴-۱۳۲۴) درانگلستان بوجود آورد که فقط معتقد بخود کتاب مقدس بود ومناصب ومقامات مذهبی وتشریفات دینی راچون

(۱) Albi که ساکنین آنرا Albigeois میگفتند

(۲) Innocent (۱۲۱۶-۱۱۹۸) همو بود که چهارمین جنگ صلیبی را دستورداد

(۳) John Wyclif

پرستش اولیای‌دین-آداب ورسوم مصنوعی جهت اموات-اعتراف بگناه‌نزد کشیش-رفتن بزیارت وهمچنین منع روحانیان ازازدواج وپناه دادن جنایتکاران در کلیسا (بعنوان‌بست) مخالف روح مذهب مسیح میدانست. پاپ ویکلیف را تکفیر کرد ولی بواسطهٔ حمایت پادشاه انگلیس محفوظ ماند.

جان هوس[۱] که اکنون بزرگترین قهرمان ملی بوهم[۲] است موجب سومین طغیان شد. چون عقاید ویکلیف‌را درانگلستان مطالعه کرده وباآن موافق بود دردانشگاه پراك تدریس کرد وازینروپاپ اورا تکفیرنمود. برحسب درخواست هوس پاپ دستور داد در کنستانس[۳] شورائی تشکیل شود و بمطالب او رسیدگی کنند. هوس عازم‌آن شهر شد وبا وجود تأمین جانی که امپراطور آلمان بوی داده بود بمحض ورود از طرف کشیش آنجا توقیف گردید و شوری بدون شنیدن عقاید و مدافعات وی دستور داد تا اورا زنده بآتش بیندازند و خاکسترش را برودخانه رن[٤] بپاشند.

درصفحات پیش‌اشاره شد که در کشورهای‌شمال‌ایتالیا مسلك فرهنك‌پژوهان صورت دینی‌بخود گرفت وبدین‌نتیجه رسید که ترجمهٔ صحیح کتاب مقدس‌رابدست آورده وبه سنن وسوابق‌وعقاید قشری کلیسا وروحانیان اعتنا نکنند. درهمین‌زمان آئین صوری وتظاهرات کلیسا بحدی رسید که ناچارمردم پی دین ساده‌تری گشتند وآنان که توانا بخواندن‌اصل کتاب مقدس‌بودندآزادانه بمباحثه پرداختند واخلاق کشیشها وآخوندهارا مورد انتقاد قراردادند. تمام این‌حوادث موجب طغیانهائی‌شد که عالم مسیحیت را بفرقه‌های مختلف تجزیه کرد.

---

(۱) John Huss (۱۳٦۹-۱٤۱۵)

(۲) Bohême که قسمت مهمی ازچکسلواکی کنونی است.

(۳) Constance که آنوقت جزو ایالت Bade در آلمان بود و اکنون در سویس است.

(٤) Rhin

لوتر (۱)
(۱۴۸۳-۱۵۴۶)

زمانی که لوتر استاد دانشگاه ویتانبرك[۲] بود روش اهل مدرسه را که اساس حکمت الهی کلیسا بود با بیانی روشن و مؤثر سخت انتقاد کرد و سادگی دین مسیح را تشریح نمود وحق آزادی فکرهر کس را اعلام کرد. از این حیث طریقهٔ اوبا جنبش سدهٔ پانزدهم (رنسانس) شبیه ودرحقیقت یکی بود.

در۱۵۱۷راجع بارزش بخشش‌نامه‌هائی که پاپ درآنموقع درمقابل اخذ وجه صادرمیکرد و کسانی‌را که مرتکب گناه شده بودند می‌بخشیدنودوپنج یادداشت[۳] تهیه وبرلوحه‌ای بدر کلیسای ویتانبرگ نصب نمود که در مدت بسیارقلیل درعالم مسیحیت طنین‌اندازشد.

در۱۵۱۹ درمناظره‌ای اعلام نمود که پاپ وشورای عالم مسیحیت حق ندارند عقیدهٔ هرفردرا معین کنند. ازاین‌پس‌رسماً مخالفت اوباکلیسا آشکار گشت‌ورساله‌های متعددبرضد پاپ وعقایدکلیسا منتشرساخت. در۱۵۲۰پاپ ویرا تکفیر کرو ولی‌لوتر تکفیرنامه را سوزاند. سال بعد شارل پنجم امپراطور آلمان اورا برای دادرسی به ورمس[۴] خواند. دادگاه بی‌آنکه اورا اجازهٔ دفاع از عقاید خویش دهد بی دین اعلام کرد. دوستان لوترویرا درکاخی پنهان کردند. اوهم موقع را مغتنم شمرده **کتاب مقدس را به‌آلمانی ترجمه‌کرد** تا دردسترس همهٔ مردم قرارگیرد. بعلاوه در۱۵۲۹یك کتاب‌شرعیات‌واصول‌عقایدبرای کودکان‌و کتاب دیگری‌برای‌سالمندان تألیف کرد.

مهمترین‌اقدامی که‌لوتر راجع‌بفرهنك کردنامه‌ای‌است که‌در۱۵۲۴بشهرداران واولیای امور شهرهای آلمان نوشت. در۱۵۳۰ نیزرساله‌ای بعنوان «اندرز دربارهٔ

---

(۱) Martin Luther

(۲) Wittenberg

(۳) بعضی از این یادداشت ها در تاریخ اصلاحات کلیسا تألیف دکتر الدر صفحهٔ ۱۰۵-۱۰۴ذکرشده است.

(۴) Worms

فرستادن کودکان بآموزشگاه» انتشارداد .

عقاید لوتر دربارهٔ فرهنگ

برحسب نامهٔ مذکور لوترمعتقد است که فرهنك هم برای تأمین نیکبختی و آسایش دولت است و هم برای کلیسا و دین چنانکه گوید :

« بزرگترین نیکبختی وامنیت وتوانائی هرشهروابسته باعضاء شایسته وخردمند

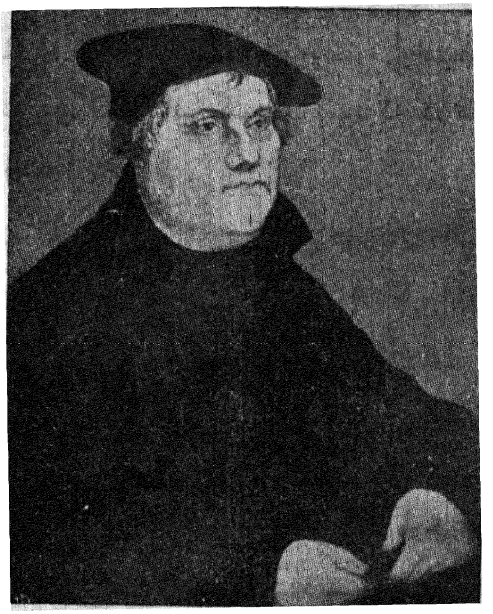

لوتر
(۱۵٤٦–۱٤۸۳)

ودرستکاروتحصیل کردهٔ آن شهر است . . . جامعه برای تأسیس بهترین آموزشگاه پسرانه ودخترانه درهرنقطه جهت نگاهداری نظم کشوروانتظام خانواده نیازمند به مردان وزنان فرهخته وباکمال است. »

نخستین بار در تاریخ لوتر اظهار عقیده کرد که **فرهنك و آموزش و پرورش باید بهزینهٔ دولت وبرای همهٔ مردم باشد اعم ازتوانگر ودرویش وشریف‌ووضیع وپسر ودختر** . چون پدرومادر بیشترنادان یا خودخواه یا گرفتار

هستندوظیفهٔشهرداران‌است که آنهاراوادار کنندتا کودکان‌خودرابآموزشگاه‌فرستند.

برای آماده کردن‌تودهٔمردم‌جهت کارهای‌مختلف‌باید آموزشگاههای‌مخصوص برپا کرد و کودکان‌پراستعداد وباهوش‌را باید گذاشت تاتحصیلات عالی کنند. برنامهٔ تحصیلات بعقیدهٔ لوتر باید عبارت باشد ازخواندن کتاب‌مقدس وشرعیات‌ـزبان‌لاتین ویونانی وعبری ـ سخنرانی ومنطق ـ تاریخ وعلوم‌طبیعی وموسیقی وورزش وبرای وارد کردن‌هریك‌ازآنها درمدرسه دلائلی‌ذکر کرده است که دراینجا گنجایش‌بیان آن نیست .

روش‌آموختن باید متکی‌بمیل وذوق شاگردبوده وازروی‌عقل ودلیل‌انتخاب شده باشد. فعالیت کودکانرا باید درنظر گرفت وازآن بهره‌برد نه‌اینکه درمقام‌زائل کردن‌آن برآمد . امثال باید ازمحسوسات گرفته شود وزبان خارجه را باید ازراه گفت وشنود بیاموزند .

نظریات لوتر راجع به آموزش و پرورش بوسیلهٔ دوستان و هم مسلکانش در آموزشگاههای‌مختلف بکاربسته شد. مهمترین‌وبانفوذترین این‌اشخاص ملنکتن[۱] (۱۵۶۰ـ۱۴۷۹) است که در ۱۵۲۵ در زادگاه لوتر یعنی ایسلبن[۲] یك دبستان و دبیرستان برپا کرد که نمونه‌ای از ژیمناز شد . در ۱۵۲۸ پادشاه ساکس که حامی لوتربود ازملنکتن‌خواست که‌آموزشگاههای کشوراورا اصلاح کند واونیزسازمانی بآنها داد که دربسیاری ازنقاط آلمان با تغییراتی‌بکاربسته شد . اشتورم که درصفحات پیش ازاوسخن بمیان‌آمد و ژیمنازی دراستراسبورك تأسیس نمود نیز از دوستان لوتر بود .

کالون(۳)
(۱۵۶۴ـ۱۵۰۹)

کالون در نتیجهٔ مطالعهٔ کتاب مقدس بزبان یونانی طغیان کرد ودر ۱۵۳۵ از دست ستم فرانسوای نخست از فرانسه بسویس رهسپارشد . وی نخستین پرتستانی است که اکتفا

---

(۱) Melanchton
(۲) Eisleben
(۳) Jean Calvin

بانتقاد کاتولیکها نکرد بلکه اصول عقایدی برای پرتستانها تدوین نمود واز آن جمله مسئلهٔ سرنوشت وتقدیر ومشیت الهی را پیش کشید واساس تعلیمات خود را بر کتاب مقدس نهاد . بعقیدهٔ او فلاح ورستکاری آدمی بدست خداست واعمال بشر ورسوم و تشریفات کلیسا کافی برای نجات وی نیست بلکه ایمان به پروردگارعالم ممکن است موجب رستگاری اوشود(۱) .

برای ترویج فرهنگ در ژنو آموزشگاه هائی بنام کلژ (۲) برپا کرد و کردریوس(۳) استاد پیشین خودرا که یکی ازفرهنگ پژوهان وشهرتی بسزا داشت بمدیری یکی ومعلمی دیگری از آنها گماشت .

آموزشگاه کناره که کردریوس در آن تدریس مینمود نمونهٔ آموزشگاههائی است که بوسیلهٔ کالون برپا گشت وزیر نظر او اداره میشد . این مدرسه هفت کلاس داشت . پس ازیاد دادن الفبا وصدا ها ازروی کتاب شرعیات (بزبان فرانسه ولاتین) خواندن وصرف ونحو میآموختند آنگاه بآثار ویرژیل وسیسرون واوید(٤) و قیصر وتیت لیو(٥) وانشاء ولاتین میپرداختند . زبان یونانی از کلاس چهارم آغاز میشد و علاوه برخواندن آثار گزنفون وهمرودمستن کتاب مقدس را ازروی متن اصلی قرائت میکردند . در کلاس های عالی منطق وسخنرانی وفصاحت وشیوائی میآموختند .

چون سویس پناهگاه ستمدیدگان بود پرتستان های فرانسه وآلمان وهلاندو انگلستان واسکاتلندبدانجا رهسپارشدند وعقاید کالون دربارهٔ دین وپرورش همگانی درآنها تأثیرفراوان بخشید وتحت این تأثیربه میهن خود بازگشت نموده کوشیدندتا آن عقاید را اشاعه دهند .

یکی ازاشخاصی که تحت نفوذ کالون قرار گرفته بودودراسکاتلند(بریتانیای کبیر)

---

(۱) برای اطلاعات بیشتر رجوع شود بتاریخ اصلاحات کلیسا صفحهٔ ۱۳۸-۱۳۵

(۲) Collège

(۳) Corderius

(٤) Ovide شاعررومی که بسال ۱۸ میلادی درسن ٦۱ درگذشت .

(٥) Tite Live مورخ نامی روم که از ٥۹ قبل ازمیلاد تا ۱۷ میلادی میزیست.

علم طغیان وتجدد دینی را برافراشت جان‌نکس[۱] (۱۵۷۲-۱۵۰۵) بود که موجب تأسیس دبستانهای مجانی در اسکاتلند شد وچندان تأثیر کرد که اخلاق اهالی بویژه توده روبه بهبودی ودانش آنها روبافزونی گذاشت وآن کشور را درزمینهٔتحصیلات ابتدائی‌دویست سال ازخود انگلستان پیش انداخت.

هانری هشتم

درانگلستان‌جنبش دینی‌بدین نحوصورت گرفت که‌هانری هشتم[۲] در۱۵۳۳مجلس شورای‌ملی‌را متقاعد کرد تا ویرا بسمت‌ریاست‌دینی کشورانتخاب کندواجازه‌دهدوجوهیرا که‌کلیساهاودیگربنگاههای دینی برای‌پاپ میفرستادند بوی‌تسلیم کنند. هانری‌هشتم‌ببهانهٔ زشت‌خوئی‌ونادرستی وخیانت‌بعضی‌ازمتصدیان‌خانقاهها ،در۱۵۳۶تصرف وتصاحب‌اموال‌واملاك خانقاهها را آغاز کردودر ظرف‌دهسال بیش‌ازششصد خانقاه ـ نود آموزشگاه‌ـدو هزار وسیصد نمازخانه[۳] وصد بیمارستان را بست ودارائی آنها را گرفت.

وجوهی که باین‌ترتیب بدست‌آمد صرف نیروی‌دریائی انگلیس کرد وجزئی از آنرا بمصرف فرهنگ انگلیس‌رساند. جانشین وی‌ادوارد ششم‌نیزهمین سیاست را دنبال کرد. با اینهمه شماره‌ای‌چند از آموزشگاهها برجای‌ماندوپس ازتأسیس‌مدرسهٔ سن‌پل برعدهٔ دبیرستانها افزوده شد.

هنگام شهریاری الیزابت[٤] (۱۶۰۳-۱۵۵۸) وتا نیمهٔ قرن هفدهم‌دبیرستانها بواسطهٔ اعانه های تقدیمی ودادن زمین توسعه پیدا کردند وبرنامه‌ای شبیه به برنامهٔ سن‌پل برگزیده بموقع اجرا گذاشتند.

آموزش وپرورش درکشورهای پرتستان

از آنچه راجع بجنبش دینی در آلمان و سویس وفرانسه و انگلستان گفته شد هویداست که پرتستانها معتقد بودند که دین را باید باکمال‌آزادی تعبیروتفسیر کرد وآموزش و پرورش را باید برای همه فراهم نمود تا همه توانا بدین

---

(۱) John Knox
(۲) Henry (۱۵۴۷-۱۴۹۱)
(۳) مقصود Chapel میباشد
(٤) Elizabeth

تعبیر و تفسیر عاقلانه باشند و بعلاوه میگفتند مردم را نباید تنها برای فهمیدن دین بلکه برای **زندگانی و دین** پرورش داد. برای اجرای منظور خود پیشوایان جنبش با اولیای کشور همکاری نمودند و باعث ایجاد دبستان برای همهٔ مردم گردیدند و این فکر تازه را که آموزش ابتدائی باید مجانی و اجباری باشد در آنزمان اظهار کردند و تخم آنرا از همانوقت در کشورهای پرتستان در **آلمان** پاشیدند تا آنجا که در ابتدای سدهٔ هفدهم آغاز بپرورش دختران کردند و در پایان قرن هیجدهم هر دهکده یك دبستان توده[۱] زیر نظر کشیش خود داشت تا هر کس نمیتوانست به آموزشگاه غیر مجانی و دبیرستان رود در آنها بتحصیل مشغول شود. در **هلاند** نیز هر یك از دهستانهای کشور از طرف شورای روحانیان پرتستان مجبور شد وسائل آموزش همگانی را برای تمام مردم آماده کند. مجلس شورای **اسکاتلند** نیز نظیر این عمل را کرد. همچنین مستعمرات انگلیس بویژه **امریکا** بوسیلهٔ مهاجران هلندی و پرتستانها دبستانهای همگانی برای پرورش توده تأسیس کرده آموزش ابتدائی را از نیمهٔ قرن هفدهم رفته رفته در نقاط مختلف مجانی و بعداً اجباری نمودند.

بطور کلی جنبش دینی باعث بیداری دامنه دار شد و مردم را بتحصیل علم و آزادی و مساوات و حکومت ثابت و فعالیت و تولید ثروت و ترقی خواهی و تجدد طلبی راهنمائی و تحریك کرد و در نقاطی که طریقت پرتستان پذیرفته شد چون هلاند و اسکاتلند و اسکاندیناوی و انگلستان و ایرلاند شمالی و قسمتی از آلمان و کانادا و امریکای شمالی شوق و اشتیاق خلق بدین زیاده گشت و سطح اخلاق بالا رفت و در تمام شئون پیشرفت کلی حاصل شد در صورتیکه ممالك کاتولیك چون اسپانیا و ایتالیا و امریکای جنوبی همچنان متأخر ماندند و حکومت آنها دچار تغییر و دستخوش حوادث گردید چنانکه امروز هم این حقیقت هویدا و آشکار است.

☆ ☆ ☆

بنابر آنچه گذشت از لحاظ فرهنگی مهمترین و بزرگترین نتیجهٔ جنبش دینی

---

(۱) Volksschule

این بود که **اولاً آموزش ابتدائی‌را برای همهٔ مردم فراهم کردند. ثانیاً برای همین مقصود زبان مادری را بجای زبان لاتین آموختند و باین ترتیب زمینهٔ آموزش اجباری را که امروز تمام کشورهـای متمدن بدان دلبستگی دارند آماده کردند.** ثالثاً در دبیرستانها تغییراتی دادند: در ژیمنازها و آموزشگاههای شاهزادگان مطابق نامهٔ لوتر (که تأسیس دبیرستانها را هم تأکید نموده بود) دبیران از میان پیروان لوتر برگزیده شدند ونظارت دینی که در مدارس معمول بود توسط روحانیان پرتستان صورت گرفت. درانگلستان‌هم نظیراین قضیه انجام یافت وبجای کشیش‌هائی که ازطرف پاپ اجازهٔ معلمی‌درمدارس صرف ونحومیدادند ویامدارس مذکوررا بازرسی‌مینمودند روحانیان‌جدید که ازطرف‌پادشاه انگلستان ورئیس‌دین معین میشدند این وظائف را بکاربستند. رابعاً دانشگاههاهم درکشورهای‌پرتستان‌در قرن شانزدهم وهفدهم از نظارت پاپ وکلیسا سرپیچی کردند وتحت بازرسی دولت قرار گرفتند تاآنجا که بعضی اززژیمنازهای آلمان مانند ژیمنازاستراسبورك تبدیل بدانشگاه پرتستان گردید.

د ـ واکنش کاتولیکها

گرچه پیش ازجنبش دینی تنی ازخردمندان عالم‌مسیحیت مایل بودندآئین مذهبی و کارهای اداری کلیسا اصلاح شود بدون اینکه تفرقه‌ای دردین مسیح‌ایجاد گردد ولی تا ظهوراولوتراقدامی نکردند .

شورای ترانت(۱) استقرارپرتستانها شورای مذهبی ترانت را در۱۵٤۵ بوجود آورد. شورای مذکوربیشترارتجاعی‌بود وباوجود پذیرفتن اصلاحـات متعدد تمام هم خود را صرف تثبیت طریقهٔ کاتـولیك و رد کردن طریقهٔ پرتستان نمود .

تصمیمات‌شوری‌در۱۵٦۳اعلام شد که بسیاری‌ازمطالب‌را روشن کردواختلاف عمدهٔبین عقاید کاتولیکها وپرتستانها را ظاهروآشکارساخت . خلاصهٔتصمیمات شوری بقرارذیل بود :

۱ـ بعقیدهٔ پرتستانها اصول‌عقاید مذهبی‌فقط از کتاب مقدس باید گرفته‌شود. شوری رأی داد که اصول مذکور هم از کتاب مقدس وهم از سنن و احادیث واخبار کلیسا اخذ گردد .

۲ـ پرتستانهامعتقد بودند که متن عبری‌تورات ومتن یونانی‌انجیل بایدمأخذ وملاك بوده وهر کس حق داشته باشد مطابق‌فهم خودآنرا تفسیر کند. تصمیم شوری براین بود که تنها ترجمهٔ لاتین کتاب مقدس بقلم‌ژرم(حاشیهٔ یکم‌صفحهٔ۱۰۲) معتبر ورسمی است و کسی جز کلیسا حق تفسیرآنرا ندارد .

۳ـ بعقیدهٔ پرتستانها انسان گناهکاراست وفقط‌ایمان‌بپروردگارورحمت الهی ممکن‌است اورا رستگار کند نه خریدن‌بخشش‌نامه ازپاپ. شوری‌رأی داد که‌خرید

---

(۱) Trente شهروافع درجنوب غربی اتریش.

بخشش‌نامه مایهٔ استحقاق زندگانی جاودانی است .

٤ـ شوری‌هفت آئین مقدس کاتولیکهارا که در آنزمان معمول بود تنفیذ کرد درصورتیکه پروتستانها فقط معتقدبه دو آئین بودند که درزمان مسیح معمول بوده یعنی غسل تعمید وعشاء ربانی (۱) .

٥ـ پرتستانها عقیده داشتند که عبادت ودعا باید بزبان مادری هر کس باشد ولی شوری رأی داد که باید درهمه‌جا بزبان لاتین باشد .

٦ـ پرتستانها معتقد به ریاست فائقهٔ پاپ وسلسله مراتب اسقفها و کشیش‌ها نبودند وتاهل آنانرا جائزمیشمردند . شوری درست برضد این عقاید رأی داد.

۷ـ شوری دستورهائی‌برای طرززندگانی و وظایف ورفتار کشیشها از حیث لباس ومسکن وصرف‌اوقات ونظایر آن دادو دفتری بنام فهرست (۲) در دربار پاپ معین کرد تا کتبی که قرائت آن‌برمسیحیان ممنوع است در آن ثبت شود .

پس ازانتشار تصمیات‌شوری منازعات وخونریزیهای‌بسیار روی داد وداد گاه معروف اسپانی‌موسوم‌به داد گاه بازجوئی (۳) برپا گردید وجنگ‌های متعدد که از آن جمله جنگهای سی‌ساله است از۱٦۱۸ تا۱٦٤۸ بظهور پیوست .

---

(۱) پنج آئین مقدس دیگر که پروتستانها بدان اعتقاد ندارند عبارتست از «اعتراف بگناه» نزد کشیش ـ «تایید» یا برخوردار نمودن شخص مسیحی از امتیازات عضویت کلیسا ـ «ازدواج» بشرط اینکه طبق آداب کاتولیك‌ها انجام گیرد ـ «آخرین تدهین» یعنی کشیدن علامت‌صلیب‌باروغن مقدس برسروصورت شخص مسیحی درحال احتضار ـ «دست گذاری» که باگذاشتن دست برشخص معین، اورابرای خدمات مخصوص‌چون اسقفی‌انتخاب‌میکنند. برای اطلاعات بیشتررجوع شود بتاریخ اصلاحات کلیسا صفحهٔ٦۷ـ٥۷

Index (۲)

(۳) Inquisition نخستین دادگاه برای تعقیب پیروان مانی در قرن سیزدهم درجنوب فرانسه بوجودآمد

یسوعی‌ها (۱)

واکنشهای مذکور جنبهٔ منفی داشت. اقداماتی که یسوعی‌ها درپیشرفت وترویج طریقهٔ کاتولیك نمودند مثبت بود.

یسوعیها فرقه‌ای از کاتولیکها بودند که مؤسس آن اینیاس دولوایولا(۲) نام داشت وازمردم اسپانی بود. مرام این فرقه آن بود که پاپ را تقویت کنند وطریقهٔ پرتستان‌را ازمیان بردارند. برای رسیدن بدین مقصود درنظر گرفتند درتمام گیتی آموزشگاههائی برپا کنند تاکاتولیکها را درعقیدهٔ خود راسخ نمایند ودیگران را به فرمانبرداری مقید سازند.

اساسنامه‌ای که برای یسوعیها نوشته شد بسال۱۵۵۸وآئین‌نامه وروش‌تربیت آن در۱۵۵۹منتشر گردید. سازمان این‌فرقه شباهت به تشکیلات آرتش داشت‌زیرا لوایولادرآغازجوانی‌ازاشراف سوارکارودرجنگ با فرانسه شرکت کرده ومجروح وناقص گردیده بود. دررأس سازمان تنی بنام «سرتیپ» با اختیارتام قرارداشت.

کشورها را تقسیم به استان کرده ونمایندهٔ سرتیپ را در هر استان استاندار نامیدند.درهرآموزشگاه رئیس ازطرف سرتیپ معین میشد ولی‌مسئول‌استانداربود. تحت نظررئیس،ناظم واستادان ودبیران وخلیفه‌ها وظیفهٔ خویش را انجام میدادند.

آموزشگاه های یسوعی

یسوعیها تمام توجه خودرا صرف تحصیلات متوسطه وعالی کردند و بهیچوجه عنایتی بدبستان نداشتند. کودك را از ده تا چهارده سالگی می‌پذیرفتند و پنج شش سالش نگاه میداشتند سپس‌دوسال صرف‌تعلیمات دینی‌میکردند تاشاگرد بتواندوارد آموزشگاه عالی گردد. دورهٔ عالی هفت تا نه سال بطول میانجامید. ازمیان فارغ‌التحصیل های دورهٔ عالی‌رئیسان آموزشگاه‌ها ومعلمان‌برگزیده‌میشدند واینان‌هیئت‌قانون گزاری راتشکیل‌میدادند وسرتیپ‌ازمیان آنهابرگزیده‌میشد. اعانه‌وکمکهائی که‌به‌یسوعیها میشد بسیارفراوان بود وآنها نیز در اداره کردن کارهای خود مهارت بسزائی نشان

---

(۱) Jésuites

(۲) Ignace de Loyola (۱۴۹۱-۱۵۵۶)

دادند. آموزشگاه‌های آنان رایگان وتمام طبقات دربرابر مقررات یکسان بودند. برنامهٔ دبیرستانها تا اندازه‌ای شبیه بدستورتحصیلات آموزشگاههای برادران توده و مهمترین مواد آن عبارت بود ازنوشتن لاتین (بسبك سیسرون) و گفتگوبدان زبان ومقداری زبان یونانی ولی در ۱۸۳۲ مواد جدیدی بر آن افزوده شد. در آموزشگاههای شبانه روزی[۱] تعلیمات دینی ـ نیایش ـ نماز ـ تأمل وتفکرومراقبه ـ دعای گروهی ـ اعتراف بگناه پیوسته معمول بود وشاگردان را بسیاربا ادب وخوش خلق بارمیآوردند.

در آموزشگاههای عالی پس ازسه سال تحصیل فلسفه یعنی منطق ـ روانشناسی ـ اخلاق ـ حکمت ماوراءطبیعت ـ حکمت الهی ـ علوم ریاضی وطبیعی درجهٔ لیسانس میدادند. اگرشش سال دیگر دررشتهٔ یزدان شناخت بتحصیل میپرداختند ورساله‌ای تدوین کرده بتصویب میرساندند درجهٔ دکتری در یزدان شناخت میگرفتند.

دبیران دبیرستانها ازمیان لیسانسیه ها برگزیده میشدند و کسانی که درقسمت عالی تدریس میکردند بایستی درجهٔ دکتری دریزدان شناخت داشته باشند.

روش آموختن یسوعیها ازاین قراربود که اولا معنای کلی قطعه‌ای که میخواندند گفته میشد. ثانیاً جمله سازی آن بتفصیل بیان میگردید. ثالثاً افکار مشابه باجمله های مشابه دیگر شاعران وتاریخ نویسان وفیلسوفان ذکر وتوضیح میشد. رابعاً مطالب راجع بتاریخ وجغرافیا وعادات ورسوم مربوط بآن قطعه تشریح میگردید. خامساً صنایع وبدایع واستعارات وکنایات وقوافی قطعه ووزن کلمات موردبررسی قرارمیگرفت. سادساً نتیجهٔ اخلاقی ازدرس گرفته میشد. برای اینکه موضوع در ذهن شاگرد تثبیت شود مدت درس طولانی نبود ـ درسها مختصر بود ـ هرروزدرس را پس میگرفتند ودرپایان هرهفته وهرماه وهرسال آنچه خوانده بودند دوره میکردند.

برای تحریك شاگردان وتولید هم چشمی میان ایشان ودلبسته کردن آنها بدرس وسائلی برانگیخته بودندمانند تعیین شایسته‌ترین آنها بسمت مبصری (که بعد ازپس دادن درس خویش ازدیگران درس را میپرسید) ـ تعیین دسته‌های دو تنی که

(۱) مدارس شبانه روزی را Conurictius می‌خواندند

هریك رقیب دیگری دردرس و اخلاق بود ـ مباحثه ومناظرهٔ هفتگی‌میان‌دودسته راجع بدرس ودادن جایزه به‌برندگان (برحسب قضاوت ناظم ومعلمان). تنبیه‌بدنی فراوان نبود واگربکار میرفت تنها برای تقصیرات اخلاقی بود وتوسط کسانی انجام میگرفت که عضو فرقهٔ یسوع نبودند .

رویهمرفته آموزش وپرورش‌یسوعیها منظم وعمیق ـ معلمان آنها آزموده و شایسته ـ مدارس آنها جاذب وقابل‌توجه بودونسبت‌بتکالیف خود بسیارجدی‌وفداکار بودند. معایب کار آنان دراین بود که باتحقیق وپژوهش وتتبع مخالف بودند واقوال دیگرانرا کافی ومعتبرمیشمردند . بعلاوه مطالب را بیاد میسپردندوبدینطریق‌ابتکار ازمیان میرفت .

اهمیت مدارس یسوعیها

ازمدارس یسوعی عدهٔ بسیاری بیرون‌آمدند که از مردان سیاسی معروف و از بزرگان نامی جهان شدند و بدین ترتیب نفوذوتأثیر آموزشگاههای‌آنان دردنیا شیوع یافت. درپایان سدهٔ هفدهم یعنی صد وپنجاه سال پس از مرك لوایولا (در۱۵۵۶) هفتصد و شصت ونه‌آموزشگاه یسوعی دردنیا برپا بود که دویست هزار تن در آنها بتحصیل مشغول بودند . نزدیك سه‌هزارتن ازنویسندگان جهان از پرورش یافتگان یسوعی ها هستند مانند کرنی(۱) ومولیر(۲) وبسوئه(۳) ودیدرو(٤) و اشخاص بزرك دیگر نیز چون ریشلیو(٥) و دن ژوان(٦) اتریشی پسرشارل پنجم از مدارس آنها بیرون

---

(۱) Corneille (۱٦۰٦ — ۱٦۸٤) شاعر و نویسندهٔ شهیر نمایشنامه های غم‌انگیز .

(۲) Molière (۱٦۲۲ - ۱٦۷۳) شاعروهنرپیشهٔ توانا ونویسندهٔ نمایشنامه‌های خنده‌آور.

(۳) Bossuet (۱٦۲۷ - ۱۷۰٤) روحانی و خطیب فصیح و نویسندهٔ عالی‌قدر

(٤) Diderot (۱۷۱۳ - ۱۷۸٤) مهمترین نویسندهٔ دائرة المعارف فرانسه

(٥) Richelieu (۱٦٤۲ - ۱٥۸٥) که بیست سال درفرانسه صدارت کرد و فرهنگستان فرانسه‌را در۱٦۳٥ تأسیس نمود

(٦) Don Juan که در۱٥۸۰ فرماندارغرناطه ودر۱٥۷٦ فرماندار هلاندبود

آمده اند .

متأسفانه از اواسط سدهٔ هیجدهم که مرام ومنظورتربیت در جهان تغییر کرد یسوعیها التفاتی بدین امرنکردند وبمقتضای زمان عمل ننموده و بادیگر فرقه‌ها و بادولتهای وقت داخل منازعه گردیدند ودرنتیجه ازتمام کشورهای اروپاراندەشدند تا در۱۷۷۳ پاپ فرقهٔ آنها را منحل کرد . در۱۸۱۳ ازنو اجازهٔ تشکیل فرقه داده شد ولی دیگررونقی پیدانکرد .

ژانسنی ها (۱) فرقهٔ دیگری که از واکنش کاتولیکها بوجود آمد فرقهٔ ژانسنی‌هابود. یکی‌ازاستادان دانشگاه لوون[۲] که بعد ها رئیس مذهبی شهرایپر[۳] شدوژانسن [٤] نام داشت در ۱٦۲۱ منظور فرقه رأتدوین نمودوبهمین جهت فرقه بنام اوخوانده شد . مرکز آنها درپرت روایال دشامپ [٥] نزدیك ورسای[٦] بود .

ژانسنی‌ها ازپیروان فلسفهٔ دکارت[۷] بودند ولی میگفتند که بشرطبعاً فاسد است وبرای رهائی کودکان ازفساد ، آموزشگاههائی بنام مدرسهٔ کوچك در مرکز فرقه ونقاط دیگرباز کرده و کوشش نمودند بیشترعقل بچه‌هارارشد دهند تاحافظهٔ آنهارا. برخلاف یسوعیها که درآغارکار زبان لاتین میآموختندآنها زبان مادری‌را مقدم داشتند وزبان لاتین ویونانی راهم بوسیلهٔ زبان مادری تعلیم کردند . منطق و هندسه را برای تربیت عقل وتوسعهٔ استدلال آموختند و کتابهای درسی برای صرف ونحووومنطق وهندسه تألیف وچاپ کردند .

---

(۱) Jansénistes

(۲) Louvain که اکنون دربلژیك است

(۳) Ypres دربلژیك کنونی

(٤) Jansen (۱٦۳۸_۱٥۸٥)

(٥) Port Royal des Champs

(٦) Versailles درسه فرسخی مغرب پاریس

(۷) Descartes (۱٦٥۰ - ۱٥۹٦) که درفصل بعد شرح حال وآراءاورا ملاحظه خواهید کرد .

در مدارس آنها هم‌چشمی میان شاگردان مجازنبود ووسائل برانگیختن و علاقه‌مند کردن آنها وجود نداشت . در ۱٦٦۱ یسوعیهالوئی چهاردهم پادشاه‌فرانسه را متقاعد ببستن مدارس ژانسنی کردند واین مسئله موجب شد که نامه‌ها و افکار پاسکال(۱) برضد یسوعی ها برشتهٔ تحریر در آمد و مایهٔ تزلزل و از نظر افتادن آنها شد .

ازاین پس‌ژانسنی‌هاهم خودرا صرف تدوین کتابهای متعدد دربارهٔ‌آموزش و پرورش کردند که مدتها درطرز تربیت فرانسه ودیگر کشورها تأثیرفراوان داشت .

برادران مدارس مسیحی

پرتستانها توجه شایان به آموزش دبستان داشتند و در سدهٔ هفدهم بسیاری از کشورهای پرتستان دبستان ها برپا کردند.در کشورهای کاتولیك یسوعیهاتنهابه‌آموزش متوسطه و عالی می پرداختند تا در ۱٦۸٤ کشیشی فرانسوی بنام لاسال (۲) انجمنی بنام مؤسسهٔ برادران مدارس مسیحی (۳) ایجاد کرد که در فرانسه ودیگر کشورهای جهان همان خدماتی را نسبت بدبستان کرد که یسوعیها نسبت بدبیرستان‌انجام‌دادند.لاسال تندرست نبودولی جد شگفت‌آور داشت . تحصیلات‌خود رابازحمات ومشقات بسیار وعلی‌رغم حوادث‌بپایان رساند وبسیارپارساوریاضت کش شد وروزگار خودرا بافداکاری صرف‌آموزش وپرورش مستمندان وبینوایان کرد.

مدارس مسیحی

اخلاق لاسال درجریان کارمدارسش مؤثربودچنانکه‌دقیقه‌ای نمیگذشت که تنی‌چند ازشاگردان مشغول خواندن‌دعاونماز و کتاب مقدس و سرود های مذهبی نباشند . برای اینکه شاگرد ومعلم خاموش‌باشند وصدای بسیارشنیده نشود لاسال علائم و اشاراتی تعبیه

---

(۱) Pascal (۱٦٦۲ - ۱٦۲۳) نویسنده ودانشمند شهیرفرانسوی

(۲) Jean Baptiste de la Salle (۱٦۵۱-۱۷۱۹)

(۳) L' Institut des Frères des Ecoles Chrétiennes

کرد که بدان وسیله باهم سخن میگفتند وهمهٔ آنها دریك محیط آرام و محدود و غیر آزادی میزیستند .

لاسال نخستین آموزشگاه‌را دررمس (۱) تأسیس کرد وبعدمانند آنرادرپاریس وجاهای دیگربرپا نمودولی اکتفا بدبستان نکرد بلکه مدارس حرفه‌ای وپیشه‌وری نیزبوجود آورد .

بموجب اساسنامه و مقرراتی کـه برای مؤسسهٔ برادران مدارس مسیحی در ۱۷۲۰ منتشرشد برنامهٔ آموزشگاه عبارت بود ازتعلیمات دینی - خواندن - نوشتن حساب کردن ـ آداب زندگی . کارهای دستی ودروس صنعتی وبازرگانی اختصاص بمدارس پیشه‌وری داشت . لاسال پیروان خودرا از تدریس زبان لاتین که مخصوص طبقات عالیه بود منع کرد تا پیوسته اوقات خودرا صرف بینوایان کنند .

روش گروهی یعنی تعلیم عده‌ای شاگرد دریك کلاس وتوسط یك آموزگار که امروزطبیعی بنظرمیرسد نخستین‌بار درمدارس مذکوربکار برده شد .

پیش از لاسال آمـوزگاران دبستانها عبارت بودند از گـورکـن ـ سرباز بازنشسته ـ مهمانخانه‌دار دهکده ـ دوره گرد ـ آشپز ـ بنا کـه در مشاغل خود کامیاب نشده و بنادانی و زشتخوئـی معروف بودند . در ۱۶۸۵ در رمس لاسـال دانش سرائی برای تهیهٔ آموزگار برپا کرد و معلمان شایسته برای دبستان خـود تربیت نمود و شاید نخستین کسی است که درجهان بدین کار اقدام کرده باشد (۲)

متأسفانه این مدارس روش گروهی را بصورت بدی درآوردند وبیاد سپردن و زیرفشار گذاشتن شاگردوتنبیه بدنی وچوب وتازیانه رواج پیدا کردوواداشتن شاگرد بخبرچینی قاعده شد .

در اواخرسدهٔ هیجدهم شمارهٔ مدارس مذکوربصد و بیست و دو رسید وسی و

---

(۱) Reims که شهری است درشمال غربی پاریس .

(۲) پیش ازوی در۱۶۷۲ کشیشی بنام دمیا Démia آموزشگاهی درلیون برپا کرد که گویند نخستین دانش سرا بوده است

ششش هزارشاگرد درآنهابرایگان مشغول تحصیل بودند. درقرن نوزدهم در اروپا وامریکا «مدارس مسیحی» میان کاتولیکها و پرتستانها برپا گردید و تغییراتی هم دربرنامه داده شد ولی انتظامات و مقررات همچنان براصول تقید و محدود بودن باقی ماند.

فنلن و پرورش دختران

درکشورهای کاتولیك نسبت بپرورش دوشیزگان تحت‌نظر فنلن[۱] اقداماتی‌شد. فنلن یکی‌ازبزرگترین‌نویسندگانی است که در بارهٔ آموزش و پرورش دختران نظریاتی اظهار کرده است. کتابی که دراینخصوص نوشته و پیوسته شایان توجه بوده «پرورش دختران» نام‌دارد ودرآن مینویسد که دختران‌را باید برای وظائف حقیقی‌خویش آماده ساخت وغرائزآنهارا چنانکه آنزمان در پرورشگاههای دختران[۲] معمول بود نباید درهم شکست.

برای‌آموزش‌باید بمحسوسات توسل‌جست چه کودکان کنجکاوند وازمشاهدهٔ اشیاء وجانوران‌لذت‌میبرند. فنلن‌تعلیم‌ازراه‌قصه وداستان‌وافسانه‌را نیزسفارش کرده است وهمینکه بمعلمی نوهٔ لوئی چهاردهم منصوب شد مجموعه‌ای ازحکایات تألیف کردو کتاب سرگذشت تلماك[۳] را برشتهٔ تحریردرآورد.

با وجود نظریات نیکوئی که فنلن اظهار نمود در پرورش دختران آن عصر تأثیر بسیار نکرد ومردم همچنان تحت نفوذ و طرز تربیت پرورشگاههای دختران باقی ماندند.

☆☆☆

ازمجموع آنچه گفته‌شد هویداست که‌درکشورهای کاتولیك منظوراز آموزش وپرورش این بود که شاگردراپارساوبادین وفرمانبردارتربیت کنند وعقیده‌نداشتند که عقل دلیل وراهنمای شاگردباشد. درکشورهای پرتستان دبستانهارا تحت نظر

---

(۱) Fénelon (۱۶۰۱ - ۱۷۱۵)
(۲) Couvent
(۳) Télémaque

دولت قرارداده وهزینهٔ آنهاراازخزانهٔ عمومی تأمین‌نمودند درصورتیکه‌در کشورهای کاتولیك باستثنای باویر[۱] دبستانها تحت نظر کلیسا باقیماند.

دردبیرستان و آموزشگاههای عالی نیزانسان آزادی وفکرشخصی نداشت و مجبور بود تابع فرمان و مطیع سنت وسابقه باشد وهرچه بـوی میآموختند تعبداً بپذیرد. نسبت بپرورش دختران توجهی معطوف نمیشد و بطور کلی برنامه شامل تعلیمات دینی وزبان وادبیات لاتین ویونانی بود. روش آموختن متکی بحافظه بود وبعقل واستدلال کمتر پیوستگی داشت.

بنابراین **نتیجهٔ جنبش و تجدد دینی و واکنش آن** تنهااین شد که‌اولابدبستان وپرورش توده توجه کردند. ثانیاً زبان مادری بجای لاتین وسیلهٔ آموزش شد. ثالثاً هزینهٔ دبستانها بعهدهٔ دولت وحکومت قرار گرفت.

ازلحاظ ترقی آدمی‌ورشد شخصیت بظاهرسازی‌وتشریفات پرداختندومخذول کردن اراده وتسلیم شدن بسنت‌واطمینان نکردن‌بعقل واستدلال را روش تعلیم‌قرار دادند ازینرو جنبش دیگری بایسته شد تا بشررا ازقید سنت وسابقه رهائی بخشدو آزادیش‌عطا فرمایدوبوی فرصت‌دهد که ازراه پژوهش و تتبع بحقیقت نائل گردد. این جنبش بنام رآلیسم[۲] یا جنبش حقیقت جوئی پدیدآمد کـه درفصل آینده از آن گفتگوخواهد شد.

---

(۱) Bavière درآلمان جنوبی که آئین کاتولیك درآنجا رائج است.

(۲) Réalisme

فصل ششم

جنبش حقیقت جوئی

یا

جنبش علمی

چنانکه‌درفصل گذشته‌اشاره‌شد نهضت‌سدهٔ پانزدهم‌وجنبش‌دینی قرن‌شانزدهم کمی پس ازظهوراسم بلامسمی شد وبیشتربه صورت ظاهرپرداختند تا بمعنی بدین جهت جنبش دیگری پدیدآمد که موسوم بحقیقت جوئی و اساسش براین است که باید بقضاوت و حکم قوهٔ ممیزهٔ انسان اطمینان کـرد و از زیربارسنت و سابقه و احادیث و اخبار و عقاید قشری روحانیان رهائی یافت . برای رسیدن باین مقصود **باید پی بحقیقت‌اشیاء بر دوواقع و نفس‌الامر را شناخت واین مسئله‌ازراه‌عقل وطریق حواس برای‌آدمی‌حاصل میشودنه ازراه حافظه واتکاءبسنت‌وسابقه** از اینجاست که جنبش حقیقت جویان را ممکن است جنبش علمی نامید . گرچه درآغازکار ، بسیاری ازحقیقت جویان‌را عقیده براین بود که درزبان وادبیات روم و یونان نباید به جمله پردازی‌وتقلید ازسبك سیسرون وظواهر کلمات وعبارات‌توجه کرد بلکه باید بمعنی پرداخت واز افکار پیشینیان استفاده نمود و بوسیلهٔ آنـان اجتماعات بشری ومؤسسات وبنگاههای اجتماعی را شناخت ـ ولی در همان زمان جنبش علمی بتمام معنی پدیدآمد وپایهٔ پیشرفت دانش وهنر درعصرجدید گردید. دراین فصل‌نخست ازحقیقت جویان سخن گفته خواهد شد سپس جنبش علمی‌مورد

گفتگو قرار خواهد گرفت .

ازپیشروان حقیقت جویان باید نام اراسم وملنکتن را دراینجا بیادآورد چه آنان برضد اتلاف وقت‌برای تحصیل صرف‌ونحو واعراب سخن رانده ومیگفتندباید دستور زبان را تنهاکلیدی برای فهم مقصود دانست وحقیقت را از نوشته‌های قدما استنباط نمودوجغرافیا وعلوم طبیعی و کشاورزی را درآنها بررسی کرد .

رابله
(۱۵۵۳ - ۱۴۹۰)

مهمترین شخصی که ازمیان حقیقت جویان در اوایل سدهٔ شانزدهم ظهور کرد رابله[۱] فرانسوی معاصر لوتر است که پسر مهمانخانه دار دهکد بود وپزشکی میخواند و هنگامی که بطبابت میپرداخت دو کتاب نوشت که در جهان معروفست یکی گارگانتوا[۲] ودیگری پانتاگروئل[۳] که‌دنبالهٔ آنست . اسامی مذکورنام‌دوغولی است که قهرمان افسانه‌اند ونویسنده چون ازترس نمیتوانست عقاید خود را آشکارا بنگارد بصورت داستان و هزل و مطایبه افکار خود را در ضمن آن کتاب بیان کرده است .

رابله خانقاه‌هارا سخت مورد انتقاد قرارداده هم برنامهٔ آنهارا مذمت‌وتکذیب میکندهم تظاهرات وصورت سازی لوترو کالون را . سپس عقایدی راجع به‌آموزش وپرورش اظهارمیداد که کاملا جدید است و تازگی دارد . بعقیدهٔ وی **باید تمام قوای انسان را تربیت کرد** . هوش وحواس ـ تن وروان ـ اخلاق واحساسات دینی اوهمه باید پرورش ورشد حاصل کند وشاگرد باید برای این بارآید که مقام خود را درجامعهٔ بشری اشغال کند ووظایف خودرا باعزت نفس انجام دهد .

برای رسیدن بدین منظور رابله درپرورش گارگانتوا اصولی ذکر میکند و بجای آموختن صرف ونحو اورا **بطور غیر رسمی توسط لله‌ای بار میآورد** . بامدادان هنگامی که میخواهد بگرمابه رود لله کتاب مقدس را برای او میخواند

---

(۱) Rabelais
(۲) Gargantua
(۳) Pantagruel پسر گارگانتوا

و بیان میکند . هنگام پوشیدن جامه درسهای روز پیش را دوره میکند . پس از چاشت‌سه ساعتش کتاب قرائت میکند ـ آنگاه بزمین تنیس خواهند رفت و آنقدر بایکدیگر بازی‌خواهند کرد که‌غرق‌عرق شوند. درحین‌شست‌وشوبرای رفتن‌سرناهار بخشی از درسهای بامداد همان روزرا تکرار خواهد کرد ودرسرمیزراجع بانواع‌خوردنیها ومبدأ وتاریخ واستعمال‌هریك گفتگوخواهند نمود وخداوند را برای نعمتی که عطافرموده سپاسگزاری خواهند کـرد . پس از نیمروز ساعتی صرف ورق بازی خواهد شدوضمن‌آن حساب آموخته میشود . سه ساعت بعد صرف نوشتن ورسم ونقاشی وخط خواهد شد . پسین هنگام‌بگردش‌خواهند رفت وپس ازشام‌ورق بازی و موزیك و درس مختصری راجع بهیئت عملی و شناختن ستارگـان داده و دروس‌غیررسمی روز دوره خواهد شد .

رابله
(۱۵۵۳ ـ ۱۴۹۰)

طبق کتاب پانتاگروئل برنامهٔتحصیلات بعقیده رابله بایدشامل زبانهای‌یونان ولاتین وعبری (برای فهمیدن تورات) و کلدانی وعربی ـ تاریخ ـ هیئت ـ هندسه‌ـ حساب وموزیك باشد . رابله معتقد بوده است که علوم طبیعی (جانورشناسی ـ گیاه شناسی ـ زمین شناسی) وتعلیمات دینی بکودك آموخته شود .

البته رابله بواسطهٔ عقیده‌ای که راجع بپرورش تمام قوای کودك داشت مدتها از زمان خود پیش بودو کتابهایش درافکاردانشمندان معاصرونویسندگان بعدچون مونتنی(۱) ولك(۲) و روسو(۳) تأثیرفراوان داشت ولی در آموزشگاه های زمان او نفوذی نکرد .

---

(۱) Montaigne
(۲) Locke
(۳) Rousseau

مونتنی
(۱۵۹۲-۱۵۲۳)

در اواخر سدهٔ شانزدهم و در سدهٔ هفدهم اشخاص دیگری پیدا شدند که درحقیقت جوئی پیشقدم ومعتقد بودند که پرورش و آموزش وسیله‌ایست برای شناختن مؤسسات و بنگاهها واجتماعات بشر ازراه بررسی وپژوهش درفرهنك یونان و روم. مهمترین آنها عبارتند ازمونتنی درفرانسه ومولکاستر[۱] ومیلتن[۲] درانگلستان.

مونتنی
(۱۵۹۲-۱۵۲۳)

مونتنی ازاشراف فرانسه‌بود. سفربسیار کرد و کتب بسیار نوشت که مهمترین آنها کتاب « تحقیق »[۳] است در سه جلد. در دوجلد از این کتاب عقاید وی در خصوص آموزش وپرورش تشریح شده است. پس از انتقاد سخت از اصول آموزش زمان خود که بمحفوظات توجه کرده بیاد سپردن واژه ها و جمله‌ها را مهم میدانستند واین روش کودك‌را برای زندگانی آماده نمیکند مونتنی چنین گوید که خواندن‌زبان‌وادبیات یونان وروم‌در صورتی سودمنداست که **بافکار پیشینیان پی ببرند** وبدانها بگروند ـ خواندن کتاب وآموختن‌دانش‌برای زندگانی‌چندان مهم‌نیست‌ونباید منظورومرام‌آموزش‌وپرورش باشد بلکه **مقصود حقیقی آنست که کودك متخلق باخلاق نیکوشود** و برای زندگانی‌مفید ومؤثر بارآید. بعقیدهٔ مونتنی بزرگترین فضیلت پرهیزکار بودن است واین مسئله از تجربه ووسعت نظرحاصل میشود نه از خواندن کتاب. باین جهت سفارش میکند که بجای فرستادن کودك بدبستان ویرا بهمراهی‌لله بمسافرت روانه کنند[٤].

---

(۱) Mulcaster
(۲) Milton
(۳) Essais
(٤) چهارصدسال قبل ازمونتنی انوری فرموده :

سفرمربی مردانست و آستانهٔ جاه سفر خزانهٔ مال است واوستاد هنر

تحصیلات عمدهٔ طفل باید عبارت باشد ازفلسفه یادست کم بخشی ازفلسفه که حقوق‌ووظائف آدمی‌رانشریح میکند- منطق وسخنرانی‌وهندسه وفیزیك. آموختن زبان مادری وزبان همسایگان را مقدم بریاد گرفتن لاتین ویونانی میداند. ورزش را برای خوی دادن بچه بسرماو گرما وتحمل سختی لازم میشمارد.

از حیث روش تعلیم مونتنی‌بیـاد سپردن را نمی‌پسندد‌واین جملهٔ معروف از اوست که «**از بر کردن دانستن نیست**». آموختن لاتین ویونانی راازراه گفت‌وشنود توصیه میکند. درصورتیکه عقاید وی بـکاربسته شود و روش تعلیم دلپذیر بـاشد دیگر آموزشگاه چون زندان نخواهد بود و نیاز نیست که چوب و تازیانه وسیلهٔ انتظام باشد.

عقاید مونتنی‌رویهمرفته تأثیربسیار درمدارس آنزمان نکرد ولی در افکارلك وروسو وبیکن[۱] وکمنیوس[۲] مستقیماً اثرنمود.

مولکاستر
(۱۵۳۰-۱۶۱۱)

مولکاستر دردبیرستان ایتن ودانشگاه اکسفرد وکیمبریج دانش آموخت وتاپایان‌عمر رئیس‌دبیرستان یامدرسهٔ صرف و نحومر چانت‌تیلر[۳] بود. دو کتاب‌درآموزش و پرورش نوشت که عقایدش ضمن آنها بیان شده است. بعقیدهٔ وی **منظوراز پرورش آنست که نهادآدمی راکمك کنند تا بحد کمال رسد**. ازاینروطبیعت‌ودانش‌پذیری‌هر کودك‌باید موردآزمایش قرارگیرد تاترتیبی‌موافق آن داده شود. اینست که‌مطالعه دروجود طفل‌را ازلحاظ روانشناسی‌درنظرمیگیرد. بعقیدهٔ اودماغ بشرسه نیرودارد: نیروی درك‌واخذ - نیروی حافظه ونگاهداری - نیروی تمیزوقضاوت. نسبت‌بپرورش نیروی تمیز که دراخلاق انسان مؤثراست اهمیت بسیارقائل شده وبتربیت بدنی نیز عقیده دارد زیراکه «تن وروان درنیکی وبدی باهم شریکند».

بـر حسب نظر مولکاستر **همهٔ مردم باید آموزش ابتدائی رافراگیرند**

---

(۱) Francis Bacon
(۲) Coménius
(۳) Merchant Taylor

بویژه زبان‌مادری وموزیك ونقاشی را همه باید بیاموزند. آموزش‌ابتدائی‌تادوازده سالگی وقت کودك را خواهد گرفت ـ ازآن پس باید بمدرسهٔ صرف ونحوش‌فرستاد که‌تاشانزده‌سالگی بانجام رساند. کسانیرا که شایستهٔتحصیلات‌عالی‌اند بایدبدانشگاه فرستادودرآن شعبه‌های مختلف برای زبان ـ ریاضی ـ فلسفه ـ آموزش و پرورش ـ پزشکی ـ حقوق ـ یزدان شناخت (حکمت‌الهی) ایجاد نمود.

روش پرورش باید طبیعی باشد و نباید شاگردرا زیرفشار قرار داد ولی تنبیه بدنی را برای تربیت اخلاقی لازم میداند. معلم بویژه معلم دبستان باید لایق باشد زیرا کار وی ازدیگران دشوارتراست ـ شمارهٔ شاگردانش باید کم باشد وحقوقش بسیار. برای تهیه و تربیت معلم مولکستر معتقد به تأسیس شعبهٔ مخصوصی در دانشگاه بود.

رویهمرفته عقاید مولکستر نیزتأثیر بسیار درمدارس زمان اونداشت ولی این فکر که باید استعداد ونهاد کودکانرا سنجید وآموزش وپرورش را برپایهٔعلمی‌نهاد وی‌را درردیف پیشوایان جنبش علمی‌قرارمیدهد. عقاید اوراجع به‌پرورش‌دختران ودشواری‌آموزش ابتدائی وتربیت وآماده کردن معلم تنها درسدهٔ نوزدهم و بیستم بکاربسته شد.

میلتن (۱۶۷۴ـ۱۶۰۸)

میلتن[۱] شاعرنامی که شاهکار وی به نام «بهشت ازدست رفته» کارهای تربیتی اورا درکنج فراموشی نهاده نه سال مدیر آموزشگاه بود و کتابی بنام آموزش و پرورش[۲] نگاشت. میلتن معتقد است که نبایدوقت وعمررابرای‌آموختن صرف و نحولاتین و یونانی تلف کرد وتمام توجه‌را بواژه وجمله بندی معطوف نمود بلکه باید بمعنی پرداخت و افکار نویسندگان روم و یونان را درك کرد. برنامهٔ مفصلی که برای تحصیلات پیشنهاد میکند شامل است برعلوم طبیعی وزبان و ادبیات لاتین ویونان ـ

---

(۱) John Milton نویسندهٔ Paradise Lost

(۲) Tractate of Education

تاریخ واخلاق وسیاست و اقتصاد ویزدان شناخت ـ ریاضی و زبان خارجه (علاوه بر لاتین و یونانی : ایتالیائی ـ عبری ـ کلدانی ـ سریانی) و نمیتوان آنرا در یك آموزشگاه تدریس نمود .

برای اجرای منویات خویش میلتن بنگاهی در نظر گرفت بنام آکادمی(۱) که طفل را از ۱۲ تا ۲۱ سالگی در آنجا پرورش دهند ودروس دبیرستان ودانشکده را بدو بیاموزند .

نظریهٔ میلتن را انگلیسهائی که پیرو آئین رسمی مذهب نبودند پذیرفته بخشی ازبرنامهٔ مفصل اورا بکاربستند ومدارسی بنام آکادمی باز کردند . ازمیان آنها کسانی که بامریکا کوچ کردند آکادمی رادر آنجا برپاساختند ومدتها نوعی ازدبیرستان و مقدمهٔ آموزش عالی بود چنانکه هنوزهم دربعضی از کشورهای متحد امریکا بنگاه نامبرده باقی است .

آنچه تاکنون ذکرشد مقدمهٔ جنبش علمی وعبارت بود ازبازگشت بمسلك فرهنك پژوهان ولی نه مسلکی که در آغاز سدهٔ شانزدهم رائج بود بلکه مطابق نظریهٔ نخستین پیشوایانی که درقرن چهاردهم در آغاز ظهور فرهنك پژوهی ابراز گردید . دراینده‌وره علمداران جنبش علمی که بنام حقیقت جو معروفند معتقد بودند که باید بفکرومعنی وزندگی واقعی توجه داشت نه بلفظ ومحفوظات بنابراین تعبیر عمده‌ای که نسبت بگذشته پیداشد راجع بروش آموزش و پرورش بود نه برنامه و دستورتحصیل ازینرو نمیتوان تأثیرش را درمدارس آن عصر تعیین کرد با اینهمه باید گفت که باوجودملاحظه کاری واحتیاط وکندی که در آنزمان موجود بود اگر پیشوایان متکی به احساسات مردم نبودند وپیروانی نداشتند عقایدی که ذکرشدابراز نمینمودند وبهمین دلیل بایستی عقاید آنها درمدارس وقت تااندازه‌ای مؤثر بوده باشد ـ ورنه راه برای سیرتکامل وپذیرفتن جنبش علمی که اکنون از آن سخن گفته خواهد شد بسته میماند .

---

(۱) Academy

جنبش علمی

بطوریکه درمقدمهٔ فصل گفته شد جنبش علمی منحصربپدید آمدن مسلك حقیقت جوئی از راه توجه بمعنی در ادبیات یونان وروم و التفات بزندگانی واقعی نبود بلکه ازهمان آغازتنی‌چندمعتقد بودند که **از راه حس و ادراك ومشاهده باید بحقیقت رسید** واین خود نتیجهٔ ظهورکاشفان ومخترعان بزرگ‌بود که‌ازاوایل سدهٔ شانزدهم پیداشدند وشالودهٔ علوم کنونی‌را ریختند . یونانیها چه‌در کشوریونان وچه دراسکندریه رنج فراوان برده‌اززمان طالس (قرن ششم پیش ازمیلاد)تاارسطو راجع بماهیت جسم وماده عقایدی اظهارنموده بودند . اقلیدس (وفات در۲۸۳ پیش ازمیلاد) واراتستن وارشمیدس (وفات در۲۱۲ پیش از میلاد) در ریاضی وهیئت و فیزیك‌ومکانیك خدمات بزرگ‌ابراز داشته‌بودند ـ بقراط وجالینوس (متوفی‌در۲۰۰ میلادی) علم‌پزشکی را تدوین و کتاب هائی‌چند نگاشته بودند ولی همهٔ اینها سود بسیاربرای نوع بشرنداشت . بطورکلی سهم یونانیها درتمدن‌آدمی بیشتر در ادبیات وفلسفه وصنایع‌زیبابود تاعلوم طبیعی . یونانیهاطبعاً اهل تأمل واندیشه وتفکربودند و کمترمیل بمشاهده وسنجش ونوشتن نتیجه داشتند باین جهت اختراعاتی درعلوم نکردند وافزاروآلاتی برای مشاهدات خود تعبیه ننمودند . ازینرو قرون وسطی مواجه شد بامقداری‌اطلاعات کتابی‌ازارسطووریاضی دانهای اسکندریه وقرنهااکتفا بهمان معلومات کردندولی‌رفته رفته معایب‌وخطاهای‌آنان ظاهرشدوموجب گردید که‌آنها راکنارگذارندوشالودهٔ علوم طبیعی را ازنوبریزند .

رومیها نیزمردمان عملی بودند وبمباحثات علمی و نظری رغبت نداشتند . فرمانروائی کردن‌وسازمان‌دادن وساختن‌راه وپل‌وبناهای معتبررا نیکومیدانستند.

درحقوق وادبیات حق بزرگی بر گردن جهانیان دارند ولی در علوم مطلق خدمتی نکرده‌اند . درتمام تاریخ آنها بیش ازسه دانشمند نمیتوان نام بردیکی‌استرابون[۱] جغرافی‌دان (وفات در۲۱ میلادی) ودیگرجالینوس (۲۰۰-۱۳۱ میلادی)پزشك که هردو اصلاً یونانی بودندوسومی پلین[۲] ارشد (۷۹ - ۲۳ میلادی) کـه طبیعی دان بود .

وقتی‌دین مسیح شایع شد چنانکه درفصل سوم اشاره رفت روحانیان‌مخالفت خودرا بادانش یونان آشکار کردند وازآن تنها آموختن مواد هفتگانه (صرف‌ونحو سخنرانی- منطق - حساب - هندسه - هیئت - موزیك) راکه برای فهمیدن‌وتشریح کتاب مقدس لازم میدانستند جایزشمردند .

درتمام‌قرون وسطی‌روحانیان‌ضدیت تام باپژوهش واستدلال‌وتمیزدادن واتکاء برعقل نشان دادند وتنها معتقد بایمان کورکورانه وتسلیم صرف دربرابر دین‌مسیح بودند -آثارطبیعت‌را چون تندرو طوفان وزلزله وباران خواست خدا تفسیر کردند پرستش اولیا وائمه وآرامگاه واشیاء منسوب بآنان را جزو دین قلمداد نمودندودر واقع یکنوع شرکی بوجودآوردند- هرچه شگفت‌انگیزبود بمعجزه نسبت دادند - خرافات و موهومات را میان مردم ترویج کردند - جادو و نیایش را برای درمان بیمار و سالم کردن مفلوج ونگاهداری ازشرجانوران وپیشگوئی ازسرنوشت بکار بردند - نفرین‌رابرای تنبیه وانتقام استعمال کردند - عقیده بمعجزه و توسل بتصویر ائمه معمول خاص وعام‌بود ومانع توسعه وترقی طب . بیماریهارا منسوب‌بارواح‌پلید وشیاطین میدانستندودعاهای‌معین برای هریك‌ازآنها آماده داشتند . طاعون‌را نشانهٔ

---

(۱) Strabon که۱۷ کتاب درجغرافیا راجع باسیاواروپا وافریقا نوشته واوضاع واحوال ممالك عصرخودرا باذکروقایع تاریخی شرح داده است .

(۲) Pline چون برادرزادهٔ او بهمین اسم خوانده شده اورا ارشد گفته‌اند.وی تالیفات بسیارداشته ولی بمانرسیده است تنها مجموعه‌ای‌که ازاو باقیمانده موسوم است به‌تاریخ طبیعی در۳۷ کتاب که بسیارمفصل وچون دائرةالمعارفی است شامل علوم طبیعی هیئت - فیزیك - جغرافیا - کشاورزی - تجارت - پزشکی که‌درآنها معلومات و خرافات باهم‌آمیخته است

خشم غضب پروردگار میگفتند. حملهٔ غش و دیوانگی را بتسلط شیاطین بر روح آدمی نسبت میدادند و رفع آن را بوسیلهٔ تازیانه زدن و شکنجه نمودن تجویز میکردند. سرنوشت هر کس بسته بود باوضاع واحوال ستارگان هنگام رادن. گرفتن خورشید و ماه و پیدایش رنگین کمان وستارهٔ دنباله دار را نتیجهٔ گناه و ناخشنودی خدا میپنداشتند ومثلا بااشعارساده‌ای کودکان را میآموختند که ستارهٔ دنباله‌دار هشت بلا باخود آورد: طوفان - قحطی - طاعون - مرگ پادشاه - جنك - زلزله - طغیان رود - شورش. روحانیان هر گونه تردید وشك وهر نوع پژوهش را کفر میدانستند وهمین مسئله مدت هزارسال موجب رکود دانش وپیشرفت نکردن آن بود.

انتقال فرهنگ اسلامی باروپا وبرپاشدن دانشگاه‌ها - آمدن اروپائیان بمشرق زمین برای جنگ‌های صلیبی - جنبش فرهنك پژوهان و حقیقت‌جویان واکتشافات جغرافیائی روحانیان را بچشم‌پوشی و گذشت وادار ساخت و در نیمهٔ قرن پانزدهم برخورد ورفتار آنانرا نسبت بپژوهش وتعقل وتفکر تغییر داد. لیکن ظهور مسلك پرتستان در ۱۵۱۷ ورق را برگرداندوجهان کاتولیك را نسبت بطغیانهای دینی باندازه‌ای عصبانی کرد که بشمشیروزندان وآتش توسل جست و از قبول تحقیق وتتبع درامور استنکاف نمود. دراین گیرودار ودراین محیط پرازتعصب و کینه ورزی بود که جنبش علمی پدید آمد. بدین جهت وضع کاشفان ومخترعان مطلوب نبودچه بآسانی ممکن بود نظریات جدید آنان را کفرشمرده دردم تسلیم دادگاه بازجوئی کرد که جان دربردن از آن کاری بس دشوار مینمود. بین ۱۵۵۰ و ۱۶۵۰ که دورهٔ جنك دینی و ارتجاع بود جنبش علمی ظاهر شد ودوجنبهٔ مختلف داشت تنی چندمتوجه نوشته‌های پیشینیان یونان وروم شدندو گفتند باید بمعنای آنها پی بردوبزندگانی واقعی التفات نمود ودانشمندان دیگر درتحت تأثیر کاشفان ومخترعان گفتند **حقیقت را باید ازراه حواس ومشاهده وادراک دریافت**. نظر به تأثیری که این اشخاص در آموزش وپرورش داشته و زندگانی را دگرگون کرده‌اند باید مختصری از آنها در اینجا بمیان آورد.

کپر نیك (۱)

فکر بشر همیشه متوجه افلاك وستارگان شده وخواسته است طریقی برای بیان وضع وحرکت آنها بیاندیشد. دراین خصوص دانشمندی که بیش ازهزار وسیصد سال نظرش همه جا رسوخ داشت بطلمیوس یونانی است که دراسکندریه میزیست وبسال ۱۳۸ میلادی جهان‌رابدرود گفت. بعقیدهٔ وی زمین درمرکزعالم قراریافته وساکن است واجرام سماوی درر آن در گردش‌اند.

البته این طرزتعبیرباعقاید مسیحی دربارهٔ آفرینش جهان ومقام انسان دردنیا ووضع اونسبت بآسمان دربالا ودوزخ درزیرمطابقت داشت.

یکی ازمردم لهستان‌وآلمان که کپرنیك نام داشت و پزشك وکارمندکلیسا بود متوجه غلط بودن‌نظریهٔ بطلیموس شد وکتابی راجع به «گردش افلاك» نوشت ولی ازترس ۳۶سال بچاپ آن اقدام نکردوتنهادرسال‌وفاتش‌منتشر ساخت. در این کتاب نظریهٔ خود را تشریح کرده و همانست که امروزمعمول و پذیرفته است.

کپرنیك
(۱۵۴۳-۱۴۷۳)

بموجب این نظریه‌افلاك چنانکه تصور کرده بودند مانند پوستهای پیاز که روی یکدیگرقرارگرفته باشندنیست-زمین‌مرکز عالم خلقت نمیباشد - ستاره ها در فضا معلق هستند - مرکزعالم ما(منظومهٔ شمسی)خورشیداست که عده‌ای‌ازسیارات چون‌زمین بگرد او میچرخند واز او کسب نور وحرارت میکنند - مدار زمین بدور خورشید بیضی است نه دایره - نظیرمنظومهٔ شمسی در عالم بسیار است - خورشید ها را

---

(۱) Nicholas Copernic

ثوابت مینـامند ـ بعضی از سیارات را مانند زمین قمر یا اقماری است که بدور آنها در گردش‌اند .

کپرنیك کتاب مذکوررا بپاپ هدیه نمود ودرنامه‌ای که در دیباچهٔ آن بوی خطاب کرده مراحلی راکه برای رسیدن بحقیقت طی نموده یاد آورشده است که طرز فکراورا میرساند وازظهور جنبش علمی خبر میدهد . مراحل مذکور بقرار زیراست :

۱ ـ نارسابودن نظریهٔ بطلمیوس .

۲ ـ بررسی تمام کتبی که دراین‌باب نوشته شده‌تاروشن شود آیانظریهٔ‌بهتری پیشنهاد شده است یا نه .

۳ـ تفکر کامل درموضوع تانظریه‌ای بشکل قطعی حاصل گردد .

٤ـ مشاهده‌و آزمایش‌طولانی برای رسیدگی‌باینکه‌آیا آثاری که‌دیده‌میشود نظریهٔ مذکوررا تایید میکند یانه .

۵ ـ اعلام درستی وصحت نظریهٔ مذکورزیراتمام‌آثاروحقایق‌مشهودبموجب آن نظریه مبدل به دستگاه ونظام هماهنك میشود .

کپلر

باتکاء نظریهٔ کپرنیك‌تنی‌ازمردم ایتالیا بنام برونو[۱] راجع بآفرینش جهان عقایدی‌پیدا نمود که موجب سوزاندن وی در روم شد . دانشمند دیگری از مردم دانمارك که تیکوبراه [۲] نام داشت پس از ۲۱ سال مشاهده وتهیهٔ‌جداول‌مشاهدات خود درچند مورد خطاهای ارسطورا‌بثبوت رسانید سپس‌درنتیجهٔ رصد کردن ستارهٔ دنباله‌دار در۱۵۷۷ نشان داد که‌اعتقاده‌مردم نسبت باین نوع ستاره ازاوهام وخرافات است . در۱۶۰۹ کپلر[۳] (۱۶۳۰ـ۱۵۷۱) آلمانی باتکاء جداول مشاهدات تیکو براه و بکار بردن آنها در مورد مریخ درستی نظریهٔ کپرنیك‌راثابت کردوسه‌قانون‌معروف‌خودراراجع‌بحرکات‌سیارات‌وضع‌نمود.

---

(۱) Bruno (۱۵٤۸ـ۱۶۰۰)

(۲) Tycho Brahe (۱۵٤۶ـ۱۶۰۱)

(۳) Johann Kepler

گالیله گالیله[۱] (۱٦٤۲-۱٥٦٤) ایتالیائی بادوربینی که‌اختراع کرد مشاهداتی راجع بزهره و مشتری نمود و کشفیات دیگری درفیزیك کرد که‌عقایدپیروان ارسطورا درهیئت‌بکلی‌زیروزونمود .سرانجام بواسطهٔطرفداری ازنظریهٔ کپرنیك در ۱٦۱٥ بدادگاه بازجوئی روم فراخوانده ومجبورشد ازعقاید خود استغفار کند . پس از هفده سال پاپ عوض شد و گالیله ازنونظرخود را ابراز کردوبرای‌دومین‌بارواداربتوبه کردن گردید وتاپایان روزگارش زیرنظر بود .

گالیله
(۱٦٤۲-۱٥٦٤)

نیوتن نیوتن[۲] (۱۷۲۷-۱٦٤۲) دانشمند نامی انگلیسی در ۱٦۸۷ نظریهٔ کپرنیك را با ریاضیات ثابت نمودوحرکات سیارت ودنباله‌دارهاودرستی قوانین کپلررا باثبات رسانید - قوهٔجاذبه وجذرومد دریا وماهیت نوررا توضیح و تعیین کرد که نتایج عظیم در ترقی و پیشرفت بشر داشت .

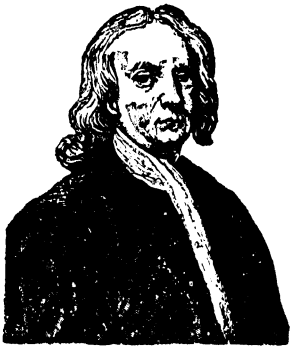

نیوتن
(۱۷۲۷-۱٦٤۲)

پاراسلسوس[۳] (۱٥٤۱-۱٤۹۳) که‌از مردم‌سویس و استاد دانشگاه بال بود با وجود علاقه ای که بزبان لاتین داشت در ۱٥۲٦ نخستین‌بارپیشینهٔ قرون وسطی‌را درهم‌شکست و بزبان لاتین تدریس نکرد سپس نظریات بقراط وجالینوس راسخت انتقاد نمود و گفت

---

(۱) Galilée

(۲) Sir Isaac Newton

(۳) Paracelsus که‌نام اصلی‌اش Hohenheim را تبدیل‌بترجمهٔ لاتین‌آن کرده بود .

چون تن آدمی ازعناصر شیمیائی ترکیب شده درمان هم باید بامواد شیمیائی انجام گیرد ومطابق این عقیده هم رفتار کرد .

لاندمن[۱] (۱۵۵۵-۱٤۹٤) که ازمردم ساکس (آلمان) بود شیمی را برای پرهیختن کانها وفلزها بکاربرد .

پالیسی[۲] (۱۵۸۸-۱۵۰۰) شیمی را در کوزه گری وصنایع دیگر استعمال کرد . سه دانشمند نامبرده موجب شدند که در قرن شانزدهم شالودهٔ شیمی نو ریخته شد .

وسالیوس [۳] (۱۵٦٤-۱۵۱٤) بلژیکی نخستین کسی بود که در عصر جدید بشکافتن کالبد انسانی پرداخت و برای همین « معصیت » ازطرف دادگاه بازجوئی محکوم شد تاسفری به بیت المقدس کند و گناه خودرا بدین ترتیب بشوید .

یکی ازپیروان وسالیوس دریچه های رگ را کشف کرد و وی استاد و مربی ویلیام هاروی[٤] (۱٦۵۷-۱۵۷۸) انگلیسی بود که گردش خون را پیدا نمود و جسارت ورزیده در ۱٦۲۸ کشف جدید خودرا انتشارداد .

باین ترتیب درقرن شانزدهم میلادی تتبع وپژوهش علمی بطرز جدید آغاز شد ودانشمندانی که ظهور کردند بدون واهمه ازارتجاعی که حکومت میکرد با وجود قلت عده وعلی رغم مخالفت وضدیت وغضب کلیسا خودرا ازمحدودیت قرون وسطی آزادساختند وافکاروعقاید سابق را کنار گذاشتندوبدون توجه باینکه زحمات واکتشافات آنها بکجا منجر میشود عقب حقایقی گشتند ودنیا را مرهون خدمات

---

(۱) Landmann او نیز نام خودرا به لاتین ترجمه کرده وخویش را Agricola می نامید .

(۲) Bernard Palissy

(۳) Vesalius

(٤) William Harvey

برجستهٔ خویش نمودند.

درنتیجهٔ پیدایش دانشمندان و کشفیات‌واختراعات‌ونظریات آنها کسانی که‌در آموزش وپرورش دخیل وصاحبنظربودند علوم طبیعی را در برنامه وارد کردند و شناسائی اشیاء را جزو تحصیلات قراردادند. بنابراین روشهای تازه و کتابهای نو بوجود آوردند تاازمقدارزبان وادبیات یونان‌ولاتین بکاهند ومواد جدیدرابجای آنها بگذارند. بعلاوه کوشیدند تااصول علمی برای آموزش وپرورش‌وضع کنند وپرورش کودك را بانهاد او وفق وسازش دهند.

بیکن

عموماً اختراعات واکتشافاتی که درسدهٔ شانزدهم شدبدون توجه بروش علمی بود. بیکن[۱] (۱۶۲۶-۱۵۶۱)راهی‌را که برای رسیدن بحقیقت طی شده بود مدون کرد و آنرا**روش‌استقراء** نامید. از همان زمان تحصیل در دانشگاه کیمبریج بیکن ازفلسفهٔ ارسطو بنحوی که آنروز تدریس میشد متنفربودوبعدهانیز که بمقامات شامخ سیاسی‌رسیددرضمن مقالات ونوشته‌های خود با طریقهٔ ارسطو مخالفت نمود و باتکاء کشفیات جدید روش نوینی درست کرد و در کتابی بنام «**ارغنون‌نو**»[۲] در ۱۶۲۰ آنرا انتشار داد. در این کتاب طرزاستدلال از راه استقراء تشریح گشته درمقابل کتاب ارغنون ارسطو که درباب‌قیاس‌وبرهان نوشته‌شده‌است. بیکن بجای اینکه بکبری و صغری توسل جوید تا نتیجه بدست آورد معتقد است که باید بمشاهده پرداخت ـ بشرط اینکه ازپیش آدمی اوهام وخیالات باطل را(که بت می‌نامد) از خود دور سازد. از طرف دیگر نباید بمشاهده اکتفا کرد بلکه باید نتیجهٔ مشاهدات را نوشت و جدول

فرانسیس بیکن
(۱۶۲۶-۱۵۶۱)

---

(۱) Francis Bacon

(۲) Novum Organum

بندی کردوازمجموع آنها قضیهٔ کلی یا قانون‌را بیرون کشید .

در کتاب‌دیگری که بیکن بنام اطلس‌نو(۱) نوشته جزیرهٔمسکونی‌بنام‌اطلس فرض کرده که‌سازمان‌معینی‌داردومهمترین مؤسسهٔ آن‌موسوم‌است به« خانهٔسلیمان » که اعضایش به‌پژوهش میپردازند ونتایج شگفت‌انگیزازاجرای روش‌استقراءحاصل میکنند. دراین‌افسانه بیکن ازاختراعات واکتشافاتی سخن‌میراندچون تلفون‌و زیر دریائی وهواپیما ومانندآن کـه تنها دراواخرقرن نوزدهم ودرزمان حاضر انسان باختراع آنها نائل شده است .

ازشرحی که‌راجع بخانهٔ سلیمان داده برآید که بیکن ظاهراً معتقدبوده‌است که جامعه باید اطلاعات کامل دربارهٔ طبیعت بدست‌آورد وتااندازه‌ای که کودکان‌در هرمرحله استعداد فهم آنرا دارند بآنها بیاموزد .

رویهمرفته کتاب **ارغنون‌نو** یا روش جدید باوجودغفلتی که بیکن‌راجع‌بقوهٔ فکری وتعقل وقریحه ونبوغ کاشف‌نشان داده ومداخله واهمیت آنرادراکتشافات‌در نظرنگرفته معذلك‌تأثیرات بسیاردرطرزاستدلال آن زمان کرده و**درحقیقت بالاترین واکنشی‌است‌که در دورهٔ جنبش‌و تجدد دینی وحقیقت‌جوئی بظهورپیوسته است .**

دکارت(۲)

غفلت‌بزرگ‌بیکن‌را دکارت(۱۶۵۰-۱۵۹۶) جبران کرد وروشی بمیان‌آورد که‌مکمل‌طریقهٔ‌اوشد. دکارت‌تحصیلات مقدماتی‌را درفرانسه دریکی ازمدارس یسوعی بپایان رسانید سپس بتحصیل‌پزشکی وحقوق پرداخت ودربیست سالگی شروع بمسافرت کرد و قریب نه‌سال در کشور های اروپا بـه سیر آفاق وانفس اشتغال ورزید . آنگاه برای تحقیقات و تجربیات علمی انزوا اختیار کرد ودرهلاندسکنی گزید وبیست سال درآن مملکت‌بپژوهش پرداخت تا در۱۶۳۷ بزبان فرانسه کتابی بنام« **گفتاردرروش راه بردن عقل و جستجوی حقیقت درعلوم** » منتشر کرد .

---

(۱) The New Atlantis

(۲) René Descartes

دکارت
(۱۵۹٦-۱٦۵۰)

دکارت نخستین دانشمندی‌است درعصر جدید که‌بزبان مادری کتاب علمی تألیف کرد وزبان لاتین را که تا آنزمان تنها وسیلهٔ بیان وتحریرمطالب‌فلسفی‌وعلمی بود کنار گذاشت. بهمین سبب کتاب مذکور مورد توجه عموم واقع گردید وصیت شهرت دکارت بسرعت در اروپا بلند شد.

درنتیجهٔاجرای‌روش مذکوردرریاضیات دکارت هندسهٔ تحلیلی را اختراع کرد و در طبیعیات قانون انکسار نور را که بنام اوست کشف کردوراجع‌بساختن‌دوربین‌وتراش عدسی خدمات‌مهمی نمودولی‌برجسته‌ترین خدمت‌اوهمان روشی‌است که در کتاب گفتارتشریح کرده واورا مؤسس فلسفهٔجدید معرفی کرده است.

دکارت بااینکه در ردیف دانشمندان عصرخود بود بنادانی خویش پی برد و ناچیزی وغلط بودن علوم وفلسفهٔ زمان خودرا دریافت و برآن شد که با قوهٔ تفکر علم را از نوبوجود آورد و درکتاب مذکور راه وروش خـودرا برای رسیدن باین منظورتشریح نمود.

بعقیدهٔ دکارت انسان قادر بفهم حقیقت و پی بردن بمجهولات هست مشروط براینکه قوهٔ تعقل خودرا از**طریق صحیح** بکاربرد ورنه ممکن است کامیاب نشودو دچارضلالت و گمراهی گردد.

بیکن ودکارت بثبوت رساندند که تنها بوسیلهٔ منطق ارسطو یعنی فن برهان نمیتوان‌مجهولات را کشف کرد وهردوسعی کردندروش جدیدی بدست دهند.روش بیکن چنانکه‌دیدیم‌برتجربه ومشاهده وروش‌دکارت برکارانداختن‌قوهٔ تعقل‌وتفکر استواراست

دکارت معتقد بود که تمام علوم را باید باصول ریاضی در آورد و طریقهٔ تحلیل را اتخاذ کرد یعنی تبدیل قضیهٔ مشکل به آسان و قضیهٔ آسان به آسانتر و دنبال کردن این رویه تا رسیدن به قضیه‌ای که کاملا معلوم وروشن باشد . برای تشریح منظور خردچهار قاعده که میتوان شهود ـ تحلیل ـ ترکیب ـ استقصاء نامید وضع کرده است که در اینجا گنجایش طرح آن نیست ومیتوان به کتاب نفیس سیر حکمت در اروپا تألیف مرحوم فروغی رجوع کرد واز تفصیل آن آگاه شد .

روش دکارت تأثیر فراوان در محققین عصر نمود . نقص بزرگی که دارد اینست که با وجود اعتقاد وعمل دکارت به روش بیکن و با وجود توجه او به لزوم تجربه ومشاهده درقواعد چهارگانهٔ خود آنرا ذکر نکرده ومسکوت گذارده‌است .

از مجموع تحقیقات بیکن ودکارت برای کسب علم ، منطق جدیدی بوجود آمد که بتدریج تکمیل گردیده و موسوم است به **منطق علمی**(۱) در مقابل منطق صوری(۲) ارسطو .

رویهمرفته جمع دو روش مذکور مانند مشعلی فروزان بود که راه تتبع و کشف واختراع را برای بشر روشن وهموار ساخت واروپارا باوج ترقی وتعالی رسانید .

کمنیوس ۱۶۷۱ - ۱۵۹۲ عده‌ای ازدانشمندان روش بیکن را درآموزش وپرورش بکار بردند که مهمترین آنان کمنیوس(۳) است . کمنیوس از مردم مراوی(۴) بود . هنگام تحصیل در نتیجهٔ غفلت کسانش زبان لاتین را که مهمترین مادهٔ درسی آن زمان بود تنها درشانزده سالگی بوی آموختند وهمین مسئله موجب شد که متوجهٔ نواقص آموزش وپرورش گردید ودانست چه وقت زیادی برای آموختن صرف ونحو ودیگر مطالب بیهوده تلف میشود وبر آن شد که تدریس

---

(۱) Méthodologie
(۲) Logique formelle
(۳) Coménius
(۴) Moravie بخشی درشمال وینه که اکنون جزو چکوسلواکی است .

لاتین را اصلاح کند . پس‌از یاد گرفتن لاتین نخست در ناسو(۱) سپس در دانشگاه هیدلبرك(۲) بتحصیلات عالی پرداخت وخودرا برای کشیشی مردم مراوی که فرقهٔ خاصی از پرتستانها بودند آماده ساخت . لیکن بواسطهٔ کمی سن بکار دین اشتغال نیافت وچهارسال در کشور خویش بتعلیم پرداخت ودر این مدت کتابی بنام «صرف ونحو آسان» نگاشت . در نتیجهٔ جنگهای سی ساله که از ۱٦۱۸ تا ۱٦٤۸ جریان داشت ازمیهن خود رانده شد تا سرانجام در ۱٦۲۷ درلهستان در لژنو(۳) که امروز لیسا (٤) نامند و در ۲۲۵ کیلـومتری مشرق برلین است رحل اقامت افکند . دراینجا ۱٤سال بمدیری ژیمناز مراوی منصوب بود واصلاحاتی در مدارس کرد و آغاز بطبع یك‌سلسله کتاب‌درسی‌نمود که عقاید ونظریاتش در آنها گنجانیده شده‌است .نخستین کتاب درسی‌را که‌برای آموختن‌زبان لاتین است در ۱٦۳۱ تألیف کردو «باز شدن در زبانها» نام نهاد . در این کتاب ازواژه‌های متداول جمله هائی ساخته ودر صفحهٔ دست راست متن‌لاتین ودرصفحهٔ روبرو ترجمهٔ آنرابزبان‌مادری جای داده است . در سالهـای بعد شش جلد دیگر نوشت که بدیع ترین آنها ملخص کتاب نامبرده است باشکل وتصویـر

کمنیوس
(۱٦۷۱-۱۵۹۲)

(۱) Nassau از کشورهای مرکز غربی آلمان
(۲) Heidelberg
(۳) Leszno
(٤) Lissa

و نخستین **کتاب درسی مصور** است که در اروپا بر شتهٔ تحریر در آمده و مدت دویست سال دلپسندترین کتاب درسی بوده است . تألیف این کتاب توجه ویرا بحقیقت جوئی از راه حواس نشان میدهد واصول عقاید اورا راجع بروش آموختن ظاهر میسازد . مهمترین کتاب جامع کمنیوس که مدتها درخیال نگارش آن بود وتنها در ۱۶۵۷ بزبان لاتین انتشار یافت « **هنر بزرگ آموزگاری** »(۱) نام دارد وشامل کلیهٔ نظریات اوست نسبت باصول آموزش وپرورش وسازمان فرهنك وبرنامهٔ تحصیلات وروش آموختن . کمنیوس بهترین عقیده وروش‌را از کتب حقیقت جویان گلچین کرده‌ودراین کتاب عرضه‌داشته است وازاین حیث‌مرهون نویسندگان ودانشمندان جنبش علمی است که بزرگترین آنها بیکن است وعقاید بکر او راجع بآموختن شمه ای از کلیهٔ علوم در دبستان و دبیرستان و پرداختن بپژوهش مورد اقتباس کمنیوس واقع گشته است .

بموجب‌این کتاب **منظور از آموزش‌وپرورش** سه‌چیزاست :

دانش

اخلاق

دین

ولی راجع بقسمت اخیر مانند مردمان قرون وسطی معتقد نیست که تمام غریزه های آدمی را باید خفه کرد و روان را بوسیلهٔ پست شمردن تن و ریاضت کشیدن پرورش‌داد بلکه باید غرائز نکوهیده وناپسندیده را ازراه پرورش فکری واخلاقی ودینی تحت نظارت غرائز عالی در آورد . انسان را بوسیلهٔ مخمر کردن سرشت او بااخلاق وعادات نیکر که خود نتیجهٔ دانش است باید تربیت کرد وویرا با ایمان وپارسا بار آورد .

چون آموزش وپرورش باید انسان را برای زندگانی‌تهیه وآماده کندبعقیدهٔ کمنیوس باید دستگاه فرهنگی برای همه برپا کرد تا پسر ودختر ووضیع‌وشریف

(۱) Didactica Magna

وتوانگر ودرویش در تمام شهرها ودهکده‌ها درآن دانش آموزند وپرورش یابند.
سازمان این دستگاه درچهار فصل کتاب تشریح شده است : تحصیلات بچهار دوره بخش میشود وهر دوره شش سال وازهنگام زادن تاسن رشد را شامل خواهدبود . دورهٔ نخست را که تاشش سالگی است «دامان مادر» نام نهاد . از شش تا دوازده سالگی کودك به«مدرسهٔ زبان مادری » یا دبستان واز ۱۲ تا ۱۸ به«مدرسهٔزبان لاتین» یادبیرستان‌واز ۱۸ تا ۲٤ که دورهٔ جوانی است به «آکادمی» یادانشگاه خواهد رفت ودراین دوره مسافرت هم خواهد نمود که خود وسیلهٔ بزرگی برای پرورش‌وآموزش‌است . **دردانشگاه تنها کسانی پذیرفته خواهند شدکه سرآمد اقران‌خودباشند** و برای انتخاب آنها باید از شاگردانی که دبیرستان را بپایان میرسانند امتحان‌رسمی کردتا روشن شود کدامین‌شایستهٔ ورود بمدرسه عالی‌هستند وچه کسانی باید دورهٔ دانش‌آموزی‌را بانجام رسانند ووارد کار وزندگانی شوند .

بدین ترتیب کمنیوس نردبانی برای تحصیل پیش بینی‌نموده که در رابرروی همهٔ مردم بازکرده تاهرکس بتواندداز فرصتی که برایش حاصل‌شده است بهره‌مند گردد . البته این پیشنهاد تنها در قرن نوزدهم بکار بسته شد و سیصد سال طول کشید تاکشورهای متمدن باهمیت ولزوم آن پی‌بردند .

بر فراز سازمان مذکور کمنیوس معتقد است بنگاهی دریکی از نقاط‌جهان برپا شود که دانشمندان تمام‌گیتی در آن شرکت جویند وبه پژوهش پردازند واز نتایجی که بدست آید تمام جهانرا فیض‌بخشند . بنگاه مذکور نسبت بمدارس‌باید همان پیوندی را داشته باشد که معده نسبت باندام آدمی دارد یعنی همانطور که معده خون وحیات و نیرو را برای اعضا و بدن تهیه میکند آن بنگاه نیز باید دانش را برای آموزشگاهها پیدا وآماده سازد .

راجع به**برنامه** کمنیوس همه جا در تمام دوره ها معتقد است که مختصری از همهٔ علوم را بیاموزند چنانکه در مدرسهٔ «دامان مادر» انتظار دارد که تاریخ- جغرافیا - صرف و نحو - سخنرانی - منطق - موزیك - حساب - هندسه - هیئت -

مقدمهٔ اقتصاد وسیاست واخلاق ویزدان شناخت وتعلیمات دینی تدریس شود و ورزش وساختن بناهم بخشی ازوقت شاگردرا بگیرد . بدیهی است ازشمردن این موادنباید استنباط کرد که بایدآنها رابنحوی که برای جوانان تدریس میشود آموخت بلکه باید درضمن گفت وشنود وهنگام مقتضی بطوربسیارساده بکودك یاد داد که خورشید وماه وستارگان و کوهها ودره‌ها ودریاچه‌ها و رودخانه‌ها وجانوران و گیاه‌ها رابشناسد ـ سخن خود را درست گوید وبعادات نیکوخوی گیرد ودرحقیقت آن طوری بارآید که در کودکستان امروزپرورش می‌یابند .

همینطوربرای دبستان کمنیوس برنامهٔ مفصلی پیش بینی کرده که شامل خواندن نوشتن ـ حساب کردن ـ اخلاق ـ تعلیمات دینی ـ تعلیمات مدنی ـ اقتصاد ـ تاریخ جغرافیا ـ مکانیك عملی است که باید البته بزبان مادری بیاموزند نه بزبان لاتین که درآن زمان معمول بود زیرا اولامدتها برای فراگرفتن لاتین وقت بایسته است ثانیاً این زبان دردبیرستان تدریس خواهد شد .

دردبیرستان چهارزبان (زبان مادری ـ لاتین ـ یونانی ـ عبری) بایدآموخته شود ومواد هفتگانهٔ قرون وسطی بافیزیك وجغرافیا وتاریخ واخلاق ویزدان شناخت نیز تعلیم گردد .

دردانشگاه هردانشجو باید تمام هم خود را صرف آموختن رشته‌ای کند که طبیعة برای آن ساخته شده است مانند یزدان شناخت ـ پزشکی ـ حقوق ـ موزیك شعر ـ سخنرانی ولی آنانکه دارای استعداد بسیار هستند باید بفراگرفتن تمام رشته‌ها اقدام کنند .

درباب **روش آموختن** کمنیوس در کتاب «هنربزرك آموزگاری» تأکید میکند که طریق طبیعت اتخاذ شود زیرا که طبیعت همه چیزرا با اطمینان و آسانی وبطور کامل انجام میدهد ولی کمنیوس ازراه استقراء بدین نتیجه نرسیده بلکه از راه شباهت وقیاس نظریهٔ مذکور برای وی پیدا شده است . مثلا میگوید طبیعت در هر کارفصل و هنگام مناسب را انتخاب میکند چنانکه پرندگان برای تخم گذاری

ازمیان تمام‌فصلها بهاررا برمیگزینند زیرا در آن‌فصل است که خورشید نیرو وحیات می‌بخشد . ازاین مشابهت نتیجه میگیرد که در آموزش وپرورش باید قانون طبیعت را راهنما قرار دهند : اولا در بهار عمر یعنی در بچگی انسان را پرورش دهند ثانیاً اوقات صبح را بیشتر صرف تدریس نمایند زیرا آغاز روز بمنزلهٔ بهار طبیعت است

پس ازنشان دادن لزوم‌پیروی ازطبیعت کمنیوس درمورد هریك ازموادبرنامه مانند علوم طبیعی وحتی خواندن ونوشتن و موزیك وانشاء ومنطق وزبان خارجه و اخلاق وتعلیمات دینی اصل مذکور را بکارمیبرد . راجع بعلوم طبیعی گوید که با کمال دقت باید طبیعت را مشاهده کرد تا اطلاعاتی بدست آید و قواعدی که در این زمینه ذکر میکند بطور استقراء از آزمایش های خود در فرهنگ استخراج میکند .

روشی که در آموختن‌شعب مختلف علوم پیشنهاد میکند کاملاباطریقهٔ‌جنبش علمی مطابقت دارد زیرا همه‌جا تأکید مینماید که نقش‌بستن وتأثیر کردن معلومات دردماغ وذهن‌شاگرد بسته‌بآن است که معلم‌از **حقایق و ازاشیاء که وجود خارجی دارند** استفاده کند نه اینکه تنها بکتاب توسل‌جوید . اگرخود اشیاء وموجودات را نتوان بدست‌آورد وبررسی کرد باید تصویروشکل‌یانمونهٔ قالبی آنها را نشان داد. راجع‌بخواندن‌ونوشتن وموزیك ودیگرمواد کمنیوس میگوید **هرچه‌رامیخواهید بدان عمل کنند بوسیلهٔ عمل آنرا بیاموزید** . زبان‌را ازراه گفت وشنود بایدیادداد نه ازطریق‌صرف ونحو. پرهیز کاری‌را ازراه عمل بتقوی وبوسیلهٔ سرمشق وراهنمائی ازروی محبت بایدآموخت نه ازطریق پند واندرز . ایمان واعتقاد را بوسیلهٔ تأمل وتفکرودعا ونماز وسنجش کارهای خویش باید دردل کودك جای داد . سرانجام این نکته را باید گفت که بعقیدهٔ کمنیوس تمام درس‌ها را باید بیکدیگرمربوط ساخت نه اینکه هر کدام را ازدیگران بکلی مجزا نمود .

درباب کیفردادن کمنیوس میگوید که غرض اصلی برگشت نکردن تقصیر و

خطاست وتنهاباید درمورد **کارهای ضداخلاق** بکاربرده‌شودنه‌هنگامی که شاگرد در فراگرفتن درس قصورنموده است .

رویهمرفته کمنیوس نخستین پیشوای اصلاح فرهنگ ومؤسس وموجدنظریات تازه راجع بآموزش وپرورش عصرجدید است . بیکن ودیگرطرفداران جنبش علمی وحقیقت جویان ازراه حواس دونظرراجع بآموزش وپرورش داشته‌اند یکی تدریس مختصری‌ازکلیهٔعلوم ودیگری‌پیروی ازطبیعت. کمنیوس‌علاوه برتدوین وتشریح‌این دونظر، نظرسومی برآن اضافه کرد وآن تولید ایمان است درکودك . آموزش باید همگانی ومطابق باطبیعت اطفال‌باشد . پرورش تن وتربیت حواس باید جزوبرنامه و تمام مواد بایکدیگرپیوستگی داشته باشد .

غیرازنفوذی که کمنیوس‌بواسطهٔ کتب‌درسی‌زبان‌لاتین درآموزشگاههای‌عصر خود کردتأثیردیگری‌درآنهانداشت‌لیکن اصولی که ذکر کردپایهٔ‌آموزش وپرورش درکشورهای مترقی‌است ودرعقاید دانشمندانی که بعد ازاوآمدند مانند پستالزی و هربارت وفربل اثرات فراوان داشت .

تأثیر جنبش حقیقت‌جوئی در مدارس

دردبستانها جنبش حقیقت‌جوئی جزدر آلمان تأثیرمحسوسی نکرد . در **آلمان** در سدهٔ هفدهم آموختن زبان مادری رواج پیدا کرد ـ آموزش همگانی و اجباری آغاز شد ـ مقدمات علوم طبیعی علاوه بر خواندن ـ نوشتن ـ حساب ـ تعلیمات دینی‌وموزیك دردبستانها تدریس گردید. ازنیمهٔ قرن‌هفدهم درآموزشگاههائی که برای اشراف تأسیس کردند علوم طبیعی وپرورش تن را در برنامه وارد نمودند ودر اواخرسدهٔ مذکور درژیمنازها هم متداول گردید .

دردبیرستانهای‌آلمان درنیمهٔقرن هیجدهم‌آموختن‌زبان‌مادری وعلوم طبیعی نخست در برلن سپس در نقاط دیگر معمول شد تا بتدریج در اواخر قرن مذکور دبیرستانهائی بنام رئال‌شوله [۱] برپا گردید که هنوزهم جزوسازمان فرهنك آلمان

(۱) Realschule آموزشگاه حقیقت جوئی

است . در این دبیرستانها زبان فرانسه ـ اندکی لاتین ـ زبان مادری ـ تاریخ ـ جغرافیا ـ هندسه ـ مکانیك ـ معماری و علوم طبیعی را میآموزند .

در **انگلستان** در ۱۶۶۵ دبیرستانی بنام آکادمی که میلتن پیشنهاد کرده بود برپا شد و پس از چندی درامر بکا از نیمهٔ قرن هیجدهم مانند آنرا باز کردند . درصورتیکه مطابق نظر میلتن در آکادمی لاتین و یونانی و عبری را میآموختند در اثر جنبش حقیقت جویان زبان مادری بسیار اهمیت پیدا کرد و علوم طبیعی و ریاضی و تاریخ و جغرافیا نیز تعلیم داده شد .

دانشگاهها همانطور که بسیار محتاط و ملاحظه کار بودند و علی رغم آنها زبان و ادبیات یونان و روم بواسطهٔ جنبش فرهنك پژوهی در آنها وارد شد همانطور نیز پس از دو قرن که بدانها خوی گرفته بودند حاضر نبودند آنها را بامواد دیگر عوض کنند یا ساعاتی هم برای دروس جدید بویژه علوم طبیعی منظور دارند . با اینهمه در آلمان در اواخر قرن هیجدهم دانشگاهها علوم طبیعی را داخل برنامه نمودند .

در کیمبریج زمان استادی نیوتن در نیمهٔ دوم قرن هفدهم علوم طبیعی و ریاضی جزو دروس شد ولی تا اواخر قرن نوزدهم علوم طبیعی مقامی را که شایسته است در آنجا نداشت . در اکسفرد تابامروز زبان و ادبیات یونان و روم بزرگترین اهمیت را دارد و توجهی که بدین مواد میشود بعلوم طبیعی و ریاضی نمیشود . لیکن دانشگاههائی که از طرف شهرهای لندن و لیورپول و منچستر و برمینگهام برپا شد در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم پیروی از حقیقت جویان کرده و کرسی‌های متعدد برای شعب علوم برقرار و دائر نموده‌اند .

فصل هفتم

ورزش ذهنی[1] ـ بسط قوای فکری

فلسفهٔ تعلیم زبانهای باستانی (لاتین و یونانی)

چنانکه درفصل پنجم مذکور افتاد درنتیجهٔ جنبش دینی زبان لاتین که تاقرن شانزدهم درکلیساها برای آداب مذهبی بکارمیرفت درممالکی که مذهب پرتستان را پذیرفتند منسوخ گردیدوزبان مادری‌جای آنرا گرفت .درفصل‌ششم‌نیز گفته‌آمد که نویسندگان ودانشمندان اروپا بتدریج زبان ملی را درتدریس و تألیف وتحریر بکار بردند بطوریکه درقرن هفدهم میلادی زبان علمی وفلسفی‌انحصاربزبان لاتین‌نداشت ودیگرچندان درزندگانی مورد حاجت نبود ونمیتوانست اهمیت سابق را دربرنامهٔ مدارس داشته باشد .

ازطرف دیگردرقرن‌هفدهم تحصیل‌وتدریس‌زبان‌لاتین درنتیجهٔ جنبش‌فرهنك پژوهی مدت دویست سال ریشه دوانیده وبرای‌تعلیم‌آن برنامه ها و روش‌ها و کتابها تهیه شده بود که تاآن تاریخ برای هیچ رشتهٔ دیگر از برنامه سابقه نداشت . معلمین مدارس ومؤلفین‌باین برنامه‌ها و طریقه‌ها خوی گـرفته بودند وممکن نبود بآسانی ازآن صرف نظر کنند وزبان‌لاتین ازبرنامهٔ مدارس حذف گردد . این‌بود که عده‌ای درصدد برآمدند فلسفه‌ای برای‌حفظ زبان‌لاتین دربرنامه پیدا کنند وازاینجا نظریهٔ ورزش ذهنی وبسط قوای فکری بوجودآمد .

(۱) Formal Discipline

اساس نظریه

اساس نظریهٔ مذکور براینست که در آموزش وپرورش طریقهٔ یاد گرفتن مهم است نه موضوعات ومطالبی که فرامیگیرند. در هر رشته مخصوصاً درامورفکری چنانچه کاری نیکوبر گزیده شود وخوب تمرین گردد در انسان نیروئی تولید میکند کـه دراغلب موارد دیگر ممکن است آن نیرو را بکاربرد وبرای حل مسائل ومشکلات دیگـر از آن استفاده کرد . بعبارت دیگر چنانچه یك یا دو ماده کاملا آموخته و فرا گرفته شود فایده و ارزشش بیشتراست تاعدهٔ زیادی ازمواد که همان‌اندازه صرف وقت لازم داشته باشد.

بعقیدهٔ طرفداران‌نظریهٔ مذکورموادی‌چون‌ریاضیات ومنطق وزبانهای‌باستانی لاتین ویونانی‌برای‌تربیت وبسط قوای‌فکری‌بویژه حافظه واستدلال‌اهمیت فوق‌العاده دارد خواه مواد مذکوردرزندگانی مورد حاجت باشد یا نـه ـ خواه شاگرد بتواند آنها را یاد بگیرد وبکار برد یانتواند زیرا توانائی ونیروئی که برای کامیابی وتوفیق درهرشغل وکاری لازم است حافظه وقوهٔ استدلال است .

بنابراین مطابق نظریهٔ مذکور غرض عمده از آموزش و پرورش این است که ذهن توسعه حاصل کند وقوای‌فکری‌منبسط گردد نه اینکه‌فقط معلوماتی‌بدست آید واطلاعاتی کسب شود .

علل پیدایش نظریه

علاوه بردلایلی که ذکرشدجنبش حقیقت‌جوئی ونهضت‌علمی اهمیت خاصی بمعنی و موضوعات تدریس و مواد تحصیلی میداد وآنـرا برای تعلیم و تربیت مهم میدانست نـه طریقهٔ فراگرفتن‌را بنابراین طرفداران تعلیم زبان‌لاتین برای دفاع ازبرنامـه وروشی کـه بدان خوی گرفته بودند نظریهٔ ورزش ذهنی وبسط قوای‌فکری را عنوان کرده‌آنرا بعالم‌آموزش وپرورش عرضه داشتند .

کسانی‌نیز که ازلحاظ‌مذهبی‌آموزش وپرورش‌را وسیلهٔ جلوگیری ازوسوسهٔ شیطان وهوای‌نفس میدانستند ازطرفداران نظریهٔ مذکوربودند زیرا تقویت عقل و بسط قوای فکری را در اخلاق انسان مؤثر میشمردند و بهمین سبب بود کـه کلیسا

با پیشوایان جنبش علمی چون دکارت وبیکن و کمنیوس مخالفت ورزید و آنهارامتهم به‌لامذهبی وانکارخدا نمود.

روان شناسی نیز نظریهٔ ورزش ذهنی وبسط قوای فکری را تأیید میکردزیرا درآنزمان معرفت النفس ارسطو متداول بود که برای انسان قوای متعدد چون قوهٔ استدلال ومتخیله وحافظه قائل است و درقرون وسطی بـرای پرورش هریك ازاین قوا مواد معین‌ازبرنامه وطریقه‌های مخصوص‌تعلیم مقررشده بود واین عمل بانظریهٔ مذکورمطابقت داشت .

محاسن ومعایب نظریه

نخستین عیب نظریهٔ ورزش ذهنی اینست کـه طرفداران آن احتیاجات زندگانی را رعایت نمیکنند و موادی کـه برای مشاغل گوناگون لازم است نمی‌آموزند بلـکه معتقدند نیروئی که‌بواسطهٔ‌تربیت قوای‌فکری‌درمدرسه حاصل‌می‌شودبرای‌تمام امورکافی‌است.

دومین عیب اینست که استعداد و ذوق شاگردان مورد توجه نیست زیرا عدهٔ زیادی ازاطفال‌وجوانان بالطبع قادربیادگرفتن زبان‌لاتین ویونانی‌وریاضیات نیستند یاعشقی بفراگرفتن آنهاندارند بنابراین از نعمت تربیت محروم میشوند وبمقامی که استعداد دارند نمیتوانند نائل گردند .

حسن‌عمدهٔ نظریه اینست که چون‌برنامهٔ‌آن ازمواد مجرد وموضوعات‌فکری تشکیل‌یافته برای‌تربیت عدهٔ محدودی ازجوانان کـه ازطبقات عالیه مردم و دارای هوش سرشارند بسیارسودمند است وآنانرا برای‌مشاغل ومناصبی که بامطالب‌نظری (مانند یزدان شناخت ـ حقوق ـ زبان) ارتباط دارد پرورش میدهد . البته درقرن هفدهم که هنوزحکومت‌ملی‌بوجودنیامده‌بود و کسی‌بفکرتربیت‌تودهٔ خلق‌نبودعیبی درمنحصربودن‌تعلیم‌وتربیت مذکوربطبقهٔ اشراف محسوس نمیگردید واستعدادهای گوناگون طبقات محروم از تحصیل وحاجات‌آنها اساساً مورد عنایت نبود .

حسن دیگر اینست که اعمال نظریهٔ مذکور باعث پرورش وبسط قوهٔ دقت و تمرکزعقل است منتها چون قوهٔ مذکورفقط صرف فراگرفتن زبان‌لاتین وحقوق و

یزدان شناخت میشودفواید آن عاید عدهٔ محدودی تحصیل کرده وروشن فکر میشود وطبقات مختلف ملت از آن سودی نمی‌برند .

صرف‌نظر ازمراتب مذکور ازتمام موادی که درمدارس میآموزند ازلحاظ عمل بعضی‌ازمواد نسبت بمواد دیگر دارای ارزش بیشتری‌است چنانکه مثلاحساب وزبان مادری چون بعدازختم دورهٔ آموزشگاه درتمام کارهای زندگانی مورد استفاده قرار میگیرد دارای قدرومقام عالی‌تری‌است ومیتوان آنهان را لااقل‌در ردیف مواد برنامهٔ طرفداران ورزش ذهنی‌بشمار آورد .

بالاخره بایددرنظرداشت که هریك‌ازموادبرنامه ازلحاظ ورزش کلی‌ذهن‌دارای ارزش‌است ولی‌این‌ارزش‌منحصربزبان‌لاتین‌نیست ونیروئی که‌ازفراگرفتن‌السنهٔ‌باستانی حاصل‌میشودنمیتوان‌درتمام‌مواردبکاربردوبرخلاف آنچه‌طرفداران‌ورزش‌ذهنی گفته‌اند چنانچه‌ماده‌ای‌درزندگانی‌بکارنیاید وموردداستعمال‌پیدانکندچندان‌ارزشی‌دارا نیست .

جان لك (۱) (۱۷۰۴-۱۶۳۲) لك مربی وللهٔ یکی از اشراف بزرك انگلستان بود وشاید مهمترین حکیم ودانشمند انگلیسی باشد که درباب تعلیم و تربیت کتاب‌نوشته است. وی‌نمایندهٔ طرفداران ورزش‌ذهنی وبسط قوای فکری است ولی نظریات او بمراتب وسیعتر ازعقاید جمهورو مدرسین عادی طرفداران مذکور است .

لك
(۱۷۰۴-۱۶۳۲)

لك فلسفهٔ خود را در کتاب موسوم به « تحقیق دربارهٔ خرد آدمی(۲) » بیان داشته و معتقد است که ذهن انسان در آغاز مانند صفحهٔ سفیدی است بدون نقش ـ معلومات انسان از خارج از راه حواس بدست میآید و نتیجهٔ تجربه وآزمایش وادراك عقل‌است که بالاخره درصفحهٔ مذکور نقش می‌بندد . وقتی انسان تجربه هائی

(۱) John Locke

(۲) Essay Concerning the Human Understanding

کرد واحساساتی‌ازمحیط خارجی برای اوحاصل شد ازراه تعقل، فکـر و قضاوت او صورت میگیرد واین‌عمل‌نه ازطریق پرورش‌حواس‌بلکه ازراه ورزش ذهنی‌مخصوصاً عقل وقوهٔ استدلال بسط وتوسعه پیدا میکند.

در کتاب دیگرموسوم‌به «راهنمای خرد»[۱] لك نشان‌میدهد که ذهن‌انسان ازراه چنان ورزشی توسعه می‌یابد که تمام قوای روحی اورا نیرومند سازد وورزش مذکورتنها ازطریق‌تحصیل وقرائت ومطالعهٔ کتاب بدست نمی‌آیدبلکه ازراه تفکر وتعقل حاصل میشود.

درباب‌تعلیم وتربیت‌لك‌نظریات‌خود را در کتابی‌بیان کرده بنام «**چند اندیشه دربارهٔ آموزش وپرورش**»[۲] که بسال ۱۶۹۳ انتشاریافته است. کتاب مذکور ازآثارمهمی است که درباب تعلیم‌وتربیت نگارش‌یافته وجا دارد که خلاصه‌ای‌ازآن دراینجا عرضه شود.

بعقیدهٔ لك آموزش و پرورش راسه بخش است: بدنی ـ اخلاقـی ـ فکری

بنابراین **منظوراز تعلیم وتربیت** سه چیزاست: نیرومندی‌تن- فضلیت‌ـدانش. تندرستی ونیرومندی تن اساس است وهمینکه این منظور حاصل شد بایـد بترتیب بدومنظور دیگر پرداخت.

تربیت بدنی

کتاب مذکوربا این جمله آغاز میشود: «عقل سالم دربدن سالم تعبیر کوتاه ولی کاملی‌است ازسعادتمندی وخوشی دراین دنیا. کسی که این دورا داردچیزمهمی باقی‌نمی‌ماند که بتواندآرزو کند و کسی که یکی ازاین دورا فاقداست چیزمهمی‌را دارانیست.»[۳] لك دربارهٔ تربیت بدنی‌بحث مفصل نموده ومعتقد است که‌لباس کم و گشاد_رختخواب سخت وخشن_هوای‌آزاد ـ خوراك ساده ـ اسب سواری و شمشیر بازی و کشتی برای پرورش طفل و معتاد

---

(۱) Conduct of the Understanding

(۲) Some Thoughts Concerning Education

(۳) سطورمذکوراین‌جمله‌ها راازمناجات خواجه عبدالله انصاری (متوفی در ۴۸۱ هجری ـ مطابق ۱۰۸۸ میلادی) بیاد میآورد: «الهی،آن راکه عقل ندادی چه دادی؟ و آن راکه دادی چه ندادی؟»

ساختن اوبانضباط وتحمل سختی باید درنظر گرفته شود .

تربیت اخلاقی

دراینجا لك تربیت را ازتعلیم باز میشناسد ودامنهٔ پرورش را بسیار وسیع‌تر ازآموزش میداند . بعقیدهٔ او آموزش فقط وسیله‌ای‌است برای‌تربیت فکری‌وپرورش باید ورزش‌ذهنی وبسط قوای فکری را تأمین کند .

منظورازتربیت‌اخلاقی‌بایدفضیلت‌باشدو برای رسیدن باین‌مقصودلك‌طبق‌سطور ذیل راهی نشان می‌هد که حاکی‌ازوحدت نظراوبا طرفداران ورزش ذهنی‌است :

« همان گونه که نیرومندی تن مخصوصاً ازعادت بسختی‌وتحمل شدائد بدست میآید همانطورنیز نیرومندی ذهن حاصل میشود .

اصل واساس فضیلت دراینست که انسان بتواند هوا وهوس را ازخود دورسازد وفقط ازعقل ودستورات‌آن پیروی کند وامیال‌خود را تابع‌عقل‌نماید ولواینکه‌هوس اوبطرف دیگـرمتمایل باشد . . . **قوهٔ جلوگیری ازهواوهوس درنتیجهٔ عادت بدست‌میآیدو بهبودی می‌یابد وعادت‌نیزازطفولیت ازراه عمل‌ایجاد میشود.. وازوقتی‌که‌کودك درگهواره است این اعتیادبایدآغازشود** . . . »

بنابراین فضیلت ازراه عادت نیکو وعادت نیکوازراه انقیاد هوا وهوس‌بوجود میآید . برای‌نیل‌بمقصود باید حتی الامکان معتاد شدن باخلاق حسنه را برای اطفال مطبوع ساخت و شدت زیاد روا نداشت و به‌تنبیه‌بدنی‌توسل‌نجست.

ازطرف‌دیگرباید متذکربود که سر هر گونـه موفقیت درآموزش وپرورش دراینست که ازغرائزنکوهیده وشهوات‌طبیعی‌جلوگیری‌شود وانسان‌بنظارت وتسلط برهوا وهوس معتاد گردد وبخویشتن داری خوی گیرد .

تربیت فکری

در بحث از تربیت فکـری لك بیشترهم خود را صرف مواد تحصیلی وبرنامه میکند و دراین قسمت بـا پیشوایان جنبش علمی هم‌آواز و مانند کمنیوس معتقد است کـه مختصری از کلیهٔ‌علوم درآموزشگاهها تدریس‌شود وفوایدعملی‌آنها خاطرنشان گردد-زبان‌لاتین

راپس‌از آموختن زبان مادری وزبان نزدیکترین‌همسایه باید بحکم لزوم‌بیاموزند- روش آموختن‌باید دلکش‌ودلپسند باشد- معلومات ازراه مشاهده و آزمایش درذهن کودك نقش بندد .

درقسمت برنامه نیز نظریهٔ لك باطرفداران ورزش ذهنی وبسط قوای فکری شبیه وحاکی‌ازاینست که تمام مواد تحصیلی بایدتابع منظورهای اخلاقی‌باشد یعنی برای‌این مقصود تعلیم شود که طفل را معتاد به اخلاق نیکوسازد و ازحرکات زشت احترازجوید وبرغرائز نکوهیده‌تسلط وتفوق‌حاصل کند .

در کتاب راهنمای‌خرد نیز معتقداست که‌مقصودازتربیت‌فکری‌ایجادعادتهائی است درذهن اطفال که قوای فکری وفعالیت دماغی آنها را افزایش دهد- این عادتها نیزازراه ورزش ذهنی بوجود میآید چنانکه در کتاب مذکور مینویسد :

« قوای روحی‌ما بهمان طریق‌بهبودی‌می‌یابند وبرای‌ما مفید واقع میشوند که قوای‌بدنی . اگربخواهید مردی بنویسد یانقاشی کند - برقصد یاخوب شمشیربازی کند یاهر کاردستی‌دیگررا با چابکی‌انجام دهد بایدبگذاریدحرکت وفعالیت کند- به تردستی وزرنگی بپردازد . هیچ کس از اوانتظار عملیاتی ندارد مگراینکه بآنها عادت کرده ووقت وهمت خود را صرف معتادساختن دست واندام خود بحرکات‌لازم نموده باشد . همینطوردرمورد ذهن‌اگربخواهید مردی خوب استدلال کند بایداورا بموقع باین‌کار معتاد سازید و ذهن اورا به ملاحظهٔ روابط افکار و تصورات ورزش دهید . . . . »

در کتاب‌مذکوربرای ریاضیات اهمیت‌مخصوصی‌قائل‌است زیرا این‌ماده قوای فکری را نیکوبسط وپرورش میدهد .

نظریهٔ ورزش ذهنی در کشورها

نظریهٔ ورزش ذهنی در **انگستان** در مدارس صرف و نحو و « آموزشگاههای همگانی » معمول و رائج بود معذالك لك مدارس اخیرالذکر را مورد انتقاد قرار داد زیرا درآنها بموادی اهمیت داده میشد که دارای ارزش نبود و وسایلی

درتعلیم بکارمیرفت (مانند ترجمهٔلاتین بانگلیسی وبالعکس) کـه بسیارمحدود بود و درشاگرد قوه وقابلیتی ایجاد میکرد که شایان توجه نبود ـ تنبیه بدنی برای هرقصور وخلافی معمول بود ـ تمام شاگردان مدرسه مجبور بودند فرمان هـا و دستورات شاگردان آخرین کلاس (کلاس ششم) را گردن نهند مثلا اطاق آنهـا را تمیز کنند ـ چاشت آنانرا تهیه نمایند ـ بخاری آنها را روشن کنند و همهٔ ایـن مطـالب نشان میدهد که در اجرای نظریـهٔ ورزش ذهنی نـکات قـابل انتقـاد وجود داشت.

مهر آموزشگاه صرف ونحو لوث Lowth که در ۱۵۵۲ ادوارد ششم پادشاه انگلستان تأسیس کرده است

بالای تصویرشعار مدرسه بدین مضمون بزبان لاتین حك گردیده: هر کس از چوب زدن کودك خود داری کند دشمن او است.

ازلحاظ تربیت فکری برنامهٔ «آموزشگاه هـای همگانی» کـه بهترین نمـایندهٔ تعلیم و تـربیت انگلیس بین ۱۶۵۰ و ۱۸۵۰ بـود بسیارناقص وعبارت بود ازمقداری صرف ونحووشش تا نه سال انشاء لاتین ویونانی و نوشتن شعرلاتین وتمام منظوراین بود که شاگردان از ادبیات روم ویونان متمتع و بهره مند شوند. فقط در وسط قرن نوزدهـم زبانهای خارجـه و علوم طبیعی وارد آموزشگاه‌های مذکور گردید.

دردانشگاه‌های انگلستان نیز نظریهٔ مذکورروا‌ج داشت چنانکه تانیمهٔ قرن نوزدهم دروس‌اساسی آنها عبارت بود اززبان وادبیات روم ویونان وریاضیات وبهمین دلیل چنانکه‌بعداً ملاحظه خواهد شد هیچیك ازدانشمندان طبیعی بزرگ‌انگلیس درآن قرن رابطـه‌ای بادانشگاه نداشتند و همین مسئله محدودیت برنامـهٔ آنها را

روشن و آشکار میسازد .

در **آلمان** ژیمنازهائی که در آلمان درقرن شانزدهم بوجود آمده ودرفصل پنجم توصیف شد بهترین نوع مدارسی است که از نظریهٔ ورزش ذهنی پیروی میکنند . اسم آنها نیز حکایت ازورزش ذهنی میکند وازیونان باستان اقتباس گردیده ـ منتها دریونان ابتدا برای ورزش بدنی بود سپس بورزش ذهنی تخصیص یافت . جنبش علمی نیز تا پایان قرن هفدهم در آنها تأثیری نکرد .

درنیمهٔ قرن هیجدهم نهضتی بنام فرهنك پژوهی نوین بظهور پیوست که تعلیم زبان و ادبیات یونان رابرای پرورش شخصیت وروحیهٔ ملی تأکید کرد وزبان لاتین را در درجهٔ دوم قرار داد ولی واکنشی که پس ازسقوط ناپلئون و پیروزی محافظه کاران و طرفداران کلیسا در ۱۸۱۵ روی داد در مدارس منعکس شد و مجدداً نظریهٔ ورزش ذهنی تفوق حاصل کرد و تاکنون باقی است .

در **فرانسه** علاوه بر مدارس یسوعیها وژانسنی ها که نظریهٔ ورزش ذهنی در آنها مستقر و پایدار بود وقتی لیسه ها تأسیس گردید شعبهٔ خاصی برای تعلیم لاتین ویونانی بوجود آمد و در دو شعبهٔ دیگر تعلیم لاتین بازبان خارجه و علوم طبیعی وریاضی توأم گردید و باوجود اصلاحاتی که در دبیرستانهای مذکود در قرن حاضر بعمل آمده هنوز ورزش ذهنی در شعبه‌ای از آنها باقی و برقرار است .

در **امریکا** پس از انقلاب ۱۷۷۶ و اعلام استقلال امریکا مدارس صرف ونحو که پیرو ورزش ذهنی بود بتدریج از میان رفت وبجای آنها مطابق نظری که میلتن پیشنهاد کرده بود آکادمی تأسیس گردید وتا نیمهٔ قرن نوزدهم علوم طبیعی واجتماعی در برنامهٔ دبیرستانها و کالجها استقرار پیدا کرد . وقتی برنامهٔ انتخابی [۱] درمدارس

(۱) برنامهٔ انتخابی برنامه‌ای است که شاگرد در آغاز هرسال تحصیلی برای خود انتخاب میکند . عموماً دوسوم مواد تحصیلی دبیرستان و کالج (مانند زبان انگلیسی ـ تاریخ و جغرافیای امریکا) اجباری است و همگی ناگزیرند آنرا بیاموزند ولی در انتخاب یك سوم دیگر آزادند ومیتوانند مطابق ذوق و شوق خود از میان مواد متعددی که تدریس میشود بامشورت معلمین آنچه را مایلند برگزینند ودرظرف سال بتحصیل آن بپردازند

امریکا معمول شد ورزش ذهنی‌در دبیرستانها و کالج ها رو بضعف گذاشت ورفته‌رفته اهمیت خود را از دست داد .

فصل هشتم

طبیعت دوستی

روسو (۱)

جنبش سدهٔ پانزدهم (رنسانس) ـ تجدد دینی قرن شانزدهم ـ جنبش حقیقت جوئی ودیگر جنبش هائی که پدید آمد مانند جنبش طرفداران پیراستن کلیسا (۲) درانگلستان ، همه سر کشی هائی بود که در کشورهای مختلف اروپابرضد استبداد دولت و ستمگری کلیسا بروز کرد .

طغیان قرن هیجدهم

در سدهٔ هیجدهم برضد دوقوهٔ مذکورطغیان دیگری بظهور پیوست که فوق نهضت های پیشین بود و نیروی دولت و کلیسا را درهم شکست و افراد توده را پیش آورده تقویت کرد و اهمیت بسیار برای هرفرد قائل شد . هریك از طبقات توده تصور کرد غیراز فرد و حق وی قوهٔ دیگری وجود ندارد در صورتی که افراد برهبری و راهنمائی نیاز دارند تا حقی که بدست آورده‌اند محفوظ ماند ورنه هرج و مرج روی میدهد

(۱) Jean Jacques Roussseau

(۲) Puritanisme طرفداران پیراستن کلیسا در انگلستان متمایل به کالون بوده و معتقد بآداب و رسوم مذهبی مانند پوشیدن جبه برای اعمال دینی ونصب تمثال و مجسمهٔ اولیای دین در کلیسا نبودندو بهمین جهت درنیمهٔ دوم قرن شانزدهم فرقهٔ مخصوصی تشکیل دادند که اعضایش بریاضت وتدین وتقدس مشهورند : بواسطهٔ شکنجه وآزاری که از عمال ملکهٔ الیزابت رئیس کلیسای رسمی انگلیس دیدند عدهٔ کثیری در آغاز قرن هفدهم بامریکای شمالی مهاجرت کردند .

و در این حال حقوق افراد پایمال میشود . قرن نوزدهم جنبش و طغیان مذکور را تحت نظم درآورد وفرد را تابع ارادهٔ جامعه (که از همان افراد تشکیل شده‌است) قرارداد و بدین ترتیب وسایل و مقدمات پیشرفت تند اروپا را فراهم ساخت .

طغیان سدهٔ هیجدهم بدو دوره تقسیم میشود . درنخستین نیمهٔ قرن جنبش بر ضدکلیسا و استبداد فکری و روحی بود و در نیمهٔ دوم برضد دولت و برای بدست آوردن حقوق بشر .

در دورهٔ نخست که معروفست بعصر روشنائی ، اشخاصی مهم و با نفوذ مانند لك درانگلستان وولتر(۱) ونویسندگان‌دائرةالمعارف (۲) درفرانسه‌چون دیدرو(۳) و دالامبر (٤) عقاید سخیف و اوهام وخرافات مذهبی را هجو کرده و سالوسی وریا کاری و عوام فریبی و فساد اخلاق روحانی نمایان را شدیداً انتقاد نمودند و در نوشته‌های خویش عقل بشر را راهنما شمردند .

دردورهٔ دوم نویسندگانی بظهور پیوستند که ازمهمترین آنها مونتسکیو (٥) (۱۷۵۵-۱٦۸۹)بود که در۱۷۲۱نخستین‌تألیف‌مهم‌خود را بنام« نامه‌های ایرانی »(٦) منتشر و درآن فرض کرددو تن ایرانی در اروپا مشغول سیاحت بوده مشهودات و عقایدخودرا باانتقاد ازاوضاع اجتماعی وسیاسی‌فرانسه‌بدوستان‌خودمینویسند. کتاب مذکور که‌حاوی ۱٦۱ نامه است بسرعت‌مشهورشد ومایهٔ توفیق ومسرت مونتسکیو گردید در۱۷٤۸پس ازبیست سال زحمت شاهکاربزرك خود را بنام روح‌قوانین(۷) انتشارداد

---

(۱) Voltaire (۱٦۹٤-۱۷۷۸)
(۲) Les Encyclopédistes
(۳) Diderot (۱۷۱۳-۱۷۸٤)
(٤) D' Alembert (۱۷۱۷-۱۷۸۳)
(٥) Montesquieu
(٦) Lettres persanes
(۷) کتاب‌مذکوربسال ۱۳۲۲شمسی‌درتهران‌توسط آقای علی‌اکبرمهتدی‌به‌فارسی ترجمه و بوسیلهٔ چاپخانهٔ مجلس طبع گردیده است

در این کتاب از فلسفهٔ وضع قانون و تأثیر آن در اجتماع و ارتباط آن با محیط و اخلاق و کلیهٔ شئون زندگانی بحث میکند و محاسن حکومت مشروطه را که در آنزمان درانگلستان برپا بود با فساد حکومت استبدادی که درفرانسه وجود داشت مقایسه مینماید ومبانی و اصول حکومت را تشریح وتوصیف میکند . بهمین‌جهت روح قوانین در نزد عموم مطبوع افتاد و از نویسنده تشویق و تقدیر بعمل آمد ودرافکاربزرگان اروپاوامریکا وطبقات تحصیل کرده تأثیرزیاد کردو آزادیخواهان از آن بهرهٔ وافر بردند و در فراهم کردن مقدمات انقلاب فرانسه یکی از عوامل مؤثر شد .

در دورهٔ مذکورمهمترین شخصی که برخاست و علمدار توده شد روسواست که طبیعت دوستی (۱) را مرام و مسلك خود اعلان کرد . بموجب این مسلك عقل بشرنمیتواند همیشه راهنمای وی باشد بلکه‌بهترین رهبر احساسات وعواطف اوست که مظهر واقعی طبیعت می‌باشند . روسو بواسطهٔ عواطف شدیدی که داشت از راه همدردی نسبت بمردم برضد نامساواتی که درمیان طبقات خلق مشاهده میکردقیام نمود و ایمان خود را نسبت بطبیعت انسان و تودهٔ مردم و کفایت واستعداد آنان در تعیین سرنوشت خویش اظهار داشت . ازاینرو میتوان ویرا نخسین پیشوای معتقد بحکومت ملی در اروپا دانست . نفوذ او در آموزش و پرورش باندازه‌ای است که آشنائی بزندگانی و آثار او ضروری است .

زندگانی روسو ژان ژاك روسو (۱۷۷۸-۱۷۱۲) در ژنو از شهرهای سویس که مرکز کالون‌ومذهب‌پرتستان‌است‌بجهان‌آمد.پدرش‌ساعت ساز و اصلا فرانسوی وشخصی خوش گذران بود و نسبت بپرورش فرزند دلبستگی زیاد نداشت . مادرش که زنی بسیارحساس بود هنگام زادن اودر گذشت . پرورش‌او بدست عمه صورت گرفت . ازهشت تا ده سالگی دردهکده‌ای‌نزدیك ژنوتربیت یافت و عشق طبیعت که از زیبائی زادگاه او ایجاد شده بود نیرو گرفت . تا سن شانزده

(۱) Naturalisme

سالگی بی‌مربی وسرپرست درسویس بسربرد سپس بجهان گردی پرداخت . مناظر فرح بخش ساوا (۱) که گذرگاهش بود دروی تأثیرفراوان نمود . در تمام این مدت برای گذران بنوکری وپست‌ترین‌خدمات اشتغال جست وبا بینوایان وستمدیدگان تماس پیداکرد و از حال آنان آگاه شد .

سرانجام‌خود رابپاریس رسانیدودر آنجا رحل اقامت افکند .

روسو
(۱۷۱۲-۱۷۷۸)

بنابر آنچه گذشت‌نخستین بخش زندگانی روسور احساس‌وعاشق‌طبیعت وهمدردبینوایان نمود . محیط آن زمان نیز عشق به طبیعت و سادگی را تقویت میکرد چه در آن هنگام استبدادفرمانرواوهمهٔ کارها دردست درباریان بود . تقرب بآنان درسایهٔ آئین و آداب ورسوم ساختگی امکان پذیر میشد . بهمین جهت در طبقات برجسته این‌تشریفات بحد کمال رسوخ داشت ولی‌برای آزادمردان عذابی‌الیم بود ـ بویژه که دربرابر آنان تمام طبقات دیگر در زیر فشار و بیدادگری بودند و میبایستی همه رنج برند ونتیجهٔ کار آنها بصورت باج و ساو عاید دسته‌ای تبه خوی گردد . در چنین محیطی‌این عقیده پدیدآمد که‌آداب وتشریفات تصنعی راانحراف از طبیعت بوجود آورده است و در فوق تمام قوانین و مؤسسات قانون طبیعت قرار دارد که با خواست خدایکی‌است . دراینصورت روسو که هم حساس وطبیعت دوست بود و هم نامعتاد بخویشتن داری و بی‌اختیار در اظهار نظر، پیش‌افتاد و آنچه خود و دیگران حس میکردند به نیکوترین بیان تقدیر کرد وافکار انقلابی و طبیعی را بروی کاغذ آورد و بدان صورت خارجی داد .

(۱) Savoie در جنوب شرقی فرانسه

نخستین آثار او

در ۱۷۵۰ روسو رساله‌ای نوشت که بزودی موجب شهرت وی شد. سال قبل فرهنگستان شهر دیژن [۱] این موضوع را بمسابقه گذارده بود که « آیا پیشرفت دانش و هنر مایهٔ تهذیب اخلاق شده است یا مورث تباهی آن ؟ » روسو با بیانی پرازصدق و صفا ظلم وفساد جامعه را معلول تمدن‌اعلام کردو گوی‌سبقت راربود. سه سال‌بعد درمسابقهٔدیگری که فرهنگستان مذکور راجع به « منشاء عدم مساوات میان بشر » ترتیب داد روسو فائق آمد در مقاله‌ای که این بارنوشت‌بسط تمدن‌راموجب عدم تساوی ذکرنمود واظهارداشت که تشخصات وتبعیضات از آنجا بوجود آمده و باعث پیدایش‌اصل‌مالکیت گردیده‌است.

از این پس روسو ازپاریس بیرون شد ودردهکده‌ای اقامت گزید ودر ۱۷۵۹ رمان معروف « هلوئیز جدید » [۲] رانوشت. سه‌سال‌بعد کتاب قرارداداجتماعی [۳] و کتاب‌مشهوررراجع بآموزش وپرورش را بنام امیل [٤] انتشارداد که موجب شورش بزرك در فرهنك جهان شد و ملخص آن در اینجا ذکر میشود.

امیل

امیل‌نام کودکی‌است که روسومطابق‌نظریات خویش پرورش میدهد ـ از زمان تولد تا سن رشد. کتاب با این اصل اساسی آغاز میشود که « **هرچه ازدست‌آفرینندهٔ جهان بیرون آید نیکواست ولی‌همه چیز دردست مردمی تباه گردد** » و به‌پنج‌بخش‌تقسیم‌میشود. چهاربخش‌نخست شرح پرورش امیل است در دوره‌های مختلف عمر و دربخش پنجم از وضع پرورش دختری گفتگواست که باید باامیل ازدواج نماید. مشخصات هردوره از روی‌امیال و غرائز امیل معین میشود.

در بخش نخست تربیت امیل ازهنگام‌زادن تا پنجسالگی‌تشریح شده‌است.

---

(۱) Dijon

(۲) La Nouvelle Héloise

(۳) Contrat Social

(٤) Emile کتاب مذکور توسط شادروان‌غلامحسین زیر کزاده بفارسی ترجمه ودر ۱۳۲۸ جزء انتشارات دانشگاه تهران بطبع رسیده است.

دراین دوره بیشترمیل اوبحرکات واعمال بدنی است وازاینروبایدش در محیط ساده و آزادوسالمی قراردادوالبته چنین محیطی دردهکده فراهم میشود که هم در آغوش طبیعت است و هم دور از نفوذ و آثار تمدن. مادر باید ویرا شیردهد. هیچ چیز چون لباس تنك و دراز و کلاه و مانند آن نباید حرکات طبیعی او را مانع گردد. در گرمابه باید بدرجات مختلف آب معتاد شود. هیچ عادتی نباید در وجود او متمکن گردد زیرا عادت برخلاف طبیعت است. «تنها عادتی که باید بدان خوی گیرد اینست که معتاد بهیچ چیز نشود». اسبابهای بازی او نبایداز سیم و زر وبلور ومانندآن باشد بلکه از محصولات سادهٔ طبیعت چون شاخهٔ درخت با گل ومیوه ـ خشخاش ونظایر آن. بایدبا زبانی ساده و طبیعی با وی سخن گویند و نباید شتاب کنند تـا زودتر بزبان آید. شمارهٔ واژه هائی راکه میداند باید محدود نگاهداشت ولی تمام آنها بایدبرای اوبامعنی باشد بطورکلی دراین دوره منظورازتربیت تنها این خواهدبود که **غریزه ها و امیال کودك که طبیعة نیکو است از بدی محفوظ ماند و برای حرکات و اعمال بدنی که خواهانست مقتضیات فراهم گردد**.

بخش دوم کتاب راجع است بدوره‌ای که ازسن پنج آغاز و تادوازده سالگی ادامه دارد. این دوره امیل است باشیاء دست زند ـ آنها راببیند و رویهمرفته حواس خود را بکار بـرد. پس در ایـن دوره **پرورش حواس او باید پرداخت** زیرا هرچه بذهن اومیرسد ازراه حواس است ونخستین آموزگار دست وپای اوچشم است. برای رسیدن بدین مقصودامیل باید کم جامه دربر کند ـ آنچه میپوشد کوتاه و گشاد باشد ـ باسرباز بیرون رود و کلاه بر سرنگذارد ـ تنش بسرما و گرما آشنا شود و سختی ومشقت را تحمل نماید. دراین دوره بایدشنا کردن وجست وخیزنمودن واز دیوار بالا رفتن و کوه پیمائی را بوی آموخت. ازراه حوادثی که طبیعة پیش میآید چشم و گوش رابایدباندازه گرفتن وسنجش وزن وتخمین زدن بلندی وفواصل عادت داد. روسو معتقد نیست پیش از رسیدن بسن مقتضی مطالب بسیار بکودك آموزند

چنانکه در دورهٔ دوم تاریخ وجغرافیا وزبان خارجه راکه اطفال بدون فهمیدن بیاد میسپارند بیهوده میداند و تنها تعلیم خواندن را سودمند میشمارد .

زندگانی اخلاقی طفل از همین دوره آغاز میشود و **ازهمین وقت است که شخصیت معین پیدا کرده آمادهٔ خوشبخت یا بدبخت شدن میگردد.** روسو معتقد است که نباید دراین دوره حال رافدای آیندهٔ نامعلوم کرد و کودك رادرزنجیرهای گوناگون اسیر و بدبخت نمود بخیال اینکه برای فردایش سعادت موهومی فراهم شود . پدرو مادر ومعلم برای طفل باید حق شادی وسرور قائل شوند ومقتضیات خوشی وخرمی او را آماده سازند . ملاحظه کنید با چه قدرتی از این حق سخن رانده :

« کودکان را دوست بدارید . نسبت ببازیها ولذتها و غرائز آنان کمك کنید. کیست ازشما که بعضی اوقات تأسف آن ایام را نخورده باشد که خنده برلب فراوان و آرامش در روح حکمفرماست ؟ چرا میخواهید این کودکان معصوم را ازاستفادهٔ زمان کوتاهی که بزودی ازدست میرود وبرای آنها اینقدر گرانبهاست محروم کنید؟ چرامیخواهید این سالهای تندگذر راکه نه برای آنان برگشت دارد نه برای شما از تلخی و درد پر کنید ؟

ای پدران ، آیامیدانید کی مرك کودکان شمارا خواهد ربود ؟پس از حالا بواسطهٔ محروم کردن آنها از دقایق کمی که دارند برای آیندهٔ خویش غم و اندوه فراهم نکنید بلکه بگذارید هر وقت میتوانند خوش باشند وطوری کنید که هر زمان پرورد گارتوانا آنها رابجهان دیگرخواست بدون چشیدن مزهٔ زندگانی دعوت وی را لبیك نگفته باشند » (۱)

چون دراین سالها امیل ناچار باجامعه تماس ونزدیکی پیدا میکند عملا باید معنی مال ومالکیت رابدوفهماند وازاخلاق ورفتارچیزی آموخت . درس اخلاق نباید از راه زبان و گفت وشنود تعلیم شود بلکه باید گذارد امیل نتایج کارهای خویش را شخصاً ملاحظه کند تا زمانیکه بسن رشد رسید پی بمبانی اخلاق برد . اگر پنجره

(۱) کتاب امیل-چاپ لوگراند Legrand صفحهٔ ۵۷ (کتابفروشی لاروس)

یا اسباب آنرا شکست باید گذارد ناراحتی که نتیجهٔ آنست بکشد . بجای اینکه ویرا برای دروغ گفتن تنبیه کنید یاپند واندرزدهید پس ازاینکه دروغ گفت چنین وانمود کنید که سخنش راباور ندارید ـ گر چه راست هم باشد . اگر بوتهٔ خربزه را کند تابرای خویش بجای آن لوبیا بکاردبگذارید باغبان بنوبهٔ خودلوبیای اورابکند تامعنای مالکیت را دریابد .

بین سن ۱۲ و ۱۵ نیروی فکری کودك بیشترازمیل وغریزهٔ اوست چه دراین موقع کنجکاوی بسیار راجع بفهمیدن آثارطبیعت و مطالب عقلی نشان میدهد . این دوره موضوع **بخش سوم کتاب ودورهٔ کارودانش آموختن است** . چون درمدت سه سال چیز زیادی نمیتوان آموخت روسو معتقداست بمطالبی اکتفا شود که **سودمند** باشد وازاینروهرچه برای امیل نفهمیدنی وبی فایده است ازبرنامهٔ تحصیلات اوحذف میکند وباقی میماند **علوم طبیعی** و درودگری ومبل سازی .

برای آموختن علوم طبیعی روسو طبیعی ترین روش را در این میداند که از امیل پرسشهائی درحدود فهم او کنند و آزادش گذارند تافکر کند و جواب گوید . معلوماتی که دارد نباید ازراه تلقین معلم بلکه ازراه تفکروتفهم خود وی پیداشود . علوم طبیعی را نباید بدو آموخت بلکه باید خود وی را بکشف آن واداشت واین نیز از کنجکاوی امیل و دلبند کردن وی بپژوهش بدست آید . مثلا بـرای آموختن جغرافیا و هیئت بجای اینکه کره ونقشه و وسایل دیگربکار رود طبیعی ترآن است که امیل را بمشاهدهٔ برآمدن وفرورفتن آفتاب در فصل های مختلف تشویق کنند و از مسائلی که راجع بمحیط وزندگانی او پیش میآید استفاده نمایند ـ بگذارند در جنگل گم شود تا برای پیدا کردن راه قدر وقیمت وطریق بکار بردن نقشه را کشف کند ـ بوسیلهٔ آزمایش تأثیر گرما وسرما را دراشیاء ببیند تا از ساختمان و طرز کار میزان الحراره آگاه شود .

روسومعتقد بکتاب درسی نیست زیرا این کتابها « یادمیدهند ازمطالبی سخن برانیم که نمیدانیم چیست » وتنهایك کتابرا برای خواندن امیل برمیگزیندو آن کتاب

روبین سن کروزه (۱) است .

بخش چهارم امیل راجع است بپرورش اوبین پانزده وبیست‌سالگی. دراین دوره احساسات جنسی اوظاهر میگردد وباید ویرا تربیت وراهنمائی‌نمود زیرااساس روابط اخلاقی‌واجتماعی‌اودراین مدت گذارده میشود . ازاین پس که امیل‌بمصاحبت نیازمنداست تنهانیست وباید طرز زندگانی بادیگران را بدوآموخت - با اخلاق و بامهر وبا ایمان بمبادی‌مذهبی‌بارش‌آورد . دراینجا نیزباید **طریق طبیعی** رابکاربرد امیل‌را باید گذاشت بامردم‌آمیزش کند واحساساتش‌را برانگیخت - چند بیمارستان وزندان بوی نشان داد تا ازبدبختی ومصائب دیگران‌آگاه شود - ببررسی تاریخش واداشت تازندگانی‌مردمان گذشته را بی‌دخالت هوا وهوس‌ازمد نظربگذراند-افسانه و داستان برای خواندن او معین کرد تا نتیجهٔ کار زشت را در مردمان و جانوران ملاحظه کند .

در بخش پنجم روسو بپرورش دختری پرداخته که صفیه نام داردوبایدباامیل ازدواج کند . دراینجا زنرا تنهامکمل طبیعت مردمیداند وبرای‌اوشخصیتی‌جداگانه قائل‌نیست . زنهارا باید مانند مردان جسماً تربیت کرد - نه از لحاظ رشد خودآنها بلکه ازبرای زیبائی وتولید کودکان‌نیرومند . ازمیل طبیعی‌آنها بآرایش‌بایداستفاده کرد وبآنها درزی گری وقلاب دوزی ونقاشی وامثال‌آن را تعلیم‌داد . ساز وآوازو رقص‌را باید بآنهاآموخت تابتوانند جلب توجه ازمرد کنند . ازکودکی‌بایدآنهارا کاملافرمانبرداروپارسا بارآوردوترتیبی‌اتخاذ کرد که بدون گله سختیها وناملایمات

---

(۱) روبین سن کروزه Robinson Crusoe نگارش دفو Dcfoe انگلیسی . روبین‌سن کروزه در سفری که در دریاهامیکند کشتی‌غرق میشود و او خودرا بجزیزه‌ای میرساند ودرآنجاتمام وسایل زندگانی را برای خویش تهیه می کند . نیازهای آدمی و راه رفع آنها بنحوبسیارساده ای در این کتاب بیان شده که برای کودکان فهمیدن آن بسیارآسان است . درنتیجهٔ‌توصیهٔ روسوچندکتاب دیگر بتقلید روبین سن کروزه درنقاط دیگراروپا مانندآلمان وسویس نوشته شد .

ملخص کتاب روبین‌سن کروزه راآقای اقبال‌یغمائی (ازترجمهٔ فرانسه‌آن) بفارسی نقل ودرمرداد ۱۳۳٤ طبع کرده‌اند .

را تحمل کنند تا در صورتی که دوچار شوهر ناسازگاری شدند باوی سازش کنند.

محسنات و معایب کتاب

در این کتاب پیشنهادهای غیرمنطقی و تضادگوئی فراوان دیده میشود. روسو گاهی خوش بین و هنگامی بدبین است. جامعه را تباه میداند ولی بخوبی افرادی که آنرا تشکیل داده‌اند ایمان دارد. برای غریزه‌ها و واکنشهای امیل آزادی را لازم میشمارد ولی درعین حال ازلله‌ای سخن میراند که ویرا زیر نظر گیرد. باوجود تناقضهای مذکور امیل پیوسته یکی از کتابهای مهم وسودمند بشمار آمده است. افکارعالی وفلسفه‌ای که دربسیاری ازپیشنهادهاموجوداست ـ حقایقی که‌متذکرشده ـ استمدادازاحساسات کودك و شور وعشقی که درخلال سطور هویداست همه دلالت برطبع نقاد و وسعت ذهن روسومیکندو کتاب امیل‌رادرردیف‌بزرگترین کتب‌تربیتی قرارمیدهد.

یکی‌ازمهمترین‌مشخصات کتاب اینست که پیوسته‌برضدتربیت اجتماعی‌سخن میگوید وامیل را تا پانزده سالگی درآغوش طبیعت و دور ازجامعه پرورش میدهد وتنها از سن مذکور ترتیبات و وسایل غیرعملی و انجام ناپذیر برای تماس نکردن وی‌باجامعه برمی‌انگیزدوفلسفهٔ عمدهٔ این‌روش‌را بدی وتباهی‌جامعه قلمداد میکند. البته ممکن است جامعه بد وتباه باشد و یا متحجر بماند ولی همین جامعه است که نتایج تمدن بشر و ترقیاتی که در هزاران سال بدست آمده نگاهداشته وبما تحویل میدهدونمیشود کودك را خارج ازنفوذ آن‌نگاهداشت وازتمتعات آن‌بی‌بهره گذاشت. علت اظهار چنین عقیده‌ای آنست که روسو ملتفت اوضاع واحوال زمان خود بوده و مردم‌را نسبت بتشریفات‌و آداب‌ورسوم ساختگی‌وظاهرسازی‌وتصنعات وسنن‌وسوابق زیاده ازحد متمایل ومعتاد میدیده وتنها راه درهم شکستن آنرا دراین پنداشته که درعقیدهٔ خود افراط کند وراه مبالغه پیماید تاتوجه همه را بسوی خود جلب کندو منظورخویش‌را پیش برد.

خلاصهٔ افکار روسو

افکار روسورا میتوان بترتیب زیرخلاصه وخاطرنشان کرد:

۱ - فهم واستدلال و پژوهش باید جانشین‌اقوال وآراء و عقاید مشایخ وقدما شود .

۲ - بتدریج که قوای مدرکهٔ طفل رشد میکند تربیت باید باقوای مذکورو استعداد ذاتی اوتطبیق وسازگارشود .

۳ - درهرسنی از طفل اعمال و حرکاتی سر میزند که برای‌آن سن عادی و طبیعی‌است وتربیت باید همان حرکات واعمال را دنبال وازآنها استفاده کند .

٤ - تربیت بدنی وبهداشت باید در درجهٔ اول اهمیت قرارداده شود .

٥ - تعلیمات ابتدائی‌بایدبیشترازراه محسوسات‌وبکاربردن حواس صورت گیرد تا ازراه حافظه .

٦ - درتعلیم وتربیت اتکاء زیاد بحافظه وفشارآوردن برآن بکلی‌اشتباه است و مانع رشد قوهٔ تمیز وقضاوت وقوهٔ استدلال کودك میشود .

۷ - نوع وطرز تعلیم یسوعیان وبحافظه سپردن شرعیات باید متروك شود .

۸ - تحصیل یزدان شناخت وآموختن‌دقایق‌حکمت الهی‌مناسب بافهم وادراك و احتیاجات کودك نیست .

۹ - ازعلاقه وتمایلات وعشق‌طبیعی و کنجکاوی وحرکات طفل باید درتربیت اواستفاده شود .

۱۰ - لازمهٔ اعمال وحرکات طفل اینست که‌آنهارا ظاهر ونشان‌دهد وبهترین وسیلهٔ استفاده ازاعمال مذکور محاوره ومکالمه و نوشتن ورسم ونقاشی وموسیقی و بازی است .

۱۱ - تربیت نباید منحصر به تعلیم زبان و ادبیات بشود بلکه باید مبتنی بر محسوسات وبیان مکنونات و استدلال باشد .

۱۲ - لازمهٔ چنین تربیتی‌اینست که از کتاب طبیعت استفاده کند وجغرافیای خانه ومسائل ابتدائی درعلوم طبیعی وریاضی مقام مهمی‌را حائزباشد .

۱۳ ـ هدف صحیح و مناسب تعلیم و تربیت آنست که طفل پیوسته در مد نظر باشد نه مواد برنامه ـ زندگانی درهمین دنیا نه دنیای آینده ـ رشد قوهٔ فهم و استدلال نه پر کردن حافظه.

۱٤ ـ تعلیم و تربیت باید جنبه های مختلف و متنوع داشته باشد تا استعداد طفل ظاهر و دروس محـدود کلاس جبران و برای زندگانـی و تحـولات حیات آماده شود.

تأثیرات روسو علاوه بر شکستن قید و عادت مردم نسبت بآداب و رسوم صوری روسو تأثیرات بسیار در آمـوزش و پـرورش نموده است. انتقادات شدید او موجب بیداری جامعه شد و درفرهنك ومدارس بسیاری از عقاید او رسوخ کرد که اکنون نیز آشکار وهویداست.

ازلحاظ اجتماعی تبلیغات روسو راجع بآموختن هنر وکاردستی بافراد که آنانرا درگذران مستقل کند وبواسطهٔ فراهم شدن موجبات زندگانی نسبت بدیگران خوشبین ومساعد سازد باعث شد که دانشمندان آموزش وپرورش چون پستالزی(۱) وهربارت(۲) وفربل (۳) عقاید ویرا پسندیده ازاواقتباساتی کردند وازآن پس مدرسه وتربیت بیشتر برای تأمین آسایش مردمی شد.

توجهی که اکنون در جهان به تربیت حرفه ای میشود ـ تعلیمات اخلاقی ـ پرورش اطفال ناقص کم وبیش از تعلیمات روسو درامیل اخذ واقتباس گردیده است.

ازلحاظ علمی چون روسو مخالف معلومات کتابی وتجربیات زمان پیشین بود و مشاهده وبررسی طبیعت را پیوسته تأکید میکرد ونسبت بدین امر مفصلا ومشروحاً راه هائی در امیل پیشنهاد نمود کمك مهمی به ورود مواد علمی و تاریخ طبیعی در برنامهٔ مدارس کرد.

---

(۱) Pestalozzi

(۲) Herbart

(۳) Froebel

ازلحاظ روانشناسی عقیدهٔ روسو که آموزش وپرورش باید مطابق عشق و ذوق طبیعی کودك باشد اهمیت بسیار داشت. در دیباچهٔ امیل مینویسد:

«ما کودك را نمی شناسیم و چون نسبت بوی عقاید باطل داریم هرچه پیشتر میرویم‌ازراه راست دورترمیشویم. خردمندترین‌ماها کسانی‌هستند که نیازسالمندان را درنظرمیگیرند غافل ازاینکه باید دانست کودکان کدام دانش‌را توانائی پذیرفتن دارند. ما همیشه تصورمیکنیم آدم کاملی درقالب طفل وجود دارد درصورتیکه باید دانست این موجود پیش ازبزرگ شدن چیست... نخست باید شاگردان را کاملا مورد بررسی‌قرارداد زیرا بدرستی راجع بآنها اطلاعاتی دردست نیست» (۱). بدین ترتیب روسوشخصی است که مطالعه دروجود کودك راکه امروزازمسائل‌مهم‌تربیتی است درآن زمان پیش‌چشم داشته واصل جدیدی در اصول تربیت وارد کرده است. بعلاوه بواسطهٔ تقسیماتی که درسن امیل قائل‌شده نشان داده است که هردوره‌ازرشد طفل مشخصاتی‌دارد وباید مطابق مقتضیات آن دوره عمل کرد تابحد تکامل رسد. تا زمان روسو کسانی که درفرهنك صاحب نظربودند این عقیده را داشتند که درس و تکلیف هرچه کمتر موافق ذوق کودك باشد و کودك هرچه کمتر بدان رغبت کند اهمیت وارزش آن برای تربیت بیشتر است. روسو بطلان این عقیده را ثابت نمود و نشان داد که برنامه وروش آموختن باید برحسب‌ذوق وشوقی که کودك دردوره‌های مختلف دارد معین گردد. بنابراین کنجکاوی‌وعشق طفل باید محرك اوبتحصیل‌باشد وازاین حیث روسوراهرابه پیروان هربارت نشان داده است. پرورش تن وحواس که در دوره های نخستین رشد باید مورد توجه باشد تا اساس تربیت بعدی وی تأمین گردد نیز از عقاید بکر و بدیع روسو است و از این حیث در افکار پستالزی برای آموختن علم اشیاء ودرنظریات فربل برای عمل وفعالیت اطفال‌درمدرسه تأثیربسیار داشته است.

بطورکلی‌میتوان‌روسورا موجد جنبشهائی‌دانست که روانشناسی‌را درآموزش

(۱) کتاب امیل ـ چاپ لوگراند صفحهٔ ۱۶

و پرورش نوین پایه و اساس قرار داده روشهای تربیتی را برعشق و کنجکاوی وبکار انداختن فکر وحواس وبدن طفل گذاشته‌اند . بدیهی‌است روسوازراه علمی‌دراحوال کودکان بررسی ننمود بلکه بواسطهٔ مهر و عنایتی که بطفل داشت توانست خود را بجای وی تصور کند وازدریچهٔ چشم اوجهان را بنگرد . روش علمی در روانشناسی تنها اززمان هربارت آغازشد که شرح آن بعد خواهدآمد .

انتشار عقاید روسو

چنانکه گفته شد روسو در تمام مسائل تربیتی تأثیر ونفوذ بسیارداشته وهزاران جلد کتاب برای رد وتصحیح وانتشار عقاید اوتا امروزطبع ونشرشده است . بیشتر جنبش های جدیدی که درسازمان فرهنك وروش آموزش‌وپرورش وبرنامهٔ تحصیلات پدیدآمده منشاء و ریشهٔ آن در کتاب امیل نمایان است و روسو است که ازلحاظ فکر پیشرو دانشمندان وپیشوایان بزرگ چون پستالزی وهربارت وفربل واسپنسرمیباشد .

در فرانسه عقاید روسو درمدارس منتشرنشد ولی دردرخواستهائی که مردم هنگام‌شورش‌بزرگ۱۷۸۹راجع‌بآموزش‌همگانی‌مجانی‌ورسمی ازدولت کردندوپایهٔ بیشترقانونها گردید نفوذ روسو کاملا هویداست .

در **امریکا** نیز افکار روسو موجب جنبشهائی شد که سرانجام منجر بتأسیس آموزشگاههای همگانی‌مجانی بخرج دولت گردید . در **آلمان** انتشارعقاید روسواز همه جا روشن‌تراست چنانکه ذیلا شرح آن خواهدآمد .

باسدو (۱)
(۱۷۲۳-۱۷۹۰)

تحصیلات وی دردانشگاه لیپزیك‌دررشتهٔ یزدان‌شناخت‌بود ولی در۱۷۶۳ کتاب امیل‌چنانش مفتون ساخت که باصلاح آموزش وپرورش کمربست . در۱۷۶۸ بوسیلهٔ رساله‌ای که راجع بمدارس نوشت واستمدادی که ازبزرگان نمود مبلغ کافی‌برای طبع دو کتاب گردآورد وپس‌ازشش سال کتاب درسی‌بعنوان «کارابتدائی» (۲) وتوأم باآن مجلد

---

(۱) Basedow

(۲) Elementarwerk

دیگری برای معلمان واولیای کودکان بنام «کتاب روش»[۱] طبع ونشر کرد. دراین دو کتاب بخشی از نظریات کمنیوس چون آموختن زبان لاتین مندرج است ولی طبیعت دوستی روسو وعقاید وی در دیگر بخشها آشکاراست.

بعدها نیز باسدو وچندتن از پیروان او کتابهای افسانه و داستان برای کودکان درحدود ذوق وفهم آنها بتقلید روبین‌سن کروزه که روسوسفارش کرده بود نوشتند. معروف‌ترین این کتاب‌ها «روبین‌سن کروزهٔ کوچك» و «روبین‌سن کروزهٔ سویسی» نام دارد.

دیگر از اقدامات باسدو این بود که بدستیاری تنی از شاهزادگان آلمان موسوم به لئوپولد در شهر دسو[۲] آموزشگاهی بنام مدرسهٔ مردم دوستی[۳] برپا نمود تاعقاید و نظریات خویش را در آن بکاربندد. شعار مدرسه این بود: **«همه چیز از روی طبیعت»**. برای اجرای این اصل فقط غرائز و ذوق وشوق طبیعی کودکان را راهنمائی میکردند نه اینکه درمقام خفه کردن ونابود نمودن آنها برآیند. کودکان را مانند سالمندان نمی‌پنداشتند وروش آموختن را مطابق بادرجهٔ فکر آنها برمی گزیدند. برای ازبین بردن آئین و آداب ورسوم ساختگی که در آنزمان معمول بود (چنانکه مثلا کودکان را مانند سالمندان جامه برتن میکردند وبزلف آنها پودر و روغن میمالیدند وهمان حرکات وتشریفات را از آنها انتظارداشتند) وبرای نزدیك شدن بطبیعت جامهٔ ملوانان باشلوارفراخ ویخهٔ برگردان بکودکان پوشاندند وموی آنهارا کوتاه کردند.

با اینکه باسدومعتقد بتعلیم وتربیت عموم مردم ومساوات بود معذلك شاگردان توانگررا ازدرویش جدا ساخت: توانگران را روزی شش ساعت دانش آموخت و دو ساعت بکار دستی واداشت و درویشانرا روزی دو ساعت بتحصیل گماشت وشش ساعت

---

(۱) Methodenbuch

(۲) Dessau

(۳) Philanthropinum

بکاردستی مشغول گرداند . با این حال بهمهٔ آنها مطابق دستور روسو (در بخش سوم امیل) درود گری آموخت وورزش وبازی نیز جزو برنامه بود .

باسدو برنامهٔ مفصلی درنظر گرفته بود که بدستورتحصیلات کمینوس شباهت داشت . مهمترین وجه تشخیص مدرسهٔ وی **رعایت ذوق وشوق کودك** بود که خود مایهٔ بهبودی روش آموختن گردید . زبان خارجه ولاتین را ازراه گفت وشنودوبازی وتصویر ونمایش وخواندن داستانهای دلکش میآموختند (مونتنی ولك و کمنیوس نیز این روش را پیشنهاد کرده بودند ولی قبل ازباسدو کاملا بکار بسته نشده بود). حساب را بطریق ذهنی تدریس مینمودندوهندسه را بوسیلهٔ رسم اشکال . برای آموختن جغرافیا ابتدا ازجغرافیای خانه آغازمیکردند .

آموزشگاه مردم دوستی شهرت بسیاریافت واشخاص بزرگی چون کانت (۱) آنرا بسیارستودند . باسدونظر بتندی اخلاق درسرپرستی آن باقی نماند و در ۱۷۹۳ تعطیل شدولی مدارس متعدد مانند آن در کشورهای آلمان بوجود آمد که معروفترین آنهارا معلمان آموزشگاه مردم دوستی و پیروان باسدو برپا کردند و نفوذ فراوان در فرهنگ آنزمان نمودند ومحرك روش جدید تربیت گشتند بویژه موجب شدند که **کاردستی وتعلیمات فنی** نیز در دیگر کشور ها چون فرانسه و سویس داخل برنامه شد . باین ترتیب طبیعت دوستی روسو وتوجه اوبهنر و کاردستی تا اندازه ای بصورت عمل درآمدوراه را برای پیشوایان آموزش وپرورش نوین که بعدآمدند مانند پستالزی و هربارت وفربل باز کرد .

---

(۱) Kant فیلسوف نامی آلمان (۱۸۰٤ ـ ۱۷۲٤)

فصل نهم

توجه بروانشناسی

در قرن نوزدهم چند تن از دانشمندان اروپا مسلك طبیعت دوستی روسو را دنبال کرده نظریات اورا بکار بستند و در نتیجه توجه خاص بروانشناسی نمودند و پیشرفت بزرگ در آموزش و پرورش ایجاد کردند. نخستین پیشوائی که جانشین روسو شد وبرای عقاید منفی اوقواعد مثبت وضع کرد پستالزی بود. پستالزی نشان داد که جامعهٔ فاسد و پرازساختگی را بوسیلهٔ پرورش نیکو باید بهبودی بخشید و پایهٔ این تربیت را بر روانشناسی گذارد. نظر بتأثیر فراوانی که درفرهنك کنونی از اومشهود است باید مختصری ازشرح حال وعقاید وخدمات اورا دراینجا بمیان آورد.

پستالزی
(۱۷۴۶-۱۸۲۷)

پستالزی [۱] بسال ۱۷۴۶ در زوریخ (سویس) بجهان آمد وبواسطهٔ مرگ نابهنگام پدر بدست مادرش که زنی پارسا ونوع پرور بود پرورش یافت. درنتیجهٔ این تربیت وتأثیر پدر بزرگش که درآن سامان بشغل روحانیت روزگار میگذرانید پستالزی بفکر افتاد روستائیان پیرامون مسکن خودرا ازحال فلاکت وبدبختی بیرون آرد. نخست یزدان شناخت خواند تا از راه روحانیت وسرپرستی اموردینی بمقصود خویش رسد وچون کامیاب نگشت بتحصیل حقوق پرداخت بامید اینکه ازحقوق مردم دفاع کند

---

(۱) Heinrich Pestalozzi

ولی بواسطهٔ خواندن کتاب « قرارداد اجتماعی » و «امیل» روسو متوجه معایب و نواقص حکومت وقت شد وازدولت سخت انتقاد کرد ومجبورشدازسیاست کناره گیری کند . برای پیش بردن فکرخویش خواست از راه اصلاح طرق کشاورزی مردم را راهنمائی کند . باین نظر در۱۷۶۹ نزدیکی شهربیر [۱] قطعه زمین‌بایری‌رابر گزید و آنرا «قلعه نو» [۲] نامید لیکن بواسطهٔ آشنا نبودن باقتصاد پس‌ازپنج‌سال مجبور شدآنرارها کند . دراین گیرودار پسری‌پیدا کرد وخواست ویرامانند امیل‌بار آورد وهمین کار برای اوافکارتازهٔ بوجود آورد .

در ۱۷۷٤ بیست کودك مستمند بر گزید وعهده‌دار تمام هزینهٔ آنها از غذا و لباس‌شدونخستین آزمایش‌خودرا درآموزش‌وپرورش آغاز کرد . پسران‌راکشاورزی عملی‌وباغبانی آموخت ودختران را بکارهای خانگی ودوخت ودوز گماشت . پیش‌از آموختن سواد سخن گفتن بآنان یاد داد وآنهارا وادار بحفظ انجیل کرد . سواد را در ضمن کارهای عملی بآنها تعلیم کرد وهمین مسئله باوفهماند که‌آموزش فنی را با دروس معمولی‌میتوان ترکیب کرد . پستالزی در این کارسخت کامیاب شد وبهبودی بسیار درتمام کودکان‌مشاهده گردید . ازینروبرشمارهٔ آنها افزود ولی‌نتوانست‌هزینهٔ همهٔ آنانرا بپردازد وبسال۱۷۸۰ ورشکست شد .

دراینموقع افکارخودرا برشتهٔ تحریر درآورد ودر۱۷۸۱ کتابی‌بنام لئونارد و گرترود [۳] منتشرساخت . دراین کتاب بینوائی‌مردم‌دهکده‌ای‌راتشریح کرده‌نشان میدهد چگونه کوشش‌ها ومجاهدت‌های گرترود که زن سادهٔ روستائی است شوهر همیشه مست‌خودراد گرگون میسازد ـ فرزندان وی‌تربیت میشوند ـ تمام‌روستائیان زیرنفوذ او قرارمیگیرند و از او تقلید میکنند . آنگاه‌آموزگاری بدهکده‌آمده از اومدرسه داری میآموزد . دولت در این کار دل می‌بندد وپس از مشاهدهٔ بهبودی احوال معتقد میشود که تمام کشور ممکن است بواسطهٔ تقلید از دهکدهٔ مذکور

(۱) Birr واقع درسه فرسخی شمال غربی زوریخ .
(۲) Neuhof
(۳) Léonard et Gertrude

اصلاح گردد.

یتیم خانه

شورش فرانسه موجب‌شد که‌در۱۷۹۸نواحی‌مستقل سویس تبدیل‌بیك‌جمهوری گردیدوبتصرف‌فرانسه‌درآمد.پستالزی از زمام داران فرانسوی درخواست کرد محلی برای بکار بستن نظریاتش باختیار او گذارند : آنان نیزدهکدهٔ استانز (۱) راکه درجنوب‌دریاچهٔ لوسرن است برای‌این کارمعین کردند. مردان این ده بواسطهٔ ایستادگی در برابر فرانسویان کشته شده و فرزندانشان بی سرپرست بودند. پستالزی یتیم خانه‌ای درآنجا برپا کرد وبتربیت آنها مشغول شد و بزودی بهبودی محسوسی در تندرستی و اخلاق و فکر آنها پدیدار گشت.

چون اثاثیه و کمك و کتاب‌برای پستالزی‌فراهم نگردید برآن شد که ازراه **تجر به ومشاهده** یتیمان را تربیت کند وروش مشاهدهٔ او که بعدها معروف شد از همین‌جا آغاز گردید. مثلا بجای آموختن اخلاق ودین ازراه پند و اندرز ، ازآنچه دریتیم‌خانه رخ میداد استفاده میکرد واهمیت‌خویشتن‌داری ونوعپروری وهمدردی و سپاسگزاری را خاطرنشان میساخت. اعداد وشمار و واژه ها را ازراه نشان دادن اشیاء می‌آموخت. تاریخ و جغرافیارا ازراه گفت و شنود ونقل تعلیم میداد. تاریخ طبیعی را نخست تدریس میکرد سپس دانش آموزان را وامیداشت بوسیلهٔ مشاهده بدرست بودن‌مطالب‌پی‌برند. برای‌آموزش‌خواندن کتاب کوچکی‌نگاشت‌وتاتوانست آنرا ساده ومختصر کرد. کارهای دستی‌راکه بعقیدهٔ وی موجب پرورش‌فکرمیشود دریتیم‌خانه داخل نمود وبادروس نظری توأم وترکیب کرد.

دربورگدورف(۲)

پیش‌ازاینکه سال بپایان رسد پستالزی مجبور شد محل و عمارت یتیم خانه را بسپاه فرانسه واگذار کند. ازاینرو بواسطهٔ اقدام دوستانش نخست بمدیری‌آموزشگاه سپس بمعلمی آموزشگاه دیگر درشهر کوچك بورگدورف گماشته شد.

---

(۱) Stanz

(۲) Burgdorf درچهار فرسخی‌شمال شرقی برن‌پایتخت سویس

در بورگدورف بواسطهٔ شأن و پایگاه بسیاری از اولیای شاگردان پستالزی مجبورشد از کارهای دستی‌وتعلیمات فنی که یکی‌ازاصول نظریات اوراجع به‌تربیت بود چشم بپوشد . درعوض بیشتربروش **مشاهده** که دومین اصل و نظریهٔ تربیتی وی بود پرداخت . درخواندن و حساب کردن تسهیلات بسیار وارد کرد ومراحلی برای آموختن این دوقائل‌شد . کتاب قرائتی که نوشته بود ودرصفحهٔ پیش‌بدان اشاره‌شد تکمیل نمود والفبای متحرك را اختراع کرد . مثلا سخن گفتن را از راه واداشتن شاگرد بمشاهدهٔ تصویر وشکل ونقاشی‌ورنك کاغذ دیوار کلاس وساختن‌جمله‌راجع بآنها که شاگردان بتقلید وی تکرارمیکردند میآموخت . برای حساب جدول‌های مختلف تعبیه کرد تایکان ومراتب ومعنای عدد و افزایش را برای کودکان‌محسوس کند واین کار را بوسیلهٔ شمارهٔ انگشت و لوبیا وریك وچیزهای دیگرتکمیل‌نمود . وقتی ازاوپرسیدند پایهٔ کار واندیشهٔ شما برچیست پستالزی جواب داد : «**میخواهم روش آموختن را مطابق اصول روانشناسی کنم**» البته مقصودش‌این‌بود که‌طرق آموزش وپرورش را مطابق قوانین رشد فکری ترتیب دهد و معلومات‌راساده‌ومدرج کند تاتمام طبقات مردم بتوانند فرزندان خودرا برطبق آن قواعد تربیت نمایند .

پستالزی‌باندازه‌ای‌درکارخویش کامرواشد که‌حکومت‌محل‌در۱۸۰۱ساختمان شهرداری را باختیار او گذاشت و کمك هزینه ای نیز برایش معین کرد . او نیز آموزگاران شایسته بکمك خواست ومدرسه‌ای بنام بنگاه بورگدورف برپا ساخت که تماشاگاه بزرگان شد ومورد تمجید همه واقع گشت .

هنگام‌زیستن‌دربورگدورف پستالزی‌نظریات خودراضمن کتابی‌بنام« چگونه گرترود فرزندان خودرا میآموزد» تشریح کرد . این کتاب درحقیقت عبارت‌است‌از پانزده نامه که پستالزی بیکی‌ازدوستان خود نوشته ومانند دیگرتألیفات اوطرح و نقشه ندارد ومیان بخشهای مختلف‌آن تناسب موجود نیست ومکررات بسیار دارد . از مجموع کتاب ، یکی از نویسندگان شرح حال او بنام مرف (۱) نکات زیر را استخراج کرده است :

Morf (۱)

۱ ـ مشاهده وبکاربردن حواس باید اساس آموختن قرار گیرد .

۲ ـ آموختن زبان باید بامشاهدهٔ اشیاء مربوط وتوأم باشد .

۳ ـ موقع یادگرفتن غیرازموقع انتقاد وقضاوت‌است. موضوع درس‌بایدبدواً مورد انتقاد و قضاوت قرار گیرد سپس بفراگرفتن آن اقدام شود .

٤ ـ درآموختن هررشته باید ازساده ترین جزو و عنصر آغاز کرد وبتدریج مطابق رشد کودك پیش رفت و مراحلی را پیمود که از لحاظ روان شناسی بـاهم مربوط باشند.

٥ ـ درهرمرحله بایدبکودك مهلت کافی‌داد تابرمادهٔ جدیدتسلط حاصل کند وآنرا نیکودریابد .

٦ ـ آموزش باید از روی رشد کودك تنظیم و ترتیب داده شود نه برحسب تقریرات مسلسل آموزگار .

۷ ـ معلم باید شخصیت شاگردرا محترم شمارد .

۸ ـ منظورعمده ازآموزش ابتدائی‌این‌نیست که کودك را هنرودانش آموزند بلکه غرض این‌است که نیروی فکری اورشد وتوسعه پیدا کند .

۹ ـ نیروی استفاده کردن‌ازدانش‌وقوهٔ بکار بستن معلومات باید با علم ودانش توأم وپیوسته باشد .

۱۰ ـ از لحاظ انتظامات رابطهٔ میان آموزگار وشاگرد باید برشالودهٔ مهر و محبت باشد .

۱۱ ـ آموزش وتعلیم باید تابع منظورعالی پرورش وتربیت باشد .

بنگاه ایوردن (۱) در۱۸۰٤ حکومت محلی‌ساختمان شهرداری را پس گرفت وعمارت پرورشگاه دخترانرا درمونخن بوخسی(۲) باختیار پستالزی گذاشت ولی پستالزی پس‌ازچند ماه بنگاه خودرا در۱۸۰٥ بشهر ایوردن انتقال داد . دراینجا بنگاه فوراً شهرت تام پیدا کرد . از راههای دور بدانجا شاگرد

(۱) Yverdon درگوشهٔ جنوب غربی‌دریاچهٔ نوشاتلNeuchatel

(۲) Münchenbuchsee واقع در دوفرسخی‌شمال شرقی برن

فرستادندوازهرسومعلمان ودانشمندان‌برای‌فراگرفتن روش نوین‌بدان‌محل‌شتافتند. ازکشورهای دور اروپا وامریکا پادشاهان و سرداران وبزرگان واستادان‌برای‌دیدن بنگاه به ایوردن رفتند وشهریاران مقتدرمانند تزار روسیه نشان‌وحمایل‌به‌پستالزی دادند. بزودی یك مدرسهٔ دخترانه ویك یتیم خانه ویك آموزشگاه برای لال و کر درنزدیکی‌بنگاه برپا گردید.

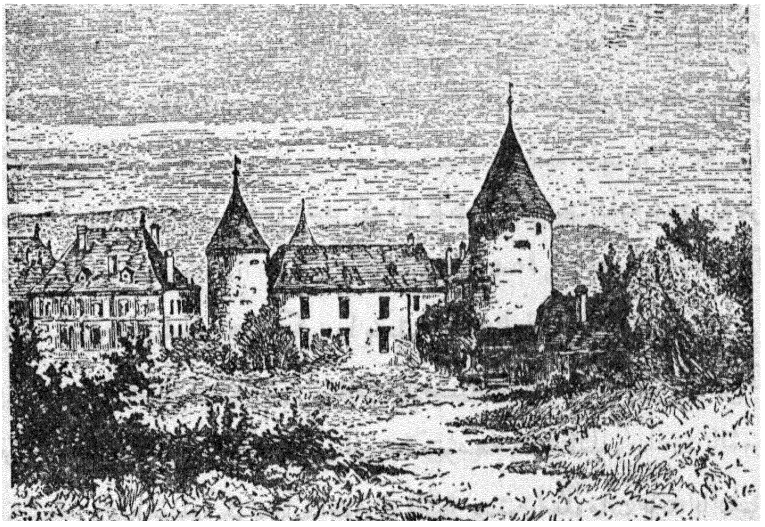

کاخ کهن ایوردن
که پستالزی بنگاه‌خودرادرآن برپاساخت

درایوردن پستالزی تجربیات استانزوبورگدورف را تکمیل نمود وتقریباً هر پیشرفت وبهبودی که اکنون درآموزش‌ابتدائی‌دیده میشود نخست‌درآنجا آغازشد. کتاب خواندن ـ جدول یکان ومراتب ـ جدول برخه ـ جدول برخه ازبرخه راکامل کرد. نقاشی و خط وهندسه را ازراه نشان دادن شکل اشیاء و ساختن آنها بامقوا و ترکیب آنها آموخت. علوم‌طبیعی‌وجغرافیاوتاریخ‌را بوسیلهٔ‌مشاهدهٔ طبیعت‌وملاحظه ودقت‌درچیزهائی که درپیرامون کودك‌است تدریس کرد. مثلا درخت و گل‌وپرنده را بادقت میدیدند ـ تصویر آنرامیکشیدند وموردبحث قرارمیدادند. درجغرافیا با

قطب‌نما جهات‌را پیدا میکردند و محلی را معاینه مینمودند و شرح میدادند . درهٔ رودخانهٔ بورن (۱) که درنزدیکی‌بودبتفصیل‌مشاهده میکردند سپس آنرا باگل‌روی میز میساختند آنگاه برای نخستین بار نقشه را پیش شاگردان میگذاردند و آنان علامتهارا بآسانی درمی‌یافتند . تربیت دینی‌واخلاقی‌مطابق روشی که دراستانزاتخاذ شده بود صورت میگرفت : عشق‌بخدا ازراه عشق بمادر وپدر ـ اهمیت وظیفه‌واطاعت قانون وملاحظهٔ دیگران‌ازراه واداشتن کودك بصبروتأمل‌برای‌رسیدن بمقصودمعینی ورعایت نوبه درامور ودرك این نکته که تنها ارادهٔ اونیست که باید اجرا شود بلکه دیگرانرانیزاراده هست که بایددرنظر گرفت . درموزیك چون پستالزی‌خوداطلاعی نداشت یکی ازدوستانش‌ازروی روش اوآهنگهارا بساده‌ترین عنصرتحلیل کردوبعد آنهارا بتدریج ترکیب نمود وآهنگهای تمام درست کرد .

بنگاه ایوردن باتمام درخشندگی که داشت رفته‌رفته روبانحطاط گذارد زیرا پستالزی خود مدیرخوبی‌نبود وبواسطهٔ پیری نمیتوانست بکارها رسیدگی کند . پس از بیست سال عمر و شهرت بسیاربنگاه در ۱۸۲۵ بسته شد و دو سال بعد نیز خود پستالزی درگذشت .

در ۱۸٤٦ مردم سویس آرامگاه مجللی برای وی دربیر بر پا کردند و این جمله هارا برآن نقش‌نمودند :

دراینجا آرمیده است هنریخ پستالزی که در ۱۲ ژانویه ۱۷٤٦ در زوریخ بگیتی آمده و در بروك (۲) در ۱۷ فوریه ۱۸۲۷ جهان را بدرود گفته است : نجات دهندهٔ بینوایان‌در قلعه نو ـ واعظ و پشتیبان ملت در لئوناردو گرترود ـ پدر یتیمان در استانز ـ بانی آموزشگاه نو در بورگدورف و در مونخن بوخسی ـ مربی بشر در ایوردن . انسان واقعی ـ پارسای با دین ـ عضو جامعه . همه برای دیگران و هیچ برای خویش .
نامش تا ابد پاینده باد

عقاید پستالزی این بود خلاصه‌ای‌اززندگانی‌وشخصیت‌پستالزی‌وآزمایشهائی که درآموزش و پرورش نمود . از مجموع آنها برآید که

---

(۱) Buron

(۲) Brugg واقع در۲۷ کیلومتری شمال غربی زوریخ .

پستالزی نظریات روسو را راجع به پیروی ازطبیعت روشن کرده وآنهارا بکاربسته است . بنظرپستالزی پرورش عبارت است از« رشد طبیعی وتدریجی وهماهنگ‌همهٔ نیروها واستعدادهای‌آدمی» ودرتمام رساله ها و کتاب‌هائی که نوشته رشد کودك را

تندیس پستالزی در ایوردن
تصویر این تندیس در همهٔ آموزشگاههای سویس درصدر کلاس نصب شده است

برشد درخت مانند میکند که در تخم آن شکل و نقش و تناسب اجزاء آن درخت موجود است سپس‌جوانه زده تنه و شاخه وبرك و گل و میوه میدهد وآنچه در تخم

اعتقاد برعایت رشد طبیعی قـوای درونی طفل مطابق نظریهٔ روسو و درست مخالف طرز تعلیم و تربیت آنزمان بود که فقط بکودك خواندن کلمات را (بـدون فهمیدن معانی آنها) می آموختند و وادار میکردند قواعد اعمال حساب را ازحفظو متون نویسندگان یونان و روم را بطورسطحی قرائت کنند وهیچیك ازاین دروس بنحوی که تعلیم میشد موجبات رشد طبیعی طفل‌را فراهم نمیساخت بلکه‌نیروهائی که طبیعت دروجود اونهاده بود خفه میکردوازبین میبرد . دریکی ازرساله هـای خود مینویسد :

«بعدازاینکه اطفال درپنج سال اول عمرلذت وسعادت زندگانی را از راه حواس درك کردندما طبیعت‌را ازجلوی چشم آنها دورمیسازیم ـ بطور ظالمانه خوشی‌وآزادی رااز آنهاسلب میکنیم‌ـمانندگوسفندآنهارادر آغل میریزیم وچون‌گله دراطاقهای متعفن آکنده میکنیم ـ بدون رحم و شفقت ساعتها وروزها وهفته‌ها وماهها وسالهاآنهارا زنجیرمیکنیم تا به مطالعهٔ نامطبوع حروف وکلمات بپردازند و بیکدورهٔ جنون آور زندگـانی تـن دردهند» .

البته روسو متوجه بود که درآموزشگاهها بهیچوجه رشد نیروی کودك رابر حسب طبیعت‌رعایت نمیکنند ولی‌بطورمنفی ومبهم سفارش کرده بود که‌مردم‌جامعه وتمدن راترك گفته‌بطبیعت باز گردندوازطبیعت وروش طبیعی پیروی کنند.پستالزی این‌نظررا درآموزش وپرورش بکاربست ونسبت بتمام اطفال اجرا نمود. روسوعقاید خودرا فقط نسبت بتربیت امیل که ازطبقهٔ اشراف است پیشنهاد نموده درصورتیکه پستالزی‌معتقد بود که **ازمیان بردن بینوائی واصلاح وبهبودی جامعه از راه پرورش مردم انجام پذیراست** و بهمین جهت طرفدار جـدی تعلیمات عمومی و هواه خواه **تربیت‌همگانی** بود .

روش کاروی بطورکلی عبارت بودازپرورش کودك وآموخته کردن‌اوبمشاهده ودقت درموجودات وچیزهائی که درپیرامون خانه وآموزشگاه است ودرزندگانی روزانه بکاربرده میشود .

بنظر پستالزی راه تحصیل این خواهدبود که هرموضوع را تجزیه به اجزاء جزو کنندو بشاگردنشان دهند . آنگاه اندك اندك اجزاءرا باهم گرد آورندومرکب کنند واین کار ازروی مطالعه درخود موضوع انجام گیرد نه ازروی واژه‌ها . ازطرف دیگر باید مشاهده و آزمایش را باواژه بیان وتقریر کرد تامعنای درست هریك از آنهابرای کودك روشن شودودردماغ اوجابگیرد .

مهمترین خدمت و کارپستالزی این بود که روش خودرا یعنی **تجزیه-مشاهده تقریر** درمواد مختلف برنامه چون زبان مادری ـ حساب ـ رسم و نقاشی و خط ـ هندسه ـ جغرافیا ـ علوم طبیعی ـ تاریخ ـ موزیك واخلاق بکاربرد که امروزبیشتر آنها در آموزشگاههای کشورهای پیشرفته معمول ومجراست .

نفوذ پستالزی

پستالزی در روش خود مبتکر نبود و نظریات و کارهایش همیشه با هم سازش نداشت و اصول علمی و کلی وضع ننمود . بااینهمه اصول وپایهٔ آموزش وپرورش جدید برعمل و آزمایشهای او استوار است .بنظر او **آموزش وپرورش تریاق همهٔ دردهای اجتماعی است** وازاین حیث یکی ازبزرگترین اشخاصی است که ازلحاظ اجتماعی وروانشناسی درفرهنك جنبشی ایجاد کرده است . بسیاری ازاصلاحات نو که درروش آموختن مواد برنامه انجام گرفته و دربالا بدان اشاره شد مرهون اقدامات اوست . خدمت بزرك او اینست که بسنت وسابقه اهمیت نداد وبه آزمایش راه های جدید پرداخت و این در را بروی نسلهای آینده باز کرد. آموزگاران بنگاه پستالزی وپیروان اوروش پیشوای خودرا در کشورهای مهم جهان اشاعه دادند که ذکرش دراین کتاب مختصر بیمورد است کشوری که ازهمه بیشتر طریقهٔ آموزش وپرورش اورا بی‌درنك پذیرفت و بکار بست **آلمان** بود ، چنانکه نفوذ او در آموزشگاههای آنجا کاملا هویداست . در ۱۸۰۳ ازطرف پروس نماینده‌ای به بورگدورف فرستاده شد ودر ۱۸۰۵ یکی ازستایندگان پستالزی دربرلن آموزشگاهی برپا نمود که فربل [۱] در آنجا تدریس کرد. بعدها

(۱) Froebel

درشهرهای دیگرمانندفرانکفورت‌وپتسدام‌و کنیگسبرك یتیم‌خانه‌هاو آموزشگاهها بتقلید ازسبك او برپاشد . دوتن از شاگردان پستالزی درپـروس بریاست فـرهنك گماشته شدند و آنان هفده دانشجورا برای سه‌سال به‌ایوردن فرستادندودرباز گشت روش پستالزی رابکاربستند فیشته[۱] فیلسوف‌نامی‌درچهارده‌سخنرانی‌مؤثر که در فرهنگستان‌برلن‌خطاب بملت آلمان‌ایراد نمودتأکید کرد که‌برای‌زنده کردن کشور ونجات مملکت بایدازاصول وروش پستالزی پیروی نمود[۲].

سایر کشورهای آلمان نیزمانند پروس آموزشگاههـای متعدد از روی شیوهٔ پستالزی تأسیس نمودند چنانکه مدارس آلمان ازهرحیث نمونـه‌وسرمشق شد و از هرجامردم‌بسوی آن کشورشتافتند تاازطرزوروش‌نوین بهره‌بر گیرند .از کشورهائی که‌بدین امراقدام کرد فرانسه بود که یکسال‌پس‌ازشورش ۱۸۳۰ ویکتور کوزن[۳] رئیس دانشسرای عالی پاریس‌رابرای‌بررسی فرهنك به‌آلمان فرستاد و گزارشی که وی درباز گشت‌نوشت‌باندازه‌ای مؤثربود که‌دولت بی‌درنك پیشنهادهای اوراپذیرفت ورفته رفته آنهارا بکاربست .

اسپانی و روسیه وانگلستان هم تاحدی ازنفوذ پستالزی بی‌بهره نماندند . در کشورهای متحدامریکای شمالی نیزازاوایل سدهٔ نوزدهم اصول وعقاید اوراه یافت‌ـ مقالات بیشماردراین باب نوشتندـ به عملی کردن نظریات مذکور مبادرت نمودند . بااینهمه مهمترین جنبش هنگامی پدیدارشد که هرس من[٤] پیشوای‌نامی آموزش وپرورش‌امریکا در۱۸٤۳پس‌ازمشاهده وبررسی اوضاع‌فرهنك آلمان گزارشی‌انتشار دادومحاسن روش‌پستالزی راچنانکه دیده بود خاطرنشان ساخت . اصلاحاتی کـه هرس‌من پیشنهاد کرده‌بود باوجودمخالفت‌هائی که ابرازشداغلب بموقع‌اجرادرآمد وبویژه جانشینان اواصلاحات مذکوررا بهتروبیشترعملی کردند .

---

(۱) Fichte (۱۷٦۲-۱۸۱٤)

(۲) برای‌تفصیل‌بیشتررجوع شود به‌فصل۱۲-سازمان‌رسمی‌فرهنك آلمان.

(۳) Victor Cousin

(٤) Horace Mann (۱۷۹٦-۱۸٥۹)

هربارت (۱) (۱۷۷۶-۱۸۴۱)

چنانکه دربالا گفته آمد پستالزی دو نظریهٔ مهم داشت یکی آنکه پرورش عبارت است از رشد طبیعی نیروی درونی که در وجود کودك پنهانست دیگر آنکه این پرورش ازراه مشاهدهٔ طبیعت وبدست آوردن معلومات ازدنیای خارج بایدانجام گیرد. بنابرنظریهٔ نخست تمام سجایا واوصاف درهنگام زادن درست بهمان شکل ووضع که بعدرشدمیکنند در کودك وجوددارد ومعلم تنها میتواند بنهادوی کمك کندتانیروهای نهفته آشکار گردد. لازمهٔ نظریهٔ دوم اینست که محسوسات مستقیم وفوری پایهٔ قطعی معلومات است وهرچه دردماغ کودك واردمیشود باید توسط معلم باشد. بطور کلی فربل طرفدارنظریهٔ اول وهربارت معتقدبنظریهٔ دوم بود. چون هربارت پیش ازفربل اصول وعقایدخویش را عنوان کرد نخست ازاوسخن گفته خواهد شد.

زندگانی هربارت

هربارت در الدنبورك(۲) بجهان پای نهاد. پدرش وکیل دادگستری وجدش رئیس ژیمنازدرشهر نامبرده بود. هنگامی که دردبیرستان ودانشگاه بتحصیل اشتغال داشت استعداد بسیاردرفرا گرفتن زبان یونانی وریاضی وفلسفه نشان دادواین سه ماده بعدها درعقاید اونسبت بآموزش وپرورش مؤثرافتاد. بااین همه مشاهدات وآزمایش های وی درمدت سه سالی که (از ۱۷۹۷ تا ۱۷۹۹) بآموزگاری وسرپرستی فرزندان فرماندارانترلاکن(۳) بسربرداساس حقیقی نظریات اوشد.

هنگام زیستن در سویس از پستالزی در بورگدورف دیدن کرد و فریفتهٔ او شد و پس ازبازگشت بآلمان ضمن دو مقاله اصول نظریات او را تعبیر وتفسیر نمود. از ۱۸۰۲ تا ۱۸۰۹ دانشیار آموزش وپرورش در دانشگاه گوتینگن(٤) بود ورساله ای

---

(۱) Herbart

(۲) Oldenburg واقع درشمال آلمان درچهل کیلومتری مغرب Brême

(۳) Interlaken شهر کوچك زیبائی است در سی کیلو متری جنوب شرقی برن

(٤) Götingen

بدین عنوان انتشار داد : «مهمترین کارتربیت اینست که جهان را از لحاظ اخلاقی آشکارسازد» ومقصودش این بود که انسان دراثربکار انداختن حواس خود نسبت به محیط خارج (یعنی طبیعت یاهیئت اجتماع) معلوماتی پیدا میکند ودربارهٔ آن معلومات وهریك ازمشاهدات و کارهای روزانه قضاوت می‌نماید ، بعضی‌را می‌پسندد وقبول میکند وبرخی‌را نمی‌پسندد و رد میکند . مهمترین کارتربیت اینست که‌در انسان‌نیروئی‌تولید کند که‌ازاین جهان وتماس‌باطبیعت یاجامعه‌معلوماتی‌را برگزیند که‌دراو ملکات فاضله واخلاق حسنه ایجاد کند .

درمدت مذکورهربارت کتاب دیگری نوشت که «علم پرورش» نام داشت و در۱۸۰۶ منتشر گردید وبیشتر جنبهٔ فلسفی ونظری دارد . در۱۸۰۹ بجای کانت به استادی فلسفهٔ دانشگاه کونیگسبرگ[۱] گماشته‌شد و مجلس مباحثه و مدرسه‌ای برای آزمایش تعلیم وتربیت برپا نمود .

دراینجا بود که نظریات اودرروانشناسی چون پایهٔ آموزش وپرورش تدوین وتکمیل شد. پس از ۲۴سال خدمت دردانشگاه نامبرده ازنودانشگاه گوتینگن‌برای تدریس‌فلسفه ویراخواند ودر ۱۸۳۵ آخرین نظریات‌خودرا دربارهٔ آموزش‌وپرورش درمهمترین کتابش‌بنام « **رؤس عقاید تربیتی** » منتشرساخت‌ودر۱۸۴۱ هنگامی که افتخارات وشهرتش بحد کمال رسیده‌بود درگذشت .

روانشناسی هربارت

گمان میرود که هربات روانشناسی‌رابوجود آوردتاعقایدی که‌درنتیجهٔ آموزگاری درسویس و آشنائی‌باروش پستالزی پیدا کرده بودبثبوت رساند وبرای فهمیدن نظریات‌تربیتی اوبی‌موردنیست شمه‌ای از آن گفته شود .

بعقیدهٔ هربارت درذهن آدمی‌تصورات‌مشابه آمیخته میشوند ـ تصورات‌نامشابه تنهاباهم‌ترکیب میشوند وتصورات مخالف ومتناقض میخواهندموجب‌محویکدیگر گردند مثلا شیرینی وسفیدی نامشابه هستندومیتوان درذهن چیزی تصور کرد

---

(۱) Königsberg

(مانند شکر پنیر و پشمك) که هر دو در آن وجود داشته باشند ولی سیاهی و سفیدی چون ضدهم هستند میکوشند تا یکدیگر را از دماغ بیرون کنند. از اینرو هر تصور جدید یا دسته‌ای از تصورات جدید برحسب درجهٔ تناسب و تشابه و تناقض آنها با تصورات موجود درذهن محفوظ میمانند یا تغییر پیدا میکنند یا مردود میشوند. بعبارت دیگر تمام تصورات جدید بوسیلهٔ تصررات قبلی وموجود درذهن تعبیر و تفسیر میگردد و این مهمترین عقیدهٔ هربارت است درروانشناسی. بنابراین معلم بوسیلهٔ استفاده از معلومات قبلی طفل میتواند عشق ودقت اورا نسبت به تصورات جدید یادسته‌ای از آنها جلب کند ومسئلهٔ آموزش وپرورش منجر باین میشود که مطالب وموضوعات تازه را چگونه

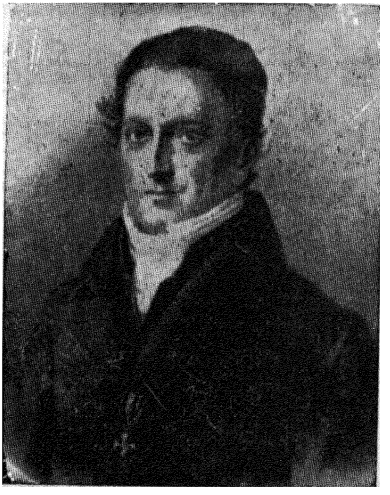

هربارت
(۱۷۷۶-۱۸٤۱)
تدوین کنندهٔ روان شناسی آموزش

بیاموزند تا کودك آنهارا بامعلومات پیشین خود توأم وترکیب کند. البته این نظریه اکنون متروك شده ولی این نکته که **دستورهای آموزش وپرورش را بوسیلهٔ روان شناسی وقوانین رشد قوای فکری به‌ثبوت رسانند** تازگی داشت وباعث پیشرفت علوم تربیتی گردید.

منظوراز پرورش

مطابق عقیدهٔ فوق چون ذهن ودماغ کودك از تصور اشیاء پیرامـون وی تشکیل شده باید آنرا به اختیارآمـوزگار گذاشت تاتصورات‌را بطورمتناسب وهم‌آهنك برای‌فراگرفتن اوبرگزینند ۰ازاینرو مقدرات طفل دردست آموزگار است وبعقیدهٔ هربارت منظور غائی او باید پرورش اخلاق وتکوین خصلت وسرشت کودك باشد . ازطرف دیگر تربیت سیرت و اخلاق بسنده نیست وباید طفل را نیزباایمان ودین بار آورد تا اگر کار خـوبی انجام داد مغرور نشود .

برای پرورش انسانی که با اخلاق و بادین باشد باید افکار (تصورات ذهنی) و مزاج‌واستعداد اورابررسی کرد واورا بتحصیل‌موضوعات‌ومطالبی گماشت که‌تصورات قبلی اوبدان متمایل‌باشد وچنانکه قبلا تشریح شد جهانرا ازلحاظ «اخلاقی» برای او آشکارسازد .

برای اینکه ارادهٔ کودك بدانش آموزی بر انگیخته شود باید دراو **عشق و دلبستگی** ایجاد کرد بنابراین‌یکی‌ازمنظورهای فوری تعلیم وتربیت بایدهمین‌ایجاد عشق و دلبستگی کلی باشد که در تمـام زندگانی سرچشمهٔ علاقهٔ بکار و تجسس و کنجکاوی شود .

برای توسعهٔ ذهن وافق فکر وباز کردن طرق مختلف جهت تأمین میل‌وارادهٔ طفل‌باید حتی‌المقدورمعلومات‌جامعی‌باوآموخت بنابراین‌عشق‌ودلبستگی گوناگون باید دراوایجاد نمود .

برنامه

بعقیدهٔ هربارت تصورات وعشق ودلبستگی‌دومنشأمهم دارد یکی‌آزمایش وتجربه که مارانسبت بطبیعت‌آگاه میسازد و دیگرحشر با دیگران که نسبت بهم نوع وجامعه نظریه و احساساتی درما تولید میکند . پس عشق و دلبستگی یا نسبت بمعلومات خواهد بود یا نسبت بمعاشرت و اجتماع . ازاینجا تحصیلات‌را بدودسته بخش کرده است. دستهٔ اول **تحصیلات علمی** شامل‌علوم‌طبیعی‌وریاضی‌و کارهای دستی‌وآموزش فنی‌ودستهٔ دوم **تحصیلات تاریخی**

مشتمل برتاریخ وادبیات والسنه و هنرهای زیبا . هربارت اهمیت بیشتر برای دستهٔ اخیرقائل شده زیرا ادبیات وتاریخ را سرچشمه و منبع اطلاعات اخلاقی واحساسات و عواطف میداند و معتقد است که تربیت اخلاقی که غایت مقصود است از طریق **ادبیات و تاریخ** بهترصورت‌میگیرد چنانکه مثلا کتاب‌اودیسه‌تألیف همررانخستین کتاب اخلاق برای جوانان میشمارد .

درعین اینکه عشق‌ودلبستگی‌باید گوناگون باشد تمام‌تحصیلات‌بایدبهم‌مربوط وپیوسته بوده همگی آنها رویهمرفته وحدتی درذهن‌طفل بوجودآورد .

روش هربارت

برای اینکه معلومات متنوع و پیوسته بیکدیگر بکودك آموزند هربارت روشی‌عنوان کرده که بنام **مراحل‌منطقی** هربارت معروفست .

درعمل‌آموزش هربارت نخست دو وهله برای کاردماغ وذهن انسان تشخیص داده است یکی بدست‌آوردن یا ادراك حقایق و تصورات ودیگر فراگرفتن وجذب آنها . باتکاء این نظریه چهارمرحله برای‌آموختن معین کرده که بقرارزیراست :

۱ ـ عرضه‌داشتن‌مطلب و گفتن‌درس (که جزووهلهٔ نخست‌یعنی‌بدست‌آوردن یا ادراك حقایق وتصورات بشمارآید) .

۲ ـ پیوستن وترکیب درس ومطلب مذکورباحقایق وتصورات مربوطه که‌از پیش شاگرد آموخته است (که بیشتر جزو وهلهٔ اول وتا اندازه ای مربوط بوهلهٔ دوم‌است) .

۳ ـ مرتب کردن‌مطلب‌آموخته شده وجدا کردن مفهوم کلی‌ازجزئی درذهن (که جزوجذب کردن وفراگرفتن است) .

٤ ـ بکار بردن مطلب‌آموخته شده از طرف شاگرد برای ادراك حقایق تازهٔ دیگردرحدود زندگانی‌خویش (که جزو وهلهٔ دوم است) .

پیروان هربارت این چهار مرحله را بپنج مرحله بخش کردند زیرا گفتند برحسب‌اصل‌کلی که این دانشمندراجع بروانشناسی بمیان‌آورده (اصل‌تشابه‌یاتناقض

تصورات) درآغاز تدریس باید توجه شاگردرا بمطالب واطلاعاتی که ازپیش بدست آورده است جلب نمود ومراقبت کرد که بادرسی که میخواهند بدهند تناسب وتشابه داشته باشد . این مسئله نیزیا ازراه خلاصه کردن درس قبل یاذکر کردن نقشه وطرح درسی که خواهند ددیا بهرداوطریق انجام خواهد یافت .

ازینرو بپنج مرحله که بدینگونه بدست آید نامهای زیررا داده‌اند

(۱) ـ آماده ساختن

(۲) ـ عرضه داشتن

(۳) ـ سنجش وتجرید

(٤) ـ تعمیم

(٥) ـ بکاربردن

نفوذ هربارت

نظریهٔ پستالزی راکه آموزش و پرورش برپایهٔ روانشناسی استوار باشد و از راه مشاهده انجام گیرد توسط هربارت و روانشناسی بکری که عنوان نمود صورت علمی پیدا کرد . تأکیدی راکه پستالزی نسبت بمشاهدهٔ آثارطبیعت ودنیای محسوس کرده بود هربارت برای آشکارساختن راز جهان ازلحاظ «اخلاقی» مقدمه قرارداد . نظر باهمیتی که بتاریخ و زبان و ادبیات میداد پیروانش راههای آسان وطریق ساده برای آموختن آنها پیدا کردند وتاریخ را که تاآنزمان مادهٔ فرعی برنامهٔ دبستان ومکمل قرائت وجغرافیا محسوب میشداهمیت خاص دادند وآنرا وسیلهٔ مؤثری برای پرورش اخلاقی دانستند و درتدریس آن نیزبه تمدن وفرهنك بیشتر توجه کردند تا به‌سیاست وحکومت .

گرچه عده‌ای ازپیروان هربارت بواسطهٔ مبالغه‌ای که درعقاید وی کردندبیشتر بصورت ظاهر ورعایت سطحی طریق تعلیم اوپرداختند تابمعنی ولی نظریات خود او صائب بود ونفوذبسیار در آموزش وپرورش داشت . درآلمان نظریات مذکوررا در دبستانها ودبیرستانها بکار بستند وبیست و پنج سال پس ازمرك استاد دومکتب مهم

هربارتی بوجودآمدیکی‌توسط زیلر[۱] درلیپزیك که نکات تازه نیزبرعقایدهربارت افزود ودیگرتوسط استوی[۲] که مجلس‌مباحثه و مدرسه‌ای برای‌آزمودن‌آموزش وپرورش‌ازروی نظریات هربارت درینا [۳] برپا کرد که شهرت بسیاریافت ومرکز مهمی‌شد وپس‌ازمرك وی در ۱۸۸۵ یکی ازشاگردانش آنرا اداره کرد وکسانیکه میخواستند از نظریات ومسلك هربارتی آگاه شوند به ینا میرفتند و ازآنجا کسب فیض میکردند.

در۱۸۹۲ درامریکا انجمنی‌بنام «انجمن‌ملی‌هربارت» برپا شد که کتابهای‌اورا ترجمه نمود وسالنامه‌ای هم مرتباً انتشارداد. بعضی‌ازاعضاء این انجمن نیز کتابهائی نگاشتند. اشخاص دیگرمانند پارکر[٤] که درشیکاگو آزمایشهای بکردرآموزش وپروش نموده ازاصول ونظریات هربارت وزیلراقتباساتی نمودند. درنتیجهٔ انتشار نظریات مذکور برنامهٔ دبستانها تغییر کرد چنانکه در آموختن تاریخ بجای اینکه تنها بجنبهٔ میهن‌دوستی‌بپردازند رشد اجتماعی وتوسعه وبسط اخلاق را نیزازکلاس سوم ببالا هدف قرار دادند و درآموختن زبان و ادبیات بجای اینکه بقطعات ناقص اکتفاکنند مطابق نظریهٔ زیلریکدورهٔ کامل ادبیات را در برنامه گنجاندند.

فربل (٥)
(۱۸۵۲–۱۷۸۳)

فربل در دهکده ای که در جنگل تورینك [٦] واقع است بجهان‌آمد. دورهٔ کودکی را درمحیط دینی‌خانواده گذراند و بواسطهٔ گرفتاری پدروقت بسیار برای گردش در جنگل

---

(۱) Ziller (۱۸۸۳–۱۸۱۷) یکی‌ازنکات‌تازه این بودکه هرطفل باید متوالیاً ازهریك ازمراحل رشد فکربشرکه متناسب باسن ورشد اواست بگذرد یعنی‌مواد درس باید ازمرحله‌ای ازتاریخ تمدن‌وفرهنگ بشری گرفته شودکه باسن‌فکری شاگردتطبیق کند. بهمین‌جهت زیلرموضوعات درس را درپیرامون افسانه‌ها واساطیروکتاب‌راین‌سن کروزه ومنتخب داستانهای تورات وانجیل تمرکزمیداد

(۲) Stoy (۱۸۸۵–۱۸۱۵)

(۳) Iéna

(٤) Francis W.Parker

(٥) FriedrichFroebel

(٦) Thuringe درمرکزآلمان

داشت واین مسئله شایدمایهٔ گرویدن اوبتصوف‌وجستجوی وحدت در کثرت گردید. زمانی که وارد دانشگاه ینا شد فلسفهٔ اصالت تصور(۱) و جنبش رمانتیسم (۲) وتوجه مخصوص بعلوم طبیعی و ریاضی در آنجا رائج بود. پس از دوسال بواسطهٔ اشکالات مالی مجبور شد ینا را ترك گوید ودر ۱۸۰۵ در فرانکفورت بمعلمی آموزشگاهی که ازروی شیوهٔ پستالزی برپا شده بود گماشته شد. دراینجا باکاغذ و مقوا وچوب نمونه‌هائی‌ازاشکال واجسام‌بوسیلهٔ شاگردان‌خودساخت ومتوجه گردید که کاردستی وبیان مکنونات‌خاطربوسیلهٔ حرکات دست، اهمیت‌شایان درآموزش وپرورش‌طفل دارد. پس‌ازسه سال در ۱۸۰۸ به ایوردن رهسپار گردید وزیردست پستالزی‌دوسال بتدریس پرداخت وراجع بآموختن جغرافیا وطبیعیات ضمن گردش در روستا بهرهٔ بسیاربرد ودرهمین مدت بمطالعهٔ بازیهای اطفال وتأثیرآن در رشد جسمی و فکری آنها پرداخت‌وباهمیت‌دوران‌پرورش کودك‌توسط مادرپی‌بردوبرمعلومات‌موسیقی‌اش که بعدها نقش‌بزرگی در روش او داشت افزود. درهمان حال ملتفت شد که بدون دانش کافی وتحصیلات عالی‌نمیتواند گام بزرگی درفرهنك بردارد ازینرو در۱۸۱۱ به دانشگاه گوتینکن(۳) و در ۱۸۱۲ به دانشگاه برلن رفت وقانون وحدت که در دماغ متصوف خویش‌میپروراند درآنجا تکوین یافت.

در۱۸۱۶ بدستیاری دوتن ازدوستانش آموزشگاهی دردهکدهٔ کیلهو(٤) بنام «پرورشگاه آلمانی جهان» برپا نمود وکودکانرا راهنمائی کرد تابوسیلهٔ بازی‌های مختلف ـ ساختمان بند وآسیا وقلعه وکاخ ومانندآن ـ جستجوی جانور و پرنده و حشره وگل در جنگل ـ افسانه ـ تصنیف وسرود مکنونات خودرا پدید آرند. در ۱۸۲۶اصول ونظریات خودرا که‌درپرورشگاه مذکوربکاربرده‌بودضمن کتابی‌موسوم

(۱) Idéalisme مسلك کسانی که جسم‌را حقیقت نمیدانند وتصوراتی که‌درذهن موجود است حقیقت میشمارند.

(۲) Romantisme مسلك کسانی که مخصوصاً تخیل وعواطف را درادبیات و هنرهای زیبا مداخله میدهند.

(۳) Götingen

(٤) Keilhau دربخش تورینك

به «**پرورش آدمی**» انتشار داد .

بواسطهٔ مخالفت هائی که آغاز کردند فربل مجبورشد آموزشگاه را بسویس برد ودرظرف پنج سالی که (از۱۸۳۲ تا ۱۸۳۷) در آنجا بود به تعبیهٔ اسبابهای بازی و وضع بازیهای متنوع و سرود وحرکات مختلف بدن که مفید برشد کودك باشد پرداخت و آنهارا وسیلهٔ پرورش قرارداد. سرانجام بیماری زنش اورا وادار به بازگشت به آلمان نمود ودر۱۸۳۷ دردهکده‌ای بنام بلانکن بورك(۱) نیم فرسخی کیلهودر گوشهٔ زیبائی از جنگل آموزشگاهی برای کودکان میان۳و۷ سال برپا کرد و آنرا باغچهٔ کودکان یا کودکستان(۲) نامیدومنظورش این بود که آموزشگاه مذکور باغچه‌ایست که کودکان نهال آنند . در۱۸۴۳ که گرد آوردن سرود های او تکمیل شد کتابی بنام « بازی مادر وسرودهای پرستار » منتشرساخت که در واقع برای تشریح وتمثیل اصولی است که در کتاب « پرورش آدمی » بیان کرده بود .

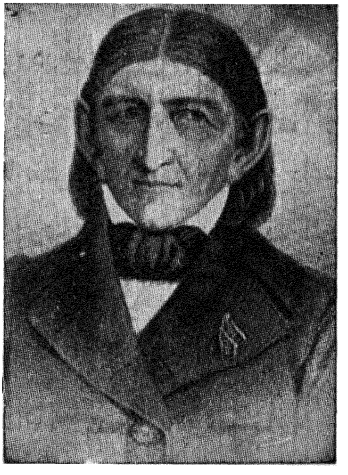

فربل

(۱۷۸۲-۱۸۵۲)

نخستین کسی که کودکستان بر پا کرد

باوجودشهرتی که کودکستان مذکور پیدا کرد در۱۸۴۴ فربل ازدست تنگی وادار ببستن آن شد . آنگاه پنجسال بمسافرت وسخنرانی پرداخت تا در ۱۸۴۹ بانوئی از خاندان بزرك بنام فن بولو (۳) حامی وطرفدار اوشد و جای بسیار باشکوهی برای کودکستان او درساکس مینینگن (٤) تعیین کرد ومردمان بزرگی را برای دیدن

(۱) Blankenburg
(۲) Kindergarten
(۳) Baroness Von Bülow
(٤) Saxe - Meiningen

کارهای وی‌بدانجا برد . متأسفانه‌دراثراشتباه راجع بنظریات اووعقاید برادرزاده‌اش کارل فربل) که رساله‌ای در بارهٔ افکار اشتراکی خود انتشارداده بود) وزیرفرهنك پروس بخشنامه‌ای صادر کرد که چون منظوراز کودکستان تزریق‌مسلك انکارخدا درجوانان است تأسیس آن مجازنیست . درنتیجهٔ این ستمکاری ، فربل پس‌ازیکسال رنج و اندوه درگذشت.

نظریات‌اصولی فربل پایهٔ عقاید فربل‌چنانکه درهمین‌فصل گفته شد همان‌نظریهٔ پستالزی و روسو است که پرورش عبارتست از رشد دادن نیروی پنهانی که طبیعت‌درنهاد کودك‌بودیعه گذارده است ولی‌طرزتخیل‌وبیان‌نظریهٔ وی‌نتیجهٔ زندگانی‌وتجربیات وتحصیلات خود او وافکار وعقایدی‌است که دردانشگاه ینا وبرلن وجود داشت .

نظریهٔ فربل‌اینست که حقیقت وجودیکی ودرتمام موجودات ساری‌است . در آغاز کتاب « پرورش آدمی » مینویسد : « در همه چیزیك قانون ابدی موجود و حکمفرماست ... این قانون باوضوح‌وروشنی درطبیعت ودرروان وزندگانی‌موجود است وآنهارا بیکدیگرمتحد و پیوسته میسازد . این قانون که برهمه مستولی است لزوماً بنایش بروحدت ابدی است که همه جا نافذ وفعال وزنده و محسوس است ... این‌وحدت خداست. همه چیزناشی‌ازوحدت الهی‌وخداست . همهٔ موجودات‌ازوحدت الهی ودر وحدت الهی‌موجودند ... »

ازنظریهٔ عارفانهٔ مذکورفربل نتایجی برای آموزش وپرورش‌میگیرد.درنتیجهٔ اعتقاد بوحدت وجود درانسان ودرطبیعت ، فربل معتقد است که در آفرینش ورشد تدریجی‌اقوام یا اشخاص از طبقات پست موجودات تاطبقات عالیه همه جا پیوستگی حکمفرماست . ازاین مطلب دونتیجه میگیرد .

ازیکطرف میگوید که مطابق قانون‌ابدی خدا عناصر کوچك وناقص‌راچنان می‌آفریند که ازدرجات پست بدرجات عالی‌میروند وازاین‌حیث بنظریهٔ هربارتی ها نزدیك میشود که « هرنسل‌وهرکس‌تا اندازه‌ای که استعداد فهم گذشته وحال‌رادارد

باید ازمراحل پیشین رشد آدمی وفرهنك وتمدن گذر کند» .

ازطرف دیگر مینویسد: «... نباید تصور کرد که مراحل رشد آدمی (شیرخوارگی- بچگی - جوانی - مردی یا زنی) حقیقة از یکدیگر متمایز است بلکه همچنانکه زندگانی نشان میدهد مراحل مذکور بوسیلهٔ تحول مسلسلی بهم پیوستگی دارد» .
بنابراین رشد کامل در هرمرحله بسته است برشد کامل تمام مراحل پیش و باید در هرمرحله تمام لوازم رشد را فراهم ساخت . دراین عقیده نیز فربل بنظریهٔ روسو و تکمیل مراحل رشد که درفصل پیش از آن سخن بمیان آمد نزدیك شده است .

سرانجام ازایمان خود به اصل وحدت وجود فربل نتیجه میگیرد که درقسمتهای مختلف برنامه باید پیوند و اتحاد موجود باشد زیرا که تمام تحصیلات بستگی دارد به الهام خدائی و ازیك سرچشمهٔ فیض ساری و جاری است. همینطور میان خانه و آموزشگاه باید پیوند وجود داشته و وسایل پرورش ترکیبی باشد از مشاغل و کارهای خانه و مدرسه.

روش فربل

فربل مانند روسو معتقد بپرورش منفی است یعنی گوید هر کس هنگام زادن سرشت معینی دارد که اگر ش بحال طبیعی گذارند ومداخلهٔ زیان آوری در آن نکنند رشد و نمو خواهد کرد . بنابراین تمام غرائز و ادراکات کودك را باید گذارد آزادانه رشد کند و پرورش باید راه طبیعت را پوید نه اینکه برحسب دستور وفرمان باشد . ازینرو کودك نباید ازراه تقلید کورکورانه رشد کند بلکه ازراه کار وعملی که بصرافت طبع وازروی میل ودلخواه خود وی انجام گیرد. این اصل «**کار خود خواست**» نام دارد و بزرگترین ومؤثرترین روشی است که فربل بمیان آورده وازخدمات برجستهٔ او بآموزش وپرورش بشمار آید .

توأم با اصل مذکور اصل دیگریست که **اصل آفرینش** نام دارد وفربل ازروی عقیدهٔ تصوف آمیز خود ابداع کرده و گوید چون خداوند آدمی را مظهر خود آفریده آدمی نیز باید مانند خدا آفریننده وخلاق باشد . سپس باتکاء روانشناسی مینویسد که «فراگرفتن چیزی در زندگانی ازراه عمل بمراتب بیشتر موجب رشد و پرورش و نیرومندی میشود تا ازراه شنیدن الفاظ» .

علاوه بر دواصل مذکور که پایهٔ روش فربل میباشد عقیدهٔ وی ببار آوردن کودك دراجتماع وبرای زندگانی درجامعه نیزازمشخصات روش‌اوست ودراینجا با روسو که معتقد بپرورش‌انفرادی است فرق واختلاف آشکار دارد. زندگانی‌هر کس بحکم لزوم‌ارتباط ووابستگی‌بامؤسسات وبنگاههای‌مختلف چون‌خانه و آموزشگاه ومسجد و دولت وبطور کلی‌جامعه دارد که هم میدان‌کار وعملیات انسان وهم وسیلهٔ نظارت وسلطهٔ جامعه برفرداست و خواهی‌نخواهی‌نفوذ دراخلاق وشغل وسرنوشت آدمی دارد و ازینرو کودك باید برای زندگانی و ارتباط با جامعه و مؤسسات آن پرورش یابد بویژه که طببیعة دارای غریزهٔ اجتماعی استوتربیتش فقط درمصاحبت دیگران امکان پذیراست.

بوسیلهٔ **همکاری** که ضمن بازی انجام میگیرد کودك علاوه برپرورش بدنی‌و فکری پرورش‌اخلاقی‌نیزخواهدیافت. دادگری - ملایمت - بردباری-خویشتن‌داری حقیقت خواهی - راستگوئی-صمیمیت-دوستی-برادری-بیطرفی-دلاوری-پایداری - تصمیم-احتیاط‌وحزم‌تمام‌اینهاخصائلی‌است که کودك هنگام‌بازی بدانهاخوی‌میگیرد.

برنامهٔ کودکستان کار خود خواست و آفرینش و همکاری اصل هائی است در آموزش وپرورش که فربل عنوان کرد وجهان‌را مرهون خود ساخت. خدمت دیگری که به آموزش و پرورش کرد **آموزشگاه بی کتاب و بی‌تکلیف** است که بواسطهٔ عملی کردن‌آن کودك درمحیط بازی و آزادی وخوشی بارآید.

درکودکستانی که فربل دربلانکن بورگ برپا ساخت تمام این نظریه هارا بکار بست. برنامهٔ آن شامل سه گونه کار برای ظاهر ساختن و بیان مکنونات خاطر بود:

۱ ـ آواز وسرود

۲ ـ حرکت وبازی

۳ ـ ساختمان

ودرضمن هریك از آنها کودك زبان مادری را بکارمیبرد . بدیهی است کارهای مذکورازیکدیگرمجزانیست بلکه مکمل یکدیگراست مثلاً وقتی داستانی گفته و یا خوانده شد ـ آنرا بـه موزیك درآورند وبه آوازخوانند ـ بصورت تئاتر آن را نمایش دهند ـ با ساختن منظره ومردمی که موضوع داستان است از کاغذ یا مقوایا گل یاآجر یابوسیلهٔ نقاشی آن را مجسم سازند . بدین ترتیب مخیله و فکر کودك بـرانگیخته شده بکار میافتد ـ چشم ودست او پرورش مـی‌یابد ـ مـاهیچه های او بهمکاری ونظم عادت میکنند ـ احساسات اوعالی وتقویت میشود .

در کتاب «بازی مادروسرودهای پرستار» بخشی ازبرنامهٔ کودکستان ذکرشده است . این کتاب مرکب است ازچندرشته سرودوتصویروشرح بازی که با کمال دقت برگزیده شده وبرای اینست که غریزهٔ تربیتی مادررا راهنمائی شود . این سرودها وبازیها بایستی اولا مادررا متوجه مسئولیت خود و این حقیقت کند که **پرورش کودك ازهنگام زادن آغاز میشود** . ثانیاً حواس واندام وماهیچه های بچه‌را ورزش دهد . ازپنجاه سرودی که برای بازی وضع نموده هریك مربوط است به‌یك بـازی بسیارساده مانند «قائم شدنك» یا تقلید یکی از پیشه‌ها مانند درودگری ونجاری‌و کفش دوزی و برای اینست که یکی ازنیازهای اخلاقی و بدنی و فکری کـودك مرتفع‌شود.سرودهای‌مذکور مدرج وبرحسب‌رشدطبیعی کودك‌انتخاب وترتیب داده شده است .هرسرودراسه قسمت است : شعاری برای راهنمائی‌مادر ـ شعری که باید باموزیك‌برای کـودك خواند ـ تصویری برای نشان دادن موضوع شعر .

اسبابهائی که فربل برای کودکستان ساخت به دوبخش تقسیم میشود .بخش نخست موسوم است به «هدایا» وشامل شش دسته است . دستهٔ نخست جعبه ای‌است حاوی شش گلولهٔ چوبی که هر کدام یك رنك دارد . هنگام بازی کودکان گلوله را میگردانند وباین‌ترتیب متوجه رنگها وجسمی که گلوله ازآن ساخته شده وشکل گلوله وحرکت وسوی حرکت آن میشوند . دستهٔ دوم عبارتست از کره ومکعب و استوانه‌ای ازچوب. کودك کره رامیشناسد زیرادردستهٔ نخست گلوله‌را دیده‌ومکعب

برای او تازگی دارد . حالت تعادل و ثبات مکعب را با متحرك بودن کره باهم می‌سنجند و نشان میدهند که استوانه جامع بین آن دو است .

دستهٔ سوم عبارتست از مکعب مستطیل بزرگی از چوب که به هشت مکعب کوچك تقسیم شده و باین ترتیب رابطهٔ بین تمام واجزاء آن معلوم میشود . از این اجزاء کودك چیزهائی خواهد ساخت مانند صندلی و نیمکت و تخت و درگاه و پله کان وغیره . سه دستهٔ دیگر از تقسیم بندی مکعب باشکال وانحاء مختلف ترکیب یافته چنانکه با اجزاء آن میتوان اجسام گوناگون باندازه های مختلف درست کرد و بدین ترتیب کودك را متوجه شماره و رابطه و شکل آن اجزاء نمود . علاوه بر شش دستهٔ مذکور فربل دستهٔ دیگری اسباب بازی درست کرد از حلقه و قلم چوبی و قرص برای فهماندن سطح و خط و نقطه و پیرامون و روابط آنها باحجم .

بخش دوم از اسبابها موسوم است به « مشغولیات » و عبارتست از چیزهائی که با کاغذ و مقوا و شن ریزه و ماسه و گل و چوب و مواد دیگر خواهد ساخت. کودك زمانی بدین کار خواهد پرداخت که بر بخش نخست کاملاً مسلط باشد . مثلا وقتی طفل با « هدایائی » که احجام را نشان میدهد بازی کرد ممکن است به « مشغولیاتی » دست زند چون قالب سازی با خاك رس - برش مقوا - تا کردن کاغذ - منبت کاری و هنگامی که با « هدایای » مربوط بسطح آشناشد به بافتن بوریا و سبد و دوخت و دوز و سوزن زنی و ریسمان کردن مهره و رسم اشتغال ورزد .

ارزش کار و عقیدهٔ فربل

دو عیب در کار و عقیدهٔ فربل هویداست . نخست آنکه بجای اتکاء بقوانین رشد کودك اصل خود را راجع بکار خود خواست و آفرینش بر عقاید عرفانی و تصوف بنا نهاده است . در نتیجهٔ اتخاذ این شیوه مطالب غریب و شگفت آور عنوان نموده مانند اینکه هر چیز از طرف خداوند ساخته شده تا مظهر او باشد - کره نشانه و نمونهٔ کثرت در وحدت است - بعضی اعداد دارای مفهوم باطنی است - رویه‌ها و خطهای اجسام بلوری معنای خاص دارد و امثال آن... و اگر این مسائل بکودکان گفته شود چون توانا بفهمیدن و درك

آن نیستند ناچار باید حرف آموزگاررا تکرار کنند و روش او را اتخاذ نمایند و این خود موجب تظاهروصورت‌سازی وعدم صداقت آنان خواهد شد .

عیب‌دوم اینست که تصویرها وسرودها واشعاری که برای برنامهٔ کودکستان ذکر کرده چندان شایان توجه نیست- درست مرتب‌نشده‌وبآسانی‌نمیتوان‌بیادسپرد. بعلاوه برای ملت آلمان وزندگانی سادهٔ روستائی وقرن معینی تهیه شده‌است‌نه‌برای هر آموزشگاه وهرمحل وهرملت وهرعصری .

ولی رویهمرفته بایدبروح عقاید فربل‌نگریست نه بظاهر آن . دراین صورت باید گفت نظریات واصول وی تأثیربسیارنیکو در آموزش و پـرورش داشته است .

بسیاری ازروشهای حسی پستالزی‌را راجع بآموختن جغرافیاوتاریخ طبیعی‌وحساب وزبان پذیرفته ـ نظریات روسو رادائر بکامل بودن طبیعت وپرورش منفی ومدارج رشد تکرار نموده ومانند این دودانشمند اهمیت فراوان بپرورش تن و گردش‌علمی داده- نقل وافسانه وداستان را نیزمانند هربارت در برنامهٔ خود داخل نموده است .

بزرگترین خدمت بدیعی که‌فربل بجهان آموزش و پرورش کرده‌عبارتست‌از کارخودخواست ـ اصل‌آفرینش ـ اجتماعی‌بودن پرورش ـ آموزشگاه بی کتاب وتکلیف .

گرچه فربل تنهادر کودکستان اصول ونظریات‌خودرا بکاربست ولی‌برخی‌را عقیده براینست که مرگش مجال نداد تا دردبستان ودبیرستان نیز آنها را بیازماید . امروز درتمام مراحل‌ودرجات تعلیم‌ازدبستان تادانشکده باهمیت عمل وکاروفعالیت وساختمان و همکاری وبازی پی‌برده‌اند وآزمایشهای اخیر پارکر وجان دیوئی(۱) درامریکا که تأثیر شگفت‌آور در فرهنك آن کشور داشته از نفوذ فربـل بی بهره نیست .

---

(۱) John Dewey فیلسوف معاصر امریکا که در۱۸۵۹ بجهان آمده و در ۱۹۵۲ دنیارا بدرود گفته ست وآخرین شغل اواستادی فلسفه در دانشگاه کلمبیا بود. مختصری ازنظریات وفلسفهٔ اوضمن سازمان فرهنك امریکابیان خواهد شد .

عقاید فربل دراروپا وامریکا

اصولی که‌فربل بمیان‌آورد توسط بانوفن‌بولو در کشورهای مختلف اروپا منتشرشد و کودکستانها گرچه عموماً توسط اشخاص ومؤسسات وبنگاههای‌خصوصی ونوع پروربوجود آمدودولتها بدان‌توجه کامل نداشتندلیکن مرحله‌ای از آموزش‌و پرورش‌شدوامروز در دانش‌سرا های کشورهای‌بزرك آموختن عقاید و روش وفلسفهٔ فربل برای‌پرورش مربی کودکستان از وظائف مهم بشمار است . تنها درآلمان یعنی در کشوری که کودکستان درآنجا ایجاد شد بیش از نیم قرن گذشت تا اثر اقدام وزارت فرهنك پروس دربستن کودکستان‌ها محو گردید. درعوض درامریکا کودکستان‌بسیارروا ج پیدا کرد وپیش ازاینکه قرن نوزدهم بپایان رسد تقریباً درپانصد نقطه انجمن های خصوصی برای تأسیس ونگاهداری کودکستان برپاشد ورفته‌رفته کودکستان‌بخشی ازدستگاه فرهنك‌رسمی گردیدواکنون‌یکی‌ازمراحل مهم‌آموزش‌وپرورش‌وچندان مورد توجه است که مطابق آمار رسمی در ۱۹۵٤ بیش از ۱٫۸۰۹٫۰۰۰ طفل در کودکستانهای امریکا پرورش می‌یافتند .

درروسیهٔ‌شوروی‌نیزاز۱۹۲۸باینطرف که‌زنان‌دربنگاههای‌صنعتی‌و کشاورزی بکارمشغول‌شده‌اند برای حفظ وپرورش اطفال آنها کودکستانهای‌متعددر کارخانه‌ها ودهکده‌های‌اشتراکی‌وشهرهابرپا کرده‌اندبطوری که‌در۱۹۵۰ طبق آمار رسمی‌دولت شوروی ،سه میلیون و نیم طفل‌درآنهانگاهداری وتربیت می‌شده‌است .

نفوذپستالزی وفربل وهربارت

گرچه نفوذ این سه دانشمند در آموزش وپرورش درجای خود گفته شده لیکن پس‌ازشرح حال و عقاید هریك باید خاطرنشان ساخت که درمدارس کنونی کشور های متمدن کمتر روش وسبك وسازمان و برنامه‌ایست که مستقیماً یابطور غیر مستقیم بعقاید و نظریات وشیوهٔ پرورش آنان وروسو که منبع‌الهام وپیشوای طریقت آنهاست‌منسوب وپیوسته نباشد . طبیعت دوستی روسوواعتقاد وی بپرورش طبیعی موجد جنبش‌های جدید ازلحاظ روانشناسی‌واجتماعی وعلمی‌شد . ایمان پستالزی‌برشدطبیعی‌ومشاهده

باعث آسانی روش آموختن حساب‌وزبان وجغرافیا وتاریخ‌طبیعی وموزیك گردید .
نظریهٔ‌هربارت راجع بهدف اخلاقی‌آموزش و پرورش پیشرفت بسیار در طرز تعلیم تاریخ‌وادبیات‌بوجود آورد. بالاخره‌فربل‌موجد کودکستان‌شدوبمرحله‌ای‌ازروزگار کودکان پرداخت که‌تاآنزمان مورد اعتنا و توجه نبود .

فصل دهم

توسعهٔ علوم طبیعی و ریاضی

و

ورود آنها بآموزشگاه

چنانکه درفصل ششم اشاره شد علوم طبیعی وریاضی ازسدهٔ هفدهم میلادی در آموزشگاهها نفوذ پیدا کرد و جزو برنامه شد لیکن تا آغاز قرن نوزدهم بعلل گوناگون (مخالفت آخوندها - کندی پیشرفت علوم) اهمیت شایان پیدانکرد. عوامل تازه‌ای موجب شد که درسدهٔ گذشته علوم پایگاه بزرگی را دربرنامه حائز گردید. ازاین عوامل توسعه وترقی علوم طبیعی - نفوذ مسلك طبیعت دوستی وتماس باطبیعت - بسنده نبودن زبان وادبیات یونان وروم برای آماده کردن کودك جهت زندگانی نو - تأثیر پستالزی وآموختن علم اشیاء وپرورش حس مشاهده ازهمه مهمتر بود.

توسعهٔ علوم و صنایع

کشفیات کپرنیك ونیوتن و هاروی چنانکه در فصل ششم گفته آمد باعث بهم‌خوردن و گسستن معلوماتی گردید که ازیونان بارث رسیده بود. ازقرن هفدهم تمایل دانشمندان بپژوهش روبفزونی نهاد تا در قرن نوزدهم نتایج زحمات آنها درهرقسمت روشن و آشکار گشت.

شرح آن زحمات دراین کتاب مختصر نگنجد وناچاربنگاشتن فهرست موجزی باید اکتفا کرد.

درهیئت ونجوم بواسطهٔ تتبعات لاگرانژ[۱] ولاپلاس[۲] وهمچنین بواسطهٔ کشف ستارهٔ نپتون[۳] در ۱۸٤٥ تنها ازروی حساب و استدلال، نظریهٔ نیوتن درباب قوهٔ جاذبه محقق شد. در نیمهٔ دوم سدهٔ نوزدهم بواسطهٔ پیشرفت شیمی از راه طیف بین[٤] و برداشتن عکس از آسمان کشفیات بسیار ازستارگان انجام یافت.

مخالفت روحانیان مسیحی باتغییر وتعبیر تاریخ زمین و آنچه درتورات وانجیل آمده است توسعهٔ زمین‌شناسی را بعقب انداخت. بااینهمه نظریات مهم دربارهٔ منشأ قاره‌ها وجزیره‌ها ـ مشابهت تغییرات گذشتهٔ زمین باتغییرات کنونی ـ دوران یخ ـ ادوار وعمر زمین پیداشد که بنوبهٔ خود نظریهٔ تکامل را تأیید کرد.

درزیست شناسی لامارك[٥] نظریه‌ای دربارهٔ تبدل انواع بمیان آورد که بعدها بواسطهٔ داروین[٦] ونظریهٔ انتخاب طبیعی دگرگون شد.

راجع بوراثت مندل[۷] اکتشافات تازه نمودوقواعدی وضع کرد وگالتن[۸] درباب توارث نبوغ وماهیت قوای فکری کارهای بدیع کردوبرای کشف قوانین آنها علم آماررا بکاربرد. پاستور[۹] نیز عقیده‌ای را که راجع بآفرینش فوری و بی‌علت (مثلاازروی هم گذاشتن دو آجرنمدار کژدم پدیدآید) که تا آنزمان وجود داشت از میان برد. زحمات بیشا[۱۰] درفیزیولژی نشان داد که هر جانور مهره دار را دوگونه حرکت است ارادی و غیر ارادی. بیشا بافتها را نیز بچند دسته رده بندی نمود.

---

(۱) Lagrange (۱۸۱۳–۱۸۳٦)
(۲) Laplace (۱۷٤۹–۱۸۲۷)
(۳) Neptune
(٤) Spectroscope
(٥) Lamarck (۱۷٤٤–۱۸۲۹)
(٦) Darwin (۱۸۰۹–۱۸۸۲)
(۷) Mendel (۱۷۸٤–۱۸۲۲)
(۸) Galton (۱۸۲۲–۱۹۱۱)
(۹) Pasteur (۱۸۲۲–۱۸۹٥)
(۱۰) Bichat (۱۷۷۱–۱۸۰۲)

لیستر[۱] شکل ذرات قرمزخون‌را معین کرد وبواسطهٔ کامل شدن ریز بین کشفیات مهمی‌شد که بافت شناسی‌را بوجود آورد . جنین‌شناسی نیزدانش مستقلی شدونظریهٔ راجع به یاخته پدیدآمد . پژوهشهای لیبگ[۲] ودیگران فیزیولوژی را در حوزهٔ شیمی درآورد وبانظریه‌ای که راجع بیاخته موجود شده بود عمل‌آب دهن و معده و ترشحات معدی در گوارش و اعمال شش و کبد معلوم و روشن گردید .

درفیزیك‌وشیمی نیزپیشرفتهای بزرك‌انجام یافت. ازبررسی‌درچگونگی‌تبخیر نظریهٔ راجع به‌اتم پیدا شد ودر۱۸۱۱ اتم مرکب راآووگادرو[۳] مولکول نامید . درهمانزمان نظریهٔ تشکیل روشنائی از موج بوسیلهٔ یونك[٤] عنوان‌شد و درنتیجه وجود اتردرفضا بثبوت رسید . این‌نظریه ماده وانرژی‌را پایهٔ فیزیك جدید قرارداد وموجب اکتشافات واختراعات بیشمار گردید که‌تلگراف بیسیم واشعهٔ‌مجهول‌نتیجهٔ آنهاست .

بواسطهٔ محافظه کاری دانشگاهها پژوهشها و اکتشافات مذکور مدتها در خارج از آنها انجام گرفت و در زندگانی روزانه تأثیری نبخشید ولی در سدهٔ نوزدهم در تولید ثروت و باربری و ارتباط میان شهرها و کشور ها و بهداشت بکار بسته شد .

اختراع ماشین پنبه پاك کنی در۱۷۹۲ - ماشین درو در۱۸۳٤ - ماشین درزی گری در۱۸٤٦ - ماشین استوانهٔ چاپ در۱۸٤۷ - ماشین تحریر در ۱۸٦۸ هزینه و مزدرا پائین‌آورد وبراندازهٔ کارافزودو دیگرصنایع را امکان پذیر کرد. بکار بردن ذغال سنك چون سوخت در۱۸۱۲- نفت چون وسیلهٔ روشنائی در۱۸۵۳- چراغ‌برق در۱۸۷۹ مایهٔ‌آسایش بشر گشت .

---

(۱) Lister
(۲) Liebig
(۳) Avogadro
(٤) Young

تعبیهٔ کشتی بخار در ۱۸۰۷ و تکمیل آن در۱۸۳۹ - توربین[۱] در ۱۸۸٤ - لکمتیو در ۱۸۳۰باعث‌پیوستگی نقاط مختلف‌جهان بیکدیگر شد . اختراع‌تلگراف در۱۸۳۷ وسیم زیردریائی در۱۸٤۲ وتلفون در ۱۸۷٦ و تلگراف بی‌سیم در ۱۸۹۷ ارتباط میان همه جا را بسیار تند و آسان نمود . پیدا کردن سینه‌بین[۲] در۱۸۱۹ وداروهای بیهوشی چون‌اکسیدنیترودر۱۸٤٤واترسولفوریك در۱۸٤٦ و کلوروفرم در۱۸٤۷-تکمیل‌افزارهای جراحی و کشف‌مایهٔ ضدهاری در۱۸۸۵ و کزازودیفتری در۱۸۹۲ ودیگربیماریها موجب پیشرفت و بهبودی حال‌آدمی گردید .

تأثیر در آموزش و پرورش

درنتیجهٔ سود هائی که از اختراعات و اکتشافات برده شد اهمیت حیاتی علوم طبیعی‌برای فراهم کردن‌آسایش مردم وپیشرفت جامعه هویدا گردید ورفته‌رفته احساس‌شد که‌در زندگانی جدید علوم طبیعی یکی ازاحتیاجات بشراست وباید ازعناصرمهم فرهنك نوین‌باشد . پیشوایان‌آموزش وپرورش‌چون پستالزی وهربارت وفربل چنانکه‌دیده شد باتکاء روانشناسی با برنامهٔ آموزشگاهها و اصول پرورش زمان خویش مخالفت کردند وتنی چند ازدانشمندان دیگر گفتند که تنها آموختن زبان‌وادبیات یونان‌و روم برای زندگانی بسنده نیست . همینکه علوم طبیعی جسته جسته توسعه یافت‌و مدون گردید مردان بزرگی اصراربوارد کردن‌آنها در برنامهٔ مدارس نمودند . از اینجا مخالفت محافظه‌کاران‌آغازشد ودربیشترقرن نوزدهم میان کسانیکه طرفدار منحصر کردن تحصیل بزبان وادبیات یونان وروم بودند ومتجددین ونوخواهان که علمدارعلوم‌طبیعی‌بودند کشمکش برپابود. بزرگترین‌دانشمندی که‌بدین‌منظور گام بمیدان نهادو کتابی نوشت اسپنسرانگلیسی است که اکنون بشرح حال و نظریات اوپرداخته‌میشود.

---

(۱) Turbine

(۲) ترجمهٔ Stéthoscope است

هربرت اسپنسر (۱)

اسپنسر ازخانواده‌ای بود که افراد آن درآموزش وپرورش دخالت داشتند. خودوی نیز هنگام کودکی وجوانی با دانشمندان ونویسندگان آمیزش داشت. شاید بواسطهٔ تندرست نبودن و کسالتی که تمام عمرداشت هیچگاه وارد دانشگاهی نشدولی درخارج راجع بعلوم‌طبیعی‌وریاضی کتاب‌های متعدد خواند و آزمایش فراوان نمود واختراعات بسیار کرد و استعداد شگفت‌آور ازخود پدیدآورد.

عقاید اسپنسر

دربارهٔ آموزش وپرورش کتب بسیاربررسی نکرد و درعین اینکه تحت تأثیرزمان وپیرامون خویش‌واقع‌شدافکاربکر و نظریات نو راجع بفرهنك بمیان آورد. در ۱۸۵۹ رساله‌ای بنام « کدام دانش بزرگترین ارزش را دارد ؟ » منتشر کرد که توجه دنیای متمدن‌را بخودجلب‌نمود. دراین رساله راجع بمنظورآموزش و پرورش بدین گونه سخن گوید:

« ارزش انواع مختلف علوم نسبت به یکدیگر تاکنون ندرة مورد بحث قرارگرفته و کمتربطریق صحیح از آن سخن گفته و نتیجه گرفته‌اند. پیش ازاینکه برنامه‌ای ازروی فکر برگزیده شود باید دانستنی‌ها را باز شناخت‌و برای این‌کار باید ارزش آنهارا سنجید. مسئلهٔ اساسی برای‌ما اینست که «چگونه باید زندگانی کرد ؟ » و مقصود تنها زندگانی مادی نیست بلکه مقصود زندگانی بمعنی اعم است. وظیفه و **منظور از آموزش و پرورش باید این باشد که مارا برای زندگانی کامل آماده کند** وتنها راه عاقلانه برای قضاوت دربارهٔ هربرنامه اینست که ببینیم تاچه‌درجه‌منظور مذکوررا عملی میکند. بدیهی است نخستین قدم باید این باشد که بترتیب الاهم فالاهم کارهای عمده‌ای که زندگی آدمی را تشکیل میدهدطبقه‌بندی کنیم. میتوان آنها را بنحو زیرمرتب نمود:

۱ ــ نخست کارهائی که مستقیماً بسته بنگاهداری خویش وصیانت نفس است.

هربرت اسپنسر
(۱۸۲۰ - ۱۹۰۳)

---

(۱) Horbert Spencer

۲ ـ کارهائی کـه بوسیله تأمین نیازها ولوازم زندگانی بطور غیر مستقیم بسته بنگاهداری خویش وصیانت نفس است.

۳ ـ کارهائی که برای بارآوردن وپرورش فرزند باشد .

٤ ـ کارهائی که برای نگاهداری روابط اجتماعی وسیاسی بایسته است .

٥ ـ کارهای مختلفی که برای گذراندن اوقات بیکاری است وصرف تشفی ذوق و ارضای سلیقه واحساسات میشود .

البته این بخشها ازهم جداشدنی نیست ونمیتوانیم این مسئله را انکار کنیم که بخشهای مذکور بحدی بایکدیگر پیوستگی دارد که بارآوردن برای یکی ازمنظورها تااندازه‌ای بارآوردن برای دیگرمنظورهاست . تردیدهم نیست که در هر بخش اجزائی هست که از برخی اجزاء بخش ماقبل مهمتراست ولی درهرحال این تقسیم بندی باقی میماند وبرحسب ترتیبی که در بالا گفته آمد یکی پیرو دیگری است . کمال مطلوب آموزش و پرورش آماده ساختن بطورکامل برای تمام این بخش‌هاست....»

اسپنسر تقسیمات فوق را مأخذ قرارداده وباین نتیجه میرسد که تحصیل علوم طبیعی درزندگی بسیارسودمنداست بنابراین دارای بزرگترین ارزش میباشدچنانکه آموختن فیزیولوژی برای پی‌بردن بمبانی بهداشت وبنابراین برای نگاهداری خویش وصیانت نفس بایسته‌است . هرگونه شغل وپیشه و کار که بطور غیر مستقیم موجب نگاهداری خویش وصیانت نفس است بمقداری ریاضی وفیزیك وشیمی وزیست‌شناسی وعلم اجتماع نیازمند است . پدرو مادربرای پرورش تن وفکرواخلاق فرزندخویش باید اصول کلی وظائف الاعضاء وروانشناسی واخلاق را بدانند . آماده کردن آدمی برای عضویت جامعه مستلزم آموختن تاریخ بویژه از لحاظ سیاسی و اقتصادی واجتماعی‌است . اوقات بیکاری رابابد باهنرهای زیباوموزیك وشعر گذراندو کامیابی دراین سه نیزاحتیاج به فیزیولوژی ومکانیك وروانشناسی دارد .

اسپنسرسه رسالهٔ دیگرنیزبعنوان «پرورش فکری» و «پرورش اخلاقی» و «پرورش‌تن» نوشت که‌در ۱۸٦۱ بارسالهٔ‌نخست بصورت کتاب درآمدو «پرورش‌فکری واخلاقی وبدنی» [۱] نام دارد . دراین رساله ها اسپنسرسفارش میکند برنامه‌ای که

۱ ـ کتاب مذکور بدستور وزارت فرهنك توسط شادروان رضاقلی هدایت بفارسی ترجمه ودر ۱۳۱۷ درمجلهٔ رسمی تعلیم وتربیت بنام «پرورش جان وتن» چاپ ومنتشر گردید.

اززمان جنبش سدهٔ پانزدهم (رنسانس) معمول شده بکلی عوض شودوازقید زبان و ادبیات یونان وروم آزاد گردد . بجای یونانی ولاتین وبجای اینکه شمارهٔ کمی ازافراد جامعه برای زندگانی با تجمل وتفریح بار آیندبایدعلوم راتدریس کرد و ترتیبی داد که تمام مردم وتودهٔ خلق از آموزش وپرورش بهره‌مند شوند. دراینجابایدیادآوری کرد که مراد اسپنسر ازعلوم تنها علوم طبیعی نیست بلکه علوم اجتماعی وسیاسی و اخلاقی رانیز در بردارد بنابراین انتقادی که از او کرده‌اند وویرا طرفدارفقط علوم سودمند بزندگانی مادی قلمداد نموده‌اند درست نیست .

هکسلی
(۱۸۲۵-۱۸۹۵)

دیگرازپیشوایانی که درسدهٔ نوزدهم علمدار تجدد و ورود علوم بآموزشگاه بودند تماس هکسلی (۱) انگلیسی است که در آغاززندگانی جراح کشتی بودوبواسطهٔ پژوهش‌هائی که‌هنگام‌مسافرت خویش‌بگردجهان درتاریخ طبیعی کرد بزودی شهرتی‌بسزایافت

هکسلی
(۱۸۲۵-۱۸۹۵)

وباستادی این‌رشته برگزیده شد وسخنرانیهای بسیار دراین باره کرد و چند کتاب منتشرساخت. راجع بآموزش وپرورش کتابی نوشت بنام «دانش وپرورش» که فصل چهارمش‌سخنرانی وی است در۱۸۶۸ درباب « پرورش آزاد مردان» که ضمن آن

(۱) Thomas Huxley

ارزش واهمیت علوم‌ودیگرموادرا درآموزش وپرورش تشریح نموده وبی‌اثر بودن زبان وادبیات یونان وروم‌را درزندگانی روزانه خاطرنشان کرده است .

ملاحظه کنید باچه بیان رسا وشیوائی سخن خودرا پرورانده :

«فرض کنید کاملا محقق باشد که زندگانی وسرنوشت هریك از ما روزی بسته به بردن یا باختن شطرنج باشد . دراینصورت تصورنمیکنید همگان وظیفهٔ خود شناسیم که دست کم نام وحرکت مهره هارا بدانیم ؟

با اینهمه حقیقت روشن و واضحی است که زندگانی و سرنوشت و خوشبختی هریك از ماها و کسانی که کم و بیش با ما بستگی دارند منوط باین است که از آئین بازی دیگری که بی‌نهایت دشوار تر و پیچیده تر از شطرنج است چیزی بدانیم . تختهٔ شطرنج صحنهٔ جهان‌است ـ مهره‌ها آثار طبیعت و آئین بازی‌قوانین‌طبیعت است . آموزش و پرورش قوانین این بازی بزرك را یاد میدهد بعبارت دیگر **آموزش و پرورش عبارتست از آشنا ساختن ذهن بقوانین طبیعت** ـ طبیعتی که نه تنها شامل اشیاء و نیروی آنها باشد بلکه آدمی واخلاق ورفتار اورا نیز دربرگیرد وایجاد مهر و اراده را بطوری که ازروی میل و برطبق قوانین مذکور نیز باشد شامل گردد . چنین پرورشی کجا بدست آید ؟ آیا کسی کوشیده است آنرا بوجود آورد ؟ وقتی من بدرازا و پهنای این‌جزایر (۱) نگاه میکنم می بینم که جواب این پرسش‌ها منفی است . حتی تمام علوم طبیعی و اخلاقی واجتماعی برآموزشگاههای عالی بیشتر از مدارس مقدماتی ما مجهول است . اکنون اندکی بیاندیشید واین اوضاع شگفت آوررا ملاحظه کنید زیرا روزی خواهدآمد که انگلیس‌ها نیاکان قرن نوزدهم خویش را چون نمونه و مثال حماقت یاد خواهند کرد . اگرملتی باشد که آسایش وپیشرفت اوکاملا و مطلقاً بسته باشد به تسلط برنیروی طبیعت ـ بدرك وفهم آن ـ بفرمانبرداری ازقوانین آفرینش وتوزیع ثروت ـ بتعادل ثابت نیروی اجتماع آن همین ملت (انگلیس) است . معذلك اینست آنچه این ملت عجیب بفرزندان خودگوید : « ما شما را وادار می کنیم دوازده سال از گرامی ترین سالهای زندگانی خود را در آموزشگاه بگذرانید و هزار تا دو هزار لیره از پولی که به زحمت بدست آید صرف مدرسه می کنیم . در آنجا از آنچه بیشتر از همه هنگام بیرون آمدن از مدرسه و ورود به صحنهٔ زندگانی نیازمند هستید نباید یك واژه نیز فراگیرید » .

بجای اینهمه مسائل که در برنامه نیست دبیرستان چه قرارداده ؟

ـ زبان و ادبیات وتاریخ یونان و روم باستان و جغرافیای آن بخش از جهان که براین دوملت معلوم بود .

باین ترتیب پس از دوازده سال که صرف اینگونه تحصیل شده طفل مشقت دیده توانا نیست صفحه‌ای از کتاب را که نخوانده است تعبیر و تفسیر کند ـ از دیدن کتاب

(۱) البته مقصود بریتانیای کبیر است

یونانی ولاتین تنفر دارد ـ و شگفت‌انگیز است که هیچگاه کتابی از نویسندگان پیشین باز نخواهد کرد مگرهنگامی که بخواهد فرزندان خود را دوچار همین مصیبت وارد برخویشتن کند.... »

دانشمندان دیگر

علاوه‌براسپنسر وهکسلی دانشمندان دیگری نیز برای بهبودی برنامه وداخل کردن علوم به آموزشگاه خدماتی نمودند که دراینجا ببردن نام آنان اکتفا میشود. یکی از آنها کمب[۱] انگلیسی است که کتابی بنام «آموزش وپرورش» نوشت وبا استدلال آموختن علوم مربوط بحیات اخلاقی و دینی واجتماعی وسیاسی وآنچه‌را که بساختمان بدنی وفکری انسان بستگی دارد سفارش کرد. دیگری یومنز[۲] امریکائی است که بواسطهٔ چاپ کردن مجله ورساله علوم طبیعی‌را عوام فهم‌نمود وبواسطهٔطبع کتب دانشمندان بزرك‌انگلیسی‌زبان‌چون بکل[۳] و داروین و هکسلی و اسپنسر فکر علمی را در امریکا بسط و نشر داد. سرانجام باید نام چارلزالیوت[٤] را بیادآورد که هنگام ریاست خویش دردانشگاه هاروارد[٥] علوم طبیعی‌را بدانجا وارد کرد وطریق انتخاب برنامهٔ تحصیلی‌را ازطرف دانشجویان مطابق ذوق خودشان بسط وتوسعه داد و در این طریق برگزیدن علوم طبیعی‌را ازلحاظ تأثیری که درزندگانی‌دارد بدانشجویان توصیه کرد.بعلاوه‌درموارد متعدد تأکید نمود که علوم مذکورباید درتمام درجات حتی‌دردبستان‌تدریس‌شود.

ورود علوم به آموزشگاهها

دردانشگاههای **آلمان** گرچه‌تدریس‌علوم‌طبیعی‌ازسدهٔ‌هفدهم آغاز شد لیکن تا نیمهٔ قرن‌نوزدهم روش تجربی درآنها شیوع پیدا نکرد. در دبیرستانها نیز از همان قرن هفدهم شروع بآموختن علوم کردند ولی‌تعلیم‌آن اختصاص بدبیرستانهای اشراف[٦] داشت.

---

(۱) George Combe (۱۷۸۸-۱۸۵۸)

(۲) Edward Youmans (۱۸۲۱-۱۸۸۷)

(۳) Buckle

(٤) Charles Eliot (۱۸۳٤-۱۹۲٦)

(٥) Harvard که یکی ازقدیمی‌ترین وبهترین دانشگاههای امریکااست واقع درشهر کیمبریج نزدیك بستون. راجع به‌برنامهٔ انتخابی رجوع کنید بحاشیهٔ صفحهٔ ۱٦۱

(٦) Ritteracademien

درقرن‌هیجدهم دردبیرستانهای‌رئال شوله [۱] وارد شد ودرسدهٔ نوزدهم پروانهٔ دخول بژیمنازپیدا کرد. در ۱۸۵۵ دبیرستانهائی ازنوع جدید برپاشد بنام رئال ژیمناژ [۲] واوبررئال‌شوله [۳] که ساعات علوم طبیعی آنهادوبرابرساعات ژیمنازاست.هنرستانها و آموزشگاههای پیشه‌وری نیز از نیمهٔ قرن نوزدهم تأسیس گردید که مواد عمدهٔ برنامهٔ آنها ریاضیات وعلوم طبیعی‌است. دبستانها نیزازآغازهمان قرن مقدمات‌علوم را دربرنامه وارد کردند.

در **فرانسه** تا شورش بزرك ۱۷۸۹ در دبیرستانها وآموزشگاههای عالی‌علوم طبیعی را چندان رونقی نبود ولی ازآن پس در برنامه ها علوم طبیعی نیز منظور شد و کشمکشی روی داد تا سرانجام در ۱۸۵۲ برنامهٔ دبیرستان بدو شعبهٔ ادبی و علمی بخش گردید. در دبستانهانیز مقدمات علوم طبیعی‌را بویژه کشاورزی پس‌از ۱۸۷۰ آموختند.

در **انگلستان** تااواخرسدهٔ نوزدهم در دانشگاه کیمبریج‌واکسفردعلوم‌طبیعی اهمیتی‌نیافت ولی دردانشگاههای شهری مانند برمینگهام ومنچستر‌ولندن‌ولیورپول بسیار رواج پیدا کرد. درنیمهٔ قرن نوزدهم آموزشگاه های عالی‌فنی ازطرف دولت برای‌کان ومهندسی دریائی و معماری دریائی برپا گشت. در دبیرستانها گرچه در «آکادمی» علوم را بطورمبسوط از اواخر قرن هفدهم آموختند ولی چنانکه پیش اشاره شد این مدارس پس از یکقرن رو بانحطاط رفت. در «آموزشگاههای همگانی» نیز بعلوم طبیعی توجهی معطوف نگردید تا در نتیجهٔ اقدامات کمب و دیگران ازنیمهٔ قرن نوزدهم علوم طبیعی دربرنامه وارد شد ودر۱۸۵۶ «آموزشگاه همگانی» وینچستر آغاز بآموختن آن نمود ودیگر «آموزشگاههای همگانی» از آن پیروی کردند. در ۱۸۵۷ که ادارهٔ کل علوم و صنایع در لندن تشکیل شد

---

(۱) Realschule

(۲) Realgymnasium

(۳) Oberrealschule

کمکهائی برای کلاسها و دبیرستانهائی که علوم فیزیك و شیمی وجانور شناسی و گیاه شناسی وزمین شناسی را میآموختند منظور گردید . دبستانها نیز برای تعلیم مقدمات علوم طبیعی‌اعانه ازطرف ادارهٔ نامبرده دریافت کردند تاسرانجام از ۱۹۰۰ جزو برنامهٔ آموزش اجباری شد .

در **امریکا** گرچه ازسدهٔ هیجدهم درکالج ها تا اندازه‌ای علوم طبیعی‌تدریس میشد ولی بی آزمایشگاه و افزار بود . در قرن نوزدهم چندین کرسی درس برای آموختن علوم با آزمایشگاه ایجاد شد وآموزشگاههای عالی نو با توجه مخصوص بعلوم طبیعی‌برپا گردید . در۱۸۶۲حکومت مرکزی قانونی‌برای دادن زمین‌مجانی وترویج کشاورزی ومکانیك وعلوم طبیعی از تصویب گذراند . در دبیرستانها نیز از نیمهٔ قرن نوزدهم علوم طبیعی در برنامه گذاشته شد وحتی در ربع سوم قرن مواد آن باندازه‌ای فزونی یافت که مایهٔ سنگینی دستورتحصیلات وسطحی‌شدن‌معلومات گردید ولی پس از ۱۸۹۰ تعادل پیدا شد . در دبستانها نیز مقدمات وظائف الاعضاء وارد گشت و درآموزشگاههائی که از روش پستالزی اقتباس میکردند علم اشیاء را نیز آموختند .

فصل یازدهم

در تأثیر اجتماعی آموزش و پرورش

تا قرن هیجدهم میلادی آموزش و پرورش بنظر علمای تربیت یا زمامداران کشور وسیله‌ای بود برای پرورش وبارآوردن فرد - بی‌اینکه درنظر گیرند که فرد مذکورعضوجامعه است ودرنتیجهٔ تربیت اوجامعه پرورش می یابد و میتوان جامعه را ازاین راه پیشرفت داد وبهبودی بخشید .

آموزش وپرورش درنظر زما مداران

نخستین پادشاهی که ملتفت شد **ترقی و بهبودی ملت و ثبات واستواری کشوردر واقع ونفس‌الامر بسته است به پرورش همگانی** فردریك بزرك پادشاه پروس است که از ۱۷٤۰ تا ۱۷۸٦ پادشاهی نمود ودر ۱۷٦۳ فرمانی راجع بآموزش همگانی صادر کرد . معاصروی‌ماری ترز[۱] ملکهٔاتریش‌است که‌از ۱۷٤۰ تا۱۷۸۰ شهریاری کرد وعقایدش بافردریك بزرك بسیارشباهت داشت

پس‌ازشورش۱۷۸۹ وبرپاشدن جمهوری درفرانسه تنی‌چندازپیشوایان شورش طرحهائی برای آموزش و پرورش آماده کردند که همه حاکی‌ازتوجه آنهاست به مسئولیت دولت درپرورش ملت . بواسطهٔ تغییرات و شورشهای پیاپی وواکنش آنها طرحهای مذکورمدتها متروك ماند وچهل‌سال گذشت تادولت فرانسه از۱۸۳۳ببعد عقیدهٔ مزبوررا بکاربست .

واشنگتن‌نخستین پیشوای‌استقلال‌ورئیس‌جمهوری‌امریکاآموزش وپرورش را

---

(۱) Marie Thérèse

وسیلهٔروشن کردن ذهن‌ملت‌ومطمئن‌ترین‌اساس‌سعادت عمومی‌میدانست.جفرسن[۱] که ازپیشوایان بزرك ورئیسان جمهورامریکا است در۱۷۸۶ چنین گفته است: «در پیش‌من روشن‌است که آزادی ما تنها دردست خود ملت باقی وپایدار خواهدماند- ملتی که افرادش تا اندازه ای پرورش یافته باشند. آموزش و پرورش ملت وظیفهٔ دولت است که باید طرح کلی‌برای اینکار درنظربگیرد». مدیسن[۲] چهارمین‌رئیس جمهورامریکا که به‌تربیت ملت دلبستگی‌فراوان داشت نوشته است:

«حکومت ملی‌بدون اینکه ملت مطلع وآگاه باشد یا وسیلهٔ بدست‌آوردن اطلاعات ومعلومات را داشته باشد چون مسخره‌بازی یا نمایش غم‌انگیز یا هردوی آنهاست» بنابراین بعقیدهٔ او «**بهترین‌خدمتی که بعدازاعطای آزادی‌ممکن‌است به مملکت نمود بازکردن چشم وگوش مردم‌است تا بتوانند آزادی را حفظ کنند وازآن متمتع شوند**».

جفرسن ومدیسن‌برای پیشرفت این عقیده گامهای بلند برداشتند زیرانیکو میدانستند که‌کامیابی امریکا ورونق اقتصادی وترقی اجتماعی وی بسته است بفهم و تربیت افرادآن واین نیزتنها بانقشهٔ کلی وعمومی‌انجام پذیرتواند شد وچنین‌نقشه‌ای فقط بدست دولت ممکن‌است عملی‌شود.

در نظر پستالزی و هربارت وفربل

نظراصلی این سه دانشمند چنانکه پیش‌دیده شد مبتنی بر روان‌شناسی و راجع بود بروش تربیت و طرق آموختن درصورتیکه بهبود حال جامعه ازراه فرهنك بیشتر مربوط است به مطالعه وبررسی‌اوضاع واحوال طبقات‌جامعه واحتیاجات‌آن وآماده‌ساختن طفل برای شرکت در امور اجتماعی و تمام اینها بسته است‌به‌آنچه تعلیم شود یعنی برنامه. با این‌همه هرسه‌تن کاملامتوجه این‌حقیقت‌بودند که جامعه را ازاین‌راه‌باید بهبودی بخشید و**درمان دردهای اجتماعی‌آموزش وپرورش است**.

چنانکه درفصل دوازدهم دیده‌شد **پستالزی** پیش ازرفتن به ایوردن‌تمام‌نیروی

---

(۱) Thomas Jefferson (۱۷۴۳-۱۸۲۶)

(۲) James Madison (۱۷۵۱-۱۸۳۶)

خودرا صرف این‌میکرد که راهی‌برای اصلاح حال وفراهم کردن آسایش‌بینوایان‌و یتیمان پیدا کند و کسانی را که در کنج فراموشی وخواری و بدبختی بسر میبرند رهائی‌بخشد . سرانجام متوجه شد که تعدیات‌اجتماعی‌ازراه‌پرورش مردم‌رفع میشود وبهبودی جامعه‌ازراه تربیت‌وبوسیلهٔ تربیت‌انجام میگیرد وبرای رسیدن‌بمرام‌خویش تمام وقت خودرا صرف آسان کردن واصلاح روشهای آموزش کرد .

درنظر **هربارت** هدف آموزش وپرورش ومنظور آن اخلاق ومنش‌است‌یعنی اراده‌ای که درهیئت‌اجتماع‌بنحو‌پسندیده‌رفتار کند . منش‌واخلاق‌را نیز مفصلا تجزیه نموده وعبارت دانسته است از آزادی درونی انسانی که بصورت نکوئی‌وسودمندی و دادگری وانصاف ظاهر وپدیدارشود واین درحقیقت همان خوشی و سعادت وانجام وظیفه بموافقت باعقل است که ارسطوغایت مطلوب‌انسان دانسته است. ازحیث‌برنامه نیزهربارت نظر بپرورش اجتماعی داشته زیرا پیشنهاد کرده است که خلاصهٔ کار و مراحل تمدن وفرهنك بشروزندگانی گذشته برای کودکان گفته شود .

فربل نیز باکمال صراحت اهمیت اجتماعی برای آموزش وپرورش قائل‌است وگوید کودکستان باید نمونهٔ کوچکی باشد از پیرامون اجتماعی طفل و دستور تحصیلات آن عبارت باشد ازنشان دادن‌عناصر واجزاء زندگانی‌اجتماعی‌بطورمختصر وبسیارساده .

درنظرطرفداران علوم طبیعی

چنانکه‌درفصل گذشته اشاره‌شدطرفداران بزرك‌علوم‌طبیعی مانند اسپنسروهکسلی درعین‌اینکه تدریس‌علوم‌مذکوررا سفارش کردند توجه شایان بجامعه و پرورش آن داشتند و آموختن علوم اجتماعی‌وسیاسی واخلاقی را نیزتأکید نمودند . از لحاظ اقتصادی و مادی‌نیزطرفداران علوم طبیعی‌باعقیدهٔ کسانی که متوجه اصلاح‌جامعه ازراه‌آموزش و پرورش بودند موافقت دارد و هنرستانها وآموزشگاههای پیشه وری و بازرگانی همان اندازه درنتیجهٔ التفات بعلوم طبیعی‌بوجود آمد که بواسطهٔ **عنایت بحال اجتماع وآماده ساختن ومجهز کردن افراد برای عضویت سودمند ومؤثر جامعه** .

درنظر جامعه شناسان

اگوست کنت[۱] جامعه‌شناسی‌را ایجاد وتدوین کرد وآنرا بزبان فرانسه سوسیولوژی نامید. ازآنزمان تاکنون مقام آموزش وپرورش را بچند گونه تعبیر و تفسیر کرده‌اند که برخی دراینجا گفته میشود.

بعضی ازعلمای مذکورمانند وارد[۲] امریکائی آموزش و پرورش را **وسیلهٔ دانش گستری** دانند و گویند پیشرفت بسته بعقل‌است - عقل‌نیز نتیجهٔ دوعامل است یکی‌درجه ونیروی هوش ودیگری حاصل کارهوش یعنی دانش و آگاهی. دراندازهٔ هوش بارعایت قوانین‌وراثت ونفوذ محیط میتوان فقط اصلاحاتی‌بطورغیرمستقیم‌وارد کرد ولی اندازهٔ دانش را مستقیماً میتوان افزود. پس چه از لحاظ شناسائی قوانین وراثت ونفوذ محیط وچه از لحاظ افزایش معلومات وظیفهٔ آموزش و پرورش دانش گستری است.

جامعه شناسان دیگر آموزش وپروزش‌را **وسیلهٔ نظارت براجتماع** یابعبارت دیگر وسیلهٔ فرمانروائی بردیگران دانند. درادوار گذشته دولت همیشه ازراه زور وقوهٔ قهریه حکومت وتسلط خویش را مسلم داشته ـ کلیسا یاعالم روحانیت‌بوسیلهٔ اعتقادات مذهبی وآئین دینی وتشریفات صوری ورعایت شعائروبیم وامید ازکیفرو پاداش اخروی برمردم حکمفرمائی‌نموده است. اکنون جامعه را بوسیلهٔ مدرسه و آموزش وپرورش نسل آینده میتوان زیرنظارت درآورد وبهبودی حال آنرا درنظر گرفت. این وسیله هم معقول‌تر است وهم بیشترمقرون بصرفه تاتوسل بزور،چه در آنصورت تنها گفته‌های آموزگار نتیجهٔ دلخواه را می بخشد وحال آنکه زور و قوهٔ قهریه آدمی‌وجامعه‌را بایستادگی‌ومخالفت برمیانگیزد. مدرسه نیزنیکوترازکلیسا ودین برجامعه نظارت میکند زیرا مدرسه تشبث باستدلال ونیروی فکری میکند وذوق وعشق وبیداری‌مردم را درنظرمیگیرد نه چون‌کلیسا خرافات واوهام وعقاید تعبدی را وسیلهٔ تسلط براجتماع قراردهد.

---

(۱) Auguste Comte (۱۷۹۸-۱۸۵۷)

(۲) Lester Ward

همانطور که پدر و مادر آموزش و پرورش را برای کامیابی وتوفیق طفل در زندگانی روزانه بکارمیبرند ـ همانطور که کلیسا آموزش و پروش را برای استفاده بنفع سازمان مذهبی و همچنین برای فلاح و رستگاری ابدی کودك بکار میبرد ـ همانطور نیز دولت آموزش وپرورش را برای رفاه وآسایش جامعه (که شامل خودو رفیقان وهمکاران اوست) مورد استفاده قرارمیدهد . بدین ترتیب آموزش و پرورش مانند قانون وقوای انتظامی وشهربانی وکلیسا و روزنامه ورادیو وسیله وآلتی است دردست جامعه ولی روش وطرزعمل آن مستقیم نیست وزور و قوهٔ قهریه بکارنمیبرد بلکه بطورغیرمستقیم ازراه القاء فکر و تعلیم دانش در دماغ کودکان نسل آینده و برانگیختن احساسات آنها وپدیدآوردن حالات و عادات مخصوص منظور و مقصود خودرا عملی‌میسازد .

دستهٔ سوم ازجامعه شناسان آموزش وپرورش را **وسیلهٔ انتقال فرهنك اعصار گذشته** وتمدن قرون ماضی‌وسنن‌وسوابق وعادات ومراسم روزگاران پیش‌به‌نسلهای آینده میدانند (۱) . ازاین لحاظ آموزش وپرورش عبارت است از کوششی که برای نگاهداری ودوام وبسط فرهنك همگانی بعمل آورند . البته منظور علمای مذکور این‌نیست که فرهنك گذشته ثابت ونامتغیر بماند ومتحجرشود بلکه نظرشان‌اینست که حد معتدلی‌اتخاذ گردد میان فردی که خودرو وبی‌قید وبند بارآید وفردی که نسبت به سنن وسوابق واحکام فرمانبردارمحض وتسلیم صرف باشد . هریك ازافراد جامعه بافراگرفتن ملخصی ازآزمایش نسلهای پیشین وفرهنك گذشتهٔ کشورخویش پرورش‌خواهدیافت وپایداری واستواری‌جامعه بسته بهمین‌عمل‌است که مانع ازتغییر کلی وانحراف بسیار وهرج ومرج میشود . درهمان حال پیشرفت جامعه ازتغییرات کوچکی‌حاصل میشود که هرفرد ممکن‌است درتحت تأثیرمحیط خویش‌درسنن و سوابق‌وفرهنك گذشته وارد کند . ازینرو پیرامون کودك پیوسته دگرگون میشود

---

(۱) شهیدثانی سیصدسال پیشتر تقریباً مانندابن‌نظریه را اظهارکرده‌است (رجوع شود به‌تاریخ فرهنك ایران صفحهٔ ۲۵۲)

وآموزش وپرورش باید اورا نیروئی بخشد که برای سازش با این محیط متغیر آماده کند ودرهمان حال شخصیت اورا نگاه بدارد ومنبسط سازد .

بالاخره بنظر دستهٔ چهارم ازجامعه شناسان آموزش وپرورش **بالاترین و بهترین راه وروش تکامل** است .

مطابق نظریهٔ تکامل ، موجودات جاندار درتحت تأثیر دوعامل مهم تحول پیدا میکنند واعضاء واندام وجوارح وساختمان بدن آنها روبتکامل میرود . یکی از این دوعامل محیط است که ممکن است خاك باشد یاآب یا هوا ـ سرد باشد یا گرم ـ مرطوب باشد یاخشك . عامل دیگر تلاش و کوشش خودآنهاست بزنده ماندن وبقاء. درنتیجه تأثیراین دوعامل موجوداتی که بامقتضیات زیستن گاه خویش متناسب‌تر و دارای استعداد و تجهیزات بیشتر باشند زنده می مانند و بقیه از میان میروند واین جریان را انتخاب طبیعی نامند .

انسان نیز چنانچه بوسیلهٔ تعلیم وتربیت خودرا مجهز سازد و وضع خودرا با پیرامون خویش منطبق نماید و با مقتضیات محیط سازش کند وخویشتن را با آن محیط متناسب نماید باقی میماند ـ روبتکامل میرود ودرنتیجه رشد حاصل میکند بنابراین نقش انتخاب طبیعی درمورد موجودات جاندار مانند نقش آموزش و پرورش است درمورد انسان .

توسعهٔ فرهنك دراثر مردم دوستی واعتقادات مذهبی

نظریه‌های مذکور راجع باهمیت اجتماعی آموزش و پرورش موجب شد که درقرن نوزدهم در کشورهای متمدن آموزشگاهها روبتوسعه گذاشت وتسهیلات بسیار درکارتحصیل فراهم آمد تاسرانجام **تمام افرادملل مترقی از نعمت تربیت بهره‌مند شدند** . دراین توسعهٔ فرهنك دومرحلهٔ پیاپی میتوان بازشناخت . در مرحلهٔ نخست آموزشگاهها توسط مردمان وهیئت‌های نیکوکار ازلحاظ نوع پروری وتقرب بخدا بوجود آمد واداره شد . دراین مرحله نظارت دردست اشخاص یا کمیته‌هائی بود که تقریباً سمت نیمه رسمی داشتند وازطرف دولت بطورکلی بآنها کمکهائی میشد . در

مرحلهٔ دوم در کشورهای مترقی دولت باهمیت سیاسی واجتماعی و اقتصادی آموزش وپرورش پی‌برد ومسئولیت پرورش تمام افراد ملت‌را بعهده گرفت وآنرا از وظایف خود شناخت ودرنتیجه دستگاه بزرك فرهنك درهر کشور متمدن بوجودآمد که‌از بزرگترین مفاخرعصرجدیدومؤثرترین عوامل پیشرفت وبهبودی دنیاست .

در آلمان

ازمرحلهٔ نخست اندکی در اینجا سخن گفته خواهد شد . آلمان نخستین کشوری بود که حس نوع پروری‌افرادش موجب بازشدن آموزشگاه درآنجا شد . در فصل هشتم ازکارهائی که بریاست‌باسدو انجام یافت شمه ای گفته‌آمد . بنگاههائی که برپا شدخصوصی بود . از راه پرورش آموزگارونوشتن رساله وکتاب باسدو موجب شدکه آثار طبیعی مورد بررسی قرارگرفت و روشهای دلپسند پدید آمد وروحیهٔ کلاس ومدرسه دگرگون شد . پستالزی نیزیتیم‌خانه‌ای تأسیس کرد که‌بعدها مورد اقتباس واقع‌ومانندآن‌درآلمان ایجاد گردید .

درانگلستان

در۱۷۹۷ درانگلستان شخصی که **بل** (۱) نام‌داشت ودرمکتب خانه های مدرس (هندوستان) کارخلیفه را مشاهده کرده‌بود شاگردان بزرگتر را برای آموختن کودکان کوچکتر بکاربرد . بوسیلهٔ او بویژه بوسیلهٔ لنکاستر (۲) مسئله عمومی شد وتقریباًدستگاهی برای فرهنك بطریق‌مذکور درانگلستان برپا گردید. تنی ازآموزگاران میتوانست بکمك چند خلیفه‌وسازمان مخصوص وروش معین‌شمارهٔ بسیاری از کودکانرا بیاموزد . درمقابل خودداری‌مردم ازپرداخت‌هزینهٔ آموزشگاه ومساعدت نکردن‌دولت وبسنده نبودن‌وسایلی که‌کلیسا برای تربیت توده دردست داشت بکاربردن خلیفه درتأسیس مدارس مجانی درشهرها کمك بزرگی‌شدوتوجه دانشمندان را باموزس وپرورش‌جلب کرد . لنکاستر ترتیب مذکوررا درامریکا هم داخل کرد وازاینراه خدمات بسیار نمود چنانکه درنیمهٔاول

---

(۱) Andrew Bell

(۲) Lancaster

قرن نوزدهم بیشتر مدارس امریکا درشهرها همین ترتیب را بکاربستند .

البته گماشتن خلیفه واداره کردن کلاس بدین وسیله معایب زیاد داردمانند اینکه تحصیلات سطحی شده و درواقع برای رفع تکلیف خواهد بود ـ انتظام کلاس سخت وماشین وار است ـ معلومات کـودك مشتی است ازمحفوظات . علمای تربیت متوجه این معایب گشتند وسرانجام درنتیجهٔ عنایت مردم‌بفرهنك ورونقی که‌در کار پدید آمد و حاضر شدن خلق بپرداختن هزینهٔ مدارس بکار بردن خلیفه رفته رفته بر افتاد .

آموزشگاههای بچگان (۱)

بیست‌سال پیش ازشورش فرانسه کشیشی‌برای‌بچگان یکی ازدهکده‌های شمال شرقی فرانسه آموزشگاهی برپا نمود که بزودی درشهرها مانند آنرا بوجود آوردند واز۱۸۳۳ جزوسازمان‌فرهنك‌فرانسه شدومدرسهٔ مادرانه‌اش نام‌نهادند(۲). دراین آموزشگاهها خواندن‌ونوشتن ونقاشی ونام اشیاء وکارهای دستی وموزیك وورزش‌وتعلیمات‌دینی ومختصری‌ازمقدمات جغرافیاوعلوم طبیعی را میآموختند ودرحقیقت کودك‌رابرای ورود بکلاسهای نخست ودوم دبستان آماده میکردند .

در ۱۷۹۹ روبرت اُون(۳) انگلیسی مستقلاً اقدام بتأسیس آموزشگاه‌بچگان دراسکاتلند نمود تاازبدبختی‌های کودکان‌درکارخانه‌ها پیش گیری کند. درآن‌تاریخ صنایع ماشینی آغازو کارخانه‌هابرپامیشد ودرویش‌زادگان‌راازپنج‌تاشش‌سالگی‌برای مدت پنج‌سال بخدمت میگرفتندواین بیچارگان می‌بایست‌ازساعت‌شش بامدادتاهفت پسین کار کنند سپس درکلاس شبانه بتحصیل پردازند . در نتیجه اکثر آنها ازرشد بازمیماندندو «سوخته» میشدند ویامعایبی درتن آنها پیدا میشد . در۱۷۱۸ یکی از آموزگارانی که‌زیردست اُون کار کرده بود بلندن‌رفت وبوسیلهٔ یکی‌ازنویسندگان

---

(۱) Ecole enfantine

(۲) ـ مدرسهٔ مادرانه ترجمهٔ Ecole maternelle است

(۳) Robert Owen (۱۷۷۱-۱۸۵۸)

نوع پرورآموزشگاه بچگان‌را رواج داد تاسرانجام در ۱۸۳٤ انجمنی‌برای افزایش شمارهٔ مدارس مذکورتشکیل یافت .

اُون بچگان‌را ازسه‌سالگی درآموزشگاه می‌پذیرفت وتن و اخـلاق آنها را پرورش میداد . در دوسه سال مطالبی بآنها میآموخت که درخورفهم و استعدادشان بود و باسرود ورقص وتفریح و حرکات بـدنی توأم میگردید - عیش آنان بواسطهٔ کتاب منغص نمیشدوشناساندن چیزهای‌معمولی وطبیعی ازراه‌نشان‌دادن‌آنهایانقشه ونمونه وتصویروگفت وشنود انجام می‌یافت .

در۱۸۲۷ درنیویوك آموزشگاه بچگان بوجودآمد و شهرهای بزرك دیگر بیدرنك از آن تقلید نمودند وحتی در نقاطی که مدارس رسمی برپا شد چون‌برای کودکان خرد سال نبود آموزشگاههای بچگان و انجمن هائی کـه برای تأسیس و نگاهداری آنها ایجـاد گردید خدمات بسیار نمود و در حقیقت نخستین کلاس های دبستانهای رسمی در بسیاری از شهرهای امریکا از ظهور همین آموزشگاهها پدیدآمد .

انجمن آموزشگاه های رسمی درامریکا

چون هرشهروشهرستانی‌را درامریکاتاریخ‌وسازمان مخصوصی است دراینجا بطورمثال‌مختصری ازنیویرك گفته خواهدشد . تا۱۸۰۵ غیرازمدارس دینی که جزوکلیسا بود درشهرنیویرك آموزشگاه مجانی (باستثناءیك آموزشگاه‌برای‌سیاه پوستان) وجود نداشت . درآن سال براهنمائی شهردار انجمنی بنام انجمن‌آموزشگاه‌رسمی برای پرورش کودکان بی‌چیز برپا گردید ومدارسی باخلیفه مانندآموزشگاه‌لنکاستر ایجاد شد . در ۱۸۲۷ نیز آموزشگاه بچگان بوجود آمدکـه پس از چندی جزو سازمان‌انجمن‌مذکور گردید.درآمداین انجمن‌ازاعانه‌های‌شخصی‌وفروش بلیط‌بخت آزمائی بدست میآمد تا از ۱۸۱٦ دولت نیویورك هم مبادرت بکمك مالی نمود . سرانجام در ۱۸۵۳ مدارس مـذکور منتقل شد بـه « هیئت مدیرهٔ فرهنك » کـه دولتش برپا ساخت و از آن سال‌آموزش همگانی مجانی معمول گردید . بطورکلی

در نیمهٔ قرن نوزدهم در امریکا مدارس دینی وبنگاههائی که از راه نوع‌پروری بوجود آمده بود بآموزشگاه های مجانی دولتی تبدیل گشت و جزو سازمان فرهنك شد .

تأسیس مدارس رسمی

چنانکه دربالا گفته‌آمد مرحلهٔ دوم توسعهٔ فرهنك بدست زمامداران واولیای امور کشورهای متمدن انجام گرفت و سازمانی پدیدار گشت که تا بامروز با تغییراتی کم و بیش باقی است .

چون سازمان فرهنك هر کشورنتیجهٔ طبیعی سیرتدریجی وتکامل تاریخی آن کشور است دراین کتاب‌بشرح وتوصیف سازمان مدارس کشورهای عمدهٔمغرب‌زمین یعنی آلمان وفرانسه وانگلستان خواهیم‌پرداخت زیرا ممالك مذکور وارث‌معارفی هستند که تاریخ آن دراین مجلد بطورمجمل آمده است . علاوه برممالك مذکور سازمان آموزشگاههای امریکا نیزمورد بحث واقع خواهد شد زیرا امریکا درآغاز فرهنك خودرا از اروپای غربی اخذکرده سپس آنرا بسط وتوسعه داده وامروز در بسیاری ازامور وازجمله طرق آموزش وپرورش وعلوم تربیتی مورد اقتباس کشور های دیگرواقع گردیده است .

چون هزاران نفر ازدانشجویان ایران نیز بطورکلی درامریکا و اروپای غربی تحصیلات خود را تعقیب میکنند اطلاع بر معارف ممالك مذکور برای آنان هم سودمند است .

مدارس جماهیر شوروی روسیه نیز ازلحاظ قرب جواروتأثیرآن مملکت در اوضاع سیاسی واقتصادی واجتماعی ایران دراین کتاب مورد بحث واقع خواهدشد.

این نکته باید قبلا خاطرنشان شود که تااواخرسدهٔ هیجدهم در کشور های مذکورمدارس زیرنظر ونفوذکلیسابود وهمین که اهمیت اجتماعی‌آموزش‌وپرورش ظاهرشددر کشوری سازمان رسمی زودتربوجودآمد که میان دولت و کلیسا سازش ویگانگی موجود بود .

فصل دوازدهم

سازمان فرهنك آلمان

سازمان رسمی فرهنك در آلمان زودتر از همه جا برپا شد و استقرار حاصل کرد. چنانکه درصفحات قبل مذکور افتاد فردریك بزرك متوجه شد که آموزش و پرورش اساس وپایهٔ پیشرفت اقتصادی ونفوذ واقتدار سیاسی و خوشی و آسایش ملت است. درپایان جنك هفت ساله در ۱۷۶۳ فردریك توانست نیروی خودرا صرف توسعه ونشر فرهنك کند ودرفرمانی که بعنوان «نظامات عمومی مدارس» در آن سال صادر کرد آموزش را اجباری نمود - برای پرورش آموزگار وتأمین حقوق او پیش بینی های لازم کرد - راجع بکتابهای درسی وروش آموختن وبازرسی مدارس و آزادی پدرو مادر درامردین فرزند خویش مقرراتی منظور داشت.

پسراو در ۱۷۹٤ مجموعهٔ قوانین پروس را انتشارداد ودربخش راجع بآموزش وپرورش این ماده را که اساس سازمان رسمی وملی فرهنگ است اعلام کرد: «تمام آموزشگاهها ودانشگاهها دولتی هستند ومأمور دادن اطلاعات سودمند وآموختن مطالب علمی بجوانان. اینگونه بنگاهها را تنها با آگاهی و پروانهٔ دولت میتوان برپا کرد».

شکست پروس ازناپلیون در **ینا** در ۱۸۰٦ وخفتی که ازاین حیث در معاهدهٔ تیلسیت[۱] در ۱۸۰۷ نصیب آن شدنوهٔ فردریك بزرك را که در آنزمان پادشاه بود بیدار

---

(۱) Tilsitt

ومتوجه پرورش مردم کرد چنانکه اعلام نمود :

« گرچه مازمین وقدرت‌ونفوذ خودراازدست دادیم ولی بایدبکوشیم‌تابانیروی فکری واخلاقی آنراپس بگیریم. ازینرو میل وتصمیم قطعی من‌اینست که‌ازراه‌توجه مخصوص بپرورش تودهٔ مردم ملت را اززیربارخفت بیرون‌آورم »

دراین قسمت سلسلهٔ سخنرانیهای فیشته[۱] خطاب بملت آلمان در زمستان ۱۸۰۸ ـ۱۸۰۷ ودعوت او ازپیشوایان ورؤسای قوم که تعلیم وتربیت رابرای رهائی مملکت از چنك مذلت بکار برند بسیار مؤثر افتاد . فیشته ایمان داشت کـه ملت آلمان دارای خصائل و اوصافی‌است که‌بقاءووجود آنرابرای جهان ضروری‌میسـازد و معتقد بود کـه هرچـه ضرورت و لزوم دارد بدست آوردن آن امـکان پذیر است .

فیشته

(۱۸۱٤ ـ ۱۷٦۲)

سخنرانیهای فیشته چندان متفکران واولیای اموررا بجنب و جوش انداخت

---

(۱) Fichte (۱۷٦۲-۱۸۱٤)

کـه نظیر آن از زمان نهضت دینی لوتر (۱۵۱۹) تا آن تاریخ در آلمان دیـده نشده بود.

دراثر خطابه های مذکور درآموزش وپرورش آلمان تجدید نظر کردند و ومدارس راازتحت نظارت کلیسا خارج نموده مبدل به دستگاه عظیمی کردنددردست دولت تاآمال کشوررا تأمین کند.

نتیجهٔ این تجدید نظر وروح تازه‌ای که درکالبد فرهنك آلمان دمیده‌شد در قیام ملت آلمان هویـدا گشت ودر ۱۸۱۳ـ ۱۸۱۲ بظهور پیوست و منجر بفتح و فیروزی گردید. « جنك استخلاص » ۱۸۱۵ ـ ۱۸۱۳ و شکست کامل فرانسه در لیپزیك[۱] بدست اطریش وپروس وروسیه در۱۸۱۳ وبدست انگلستان و پروس در واترلو[۲] در۱۸۱۵ باعث شد که تمام ولایات واراضی که فرانسه‌ازآلمان گرفته بود مسترد گردید. شکست فرانسه را در۱۸۷۰ بدست پروس نیز محققین نتیجهٔ همین تجدید حیات فرهنگی دانسته و گفته‌اند که درسال مذکور معلمین آلمان‌بودند که موجبات فیروزی را فراهم کردند.

درسال ۱۸۰۷ دروزارت کشور ادارهٔ کل فرهنك تأسیس شد که از نفوذ کلیسا و دین دور بود. ده سال بعد ادارهٔ مذکور مستقل گشت و در ۱۸۲۵ هیئت مدیرهٔ فرهنگی برای نظارت درمدارس درهرشهرستان تأسیس شدونظارت دولت رفته‌رفته کامل گردید بااین حال تازمامداری هیتلر در۱۹۳۳ ازنفوذدین بر کنارنبودزیرادر هیئت ها کشیشها عضویت داشتند وبازرسان نیزبیشترازمیان آنها برگزیده میشدند. بعلاوه‌تعلیمات دینی درهرمدرسه جزو برنامه بود منتها آنرا درساعتی قراردادند که شاگرد (درصورت مخالف بودن آن بادین پدر ومادرش) میتوانست حاضرنشود. دبیرستان‌ها برای تمام فرقه های دینی یکی است ولی برای کاتولیکها و پرتستانها دبستان دولتی جداگانه برپا شده‌است.

---

(۱) Leipzig

(۲) Waterloo واقع دربلژیك

دبستان

در پروس مانندعده‌ای‌از کشورهای اروپا دبستانهاودبیرستانها تا ۱۹۱۸ یعنی‌پایان جنك جهانی اول‌مکمل‌یکدیگر نبودند بلکه از هم مجزا ومشخص بودند . دبیرستانها که عبارت باشند ازژیمنازورئال‌شوله وترکیبهائی که ازاین دونوع بوجودآمده مقدمه بودند برای دانشگاههاواز کلاس ابتدائی تا پایان متوسطه را دربرداشتند . این کلاس‌های ابتدائی را تا ۱۹۱۹ برنامهٔ ویژه‌ای بود غیر ازبرنامهٔ آموزش ابتدائی چنانکه دبستانها دستورتحصیلات‌جداگانه داشتند ومربوط‌بادبیرستانها نبودند. این طرزسازمان را«دستگاه موازی»مینامیدند زیراتحصیلات دبستان ودبیرستان‌بموازات یکدیگربود نه دنبال یکدیگر.تحصیلات دبیرستان ازنه تاهیجده سالگی وقت طفل را میگرفت و دبستان از شش تـا چهارده سالگی . پس ازسه یا چهارسال تحصیل دردبستان ممکن بود وارد دبیرستان‌شدولی پس ازآن برنامهٔ آنها باندازه‌ای متفاوت بود که شاگرد عملا نمیتوانست از دبستان بدبیرستان برود . درپایان دبستان هشت‌ساله تنها ممکن بود وارد برخی ازهنرستان ها وآموزشگاههای بازرگانی واختصاصی ومدارس شبانه شد .

دردبستان‌یاآموزشگاه‌تود،(۱) تحصیلات‌مجانی‌وویژهٔ‌طبقات‌عادی و کارگران و کشاورزان بود ولی دردبیرستانها می‌بایست ماهانهٔ کافی پرداخت که معمولا معادل دوثلث تمام مخارجی بود که برای هرشاگردمیشد وبنابراین بازرگانانزودارندگان کارهای آزاد وتوانگران وبزرگان می توانستند فرزند خود را بآنها گسیل دارند . برای طبقات متوسط آموزشگاه‌میانه (۲) برپا کرده بودند که دوره‌اش یك سال‌بیش ازدورهٔ دبستان بود واز کلاس چهارم تاهفتم تحصیلات مشترك بود ودر سال های‌بعد به سه شعبهٔ عمومی وتجارتی وصنعتی تقسیم میشود و معمولا یك یادو زبان خارجی نیزمیآموختند ومعلمان آن نیزداناتر وشایسته تربودند .

اصلاحات ۱۹۱۹

تقریباً ازآغازقرن بیستم عده‌ای ازدانشمندان وآزادیخواهان متوجه معایب دستگاه موازی شده بودنـد که راه تحصیل را

---

(۱) Volksschule (۲) Mittelschule

دردبیرستان‌ودانشگاه برشاگردان‌مستعد بی‌بضاعت‌مسدودساخته ومنحصر بتوانگران وطبقات ممتازه نموده بود ، دانشمندان مذکور پیشنهاداتی برای ایجاد دستگاه همگانی (۱) که عموم محصلین ازفقیر وغنی برحسب استعداد خویش بتوانند ازآن استفاده کنند در کتب وجراید نموده بودند .

درپایان جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱٤) انقلابی درآلمان بظهور پیوست که منجر باعلام جمهوری‌شد . مجلس مؤسسانی که‌انتخاب گردید در۱۹۱۹ درشهر ویمار(۲) قانون اساسی‌جدیدی تصویب کرد که‌ضمن آن توجهی بپیشنهاد طرفداران دستگاه همگانی نمود: سه کلاس مقدماتی (۳) دبیرستان‌حذف گردید ومقررشدتمام شاگردان ازشش سالگی وارد مدرسه‌ای شوند بنام « آموزشگاه پایه (٤) » که دورهٔ آن چهارسال است .

کسانی که آموزشگاه‌پایه‌راباتمام‌رسانندمیتوانند واردیکی‌ازانواع‌دبیرستانها شوند وچنانچه نخواهندبدبیرستان روند میتوانند تا پایان تحصیلات اجباری‌درهمان مدرسه مانده ودورهٔ آموزشگاه توده رابانجام رسانند .

دانش آموزانی راکه با استعداد ومایل‌اند بدبیرستان روند آموزشگاه پایه درحدود امکان موظف است آنها رادر مدت سه سال آماده کند تا دورهٔ تحصیلات متوسطه که قبل ازاعلام جمهوری دوازده سال بود بی جهت سیزده سال نشود .

تسهیلاتی که برای اطفال بی‌بضاعت داده شده ضمن شرح دبیرستان ها بیان خواهد گردید .

دبیرستان

درفصل های گذشته گفته شد که دو گونه دبیرستان در آلمان بوجودآمد یکی ژیمناز که بویژه برای‌تحصیل زبان‌وادبیات یونان وروم بود ودیگر رئال شوله که باآموختن علوم طبیعی وریاضی وزبان های خارجه از ژیمناز مشخص وممتاز میگشت. در۱۸۵۹ وزارت فرهنك پروس‌دو گونه

---

(۱) Einheitsschule (۲) Weimar
(۳) Vorschule (٤) Grundschule

رئال‌شوله رابرسمیت شناخت : دستهٔ نخست آنکه دوره‌اش نه سال و تنها زبان لاتین (بدون یونانی) می‌آموخت وفرهختگان آن حق ورود بدانشگاه راداشتند منتهادر دانشکدهٔ یزدان شناخت وپـزشگی وحقوق نمی‌توانستند داخل شوند. چون ایـن دبیرستانها حد وسط میان ژیمناز ورئال‌شوله بودند در۱۸۸۲ آنها را رئال‌ژیمناز(۱) نام نهادند. دستهٔ دوم زبان لاتین رادر برنامه ندارد واگرشمارهٔ سالهای تحصیلش به نه سال رسد آنرا «فوق رئال‌شوله» (۲) نامند وفرهختگان آن حق ورودبدانشکدهٔ علوم ریاضی وطبیعی را دارند. بدین ترتیب تا ۱۹۱۹ سه گونه دبیرستان کامـل در آلمان وجود داشت : ژیمناز- رئال ژیمناز- ابررئال شوله.

اگربواسطهٔ کمی‌شاگرد و کوچکی شهرسه دبیرستان نامبرده کامل نبودوتنها شش کلاس‌داشت‌بترتیب‌بنام زیرخوانده‌میشد : پروژیمناز(۳) - رئال‌پروژیمناز(٤)- رئال شوله.

عیب دستگاه آموزش دبیرستان آلمان این بود که پدر ومادر کودك باید در نه‌سالگی کارآیندهٔ اورابرگزینند تااورا دریکی‌ازدبیرستانهای نامبرده توانند گذارد ورنه ازآن پس انتقال او از یکی بدیگری مقدور نبود زیرا درژیمناز ازهمان سال نخست تحصیل زبان لاتین آغازمیکنندوازسال چهارم نیز زبان یونانی میآموزند و دراینصورت از رئال شوله یاپس ازسال چهارم رئال ژیمناز نمیتوانند بژیمنازمنتقل گردند.

برای رفع این عیب از۱۸۹۲ باینطرف نوع جدیدی از دبیرستان برپا نموده

---

(۱) Realymnase
(۲) Oberrealschule
(۳) Progymnase
(٤) Realprogymnase

که مدرسهٔ اصلاح شده [۱] نام نهاده‌اند و در سه سال نخست تنها زبان فرانسه را میآموزند سپس شاگرد در دوازده سالگی میتواند یکی ازدو شعبه رابر گزیند : یاتا پایـان دبیرستان زبان انگلیسی بخواند یازبان‌لاتین رافرا گیرد. اگرشعبهٔاخیررا بر گزیند پس از دوسال آزاد است که یاچهارسال مانده را یونانی تحصیل‌ویا انگلیسی را دنبال نماید . اینگونـه دبیرستان بتندی درآلمان زیاد شد .

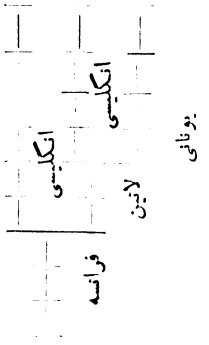

طرح مدرسهٔ اصلاح شده

سه سال پس ازاعلام جمهوری در آلمان یعنی در ۱۹۲۲ تصمیماتی اتخاذ شد که اولااطفال مستعد بی بضاعت بتوانند وارد دبیرستانها شوند ثانیاً نوعی ازدبیرستان بوجود آورند که بیشتر بفرهنك آلمان توجه کند ومواد مورد نیاز دنیای جدیدرا بجای السنهٔ خارجه بیاموزد ثالثاً برای قصبات وروستا دبیرستانهائی تأسیس کنند که شاگردان با استعدادبتوانند تحصیلات خود را ادامه‌دهند واحیاناً خودرا برای‌ورود بدانشگاه آماده سازند .

برای تأمین نظراول مقررشد مبلغی معادل چهاریك درآمد هر دبیرستان (از محل شهریهٔ شاگردان)به تشخیص رئیس وشورای دبیران‌بابت شهریهٔ دانش‌آموزان مستعد بی‌بضاعت محسوب گردد وچنین جوانانی را مجاناً بپذیرند .مطابق‌برآوردی که کرده‌اند سی‌درصد از کلیهٔ شاگردان دبیرستانهای آلمان‌مشمول‌این مقررات‌اند.

برای تأمین نظردوم دررديف دبیرستانهای موجودآموزشگاهی‌تأسیس کردند بنام دبیرستان آلمانی [۲] که دربرنامهٔ آن توجه مخصوصی بزبان وادبیات آلمان و تاریخ وجغرافیا وتربیت‌مدنی میشود وزبانهای خارجه‌راچندان اهمیت نمیدهندولی

---

(۱) Reformschule

(۲) Deutsche Oberschule

کسانیکه میخواهند بعدها وارد دانشگاه شوند بر حسب مقررات آنها باید دوزبان خارجه رانیکو فرا گیرند.

برای اجرای نظرسوم مدرسهٔ دیگری درشهرهای کوچك و مراکزدهات در ردیف دبیرستانهای موجود تأسیس کردند بنام دبیرستان پرورنده [۱] که دورهٔ آن شش سال است وشاگرد پس ازاتمام کلاس هفتم دبستان چنانچه با استعداد باشد واز عهدهٔ امتحان ورودی برآیددرآنها پذیرفته میشود ودرمدت شش سال مذکورخود را برای امتحان ختم تحصیلات متوسطه [۲] طبق برنامهٔ ابررئال شوله یا دبیرستان آلمانی آماده میسازد تابتواند وارد دانشگاه شود. این نوع دبیرستان بزودی مورد توجه مردم واقع شد بطوریکه درشهرهای بزرگ نیزنظیر آنرا بوجودآوردند.

بنابر آنچه گفته شد تا۱۹۳۳ شش نوع دبیرستان کامل نه کلاسه و سه نوع دبیرستان شش کلاسه درآلمان موجود بود.

این نکته نیزبایدخاطرنشان‌شود که درآلمان‌دبیرستانهای پسرانه ازدخترانه جداست وفقط درموارد خاصی بادرخواست پدر ومادر دختر وتصویب انجمن خانه و مدرسه وموافقت اولیای فرهنك ممکن است بدوشیزه‌ای اجازهٔ تحصیل دردبیرستان پسرانه داده شود.

این نکته نیزباید یادآوری‌شود که برای ورود بسال نخست‌دبیرستان‌شاگرد می‌بایست ازحیث هوش مستعد ولااقل سه سال دانش آموخته باشد. این سه سال را میتوانست دردبستان یا آموزشگاه میانه یاآموزشگاه پایه خویشتن راآماده کند.

دانشگاهها

دانشگاههای آلمان نیزاز مؤسسات دولتی بشمارندولی‌دولت درآنها مداخلهٔ مستقیم ندارد بلکه خود آنها راقانون اساسی واختیاری است که ازروی آن رفتار کنند. بواسطهٔ کمی موقوفات ویا ماهانه‌ای که ازدانشجویان میرسد بودجهٔبیشترآنها ازطرف دولت تأمین میشود. اداره دانشگاه‌از لحاظ تعلیم و تربیت در دست شورای دانشگاه است که از استادان بزرك ورئیسان

---

(۱) Aufbauschule (۲) Abiturientenprüfung

دانشکده‌ها تشکیل میبابد وازاینان یك‌نفربنوبت (مثلا ازروی قدمت هردانشکده) باموافقت وزیر فرهنك یکسال ریاست دانشگاه را برعهده دارد . انتساب استادان با وزیرفرهنك است .

دانشگاههای آلمان ازآغاز قرن هیجدهم وبویژه ازقرن نوزدهم ازحیث‌نظم وسازمان ـ استقلال داخلی درامور علمی وفنی ـ اهمیت دادن به‌تخصص درهررشته‌ـ پژوهش و کشف وایجاد دانش ازبهترین مؤسسات عالی ادبی وعلمی جهان‌بوده‌است. استادان آلمانی درهررشته بحدی حوصله نشان داده وتعمق بکار برده‌اندوباندازه‌ای در علوم و ادبیات وفلسفه ومذاهب وطب وداروسازی و زبان شناسی و شرق شناسی کامیاب شده‌اند که صیت شهرت آنان عالم رافراگرفته است وبرای دانشمندان‌جهان سرمشق استقصاء وتحقیق وتتبع وشکیبائی وفداکاری در راه علم قرار گرفته‌اند.(۱)

تغییرات دردورهٔ نازیها

از۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ که حکومت‌نازی(۲) برسر کاربود سازمان فرهنك‌دگرگون نشد ولی تغییراتی در **برنامه و پرورش اجتماعی آلمان** برطبق اصول آن‌حزب رویداد که در اینجا بمهمترین آنها اشاره میشود :

۱ـ چون کشورهای متحد آلمان بدستور نـازیها مبدل بیك کشور بـزرك گردید فرهنك تمام آلمان نیزبدست یك وزارتخانه سپرده شد .

۲ـ حقوق معلمان و کارمندان ادارات یکسان گردید .

---

(۱) برای نمونه نام چندتن‌ازاستادانی که‌درباب تاریخ ومذاهب وادبیات‌وزبانهای ایران تحقیقات بکر وبسیار سودمند نموده مارا مرهون زحمات خویش ساخته‌انـد برای حق‌گذاری دراینجا ذکرمیشود :

Bartholomae، Geldner, Paul Horn, Hübschmann, F. Justi Nöldeke, Salemann، Weissbach، Geiger, Ernest Kuhn, Spiegel, Flügel, Kessler .....

(۲) نازی **Nazi** مخفف **National Socialiste** میباشد ونام حزبی است که پس ازجنك جهانی اول درآلمان بوجود آمد وهیتلر **Hitler** رهبر وپیشوای آن بود.

۳- تربیت بدنی از همهٔ کارها مهمترشد و منظور آن آماده کردن شاگـرد دبیرستان برای دفاع بود : دوگونه ورزش در برنامه پیش بینی کردند یکی ورزش بیرون ازشهر (دو ومسابقه بامانع ـ اسب سواری باپرش ـ راه پیمائی باصف- یافتن سو درروز وشب ـ خواندن‌نقشه) ودیگری ورزش جنگی (مشق نظامی ـ بکاربردن اسلحه ـ نگاهداری خویشتن هنگام بمباران هوائی) .

٤- پسران‌ودختران را ازده‌سالگی جزودسته‌ای کردند بنام« جوانان‌هیتلری» که آنرا چند میلیون کارمند بود. این دسته هفته‌ای یکروزبتربیت سیاسی‌وپرورش تن درهوای آزاد میپرداختند. درتـربیت سیاسی تاریخ آلمان‌و سرگـذشت جنك ۱۸-۱۹۱٤ وجنبش هیتلر و پیشامد های جاری موضـوع درس قرار میگرفت . در تابستان نیزسه هفته جوانان هیتلری در اردو بسرمیبردند و بورزش های گروهی و تربیت سیاسی مشغول بودند .

۵- در برنامه اهمیت بسیار بفرهنك آلمان (زبان آلمانی - تاریخ آلمان ـ نژاد آلمان ـ آداب و رسوم باستانی ـ بزرگان آلمان ...) و فرهنك آریائی داده میشد - ازساعات ریاضی وزبان خارجه در دبیرستان کاسته وبجای آن قوانین وراثت ونژاد وقواعد مراقبت درایجاد خانوادهٔ تندرست گذاشته شده بود - گردش علمی در درون وبیرون کشوربرای شاگردانی که‌دست کم ۱۲سال داشتندترویج گردیده بود.

٦-پیش‌ازواردشدن‌بصحنهٔزندگانی‌یا بدورهٔتحصیلات‌عالی‌ترفرهختگان‌دبستان نه ماه وفرهختگان دبیرستان ودانشگاه چهار ماه ونیم میبایست صرف کارهای بدنی وتربیت سیاسی دردهکده واردو کنند تابکشور آلمان و نژاد آلمانی آشنا شوند و بکشاورزی دل بندند وبزندگانی اجتماعی خوی گیرند . دراین مدت دختران باید بویژه درزی گری ـ آشپزی ـ باغبانی - بچه داری ـ پـرستاری ـ رقص ـ آواز گروهی بیاموزند . پسران بایستی بساختن راه و بند - خشك کردن‌باطلاق و کنارهٔ دریا - هموار کردن زمین - برانداختن جنگل بپردازند

بعد ازجنك جهانی دوم

جنك دوم جهانی (۴۵-۱۹۳۹ میلادی) با اشغال خاك آلمان ازطرف قوای مسلح امریکا وانگلستان وفرانسه وشوروی پایان یافت وطبق نقشه‌ای که سران دول فاتح درژویه ۱۹۴۵ دربرلن کشیدند قرارشد آلمان شرقی دردست دولت شوروی و آلمان غربی دردست سه دولت دیگرباقی بماند وهیئتی بنام شورای نظارت متفقین آلمانرا اداره کنند.

این شوری مأمورشد برنامهٔ مفصلی برای خلع سلاح آلمان ومحوحزب نازی وآثار آن وبرقراری حکومت ملی وآزادی واصلاح اموراقتصادی واجتماعی بموقع اجرا گذارد وغراماتی دریافت دارد ووقتی اجرای این برنامه خاتمه یافت آلمان به مسئولین آلمانی سپرده شود.

برای برقراری حکومت ملی لازم بود طرح جدیدی برای پرورش ملت آلمان ریخته شود تابتوان افکار آزادیخواهی را در دماغ آلمانیها وارد کرد وآنانرا برای قبول اصول حکومت ملی آماده ساخت.

بواسطهٔ اختلاف نظرشوروی بادول غربی شورای نظارت متفقین پس ازچندی عملاتعطیل شدوهریك ازدوطرف نظریات خویش رادرقسمت اشغالی خوداجرا کرد.

درآلمان غربی تمام کوشش امریکا وانگلستان و فرانسه برای اصلاح دستگاه تعلیم وتربیت باوسایل وطرق موجود بکاربرده شد و ازآموزگاران آلمانی استفاده گردید. نظامات و مقرراتی که نازیها برای القاء عقیده و تربیت افراد فرمانبردارو متعصب ومغرور وجنگجو وضع کرده بودند مانند بند ۳ و ۴ و ۵ و ۶ که فوقاً بآنها اشاره شد لغو گردید ودربرنامهٔ مدارس وروش وتربیت اصلاحاتی بعمل آمدوبسیاری از کتب درسی تعویض گردید.

در ۱۹۵۲ حکومت آلمان غربی بموجب پیمان خاصی از طرف دول غربی بدولت متشکل دربن (۱) واگذارشد.

☆☆☆

---

(۱) Bonn

اکنون جمهوری آلمان غربی مرکب ازهفت کشور وسه شهرمستقل است(۱) بموجب قانون اساسی جدید جمهوری آلمان مورخ مه ۱۹۴۹ تمام دستگاه تربیت در تحت نظارت دولت قرار گرفته است .

درهریك از کشورها و شهرهای مستقل قوانینی برای تعیین وظایف و حقوق اولیای اطفال - روابط بین دولت واولیای فرهنك - تعلیمات اجباری - تساوی فرصت بارعایت استعداد اطفال وضع شده است .

طبق تقسیمات فوق روشن است که در آلمان غربی فرهنك متمرکز نیست ودر دولت مرکزی شخصی مسئول امورفرهنگی نمیباشد . لیکن هریك از کشورها دارای وزارت فرهنك وکارهای مدارس در آنها تمرکز یافته است . امورتربیتی مانند برنامه و روش تربیت وپایگاه قانونی معلم را دولت بعهده دارد . امورمادی مدرسه چون بنا و اثاثیه و لوازم تعلیم و بهداری بعهده مؤسسین مدرسه است که ممکن است دولت باشد یاحوزه‌های فرهنگی واولیای محلی یا اتحادیه های صنفی یا اطاق کشاورزی ومانند آن . دولتهای مذکورمردم را درکارهای فرهنك شرکت میدهند و دربعضی از کشور ها شورا های فرهنك یا هیئتهائی برای نظارت در امور فرهنك بوجود آمده است .

برای ایجاد وحدت نظر بین کشورها و شهرهای مستقل در ۱۹۴۸ انجمن دائمی از وزیران فرهنك تأسیس شده ودربسیاری ازمسائل چون مدت سال تحصیلی تعطیلات رسمی مدارس - گواهینامه ها ورسمیت آنها - تربیت معلم - مقررات مدارس خصوصی موافقت حاصل شده است .

دورهٔ ابتدائی

تربیت طفل تا پایان شش سالگی بعهدهٔ اولیای او است . کودکستان وآموزشگاه نونهالان نیز برای اطفال از ۳ تا ۶ ساله توسط کلیسا و شهرداری و کارخانه ها بوجود آمده ولی جزو دستگاه رسمی

(۱) هفت کشور عبارتست از باویر - هس - ساکس پائین - ایالت رن - رن شمالی ووستفالی - شلزویك هلشتاین - ورتامبرگ وباد . سه شهر مستقل عبارتست از برلن غربی - هامبورك - برم.

فرهنك نیست . مربیان مؤسسات مذکور باید ازدولت پروانه دردست داشته باشند .

همین که کودکان شش‌ساله شدند باید بآموزشگاه پایه روند که دورهٔ آن‌در کشورهای هفتگانه چهارسال (چنانکه از۱۹۱۹ چنین بوده)ولی درشهرهای مستقل شش سال است . در آموزشگاههای پایه سه شهر مستقل در کلاس پنجم و ششم آموختن یك زبان خارجه اختیاری است .

دورهٔ متوسطه

درضمن‌مطالعهٔ این کتاب‌ملاحظه‌شد که‌هریك ازدبیرستانهای آلمان تحت تأثیر نهضت هائی بوجود آمد ومستقل ماند وبا دیگر دبیرستانها ارتباط نداشت . پس ازجنك دوم جهانی‌سعی کرده‌اند دبیرستانها را بایکدیگرمربوط سازند ودرتعلیمات متوسطه وحدت نظرایجاد کنند .

اکنون تحصیلات متوسطه پس‌ازختم‌آموزشگاه پایه‌آغازمیشود و درسه نوع دبیرستان که تقریباً همان مدارس قدیمند انجام میگردد .

نوع اول دورهٔ دوم آموزشگاه توده است که در کشورهای هفتگانه‌چهاریاپنج کلاس ودرشهرهای مستقل سه کلاس دارد (زیرا آموزشگاه پایه‌آنها شش‌کلاسه است) . دراین دوره برنامهٔ تعلیمات ابتدائی‌تکمیل و کودك برای ورود به کسب و کاربعنوان «شاگرد» آماده میشود . معمولا درآخرین کلاس او را بانوع شغلی که انتخاب خواهد کرد تا حدی آشنامی سازند .

نوع‌دوم‌آموزشگاه میانه رئال شوله است که درشهرهای‌مستقل‌آنرادبیرستان عمومی‌عملی (۱)می‌نامند . دراین مدارس دانش‌آموز را تاسن ۱٦ تربیت میکنند و شاگرد ازهریك از کلاسهای آموزشگاه توده‌میتواند بدان‌منتقل شود بنابراین‌دورهٔ تحصیل سه تاشش‌سال‌خواهد بود برحسب اینکه از کدام کلاس آموزشگاه توده‌وارد شده باشد . این‌مدارس‌شاگردرا برای مشاغل‌فنی واقتصادی واجتماعی واموردفتری وبازرگانی آماده میکنند . برنامهٔ آنها علاوه برمواد عمومی شامل دو زبان خارجه است که یکی ازآنها اختیاری است . سایر مواد اختیاری عبارتست از دفترداری و

(۱) Technische Operstufe

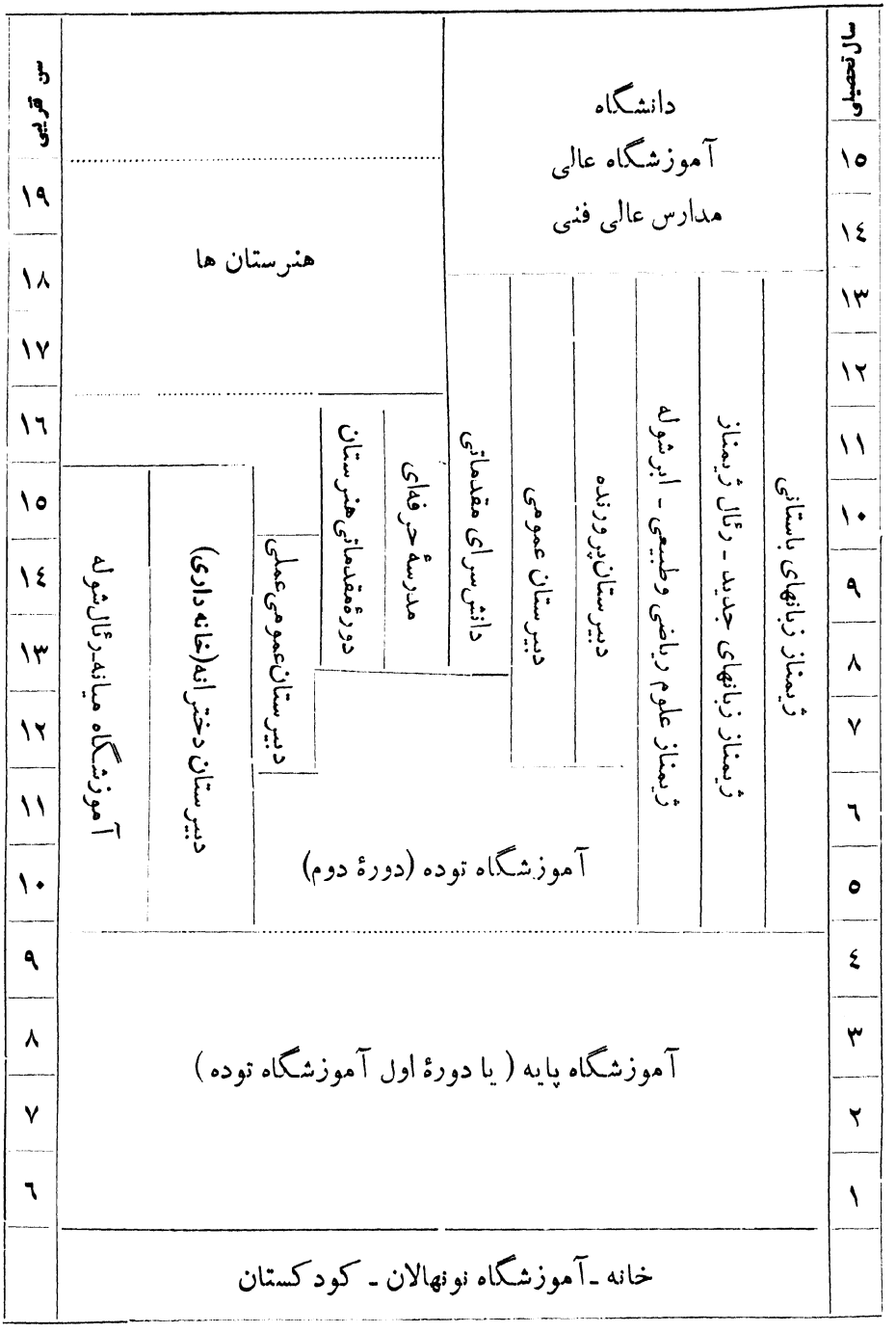

سازمان مدارس آلمان

ماشین نویسی وتندنویسی و کارهای دستی وخانه‌داری.

در بعضی از کشورها کلاسهای عالی برای تعلیم مواد مذکور در آموزشگاه توده تأسیس کرده‌اند.

نوع سوم ژیمناز است. در این مدارس اطفالی را میپذیرند که برای تحصیلات نظری مستعد هستند وخودرا برای اخذ گواهینامهٔ متوسطهٔ کامل (۱) و ورود به مدارس عالیه مهیا میسازند. در کشورهای هفتگانه دانش‌آموز پس ازطی آموزشگاه پایه وارد ژیمناز میشود ودورهٔ آن نه سال است.

درشهرهای مستقل که دورهٔ آموزشگاه پایه شش‌سال است طبعاً دورهٔ ژیمناز هفت سال میباشد وظاهراً بهمین دلیل آنهارا دبیرستان عمومی (۲) می‌نامند.

ژیمناز ها برحسب موادی که می آموزند بسه دسته تقسیم میشود. هرگاه ژیمناز زبان لاتین و یونانی و یك زبان خارجی را بیاموزد آنرا ژیمناز زبانهای باستانی (۳) می نامند. چنانچه لاتین و دو زبان خارجه تدریس کنند آنرا ژیمناز زبانهای جدید (٤) یا رئال ژیمناز میخوانند. اگر دو زبان خارجه بیاموزد ولی توجه عمده به علوم طبیعی و ریاضی باشد وزبان لاتین اختیاری، آنرا ژیمنازریاضی وطبیعی یا ابرشوله (٥) میگویند.

درکشورهای هفت گانه دبیرستانی که دورهٔ آن هفت سال باشد و درآنجا یك زبان خارجه و زبان لاتین را تدریس کنند موسوم است به دبیرستان پرورنده (٦)

آموزش فنی

کسانی که پس‌ازاتمام دورهٔ هشت‌سالهٔ آموزشگاه توده‌وارد کسب و کارشوند باید تا ۱۸ سالگی‌هفته‌ای ٦ تا ۱۰ ساعت

(۱) **Abiturium**
(۲) **Wissenschaftliche Oberstufe**
(۳) **Altsprachliches Gymnasium**
(٤) **Neusprachliches Gymnasium**
(٥) **Mathematisch naturwissenschaftliches Gymnasium**
یا **Oberschule**
(٦) **Aufbauschule**

درمدارس حرفه‌ای [۱] معلومات نظری راجع بشغل خود را فرا گیرند . کسانی که دراین دوره و امتحانات آن کامیاب شوند حق ورود بهنرستانها را دارند . اطفالی که در پایان آموزشگاه توده بخواهند هنر یا پیشه‌ای یاد گیرند در دورهٔ مقدماتی هنرستان [۲] وارد میشوند که دورهٔ آن دو یا سه سال است وپس ازاتمام آن یا بکار مشغول یابیکی ازهنرستانها [۳] داخل میگردند .

دورهٔ هنرستانها از یك تا سه سال‌است. عده‌ای از بهترین فارغ التحصیل های آنها حق ورود به شعبهٔ مهندسی‌دانشگاه را پیدا میکنند .

تعلیمات عالیه

در جمهوری آلمان غربی ۱۶ دانشگاه و ۲۴ آموزشگاه عالی [۴] وجود دارد که شرط ورود بآنها داشتن گواهی‌نامهٔ متوسطهٔ کامل است . هر دانشگاه معمولا چهار تا شش دانشکده بشرح ذیل دارد : یزدان شناخت وفلسفه ـ کشاورزی وجنگلبانی ـ پزشکی ـ اقتصاد .

مدارس عالی‌فنی [۵] که عدهٔ آنها هشت‌است‌وبعضی اوقات آنهارادانشگاه‌فنی [۶] مینامند دانشجویان را با گواهینامهٔ متوسطهٔ کامل میپذیرد و برای فنون مختلف مهندسی و علوم ریاضی و طبیعی آماده میکند و همان درجات دانشگاه را اعطا مینماید .

علاوه برمدارس مذکور نه‌آموزشگاه عالی صنایع ظریفه وده مدرسهٔ عالی موسیقی درآلمان غربی موجود است .

تربیت معلم

برای تربیت آموزگار در بعضی از کشور های هفت گانه دانشسرای مقدماتی [۷] دائراست که داوطلب پس ازاتمام

---

(۱) Berufsschule
(۲) Berufsfachschule
(۳) Fachschule
(۴) Fachhochschule که یك یادوشعبه (طب یا کشاورزی وجنگلبانی)دارد.
(۵) Technische Hochschule که سه یاچهارشعبه دارد .
(۶) Technische Universität
(۷) Lehreroberschule

دورهٔ هشت سالهٔ آموزشگاه توده باید پنجسال در آن بتحصیل پردازد. در کشورهای دیگر وهمچنین شهرهای مستقل داوطلب آموزگاری باید یکسال ونیم تا دوسال در دانشگاه تحصیلات عالیه کند وامتحان مخصوص بدهد.

برای معلمین آموزشگاه میانه و رئال شوله در کشورها و شهرهای مستقل شرایط ومقررات مختلف است لیکن میتوان گفت که آموزندگان مدارس مذکور باید در حدود دوسال تحصیلات عالی نموده باشند.

داوطلبان دبیری درژیمنازها باید لااقل چهارسال دردانشگاه بتحصیل پردازند ودانشنامهٔ مخصوص دبیری لااقل در دوماده بگیرند که یکی از آن دوماده باید فلسفه یا علوم تربیتی باشد.

آمار

طبق کتاب «فرهنگ جهان» که یونسکو (سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد) در ۱۹۵۵ منتشر ساخته جمعیت آلمان غربی در ۱۹۵۱ بالغ بر پنجاه میلیون نفر و آمار محصلین مدارس بقرار ذیل بوده است:

ابتدائی	٦٫٦۳۳٫۰۰۰ نفر
آموزشگاه میانه	۲٦۸٫۰۰۰ »
دبیرستان	۷۷۱٫۰۰۰ »
مدارس حرفه‌ای وهنرستان	۱٫۹۰۹٫۰۰۰ »
مدارس عالی	۱۲٤٫۰۰۰ »

فصل سیزدهم

سازمان فرهنك فرانسه

سازمان رسمی فرهنك فرانسه تقریباً صدسال پس از آلمان بوجود آمد معذلك تا انقلاب ۱۷۸۹ در آموزش متوسطه وعالی فرانسه و آلمان اختلاف بسیار دیده نمیشد. هنگام شورش سه مجلس منعقد شد. درنخستین تالراند (۱) در دومی کندرسه (۲) و درسومی دونو (۳) نقشه‌هائی برای فرهنك طرح کردند ولی هیچیك از آنها بکاربسته نشد. ناپلیون نخست واژهٔ لیسه (٤) را برای دبیرستان دولتی برگزید ودبیرستانهای محلی (کلژ) را نیز برسمیت شناخت وتمام آنها را در ۱۸۰۸ با آموزشگاههای عالی تحت یك اداره درآورد و «دانشگاه فرانسه» خواند. باین ترتیب تازمان پادشاهی لوئی فیلیپ کسی بفکر آموزش ابتدائی وپرورش تودهٔ ملت نبود. در ۱۸۳۳ گیزو (٥) مورخ شهیر وسیاستمدار نامی هنگام وزارت فرهنك خویش قانونی بتصویب رساند که بموجب آن در هر دهکدهٔ مستقل یك دبستان برپا شود و دانشسراهای مقدماتی در هر شهرستان بوجود آید.

دورهٔ ابتدائی

گرچه منظور گیزو کاملا بکاربسته نشد ولی راه را برای آموزش همگانی باز کرد واز ۱۸۸۲ دبستانهای مجانی و غیر مذهبی همه جا دائر گردید و آموزش ابتدائی ازشش تا سیزده سالگی اجباری شد. هر شهرستان بحکم قانون یك دانشسرای مقدماتی دخترانه ویك پسرانه تأسیس نمود. برای تربیت

(۱) Talleyrand (۱۷۵٤-۱۸۳۸) روحانی و سیاستمدار شهیر
(۲) Condorcet (۱۷٤۳-۱۷۹٤) حکیم و عالم ریاضی
(۳) Daunou (۱۷٦۱-۱۸٤۰) مورخ
(٤) Lycée
(٥) Guizot (۱۷۸۷-۱۸۷٤)

دبیرجهت دانشسراهای مذکوریك باب «دانشسرای عالی آموزش ابتدائی» برای مردان ویکی برای زنان درنزدیکی پاریس بوجود آمد.

درهمان سال ۱۸۸۲ برفوق دبستان، آموزشگاه ابتدائی عالی که گیزو درنظر داشت تأسیس گردید که دورهٔ آن سه سال ودارای شعبهٔ همگانی بود برای آماده کردن شاگرد جهت دانشسراهای مقدماتی وشعبه های بازرگانی وفنی که فرهختگان آن میتوانستند بهنرستان وارد شوند. مدارس مذکورچون جوانانرا برای مشاغل مربوط بحرف وصنایع وتجارت و فلاحت آماده میکرد و دورهٔ آن نسبت بدبیرستان کوتاه بود مورد استقبال واقع شد بطوریکه قبل ازجنك جهانی دوم عدهٔ آنها ازهزاروپانصد باب ویکصد وده هزارشاگرد تجاوز کرد.

برای کودکان میان دو سال و شش سال آموزشگاههای مادرانه باز کردند و کلاسهائی نیز بوجود آوردند که بچه‌های پنج تاهفت ساله را میپذیرند وحد فاصل هستند میان آموزشگاههای مادرانه ودبستانها.

در ۱۹۳٦ تحصیلات تاچهارده سالگی اجباری شد و تشکیلات دبستان کامل و کلاسهائی بنام **کلاس پایان تحصیلات ابتدائی** احداث گردیدتاشاگردانی که بدبیرستان نمیروند بتوانند تاچهارده سالگی دردبستان مانده کلاسهای مذکوررا باتمام رسانند.

پس ازجنك جهانی دوم (۱۹٤۵ـ۱۹۳۹) توجه خاصی بتعلیمات فنی مبذول شد ومدارس متنوعی برای آموختن هنروپیشه وبازرگانی و کشاورزی برای کسانی که دورهٔ دبستان را بپایان رسانده اند تأسیس گردید و درنتیجه آموزشگاههای ابتدائی عالی منحل وبجای آنها کلاسهائی که از سابق دردبستانها بنام **دورهٔ تکمیلی**(۱) موجود بود توسعه پیدا کرد ولی ضمیمهٔ دبستان باقی ماند. اکنون دورهٔ تکمیلی چهار کلاس دارد و شاگردانی را که بسن ۱۱ یا ۱۲ رسیده باشند با امتحان ورودی میپذیرد. از ۱۹٤۷ برنامهٔ دورهٔ تکمیلی شبیه برنامهٔ دبیرستان است بطوریکه شاگردان کلاس آخر میتوانند درامتحانات رسمی دورهٔ اول متوسطه شرکت کرده ودرصورت

(۱) Cours complémentaire

توفیق وارد کلاس پنجم متوسطه (دورهٔ دوم دبیرستان) شوند. در بعضی ازدوره‌های تکمیلی شعب فنی و بازرگانی و کشاورزی و خانه داری نیز تأسیس کرده‌اندو روی همرفته این مدارس بسیارسودمند واقع گردیده است.

کسانی که بخواهند آموزگار شوند باید تحصیلات دورهٔ اول دبیرستان را تا کلاس پنجم باتمام رسانده درمسابقهٔ ورودی دانشسراهای مقدماتی شرکت جویند و در آخرسال اول امتحان عمومی متوسطه ودر آخرسال دوم امتحان دورهٔ دوم متوسطه را بدهند سپس دو سال بتحصیل علوم تربیتی و تکمیل معلومات و تمرین معلمی بپردازندتا بتوانند دورهٔ دانشسرارا بپایان رسانده بسمت آموزگاری منصوب گردند.

دورهٔ متوسطه

تا ۱۹۲۵ درفرانسه نیزمانندآلمان دبیرستان مکمل دبستان نبود وتحصیلات این دوآموزشگاه دنبالهٔ یکدیگرنی. این دو مدرسه باهم ربطی نداشتند بلکه بموازات یکدیگر قرار گرفته بودند. دبستان برای تودهٔ مردم ودبیرستان برای طبقات ممتازبود. برای ورود بدبیرستان شرط عمده پرداخت هزینهٔ سنگین مدرسه بود نه استعداد شاگرد.

چنانکه دیدیم دبیرستان را ناپلئون لیسه نام نهادولی پس ازوی پادشاهان فرانسه آنرا عوض کردند. از ۱۸۴۸ که جمهوری دوم درآن کشور برپا شد ازنو واژهٔ لیسه بمیان آمد و برای دبیرستانهای دولتی رسمیت یافت. بعلاوه دورهٔ تحصیلات درسه سال آخربدوشعبهٔ ادبی وعلمی بخش گردید. در ۱۹۰۲ تحصیلات متوسطه بدودوره تقسیم شد: دورهٔ نخست چهار ودورهٔ دوم سه سال. دورهٔ اخیرنیزبچهارشعبه تقسیم گشت:

شعبهٔ لاتین و یونانی ـ شعبهٔ لاتین و زبان خارجه ـ شعبهٔ لاتین وعلوم ـ شعبهٔ علوم وزبان خارجه.

بعد ازاصلاحات ۱۹۰۲ تاکنون میان معتقدین بورزش ذهنی وتعلیم زبان و ادبیات یونان وروم از یکطرف ومعتقدین به حذف دو زبان مذکور وتدریس مواد جدید بجای آنها ازطرف دیگر مبارزهٔ دامنه‌داری بوقوع پیوست و درنتیجه برنامهٔ دبیرستانها درنیم قرن اخیرچند بارتغییر کرد.

کسانی‌نیز که متوجه معایب دستگاه موازی بودند خواهان رفع بی‌عدالتی و موقوف نمودن‌دستگاه مذکور وایجاد دستگاه همگانی(۱) بودند تاهر کس‌استعداد دارد پس‌ازختم دورهٔ دبستان بتواند وارد دبیرستان سپس دانشگاه شود و باین‌ترتیب تساوی فرصت درامرتحصیل برای تمام طبقات فراهم گردد.

درنتیجهٔ درخواستها ومبارزه‌های مذکور بتدریج اصلاحاتی صورت گرفته که خلاصهٔ آن بقرارذیل‌است:

در ۱۹۲۵ برنامهٔ کلاسهای مقدماتی (ابتدائی) دبیرستان را با برنامهٔ دبستان یکی کردند و آموزگاران هر دوقسمت را با معلومات و حقوق یکسان نمودند تا کسانی که تحصیلات ابتدائی را تمام کرده دارای استعداد هـم باشند بتوانند وارد دبیرستان شوند. چون اطفال مستعد بی بضاعت از عهدهٔ پرداخت هزینـهٔ دبیرستان برنمیآمدند از۱۹۳۰ دولت برعده و مبلغ کمك خرج تحصیل (که از۱۹۱۳ ببعد به شاگردان مستعد ومستحق پرداخته میشد) بمیزان قابل توجهی افزود ونیز مقرر داشت که کلاسهای مقدماتی و متوسطهٔ دبیرستان هر سال یك کلاس مجانی گردد یعنی‌شهریه مطالبه‌نشود تا بتدریج تمام تحصیلات متوسطه مجانی‌باشد. البته‌مقصود این نبود و نیست که هر کس وارد دبیرستان شود بلکه **فقطشاگردانی که‌استعداد دارند** اعم ازتوانگر ودرویش‌از روی امتحان بمدارس متوسطه پذیرفته شوند.

ازلحاظ برنامه سنت وسابقهٔ ورزش ذهنی باندازه‌ای قوی‌است که زبان‌لاتین و یونانی کماکان باقی ماند ـ منتها دو شعبه بدون هیچیك از السنهٔ فـوق نیز برقرار گردید. اکنون سازمان دبیرستان که کماکان دورهٔ آن هفت سال است (۲) بشرح زیرمیباشد:

شعبهٔ نوین که درآن‌زبانهای‌باستانی‌تدریس‌نمیشودوبرنامهٔ آن شامل‌دوزبان

---

(۱) Ecole unique

(۲) در دبیرستانهای فرانسه کلاسها از ششم تا اول نمره‌گذاری میشود. در این کتاب اسامی کلاسها طبق‌ترتیب معمول ایران است.

خارجه و سایر مواد متوسطه‌ازقبیل زبان و ادبیات فرانسه ـ علوم طبیعی وریاضی ـ تاریخ وجغرافیا ـ تعلیمات مدنی واخلاقی ـ موسیقی ورسم و کاردستی‌است .

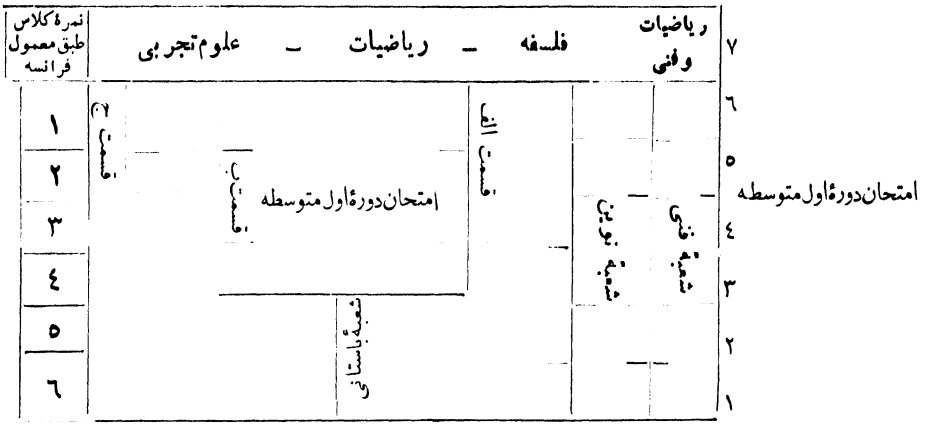

کلاسهای مقدماتی یادبستان

سازمان کنونی دبیرستانهای فرانسه

شعبهٔ فنی که مواد مهم آن عبارتست ازفیزیك وریاضیات ورسم ونقشه کشی.

شعبهٔ باستانی کـه در دو سال اول زبان لاتین تدریس میشود . این شعبه از آغازسال سوم بدوقسمت الف و ب تقسیم میگردد. درقسمت الف علاوه برلاتین‌زبان یونانی‌نیز میآموزند ـ درقسمت ب‌دوزبان خارجه فرامیگیرند .

دوسال بعدیعنی آخرسال چهارم امتحان‌دورهٔ متوسطه بعمل‌می‌آید.قسمت ب نیز بدوجزء منشعب میشود . عده‌ای درهمان قسمت ب دو زبان خارجه‌رامیآموزند وعده‌ای دیگربجای‌یکی‌ازدوزبان خارجه درقسمت ج بتحصیل علوم طبیعی‌وریاضی بیشتری میپردازند .

در آخر کلاس ششم امتحان عمومی متوسطه‌را میدهند و چنانچه پذیرفته شوند بکلاس هفتم وارد میشوند که به‌چهار رشته تقسیم شده : فلسفه ـ علوم‌ریاضی‌ـ علوم تجربی ـ ریاضیات وفنی .

تمام دانش‌آموزان درپایان کلاس هفتم نیز بهیئت ممتحنهٔ رسمی‌امتحان‌داده

درصورت توفیق باخذ گواهی نامهٔ تحصیلات متوسطه[۱] نائل می‌شوند که امتیازات بیشمار دارد و از آنجمله حق ورود بدانشگاه و شرکت در مسابقهٔ ورودی بخدمات دولتی است .

بترتیبی که ذکرشد دبیرستان **وسیله‌ای است برای انتخاب جوانان مستعد** از میان شاگردانی که مایل بتحصیلات فوق دبستان هستند .

طریق انتخاب علاوه بر کارنامهٔ تحصیلی و نظریات دبیران امتحانات متعددی است که صورت میگیرد : امتحان ورود بدبیرستان ـ امتحان سالیانهٔ هر کلاس ـ امتحان دورهٔ اول متوسطه ـ امتحان عمومی متوسطه (در آخر کلاس ششم) ـ امتحان پایان تحصیلات متوسطه . درامتحان اخیر باوجود تمام مراحلی که شاگرد پیموده معمولا ۲۵ تا ۳۰ درصد از داوطلبان بگرفتن گواهینامه نائل میگردند .

علاوه بر کلاسهای متوسطه عموماً در لیسه های بزرگ کلاسهائی موجود است که فرهختگان دبیرستان را برای امتحانات مسابقهٔ ورودی آموزشگاه های عالی چون دانشسرایعالی پاریس ومدرسهٔ عالی راه و مدرسهٔ عالی کان و مانند آن آماده میکنند .

دبیرستانهای محلی که کلژ[۱] نام دارد از حیث برنامه بالیسه یادبیرستانهای دولتی اختلاف ندارد لیکن بخشی ازبودجهٔ آنها ازطرف شهرداری پرداخته میشود و دبیران آنها عموما لیسانسیه هستند و چنانکه در سطور بعد روشن خواهد شد ازحیث دانش وپیشینه بپایهٔ دبیران لیسه نمیرسند .

دبیران دبیرستانهای دولتی را دانشسرایعالی پاریس پرورش میدهد واز ۱۹۰۳ جزوسازمان دانشگاه پاریس است . داوطلبان باامتحان مسابقه بدان واردشده و پس ازگرفتن لیسانس درمسابقهٔ دیگری که بسیار دشواراست بایدشرکت کنند تا بپایهٔ

---

(۱) Baccalauréat

(۲) Collège

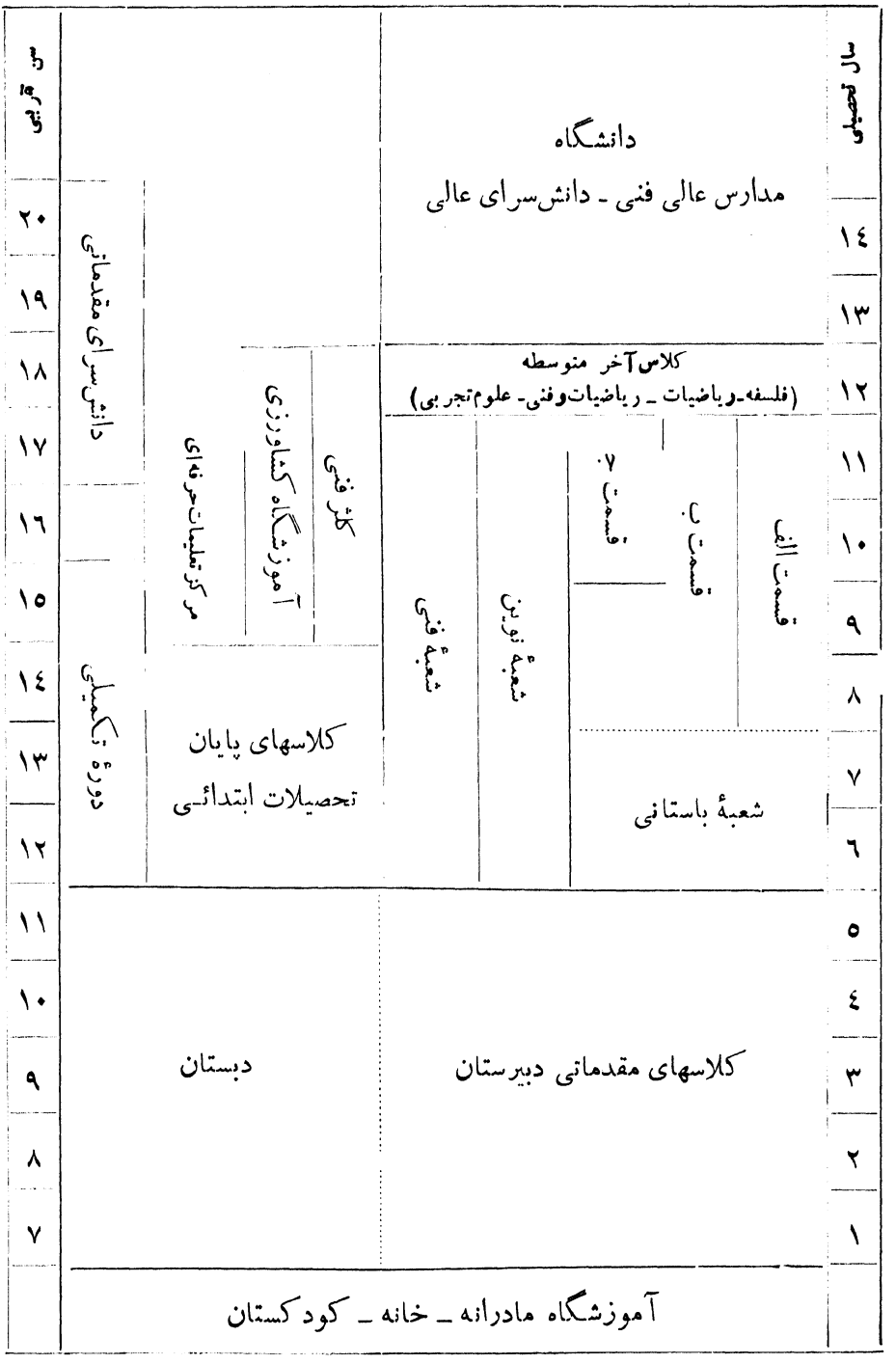
سال تحصیلی
سن قرنی
دانشگاه
مدارس عالی فنی ـ دانش‌سرای عالی
کلاس آخر متوسطه
(فلسفه ـ ریاضیات ـ ریاضیات و فنی ـ علوم تجربی)
قسمت الف
قسمت ب.
قسمت ۰۷
شعبهٔ نوین
شعبهٔ فنی
شعبهٔ باستانی
کلاسهای پایان تحصیلات ابتدائی
کلاسهای مقدماتی دبیرستان
کلژ فنی
آموزشگاه کشاورزی
مرکز تعلیمات حرفه‌ای
دانش‌سرای مقدماتی
دورهٔ تکمیلی
دبستان
آموزشگاه مادرانه ـ خانه ـ کودکستان

آگرژه (۱) رسیده وبدبیری لیسه‌ها گماشته شوند .

تا ۱۸۸۰ دبیرستان دخترانه درفرانسه وجود نداشت و آموزشگاهی که پس از این تاریخ برای آنان برپاشددورهٔ تحصیلاتش کوتاه‌ترازدبیرستان پسرانه بود .

درجنك جهانی اول (۱۸ - ۱۹۱٤) چون مردان همگی بجنك اشتغال داشتند زنانرا درکارخانه هاوادارات کشوری واشکری بکارهائی که متناسب بابنیه وتحصیلات آنان بود گماشتند ومهارت وشایستگی بسیار ازآنان بمنصهٔ ظهوررسید . درنتیجه افکار عمومی کـه تا آنزمان با تحصیلات متوسطه و عالیهٔ دختران مساعـد نبود تغییر کرد .

در ۱۹۲۵ برای دوشیزگان دبیرستانهائی نظیر دبیرستانهای پسرانه در تمام فرانسه دائر کـردند و در آنها عـلاوه بر مواد معمولی تدبیر منزل و خانه‌داری نیز آموختند بطوریکه اکنون موجبات تحصیل و ترقـی از هر حیث برای آنان فراهم است

تعلیمات فنی

درفرانسه تعلیمات فنی برای سه منظوربوجود آمده است . منظور اول تربیت کارگران فنی است که بیشتر در مراکز تعلیمات حرفه ای صورت میگیرد . نخستین مرکـز در ۱۹۳۹ تأسیس گـردیده است .

پسران ودخترانی که دورهٔ هشت سالهٔ ابتدائی اجباری را بپایان رسانده ودرحدود ۱٤ سال دارند بمدت سه سال مجاناً در این مراکز به عمل درکارگاه می‌پردازند . دروسی هم برای تکمیل معلومات عمومی آنها دربرنامه گنجانده شده است. بشاگردان بی‌بضاعت کمك خرج نیزداده میشود .

پسران و دخترانی که دورهٔ تحصیلات اجباری را باتمام رسانده و در روستـا بامور فلاحتی وخانه داری می پردازند بموجب قانون ناگزیرند تا هفده سالگی در فصل‌های مناسب و معین درمدارس ثابت یاسیاردوره‌ای ازفلاحت یاخانه‌داری رابیاموزند.

---

(۲) Agrégé

منظور دوم ازتعلیمات فنی تهیهٔ استادکار گربرای نظارت در امور صنعتی و تجارتی است . داوطلبان این مشاغل پس ازاتمام دورهٔ آموزش اجباری واردکلژ فنی میشوند وچهارسال به تحصیل وعمل می‌پردازند . در آخرسال سوم امتحان عمومی متوسطه را در رشتهٔ فنی و درسال چهارم امتحان باکالورئا (شعبهٔ فنی) میدهند ودر صورت کامیابی میتوانند بعنوان استادکار بشغلی مشغول شوند یا وارد مدارس عالی مهندسی‌شوند. درکلژهای فنی شعبهٔتجارتی دختران را برای‌خانه‌داری‌و درزی گری و کلاه دوزی زنانه تربیت میکنند . درتمام‌کلژهای فنی تقریباً نیمی ازوقت‌در کلاس ونیمی دیگر درکارگاه یا دفترصرف میشود .

برای تعلیم فلاحت‌آموزشگاههای کشاورزی پسران را ازسن ۱٤ تا ۱۸ بـه تحصیل وعمل می گمارد . دورهٔ تحصیلات و عملیات این مدارس معادل با دبیرستان است.

منظور سوم‌آموختن دورهٔ عالی فنون مهندسی و تجارت وفلاحت‌است که در مدارس‌عالی فنی‌ومؤسسات وابسته بدانشگاه صورت میگیرد.

دانشگاهها

در ۱۸۹٦ بموجب قانون درهریك ازهفده حوزهٔ فرهنگی فرانسه یك دانشگاه برپا شدولـی ازحیث شمارهٔ دانشکده و دروسی که میآموزند ووسایل تحصیل وپژوهش‌دانشگاههای‌مذکور باهم‌اختلاف کلی دارند .

دردانشگاههای فرانسه توجهی بپرورش اخلاقی معطوف نیست و دانشجویان دارای قسمت شبانه روزی نیستند . در دانشگاه پاریس بعضی از دول‌بیگانه عماراتی بدعوت دولت فرانسه‌برای محصلین اتباع‌خود ساخته‌اند کـه نظیرباشگاه‌و مهمانخانه است .

شورای دانشگاه مرکب است از رؤسای دانشکده ها و دو نفر استاد از هـر دانشکده بـانتخاب استادان آن دانشکده . وظـایف عمدهٔ آن عبارتست از تصویب بودجـهٔ دانشگاه و برنامه هـا و آئین نامه ها و قبول یا رد هدایا . ریاست شوری‌با

رئیس دانشگاه است که ازطرف وزیر فرهنك معین میشود وبایـد دارای درجهٔ دکتری بـاشد. وزیر فرهنك معمولا رئیس مذکور را از میان استـادان دانشگاه برمیگزینند.

دانشجویان پس از دادن امتحانات لازم میتوانند بگرفتن نخستین درجـه که لیسانس باشد نائل گردند. پس ازلیسانس درجهٔ دکتری است که از۱۸۹۷ بدو گونه است: دکتری دولتی ودکتری دانشگاه.

برای اخذ درجهٔ دکتری دولتی درادبیات وحقوق وعلوم‌طبیعی وریاضی باید شهادتنامه‌های معینی دررشتهٔ تخصصی لیسانس بدست آورد ـ دوشهادتنامهٔ تحصیلات فوق‌لیسانس اخذ نمود ـ موضوع بکرومهمی برای پژوهش ونوشتن پایان‌نامه انتخاب کردوبتصویب هیئتی ازفحول استادان رساند.

برای اخذ درجهٔ دکتری دانشگاهی درحقوق و ادبیات همین کـه دانشکدهٔ مربوط تحصیلات داوطلب راکافی بشمارد باواجازهٔ نام‌نویسی میدهد. داوطلب پس از یك یا دو سال پایان نامه‌ای ارائـه میدهد و درجهٔ «دکـتری دانشگاهی» میگیرد.

بنابراین «دکتری دانشگاهی» درحقوق و ادبیات بسهولت بدست می‌آید و عموماً دانشجویان بیگانه آنرامی گیرند ودرمملکت فرانسه برای آن حقوق وامتیازی قائل نیستند.

درپاریس علاوه بردانشگاه مدارس ومؤسسات عالی دیگری وجوددارد که از لحاظ علمی درردیف دانشگاه است ـ از آنجمله آموزشگاههای عالی‌فنی ومهندسی و نظامی و دانشسراهایعالی و کلژدوفرانس[۱] که فرانسوای نخست پادشاه فرانسه در ۱۵۳۰ برپا کرد تاازجنبش فرهنك پژوهان که‌دانشگاه پاریس مخالف آن بوداستقبال کندوتاامروزبا کمال آزادی بزرگترین‌علمای فرانسه دررشته‌های مختلف‌درموسسهٔ مذکور بپژوهش مشغول هستندوچنانچه خودشان مایل باشند خطابه‌هائی‌نیزایراد

---

(۱) Collège de France

میکنند وهر کس میتواندازبیانات آن دانشمندان عالیقدر استفاده کند .

تمرکز اداری

فرانسه بزرگترین و کاملترین نمونهٔ تمرکز اداری است ـ چه درفرهنك وچه‌دردیگر کارهای کشوری. برفرازسازمان وزیرفرهنك است که بوسیلهٔ وزارتخانهٔ خودهمهٔ کارها را در دست دارد . هر حوزهٔ فرهنگی‌را رئیس دانشگاه آن حوزه اداره میکند . هرشهرستان‌نیزرئیس‌فرهنگی دارد که مسئول رئیس حوزه‌است . چند تن بازرس کل که دست کم آگرژه هستند مستقیماً با وزیرفرهنك مربوطند وهریك در رشتهٔ تخصصی خود در فرهنك کشور بازرسی میکنند . بازرسان حوزه های فرهنگی و بازرسان دبستانها نیز هریك در حدود اختیار خویش بنظارت درفرهنك شهرستان یا تنهـا دبستانهای معینی‌اشتغال دارند .

جنبش اصلاح طلبی

نواقص ومعایب دستگاه آموزش وپرورش فـرانسه چنانکه سابقاً نیزاشاره شد از اوایل قرن بیستم میلادی توسط علما و دانشمندان بوسایل گونان تذکر داده میشد ولی چنانکه باید مورد توجه قـرار نمیگرفت تا درجنك جهانی دوم فرانسه دچارشکست گردید وقریب چهارسال‌تحت اشغال قوای آلمان درآمد .آنگاه زعمای قوم علت عمدهٔ شکست‌را در ضعف ونقص مدارس خودتشخیص‌دادندودرمقام‌اصلاح آن‌برآمدند .

معایب عمدهٔ مدارس فرانسه عبارتست از سنگینی برنامه و اهمیت دادن بـه محفوظات ـ آماده کردن‌شاگرد برای‌امتحانات رسمی‌و گرفتن گواهینامه برای‌ورود بخدمات دولتی بهروسیله که ممکن‌باشد ـ مرتفع نساختن احتیاجات مردم‌ـمطابقت نکردن سازمان و برنامه وروش پرورش با تحولاتی کـه درپنجاه سال اخیرصورت گرفته مانند ازدیاد قوهٔتولید واختراعات ووسایل حمل ونقل وارتباط وشرکت‌زنان درامور اجتماعی واقتصادی وافزایش عدهٔ کارگر ـ مربوط نبودن مدرسه با زندگی واقعی وتربیت نکردن جوانان برای مشاغل ضروری .

دراثرحشربا‌امریکائیها در دوجنك جهانی ومسافرت عدهٔ بسیار کثیری‌ازمعلم

ودانشجوبامریکا نواقص ومعایب مدارس فرانسه بهتروبیشترظاهر گردید بطوری که در۱۹٤۵ وزارت فرهنك کمیسیونی از۲٦ نفرازدانشمندان علوم تـربیتی در پاریس تشکیل‌داد تاطرحی برای اصلاحات تهیه کند .

در۱۹٤٦ کمیسیون طرحی پیشنهاد کرد که بسیارجامع و اساسی است ولـی اجرای آن‌مستلزم هزینه‌های بسیار گزاف میباشد وبهمین جهت وشایدبدلایل‌سیاسی تاکنون نسبت بعملی ساختن آن اقدامی بعمل نیامده است .

لیکن دراثرتقاضاهای مردم ازهمان سال ۱۹٤۵ وزارت فـرهنك در دویست کلاس اول عده‌ای ازدبیرستانها برنامه وروش جدیدی بطورآزمایش بموقع اجـرا گذاشت وچون درپایان سال تحصیلی نتایج نیکوبدست‌آورد در۱۹٤٦ روش جدید را در۲۰۰ کلاس‌دوم متوسطه نیزمجری ومعمول داشت‌ودر۱۹٤۷و۱۹٤۸این‌رویه‌را دردویست کلاس سوم وچهارم عملی کرد .

مهمترین اصلاحی که دراین کلاسها بعمل آمد مربوط بروش تعلیم و تربیت است : بجای معلم که درس را تهیه کند و ساعت کـلاس را با تقریرات خود بگیرد شاگردان‌براهنمائی اوموضوع درس‌راازمشاهده درپیرامون خویش ومطالعه‌درکتب ومجلات ومذاکره وعمل در کلاس فرامیگیرند ـ بذوق و استعداد شاگردان توجه خاص مبذول‌میشود ـ شاگردان میتوانندرحین‌درس اظهارنظروعقیده کنند-عده‌ای ازآنان باهمکاری یکدیگر باموراجتماعی میپردازند وهدف معینی‌رادنبال میکنند- بفواصل معین معلمین هر کلاس گردهم‌آمده دروس‌آیندهٔ خودرا بموضوع‌مشخصی مربوط میسازند .

دربرنامهٔ کلاسهای جدید نکته‌ای که تازگی دارد اینست که ساعتهائی برای کشف استعداد شاگردان ازراه اشتغال بکارهای دستی وموسیقی تخصیص داده شده- ساعت‌هائی نیز برای پژوهش ومطالعه مطابق میل خود شاگرد اختصاص‌یافته- چند ساعت‌هم براهنمائی معلم صرف تکمیل درس ومطالعه میشود .

دردورهٔ دوم متوسطه ازآغازسال تحصیلی ۱۹۵۱ بطورآزمـایش چهار شعبهٔ

جدید تأسیس شده که برنامهٔ آنها باشعب نوین والف وجیم کمی تفاوت دارد .

آمار

طبق نشریهٔ رسمی «سازمان معارف درفرانسه»(۱) که در ۱۹۵۲ بطبع رسیده شمارهٔ شاگرد در انواع عمدهٔ مدارس رسمی درسال مذکور بقرارذیل بوده است :

آموزشگاه مادرانه و کودکستان	۵۶۰٫۰۰۰
دبستان	۳٫۷۰۰٫۰۰۰
دورهٔ تکمیلی	۲۲۰٫۰۰۰
کلژفنی	۱۰۰٫۰۰۰
مرکز تعلیمات حرفه‌ای	۱۱۶٫۰۰۰
آموزشگاه کشاورزی	۴۰٫۰۰۰
دبیرستان	۳۴۱٫۰۰۰
دانشگاه ومدارس عالی	۱۴۵٫۰۰۰

درهمان‌سال‌در کلیهٔ مدارس خصوصی‌ردیف‌ابتدائی ۹۳۷ هزاروردیف متوسطه ۳۴۰ هزار شاگرد مشغول تحصیل بوده اند وجمعیت کشور فرانسه در حدود ۴۲ میلیون نفر بوده است .

---

(۱) L' Organisation de l' Enseignement en France

فصل چهاردهم

سازمان فرهنگ انگلستان

تاسدهٔ هیجدهم کلیسای انگلیس برفرهنك نظارت داشت و آموزگار ناگزیر بود از کشیش‌حوزهٔ خویش پروانهٔ معلمی گیرد . درقرن هیجدهم گام بزرگی برای آموزش ابتدائی برداشته نشد وتنها اقدام نوع پرورانهٔ اشخاص وهیئت‌های نیکوکار تاحدی راه را برای آموزش همگانی باز کرد . درآغاز قرن نوزدهم کمیسیون هائی که ازجانب دولت بتصویب مجلس برپا گشت اوضاع فرهنك را کاملا بررسی کرد واطلاعات سودمندی گردآورد که برای بسط وتوسعهٔ آموزش همگانی بعدها بسیار نافع افتاد .

در۱۸۳۳ بواسطهٔ اصلاحی که درقانون انتخابات نمایندگان مجلس‌مبعوثان کردند برشمارهٔ رأی دهندگان افزوده شد و در نتیجه برای تربیت و آماده کردن مردم بشرکت درانتخابات ، دولت۲۰ هزارلیره برای کمك بدبستانها تخصیص‌داد که شش‌سال بعد بسی‌هزار لیره فزونی‌یافت.

در۱۸۶۸ بار دیگرقانون انتخابات مجلس اصلاح و شمارهٔ انتخاب کنندگان بیشترشد باین جهت در ۱۸۷۰ قانون مهمی ازتصویب گذشت که بموجب آن درهر نقطه‌ای که‌آموزشگاه خوب موجود نبود ملت حق داشت هیئت مدیرهٔ محلی برای فرهنك برگزیند . این‌هیئت میتوانست مدارسی‌باز کند که هم ازدولت اعانه گیرند و هم از مالیاتهای محلی بهره مند شوند . قانون مذکور مدارسی که تا آنزمان

فرقه های دینی[۱] برای پیروان خود برپا کرده بودند برسمیت شناخت و دولت را مجاز بدادن اعانه به آنها نمود .

پس ازقانون مذکور در۱۸۷۶ و ۱۸۸۰ قوانین دیگری وضع شد که آموزش را تا یازده سالگی اجباری کرد . بعد بموجب قوانین ۱۸۹۳ و ۱۸۹۹ سن تحصیلات اجباری را بدوازده سالگی رساندند . سرانجام در ۱۸۹۹ طبق قانون دیگری ادارهٔ بزرگی درلندن برای تمرکزدادن فرهنك انگلستان و نظارت بر آن بنام « هیئت مدیرهٔ فرهنك » تشکیل یافت که رئیس آن درهیئت وزیران انگلستان عضویت داشت. توأم با ادارهٔ مذکور کمیتهٔ رایزنی بموجب همان قانون بوجود آمد که از کارشناسان واستادان دانشگاه و نمایندگان هیئتهائی که درفرهنك ذی نفع وذیعلاقه اند تشکیل شد ودرمسائلی که بدان رجوع می شد رأی میداد .

در **۱۹۰۲** قانون مهم دیگری راجع بفرهنك وضع گردید وبموجب آن اجازه داده شد که مدارس فرقه های دینی نیز از مالیاتهای محلی مانند مدارس رسمی بهره برگیرند زیرا آموزشگاههای رسمی که برحسب قانون ۱۸۷۰ بوجود آمد مورد استقبال مردم قرار گرفت وبرشماره ورونق آنها افزوده شد تا آنجا که مدارس فرقه های دینی نتوانستند با درآمد خود واعانهٔ دولت دربرابر آموزشگاههای رسمی استقامت کنند . نکتهٔ دیگری که درقانون۱۹۰۲ اهمیت داشت این بود که دوگونه آموزشگاه مذکررا در شهرها تحت نظارت انجمن شهر و در نقاط دیگر تحت نظارت انجمن

---

(۱) مسیحیان عالم برسه گروه بزرك کاتولیك و پرتستان وارتدکس تقسیم شده اند. گروه اخیر در بالکان سکونت دارند ودر روسیهٔ قبل از انقلاب نیز مذهب ارتدکس رسمیت داشت . درسایر کشورها هم پیروان طریقهٔ کاتولیك هست هم پرتستان . در بعضی از ممالك مانند ایتالیا واسپانی وامریکای جنوبی اکثریت با پیروان طریقهٔ کاتولیك ودر بعضی دیگر چون انگلستان وسوئد و کشورهای متحدامریکا اکثریت با پیروان طریقهٔ پرتستان است.

پرتستانها نیز بچندین فرقه تقسیم شده اند مانند فرقهٔ **Presbyterian** و فرقهٔ **Methodist** وفرقهٔ **Puritan** وغیره که درمسائل فرعی بایکدیگر اختلاف دارند .

درانگلستان مقصود ازفرقه های دینی پیروان مذهب رسمی **Anglican** و پیروان طریقهٔ کاتولیك وفرقه های مختلف طریقهٔ پرتستان است .

شهرستان قرارداد لیکن کارهای هرمدرسه بهیئت نظاری واگذار گردید که بطرز خاصی معین میشدند . بعلاوه برطبق قانون مذکور انجمن شهرستان یا انجمن شهر بایست برای تحصیلات بالاتر از ابتدائی نیز اعتباراتی پیش‌بینی نماید واز آموزشگاههای برتر از دبستان نیز نگاهداری کند . «هیئت مدیرهٔ فرهنك» لندن که بمنزلهٔ وزارت فرهنك بود نیز حق پیدا کرد ازاین پس دربارهٔ «آموزشگاههای همگانی» که از موقوفات اداره میشوند و کاملا مستقل بودند اظهارنظر کند و آنهارا که مطابق مقررات دولت رفتار کنند ومایل باخذ کمك مالی باشند اعانه دهد .

بالاخره قانون دیگری که فرهنك انگلستان را تا اندازه‌ای که صلاح است یکنواخت کرد در **۱۹۱۸** دربحبوحهٔ جنك جهانی اول بتصویب رسید و آموزش ابتدائی ومتوسطه وعالی وفنی وسالمندان را روی یك شالوده گذاشت و دستگاه نیرومند و متحدی بوجود آورد بی‌اینکه بآزادی ملت صدمه‌ای وارد سازد واستقلال وقوهٔ ابتکار هرحوزهٔ فرهنگی را درهم شکند . اززیانهائی که ازتمرکز بسیار (چنانکه درفرانسه) حاصل میشود دراین قانون جلوگیری شده‌است ودرهمان حال میزانی برای کمینهٔ معلومات درهرمرحله تعیین گردید که مدارس باید بدان رسند که نه بسیار دشوار بود ومانع ازاینکه هرآموزشگاه تنوعی ازخود پدید آرد ونه بسیار آسان که مایهٔ پس رفتن پایهٔ تحصیلات باشد .

بموجب مقررات این قانون تاچهارده سالگی تحصیل مجانی واجباری بود وپس از آن نیز کسانی که وارد کار میشدند تاهیجده سالگی میبایستی درمدارس شبانه لااقل هفته‌ای یکبار بتحصیل بپردازند . اولیای هرحوزهٔ فرهنگی یعنی انجمن شهر یاانجمن شهرستان که ازطرف مردم انتخاب میشوند موظف بودند عوارض محلی وضع کنندواز «هیئت مدیرهٔ فرهنك» نیزوجوهی دریافت کرده مدارس ابتدائی ومتوسطه را طبق قانون مذکور تأسیس واداره کنند و بمدارس فرقه های دینی نیز مانند گذشته کمك مالی نمایند . اولیای هرحوزه حق داشتند باتشویق وراهنمائی «هیئت مدیرهٔ فرهنك» احتیاجات فرهنك محل را رفع ونسبت بآموزشگاه بچگان ـ بهداری مدارس ـ تربیت بدنی ـ اعطای کمك خرج به شاگردان مستعد ومستحق دبیرستان اقدام نمایند .

قانون ۱۹۴۴

با وجود اصلاحاتی که قانون ۱۹۱۸ در مدارس انگلستان نمود تحولات اجتماعی واقتصادی جهان ـ انقلاب روسیه ـ توجه بطبقات کارگرودهقان ایجاب نمود که برای تودهٔ مردم تساوی فرصت بیشتری در آموزش وپرورش فراهم شود. ازینرو در ۱۹۲۶ و ۱۹۳۶ کمیسیونهائی مأمور مطالعه در این امر شدندوپس از تحقیقات وبررسیهای ممتد پیشنهاد هائی نمودند که بواسطهٔ آشفتگی اوضاع بین‌المللی ونزدیك شدن جنك موقتاً مسکوت ماندولی قبل ازاینکه جنك جهانی دوم (۱۹۴۵ـ۱۹۳۹) پایان پذیرد پیشنهادها در قانون مفصلی کـه در سوم اوت ۱۹۴۴ تحت ۱۲۲ ماده ونه‌ضمیمه بتصویب رسید گنجانده شد واکنون در انگلستان مأخذ وملاك عمل میباشدوشرح مختصر آن تشکیلات کنونی فرهنك آن مملکت را روشن می‌سازد .

وزارت فرهنك

بموجب قانون مذکور «هیئت مدیرهٔ فرهنك» تبدیل بوزارت فرهنك شده ورئیس آن هیئت عنوان وزیر فرهنك رادارد و عضودولت بریتانیاست. وزارت فرهنك موظف است به‌بسط فرهنك ونظارت دراجرای قوانین فرهنك بویژه مراقبت در اینکه اولیای محلی در هرناحیه مدارس متنوعی طبق مقررات قانون برای آموزش وپرورش مردم تأسیس ونگاهداری کنند.

برای کمك بوزیرفرهنك وتهیهٔ طرحهای لازم وپیشنهادهای سودمندهیئتی از متخصصین ودانشمندان بنام شورای مرکزی انگلستان و ویلز[1] ایجاد گردیده و چند شورای دیگربنام شورای تعلیمات فنی ـ شورای تعلیمات سالمندان ونظیر آن تأسیس شده است .

حوزه‌های فرهنگی

حوزه‌های فرهنگی مملکت که عدهٔ آنها ۳۱۶ بود به ۱۴۶ حوزه تقلیل یافت تاهریك از آنها وسعت وجمعیت وقدرت مالی کافی برای اصلاحات لازم طبق مقررات قانون ۱۹۴۴ داشته باشد .

(۱) Wales یعنی قسمت جنوب غربی بریتانیا که بفرانسه Galles گویند

مسئولیت امور فرهنك هر حوزه چنانکه اشاره رفت با انجمن شهر یا شهرستان است. اکنون ۸۳ انجمن شهر و ۶۲ انجمن شهرستان و یك انجمن مشترك بین شهر و شهرستان وجود دارد.

درحوزه‌های مذکور وقتی انجمن شهر یا شهرستان از طرف مردم انتخاب گردید برحسب پیشینه و علاقه، نمایندگان منتخب به کمیسیونهای مختلف تقسیم میشوند که یکی از آنها کمیسیون فرهنك است. این کمسیون بموجب قانون مجاز است چند نفر از اهالی برجستهٔ شهر یا شهرستان را که دلبستگی و اطلاع بامور معارفی دارند بعضویت کمیسیون انتخاب کند. هیئت جامعی که باین ترتیب تشکیل میشود بموجب اختیاراتی که از طرف انجمن باو تفویض میگردد مسئول فرهنك حوزه است.

هیئت مذکور فهرستی از اشخاص صلاحیت‌دار برای احراز ریاست فرهنك تنظیم و موافقت وزارت فرهنك را نسبت بآن جلب میکند سپس یکی از آنان را بریاست فرهنك می گمارد تا امور دبستانها و مدارس حرفه‌ای و شبانه و دانش‌سراها را در حدود قانون اداره و بر مدارس غیردولتی نظارت قانونی کند. مقررات کلی به پیشنهاد رئیس فرهنك و تصویب هیئت اجرا میشود ولی بودجهٔ فرهنك حوزه باید بتصویب انجمن برسد و وزارت فرهنك هم مطابق بودن آنرا بامقررات قانون تصدیق کند.

مخارج فرهنك از دو محل تأمین میشود. ددحدود ۶۰ در صد بعنوان اعانه از طرف وزارت فرهنك و بقیه از عوارض محلی پرداخته میشود. حوزه های فرهنگی که از لحاظ اقتصادی استطاعت تأدیهٔ مخارج را نداشته باشند از وزارت فرهنك سهم بیشتری دریافت میدارند.

وزارت فرهنك هیچ گاه مدرسه تأسیس یا نگاهداری نمیکند و این وظیفه بموجب قوانین بعهده اولیای فرهنك محلی است. بهمن سبب دولت هیچوقت معلم استخدام نمیکند و در انگلستان معلم خدمتگزار دولت نیست بلکه مستخدم اولیای فرهنك محلی است لیکن معلم می‌تواند در صورت تمایل کسور بازنشستگی بصندوق تقاعد کشور بپردازد و از امتیازات آن بهره‌مند شود

وزارت‌فرهنك واولیای‌فرهنك محلی‌در کارتدریس‌معلم‌مداخله‌ندارند-برنامه ودستورتحصیلات وروش تعلیم را معین نمی کنند . فقط رئیس مدرسه حق نظارت‌و اظهارنظردر کارمعلم داردوبازرسان فرهنك میتوانند او را راهنمائی کنند ومطالعهٔ کتب ورسالاتی که ازطرف وزارت فرهنك تهیه وطبع میشود باوتوصیه کنند . معلم در موقع تحصیل بوظایف خطیرخویش دردانش سراودانشگاه آشنامیشود .

آموزش ابتدائی ومتوسطه

کودکانی که دوسال تمام‌دارندولی به‌پنج‌سالگی نرسیده‌اند ممکنست درآموزشگاه نونهالان(۱) پرورش یابند . قانون ۱۹٤٤ سن تحصیل اجباری را از ۱٤ به **۱۵سالگی** بالابرده وبوزیرفرهنك اجازه داده است که هر وقت صلاح بداند تا ۱٦ سالگی تحصیلات را اجباری کند . پس از دورهٔ اجباری کسانی که در مدارس دیگر تحصیل نکنند باید تا ۱۸ سالگی هفته‌ای یك روز دانش آموزند خواه درمدارس شبانهٔ شهرها یادرکالج های شهرستان(۲) که درروستا برپا گردیده است .

اکنون ۹۲ درصد ازشاگردان بین ۵و۱۱ سالگی بدبستان‌های دولتی میروند و بقیه بمدارس خصوصی . شاگردان پس از یازده سالگی تمام ، امتحان مسابقه برای ورود به‌دورهٔ‌متوسطه‌میدهند. سه‌نوع‌مدرسهٔ‌متوسطهٔ‌دولتی‌وجود دارد : دبیرستان صرف ونحو-دبیرستان فنی- دبیرستان جدید. شاگردانی که بموجب‌امتحان‌مذکور استعداد کافی دارند دردونوع اول وبقیه درنوع سوم پذیرفته میشوند .

در **دبیرستان صرف و نحو** دانش آموزان بیشتر بتحصیلات ادبی و علمی میپردازند و برنامهٔ آن شامل مواد عمومی مدارس متوسطه است یعنی زبان وادبیات انگلیسی- تاریخ وجغرافیا - زبان‌خارجه - ریاضیات-علوم طبیعی - کاردستی -تربیت بدنی وممکن‌است عده‌ای‌ازشاگردان برحسب ذوق یا رشته‌ای که درنظردارند بعدها دردانشگاه‌تعقیب کنند،وقت‌زیادترصرف‌فرا گرفتن‌زبانهای‌باستانی (لاتین - یونانی)

---

(۱) Nursery School

(۲) County College

یا زبانهای خارجه (فرانسه ـ آلمانی ـ اسپانیولی . . .) یا علوم طبیعی و ریاضی بنمایند. معمولا دورهٔ دبیرستان صرف‌ونحوتا ۱۸سالگی بطول میانجامدو کسانی که تاپایان‌آن باقی بمانند برای ورود بدانشگاه‌آماده میشوند .

دبیرستان فنی شاگردانی‌را که تاآخردورهٔ آن بمانند برای مدارس عالی‌فنی حاضرمی کند .

برنامهٔ دوسال‌اول‌دبیرستان صرف‌ونحوودبیرستان‌فنی‌یکی است تا درصورتیکه شاگردی بخواهدازیك دبیرستان بدیگری منتقل شود امکان پذیرباشد . شاگردان پس‌ازاتمام‌سیزده سالگی‌درخود دبیرستان امتحان داخلی‌میدهند ونتیجهٔاین‌امتحان بامشهودات ونظریات کتبی دبیران مأخذ وملاك نگاهداشتن‌آنها یاانتقال‌بدبیرستان دیگرخواهد بود .

دبیرستان‌جدید بیشتر جنبهٔ عملی دارد وبیشتر بکارهای دستی و عملیات در کارگاه ومزرعه توجه میشود تا بتحصیلات نظری و کتابی.چون تعلیمات اجباری‌در پانزده سالگی بپایان میرسد دورهٔ دبیرستان جدید فقط چهارسال است .

درشهرهای بزرك مانند لندن ممکن است سه نوع دبیرستان‌دریك ساختمان و تحت نظر یك نفر اداره شود و در آنصورت کار های فوق برنامه[۱] و زمین های بازی‌آنهامشترك‌است. درسایرنقاط برحسب‌اقتضا هرنوع‌دبیرستانی که اولیای‌فرهنك محل مورد حاجت بدانند تأسیس میگردد .

برای اینکه‌اطفال بی‌بضاعت ازحیث توانائی‌مالی‌اشکالی برای ورودبدبیرستان نداشته باشند تمام دبیرستانهای دولتی مجانی است ولی دبیرستانهای فرقه‌های دینی تنهاازشاگردانی که بموجب امتحان مستعدشناخته وپذیرفته‌شوند وبی‌بضاعت باشند شهریه نمیگیرندواین عده درحدود سی‌درصد ازدانش‌آموزان‌آنهاست .

دبیرستانهای فرقه‌های دینی سازمان وبرنامه‌شان مانند دبیرستانهای‌رسمی

---

(۱) Extra ـ curricular activties برای اطلاع‌ازکارهای فوق برنامه رجوع شود بکتاب روش نوین در آموزش و پرورش تـألیف نگارنده ـ چاپ دهم فصل سوم از بخش سوم .

است . آنها که قادرند نصف بودجهٔ خودرا ازمحل موقوفات خود تأمین کنندبموجب قانون ازدولت اعانه میگیرندولی استقلال دارند وتحت نظارت فرقهٔ دینی باقی میمانند. سایردبیرستانهای مذکورجزو مدارس رسمی قرارمیگیرند وفرقه‌های دینی فقط در تعلیمات مذهبی شاگردان نظارت می کنند .

کسانی که بخواهند گواهی نامهٔ متوسطه[۱] بدست آورند برحسب رشته‌ای که برای تحصیل دردانشگاه انتخاب کرده‌اند درحدود پنج ماده درخود دبیرستان یك جا یابتدریج درمواقع معین درظرف سال امتحان میدهند . امتحان فقط کتبی است وموضوع آن ازطرف هیئتی ازاستادان دانشگاه‌ها (بتعیین دانشگاهها) ارسال واوراق امتحانی توسط همان هیئت تصحیح ونمره داده میشود .

امتحان مذکور برحسب آسانی و دشواری موضوعات و سؤالات بسه درجه تقسیم شده : عادی ـ عالی ـ اعلی .

حفظ دستگاه کهن

چنانکه در فصل پنجم ذکر شد از قرن چهاردهم میلادی مدارسی بنام « **آموزشگاههای همگانی** » [۲] تأسیس گردید که منظوراصلی آنها تعلیم وتربیت مردم بودوجنبهٔ خصوصی وتجارتی نداشت وهریك ازآنها معمولا تحت نظرهیئتی از رجال نامی وبا نفوذ مملکت اداره میشد . بهمین جهت آنهارا « آموزشگاه همگانی » نامیدند. چون این مدارس شبانه‌روزی وهزینهٔ آن زیاد بودبالطبع بطبقهٔ اشراف وتوانگران تخصیص یافت واکثرسیاستمداران وزعماء ودانشمندان انگلستان از این گونه مدارس بیرون آمدند . مطابق تحقیقات دکترهنس[۳] معلم دانشگاه لندن قبل از جنك جهانی دوم اکثر محصلین دانشگاه ها توسط همین « آموزشگاههای همگانی » آماده میشدند ودرقرن هیجدهم میلادی ۲۲ درصد ازرؤسای قوم وبرگزیدگان طبقهٔ تحصیل کردهٔ

---

(۱) General Certificate of Education که معمولا G . C . E . میگویند.

(۲) Public Schools

(۳) Hans در کتاب «آموزش وپرورش تطبیقی» صفحهٔ ۲٦٥-۲٦٤

انگلیس از فارغ‌التحصیلهای مدارس مذکور بودند و اکنون نیز ٤٦ درصد از مؤلفین و نویسندگان معاصر از آن مدارس بیرون آمده‌اند.

برای ورود بمدارس مذکور شاگرد باید مدرسهٔ **آمادگاه**(۱) را که خصوصی و شبانه روزی و دورهٔ آن معمولا پنج سال است طی کرده باشد و در حدود سیزده سالگی امتحان ورودی بدهد. در مدرسهٔ آمادگاه علاوه بر مواد عمومی برنامهٔ دبستان، زبان لاتین و زبان فرانسه و ریاضیات تدریس میشود. بواسطهٔ گرانی مخارج فقط اشخاص متمکن می‌توانند فرزندان خود را بدانجا گسیل دارند.

قانون ۱۹٤٤ این دستگاه کهن را همچنان حفظ کرد و فقط بوزارت فرهنك اجازه داد آنهارا بازرسی کند. این مدارس چون موقوفات سرشار دارند و شهریهٔ زیاد میگیرند محتاج به کمك دولت نیستند و در کار خود مستقل‌اند و تا کنون بهترین خدمت را انجام داده‌اند. عدهٔ آنها بالغ بر هفتاد باب است که قریب پنجاه باب آن در قرن دوازدهم میلادی بوجود آمده است. اسامی مشهور ترین آنها در صفحهٔ ۱۰٦ ذکر شده است.

تنها ایرادی که بر «آموزشگاههای همگانی» میگیرند اینست که طبقات بی‌بضاعت از استفاده از آنها محروم‌اند. برای رفع این نقیصه از طرف دولت کمك خرجهائی معین شده که باطفال بی‌بضاعت و بسیار مستعد داده میشود تا تحصیلات خودرا در آنها دنبال کنند.

تعلیمات فنی

قبل از جنك جهانی دوم دبیرستانهای موجود صرفاً جنبهٔ ادبی و علمی داشت و احتیاجات انگلستان را مرتفع نمیکرد و صنایع بریتانیا که اساس قدرت و شهرت آن مملکت بود از مدارس مذکور استفاده نمیکرد بهمین جهت از دستگاه تعلیم و تربیت موجود از این حیث نیز انتقاد میشد. قانون ۱۹٤٤ تا حدی این عیب را مرتفع کرده است.

دبیرستان فنی که در همه جا تأسیس گردیده از ۱۱ تا ۱۵ سالگی دروس فنی را

(۱) Preparatory School

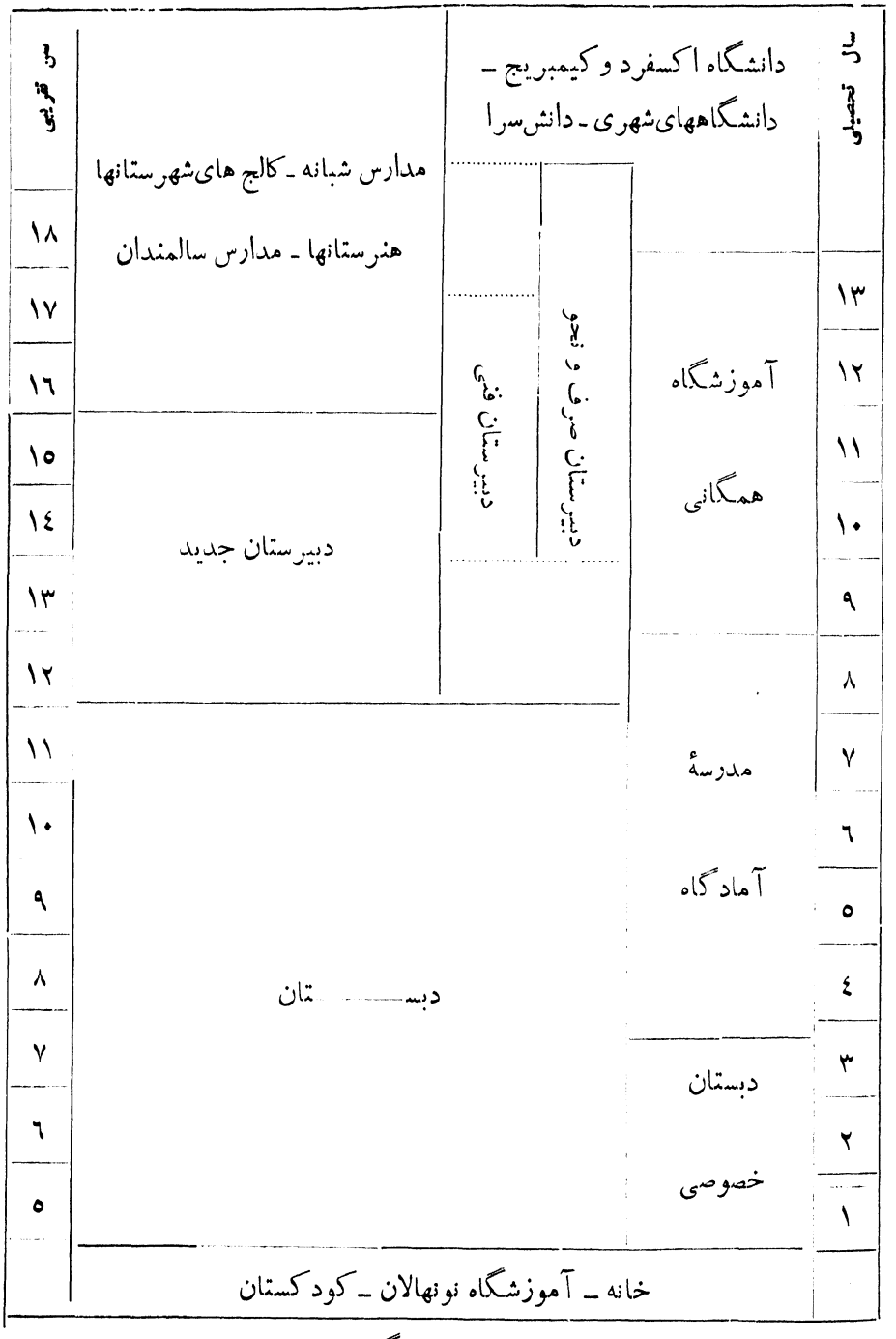

سازمان مدارس انگلستان

علماً وعملا میآموزد وبرای شاگردانی که واردآن شده‌اند این تعلیمات اجباری‌واز هرجهت معادل باتحصیلات متوسطهٔ ادبی وعلمی‌است . باضافه کسانی که پس ازسن پانزده مجبورباختیارشغلی باشندبموجب قانون ۱۹٤٤ باید در مدارس شبانه هفته‌ای چندساعت بتحصیل بپردازند . برای روستائیانی که پس ازپانزده سالگی مشغول کار شده‌اند درکالج شهرستان ، فلاحت ودروس مربوط بمشاغل محلی‌را علاوه بر مـواد عمومی باید بیاموزند وحضوردرآنها اجباری است .

مدارس‌فنی‌خصوصی‌وهنرستانها که‌ازسابق وجود دارند بکارخود ادامه‌میدهند. در دانشگاهها نیز علاوه بردانشکدهٔ فنی مدارس نیم مستقل به‌تربیت متخصصین فنی اشتغال دارند .

برای ایجاد رابطه بین مدارس فنی و صنـایع و کارخانه ها از ۱۹٤۷ شورای فنی ملی تأسیس گردیده تا بر طبق احتیاجات ، مهندس و کارشناس آماده و تربیت شونـد .

تربیت معلم

کـسانی که‌مایلند آموزگار شوند باید دارای گواهینامهٔ متوسطه بوده ووارددانشسراشوند که دورهٔ تحصیلات‌علمی‌و عملی آن دوسال است .

داوطلبان دبیری باید دررشتهٔ معینی درجهٔ . B . A یا . B . Sc اخذ کنند ویکسال دردانشکدهٔ علوم تربیتی یکی از دانشگاه‌ها تحصیل وباخذ دانشنامهٔ‌معلمی نائل آیند .

دبیران « آموزشگاههای همگانی » معمولا ازبین کسانی که درجهٔ خودرا از دانشگاه اکسفرد یا کیمبریج با نمرهٔ اعلی گرفته باشند انتخاب میشوند . حقوق و مزایای آنان ازتمام دبیران دیگربیشتراست.

دانشگاهها

همانطور که‌دودستگاه برای‌تعلیم‌وتربیت عمومی درانگلستان موجود است دونوع دانشگاه نیز وجود دارد : یکی اکسفرد و کیمبریج که هر کدام ازاجتماع چندین مدرسه با موقوفات کافی تشکیل یافته ـ

دیگر دانشگاههای شهری مانند دانشگاه لندن ومنچستر ونظیر آن .

نظر بقدمت تاریخی دانشگاه اکسفرد و کیمبریج واشخاص بزرگی که درظرف هفتصد سال تربیت کرده‌اند شهرت آنها فوق‌العاده است ودرجاتی کـه میدهند ارزش بسیار دارد و همیشه داوطلبان ورود بآنها چندین برابر عده‌ای است که میتوانند بپذیرند. این دو دانشگاه شبانه روزی هستند وبواسطهٔ موقوفات سرشاری کـه دارند محتاج بکمك دولت نیستند و کاملاً مستقل میباشند . هزینهٔ تحصیل در آنها زیاد است و فقط توانگران قادر بپرداخت آن هستند . برای اشخاص بی‌بضاعت ولی مستعد هر ساله بعده‌ای کمك خرج داده میشود . در سالهای اخیر برتعداد کمك خرج افزوده شده است .

دانشگاه لندن و سایر دانشگاههای شهری جدیدند و شبانه روزی نیستند و مخارج تحصیل در آنها زیاد نیست . دردانشگاههای انگلستان معمولا شش دانشکده موجـود است : یـزدان شناخت ـ ادبیـات ـ علوم طبیعی و ریـاضی ـ حقوق ـ پزشکی ـ فنی .

داوطلبان ورود علاوه برداشتن گواهی نامهٔ متوسطه باید طبق برنامه‌ای کـه هردانشگاه مقررداشته امتحان بدهند . دانشجویان معمولا پس ازسه سال تحصیل و توفیق درامتحان بدرجهٔ . B.A(۱) یا B.Sc. (۲) نائل میشوندوچنانچه دوسال دیگر ادامه وامتحان دهند درجهٔ .M.A(۳) یا M.Sc.(٤) میگیرند . دردانشگاه اکسفرد و کیمبریج برای اخذ .M.A یا . Sc . M امتحان نمیدهند وتنها اقامت در دانشگاه وپرداخت شهریه کافی است .

(۱) Bachelor of Arts
(۲) Bachelor of Science
(۳) Master of Arts
(٤) Master of Science

آمار

طبق کتاب «فرهنك جهان» در ۱۹۵۲ جمعیت انگلستان(۱) ۴۳ میلیون و هفتصد هزار نفر و آمار مدارس آن بقرار زیر بوده است :

دبستان	۴٫۲۸۱٫۰۰۰ نفر
دبیرستان صرف ونحو وفنی	۵۸۰٫۰۰۰
دبیرستان جدید	۱٫۱۳۷٫۰۰۰
سایر مدارس متوسطه	۲۵۱٫۰۰۰
دانشگاه‌ها ومدارس عالی	۶۸٫۰۰۰
دانش‌سراها	۲۶٫۰۰۰
مدارس عالی فنی تمام وقت یاچند ساعت درهفته	۵۴٫۰۰۰

***

رویهمرفته اززمانی که آموزش وپرورش در انگلستان راه تکامل را پیموده نکاتی که موجب پیشرفت آن کشور شده پیوسته هویدا وپدیداراست :

توجه بسنده باندیشه های نو ـ شناختن حق صاحبان حقوق ـ حفظ آزادی برای اولیای فرهنك هر حوزه ـ تکیه بمجاهدت و کوشش مردم و مسئولیت هر محل وحسن نیت آنها ـ ترقی از راه اصلاح کردن وگرفتن حد وسط و معتدل ـ پیوند کردن بهترین اجزاء نو به نیکوترین عناصر کهنه آنهم با تأنی ومطالعهٔ کافی ـ رعایت استقلال داخلی هر مدرسه و آزادی حرفه‌ای هر معلم ـ عدم اعتقاد به متحد الشکل کردن سازمان ویکسان کردن برنامهٔ مدارس .

---

(۱) باید متذکر بود که قسمت شمالی جزیرهٔ بریتانیا یعنی اسکاتلند با پنج‌میلیون جمعیت دستگاه فرهنك جداگانه دارد ودراینجا فقط ازانگلستان وگال سخن رفته‌است .

فصل پانزدهم

سازمان فرهنك امريكا

برای پی‌بردن به‌ترقیات شگفت انگیزی که کشورهای متحد امریکااز ۱۸۷۰ باین‌طرف مخصوصاً درظرف نیم قرن اخیردر کلیهٔ شئون زندگانی ومنجمله‌فرهنك نموده‌اند باید بطورمقدمه چند نکته‌را در اینجا یادآوری کـرد . پس‌از کشف قارهٔ امریکا بوسیلهٔ کریستف کلمب درسال۱۴۹۲ میلادی ، اسپانی وانگلستان وفرانسه‌هر یك‌برای‌تصرف‌قسمتی‌ازقارهٔ مذکوربرقابت یکدیگربرخاستند ولی بواسطهٔپنجهزار کیلومتر فاصله بین‌ممالك مذکوروامریکاوسختی مسافرت با کشتی های بادی تهیهٔ مقدمات این تصرف مدتها بطول انجامید .

از مملکت اسپانی افراد متهوری برای یافتن زر و سیم بامریکا (کـه تصور میکردندآسیاست) شتافتند ودولت اسپانی نیز عده‌ای را برای عملیات اکـتشافی و تصرف اراضی بآن قاره فرستاد مانند ماژلان[۱] که در۱۵۱۹ ازجنوب امریکابطرف مغرب رفت ودور دنیا گشت ومعلوم داشت که امریکا قارهٔ جدیدی است وزمین گرد است ـ کرتس [۲] که در۱۵۱۹ مکزیك راکشف کرد ـ کورونادو [۳] که چندی

---

(۱) Magellan

(۲) Cortes

(۳) Coronado

بعد اراضی وسیع جنوب غربی ممالك متحدهٔ کنونی رامسیرخودقرارداد ـ سوتو[۱] که در۱۵۳۹ زمین‌های جنوب شرقی کشورهای متحد فعلی‌را پیداکرد .

نخستین دستهٔ انگلیسی در۱۶۰۷بسرزمین کنونی کشورهای متحد کوچ‌نمود ودرایالت جنوبی ورجی نیا[۲] رحل اقامت افکند ودومین دستهٔ انگلیسی در۱۶۲۰ بایالت شمالی ماساچوستس[۳] ورود کرد وبعد از آن بتدریج گروه‌های دیگربنقاط مختلف کناره‌های شرقی اقیانوس اطلس مهاجرت نمودند .

مهاجرین انگلیسی عموماً از کسانی بودند که ازظلم وجور فرقه های دینی اروپایا تضییقات‌متصدیان‌کلیسای رسمی مستأصل شده برای‌آزادی مذهب وپرستش خداوند بآداب وترتیبی که معتقد بودند ، راه غربت درپیش میگرفتند . مردمی که حاضربودند بامشکلات جان فرسای مسافرت دراقیانوس اطلس وزحمات و مشقات آباد کردن قارهٔ جدید مواجه شوند معمولا بنفس خویش اعتقاد داشتند و در خود احساس نیرو وابتکارمینمودند واگرمیان‌آنان افراد ناتوان هم وجود داشت دروسط راه یا درضمن مبارزه باشدائد زندگانی جدید جان می‌سپردند وفقط عناصر قوی باقی میماندند .

زمانی که مهاجرین علم انقلاب برپا واستقلال خودرا اعلام کردند (٤ ژوییه ۱۷۷٦) سیزده مستعمرهٔانگلیسی با تقریباً سه‌ملیون جمعیت‌درساحل اقیانوس‌اطلس موجود بود . ساکنان مستعمره‌ها پس ازشش سال نبرد با قوای بریتانیای کبیر و توفیق قطعی در۱۷۸۳ بموجب معاهدهٔ پاریس با انگلستان صلح کردندواز آن‌تاریخ رسماً کشورهای متحدامریکا پابعرصهٔ وجود گذاشت . قانون اساسی امریکا در۱۷۸۸ بتصویب سیزده کشور رسید و در ۱۷۸۹ واشنگتن بسمت نخستین رئیس جمهور انتخاب گردید .

---

(۱) Soto

(۲) Virginia

(۳) Massachusetts

پس ازاستقرارحکومت، توسعهٔ ممالك‌متحده بطرف مغرب آغازشدودرحدود یك قرن بطول انجامید تاامریکائیها باقیانوس کبیررسیدندو بالاخره در۱۹۱۲بود که عدهٔ کشورها به ٤٨ بالغ گردید.

دراینمدت مردمان دلیروحادثه جو ببرانداختن جنگلهای انبوه وعبورکردن از کوههای‌بلندو گذشتن ازرودخانه‌های عظیم‌ومبارزه باحیوانات درنده و کشمکش با بومیان سرخ پوست و هموار کردن زمین و آبادی و عمران پرداختند و از این زندگانی پرتعب و مشقت خیز آثاری دراخلاق ومنش آنها بجای ماند چون چابکی و چالاکی و برد باری و هوشیاری وتحمل شدائد و محرومیت ها و اعتماد بنفس و اعتقاد بکار بدنی ودلبستگی به کشاورزی وایمان به‌حریت و حکومت ملی واحترام زیاد نسبت بزنان که‌امورخانواده وتربیت فرزندان‌وآموزش وپرورش اطفال رابعهده داشتند.

بترتیب مذکور کشورهای متحدامریکای‌شمالی که‌وسعت آن‌باندازهٔ تمام‌اروپا ودارای همه گونه‌آب وهوا ومعادن واراضی حاصلخیزوپربرکت است بامردمی‌عملی وفعال وآزادیخواه بین اقیانوس اطلس‌واقیانوس کبیردرمیان‌ممالك‌معظم‌جهان‌قدعلم کردوازاواخرقرن‌نوزدهم‌درمعضلات‌امورجهان‌سهیم‌ودارای‌نقش‌بزرك‌ومؤثر گردید.

قانون اساسی وفرهنك

زعمای انقلاب امریکا وکسانی که قانون اساسی را تدوین کردند همواره ازقدرت دولت مرکزی بیم‌داشتند زیرا از حکومت‌لندن‌رنجهابرده ومایل نبودند نظیر آن‌درمملکت خودشان بوجودآید. باین جهت اموری‌راکه رتق‌وفتق آن بادولت مرکزی (فدرال) بود صریحاً در قانون اساسی قید کردند و بعد در مادهٔ دهم الحاقی قانون اساسی خاطرنشان‌ساختند که حقوق و اختیاراتی که بموجب قانون اساسی بدولت‌مرکزی تفویض نگردیده بعهدهٔدولتهای جزء میباشد. چون ازتعلیم وتربیت ضمن اختیارات دولت مرکزی ذکری نشده هریك ازدولتهای جزء موظف است وسایل آموزش و وپرورش‌ابناء ملت‌را فراهم‌سازد. بعضی‌از کشورها درقانون اساسی خودوبعضی‌دیگر

درقوانین عادی اصولی برای این منظور گنجانده‌اند . ازاینجاست که درامریکا اتحاد شکل در فرهنك وجود ندارد و هـر دولت مطابق مقتضیات و احتیاجات خـویش دستگاهی برپا کرده است که دراین کتاب مجمل نمیتوان به‌تشریح وتوصیف‌همگی آنها پرداخت بلکه بذکر نکات ومشخصات برجسته که دربیشتر آنها موجـود است اکتفا خواهد شد .

هیئت مدیرهٔ فرهنك هر کشور

بطور کلی هیچ‌یك ازدولتهای چهل وهشتگانه مستقیماً در امرفرهنك دخالت ندارندیعنی مدرسه تأسیس ونگاهداری نمیکنند بلکه این وظیفه را بعهدهٔ اولیای حوزهٔ فرهنگی واگذار می‌نمایند .

درپایتخت هریك از کشورها بموجب قانون‌انجمنی بنام هیئت مدیرهٔفرهنك تشکیل میشود که عهده‌دار نظارت برمعارف آن کشوراست . دربعضی از کشور هـا اعضاء هیئت مانند نمایندگان‌مجلس‌برای‌چندسال‌ازطرف‌مردم‌انتخاب میشوند ـ در برخی دیگر ازطرف فرماندار کل (که خود ازطرف عموم برگزیده میشود) طبق قواعد مخصوص معین میگردند ـ در چند کشور شاغلین مقامهای معینی چـون فرماندار کل و مدیر کل فرهنك و رئیس دانشگاه دولتی ورئیس دانشسرای عالـی ودادستان کل ورئیس بالاترین‌دادگاه‌ورئیس یك‌یاچندحوزهٔ فرهنگی هیئت‌مدیره را تشکیل میدهند ـ بالاخره درپاره‌ای از کشورها هیئت مدیره از امتزاجی ازدو نوع اخیرتشکیل می‌یابد .

معمولا عدهٔ اعضای هیئت بین ٥ و ۹ نفراست واعم ازانتخابی یاانتصابی‌هرچند سال یکبار فقط برخی ازآنها (مثلا هردوسال ثلث عده) برای مدت معینی‌برگزیده یا منصوب میشوند وباین ترتیب دوام وثبات آن تأمین و از گزند نفوذ هـای سیاسی برکنار است .

حقوق واختیارات هیئت مدیرهٔ فرهنك در هر کشور بموجب قانون مشخص گردیده‌وبطور کلی‌میتوان گفت که‌دراکثر آنهاعبارتست‌ازانتخاب مدیر کل‌فرهنك‌ـ

تعیین سیاست عمومی معارف - تصویب بودجه - وضع عوارض فرهنگی - تصویب برنامه های کلی مدارس و آئین نامه‌ها ومقررات - جلب توجه مردم بفرهنك...

مدیر کل فرهنك هر کشور

چنانکه گفته شد مهمترین وظیفهٔ هیئت مدیرهٔ فرهنك انتخاب و نصب مدیر کل فرهنك کشور است که بموجب قانون بایدازحیث تحصیل‌وتخصص درتعلیم وتربیت‌وپیشینهٔ خدمت و اخلاق دارای شرایط معینی باشد. مدیر کل فرهنك برای چند سال استخدام میشود ومسئول هیئت مذکورمیباشد ودبیروخزانه‌دار آنست.

وظایف عمدهٔ او عبارتست ازنظارت براجرای قوانین فرهنگی - نصب و عزل کارمندان ادارهٔ کل فرهنك - تعیین‌حداقل معلومات برای‌هریك‌ازمراحل‌تحصیل- تعیین رؤس مطالب و مواد برنامهٔ مدارس - تعیین شرایط معلمی - صدور پروانهٔ معلمی - تعیین‌اوصاف ساختمانهای مدارس - کمك‌مالی‌وفکری‌بحوزه‌های‌فرهنگی- تصویب بودجهٔ حوزه های فرهنگی - بازرسی مدارس - ممیزی حساب حوزه های فرهنگی - تصویب خریدوفروش اموال غیرمنقول مدارس ...

ادارهٔ کل فرهنك هر کشور

برای انجام دادن وظایف خود مدیر کل فرهنك‌درپایتخت کشور اداره‌ای تأسیس میکند که وسعت و نوع اعضایش بسته است بمقدارکاروتمکن مالی. معمولا دو نوع کارمند استخدام میشود: یکی اعضاء اداری برای دبیری وبایگانی‌ودفترداری وحسابداری و کار پردازی و ماشین نویسی و نظیرآن - دیگر اعضاء فنی برای رشته های مختلف چون‌آموزش‌ابتدائی-آموزش‌متوسطه- تعلیمات‌حرفه‌ای- بازرسی. رؤسای‌قسمتهای فنی باید در کار خود تخصص داشته باشند و عموماً معاون مدیر کل محسوب میشوند.

ادارهٔ کل فرهنك بامدارس مستقیماً مربوط نیست - مگر بطور مشورت. آموزشگاهها مستقیماً بارئیس حوزهٔ فوهنگی تماس دارند.

حوزه های فرهنگی

برحسب سنت و سابقه که آزمایش و تجربه صحت آن را بثبوب رسانده اختیارات قانونی دولت درامرتعلیم و تربیت بعهدهٔ حوزه‌های‌فرهنگی‌محول گردیده است . در۱۹۵٤در تمام امریکا ٦۹,۹٦۹ حوزهٔ فرهنگی موجود بود . بعضی از کشورها فقط تقسیم به شهرستان شده (مانند کشور یوتاه[۱] که بچهل‌شهرستان‌تقسیم گردیده) و شهرستان واحد حوزهٔ فرهنگی است . دربرخی دیگراز کشورها هرشهرستان تقسیم به بخش شده وبخش واحد حوزهٔ فرهنگی است . دراینصورت شهرستان نیز وظایفی نسبت بتعلیم وتربیت‌عمومی برعهده دارد. بالاخره دربعضی‌از کشورهابخش تقسیم‌بدهستان شده‌ودهستان واحد حوزهٔفرهنگی است ودراینصورت شهرستان وبخش هم‌مسئولیت هائی دارند .

تمایل عمومی کارشناسان تعلیم وتربیت براینست که حوزهٔ فرهنگی دهستان حذف شود و در صورت امکان و اقتضاء از لحاظ وسعت خاك و جمعیت و تمکن مالی حوزه های فرهنگی بخش هم‌ازمیان برود وبحوزهٔ فرهنگی شهرستان‌اکتفا شود . [۲]

چنانچه شهرستان واحد حوزهٔ فرهنگی باشد دارای هیئت مدیرهٔ فرهنگی خواهد بود که کم وبیش مانند هیئت مدیرهٔ فرهنك کشور است . عدهٔ اعضای آن هیئت و طرز تعیین آن از طرف فرماندار کل یا انتخاب از طرف مردم ـ حقوق و اختیارات آن بموجب قانون معین شده ودرهرمملکت بنحوخاصی است .

اختیارات ووظایف مهم هیئت مدیرهٔ فرهنك شهرستان معمولا شامل مسائل

---

(۱) Utah کـه تقریباً دویست کیلو متر مربع مساحت دارد بنابراین هریك از شهرستانها بطورمتوسط درحدود پنجهزار کیلومترمربع است.

(۲) در ۱۹٤٤ عدهٔ حوزه‌ها ۱۱۱ر۲۷٤ بود بنابراین با مقایسه با شمارهٔ حوزه های کنونی ملاحظه میشودکه درظرف ده سال ٤۳ در صد آنهارا در حوزه‌های دیگر گنجانده‌اند .

ذیل است: انتخاب رئیس فرهنك شهرستان که واجد شرایط قانونی باشدومدیر کل فرهنك موافقت خود را با تعیین او اعلام دارد - تصویب بودجهٔ فرهنك شهرستان - وضع عوارض محلی.

رئیس فرهنك مدیرعامل و دبیروخزانه‌دار هیئت مدیرهٔ فرهنك است. اداره کردن آموزشگاهها با اوست. خرید وفروش اموال غیرمنقول - نصب وعزل معلمین وتعیین‌حقوق آنها - تهیهٔ بودجهٔ معارف شهرستان - پیشنهاد معلمین‌برای‌بازنشستگی بهیئت مدیره ازوظایف اومیباشد.

رئیس فرهنك نیز برای انجام دادن وظائف خود اداره ای تأسیس میکنند و در نصب و عزل کارمندان آن اختیار تام دارد. بازرسان دبیرستانها از طرف ادارهٔ کل فرهنك فرستاده میشوند و قسمتی از مزایای آنها را شهرستان باید بپردازد.

چنانچه شهرستان وسیع باشد از طرف هیئت مدیره بچند ناحیه تقسیم می‌شود و در هریك انجمن کوچکی ازاعضاء محلی (بتعیین هیئت مدیرهٔ مذکور) درمدارس آن ناحیه نظارت میکنند. این انجمن میتواند مثلا آموزگارانی که از طرف رئیس فرهنك شهرستان معین شده بدلایلی که گزارش خواهد داد تادونوبت نپذیرد - خدمتگزاران‌جزء را نصب وعزل کند - بناهای مدارس را حفظ و تعمیرات جزئی را بنماید.

اگربخش یادهستان واحد حوزهٔ فرهنگی باشد بتناسب وسعت‌خود سازمانی شبیه شهرستان‌دارد منتهابواسطهٔ کوچکی حوزه‌وقلت‌عایدات، حوزهٔ فرهنگی‌مافوق موظف بکمك مالی ونظارت است.

حوزهٔ فرهنك شهرها

ازهشتادسال قبل‌باینطرف که امریکا صنعتی شده‌ومخصوصاً ازآغاز قرن کنونی کارخانه های بسیاردرنقاط مختلف برپا گشته و درپیرامون آنها شهرها بوجودآمده که روز بروز توسعه یافته است بطوریکه درحال حاضراز ۱۶۰ میلیون جمعیت امریکا در حدود

شصت درصد درشهر ها سکونت دارند وعدهٔ آنهائی که ازپنجهزار نفر ببالا جمعیت دارد بالغ بر ۲٫۲۷۵ شهر است که ۹۲ شهر آن ازیکصد هزار تا چند میلیون نفر ساکن دارد .

هریك ازاین شهرهاازخود هیئت مدیره ورئیس و ادارهٔ فرهنك دارد . هیئت مدیره معمولا از ۵ تا ۹ نفر تشکیل میشود که مردم شهر برمی گزینند یا شهردار (که خود ازطرف مردم انتخاب شده) ویا انجمن شهر برای مدت معینی از سه تا هفت سال آنانرا معین میکنند و در قلمرو خود اختیاراتی نظیر اختیارات هیئت مدیرهٔ فرهنك کشور دارند . اعضاء هیئت مدیره هیچگاه ازفرهنگیان شاغل درشهر نیستند .

بواسطهٔتجمع رجال ومردان بزرك درشهرهاوتمرکز ثروت درآنهاشایسته‌ترین افراد درهیئت مدیره وادارهٔ فرهنك شهرها بخدمت اشتغال دارند و ترقیات شگرف درآنهامحسوس ومشهود است .

کمك‌های دولت مرکزی

البته دولت مرکزی امریکا در امور فرهنك مداخله ندارد ولی بموجب قوانینی که بتصویب مجلسین امریکا رسیده کمکهائی بتمام کشورهای چهل وهشتگانه میشود

بموجب قانون مریل[۱] مورخ ۱۸۶۲ درهر کشوری که مایل بوده با کمك دولت مرکزی یك آموزشگاه عالی فلاحت و صناعت و خانه‌داری تأسیس گردیده است .

در ۱۸۶۷ بموجب قانون دیگری درواشنگتن اداره‌ای برپا شد تا اطلاعات و آمار لازم را درباب آموزشگاههای امریکا جمع آوری کرده درمیان مردم و حوزه های فرهنگی انتشاردهد . این اداره بتدریج راه تکامل را پیموده وامروزجزئی‌است از «وزارت‌بهداری وفرهنك وآسایش‌عمومی». این‌وزارتخانه علاوه برامور بهداری‌و فرهنك ، بیمه های اجتماعی و بازنشستگی ونگاهداری سالخوردگان بی‌بضاعت و

---

(۱) Morrill Act ـ شرح‌این مدارس را درصفحات بعد ملاحظه خواهید کرد.

سربازان برگشته ازجنك ونظیر آنرا برعهده دارد .

ادارهٔ فرهنك دولت مرکزی موظف است مجالس سخنرانی برای معلمین و دانشجویان و مجامع فرهنگی بوسیلهٔ متخصصین خود ترتیب دهد ـ حوزه های فرهنگی که تقاضا کنند موردمعاینه قرار داده معایب ونواقص کار آنهارا خاطر نشان ونسبت باصلاح آنها ارائه طریق کند ـ درباب مسائل مهم آموزش و پرورش تحقیق وپژوهش نموده نتیجه‌رامنتشرسازد ـ درباب کلیهٔ مؤسسات فرهنگی امریکا اطلاعات لازم راکسب وانتشاردهد .

بالاخره در ۱۹۱۷ بموجب قانون اسمیث هیوز (۱) هیئت مدیره‌ای در واشنگتن تشکیل وبا اعتباراتی که دراختیار آن گذاشته شده بتعلیمات کشاورزی وصنایع روستائی ومکانیك و تدبیر منزل درتمام چهل و هشت کشور کمك مالی و راهنمائی میکند .

منابع درآمد فرهنك

درآمدهای عمدهٔ معارف امریکا از چهار منبع عمده است : عوارض محلی ـ مالیاتهائی که درهریك از کشورها گرفته میشود ـ کمکهای دولت مرکزی ـ موقوفات واعانات .

اگرشهرستان واحد حوزهٔ فرهنگی باشد هنگامی که رئیس فرهنك بودجهٔ سال بعدرا بهیئت مدیره پیشنهاد میکند میزان عوارض محلی که باید اخذ شود تا هزینهٔ فرهنك را تکافو کند گزارش میدهد وهیئت در حدود قانونی که هر کشور برای‌وضع عوارض‌محلی دارد تصمیم‌لازم‌اتخاذ میکند . این تصمیم یاتوسط مأمورین ادارهٔ فرهنك اجرا میشود یا توسط امنای دارائی که مردم هر شهرستان چند سال یکبار معمولا سه‌نفر مانند نمایندگان مجلس انتخاب میکنند تا موظفاً امور مالی شهرستانرا اداره کنند . عوارض محلی از اموال منقول وغیرمنقول اخذ میشود وحد کثر آن را قانون معین کرده است .

چنانچه بخش واحد حوزهٔ فرهنگی باشد هر کس باید دو بار عوارض محلی

(۱) Smith - Hughes

بپردازد : یکی به‌بخشی که فرهنك را اداره میکند ودیگربه‌شهرستانی که بخش‌در آن واقع است . دراینصورت شهرستان قسمتی از عوارض دریافتی را به‌بخش مسترد میدارد تابمصارف معینی برسد .

عوارض محلی که ازحوزهٔ اداره کنندهٔ فرهنك دریافت میشود در حدود ۵۵ درصد درآمد معارفی امریکاست .(۱)

مالیاتهائی که درهر کشوربنام فرهنك اخذمیشود برای تأمین مخارج‌دانشگاه دولتی- دانشسراها - مدارس فنی‌عالی- ادارهٔ کل فرهنگ- کمك بحوزه‌های فرهنگی است واز درآمد مردم وشرکت‌هاوپروانهٔ پزشکی ووکلای دادگستری‌وداروسازی ومانندآن‌میگیرندورویهمرفته درحدودسی‌وهفت‌درصد ازعایدات فرهنك‌امریکاست. کمك بحوزه‌های فرهنگی ممکن‌است از روی عدهٔ شاگردان مدارس آن حوزه - یاازروی شمارهٔ شاگرد وعدهٔ روزی که درسال تحصیلی بمدرسه میروند - یابرحسب اصل تعدیل(۲) داده شود . اصل تعدیل آنست که هرگاه حوزهٔ فرهنگی حد اکثر قانونی عوارض محلی را وضع کند وباز برای رسیدن بپایهٔ فرهنك بهترین حوزهٔ آن کشور کسرداشته باشدآن کسر ازطرف ادارهٔ کل فرهنك تأمین شود . هریك از دولت‌های جزء علاوه برمالیاتهائی که بنام فرهنك میگیرند مبلغی نیزازاصل ومتن بودجهٔ خودبمصرف معارف میرسانند. در۱۹۵٤ وجوهی که کشورها بمصرف‌فرهنك رسانده‌اند چنانچه فوقا گفته‌شددرحدود ۳۷ درصد درآمد کل فرهنك بوده است .

دولت مرکزی امریکا علاوه بروجوهی که برطبق قانون اسمیث‌هیوز وقوانین دیگربرای دبیرستانها و کالج های فلاحتی وصنعتی و خانه‌داری و مزارع نمونه و آزمایش‌های‌جدید درامور کشاورزی وتعلیم طرق عملی درکشتزارها صرف‌میکند مبالغ هنگفتی جهت‌آموزش وپرورش سربازان برگشته از جنك در دانشگاهها و مدارس فنی و یاد دادن پیشهٔ مناسب بکسانی که علیل هستند و همچنین تهیهٔ ناهار

(۱) تمام آماری که دراین‌فصل‌ذکرمیشود باستناد سالنامهٔ رسمی‌فرهنك‌امریکااست که وزارت بهداری وفرهنك وآسایش عمومی‌آن مملکت در ۱۹۵۷ منتشر ساخته‌است .

(۲) Equalization

ببهای ارزان (درحدودچهاریك قیمت) برای‌شاگردان مدارس هرساله خرج‌میکنند. درسال ۱۹۵٤جمع مبلغی که دولت مرکزی‌صرف فرهنك کرده ٤٫٥ درصددرآمد فرهنك امریکا بوده است.

موقوفهٔ عمده هنگام مهاجرت بمغرب‌امریکا ایجاد شد. برای واگذاری‌زمین به کوچ‌نشین‌ها آنرا تقسیم به‌دهستانهائی کردند که هر کدام یك فرسنگ‌مربع بود و در هر دهستان $\frac{۱}{۱۶}$ را وقف بر معارف همان دهستان نمودند کـه جمعاً در تمام امریکا درحدود پانصد هزار کیلومترمربع شد ومنافع حـاصلهٔ از آن صرف تعلیم و تربیت عمومی میشود.

هرسال نیکوکاران‌وتوانگران نیزمبالغ قابل توجهی اعانه بمؤسسات‌فرهنگی میدهند. بعضی از آنان مانند رکفلر (۱) وکارنگی (۲) وفرد (۳) هیئت های دائمی بوجودآورده واز سود سرمایه‌ای که دراختیارآنها است هرساله کمك های قـابل توجهی بفرهنك میشود.

عده‌ای ازدانشگاه‌های درجهٔ اول ودبیرستان‌های نامی ازموقوفاتی کـه دارند مخارج خودرا تأمین میکنند.

درنقاطی که‌بخواهند برای آموزشگاه ساختمانی بنا کنند باعتبارهیئت‌مدیرهٔ فرهنك محل اوراق قرضه منتشرمیکنند ودرظرف چندسال اصل‌وسودآنرا ازمحل بودجهٔ فرهنك می‌پردازند.

اکنون که طرز اداره کردن فرهنك درامریکا ذکرشدبه‌تشریح دستگاه‌تعلیم عمومی باید پرداخت.

آغاز تعلیم عمومی

درانگلستان نو که شامل چند مستعمرهٔ شمالی امریکا بود بواسطهٔ کمکهائی که ازقرن هفدهم از طرف حکومت از

---

(۱) Rockefeller

(۲) Carnegie

(۳) Ford

عوارض یااعانات بمدارس میشد تااندازه‌ای وسیلهٔ تعلیم عمومی فراهم گردید ولی مطابق رسم آنزمان مدیر مدرسه نیز ازاطفال شهریه میگرفت . درقرن هیجدهم نظارت برمدارس شهری ازطرف نمایندگان مردم شهربانجمنی واگذار و برمیزان عوارض افزوده شد تا اخذشهریه موقوف گردد. باین ترتیب در نیمهٔ قرن هیجدهم یعنی قبل ازاستقلال امریکا بسیاری از دبستانهای انگلستان نو مجانی بود . در قرن نوزدهم بواسطهٔ زحمات واقدامات هرس من[۱] ازسال ۱۸۳۷ که مدیر کل فرهنك ماساچوستس شد اصلاحات مهم در معارف آنجا بعمل آمد : مدارس شهری بهتر با معلم و وسایل کاملتر تأسیس گردید - دانشسرا ایجام شد - برمدت سال تحصیلی افزوده گشت - از حیث برنامه وروش بهبودی محسوس بوجود آمد - درمردم شورواشتیاق نسبت بفرهنك تولید گردید - درمعلمین دلبستگی بهشغل آموزگاری برانگیخته شد .

نظیراقدامات هرس من در بعضی از کشورهای متحد توسط پیشوایانی چون هنری بارنارد[۲] بعمل آمد . دروسی درباب تعلیم وتربیت دربرخی از کالجها داده شد - دربسیاری از کشورها ادارهٔ کل فرهنك برپا گردید - مجله و کتاب زیاد بطبع رسید - عده‌ای از رؤسای فرهنك برای مطالعه باروپا اعزام شدند - روش آموختن باتوجه بافکاروتجربیات پستالزی ومدارس آلمان اصلاح گردید ولی عملا توجه باهمیت اجتماعی واقتصادی آموزش وپرورش همگانی وایجاد مدارس مجانی عمومی در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم صورت گرفت چنانکه در ۱۸۶۷ در نیویرك و در ۱۸۶۸ در کشور نیوجرزی[۳] ومیشی گان[٤] اخذ شهریه در مدارس رسمی بکلی موقوف شد و بتدریج دستگاهی برای تعلیم و تربیت بوجود آمد که بطرزشگفت آوری توسعه حاصل کرد .

---

(۱) Horace Mann (۱۷۹٦-۱۸۵۹)
(۲) Henry Barnard (۱۸۱۱-۱۹۰۰)
(۳) New Jersey
(٤) Michigan

دستگاه آموزش وپرورش

باوجود متفاوت بودن دستگاه آموزش وپرورش کشورها میتوان گفت که درامریکا پنج مرحله برای تعلیم و تربیت موجوداست: آموزشگاه نونهالان(۱) ـ کودکستان ـ دبستان دبیرستان ـ کالج ودانشگاه .

مدرسهٔ نونهالان برای کودکان بین دو وپنج سالگی است وسبب تأسیس آن اینست که با پیشرفتهای روانشناسی و بتجربه و آزمایش بثبوت رسیده است که ادراکات و احساسات طفل در سنین مذکور در اخلاق و رفتار او در تمام عمر تأثیر دارد . بنابراین بایداورادر محیطی پرورش داد که‌مولد ادراکات واحساسات مطلوب باشد .

کودکستان معمولا درشهرها موجود و مختص اطفال بین ٤و٦ سالگی‌است . علت مهم تأسیس آن درابتدا این بود که پدرومادر هردو درخارج کار میکردند ودر روزفرزند خودرا بکودکستان می‌سپردند تا از وی مراقبت‌شود. بعدها دانشمندان علوم تربیتی به‌حساس‌بودن اطفال بین چهاروشش سالگی پی‌بردندوفقدان‌زمین‌بازی وفضا رادر خانه های مسکونی‌شهرها گوشزد کردندولزوم کودکستانرا خاطرنشان ساختند. در کودکستان درس داده‌نمیشود بلکه محیط مناسب برای رشدطفل‌فراهم میگردد . انواع عروسك واسباب بازی ـ تصاویرزیبا ـ افزاروآلات کاربچگانه برای باغبانی وبنائی ـ مصالح ساختمانی چون ماسه و چوب و مقوا و کاغذ ، اثاثیهٔ کلاس کودکستان را تشکیل میدهد . برنامهٔ آن عبارتست ازبازی و آواز ورسم ونقاشی و پای کوبی‌ونقل گوئی وطرزغذا خوردن ونشست وبرخاست وراه رفتن وسخن گفتن وشست وشوی ونظیر آن. مربی کودکستان دردانشسرایادانشگاه دراین رشته تربیت شده ودراین فن تخصص دارد . درپاره‌ای ازنقاط کودکستان عمارت مستقل ندارد و دردبستان جای دارد . مطابق سالنامهٔ رسمی فرهنك امریکا که آخرین شمارهٔ آن راجع به۱۹۵٤میباشد (ودر۱۹۵۷بطبع رسیده) درسال مذکور ۱٫۸۰۹٫۰۰۰ کودك

---

(۱) Nursery School

در کودکستانهای امریکا پرورش می‌یافتند .

دبستان ودبیرستان بایکدیگر مربوط ودر دنبال یکدیگر قرار دارند و برای تعلیم وتربیت تمام افراد ملت میباشند بهمین جهت آنهارا مدارس عمومی نامند. دورهٔ دبستان درهریك از کشورها برطبق قانون شش یاهفت یا هشت سال است . چنانچه دورهٔ آن هفت یا هشت سال باشد دورهٔ دبیرستان چهارسال است واگر دورهٔ دبستان شش‌ساله باشد در آن کشوردبیرستانهای رسمی نیزشش‌ساله است .

دربسیاری‌ازممالك‌متحده‌مخصوصاًدر کشورهای شمالی وغربی‌تمایل‌براینست که دورهٔ دبستان را براساس شش سال ودبیرستان را برپایهٔ سه سال دورهٔ اول و سه سال دورهٔ دوم متوسطه قراردهند زیراشاگردانی که‌بدین ترتیب دردورهٔ‌اول‌متوسطه تحصیل میکنند ازحیث سن‌بین۱۲و۱۵خواهند بود ودراینصورت‌احتیاجات‌وحالات روحی ورشدآنها مشابه است و بعلاوه در دورهٔ اول میتوان باستعداد و ذوق آنان پی‌بردوعلاقهٔ آنهارا بدروس ورشتهٔ معینی کشف کردوبرای انتخاب یکی‌ازشعبه‌های دورهٔ دوم آنهارا راهنمائی وارشاد نمود .

طفل درپایان شش سالگی وارد دبستان میشود و وقتی آنرا بپایان رسانید انتظار گرفتن گواهینامه ندارد زیراچنین تصدیق نامه‌ای درامریکا داده نمیشود ولی درآخردورهٔ دبیرستان بامضای رئیس مدرسه‌و رئیس‌فرهنك‌محل گواهی‌نامه‌ای بوی داده میشود که‌امتیازی برآن مترتب نیست وفقط حاکی ازآن است که شاگردچند سال در دبیرستان بسر برده است . در ۱۹۵٤ در تمام امریکا ۱۵۲٫۰۰۰ باب دبستان ودبیرستان با ۳۳ملیون شاگرد موجود بوده است .

کالج و دانشگاه و دانشسرا ها برای تحصیلات عالی است . در این مدارس دانشجویان‌پس ازچهارسال تحصیل و کامیابی در امتحانات‌بدرجه‌ای‌نائل میشوند که ممکن است B.A.(۱) یا B . Sc.(۲) یا B. Ped.(۳) یا B. Bus.(٤) یا نظیر آن

---

(۱) Bachelor of Arts (۲) Bachelor of Science
(۳) Bachelor of Pedagogy (٤) Bachelor of Business

باشد . چنانچه تحصیلات‌را لااقل یکسال ادامـه دهند و در امتحانات توفیق یابند و رساله‌ای‌بنویسنددرجهٔ M.A.(۱) یا M.Sc.(۲) یامانندآن‌خواهند گرفت.درصورتیکه دست کم دو سال دیگر دانش آموزند و بپژوهش پردازند و پایان نامه‌ای تهیه و بتصویب رسانند باخذ درجهٔ دکتری موفق میگردند .

بعضی‌اوقات کالج کاملا مستقل‌وواحد جداگانه‌ای است ودربرخی‌ازدانشگاهها کالج هستهٔ مرکزی است و پس از ختم دورهٔ آن وارد شعب تخصصی می‌شوند . در ۱۹۵٤ در تمام امریکا ۱۸٦۳ باب کالج مستقل و دانشگاه با ۲٫۵۱٤٫۰۰۰ دانشجو موجود بوده است .

آموزش همگانی ازنیمهٔ دوم قرن نوزدهم ببعد درهریك از کشور ها قانونی وضع شده کـه بموجب آن تعلیمات عمومی تاسن معینی اجباری و مجانی است . اگر تمام امریکا را در نظر بگیریم حداقل سن برای ورود بدبستان شش وحداکثرسن تحصیل اجباری هیجده است . بنابراین درممالکی کـه این حداکثر مجری است شاگردان با هوش معمولی قـادر باتمام دورهٔ دبیرستان خواهند بود . در کشورهای دیگر دوسه سال ازدورهٔ دبیرستان جزوتحصیل اجباری است .

رایگان‌بودن تعلیمات عمومی منحصربمعافیت ازپرداخت شهریه نیست بلکه دربیشتر کشورها وسایل تحصیل ازقبیل کتابهای درسی ونوشت افزارنیزمجانی داده میشود وناهاررا هم‌بقیمت خیلی کم بشاگرد میدهند. اطفالی که اولیای آنها نتوانند هزینهٔ فرزند خودرا تأمین کنند درمدارس مخصوص شبانه‌روزی نگاهداری میشوند یاانجمن خانه ومدرسه بآنها کمك میکند .

در تمام مراحل تربیت ازمدرسهٔ نونهالان تا دانشگاه پسرودختر باهم تحصیل می کنند

---

(۱) Master of Arts
(۲) Master of Science

سال تحصیلی	دانشگاه			سن تقریبی
۱۶	دانشگاه			۲۲
۱۵				۲۱
۱۴	کالج		کالج ـ دانش‌سرا ـ دانشگاه	۲۰
۱۳				۱۹
۱۲	دورهٔ دوم دبیرستان			۱۸
۱۱			دبیرستان چهار کلاسه	۱۷
۱۰				۱۶
۹	نخستین دورهٔ دبیرستان			۱۵
۸				۱۴
۷				۱۳
۶				۱۲
۵				۱۱
۴				۱۰
۳		دبستان		۹
۲				۸
۱				۷
	خانه	کودکستان		۶
		آموزشگاه نونهالان		۴
				۲

منظور ازتعلیمات عمومی تربیت عضو سالم برای جامعه است بنابراین برنامه شامل خواندن‌ونوشتن وحساب کردن وتربیت‌مدنی‌وموسیقی وبازی و کارهای دستی ورسم ونقاشی وبهداشت ووظایف‌الاعضاء وتاریخ وجغرافیاست . عـدهٔ ساعات تدریس هرماده وتوزیع مواد بین کلاسها بسته بنظر رئیس آموزشگاه است‌تا آنجا که ممکن است اساساً بعضی از مواد در مدرسه ای تدریس نشود . با وجود اینکه ادارهٔ کل فرهنك هر کشورمواد تحصیلی وطرزتعلیم آنهارا درچند جلد چاپ کرده‌وبرایگان دراختیارمعلمین ومدارس گذاشته است بااینهمه درهیچیك از کشور ها عین برنامـه اجباری نیست وهرحوزهٔ فرهنگی وهرآموزشگاه آزادی عمل دارد . بهمین جهت افکارنووروشهای جدیددرمدارس بوجود میآیدوهمینکه نتیجهٔ مطلوب داد همه جا منتشروموجب ترقی وپیشرفت میگردد .

دردبستان معمولا هر کلاس یك معلم دارد که تمام موادرا تدریس میکند.در شهرها برای مواداختصاصی چون‌موسیقی ودرزی گری و کارهای‌دستی(درودگری- آهنگری - مکانیك - برق) و رسم ونقاشی وبازی و ورزش معلم مخصوص دارند.در روستا تا زمانی که عدهٔ شاگرد ازچهل نفر تجاوز نکند یك معلم یك دبستان شش تاهشت کلاسه را اداره میکند وشاگردانرا مثلا بسه‌دسته تقسیم وثلث وقت‌رادر روز صرف یکدسته‌میکندو وقتی بتعلیم دسته‌ای اشتغال دارد دودستهٔ دیگر تکلیف کتبی انجام می‌دهند.

بواسطهٔ توسعهٔ‌راههای‌اسفالته‌وتکثیر وسایل نقلیه دربسیاری از کشورهای‌چهل وهشتگانه بتدریج درمراکزدهات دبستان کامل تأسیس گردیده شاگردان بااتوبوس دبستان بامدادان بمدرسه میروندوواپسین بازمی گردند وناهاررا نیزبربع قیمت در آنجا صرف می کنند . در ۱۹۲۸ عدهٔ دبستانهای یك معلمه ۱۵۳٫۰۰۰ و در۱۹۵٤ عدهٔ مذکور به ٤۲٫۰۰۰ باب‌تقلیل یافته بود. شمارهٔشاگردانی‌را که بااتوبوس‌درسال ۱۹۵٤ بمدرسه برده‌اند ،هشت میلیون‌نفر و هزینهٔ‌آن ۳۰۷ میلیون دلار بوده‌است .

آموزگاران عموماً از دوشیزگان و بانوان هستند وچنانکه قبلا اشاره رفت

این سنت اززمان مهاجرت ازشرق بغرب بوجودآمد که مردان بزراعت وتهیهٔمعاش مشغول وتنهازنان بودند که بتربیت وتعلیم اطفال همت میورزیدند .

اکنون شکیبائی وحوصلهٔ بانوان ـ حساسیت آنها نسبت باحتیاجات کودك ـ ملایمت ومهربانی طبیعی آنها عواملی است که موجب بقاء این وضع شده است.احترام زیاد امریکائیان نسبت بزنان نیز ازهمین جا ناشی است که تقریباً همگی آموزگار زن داشته‌اند . در۱۹۵٤ از۷٤۲ هزار آموزگاردرتمام امریکا تنها ۸۵ هزارتن مرد بوده‌اند . درسال مذکور جمعاً ۱٫۳۹۰٫۰۰۰ آموزگارودبیردرامریکا بتعلیم و تربیت اشتغال داشته‌اند .

روش و برنامه. نظریات دیوئی

روش تعلیم‌وتربیت وبرنامهٔ مدارس درآموزشگاههامتفاوت است . مدارس مترقی در تحت تأثیر فلسفهٔ پراگماتیزم (۱) یااصالت عمل که ویلیام جیمس (۲) حکیم شهیرمؤسس آن بودونظریات‌وآزمایش‌هاوزحمات پیشوایان آموزش وپرورش چون جان دیوئی (۳) رعایت عین برنامهٔ رسمی‌را لازم نمیشمارند ومعتقدند کـه تعلیم خواندن و نوشتن وحساب کردن فقط قسمتی از وظیفهٔ مدرسه است و مهمتر از این سه مـاده ایجـاد

---

(۱) Pragmatism

(۲) WilliamJames (۱۹۱۰-۱۸٤۲)صاحب تألیفات بکرونفیس مانند کتاب پراگماتیزوروان شناسی وانواع سیرباطنی انسان . برای اطلاعات بیشتررجوع کنید به سیرحکمت دراروپا ـ جلد سوم ـ ازصفحهٔ ۲۵۳ ببعد .

(۳) John Dewey (۱۹۵۲ ـ ۱۸۵۹) جان دیوئی بدون تردید بزرگترین و متنفذترین پیشوای‌تعلیم وتربیت امریکا(وشاید جهان) درنیم قرن اخیر بوده وبرای‌عملی ساختن نظریات خود از۱۸۹٤ تا ۱۹۰٤ که استادی دانشگاه شیکاگورا برعهده داشت درآموزشگاه ضمیمهٔ آن به‌آزمایش پرداخت وبنظریات وعقاید خود درباب تعلیم‌وتربیت جامهٔ عمل پوشاند ودرحدود سی رساله وکتاب بتدریج تألیف نمودونظریات وتجربیات خودرا درآنها تشریح کرد . ازکتب مذکور کتاب «مدرسه وشاگرد» و «مـدرسه و اجتماع» و«اخلاق وشخصیت» توسط آقای مشفق همدانی وکتاب «آموزشگاههای‌فردا» توسط آقای امیرحسین آریان پوربفارسی ترجمه شده‌وکسانی که بخواهند به‌تفصیل‌بعقاید دیوئی پی‌ببرند می‌توانند بآنها مراجعه کنند .

عادات نیکو وملکات فاضله‌و اخلاق‌حسنه در کودکان‌وپرورش آدم بتمام معنی‌است.

دیوئی‌باتکاء فلسفهٔ اصالت‌عمل معتقد است که فقط مواد وموضوعاتی‌ازبرنامه دارای ارزش‌است که جنبهٔ عملی داشته باشدوزندگانی انسان را بهتر و خوشتر کند بنابـراین **منظوراز تعلیم وتربیت ترویج دانش مطلق نیست بلکه دانشی‌است کـه از لحاظ عمل و زندگی سودمند باشد ودر ضمن تجربـه و آزمایش بدست آید .**

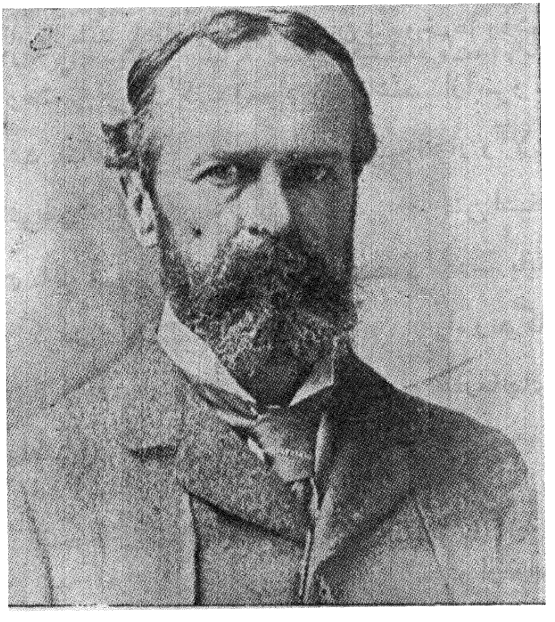

ویلیام جیمس
(۱۹۱۰-۱۸٤۲)

عقیدهٔ مهم دیگراو اینست که**مدتی‌راکه‌طفل درمدرسه میگذراند قسمت مهمی اززندگانی اواست** بنابراین نباید دراین مدت اورا زجردادوزندگانی را بر او تلخ کرد بامید اینکه وقتی بزرك شد خوشبخت خواهد شد بلکه **بایداورا درمدرسه بکارهائی مشغول ساخت که‌خوش باشد وعادت به‌خوش بودن کند**

بفرمودهٔ نظامی

جهان از پی شادی و دلخوشی است　　نه ازبهر بیداد ومحنت کشی است
دمی را کـه سرمایهٔ زندگی است　　بتلخی سپردن نه فرخندگی است

بنظردیوئی تعلیمات عمومی مهمترین درمان دردهای جامعه‌است . بنابراین برنامهٔ مدرسه باید طوری‌تغییر کندتاآموزشگاه بصورت یك جامعهٔ کوچك‌درآید

منظورازمدرسه بایدمفیدومؤثر بودن ازلحاظ اجتماع باشد نـه فقط دانش آموختن واین منظور ازشرکت درعملیات و فعالیت های خود جامعه یعنی مدرسه حاصل تواند شد . باطفال‌باید یادداد چگونه درمیان پیچ‌وخم‌ها ودشواریهاومشکلات زندگانی‌اجتماعی وصنعتی زیست کنندوسعادتمند باشند . ازاینرو برنامه نباید تنها تزریق معلومات باشد بلکه بازی ـ ساختمان ـ استعمال افزار وآلات کار ـ تمـاس با طبیعت ـ بیان مکنونات خاطر از راه نوشتن ونقاشی وساختن اشیاء گـوناگون ـ **عمل‌وکاروفعالیت باید اساس برنامه‌را تشکیل دهد.** مدرسه باید جائی باشد که شاگرد بجای گوش کردن و مستمع بودن کار کـند ـ از راه زندگانی عملی زیست کردن را بیاموزد ـ از راه‌آشنائی بامؤسسات اجتماعی و سازمانهای صنعتی‌آنها را مطالعه کند وازآنها استفاده نماید .

کارمدرسه باید این باشد که مشکلات‌وپیچ وخم‌زندگانی جدید رابحدی کم و کوچك و ساده کند که اطفال بتوانندآنرا درك کنند و از راه تجربیات آسان بتدریج بازندگانی جدیدآشنا شوند . **نخستین‌وظیفهٔ آموزشگاه اینست که‌اطفال را برای همکاری وکمك بیکدیگردرزندگانی وتشریك مساعی تربیت کند.** وظیفهٔ دیگرش اینست که در**اطفال شخصیت ایجاد کند** . آموزگار بایـد متوجه گردد که مرکز ثقل پرورش کودك درنفس اوست یعنی درغرائز وعواطف وفعالیت وارادهٔ او بنابراین **باید محیط مساعدبرای ظهورعشق وذوق طفل ازراه‌اشتغال بکاروعمل که جوهرزندگی‌است فراهم‌آورد** تاخود طفل شخصاً چیزهائی که بدان علاقه داردوبرایش ضروری‌است فراگیرد نه‌آنکه معلم ازروی کتاب‌وتقریرات خود محفوظات‌ومعلوماتی براو تحمیل نماید.

بعقیده دیوئی فضیلت مدرسه اینست که **ازراه عمل یادبدهدوشاگرد از راه‌عمل یادبگیرد** - ماهیچه‌ها وعضلات وچشم واحساسات وعواطف وبالاخره گوش طفل بکارافتد ـ نیروووقوهٔ ابتکارپیوسته درجریان باشد .

هنوز درجهان نقاطی هست که فضیلت مدرسه منفی‌است وعبارتست از اطاعت وانقیاد وتسلیم . بعقیدهٔ دیوئی اطاعت صرف و انجام دادن تکالیف تحمیلی نه فقط برای مفید ومؤثربودن درحیات‌اجتماعی واقتصادی بلکه برای تشکیل جامعهٔ آزاد ومختار وایجاد حکومت ملی هم کافی نیست . **در حکومت ملی مسئولیت امور بعهدهٔ تمام‌مردم است‌ومدرسه بایدشاگردان‌را طوری‌برای‌حیات‌سیاسی فردا**

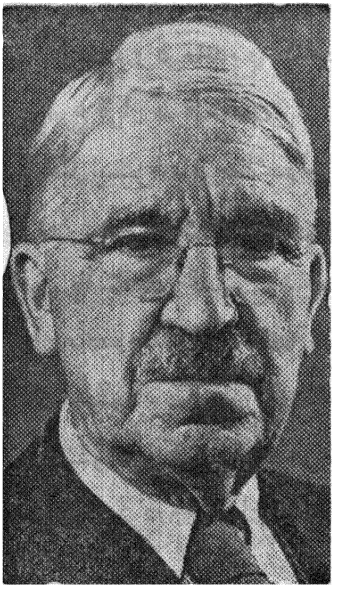

جان دیوئی
در نودسالگی
(۱۸۵۹-۱۹۵۲)

تربیت‌وآماده کند که آنان مسئولیت بعهده‌گیرندوحس اجتماعی‌داشته‌باشند وهریك درمدرسه سهم متناسبی ازادارهٔ مدرسه‌را تقبل واجرا کنند .

طبق اصول مذکـور مدارس مترقی امریکا بجای تدریس موادی چون زبان مادری حساب ـ هندسه ـ تاریخ ـ جغرافیا وقت طفل‌رادر آموزشگاه صرف کارهائی‌میکنند که بدان دلبستگی دارد مانند ساختن خانه ـ وسایل حمل ونقل اززمان‌قدیم‌تاعصر حاضروتهیهٔ نمونه‌ای ازهردوره ـ طرزروشن کردن خانه در گذشته و حال وساختن نمونهٔ چراغها وشمع‌ها ولامپ برق ـ بافتن پارچه بادست و کارگاه وماشین ـ کاشتن صیفی ـ دوشیدن گاو درایام سلف وامروز... کودکان درحین عمل با راهنمائی معلم تمام مواد معمولی برنامه‌را فرا میگیرند[۱] وعلاوه برخوش بودن درساعاتی که بکار مشغولند مردعمل وزندگی بارمیآیند.

درمقابل این‌مدارس مترقی‌آموزشگاه‌هائی نیزموجوداست که شاگردبیشتر مستمع‌وبیحرکت است و معلم گوینده و فرمانده و کتاب وسیلهٔ آموختن وتعلیم. مدارس دیگرامریکا بین این دونوع قرار گرفته است.

اهمیت فرد

یکی‌ازعلل پیشرفت فرهنگ‌درامریکا درك این حقیقت‌است کـه **مدرسه برای‌شاگرداست‌نه‌شاگردبرای مدرسه** و بنابراین آموزشگاه باید متناسب بااستعداد وقابلیت وشایستگی طفل باشد. بـرای رسیدن باین مقصود دردبستانها ومخصوصاً دردبیرستانها تدابیری اندیشیده‌اند کـه برسبیل مثال ببعضی ازآنها اشاره میشود. یکی ازاین تدابیرسنجش هوش‌است کـه بوسیلهٔ آن شاگردان طبقه‌بندی میشوند وکسانیراکه هوششان تقریباً یکسان است دریك کلاس جای میدهند ودراینصورت دروس برای تمام‌آنها بیك اندازه قابل فهم

---

(۱) چنانچه مثلا ساختن خانه‌ای (درگوشهٔ کلاس) موضوع درس باشد شاگردان پس ازمشاهده وتحقیق درجاهائی که عمارت میسازند، باید نوع مصالحی که لازم است معین کنندو بنابراین اسامی ونوشتن آنهارا یادبگیرند (زبان مادری ـ املاء) ـ مقداری که‌ازهریك ازانواع مصالح برای‌ساختن‌خانهٔ‌معین لازم‌است‌حساب کنند (حساب وهندسه) ـ مصالح را خودشان با مکاتبهٔ قبلی بافروشندگان باتفاق‌آموزگار از کوره و بازار خریداری کنند ووجه آنرا بپردازند (زبان مادری ـ انشاء ـ حساب وهندسه) مکانی که مصالح ازآنجاآمده وطرزتهیهٔ آنهارا یاد بگیرند (جغرافیا ـ علم‌اشیاء)...

خواهد بود . دیگر تأسیس کلاس مخصوصی است برای اطفال کم هوش که آموزگار متخصص دارند و بیشتر بکارهای دستی میپردازند. تدبیر دیگر استعمال طریقه‌های مخصوصی است که در آن اختلاف استعداد و ذوق رعایت میشود مانند طریقهٔ دالتن(۱) و طریقهٔ وینتکا(۲) و طریقهٔ اسکارسدیل(۳) . اصول کلی این طریقه‌ها از اینقرار است که برای هر شاگرد تکالیفی معین میکنند(٤) که در ظرف چند هفته انجام دهد و هر وقت خود او لازم بداند از معلم استمداد کند و گاهی نیز معلم از او پرسش‌هائی کند تا مطمئن شود که کار منظماً پیشرفت می‌نماید .

تعلیمات متوسطه

در امریکا منظور از دبیرستان تنها آماده کردن شاگرد برای ورود بدانشگاه نیست. دبیرستان قسمتی است از دستگاه فرهنگی برای تربیت تمام افراد ملت و منظور از تأسیس آن اینست که بشاگرد وسیلهٔ بهترین زندگانی ممکن الحصول (مثلا در رشته‌های کشاورزی و بازرگانی و صنایع) داده شود . بهمین جهت تحصیلات متوسطه رایگان است. چون سن تحصیل اجباری در عده‌ای از کشورهای چهل و هشتگانه به هیجده بالغ میشود در آنها تعلیمات متوسطه اجباری است . در کشورهای دیگر که سن تحصیل اجباری به ۱۸ نمیرسد چند سال از دورهٔ دبیرستان اجباری است .

---

(۱) Dalton نام شهری است در ماساچوستس که طریقه را ابتدا در آنجا پیدا کرده و بکار برده‌اند .

(۲) Winnetka شهری در کشور Illinois

(۳) Scarsdale شهر زیبائی در کشور نیویورك

(٤) مانند قرائت کتاب معینی و تلخیص آن ـ مشاهدهٔ آثار طبیعی و تاریخی محل و نوشتن شرح آن ـ تحقیق وجمع آوری اطلاعات و آمار درباب عوارض محلی و مخارج شهر مسکونی ـ حل چند مسئلهٔ حساب وهندسه راجع بشهر یادهکده‌ای که مدرسه در آن واقع است ـ بهداشت جامعه ـ روابط بین‌المللی ـ عضویت جامعه ووظایف و تکالیف هر فرد ـ مطالب مهم روزاعم ازداخلی و خارجی (مثلا در حال حاضر اهمیت خاورمیانه در نگاهداری صلح جهان ـ مسئلهٔ خلع سلاح‌عمومی ـ تساوی نژادی در کشور های جنوبی ممالك متحده ـ موضوع کمك فنی ومالی امریکا بکشورهای عقب‌مانده...)

در ۱۹۵٤ عدهٔ شاگردان دبیرستانهای امریکا ۷٫۱۰۸٫۰۰۰ بود یعنی از شاگردانی که سنشان بین ۱٤ (ختم دورهٔ دبستان ۸ ساله) و۱۷ بوده ۸۰ در صد مشغول تحصیل بوده اند. بواسطهٔ **محترم بودن کار بدنی ودستی** در امریکا فارغ‌التحصیل های‌دبیرستان‌ازاشتغال بدان ناراضی‌نیستندوبهمین جهت‌هیچ یك‌بیکار نمی‌مانند و تشنجی که از کثرت فارغ التحصیل دبیرستان پیدا می‌شود وجود ندارد.

عدهٔ شعب دبیرستان بسته باحتیاجات محل وتمکن حوزهٔ فرهنگی است و مهمترین آنها عبارتست‌ازشعبهٔ کالج ودانشگاه که برای آماده کردن شاگردبمنظور ورود بمدارس عالی است ـ شعبهٔ تجارتی ـ فلاحتی ـ صنعتی ـ عمومی ـ خانه داری.

شعب اخیرالذکردرحکم‌مدارس‌حرفه‌ای وهنرستان‌است وازاین حیث‌میتوان گفت که در دبیرستانها بیشترجوانان امریکا برای مقدمات یکی از مشاغل تربیت و آماده میشوند.

انتقال ازشعبه‌ای به شعبهٔ دیگردشوارنیست زیرا عده‌ای ازمواد تحصیلی در تمام شعب مشترك است.

درهرشعبه دوسوم از دروس اجباری ویك سوم انتخابی است یعنی شاگرد مختاراست ازموادی که دردبیرستان تدریس میشود مطابق عشق وذوق خود عده‌ای برگزیند. مواد مذکورممکن است ازدروس نظری شعب باشد یا از موادی چون موسیقی ـ نقاشی ـ ماشین نویسی ـ رانندگی ومکانیك اتوموبیل ـ انبارداری برق وموارد استعمال آن‌درزندگی روزانه ـ صنایع دستی ـ حساب وهندسهٔ‌عملی‌ـ طباخی ـ سخنگوئی درراديو...

برای **راهنمائی شاگرد** بانتخاب شعبه وشاید شغل آیندهٔ خویش، دبیری که دراین رشته علماً و عملا تخصص دارد سخنرانیهائی راجع به انواع مشاغلی که در حوزهٔ فرهنگی موجود است ـ شرایط ورود واشتغال بهریك ازآنها ـ ترتیب ترقی

و کامیابی درهریك ـ مخاطرات ومشکلات هرشغل ایرادمیکند و آنهارا بکارگاه‌ها و دکاکین و مغازه ها وایستگاه‌ها وفرودگاه‌ها وکارخانه‌ها ومحاکم وتجارتخانه‌ها وبانکها میبرد و کارکنان را معرفی میکند و محیط و نوع کارآنها را خاطر نشان می نماید سپس بارعایت‌نمراتی که در درس‌ها گرفته‌اند ومشورت با دبیران واولیای دانش آموزان تصمیم مقتضی‌اتخاذ می‌شود .

نسبت‌به برنامه ، رئیس دبیرستان آزادی کامل‌ندارد و محدودیت اوازدوجانب است : یکی کالج ودانشگاه که شرایط ورود محصل را معین میکنند وشعبهٔ مربوطهٔ دبیرستان باید ازآن پیروی کند ـ دیگر ادارهٔ کل فرهنك کشور که مقرراتی برای اعطای اعانه معین کرده تا درصورتیکه دبیرستان نیازمند باشد مقررات مذکور را رعایت کند. این مقررات‌مربوط است‌به‌شرایط واوصاف ساختمان ـ بهداشت‌مدرسه‌ـ آزمایشگاه‌ها ـ کتابخانه ـ برنامه ـ حداقل عدهٔ دبیر .

شرایط اتمام دبیرستان وورود بدانشگاه را ازحیث میزان تحصیل ، بشکل واحد زمان درآورده‌اند . هرواحد عبارتست از درسی که لااقل چهار ساعت درهفته بمدت یکسال تحصیلی داده شود . حداقل معلومات برای فراغ از تحصیل معمولا داشتن ۱۵ واحد است که ده واحدآن اجباری‌وپنج واحد انتخابی است . واحد های اجباری ممکن است مثلا باین ترتیب باشد :

زبان انگلیسی	۳ واحد
علوم طبیعی	۲ واحد
ریاضیات	۲ واحد
علوم اجتماعی	۲ واحد
زبان خارجه	۱ واحد

بسیاری ازدانشگاه‌ها فرهختگان‌دبیرستانهارا بدون امتحان نمی‌پذیرند ولی عده‌ای دیگر که بادبیرستانها تشکیل اتحادیه داده‌اند وبوسیلهٔ استادان خود آنها را

بازرسی مینمایند وازاوضاع آنها رضایت دارند (والا جزو اتحادیه باقی نمی‌مانند) دارندگان گواهی نامه را ازشعبهٔ کالج ودانشگاه بدون امتحان پروانهٔ ورود میدهند. اسامی‌چنین دبیرستان هائی‌ازطرف اتحادیه‌هاطبع وبعنوان «دبیرستانهای‌معتبر»(۱) منتشرمی‌شود .

درشهرهای بزرك وپرجمعیت که سن‌تحصیلات اجباری تاهیجده سالگی است دبیرستانهای بسیاربزرك موجود است که هریك دارای چندهزارشاگردمیباشد ودر حدود دویست ماده درآنها تدریس میشود و دانش‌آموزان همگی مجبور بانتخاب شعبهٔ معینی‌نیستند بلکه هرنوع ترکیبی ازدویست‌مادهٔ‌مذکور که جمعاً به۱۵واحد برسد (وبامشورت اولیای دبیرستان‌انتخاب شود) برای اتمام دورهٔ متوسطه کافی‌است وباین ترتیت **برای هرگونه استعداد وذوق راه‌تحصیل باز** ووسیلهٔ آن تاپایان سن تعلیمات اجباری فراهم است .

امتحانات درهردبیرستان بنحوخاصی انجام میگیرد . دراکثرآنها بتدریج درظرف سال تحصیلی توسط هریك ازدبیران بعمل میآید ووقتی نتیجه رضایتبخش باشد شاگرد مجاز به‌تعقیب بقیهٔ ماده خواهد بود.درمملکت‌نیویرك‌برای‌شاگردانی که‌مایل باشند به‌کالج‌یادانشگاههای دولتی وارد شوند امتحاناتی ازطرف ادارهٔ کل فرهنك که‌مقرآن درشهرآلبانی (۲) است ترتیب داده شده است . هروقت شاگردی خودرا برای دادن امتحان یك‌یا چند ماده حاضردید برئیس دبیرستان‌اعلام‌میدارد واوتوسطرئیس فرهنك حوزه بادارهٔ کل‌فرهنك اطلاع میدهد . اوراق امتحان کتبی را درپاکت لاك ومهرشده میفرستند و در تاریخ مقرر جلسهٔ امتحان در دبیرستان تشکیل میشود وداوطلب درآن شرکت میکنند . آنگاه اوراق برای تصحیح بادارهٔ کل فرهنك ارسال ونتیجه بعداً ابلاغ میگردد .

کتب‌درسی راکتابفروشی‌های‌بزرك‌تهیه میکنند ونمونه بادارات کل‌فرهنك

---

(۱) Accredited High Schools

(۲) Albany البته شهر بزرك نیویرك نیزدرهمین مملکت نیویرك است .

میفرستند . معمولا درادارات مذکور کمیسیونی از معلمین و متخصصین هر رشته تشکیل میشودوهر کدام کتب مربوط برشتهٔ خودرا مطالعه کرده نمره میدهند و معدل آنها را میگیرند وبهترین کتب باین ترتیب انتخاب میشود . صورتی‌از کتب درسی‌مذکور طبع وبرای حوزه‌های فرهنگی ارسال‌میشودودر هرحوزه کمیسیونی ازمعلمین کتب مقتضی‌را ازصورت مذکور اختیارمیکنند .

یکی ازمشخصات دبیرستانهای امریکا توجهی‌است که به **پرورش اخلاقی** دارند وبرای این منظورقسمتی ازوقت مدرسه‌را صرف اعمالی میکنند که‌درشاگرد قوهٔ ابتکار ـ استقلال فکر ـ اعتماد بنفس ـ عشق بقبول مسئولیت وخدمتگزاری ـ همکاری وتشریك مساعی ـ اطاعت ازقانون ایجاد کند . بهترین ومطمئن‌ترین راه ایجاد خصائل مذکوراینست که اوضاع واحوالی فراهم‌آورند که‌آن‌خصلت‌ها ظاهر شود وچون‌پدیدآمد دارندهٔ آنهارا تشویق کنند وپاداش دهند . ازینر ودبیرستان را چون جامعه‌ای فرض میکنند و شاگردان براهنمائی رئیس و چندتن از دبیران در تالاربزرك مدرسه جمع شده برای خود قانون اساسی مینویسند و طبق آن ازمیان خود عده‌ای برای قوهٔ قانون گذاری وقوهٔ دادرسی وقوهٔ مجریه برمیگزینند . درهر یك ازهیئت هائی که بدین ترتیب تشکیل میشود یکی ازدبیران بعنوان مشاور و راهنما شرکت میکنند وباین‌ترتیب **اداره و حکومت دبیرستان در دست خود دانش آموزان قرارمیگیرد.**

علاوه برهیئت‌های فوق برای انجام دادن منظورهای معینی درهر دبیرستان چند انجمن بوجود میآید که هر کس برحسب ذوق‌خودعضویت آنهارا قبول‌میکند مانند انجمن سخنرانی ـ روزنامه نگاری ـ نمایش ـ موسیقی ـ ورزش . . . نتیجهٔ کار این انجمن‌ها بصورت مجله وروزنامه وخطابه ونمایش و کنسرت ومسابقه‌های ورزشی‌در تالاراجتماعات‌دبیرستان باطلاع‌شاگردان و اولیای آنهامیرسدیابمعرض تماشای آنان‌قرارمیگیردو کسانی که ازعهده‌برآیند بوسایل گوناگون‌مورد تشویق واقع میشوند وبآنان جائزه میدهند .

در **روستا** دبیرستانرا دریکی ازدهکده ها که مرکزیت دارد بنا میکنند و شاگردان ازاطراف واکناف بامدادان بااوتوبوسهای حوزهٔ فرهنگی بمدرسه‌میآیند وناهاررا که دوشیزگان‌دانش‌آموز درتهیهٔ‌آن شرکت دارند ببهای ارزان (درحدود ربع قیمت واقعی) صرف میکنند وعصرها باهمان اوتوبوس بخانه بازمیگردند.

از۱۹٤۸ درامریکا جنبشی پدیدآمده است بنام «سازگارکردن تربیت با زندگی»(۱). چون دبیرستان فقط برای پرورش فکرنیست عده‌ای از علمای تربیت معتقدند که شاگرد متوسطه را باید عضوجامعه‌ای که درآن زندگی‌میکندپنداشت ودرآنصورت دیدچه باید بوی آموخت که نسبت بانجام وظایف اجتماعی ومدنی و شغلی خودکامیاب شودودراین باب رساله‌ها وکتابهانوشته وانجمن‌هاتشکیل‌داده‌اند تامنظورهای خودرا عملی‌سازند.

روش علمی دربیشتر ممالك جهان مسائل فرهنگی چون تهیهٔ برنامه‌ـ تشخیص‌حسن وعیب‌کارمعلم یاطریقهٔ‌معینی ازتعلیم‌وتربیتـ میزان هوش ومعلومات ازروی حدس وقیاس بدست میآید. از اوایل قرن بیستم در امریکا روش‌استقراء یعنی‌روش علوم طبیعی‌را درتعلیم وتربیت بکاربرده و نتایج نیکو گرفته‌اند. مراحل این روش بطور اختصار عبارتست از پژوهش ـ مشاهده ـ ثبت مشهودات ـ پیدا شدن فرضیه ـ تحقیق در صحت فرضیه ـ تعمیم ـ اعلام قانون. برای این کاردردانشکده‌های علوم تربیتی‌ودانشسراها وادارات کل فرهنك وانجمن های تربیتی (۲) شعبهٔ مخصوصی برای تحقیق و تتبع علمی راجع بفرهنك تأسیس گردیده که ازشرایط ورود بآن دانستن علم‌آمار و روان شناسی ولااقل یك زبان خارجه است.

---

(۱) Life adjustment Education

(۲) ازجملهٔ این‌انجمنها میتوان بطورمثال «انجمن ملی برای‌مطالعهٔ‌امورفرهنگی» NationalSociety for the Study of Education وجمعیت‌امریکائی تحقیق‌در باب‌تعلیم‌وتربیت The American Educational Researh Association را نام برد که ازفحول علمای تربیت تشکیل شده وصدها جلدکتاب ورساله وسالنامه‌از تحقیقات علمی خود منتشرساخته‌اند.

درنتیجهٔ تحقیقاتی که برای پیدا کردن قواعد فراگرفتن ـ طرق آموختن ـ تهیهٔ مواد تفصیلی برنامه ـ طرزاداره کردن مدرسه یا حوزهٔ فرهنگی یا مملکت ـ طریق اندازه گرفتن هوش‌ودانش ـ مقیاس خدمات معلم ـ چگونگی‌ساختن‌عمارت آموزشگاه ـ تهیهٔ اثاثیه ومانندآن بعمل‌آورده‌اندطرق ووسائلی بدست آمده که کارتعلیم وتربیت راآسان و قضاوت انسان را تا اندازهٔ قابل‌توجهی نزدیك بحقیقت میسازد . یکی ازاین وسایل امتحانات کتبی مخصوصی است بنام آزمون (۱) که برای تشخیص میزان معلومات وتحصیلات بکارمیرود وازروی‌آن میتوان با اطمینان خاطربطبقه بندی شاگردان ـ معاینهٔ نواقص کلاس ـ تشخیص خوبی یا بدی طریقهٔ تدریس ـ تعیین عشق وذوق شاگرد واستعداد او ومانندآن اقدام نمود . حسن بزرك آزمون اینست که آنرا در مورد هزاران شاگر همسال بکاربرده برای هریك از آزمونها ملاك‌ومقیاسی پیدا کرده‌اند وقبلاً میدانند هر کس بفلان عده پرسش‌پاسخ بنویسد نمره‌اش ازچه قراراست بنابراین نتیجه بطور صحیح و بدون تأثیر اوضاع و احوال‌وشخصیت ممتحن بدست میآید .

تربیت معلم

علاوه بردانشکده‌های‌علوم تربیتی که دردانشگاهها موجود است چند صد باب دانش‌سرا درامریکا تأسیس گردیده که همگی شبانه روزی‌وغیر مجانی است. کسی که‌دبیرستان‌را باتمام رسانده وبه معلمی دلبستگی دارد میتواند وارد دانشسرا شود وخودرا علماًوعملا برای تربیت نونهالان و کودکان ومعلمی‌دبستان‌یادبیرستان آماده کند.برای‌تدریس‌در دبستان تصدیقنامهٔ مخصوص‌دانشسرا که‌حاکی‌ازلااقل‌دو سال‌تحصیل‌است کافی میباشد ولی برای‌تدریس در دبیرستان باید لااقل درجهٔ B. A. ازدانشسرا داشت ـ دربعضی از کشورها حتی درجهٔ مذکورهم کافی نیست وباید لااقل درجهٔ M. A. داشت .

کسی که‌تصدیقنامه یادانشنامه‌بدست‌آورد بادارهٔ کل‌فرهنك (درکشوری که تصدیقنامه یادانشنامه‌را اخذ کرده) مراجعه و**پروانهٔ معلمی** که‌مدت‌آن عموماً دو

---

(۱) Test

سه سالست میگیرد . دراینصورت **رئیس یکی از آموزشگاههای آن کشور حق دارد** اورا برای استخدام برئیس حوزهٔ فرهنگی خود پیشنهاد کند . پس ازیك یا دوسال تدریس چنانچه ازخدمت واخلاق اوراضی باشند درمقام خود تثبیت میشود وازمزایای قانون استخدام استفاده میکند .

وقتی مدت پروانه منقضی شد باید آنرا تجدید کرد والا نمیتوان بمعلمی ادامه داد . **شرط تجدیدشدن پروانه اینست که صاحب آن معلومات تازه کسب کرده** درمدت تعطیل تابستان یا روزهای شنبه که مدارس ابتدائی ومتوسطه تعطیل است در دانشسرا یادردانشگاهی تحصیل کرده باترقیات آشنا گردد و با **زمان جلو برود.**

دورهٔ تحصیل دردانشسرا دربعضی از کشورها دو یا سه سال و در بقیه چهار یا پنج سال است .

حقوقی که بمعلم داده میشود بسته بمقدار معلوماتی است که در دانشسرا یا دانشگاه کسب کرده باشد نه بکلاس دبستان یا دبیرستان . ازینرو هر معلمی سعی میکند دائماً برمعلومات خویش بیفزاید ونیز مطابق ذوق خود در کلاسی که مایل است بتعلیم وتربیت مشغول شود نه اینکه برای اخذ حقوق بیشتر مثلا ازدبستان بدبیرستان رود .

دربعضی ازدانشگاهها دانشسرایعالی وجوددارد و کسانی رامی پذیرد که دارای دانشنامه باشند ودروس تخصصی مانند مدیری مدرسه ـ بازرسی ـ ریاست فرهنگ ـ ریاست آموزش ابتدائی ـ ... ودرجهٔ M.A. ودکتری میدهد .

در ۱۹۵٤ درتمام دانش‌سرا های امریکا ۲۰۸ هزار دانشجو بتحصیل اشتغال داشتند و ٦٤ هزارنفرنیز درشعب علوم تربیتی دانشگاهها خویشتن را برای معلمی آماده میکردند .

تعلیمات فنی

صنایع ماشینی امریکا از ۱۸٦۰ رو بتوسعه گذاشت واز آغاز قرن بیستم پیشرفتهای بسیار سریع نمود . مقارن باتوسعهٔ مذکورصدها آموزشگاه بازرگانی توسط اشخاص درشهرها تأسیس گردید. ابراهام لینکلن رئیس جمهورنامی امریکا دربحبوحهٔ جنك داخلی (میان کشورهای شمالی

وجنوبی) برای اینکه عامهٔ مردم و بخصوص روستائیان از تحصیلات عالیه بهره‌مند شوند وعلماً وعملا برای خود وجامعه مفیدتر باشند اقدام بایجاد کالج‌های کشاورزی وصنعتی درتمام ممالك نمود : در ۱۸۶۲ قانونی بنام قانون مریل [۲] وضع شد که برطبق آن بهر کشوری که مایل بتأسیس **کالج کشاورزی وصنعتی وخانه‌داری** باشد زمین لازم[۳] برایگان باختیار آن کشور گذاشته خواهد شد . بعداً بموجب قوانین دیگردولت مرکزی قسمتی ازبودجهٔ کالج را نیز پرداخت . باین ترتیب درتمام

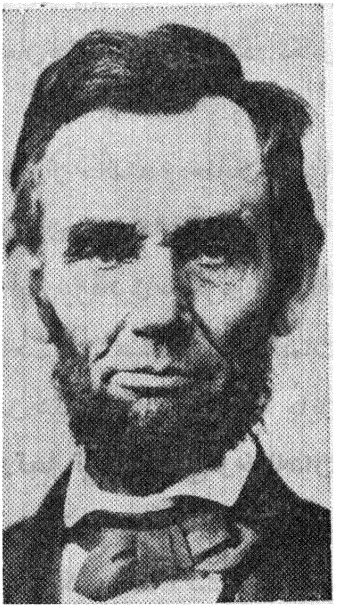

آبراهام لینکلن
(۱۸۰۹-۱۸۶۵)

کشورها درظرف چندسال ازاین مدارس برپا شد وخدمت بزرگی به‌بسط فلاحت و

---

(۱) Abraham Lincoln

(۲) Morrill Act

(۳) بهمین دلیل مدارس مذکورموسوم شده است به Land-Grant College یعنی کالج دارندهٔ زمین اعطائی. بتناسب عدهٔ نمایندگان هر کشور درمجلس مبعوثان واشنگتن، درحدود ۱۲۰ کیلومترمربع برای هر نماینده بکشورمربوط زمین داده شد.

مکانیك وخانه‌داری درمیان مردم کرد .

اکنون کالج‌های مذکورسه وظیفهٔ مهم برعهده دارند :(۱) تعلیم کشاورزی و دامپزشکی‌ومکانیك وخانه‌داری . دراکثر کشورها بکمك مالی دولت‌های جزومواد دیگری ازادبیات وعلوم طبیعی وریاضی وعلوم تربیتی ومهندسی ونظیر آن در کالج ها تدریس میشود که آنهارا بشکل دانشگاه مستقلی درآورده‌است .

(۲) پژوهش درامورفلاحت ودامپزشکی چون تشخیص آفات نباتی وحیوانی محل و پیدا کردن راه دفع آنها و کشت درختهای نو ونباتات جدید متناسب با هر اقلیم ـ کشف انواع گیاهان غذائی که بتوانند در مقابل آفات معینی مقاومت کنند . . .

(۳) تربیت عملی کشاورزان سالمند ودهقانان درمزارع خودشان و بالابردن سطح معلومات بزرگران وبانوان وفرزندان آنها .

دروسط جنك جهانی اول نیزقانون دیگری بنام قانون اسمیث هیوز (۱) در ۱۹۱۷ بتصویب‌رسید که بموجب آن «هیئت‌مدیرهٔ تعلیمات‌حرفه‌ای» درواشنگتن از طرف دولت مرکزی تشکیل شد تا هر کشوری که مایل باشد کلاسهای شبانه و **دبیرستانهای کشاورزی وتجارتی وصنعتی وخانه‌داری** تأسیس نماید ، هیئت مذکوراعانه دهد ودرتهیهٔ معلم متخصص کمك مالی کند .

بموجب سالنامهٔ‌رسمی‌امریکا در۱۹۵٤ بیش‌ازسه میلیون شاگرددر کلاسهای شبانه‌ودبیرستانهای مذکوربفراگرفتن‌فلاحت وصناعت وتجارت و خانه‌داری اشتغال داشته‌اند ودرحدود ۱٦درصد مخارج ازطرف دولت مرکزی (فدرال) وبقیه‌ازطرف حکومتهای جزو پرداخته شده است .

درجنگ دوم جهانی برای‌تربیت سربازانی که باماشینهای جنگی آشناباشند دولت‌مرکزی مدارس و کلاسهای بسیارتأسیس‌نمودوقریب یازده‌ملیون‌نفررادرآنها تربیت کرد .

---

(۱) Smith - Hughes

اکنون علاوه **بر شعب فنی دبیرستانها** که درصفحات قبل بـدان اشاره شد ودانشکده های فنی که جزو دانشگاه‌هاست عده‌ای مدارس عالی فنی مستقل‌وجود دارد مانند « آموزشگاه عالی فنی ماساچوستس »[۱] و کالیفرنی که چون دانشگاه بزرگی وسایل تحقیق وتتبع‌وپیشرفت فنون مهندسی را داراست .

دانشگاه‌ها بطور کلی دونوع دانشگاه درامریکا وجود دارد : نوع اول دانشگاههای خصوصی است که موقوفات بسیار دارند و از دانشجویان نیز شهریهٔ زیاد میگیرند و شرط ورود بآنها سخت است . مشهورترین آنها عبارتست از کلمبیا [۲] ـ هاروارد [۳] ـ ییل [٤] ـ پرینستن [٥] ـ کرنل [٦] ـ جانزها پکینز [۷] ـ لیلنداستنفرد [۸] . چهاردانشگاه اول درقرن هفدهم و هیجدهم میلادی بصورت کالج تأسیس ودرقرن نوزدهم‌وبیستم بتدریج بدانشگاه تبدیل‌شدند . سه دانشگاه دیگربترتیب در۱۸٦٥ و۱۸٦۷ و۱۸۹۱ ایجاد شده‌اند .

فرقهٔ کاتولیك‌وپرتستان‌نیزهریك‌چندصد کالج وچند دانشگاه‌تأسیس‌نموده‌اند وبآنها کمك مالی میدهند .

دردانشگاههای خصوصی‌معمولامؤسسین اولیه امنائی معین کرده که‌دانشگاه درتحت نظر آنهاست . هرگاه یکی از آنها استعفا یافوت کند سایرین جانشین او را از میان رجال مهم ونامی برای تمام عمرانتخاب میکنند .

نوع دوم دانشگاههای‌دولتی است ودرتمام کشورها وجود دارد ومخارج آنها

---

(۱) Massachusetts (California) Institute of Technology

(۲) Columbia واقع‌درشهرنیویرك

(۳) Harvard

(٤) Yale

(٥) Princeton

(٦) Cornell

(۷) Johns Hopkins

(۸) Leland Stanford

را دولتهای جزومیپردازند . ازلحاظ مالی ناظردولتی هر گونه اطلاعی درباب جمع وخرج بخواهد بدو میدهند ولی در امور دانشگاه مداخله ندارد . شهریهٔ کالجها و دانشگاههای دولتی کم وناچیز است .

تعیین هیئت‌امنای دانشگاههای‌دولتی درهر کشور بنحوخاصی است .دربعضی از آنها مردم‌عده‌ای‌را چند سال یکبار انتخاب میکنند ـ دربعضی دیگر امنااز‌طرف فرماندار کل کشور (که ازطرف قاطبهٔ مردم انتخاب میشود) هرچندسال یکباریك یا چندنفر که واجد شرایط قانونی باشند برای مدت مشخصی‌معین‌میشوند‌ـدربرخی از کشورها شاغلین پاره‌ای مقامات چون فرماندار کل ورئیس مجلس مبعوثان عضو هیئت امنا هستند وچندنفرنیز‌چندسال یکبارازطرف فرماندار کل به‌مجلس سنای کشورپیشنهادوبرای مدت معینی انتخاب میگردند . درهر دونوع دانشگاه هیئت امنا رئیس دانشگاه را انتخاب میکنند و بودجه و مقررات استخدامی را تصویب می‌نمایند . انتخاب مذکورممکن است ازمیان استادان یاازخارج باشد .

برای تعیین رئیس دانشکده برحسب دستوررئیس‌دانشگاه کمیسیونی‌چندنفر را درنظر گرفته پیشنهاد میکند ورئیس دانشگاه یکی از آنها یا دیگری‌رابهیئت امنا معرفی میکند ورأی هیئت قاطع است .

شورای دانشگاه تشکیل میشود ازاستادان درجهٔ اول ورؤسای دانشکده‌ها. تصویب برنامه ها و آئین نامه ها و تعیین شرایط ورود بدانشگاه و اعطای درجات علمی ومانندآن ازوظایف شوری است .

عدهٔ دانشکده ونوع آن درهردانشگاه بسته‌به‌نیازمندیها ومیزان بودجه است. دردانشگاه‌کلمبیا علاوه بردانشکده های ادبیات ـ علوم طبیعی و ریاضی ـ حقوق ـ پزشکی‌ـ فنی‌ـ یزدان شناخت دانشکده‌های ذیل نیزتأسیس گردیده است:بازرگانی معماری ـ کتابداری ـ روزنامه نگاری ـ جراحی دهان و دندان ـ داروسازی ـ علوم سیاسی .

در دانشگاههای دولتی چون بودجه از محل مالیات تأمین میشود بـر طبق

درخواست مردم ممکن است بعضی از مواد که بیشتر جنبهٔ عملی دارد نیز تدریس گردد. بهمین جهت ودلایل دیگر درجاتی که دردانشگاه ها داده میشود و اغلب بیکدیگر شباهت دارد متساوی نیست وارزش آنها متفاوت است (۱).

ازجملهٔ دانشکده‌هائی که دردانشگاههای امریکا تأسیس شده دانشکدهٔ علوم تربیتی است که اغلب بنام دانشسرایعالی (۲) خوانده میشود. درنتیجهٔ تحقیقات وتتبعات و زحمات عدهٔ زیادی ازدانشمندان واستادان ازنیمهٔ قرن نوزدهم موضوع تعلیم وتربیت توسعه حاصل کرد وبتدریج درقرن گذشته وحاضر هزاران جلد کتاب دراین خصوص تألیف شدومسائل مربوط بآموزش وپرورش ازلحاظ علمی و فلسفی مورد بحث و تجزیه وتحلیل قرار گرفت تا آنجا که دارای قدر ومنزلت عالی شد و حق ورود بدانشگاه پیدا کرد وبحدی بسط یافت که به شعب مختلف تقسیم گردیدوازمجموع آن دانشکدهٔ علوم تربیتی بوجود آمد. ازدانشمندان برجسته‌ای که دراین راه مقدم وپیشاهنك بوده‌اند باید نام چندتن را دراینجا ذکر کرد چون ویلیام جیمس در روان شناسی علمی ـ جان دیوئی درفلسفه وروش تعلیم وتربیت وشاگردارشد او ویلیام کیل پتریك (۳) ـ فرنسیس پارکر (٤) در برنامه ـ پل منرو (٥) در تاریخ

---

(۱) کالجها ودانشسراها ومدارس عالی فنی ودانشگاهها هر کدام با نوع خود اتحادیه‌ای Association تشکیل داده‌اند. هر گاه یکی ازمؤسسات عالی ازلحاظ شهرت استادان ـ شرایط قبول کردن دانشجو ـ برنامه ـ عده و نوع آزمایشگاه ها ـ کتابخانه و نظیر آن دارای اوصاف معینی باشد ممکن است دراتحادیه پذیرفته شود ودراینصورت تحصیلاتی که دانشجودریکی ازمؤسسات اتحادیه کرده یادرجه‌ای که اخذ نموده ممکن است تماماً یا به نسبت معینی درسایر مؤسسات آن اتحادیه قبول شود.

هر اتحادیه صورت مؤسساتی که عضو آنست باقیدابنکه تاچه حد تحصیلات در آن معتبر شناخته میشود چاپ ومنتشر میکندومجموع تمام صورتها را ادارهٔ فرهنك دولت مرکزی دریکجا بنام فهرست مؤسسات عالیهٔ معتبر Accredited Higher Institutions طبع وتوزیع مینمایدوباین ترتیب هم مدارس عالیه معرفی میشودوهم آنها درتکمیل خود کوشش میکنند تاخودرا بپایهٔ عضویت دراتحادیه‌ها برسانند.

(۲) Teachers College　　(۳) William Kilpatrick

(٤) Francis Parker　　(٥) Paul Monroe

وفرهنگنامهٔ آموزش وپرورش ـ کندل[۱] درتعلیم وتربیت تطبیقی ـ ثرندایك[۲] در روان شناسی علمی واطلاق آن برامور فرهنگی ـ بینه[۳] فرانسوی وترمن[٤]

ساختمان اصلی دانش‌سرای عالی
دانشگاه کلمبیا ـ نیویورك
که‌از پارك مجاورعکس برداری شده‌است

و ویلیام مك کال[٥] دراندازه گیری هوش ودانش ـ هارولدرگ[٦] در علم آمار و روشهای آماری ـ کونتس[۷] درمبانی اجتماعی واقتصادی تربیت ـ الکساندر[۸]

---

(۱) Isaac Kandel
(۲) Edward L. Thorndike
(۳) Alfred Binet
(٤) Terman
(٥) William Mc Call
(٦) Harold Rugg
(۷) George Counts
(۸) Alexander

وانگلهارت[۱] درمبانی واصول اداری فرهنك . . . از بین دانشکده‌های علوم‌تربیتی دانشسرای عالی دانشگاه کلمبیا واقع در شهر نیویـرك از حیث استاد و دانشجو و

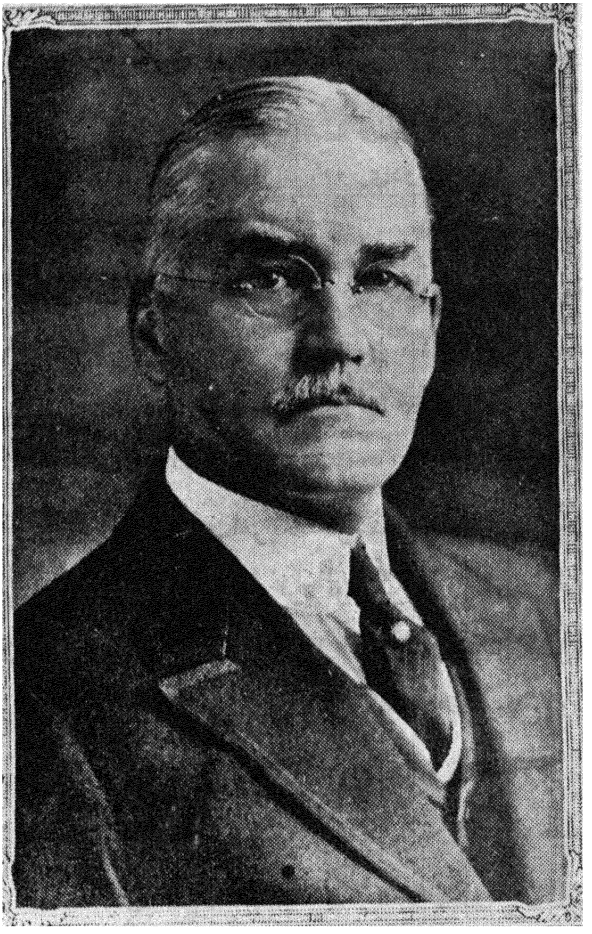

پل منرو
(۱۸۶۹-۱۹٤۷)

آزمایشگاه و کتابخانه و برنامه و ساختمان ومؤسسات تحقیق وتتبع و انتشارات‌و مطبوعات و وسعت سر آمد دانش‌سراهای عالی امریکا میباشد که بیست و پنج سال

---

(۱) Engelhardt

تحت ریاست ویلیام رسل[۱] مدارج ترقی را پیموده خدمات بزرك بجهان معرفت و آموزش وپرورش نموده است .

درامریکا بطور کلی مدارس عالی شبانه روزی است وتوجه مخصوص به‌پرورش اجتماعی واخلاقی میشود. معمولا کسانی که دورهٔ کالج را بپایان میرسانند دیگردر شبانه روزی اقامت ندارند .

دانشجویانی که‌استطاعت‌مالی‌ندارند باروزی‌دوسه ساعت کاردر کالج یادانشگاه مخارج خودرا تأمین مکنند .

چنانکه سابقاً مذکور افتاد در ۱۹۵٤ در مدارس عالی امریکا ۲,۵۱٤,۰۰۰ دانشجو یعنی ۲٦ درصد جوانانی کـه سنشان بین ۱۸ و ۲۱ بوده بتحصیل اشتغـال داشته‌اند وعدهٔ معلمین آنها ۲٦۵ هزارنفر وازآنها ۲۳ درصدزن بوده‌اند .

☆☆☆

ازمجموع آنچه‌راجع بمعارف‌امریکا ذکرشدمیتوان گفت‌درآن‌مملکت‌تساوی فرصت بحد اعلی موجود است یعنی هرفرد توانگریادرویش ـ کارفرمایاکارگر ـ معتقد بهر کیش و آئین ـ مرد یـا زن تا انـدازه‌ای کـه فطرة استعداد دارد میتواند دانش و ادب آموزد و ببالاترین پایگاه که در خور هوش وشایستگی اوست نایل آید

(۱) William F. Russell متوفی در ۱۹۵٦

فصل شانزدهم

سازمان فرهنك روسیه

گرچه جماهیر شوروی روسیه جزو ممالکی نیست که مشمول عنوان کتاب باشد ومورد بحث واقع گردد ولی چون شرقی ترین کشور های اروپا و غربی ترین ممالك آسیاست ودر حدود یکصدوپنجاه سال باایران همسایه ودر اوضاع اقتصادی واجتماعی‌وسیاسی ایران مؤثربوده‌استمختصری‌ازسازمان فرهنك آن‌بیان خواهدشد وبرای تمهید مقدمه باید ازتاریخ جماهیر مذکور دراینجا نکاتی راباد آورشد.

مساحت اتحاد جماهیر شوروی قریب مضاعف اروپای غربی است ومتجاوزاز ۲۰۷ ملیون نفردر آن سکونت دارند که‌تقریباً بدویست‌زبان مختلف‌سخن‌میگویند. ازعدهٔ مذکور۵۲ درصد روسی وبقیه ازنژاد واقوام مختلف چون گرجی واز بـك و تاجیك وترکمن وقفقازی وارمنی ومغول وغیره میباشند.

تاریخ روسیهٔ مرکزی ازقرن نهم‌میلادی آغازمیشود. دراسنادی که‌ازدوران گذشته دردست دولت شوروی است اسم مسکونخستین بار در۱۱۴۷ ذکرشده است ازقرن سیزدهـم مدت سیصد سـال روسیه ازجنوب آن تامسکو و دریـای سفید و ارکانجل[۱] بدست تاتارها بود [۲] که ازقازان و حاج طرخان بر آن حکومت می کردند واستبداد مطلق باخشونت وقساوت درآن برقرار بود وچنین حکومتی طبعاً

(۱) Arkhangel

(۲) در۱۳۹۶ میلادی (مطابق با ۷۹۸ هجری) تیمورلنگ مسکورا تصرف کرد

دراخلاق وروحیهٔ ملت روس تأثیرفراوان داشت . در۱۵٤۷ ایوان مخوف[۱] حکمران قسمتی ازروسیهٔ مرکزی عنوان تزار را برای خود اختیار کرد وامپراطوری روس‌از آن تاریخ‌بوجود آمد .در۱٦۱۳ سلطنت بخانوادهٔ رومانف[۲] رسید . درقرن‌هیجدهم پطر کبیر (۱۷۲۵-۱٦۷۲) اصلاحات اساسی برای وارد کردن تمدن و فرهنك غرب بعمل آورد ولی رژیم استبداد و ظلم وجور بنحو کامل کما کان حکمفرما بود تا در ۱۸٦۱ در اثر نارضایتی روستائیان که همگی بنده و برده بودند واکثریت ملت را تشکیل می‌دادند انقلابی رخ داد ودرنتیجه بناشد قطعه زمینی که هر کس میکاشت باو واگذارشود تاازفروش محصول ، بهای آنرا بتدریج بپردازد . در ۱۹۰۵ درنتیجهٔ شکست دولت روس از ژاپن انقلاب دیگری بوقوع پیوست که بدست کمیته های اعتصاب کارخانه‌ها آغاز گشت . این کمیته‌ها راساویت[۳] یعنی شوری مینامیدندونام کنونی اتحاد جماهیر شوروی چنانکه بعد خواهید دید از آنجا بوجود آمده‌است. نتیجهٔ انقلاب مذکور این بود که مجلسی از نمایندگان مردم بنام دوما[٤] تأسیس‌شد وقرض‌روستائیان بابت زمین ملغی گردید . صاحبان این اراضی درحدود یکصد ملیون نفربودند (در مقابل دویست هزار مالك عمده) وبازمین کمی که بهر خانوار رسید نمی‌توانستند معاش خود را تأمین کنند . بنابر این زمینه برای انقلاب دیگری آماده بود که بافراهم شدن مقتضیات بظهورپیوست :

دروسط جنك‌جهانی اول درنتیجهٔ گرسنگی،درمارس ۱۹۱۷ کارگران‌مهمات سازی اعتصاب کردند که منجر بطغیان سپاه گردید . حزب انقلابیون اجتماعی[۵] امور را دردست داشت ودراینموقع روستائیان برضد مالکین عمده قیام کردند و تمام اراضی را متصرف شدند .

از مارس تا اکتبر ۱۹۱۷ لنین پیشوای حزب کمونیست (موسوم به سوسیال

---

(۱) Ivan «Grozniy» ازاین جهت اورا مخوف (یامهیب) میگفتند که پسر و چندزن‌خودراشخصاً کشته‌بود و براتباع‌خویش‌با نهایت‌شدت‌وشقاوت فرمانروائی‌می کرد .

(۲) Romanof (۳) Soviet

(٤) Douma (۵) Social Révolutionnaire

دمکرات) وسایل اسقاط حکومت انقلابیون اجتماعی رافراهم آورد ودراکتبر۱۹۱۷ براوضاع تسلط یافت‌وحکومت را دردست گرفت‌وباکمال‌سختی وقساوت طبقات‌ممتازه وتربیت سدگان ادوارسابق‌ومظنونین ومخالفین را محو کرد ورژیم اشتراکی‌راشروع باجرا نمود واز وجـود شوری (ساویت) هااستفاده کـرد وآنها را وسیلهٔ فرمانروائـی قرار داد.

حزب کمونیست برنمایندگان شوری‌ها مسلط است وهرقدر شوری مهمتریعنی متعلق به عدهٔ زیاد ترومنطقهٔ وسیعترباشد نفوذ حزب کمونیست درآن زیاد تراست. حزب کمونیست کهعدهٔ اعضای آن نسبت بجمعیت‌روسیه خیلی قلیل است(۱) باقدرت بی‌حد حکومت میکند و «دیکتاتوری کارگران» را بوجود آورده است و چنانچه مخالفی ابرازوجود کند بیدرنگش‌نابودمیسازد. آزادی نطق‌ومطبوعات واجتماعات تنها برای حزب کمونیست است وبرای دیگران وجود ندارد وکسی هم در بند آن نیست زیرا آزادیهای مذکور مطابق مفاهیمی کـه در ممالك غیرکمونیست دارد هیچگاه درسرزمین روسیه موجود نبوده است.

لنین در۱۹۲٤ درگذشت واستالین جای اوراگرفت وبا نهایت سختی وشقاوت رقیبان‌خودرا ازمیان برد واجرای برنامهٔ حزبی را با قـدرت مطلق وحدت وشدت دنبال کرد ودر۱۹۵۳ فوت‌نمود. پس ازاو زمام اموردردست مالنکف(۲) قرارگرفت واکنون بعهدهٔ مارشال‌بولگانین(۳) است وبنظرمیرسد که درتمرکز قدرت‌واختیار تحولاتی‌درحین تکوین است.

انقلاب ۱۹۱۷ ازلحاظ سیاسی بـه نتیجه رسیده وحکومت حزب کمونیست جای هیئت حاکمهٔ سابق راگرفته وبر اوضاع مسلط است. ازلحاظ اجتماعی طبقات ممتازه ازبین رفته ولااقل بصورت ظاهر یك طبقه در روسیه موجود است. از لحاظ اقتصادی باید دید آیا بشرحاضر خواهد شد بدون انگیزهٔ شخصی تولید ثروت کند

(۱) عدهٔ‌اعضای حزب کمونیست درمارس۱۹۱۷ بیست وسه هزار- در نوامبر۱۹۱۷ دویست هزار - در ۱۹٤۷ شش میلیون نفر بوده است.

(۲) Malenkoff (۳) Bulganin

یابطور اشتراکی بنحو نیکو کار کند ونتیجه بگیرد یاخیر. کسانی که درمقام سنجش برآمده‌اند مینویسند که سه نفردر ممالك غربی کارهشت نفررا در جماهیر شوروی انجام میدهند.

اکنون در روسیه شانزده جمهوری موجود است که سد جمهوری آن روسی است وبقیه ازنژاد واقوام وملل دیگرند. عده‌ای از آنها ازقدیم جزو روسیه بوده و عده‌ای دیگرچون آذربایجان قفقاز وارمنستان (که این دوباما درشمال غرب مرز مشترك دارند) وگرجستان وازبکستان وتاجیکستان وترکمنستان (که ازبحرخزر تاسرخس باما همسایه است) درقرن نوزدهم ازطرف دولت روس تسخیروتصرف شده است. بالاخره عده ای را دولت شوروی پس از جنگ جهانی دوم درردیف جماهیر شوروی درآورده است.درزمان تزارها زبان وفرهنك روسی برالسنه وفرهنك اقوام تابعه تفوق وتقدم‌داشت. اکنون نیزچنین است. ملت‌های تابع میتوانندبهنروفرهنك محلی خود ببالند ولی مجازنیستند حس ملیت خودرا پرورش دهند بلکه بایدخود را درقلمرو روسیه محسوب بدارند وازفرهنك عالی شوروی بهره مند شوند.

دستگاه تعلیم وتربیت درروسیه از ۱۷۸۳ بدست کاترین دوم برپا شد که‌عمومی ومجانی وغیر مذهبی بود وحتی برزگران که بنده بودندحق داشتند ازآن استفاده کنند. در ۱۸۰۲ آلکساندراول مدارس را اصلاح کرد وسه مرحلهٔ متوالی برای آن قائل شد: ابتدائی ـ دورهٔ اول‌متوسطه ـ دورهٔ دوم متوسطه. این مدارس‌نیزمجانی وعمومی بود وپس ازاتمام مرحلهٔ اخیرممکن بود وارد دانشگاه گردید. در ۱۸۲۹ نیکلای اول ورود بدبیرستان را بردهقانان وطبقات غیرمتمکن ممنوع ساخت واین ترتیب تاانقلاب ۱۹۱۷ ادامه داشت.

نظریهٔ پیشوایان کمونیسم

گرچه مارکس[۱] وانگلز[۲] مؤسس مسلك کمونیسم‌جدید ومادیت استدلالی[۳] ولنین دربارهٔ تعلیم و تربیت تألیفاتی ندارندلیکن درضمن کتب‌خودواعلامیه‌های‌حزبی‌وقطعنامه‌ها

(۱) Karl Marx (۱۸۱۸-۱۸۸۳) (۲) Friedrich Engels (۱۸۲۰-۱۸۹۵)
(۳) Matéralisme dialectique

ونطقها نظریاتی ابرازداشته‌اند که گروزدو[۱] آنها راجمع آوری ودرمسکومنتشر کرده است . پیشوایان مذکورمانند رابرت‌اون[۲] انگلیسی که پیشاهنك آنان بود معتقدند کـه **تربیت انسان وتکوین اخلاق وسیرت او بسته بشرایط واوضاع مادی زندگانی است واگر بخواهند اخلاق انسان راتغییر دهند باید محیط اجتماعی اورا تغییر دهند** . بعقیدهٔ آنان درحکومت دیکتاتوری کارگران مدرسه ازمهمترین عوامل تبدل ودگرگون شدن جامعه است .

مارکس وانگلز معتقدند که باید تعلیمات عمومی مجانی رابرای همهٔ اطفال فراهم کرد ـ کار کردن اطفال کوچك را در کارخانه‌ها ممنوع ساخت ـ تعلیم وتربیت رابا **کاری که‌تولید ثروت کند** ترکیب وتوأم نمود . مقدار این کار برای اطفال نه تادوازده ساله دوساعت ـ۱۳ تا ۱۵ ساله چهار ساعت ـ۱۶ تا ۱۷ ساله شش ساعت در روز باشد .

مارکس آموزش رابه‌سه‌بخش‌عمده تقسیم کرده است:تربیت فکری ـ تربیت بدنی ـ تعلیم فنون . مراد اواز تعلیم فنون اینست که مبانی علمی وعمومی وسائل و طرق تولید ثروت راباطفال‌بیاموزند وآنها را دراستعمال افزار وآلات اولیهٔ کارآشنا وماهرسازند .

مشخصات عمده

ازمجموع نظریاتی که پیشوایان شوروی وزعمای آموزش و پرورش ابراز داشته واقداماتی که برای تأسیس فرهنك خود نموده‌اند میتوان گفت که مشخصات عمدهٔ تعلیم و تـربیت در جماهیر شوروی بقرار ذیل است :

۱ـ تعلیم وتربیت باید منحصراً دردست دولت باشد وهیچ فرد یاجمعیتی‌حق تأسیس وداشتن مدرسه ندارد. اداره کردن‌فرهنك ـ بودجه ـ تعیین‌جزئیات‌برنامه‌ـ روش تربیت‌ـ نحوهٔ امتحان ـ زندگانی‌داخلی مدرسه باید مطابق نظردولت ودستور دولت‌باشد. هیچگونه‌بردباری‌واغماض‌وتساهل نسبت‌بعقایدغیر کمونیست‌جایز نیست.

---

(۱) B. Grouzdev (۲) Robert Owen (۱۷۷۱ـ۱۸۵۸)

۲ـ هدف تربیت باید القاء عقیده و تلقین فلسفهٔ مارکس و کمونیسم و مادیت استدلالی دراطفال باشد [۱] ونسل نوینی بوجود آورد که برای کمونیسم صمیمانه مبارزه کند. وسایل تعلیم و تربیت باید برای همگی فراهم شود و منحصر بمدرسه نباشد بلکه همه وقت وهمه‌جا تربیت صورت گیرد وشامل تمام شئون زندگی‌شود.

۳ـ مذهب نباید بهیچ اسم ورسم آموخته شود. بنظربیبل [۲] شاگردمارکس انکار خدا مراد و هدف کمونیسم ومادیت استدلالی است [۳]

٤ـ درمدارس‌باید توجه بسیاربه‌آموختن علوم‌طبیعی وریاضی ومورداستعمال آنها درکارخانه ومزرعه وکارزار نمود.

۵ـ تعلیم و تربیت باید همواره باکار مولد ثروت توأم باشد و تودهٔ مردم باید برای توسعهٔ صنایع جماهیر شوروی بارآیند.

٦ـ درهر جمهوری زبان محلی حفظ شود و در عین حال زبان روسی تعلیم گردد

سازمان اداری

قبل ازانقلاب ۱۹۱۷ حکومت تزارها بر اصل مرکزیت قرار داشت واختیارات شهرداریها وفرمانداریها بسیار محدودبود. وزارت فرهنك‌ازسن‌پطرسبورك یاپطروگراد [٤] که امروزلنین گراد خوانندمدارس متوسطه وعالیهٔاین مملکت پهناوررااداره میکرد ونسبت‌بدبستانها اختیاراتی‌باولیای محلی داده بود. درمناطق غیرروسی که هر یك زبان و فرهنك مخصوصی داشت در تمام مدارس وسیلهٔ تعلیم زبان روسی بود و فقط عدهٔ معدودی که بزبان روسی آشنا بودند میتوانستند بمدرسه‌روند.

---

(۱) از کتاب «تربیت جدید درشوروی» تألیف پین‌کویچ Pinkevich که در کتاب تعلیم وتربیت تطبیقی دکترهنس صفحهٔ ۲۰۹ نقل شده است.

(۲) Bebel

(۳) نقل از کتاب «مسیحیت وسوسیالیسم» که در کتاب دکترهنس صفحهٔ ۲۰۳ ذکر گردیده است.

(٤) Petrograd-St. Petersbourg.

پس ازانقلاب ، درهریك‌ازجمهوری‌ها یامناطق خود مختار امورفرهنك‌ابتدا بخود آنها واگذارشد و باین ترتیب در هـر کدام تعلیم اولیه بـربان محلی صورت میگرفت . در۱۹۳۳اداره‌ای برای نظارت درمدارس‌عالی‌فنی درمسکوتأسیس گردید که دراواخرجنك دوم جهانی مبدل به‌وزارت‌تعلیمات عالیه شد ودر۱۹۵۳اختیاراتش وسیع تروعنوانش‌وزارت فرهنك گشت .

این وزارتخانه دانشگاه‌ها و مدارس عالی فنی و کشاورزی را درتمام جماهیر شوروی‌اداره و نظارت‌میکند . هنرستانهاودانش سراها که‌دررديف دورهٔ دوم متوسطه است مخارجشان ازطرف هرجمهوری پرداخته میشود ولی تعیین سازمان و برنامه و روش تعلیم و کتب درسی آنها با وزارت فرهنك مرکزی است .

آموزشگاههای فنی وحـرفه‌ای که درر دیـف دورهٔ اول متوسطه است وزارت «کارگران ذخیره» ازمسکو اداره میکند . باین ترتیب فقط کودکستانها و دبستانها ودبیرستانهای عمومی دراختیار وزارت تعلیمات عمومی هرجمهوری است وتعلیمات‌فنی وعالی بادو وزارتخانهٔ دولت مرکزی مسکواست .

هرجمهوری نیزتقسیم به‌بخشهائی شده و هریك ازآنها درتحت نظـارت وزارت تعلیمات عمومی‌آن جمهوری‌موظف‌بتأسیس واداره کردن کودکستانها ومدارس‌ابتدائی ومتوسطه است . آموزش سالمندان مستقیماً ازطرف وزارتخانهٔ مذکوردر هرجمهوری اداره می‌شود .

وزارت تعلیمات عمومی‌درهرجمهوری شامل شش ادارهٔ ذیل‌است : کودکستانها ـ ابتدائی‌ومتوسطه ـ مدارس کارگران جوان ـ تربیت معلم ـ امور تربیتی خارج از مدرسه ـ ساختمان و اثاثیه . مخارج هنرستانها ودانش سراهای مقدماتی و عالی را همین‌وزارتخانه می‌پردازد ولی چنانکه‌قبلا اشاره‌شدوزارت فرهنك مسکواساسنامه وبرنامـه و کتب‌آنها رامعین وبرآنها نظـارت میکند . همینطور بودجهٔ مـدارس حرفه‌ای‌راوزارت تعلیمات‌عمومی‌بایدتأمین کندولی‌ادارهٔ‌آن بدست وزارت کارگران ذخیرهٔ مسکو است .

وزارت تعلیمات عمومی بازرسان و رؤسای مدارس را نصب ـ کتب درسی را تهیه ـ برنامهٔ تفصیلی وبودجهٔ کلیهٔ مدارس ابتدائی و متوسطه رامعین می کند.

درهربخش یاشهرنیزهیئتی ـ مسئول امورفرهنگی است. این هیئت‌راشورای محل (ساویت) بانظرحزب کمونیست تعیین میکند و مرکب است ازرئیس فرهنك و کمیسیون فرهنگی. هیئت مذکور باید نصب معلمین را توسط رئیس هر مدرسه قبول یارد کند ـ ساختمان مدارس‌بخش‌یا شهررا تهیه ونگاهداری کند ـ امورتربیتی خارج ازمدرسه رااداره نماید.

در۱۹۳۹ دراتحاد جماهیرشوروی ۴۰۰ر۰۰۰بخش ـ ۹۳۴ شهرمهم ـ ۱۹۳۸شهر کوچك وقصبه ـ ۷۰ر۰۰۰ قریه وجود داشته است.

بنابراین دولت مرکزی دخالت ونظارت درامورفرهنك دارد وبانظارت‌حزب کمونیست (که سازمان آن کاملا متمرکز است) جماهیر جزوو اولیای امور محلی مسئول اداره کردن قسمتی‌ازفرهنك محل هستند.

دستگاه تعلیم و تربیت

چنانکه قبلا اشاره رفت از۱۸۲۹تشکیلات موازی دردستگاه فرهنك روسیه ایجاد گردید. برای برزگران و کارگران در روستاوشهرها دبستان‌چهار کلاسه‌ای وجودداشت که کودکان ازسن هشت تادوازده در آن‌تحصیل میکردند. درشهرها برفراز دبستان آموزشگاه ابتدائی عالی قرار داشت که دورهٔ آن نیزچهار سال بود وفرهختگان آن که شانزده ساله بودند میتوانستند وارد دانش سرایا هنرستان شوند. برای اشراف و توانگران دستگاه دیگری‌وجود داشت که از آلمان‌اقتباس شده بود: طفل‌قبلا درخانه‌یامدرسهٔ خصوصی خواندن ونوشتن می‌آموخت ودرنه سالگی با دادن امتحان وارد ژیمنازیا رئال شوله میشد. در ژیمناز زبان لاتین تدریس می کردند و کسی که دورهٔ نه سالهٔ آنرا تمام می کرد میتوانست وارد دانشگاه شود. دورهٔ رئال شوله هشت سال بود و فارغ التحصیل آن حق ورود بمدارس عالی فنی را داشت و چنانچه میخواست وارد دانشگاه شود میبایست زبان لاتین را (که دربرنامهٔ رئال شوله نبود) امتحان دهد.

پس ازانقلاب افتتاح مدارس خصوصی وملی ممنوع گردید ـ دارائی واموال مدارس مذهبی ووابستهٔ به کلیسا مصادره وضبط شد ـ سازمان آموزشگاه ها یکسان گشت ـ دستگاهی ازطرف دولت شوروی برپاشد که همگانی است .

در کارخانه‌ها و شهرها کـه مادران بکار اشتغال دارند آموزشگاه نونهالان و کودکستان تأسیس گردیده که دراولی اطفال را تا سه‌سالگی ودردومی ازسه‌تاهفت سالگی‌پذیرفته‌تربیت‌می کنند.برنامهٔ کودکستانهاعلاوه‌بربازی‌و گردش‌و نقل گوئی و ورزش‌و آواز ورسم ونمونه سازی شامل خواندن ونوشتن ومیهن پرستی و احترام وستایش نسبت به پیشوایان روسیه مخصوصاً لنین است . درمزارع اشتراکی درفصل تابستان بهنگام برداشت محصول «اطاق کودکان» برپا گردیده که فی‌الجمله کار کودکستان را انجام میدهد .

از۱۹۳۰ تعلیمات ابتدائی ازهشت سالگی اجباری است . پس ازجنگ‌جهانی دوم تحصیلات اجباری ازسن هفت آغاز میشود . دورهٔ تعلیمات عمومی ده سال است وبسه مرحله تقسیم میگردد .

مرحلهٔ اول در روستا است که دبستان چهارساله برای اطفال ازهفت تا یازده سالگی دارد . درجماهیر غیرروسی‌چون اطفال باید علاوه برزبان مادری‌زبان‌روسی را نیزبیاموزند دورهٔ دبستان آنها پنج سال است .

مرحلهٔ دوم دورهٔ اول متوسطه است که درمراکزصنعتی وقصبات و شهرهـای کوچك دائراست وسه کلاس دارد که برفراز دبستان ومجانی است . درنقاطی کـه دورهٔاول متوسطه تأسیس گردیده دورهٔ مذکوربادبستان دریکجا است وهفت کلاس دارد وموسوم است بدبیرستان غیرکامل(۱)

مرحلهٔ سوم درشهرهای مهم قرار دارد وبادبستان و دورهٔ اول متوسطه دریك محل است . دورهٔ آن سه سال وغیرمجانی است وَ هرشاگرد باید ماهانه ۱۶ تا ۲۲ منات بپردازد. بنابراین چنین دبیرستانی کامل ودارای ده کلاس است : چهار کلاس

(۱) بروسی Niepolnya Srednaya Shkola

ابتدائی ـ سه کلاس دورهٔ اول متوسطه ـ سه کلاس دورهٔ دوم متوسطه . مدرسهٔ ده کلاسه را دبیرستان کامل نامند (۱).

مطابق آماررسمی (۲) در ۱۹۵۰ درجماهیرشوری ۳۶ میلیون نفر درمراحل سه گانه فوق بشرح تقریبی زیرمشغول تحصیل بوده‌اند :

دبستان	۲۳	میلیون نفر
دورهٔ اول متوسطه	۱۱	» »
دورهٔ دوم متوسطه	۲	» »

برنامهٔ ابتدائی ومتوسطه

برنامهٔ دبستان چه دردهات وقصبات وچه در شهرهایکی و درسه سال اول شامل زبان وحساب ورسم‌و ورزش و سرود است . در کلاس چهارم علم‌اشیا و تاریخ و جغرافیـابمـواد مذکور اضافه میگردد . دردبستان بکار بدنی و دستی توجه مخصوص میشود تـا همگی بدان‌معتادوعلاقه‌مند شوندو مولد ثروت گردند.درجمهوریهای‌روسی‌خالص یك‌زبان تعلیم میشود که همان روسی است‌ولی درجمهوریهای دیگر کودك‌ناگزیر است از کلاس اول یا دوم ابتدائی زبان روسی را علاوه برزبان مادری وزبان‌محلی یاد گیرد چنانکه ارمنی های گرجستان باید زبان ارمنی ـ زبان گرجی ـ زبـان روسی را بیاموزند وکلیمی‌های او کراین زبان عبری محلی وزبان او کراین وزبان روسی را فراگیرند. درنواحی و جماهیر غیرروسی برای نوشتن زبان محلی الفبای روسی با جزئی تغییر استعمال میشود ولغات تازه و اصطلاحات علمی ازروسی اخذ میگردد وباین ترتیب درتمام روسیه اتحاد شکل بوجود می‌آید .

دردورهٔ اول متوسطه علوم‌طبیعی‌وهندسه وجبرورسم وفیزیك وشیمی‌وتاریخ

---

(۱) بروسی Srednaya Shkola

(۲) کلیهٔ آماری که درین فصل‌آمده ازکتاب «فرهنگ جهان» اخذ شده که یونسکو بطبع رسانده و در صفحات قبل بدان اشاره رفته است در کتاب مذکورقید گردیده که تمام اطلاعات مبتنی بر گزارشهای رسمی دولت اتحاد جماهیرشوروی است . دراینجا هرگاه مأخذ دیگری بکاررفته باشد صریحاً ذکرشده است .

وجغرافیا وقانون اساسی جماهیر شوروی و یك زبان خارجه تدریس میشود و هفته‌ای چند ساعت باید کار مولد ثروت در کارخانه یا کشتزار انجام داد وباین قسمت اهمیت زیادمی‌دهند. چنانچه مدرسه درمحیط فلاحتی باشد اکثرموادرا ازلحاظ کشاورزی میآموزند . برای ورود بدورهٔ اول دبیرستان باید زبان روسی وحساب راامتحان‌داد. برای فراغ ازتحصیل باید دردبیرستان امتحان داخلی داد و گواهی نامهٔ دورهٔ اول متوسطه‌را بدست آورد.

دبیرستان کامل (ده کلاسه) منحصر بشهرهای مهم ومراکزعمدهٔ صنعتی‌است وفقط پنج درصد از شاگردانی که بسن چهارده و پانزده رسیده‌اند وارد دورهٔ دوم متوسطه‌میشوندواینهانیزعموماً ازساکنین همان شهرهای بزرگ‌هستندزیراکسانی که دورهٔ اول دبیرستان را درقصبات وشهرهای کوچك بپایان رسانده‌اند قادربرفتن بشهرهای بزرگ‌نیستند . برنامهٔ هفت کلاس اول دبیرستانهای کامل شبیه بمدارس شهرهای کوچك است‌ولی دبیرستانهای کامل ازحیث ساختمان واثاثیه و آزمایشگاه ودبیر مزیت بسیارنسبت بمدارس هفت کلاسه دارد . درسه کلاس آخردبیرستانهای کامل ، مثلثات ـ هیئت ـ فیزیك ـ شیمی ومحل استعمال علوم مذکور در کشاورزی وصنایع تدریس میشود وتوجه‌بسیار بآموختن علوم طبیعی‌وریاضی مبذول میگردد زیرا آنرا ازلوازم پیشرفت برنامهٔ اشتراکی میدانند . در اواخر جنك دوم جهانی در۱۹٤٤ دولت شوروی در داخل دبیرستانهای کامل امتحان نهائی برقرار نموده‌و کسانی که درآن‌امتحان‌نمرهٔ عالی ومدال طلا یانقره بگیرند بدون‌امتحان‌میتوانند وارد دانشگاه یامدارس عالی دیگرشوندولی سایرین درهرمدرسهٔ عالی که بخواهند وارد شوند علاوه بر گواهینامهٔ متوسطهٔ کامل باید امتحان ورودی آنمدرسه را بدهند .

از۱۹٤۷ درشهرهای بزرگ‌تعلیمات‌نظامی را واردبیرستانهای‌کامل کرده‌اند ازینرو دختران‌را ازپسران جداکرده برای آنان دورهٔاول‌و دوم دبیرستان دخترانه تأسیس نموده‌اند . دردبیرستانهای کامل پسرانه علاوه برتدریس موارد استعمال‌علوم

طبیعی وریاضی درجنگ ، شاگردان دورهٔ دوم باید دو هفته درتابستان در اردوگاه بسربرند وعملاتعلیمات نظامی را فراگیرند .

کارهای‌فوق برنامه باقتباس ازامریکا درمراحل مختلف تعلیم وتربیت موجود و برچهار دسته تقسیم میشود و هر دسته را انجمنی است که شاگرد در آنهابمیل خود شرکت میکند .

این چهاردسته عبارتست ازکارهای علمی و ادبی و تاریخی ـ کارهای ذوقی از قبیل موسیقی و نقاشی و نمایش و سرود ـ کارهای فنی و حرفه‌ای ـ کارهای مربوط بورزش و تربیت بدنی و نظامی .

آخرین نکته‌ای که نسبت به برنامهٔ دبیرستانها باید تذکر داد اینست که دولت‌شوروی کوشش دارد در دورهٔ دوم متوسطه توجه زیادتری بمواد فنی از قبیل مکانیك و شیمی و تولید نیرو و کشاورزی کند ـ بدون اینکه دورهٔ مذکور جای هنرستان را بگیرد .

علت‌این‌توجه‌آن‌است که دولت میخواهد فارغ‌التحصیل‌های‌متوسطه‌بهتربرای اجرای‌برنامه‌های‌صنعتی و عمرانی آماده‌شوند.

تعلیمات دینی

چنانکه ملاحظه شد در برنامهٔ مدارس در هیچ مرحله‌ای تعلیمات دینی منظور نگردیده است . علت آنست که حزب کمونیست با تعلیمات دینی مخالف است و دلایلی ذکر میکنند که خلاصهٔ آن از اینقرار است . نخست اینکه دولت تزار که باکلیسا همدست بود و با علاقهٔ فراوان تعلیمات دینی را میآموخت موجب نادانی مردم و انتشار خرافات بود . دوم اینکه مذهب برضد علوم طبیعی و ریاضی است و در مسلك کمونیسم علوم مذکورجانشین مذهب است . سه دیگر آنکه‌کلیسا را آداب و رسومی است چون بوسیدن شمائل مسیح که‌برخلاف بهداشت وباعث اشاعهٔ بیماریهای واگیراست . بالاخره طبق عقیدهٔ کارل مارکس مذهب پنگاهگاه مردم است و مؤمنین مظالم و مصائب را تحمل میکنند و از خداوند استغاثه میکنند و راه نجات میطلبند و بآن دل خوش دارند

و عصیان نمیورزند بنابراین نبایددربرنامهٔمدارس راه یابد ودولت نبایدتعلیم‌مذهب را اجازه دهد .

تعلیمات عالیه برای کارگران

در آغاز انقلاب ، چون دانشجویان مدارس عالی عموماً از خانوده‌های اشراف و توانگران بودند و دولت شوروی مصمم بود که طبقات کارگررا وارد مدارس عالی کند دبیرستانهای مخصوصی بنام «دانشکدهٔ کارگران» در۱۹۱۹ تأسیس کرد تا درظرف سه چهارسال قسمتی از مواد مهم متوسطه را بآنها بیاموزند و کسانی راکه مستعد تشخیص دهند وارد دانشگاه کنند . این رویه سالها ادامه داشت تا منظورحاصل‌شد و طبقهٔ کارگر برزگر تفوق حاصل کرد بعداز۱۹۳۰ که‌تحصیلات‌ابتدائی‌اجباری گشت و کارگران ودهقانان وارد دبیرستان ودانشگاه شدند « دانشکدهٔ کارگران» منحل گردید .

در جنك جهانی دوم در ۱۹۴۳ و ۱۹۴٤ دولت شوروی از نو دبیرستانهای مخصوصی برای کارگران جوان تأسیس کرد که شبها دائر است و کسانی که روزها بتولید ثروت اشتغال دارند در آنها مجاناً بتحصیل می‌پردازند و چنانچه از عهدهٔ امتحان برآیند وارد دانشگاه یا مدارس عالی دیگر میشوند .

تعلیمات فنی

نظر باهمیتی که تعلیمات فنی از لحاظ اقتصادی و نظامی‌دارد در تمام روسیه تحت نظارت دولت مرکزی مسکواست و بسه درجه تقسیم می‌شود : آموزشگاه‌های حرفه‌ای (برفراز دبستان) ـ هنرستان ها ـ مدارس عالی فنی .

تا ۱۹٤۰ آموزشگاههای حرفه‌ای در تحت نظارت جمهوریهای جزو بود و هریك مطابق احتیاجات خود مدارسی برپا و اداره میکرد . چون از ۱۹۲۸ دولت شوروی‌بوسیلهٔ برنامه‌های عمرانی پنج ساله با کمال‌سرعت مملکت راصنعتی میکرد متوجه شد که مدارس مذکور باید از لحاظ احتیاجات کلیهٔ جماهیر شوروی اقدام کنند . ازینرو ادارهٔ « کارگران ذخیره » را در ۱۹٤۰ تأسیس کرد و تمام مدارس حرفه‌ای تحت‌نظارت ودستورآن قرارداده شد . در۱۹٤٦ ادارهٔمذکورمبدل بوزارت

« کارگران ذخیره » گردید .

اکنون دونوع آموزشگاه حرفه‌ای در روسیه موجوداست : نوع اول دوره‌اش برحسب حرفه‌ای که میآموزند دریا سه سال ونوع دوم ششماه تایکسال است . برای ورود بهریك ازاین دونوع باید دورهٔ دبستان طی شده باشد .

درنوع اول شاگردانی پذیرفته میشوند اعم از پسر ودختر که سنشان بین ۱٤ و ۱٦ باشد . دولت بآنها کمك خرج میدهد و چنانچه اهـل محل نباشند در شبانه روزی از آنهانگاهداری میشود . روزی دوساعت تحصیل وپنج ساعت در کارخانه کار میکنند و وقتی دورهٔ مدرسه را بپایـان رساندند کارگر متخصص بـوده و وزارت « کارگران ذخیره » آنها را بحرفه‌ای که آموخته‌اند منصوب میکند ومراقب است که بعدهٔ لازم‌برای هر حرفه‌ای کارگر تربیت شود .

در نوع دوم که منضم‌بکارخانه است کارگرانی که درحدود شانزده سال دارند و در کارخانه مشغول تولید ثروت میباشند در مدت ششماه تا یکسال حرفه‌ای راکه بـدان اشتغال دارند تکمیل میکنند و هرشب درحدود یکساعت نیز دروس مربوط بآن حرفه را میآموزند .

طبق آمار رسمی سالیانه در حدود هشتصد هـزار کارگر در آموزشگاههای حرفه‌ای روسیه تربیت میشوند .

هنرستانهارا که‌بنام آلمانی‌تخنیکوم (۱) و گاهی‌دبیرستان‌اختصاصی‌میخوانند درردیف‌متوسطه‌است‌واستاد کارومتخصص وسرکارگرومعاون مهندس‌برای‌رشته‌های مختلف تهیه میکند و شعب مختلف دارد چون شعبهٔ فنی - پزشکی - تعلیم وتربیت موسیقی - هنرهای زیبا . شعبهٔ طبی بهدار و ماما وپرستار تربیت‌میکند وشعبهٔ تعلیم و تربیت آموزگار . در روسیه هنرستانهای مذکور بسیار مورد توجه است و پیش از جنك جهانی دوم یك ملیون دختر و پسر درآنها هنرمیآموختند و ازاین عده ۲۸در صد در شعبهٔ طبی - ۲۷ درصد در شعبهٔ‌تعلیم وتربیت- ۱۷ در صددرشعبهٔ فنی

(۱) Technicum

بودند . اکنون هرمرد یا زن که سنش بین ۱۵ و ۳۰ باشد و مدرسهٔ هفت ساله (دورهٔ اول‌متوسطه) را طی کرده باشد با امتحان ورودی بدبیرستان‌های اختصاصی‌پذیرفته میشود . دورهٔ تحصیل چهار سال وشامل مواد نظری و عملی است و کسانی که دورهٔ آنها را باتمام رسانند بادادن امتحان، گواهینامه اخذمیکنند و چنانچه نمرهٔ اعلی گرفته باشند و بخواهند وارد دانشگاه شوند در دانشکده‌ای حق دخول دارند که مربوط برشتهٔ تخصصی آنها باشد . در برنامهٔ دبیرستانهای اختصاصی‌علاوه بر رشتهٔ تخصصی که جنبهٔ عملی دارد فیزیك و شیمی و ریاضی و ادبیات روسی نیز تدریس میشود . مخارج آنهاراجمهوریهای‌جزء میپردازندولی از هرحیث‌تابع‌وزارت فرهنك دولت‌مرکزی‌مسکو میباشند .

طبق آمار رسمی دولت شوروی در ۱۹۵۰در جماهیر شوروی۳٫۱۸٤٫۰۰۰نفر در ۳۵٤۳ تخنیکوم بفراگرفتن فنون مختلف مشغول‌بوده‌اند.

مدارس‌عالی و دانشگاهها (۱)

نسبت باموزش عالی از آغاز انقلاب،دولت شوروی تصمیماتی اتخاذ نمود که ذکر آنها خالی ازفایده نیست.در ۱۹۱۸ دولت شوروی ورود بدانشگاه را آزاد کرد و مقرر داشت شهریه نیز گرفته نشود و در آخر سال متوجه شد که محصلین نمیتوانند بدون طی دورهٔ متوسطه‌ازدروس‌استفاده کنند لذا گواهینامهٔ متوسطه وامتحان ورودی راازنوبرقرار کرد ولی حق تقدم را بکسانی داد که از طبقهٔ کارگر یا برزگر باشند. در همان وقت نیز « دانشکده‌های کارگران » را چنانکه در فوق گفته شد تأسیس نمود و از آن راه هم عده‌ای را برای ورود بدانشگاه آماده ساخت . تسهیلاتی که برای کارگران فراهم شد سطح تحصیلات و معلومات دانشگاه را تنزل داد .

وقتی‌صنعتی کردن روسیه آغازشد دولت شوروی دانشگاههارا مبدل بمدارس عالی فنی کرد و از ۱۹۳۰ تا سه سال در جماهیر شوروی دانشگاه وجود نداشت .

---

(۱) مدارس عالی ودانشگاههارا درجماهیرشوروی‌ووزVUZ می نامند که مخفف سه کلمهٔ روسی‌ذیل است : Vyshe Utchebnoe Zavednie یعنی مؤسسات تحصیلات‌عالیه .

پس ازسه سال دولت متوجه اشتباهات خود شد زیرامعلومات کارشناسانی که تربیت کرده بود سطحی بود و با اینکه عنوان مهندس داشتند در ردیف کمك مهندس ممالك دیگر قرار میگرفتند. ازینرو در ۱۹۳۳ دانشگاهها را مجدداً دائر کرد و در جائی که از قدیم داده میشد احیا نمود. در ۱۹۳٤ شرط ورود را دادن امتحان کامل متوسطه‌معین کرد ولی حق تقدم را باطفال کارگر و برزگر داد.

در مدارس عالی فنی نیز که تمام توجه بمواد علمی - آنهم از لحاظ عمل و کار معطوف بود سطح معلومات تنزل بسیار کرد و دولت شوروی مجبور شد مواد ادبی و اجتماعی و ذوقی را نیز درمدارس مذکور بیاموزد.

اکنون جماهیر شوروی سی‌وچهار دانشگاه دارد که پانزده باب آن از زمان تزارها موجود بوده چون دانشگاه پطروگراد (که در ۱۸۱۹ برپا شده و حالا به لنین گراد معروفست) ومسکو (که در۱۷۵۵ تأسیس شده) و خارکف و کیف (۱) و عدسه وقازان (که در ۱۸۰٤ ایجاد شده) وبقیه را پس از انقلاب‌تأسیس کرده‌اند. دانشگاههای‌جدید رادرجمهوریهای‌جزء مانندروسیهٔسفید - گرجستان - آذربایجان قفقاز - ارمنستان- تاجیکستان - ترکمنستان - ازبکستان ایجاد کرده اند و شمارهٔ آنهانوزده‌باب‌است. هریك‌ازشانزده جمهوری لااقل یك دانشگاه‌دارد.دانشکده‌های مشترك دانشگاه‌ها عبارتست از دانشکدهٔ فیزیك - ریاضی - زبان شناسی - تاریخ جغرافیا -زیست شناسی - شیمی. بعضی از دانشگاهها نیز دارای دانشکدهٔفلسفه- حقوق - زبانهای شرقی - زمین شناسی است.

برنامه و دستور تحصیلات هر دانشکده باید بتصویب وزارت فرهنك برسد. در برنامهٔ مذکور سه نوع درس باید منظور شود. نوع اول مواد سیاسی راجع به کمونیسم که در حدود ۸ درصد از وقت باید صرف آن شود. نوع دوم تحصیلات عمومی که یکی از آنها زبان خارجه باشد وتقریباً ربع وقت بآن تخصیص یابد. نوع سوم‌مواد تخصصی که‌دوثلث وقت‌رابگیردوبقسمت‌عملی‌آن‌از لحاظ تولید ثروت

(۱) Kief

توجه خاص مبذول گردد .

رئیس دانشگاه را وزارت فرهنك معین میکند و ریاست شورای دانشگاه با اوست . شوری تشکیل میشود از رؤسای دانشکده‌ها و استادان رئیس شعب ورئیس کتابخانه و چند نماینده از مؤسسات رسمی که با دانشگاه ارتباط دارند.رئیس هر دانشکده را استادان درجهٔ اول آن دانشکده انتخاب وپیشنهاد میکنند و درصورت موافقت وزارت فرهنك بمقام مذکورمنصوب میشود . همان وزارتخانه نیز استادان را تعیین میکند و باید دارای درجهٔ دکتری در علوم باشند . بدیهی است وزات فرهنك با انتصاب اشخاصی موافقت دارد که با حرب کمونیست و فلسفهٔ مارکس موافق باشند .

شرط ورود بدانشگاه علاوه بر داشتن گواهینامهٔ متوسطهٔ کامل دادن امتحان مسابقهٔورودی‌است که‌شامل‌زبان‌وادبیات‌روسی‌است.تنها کسانی که‌درامتحانات‌متوسطهٔ کامل مدال طلا و نقره گرفته باشند از دادن امتحان معافند .

دانشجو پس ازپنج تا شش سال تحصیل وتهیه پایان نامه وتوفیق در امتحانات در رشتهٔ تخصصی‌خود دانشنامه‌ای میگیرد بنام « دیپلم » (۱) که درجهٔ علمی‌نیست. دارندهٔ دیپلم باید لااقل دوسال دررشتهٔ خود بکار مشغول شود و چنانچه بخواهد در دانشگاه بتدریس بپردازد باید مجدداً امتحاناتی در شعبهٔ تخصصی خود بدهد و یك زبان خارجه‌بداند تا ازنواجازهٔ ورود بدانشگاه‌پیدا کند. چنانچه‌درامتحان مذکور پذیرفته شود او را « پژوهان » (۲) می‌خوانند .

پژوهان باید سه سال براهنمائی یکی از استادان به مطالعه و تحقیق و عمل درآزمایشگاه بپردازد وپایان نامه‌ای بنویسد تا درصورت موفقیت‌درجهٔ « داوطلب علوم » (۳) بگیرد وحق تدریس در دانشگاه پیدا کند .

هرگاه « داوطلب‌علوم »در دانشگاهی‌بمعلمی‌منصوب‌شدمیتواندخودرا برای

---

(۱) Diplom
(۲) Aspirant
(۳) Candidat

اخذ درجهٔ دکتری آماده کند. در این صورت در رشتهٔ تخصصی خود باید درظرف دو سال پژوهش کند و پایان نامهٔ بکری بنویسد و نظریات خودرادر حضور هیئتی از استادان بثبوت رساند تا باخذ دکتری در علوم نایل آید.

در تمام دانشگاه ها و دانشکده ها و در تمام رشته‌ها فقط یك نوع دکتری وجود دارد که همان دکتری در علوم است.

باین‌ترتیب‌ملاحظه‌میشود که دولت‌شوروی ازعدهٔ سالهای تحصیلی دردبستان و دبیرستان که برای عموم مردم است کاسته و در عوض برشمارهٔ سنوات تحصیلات عالی که برای جوانان با استعداد و خواص میباشد افزوده است.

مطابق آمار رسمی در۱۹۴۹ درتمام دانشگاههای شوروی جمعاً ۸۷ هزارنفر به تحصیل اشتغال داشته‌اند.

علاوه‌بردانشگاههابرای‌مهندسی - فلاحت - پزشکی - تعلیم و تربیت - اقتصاد و نظیرآن مدارس عالی تأسیس کرده‌اند که هریك تقسیم به شعب مختلف شده‌است چنانکه‌دارالفنون لنین گراد شامل شعبهٔ مکانیك - الکترومکانیك - استخراج فلزات ساختمان ماشین - مهندسی‌هیدرولیك - اقتصادمربوط به مهندسی‌است. مدارس عالی تعلیم و تربیت که ما دانش سرایعالی گوئیم از حیث عده از تمام مدارس عالی دیگربیشترووظیفهٔ آنها تهیهٔ دبیربرای مدارس متوسطه است. تعیین رؤسا واستادان این مدارس با وزارت فرهنك است. مطابق‌آماری که دولت شوروی انتشار داده در ۱۹۴۹ در تمام روسیه در دویست شهر ۸۰۵ مدرسهٔ عالی فنی با ۶۸۶ هزار دانشجو موجود واز این عده ۳۷۹ باب دانشسرایعالی با ۲۱۲ هزاردانشجو بوده است.

تمام دانشگاه هاومدارس عالی‌غیرمجانی است ولی با امتحانات مسابقهٔ ورودی که از دانشجویان‌میشود تنهاجوانان‌با قریحه واستعدادرا می‌پذیرند و ازینرودولت بآنها کمك‌خرج‌میدهد و کسانی‌را که ازاهل‌محل نباشنددرشبانه‌روزی‌قبول‌میکند.

تربیت معلم

قبل ازانقلاب ۱۹۱۷ سه نوع معلم برای مدارس تهیه میشد. آموزگاران که عموماً ازطبقهٔ بی‌بضاعت و برزگر بودند در

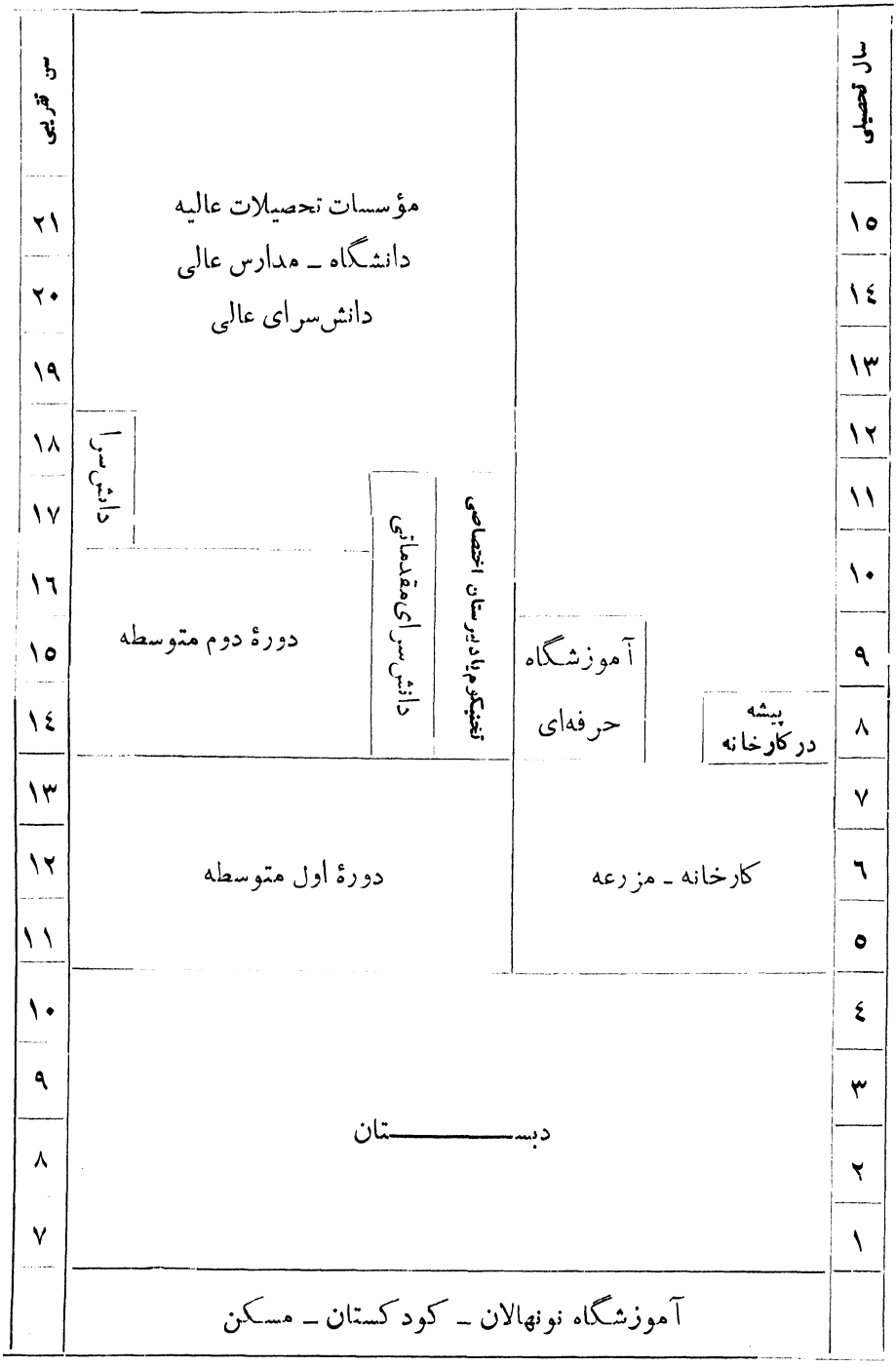
سال تحصیلی
سن تقریبی
۱۵
۱۴
۱۳
۱۲
۱۱
۱۰
۹
۸
۷
۶
۵
۴
۳
۲
۱
۲۱
۲۰
۱۹
۱۸
۱۷
۱۶
۱۵
۱۴
۱۳
۱۲
۱۱
۱۰
۹
۸
۷
مؤسسات تحصیلات عالیه
دانشگاه ـ مدارس عالی
دانش‌سرای عالی
دانش سرا
تخنیکوم یا دبرستان اختصاصی
دانش‌سرای مقدماتی
دورهٔ دوم متوسطه
آموزشگاه حرفه‌ای
پیشه در کارخانه
دورهٔ اول متوسطه
کارخانه ـ مزرعه
دبستان
آموزشگاه نونهالان ـ کودکستان ـ مسکن

مدرسه‌ای تربیت میشدند که شرط ورود آن بطور کلی داشتن گواهینامهٔ دبستان بود. معلمین مدارس ابتدائی عالی را دردانشسراهای مقدماتی تربیت میکردند و آنها نیز از طبقهٔ رعیت و بی چیز بودند. شرط ورود بدانشسرای مقدماتی اتمام دورهٔ ابتدائی عالی و مدت تحصیل چهار سال بود. معلمین دبیرستانها (ژیمناز - رئال شوله) در دانشگاه خود را برای این شغل آماده میکردند. کلیهٔ داوطلبان معلمی میبایست تحصیلات خود را بزبان روسی کنند - ولواینکه از اقلیت‌های غیر روسی باشند و بعداً نیز باید در تمام مدارس بزبان روسی تدریس کنند.

پس از انقلاب، دولت شوروی مجبور شد برای اراضی و مناطق غیر روسی آموزگارانی تربیت کند که بزبان محلی دردبستانها تدریس کنند و ازینرو هر کس را جزئی سوادی داشت همینکه آشنا بالسنهٔ محلی بود برای آموزگاری آماده میکرد.

اکنون آموزگاران دردانشسراهای مقدماتی (دررديف تخنيكومها و هنرستانها) پرورش می‌یابند که شرط ورود بآنها اصولا اتمام دورهٔ مدرسهٔ هفت ساله (دورهٔ اول دبیرستان) ومدت تحصیل در آنها چهارسال است. درقصبات وشهرهای کوچك بواسطهٔ فقدان دبیر فارغ التحصیلهای دانشسرای مقدماتی در دورهٔ اول متوسطه نیز تدریس میکنند.

دبیران دورهٔ اول متوسطه دردانشسراهائی پرورش می‌یابند که دورهٔ آنها دو سال است. کسانی حق ورود دارند که دورهٔ دوم متوسطه راباتمام رسانده باشند. در این دانشسراها داوطلبان دریکی از سه رشتهٔ زبان - ریاضی - علوم تجربی تخصص پیدا می کنند.

دبیران دورهٔ دوم متوسطه رادانشسراهای عالی تربیت میکنند. شرط ورود بآنها علاوه برداشتن گواهینامهٔ متوسطهٔ کامل، دادن امتحان مسابقهٔ ورودی است. دورهٔ تحصیلات آنها چهار سالست. در بعضی ازدانشگاه‌ها نیز شعبه‌ای برای تعلیم وتربیت و تهیهٔ دبیر موجود است و مدت تحصیل در آنهاهم چهار سال است.

برای تدریس در مدارس عالی فنی مستعدترین دانشجویان همان مدارس را پس از فراغ ازتحصیل بخرج دولت‌مدت سه سال‌نگاه میدارند تا بتکمیل معلومات وتحقیق‌بپردازند وچنانچه درپایان مدت ازعهدهٔ امتحان برآیند بدانشیاری مدارس عالی فنی منصوب میشوند.

چنانکه سابقاً نیز گفته آمد تمام مؤسساتی که معلم تربیت میکنند تابع وزارت فرهنك جماهیر شوروی است.

در ۱۹۵۲ حد اقل حقوق ماهیانهٔ معلمین ٤٤١ منات و حد اکثر ۹۳۵ منات بوده است(۱). حد اقل راآموزگاری می‌گرفته که جمعاً کمتر از ده سال‌تحصیل و پنج سال پیشینهٔ خدمت داشته و حد اکثر را دبیری که دانش سرای عالی را با تمام رسانده و ۲۵ سال سابقهٔ خدمت داشته است.

انجمن‌های خارج از مدرسه

علاوه برتعلیمات سیاسی واجتماعی که درمدارس داده میشود در خارج از مدرسه انجمنهائی دائر کرده‌اند که شاگردان مدارس اعم از پسر و دختر در آنها شرکت میکنند و آشنا بفلسفهٔ مارکس و مسلك کمونیسم و مذهب مادیت استدلالی میگردند. اطفالی که بسن یازده نرسیده‌اند در انجمن اکتبریهای کوچك (منسوب به انقلابیهای اکتبر ۱۹۱۷) عضویت پیدا میکنند وستارهٔ سرخی‌برسینه میزنند.

کسانی که ده تا پانزده سال‌دارند درانجمن پیشاهنگی‌داخل‌ودستمال قرمزی

---

(۱) کتاب « تربیت و تعلیم عصر حاضر » تألیف دکتر کریمر Cramer منطبعهٔ نیویرك صفحهٔ ٤۱۹

برای پی بردن بقوهٔ خرید منات در۱۹۵۲ بهای چند قلم از حوائج اولیهٔ زندگانی ازهمان‌کتاب(صفحهٔ ٦۰۹) در اینجا نقل میشود :

یك کیلو نان ۳٫۷۵ منات - برنج ۷٫۳۰ - گوشت گاو ۱۲٫٦۰ - قند ۱۰٫۳۳ - چای ۸۳ منات.

یکدست‌لباس معمولی ۳٦۰ منات - یك پیراهن ٦۰-یك‌جفت کفش‌مردانه۲۲۱منات.

درسال مذکور نرخ رسمی منات ربع دولار بود واکنون عشردولار است ولی‌در صورت رسمی خریدو فروش ارز که بانك ملی ایران هرماهه منتشر میکند نرخ منات ذکر نمیشود.

برگردن دارند و آنان که سنشان بین ۱۴ و ۲۳ است در انجمن کمونیست های جوان[۱] وارد میشوند .

انجمن های مذکور در کارهای سیاسی و فرهنگی حزب کمونیست و تظاهرات ورژه ها شرکت میکنند - بوسیلهٔ کار دستی در فصول مقتضی به پیشرفت کشاورزی و صنعت کمك میکنند و باین ترتیب در اینجا نیز تعلیم و تربیت با کار مولد ثروت ترکیب و توأم میشود. اصول مسلك کمونیسم و فلسفهٔ مادیت استدلالی در این انجمن ها تشریح و تعلیم و تزریق میشود و کسانی که در انجمن پیشآهنگی کاملاً معتقد بمسلك مذکور گردند و در مدت عضویت انجمن حرارت و فعالیت بسیار نشان داده باشند بانجمن کمونیست های جوان داخل و بالاخره برای عضویت حزب کمونیست نامزد میشوند. ورزشهای گوناگون - مشق های نظامی - بکار بردن آلات و ادوات جنگی نیز قسمت مهمی از وقت این انجمن ها را میگیرد .

عضویت در کمسومل بآسانی بدست نمیآید و افتخارات و مزایای بسیار دارد. رهبران جماهیر شوروی از بین آنها انتخاب میشوند. در ۱۹۵۱ عدهٔ آنها ده میلیون نفر بوده است .

آموزش سالمندان

هدف دولت شوروی در تعلیم و تربیت پس از انقلاب باسواد کردن مردم بود و در این قسمت توفیق زیاد حاصل کرد چنانکه طبق گزارش رسمی در ۱۹۴۷ عدهٔ افراد بی سواد در اتحاد جماهیر شوروی از ۹ سالگی ببالا ده در صد بوده است (کتاب تربیت و تعلیم عصر حاضر، صفحهٔ ۱۶۹)

برای تبلیغ مسلك اشتراکی و تربیت سیاسی خلق و پرورش افکار سالمندان وسوق دادن آنها بطرفی که دولت مایل است و همچنین آشنا نمودن مردم بموضوعات ومطالبی که زعمای کمونیست مناسب میدانند عدهٔ زیادی روزنامهٔ یومیه درسرتاسر روسیه منتشر میشود و هزاران کتابخانهٔ کوچك و بزرك و قرائتخانه درشهرها و قصبات و کارخانه ها و مزارع اشتراکی تأسیس شده و تسهیلات زیاد برای امانت دادن کتاب و رساله و نشریه و مجله فراهم کرده اند .

۱ــ که بطور اختصار بزبان روسی کمسومل Komsomol گویند.

در شهرها نیز انواع موزه چون موزهٔ هنرهای روس - موزهٔ هنر های اروپا - موزهٔ هنرهای جماهیر تابعه - موزهٔ تعلیم و تربیت - موزهٔ انقلاب - موزهٔ داروین - موزهٔ لنین-موزهٔ ضدمذهب برپا کرده‌اند وعلاوه برمردم که در آنهابتماشا مشغولند شاگردان‌دبیرستانهارا بنوبت بآنجا برده‌عقایدو افکار واحساساتی که‌دولت میخواهد بوسیلهٔ معلمین و راهنمایان آزمودهٔ موزه در آنان ایجاد می کنند .

در باشگاههائی نیز که در مراکز صنعتی و مزارع اشتراکی و کارخانه‌ها دائر کرده‌اندبوسیلهٔ رادیو محلی پیوسته‌اخبارواطلاعاتی که دولت‌مقتضی‌بداندبمردم داده میشود و عقاید و افکار لازم در دماغ آنان تزریق میگردد و بوسیلهٔ سرود و آوازو کنسرت عواطف خاصی ایجاد میشود .در باشگاههای مذکور فیلم ها ارائه و نمایش‌هامیدهندوسخنرانی‌ها ایرادمیکنند وانواع وسایل تبلیغ وتفریح‌فراهم است.

حزب کمونیست ودولت شوروی اهمیت فوق‌العاده بآموزش سالمندان‌میدهند زیراآنرا قاطع ترین و مؤثرترین وسیله برای حفظ رژیم خود و ادامهٔ حکومت و قدرت خویش‌میدانند.بهمین جهت هر سال قسمت مهمی از بودجهٔ جهاهیرشوروی صرف‌آموزش سالمندان میشود . در ۱۹۵٤ متجاوز از۱٤۱ هزارمیلیون‌منات یعنی ۲۹ در صد از بودجهٔ اتحاد جماهیرشوروی بمصرف‌آموزش سالمندان رسیده است .

☆☆☆

رویهمرفته در قرن‌بیستم میلادی روسها مانند نازیهای آلمان نشان داده‌اند که وقتی حزب متشکل و فعالی با سیاست معین و روشن و مشخصی برسر کار باشد بوسیلهٔتعلیم و تربیت وتبلیغ والقاء عقیده ازراه مدرسه و باشگاه و موزه و کتابخانه و روزنامه و رادیو و نمایش وسرود وموسیقی میتواند در مدت کوتاهی‌افکار وعقاید و احساسات لازم را در دماغ و قلب مردم تولید کند و آنها را نسبت به رویه‌ای که اتخاذ کرده یا خواهد کرد مساعد و صمیمی سازد و براهی که مایل است آنانرا گسیل دارد .

فصل هفدهم

توجه بهنر و صنعت

تحولات کلی فرهنگ در قرن بیستم

یکی از نتایج پی بردن باهمیت اجتماعی پرورش و لازم شمردن آن برای پیشرفت جامعه و بهبودی حال مردم تأسیس دستگاه رسمی تعلیم و تربیت بود که شرح آن در پنج کشور بزرگ در فصول قبل ملاحظه شد. نتیجهٔ دیگر توجه بهنر و صنعت وارد کردن آن بود در آموزشگاهها.

تا اواخر نوزدهم گمان میبردند وظیفهٔ رسمی آموزشگاه اینست که افراد را از لحاظ سیاسی و اجتماعی برای عضویت جامعه آماده کند تا ازحق رأی خویش در انتخاب نمایندگان مجلس بنحو دلخواه بهره‌مند شوند و از روی بصیرت و درستی تکالیف خود را نیکو انجام دهند و در مشاغلی که برعهده دارند بطور رضایتبخش بوظایف خویش اقدام نمایند. اکنون قریب به هشتاد سال است که متوجه این نکته شده‌اند که عضو جامعه باید از لحاظ اقتصادی مولد ثروت باشد تا سودمند و مؤثر گردد و قدر ومنزلت حاصل کند.

دو جنگ جهانی که در ۱۹۱۴ و ۱۹۳۹ رویداد و اولی چهارسال ونیم ودو می شش سال بطول انجامید بااحتیاج مبرمی که لشگر کشی به فنون مختلف مخصوصاً مکانیك وبرق داشت موجب گردید که در اروپا وامریکا هریك ازدول متحارب برای تأسیس آموزشگاه و کلاس وبسط هنر وصنعت وتربیت میلیونها افراد مبالغ هنگفت صرف کنند وهمینکه جنك پایان یافت سازمان دبیرستان ومدارس فنی را توسعه وتعلیمات فنی را یکی

ازارکان آموزش و پرورش وجزو لاینفك دستگاه تعلیم و تربیت قرارداده‌اند.

اکنون درمملکت **فرانسه** دروس کشاورزی‌جزوبرنامه دبستان‌های روستائی است وکارهای‌دستی درمدارس شهری موردتوجه است. برای تربیت کارگرمتخصص کلاسها ومدارس متعدد برپا شده ودرمجاورت کارخانه‌ها ومحلهٔ کارگران کلاسهای حرفه‌ای از طرف شهرداری محل تأسیس گردیده وکارگران باید بموجب قانون تا هفده سالگی لااقل‌صد ساعت درسال بفراگرفتن هنرو تحصیل بپردازند. درمراکز تعلیمات‌حرفه‌ای شاگردانی که‌دورهٔ تحصیلات‌اجباری‌رابپایان‌رسانده‌اندرودگری‌ـ آهنگری ـ زرگری ـ شیشه سازی ـ چینی‌سازی ـ صنایع شیمیائی ـ ودختران اقسام حرفه‌های زنانه را فرا میگیرند. برای تربیت استاد کارکلاس فنی دائر شده‌و داوطلبان‌مدت چهار سال نصف وقت‌را صرف‌تحصیلات نظری‌ونصف دیگر را صرف عملیات میکنند. در مدارس عالی فنی نیز برای فلاحت و صنایع، مهندس‌بدرجات مختلف‌تهیه‌و تربیت میشود.

در **انگلستان** موادی که دولت مرکزی برای آموختن آنها کمك مالی‌میکند عبارتست از آشپزی ـ دوخت ودوز ـ خانه‌داری ـ شست‌وشوی جامه ـ صنایع‌مربوط به شیر ـ باغبانی ـ درودگری ـ آهنگری ـ برق ـ تعمیر اوتومبیل و هنرهای دیگر که در پیرامون مدرسه موجود است. از ۱۹٤٤ نیز دبیرستانهای فنی بموازات سایر مدارس متوسطه تأسیس گردیده تا هرکس ذوق و استعداد دارد بدانها وارد شود و در رشته‌هائی که میآموزند مهارت حاصل کند. در مراکز روستا نیز در هر شهرستان کالجی برای تعلیم فلاحت بدهقانان و برزگران برپا شده است. در شهرها هم کارگران تا سن هیجده باید لااقل هفته‌ای چند ساعت در کلاسهای شبانه و هنرستان معلومات وهنر وصنعت خویش راتکمیل کنند. مدارس فنی وهنرسراچه در ردیف مدارس متوسطه وچه در فوق آن برای تربیت استادان‌کارو کمك مهندس و مهندس بوجود آمده است.

در **آلمان** گرچه در دبستانها دروس فنی در برنامه نیست و تنها درزی‌گری

وکارهای دستی‌میآموزند لیکن درعوض مدارس شبانه وهنرستان‌های‌بیشمار بوجود آمده که آلمان را ازلحاظ مدارس صنعتی و آموزش فنی درنخستین ردیف کشورها قرارداده است . کسانی که پس ازاتمام تعلیمات اجباری واردکار شوند بموجب قانون بایدتاهیجده‌سالگی‌درمدارس‌حرفه‌ای‌شبانه‌هفته‌ای چندساعت‌تحصیل کنند ومعلومات نظری‌راجع به شغلی که برگزیده‌اند فراگیرند .

هنرستانهابرای تمام رشته‌هاچون نقشهٔ لباس - بافندگی - کوزه گری ونقاشی مربوط بآن - رنگرزی - صنایع مربوط بشیمی بر پا کرده اند و هنرستانهای دیگری نیز موجود است تا کسانی راکه تجربیاتی در مواد زیر دارند تعلیم دهد : ساختمان و معماری - چگونگی مصالح ساختمانی - نقاشی ورسم - نمونه سازی - فیزیك و شیمی‌و ریاضی وغیره . مدارس متوسطه و عالی بازرگانی نیزدرمراکزمهم برپا شده که گفتار را باکردار و علم را با عمل توأم میکنند .

در **امریکا** دروس فنی و بازرگانی را در دبیرستانها علماً و عملا میآموزند. درهردبیرستان شعبه های‌مختلفی موجود است که موازی با شعبه های ادبی وعلمی است و شاگرد را در یکی از صنایع مانند آهنگری و درودگری و روشنائی با برق و تعمیر اوتومبیل و چاپ و مکانیك و کشاورزی و بازرگانی تعلیم میدهد و امتیازات این شعبه ها با شعبهٔ ادبی و علمی یکسان است .

البته درتمام دبستانها هم کارهای دستی‌جزوبرنامه است ودربرخی از کشورها بر فراز دبستان نیز مدارس پیشه وری برای تربیت آرایشگر و درزی گر وعکاس و کلاه دوز ولوله کش و آهن ساز و مانند آن برپا شده است .

مدارس عالی فنی نیز بدرجات مختلف چه از طرف دولت مرکزی و چه از طرف دولتهای جزء و چه از جانب مؤسسات ومردم بوجودآمده که جوانانرا برای کلیهٔ مشاغلی که مولد ثروت است در کشاورزی و صناعت و بازرگانی علماً و عملا آماده میسازد .

در **روسیه** چنانکه قبلا اشاره‌شد توجه فوق‌العاده بهنر وصنعت‌مبذول‌میشود ـ بخصوص از ۱۹۲۸ که صنعتی شدن جماهیر شوروی آغاز گردیده است . مارکس و انگلز مؤسسین مسلك کمونیسم جدید معتقد بر آن بودند که تعلیم و تربیت باید با کار مولد ثروت توأم باشد . ازینرودولت شوروی هم خود را بر آن مصروف میدارد که تمام مردم برای تولید ثروت و رفع احتیاجات اقتصادی تربیت شوند و در تمام دبستانها و دبیرستانها کار مولد ثروت یکی از مواد مهم برنامه است . در دبستانها و دورهٔ اول متوسطه هرشاگرد باید درکارخانه یا مزرعه هفته‌ای‌چند ساعت بکارمولد ثروت‌بپردازد . دردورهٔ دوم‌متوسطه باید توجه مخصوص بمواردداستعمال‌علوم‌طبیعی و ریاضی در صنایع‌و کشاورزی‌و جنك معطوف شود . در دبیرستانهای اختصاصی ، شعب مختلف صنایع تعلیم و سرکارگر و استادکار و کمك مهندس تربیت میشود . آموزشگاههای وابسته بکارخانه‌ها ومداس‌حرفه‌ای کارگران‌متخصص آماده‌میکنند. تعلیمات فنی‌چندان مورد توجه دولت شوروی است که دووزارتخانه از مسکو آنرا اداره میکند ـ یکی وزارت‌کارگران ذخیره که بر آموزشگاههای حرفه‌ای نظارت میکند و دیگری وزارت فرهنك که دبیرستانهای اختصاصی و هنرستانها و مدارس عالی فنی را اداره می‌نماید .

بترتیبی که مذکور افتاد کشورهای‌بزرك افرادمردم‌را باآموختن‌هنر وصنعت چنان آماده می کنند که وظایف اجتماعی واقتصادی خویش‌را بهترو کاملتر انجام دهند وبرفاه وآسایش ونیك بختی خود وجامعه بیشتر کمك ومعاضدت نمایند .

تحولاتی که بعد ازجنك‌جهانی دوم (۱۹۴۵ ـ ۱۹۳۹) درفرهنك اروپا بوقوع پیوست حاکی از کمال مطلوب مردم مغرب زمین است وبحث در آن بسیاردلنشین. لیکن چون از موضوع کتاب خارج است فقط ببعضی از نکات مهم آن در اینجا اشاره میشود .

نخستین نکته اینست که در ممالك آزاد اهمیت هرفرد بیشتر از پیش ظاهر گشت ودرنتیجه سعی کردنددرحدوداوضاع‌اقتصادی وسیاسی‌هر کشورتساوی‌فرصت

را برای همه فراهم سازند تا هر کس بتواند باندازهٔ استعداد فطری خود از تعلیم و تربیت برخوردار شود . ازینرو همه جا سن تعلیمات اجباری را چنانکه ملاحظه شد بالا بردند ـ وسایل تحصیل طبقات بی‌بضاعت را در دبیرستانها وهنرستانها و مدارس عالی ودانشگاهها مهیا کردند ـ دختران وزنان را تاجائی که روان شناسی وعلم اجتماع و نظم و آسایش کانون خانوادگی اجازه میدهد درمدارس فنی و عالی پذیرفتند .

دوم اینکه منظور از تحصیلات متوسطه وعالی که سابقاً تربیت رؤسای قوم و پیشوایان جامعه بود و بطبقات توانگر و اشراف اختصاص داشت تغییر یافت و راه ورود بدبیرستان ودانشگاه برای کلیهٔ اشخاص مستعد وبا هوش باز وهموار شد. باین ترتیب دستگاه موازی که پس از جنگ جهانی اول متزلزل شده بود تقریباً ازمیان رفت واعطای کمك خرج بجوانان مستعد درمدارس متوسطه و عالیه معمول ومقرر گشت. منظور کلی از تحصیلات متوسطه و عالی عبارت شد از بالا بردن سطح فکر وبهبود حال فرد وجامعه و غنی ساختن زندگانی کلیهٔ مردم اعم از توانگر و درویش ومرد و زن و برنا و پیر .

سوم اینکه امتیاز طبقاتی تقریباً تا حد زیادی لغو شد و دموکراسی که در اروپا بیشتر از لحاظ سیاسی وجود داشت تعمیم حاصل کرد . بوسیلهٔ وضع مالیات تصاعدی سنگین بر درآمد وارث تجمع سرمایه‌های هنگفت شخصی تقریباً ممتنع گشت و ازوجوهی که باین ترتیب بدست آمد وسایل تعلیم و تربیت در تمام مراحل برای هر کس در حدود استعدادش فراهم گردید .

چهارم اینکه کار دستی و بدنی که در اروپا مخصوص طبقهٔ کارگر و بی‌چیز بود و دیگران اشتغال بدان را مخالف حیثیت وشأن خود می‌پنداشتند بتدریج در اغلب مدارس آموخته و رائج شد . کار با دست که از قدیم در امریکا محترم بود رفته‌رفته در اروپا برای طبقات غیر کارگر مجاز شمرده شد و حتی در بسیاری از نقاط مورد توجه خاص قرار گرفت .

نکتهٔ پنجم اینکه نظارت دولت درعملی شدن آرمان و کمال مطلوب ملی بیشتر

شد . دولت انگلیس که تا پیش از جنك حتی وزارت فرهنك و حق مداخله درامور معارفی نداشت باوضع قانون ۱۹٤٤ بر تمام دستگاه فرهنك نظارت عالیه پیدا کرد و تمام کشور به ۱٤٦حوزه تقسیم.و بطور غیر مرئی نفوذش در آنها مؤثر گشت .

در ایالات متحدهٔ امریکای شمالی عدهٔ حوزه‌های فرهنگی بنصف عدهٔ قبل از جنك تقلیل داده شد ـ بـر کمك مالی دولتهای جزو به حوزه‌هاافزوده گشت ـ در واشنگتن وزارتخانهٔ جدیدی برای فرهنك و بهداشت تأسیس و بـر میزان کمك بفرهنك ایالات‌متحده اضافه گردیدوباین‌ترتیب‌دولت‌مرکزی‌بطورغیرمستقیم‌درنقاط مختلف نفوذ پیدا کرد .

در روسیه وزارت فرهنك ووزارت کار گران ذخیره از مسکو برتمام فرهنك جماهیرشوروی نظارت تام دارد وفقط جزئیات امور اداری وتأمین بودجه بدولتهای جزو وحوزه‌ها واگذار شده و آن نیز بانظارت حزب کمونیست انجام میگیرد .

آلمان غربی که در نتیجهٔ جنك بهفت کشور متحد و سه‌شهر مستقل تبدیل شد بموجب قانون اساسی ۱۹٤۹ هـر دولت نظارت کامل در فرهنك دارد و وزیران فرهنك برای یك نواخت کردن مبانی معارف جلسات ثابت و مشترك دارند .

ششمین‌نکته‌بسط وتوسعهٔ مناسبات وروابط فرهنگی‌میان ملل است . سازمان تربیتی و علمی‌وفرهنگی ملل متحد که بطور مختصر یونسکو (۱) نامیده میشود و پس از جنك جهانی دوم بوجودآمده ومرکز آن پاریس است یکی‌از عوامل مؤثر همکاری بین‌المللی درامور فرهنگی است . کتاب « فرهنك جهان » که درصفحات قبل بدان اشاره رفت‌یکی ازمظاهراین همکاری و حاکی‌ازنوع تحقیقات وتشریك مساعی مصادر فرهنگی عالم است .

هرسال‌عدهٔ کثیری استاد ودانشجو برای مطالعه وتحصیل وتدریس از کشوری بکشور دیگر می‌روند . بکمك یونسکو تعلیمات اساسی در بسیاری از کشور ها

(۱) United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization
هرگاه حروف اول این‌کلمات را بهلوی هم بگذارند میشود UNESCO

آغاز شده ـ صدها رساله و مجله و نشریه راجع بموضوعـات مختلف فرهنگی در ممالك جهان از قبیل تربیت معلم و آمـوزش سالمندان و کتب تربیتی جدیـد و ساختمان مدارس و تعلیمات اجباری و تعلیمات اساسی و مبارزه بـا بیسوادی مرتباً بطبع میرسد ودر تمام عالم توزیع میشود که بسیاری از آنها بسیار آموزنده وممتع و جالب است .

ادارهٔ همکاریهای فنی امـریکا (معروف به اصل چهـار) نیز در بسیاری از کشورها ـ و از آن جمله ایران ـ دربالا بردن سطح‌فرهنك وتعمیم معارف ومبادلهٔ دانشجو و استاد کمك شایان توجه میکند .

فهرست اصطلاحات فرهنگی

که اززبانهای اروپائی دراین کتاب آمده ومعادلهائی برای آنها بکاررفته است.

Accredited schools	آموزشگاههای معتبر
Anglican	پیروان مذهب رسمی انگلیس
Animisme	اعتقاد بهمزاد
Aspirant	پژوهان(دارندهٔ دانشنامهٔ ردیف‌لیسانس در روسیه که تحصیلات فوق‌لیسانس را دنبال میکند)
Assimilation	فراگیری
Association of schools	اتحادیهٔ مدارس
Aufbauschule	دبیرستان پرورنده
Candidat	داوطلب (دارندهٔ دانشنامهٔ فوق‌لیسانس درروسیه که ممکن‌است در صددگرفتن دکتری باشد)
Chapel	نمازخانهٔ (مدرسه)
Chevalerie	سازمان سوارکاری اشراف
Classique	باستانی
Convictus	آموزشگاه شبانروزی (یسوعیها)
Deutsche Oberschule	دبیرستان آلمانی
Ecole enfantine	آموزشگاه بچگان
Ecole maternelle	آموزشگاه مادرانه
Ecole unique Einheitsschule	دستگاه همگانی
Elective (course)	برنامهٔ انتخابی
Equalization	اصل تعدیل
Essai	تحقیق
Extra-curricular activities	کارهای فوق برنامه
Formal Discipline	ورزش ذهنی
Formal steps (of instruction)	مراحل منطقی
Graduate	فرهخته
Grundschule	آموزشگاه پایه
Humanisme	فرهنگ پژوهی
Induction	استقراء
Idéalisme	اصالت تصور
Indoctrination	القاء عقیده

Life adjustment education	سازگارکردن تربیت بازندگانی
Logique formelle	منطق صوری
Matérialisme dialectique	مسلك مادیت استدلالی
Méthodologie	منطق علمی
Mittelschule	آموزشگاه میانه
Monastère	خانقاه
Naturalisme	طبیعت دوستی
Niepolnaya Srednaya Shkola	دبیرستان غیرکامل (درروسیه)
Nursery school	آموزشگاه نونهالان
Organum	ارغنون
Philanthropinum	مدرسهٔ مردم دوستی
Pragmatisme	اصالت عمل
Preparatory school	مدرسهٔآمادگاه
Public School	آموزشگاه همگانی
Puritanisme	جنبش پیراستن کلیسا
Réalisme	حقیقت جوئی
Rhétorique	سخنرانی
Ritteracademie	دبیرستان اشراف
Reformschule	مدرسهٔ اصلاح شده
Scholasticisme	روش اهل مدرسه
Self activity	کارخود خواست
Séminaire	مجلس مباحثه
Srednaya Shkola	دبیرستان کامل (درروسیه)
Stoicisme	مکتب رواقیان
Studium genreale	مدرس همگانی
Test	آزمون
Totem	شعارقبیله
Understanding	خرد
Vocational education	تربیت حرفه‌ای
Volksschule	آموزشگاه توده (درآلمان)
vorschule	آموزشگاه مقدماتی (درآلمان)

مآخذ کتاب

Aristotle	Politics, translated by W. Ellis, London, 1939 Ethics, translated by D. P. Chase , London , 1942
Arnold, Sir Thomas and 12 others	The Lgacy of Islam, Oxford Univ. Press, 1943
Brockelmann, C.	History of the Islamic Peoples, London, 1949.
Browne, E. G.	A Literary History of Persia, 4 vols, London and Cam bridge, 1908 - 1924.
	Arabian Medicin, Cambridge Univ, Press, 1921
Buisson	Dictionnaire de Pédagogie, Hachette, Paris 1911.
Butts, R. F.,	A Cultural History of Education, Mc Graw-Hill Book Co., New York, 1947
Butts and Cremin, L. A.	A Hiostory of Education in Americau culture, Henry Holt and Co, New York, 1953
Counts G. S.	The American Road to Culture, New York, 1930
Compayré et Vial	Les Grands Educateurs de tous les temps, Mellottée, Paris
Compayré, Gabriel	Histoire de la Pédagogie, Paul Mellottée, Paris
Cramer, J. F. and Browne, G. S.	Contemporory Education, Harcourt, Brace and Co., New York, 1956
Croiset, Alfred et Maurice.	Histoire de la littérature grecque, 5 vol.,Paris, 1928
Cubberly	The History of Education, Houghton Mifflin, Boston, 1920
Demolins, E.	A quoi tient la supériorité des Anglo-Saxons? Firmin-Didot, Paris, 1927
Dent, H. C.	British Education, Longmans, London, 1949
Douglas, H, R.	Educ ation for Life Adjustment, Ronald Press, Co., 1950,
Draper, J. W.	History of the Intellectual Development of Europe, 2 vols.- Harper and Brothers, New York, 1918
Duggan, S. P.	A student's textbook in the Histoy of Education, Appleton-Century Co., New York, 1936
Dubeux, Louis	L'Univers, la Perse, Paris, 1881.

Durant, Will	The Story of Civilisation, vol. II and IV, Simond and Shuster, New York, 1942 - 1950
Elgood, Cyril	Medicin in Persia, Paul Hoeber, New York, 1934.
Fainsod, Merle	How Russi a is ruled, Harvard Univ. Press, Cambridge, 1953
Fitzgerald	The Rubaiyat of Omar Khayyam, Willey Book Co,. New York 1944.
Frazer, M. J.	Le Totémisme, tradiuit par Van Gennep, Reinwald, Paris, 1898
Gaer, Joseph	How the great religions began, Dodd, Mead and Co. New York, 1956
Good, C.	Dictionary of Education, Mc Graw-Hill Book Co., New York, 1945
Graves	A History of Education, 3 vol., the Macmillan Co., New York, 1922
Guex	Histoire de l'Instruction et de l'Education, Payot, Lausanne , 1913.
Hans, N.	Comparative Education, Routledge and Kegan Paul, London 1949
	The Principles of Educational Policy, London, 1929
Herodotus	History, translated by G, Rawlinson, 2 vols., edited by Blakeny, Dent and Sons. London, 1942
Kandel, I. L,	Comparative Education, Houghton Mifflin Co., Boston, 1932
	Educational Yearbook, International Institute of Teachers College, Columbia Univ. 14 vol. New York 1924-1937
	Examinations and their Substitutes in the United States, Carneigie Foundation, 1936
Kilpatrick, W. H.	Education for a changing civilization New York, 1931
Karpinsky	La Structure sociale et politique de l'U.R.S.S., Moscou, 1951.
Mc Grath	Educational Development in the U.S.A., 1950-1951 Federal Security Agency, Washington, 1951
Medinsky	Public Education in the U.S.S.R., Moscow, 1953
Monroe , Paul	A Text Book in the History of Education, the Macmillan Co., New York, 1926
	Cyclopedia of Education, 5 vols.,the Macmillan Co.. New York, 1911.

	A Brief Course in the History of Education, the Macmillan Co., New York, 1929
	Essays in Comparative Education, 2 vol., Bureau of Publications, Teachers College, Columbia Univ., New York, 1927-32
	Conference on Examinations, Teachers College, Columbia Univ., New York, 1931
Monroe, W. and others	Encyclopedia of Educational Research, Univ. of Illinois, the Macmillan Co., 1940
National Education Association	Policies for Education in American Democracy, Washington, 1946
Ogg and Ray	Essentials of American government, New York, 1952
Plato	The Republic, translated by J. Davies and Vaughan, Macmillan and Co., London, 1912
Raymont T.	Modern Education, London, 1939
Reisner, Ed.A.	Historical introduction to the study of Education, Teachers College, Columbia Univ., 1931
Richardson and Owen	Literature of the World, Ginn and Co..Boston, 1922
Roberts S.C.	Introduction to Cambrige, Cambridge Univ. Press, 1946
Rousseau, J.J.	Emile, Larousse, Paris
Runciman, Steven	The Iranian influence on the mediaeval culture of Europe, Anglo-Persian Institute, Tehran, 1943
Sarton, G.	The incubation of Western culture in the middle East, Library of Congress, Washington, 1952
	Introduction to the History of Science, 5 vols. Carnegie Institution of Washington, 1950
Seignobos Ch.	Cours d'Histoire, 5 vol., Colin, Paris, 1907
Shore, Maurice	Soviet Education, Philosophical Lib., New York, 1947
Toynbee, A.J.	A Study of History, abridgement by Somerwell, Oxford Univ. Press, 1947
Watson, F.	The Encyclopedia and Dictionary of Education, Pitman Sons Ltd, London, 1921

مطبوعات رسمی

۱ـ امریکا

Survey of Land-Grant Colleges and Universities, 2 vols., Washingson, 1930

Biennial Survey of Education in the U.S.A., Dept. of Health, Education and welfare, Washington, 1953-54

Accredited Higher Institutions, Fed. Sec. Agency, 1952

Statistics of Higher Education, Fed. Sec. Agency, 1949 1950

٢ ـ انكليس

Examiation in Secondary Schools, London, 1947.
Education in 1951, presented by the Minister of Education to Parliament, 1952
Education Act, 1944
The New Secondony Education, Ministry of Education 1947

٣ ـ روسية شوروى

L'Ecole dans l'U.R.S.S., Moscou, 1933
The Higher School in the U.S.S.R., Moscou, 1933
Soviet Calendar, 1917–1947
Lénine, sa vie et son oeuvre, Moscou, 1946
Rapport au XIXe Congrès de l'U.R.S.S. par G. Malenkov, Oct. 1952
IIIe Congrès international d'art et d'archéologie iraniens Léningrad 1935, Académie des Sciences, Moscou, 1939

٤ ـ فرانسه

Livret de l'Etudiant, Univ. de Paris, 1952-1953
L'Organisation de l'Enseignement en France, Centre National de documentation pédagogique, Paris, 1952

٥ ـ يونسكو

World Survey of Education, UNESCO, Paris, 1955
Répertoire international de l'Education des adultes, UNESCO, Paris, 1953.

فهرست نامها

الف

آبلارد ۷۱، ۷۲، ۸۰
آتن ـ اتنیها ۱، ۲، ۴، ۶، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۳۴، ۴۲، ۵۸
آتیك ، شبه‌جزیره ۱، ۳، ۱۰
آدریاتیك، دریا ۴۹
آذربایجان ۳۱۲، ۳۲۴
آرکانجل ۳۰۹
آریان‌پور، امیرحسین ۲۸۸
آری‌یانه ،(کتاب آبلارد) ۷۱
آسیا ۵۷، ۱۰۹، ۱۳۶، ۲۷۱، ۳۰۹
آسیای صغیر ۲۱، ۲۴، ۲۷، ۴۲، ۴۶، ۵۷، ۷۶
آسیای غربی ۱۸
آکادموس ۱۵
آکادمی (افلاطون) ۱۵، ۹۱
آکادمی(نوعی‌دبیرستان) ۱۳۴، ۱۵۲، ۱۶۱، ۲۱۶
آکریکلا ۹۷
آلاریك ۵۰
آلبانی (پایتخت نیویورك) ۲۹۶
آلبرت‌بزرك ۶۶، ۷۲، ۷۳
آلبی (شهرفرانسه) ۱۰۹
آلمان ، آلمانی ۲۴، ۲۷، ۳۸، ۵۰، ۵۵، ۶۶، ۷۷، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۷، ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۴۶، ۱۵۱، ۱۶۱، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۵، ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۱۵، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، **۲۳۲** تا **۲۴۰**، ۲۸۲، ۳۱۶، ۳۲۲، ۳۳۱، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۷
آموزشگاه بچگان ۲۲۵، ۲۲۶
آموزشگاه پایه ۲۳۲، ۲۴۰، ۲۴۲
آموزشگاه توده ۲۳۱، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۳
آموزشگاه عالی‌فنی کالیفرنیا ۳۰۳
آموزشگاه عالی‌فنی ماساچوستس ۳۰۳
آموزشگاه ،اموزشگاههای مادرانه- رجوع کنید به مدارس
آموزشگاه میانه ۲۳۱، ۲۴۰، ۲۴۴
آموزشگاههای‌فردا (دیوئی) ۲۸۸
اموزشگاههای همگانی (دوانگلیس) ۱۰۶، ۱۵۹، ۱۶۰، ۲۱۶، ۲۶۰، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۸
آموزش وپرورش(تألیف کب) ۲۱۵
آموزش وپرورش (تألیف میلتن) ۱۳۳
آموزش‌وپرورش‌تطبیقی(تألیف‌دکترهنس) ۲۶۵
آندرونیکوس ۲۷، ۸۹، ۳۱۴
آنسلم ۷۰
آنگل (قبیله) ۵۱
آودوواکار ۵۱
آوورکادرو ۲۰۹
آوینیون (شهرفرانسه) ۸۳
ابن‌رشد ۵۹، ۶۳، ۶۷
ابن‌سینا ۵۹، ۶۱، ۶۶، ۶۷، ۷۳، ۸۰
ابن مقفع ۶۱
ابوسهل (پسر نوبخت) ۶۱
ابن ندیم ۶۱
ابن‌یامین تودل ۶۴
ابواحمدمهرجانی (ازاخوان‌الصفا) ۵۹
ابومعشربلخی ۶۵
ابیقور ۵، ۱۳، ۱۷، ۴۵
اپیکور ـ رجوع کنید به‌ابیقور
اتحاد جماهیرشوروی- رجوع کنید به‌روسیه
اتریش ۲۴، ۱۱۸، ۱۲۲، ۲۱۷، ۲۳۰

احمر، دریا ۶۲
اخلاق (ارسطو) ۱۳، ۸۰
اخوان الصفا ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳
ادرنه ۵۰
ادلهارد ۶۵
ادمس (مؤلف تمدن قرون وسطی) ۸۴
ادوارد ششم ۱۱۵، ۱۶۰
اراتستن ۲۰، ۱۳۵
اراسم ۸۲، ۹۸، ۹۹، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۲۹
ارسطو ۴، ۱۳، ۱۶، ۲۰، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۶۷، ۷۰، ۷۱، ۷۳، ۸۰، ۹۶، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۵
ارشمیدس ۲۰، ۱۳۵
ارغنون (ارسطو) ۸۰، ۱۴۲
ارغنون نو (بیکن) ۱۴۲، ۱۴۳
ارمنستان ۴۸، ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۱۸، ۳۲۴
اروپا، اروپائیان ۶، ۱۵، ۲۰، ۲۱، ۳۸، ۵۱، ۵۶، ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۸۶، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۳۶، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۲، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۸۴، ۲۲۷، ۲۳۱، ۳۰۹، ۳۳۲، ۳۳۶
اریستفان ۱۰
ازبکستان ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۲۴
ازمیر ۱۸
ازوپ ۸، ۳۲
اژه، دریا ۱۹
اسپارت ـ اسپارتیها ۱، ۳، ۴، ۵، ۱۰، ۱۲
اسپانی ۲۲، ۲۴، ۲۷، ۳۸، ۵۰، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۹۴، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۸۹، ۲۵۹، ۲۷۱
اسپنسر، هربرت ۱۷۶، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۵، ۲۲۰
استانبول ۲۱
استالین ۳۱۱
استانز، دهکده ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۸۵
استرابون ۱۳۶
استراسبورك ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۱۳، ۱۱۷
استرالیا ۳۸
استین، چاپخانه ۹۶
استوی ۱۹۶
اسکاتلند ۱۱۴، ۱۱۵، ۲۲۵، ۲۷۰
اسکارسدیل ۲۹۳
اسکاندیناوی ۱۱۶
اسکندرمقدونی ۱۸، ۲۶
اسکندریه ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۴۵، ۶۴، ۷۶، ۱۳۵
اسلام، اسلامی ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۷۴، ۱۳۷
اسلاو ۵۱
اسمیث هیوز، قانون ۲۷۹، ۳۰۲
اشبیلیه ۶۴، ۷۶
اشپیگل ۲۳۶
اشتورم ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۱۳
اشعری ۶۳
اشعیاء (کتاب تورات) ۴۰
اشکانی ۲۴
اشیل ۱۰
اطلس نو ۱۴۳
افریقا ۲۴، ۲۷، ۳۸، ۵۰، ۶۴، ۱۳۶
افلاطون ۱۳، ۱۵، ۷۰، ۹۱
افلاطونیان جدید ۶۱
افیسوس ۵۷
اقبال، عباس ۵۹، ۶۱
اقلیدس ۲۰، ۶۵، ۱۳۵
اکسفورد، دانشگاه ۳۶، ۷۷، ۹۸، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۳۲، ۱۵۲، ۲۱۶، ۲۶۸، ۲۶۹
اگوست (امپراطور روم) ۴۸
اگوست کنت ۲۲۱
اگوستن ۹۲
الب، رودخانه ۲۷
الدر، دکترجان ۱۱۱
الدنبورك ۱۹۰
العوفی (ازاخوان‌الصفا) ۵۹
الفرد بزرك ۵۶، ۵۷

الکساندراول ۳۱۲
الکوئین ۵۵
المجسط ۶۵
المقدسی ، محمدبن نصر بستی ـ ابوسلیمان ۵۹
الیزابت (ملکه انگلیس) ۱۱۵، ۱۱۶ ، ۱۶۳
الیوت ، چارلز ۲۱۵
امریکا ـ امریکائی ـ امریکائیان ۶، ۱۵، ۳۸، ۴۳، ۸۱، ۱۱۶، ۱۳۴، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۷۶، ۱۸۴، ۱۸۹، ۱۹۶، ۲۰۴، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۱۸، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۸، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۹، **۲۷۱** تا **۳۰۸**، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷
امریکای جنوبی ۳۸، ۲۵۹
امریکای مرکزی ۳۸
امیل (روسو) **۱۶۷** تا **۱۷۲**، ۱۷۶ ، ۱۷۸ ، ۱۸۰
امین مصری، استاد احمد ۷۴
انترلاکن ۱۹۰
انجمن ملی برای مطالعهٔ امور فرهنگی (امریکا) ۲۹۸
انجیل ۵۳، ۸۰، ۹۴، ۹۵، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۱۸، ۲۰۸
اندرزدربارهٔ فرستادن کودکان بآموزشگاه (لوتر) ۱۱۲
اندلس ۵۹، ۶۵، ۶۷
انطاکیه ۴۵، ۵۸
انکسیمانوس ۱۱
انگلز ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۳۵
انگلستان نو ۲۸۱، ۲۸۲
انگلهارت، الکساندر ۳۰۷
انگلیس ـ انگلیسی ـ انگلستان ۲۳، ۳۶، ۳۸، ۵۵، ۵۶، ۶۵، ۷۰، ۷۳، ۷۷، ۸۱، ۸۶، ۹۴، ۹۵، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۲، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۱، ۱۸۹، ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۲۴ ، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۳۰، ۲۳۶، **۲۵۸** تا **۲۷۰**، ۲۷۱، ۲۷۲، ۳۳۳، ۳۳۷
انگلیکن ۲۵۹
انوری ۱۳۱
انوشیروان ساسانی ۴۳
انه ئید ۳۳
اوبرونال شوله ۲۱۶، ۲۳۳
اوبرشوله ۲۴۲
اودیسه ۵، ۸، ۲۷، ۱۹۴
اورفه ۴۵
اوکراین ۳۱۸
اون، روبرت ۲۲۵، ۳۱۳
اویه ۱۱۴
ایپر (شهرفرانسه) ۱۲۳
ایتالیا ۲۲، ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۳۸، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۷۳، ۷۷، ۸۲، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۳۴، ۱۳۹، ۱۴۰، ۲۵۹
ایتن ، آموزشگاه همگانی ۳۶ ، ۱۰۶ ، ۱۰۷ ، ۱۳۲
ایران ، ایرانیان ۲، ۳، ۴، ۶، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۹، ۲۱، ۲۴، ۳۵، ۴۰، ۴۳، ۴۸، ۴۹، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۶۷، ۶۸، ۷۳، ۷۴، ۱۰۹، ۱۶۴، ۲۳۸، ۲۴۸، ۳۰۹، ۳۳۸
ایرانی، زبان ۱۹
ایرلاند ۱۱۶
ایسقراط ۱۷
ایسلبن ۱۱۳
ایلنوی ۲۹۳
ایلیاد ۵، ۸
ایلیری ۲۴، ۲۷
اینسان سوم ۱۰۹
ایوان مخوف ۳۱۰
ایوردن ،شهر ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۷، ۲۱۹

ب

بابل ، ۴۰، ۴۱
بات ، شهر ۶۵
باد (ایالت) ۱۱۰
بارتولومه ۲۳۶
بارزیزا ۸۹
بارنارد، هانری ۲۸۲
باسدو **۱۷۶ تا ۱۷۸** ، ۲۲۴
بال (شهر) ۹۸، ۱۴۰
بالکان ۲۴، ۵۰
باویر ۱۲۷
بیل ۳۱۴
برادران توده ، فرقهٔ دینی ۹۶، ۱۰۰ ، ۱۰۸ ، ۱۲۱
برادران مدارس مسیحی، مؤسسه ۱۲۴
براون، ادوارد ۵۹، ۶۱، ۶۳
بردو، بندر ۹۶
برکهارت ۸۵
برلین ۶۶، ۱۴۶، ۱۸۸، ۱۹۹، ۲۳۸
برمینگام ۲۱۶
برن ۱۸۱، ۱۹۰
بروک ، شهر ۱۸۵
برونو ۱۳۹
بریتانیا ۲۲، ۲۴، ۵۱، ۵۳، ۵۶، ۱۱۴، ۲۷۰
بازشدن درزبانها (تألیف کمنیوس) ۱۴۶
بازی‌مادرو سرودهای‌پرستار(فربل) ۱۹۸، ۲۰۲
بسوه ۱۲۲
بصره ۵۸، ۶۱
بطلمیوس ۲۰، ۶۱، ۶۵، ۱۳۸، ۱۳۹
بغداد ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۷۷
بقراط ۶۵، ۸۰، ۱۳۵، ۱۴۰
بکل ۲۱۵
بل ، اندرو ۲۴
بلانکن بورگ ۱۶۸، ۲۰۱
بلژیك ۵۵، ۵۶، ۱۲۳، ۲۳۰
بلغارستان ۵۱
بن ۲۳۸
بندیکت ۴۷، ۵۳
بنی‌اسرائیل ــ رجوع کنیدبه کلیمی
بنی‌امیه ۶۷
بنی‌عباس ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۶۳
بهرام‌بن مروان شاه ۶۱
بهشت ازدست رفته (تألیف‌میلتن) ۱۳۳
بودا ۱۰۹
بورگدورف ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۹۰
بورن ۱۸۵
بولگانین ۳۱۱
بولونی ، دانشگاه ۷۶، ۷۷
بوکاس ۸۹، ۹۰
بوکولیك (ویرژیل) ۳۳
بوهم ۱۱۰
بوئسی ۱
بویه ۵۹
بیت‌المقدس ۴۰، ۷۴
بیزانس ۲۱، ۵۷، ۵۸، ۸۹
بیشا ۲۰۸
بیکن ، فرانسیس ۸۲، ۱۳۲، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۵
بینه ۳۰۶

پ

پاپ ۴۶، ۵۵، ۶۶، ۷۸، ۸۳، ۸۷، ۸۸، ۹۵، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۳۹، ۱۴۰
پاراسلسوس ۱۴۰
پاریس ، دانشگاه شهر ۶۶، ۷۱، ۷۷، ۸۲، ۹۸، ۱۰۵، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۶۶، ۲۴۶، ۲۵۰، ۲۵۴، ۲۷۲، ۳۳۷
پاسکال ۱۲۴

پالیسی، برنارد ۱۴۱
پانتاگروئل ۱۲۹، ۱۳۰
پاوی ۹۱
پترارك ۸۲، ۸۸، ۷۹، ۹۰
پرت روایال دشامپ ۱۲۳
پرتستان، پرتستانها ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۴۶، ۱۵۳، ۱۶۵، ۲۳۰، ۲۵۹، ۳۰۳
پرتقال ۳۸، ۷۷
پرتواسلام ۷۴
پرکام ۱۹
پرورش دختران (تالیف فنلن) ۱۲۶
پرورش کودکان (تالیف اراسم) ۹۹
پروس ۵۶، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۹، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲
پریکلس ۱۰، ۲۲
پستالزی ۱۵۱، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، **۱۷۹** تا **۱۸۹**، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۴، ۲۸۲
پل - پولس رسول ۱۰۲
پلاته ۹
پلوپونز ۱۰، ۱۲
پلوت ۱۰۳
پلین ۱۳۶
پمپئی ۳۱
پنات (خدای رومیها) ۳۹
پهلوی، زبان ۵۷، ۵۸، ۶۱
پوتسدام ۱۸۹
پی دوم، پاپ ۹۳
پیر امباردی ۸۰
پین کوپیچ (مؤلف تربیت جدید در شوروی) ۳۱۴

ت

تاتار ۳۰۹
تاجیکستان ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۲۴
تارانت ۲۷
تاریخ ادبی ایران (تالیف براون) ۵۹، ۶۱، ۶۳
تاریخ اصلاحات کلیسا ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۹
تاریخ آموزش و پرورش (تالیف کبرلی) ۸۴
تاریخ فرهنك ایران ۳۵، ۷۴، ۲۲۲
تالراند ۲۴۵
تب ۱
تحقیق، کتاب (تالیف مونتنی) ۱۳۱
تحقیق درباره خرد آدمی (تالیف لك) ۱۵۶
تخنیکوم ۳۲۲، ۳۲۸
ترانت، شورای مذهبی ۱۱۸
ترانس ۱۰۳
تربیت جدید در شوروی (تألیف پین کوپیچ) ۳۱۴
تربیت و تعلیم عصر حاضر ۳۲۹، ۳۴۰
ترسوس - تارس ۱۹
ترك - ترکها ۶۳، ۹۰
ترکمنستان ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۲۴
ترکیه ۳۸
ترمن ۳۰۶
تعلیم و تربیت، مجله ۲۱۲
تلمود ۴۱
تماس اکیناس ۷۲، ۷۳
تمدن اسلامی ۶۴
تمدن رنسانس در ایتالیا (تالیف بورکهارت) ۸۵
تمدن قرون وسطی (تالیف ادمس) ۸۴
تمیستوکل ۱۰
تنظیم برنامه (تألیف اگریکلا) ۹۷
تور (شهر فرانسه) ۵۵، ۶۲
تورات ۲۰، ۴۰، ۴۱، ۵۳، ۸۰، ۹۵، ۱۰۲، ۱۱۸، ۱۳۰، ۲۰۸
توسیدید ۱۰، ۱۰۳
تئودوز ۳۸، ۴۲
ته‌اوگنیس ۸
تیت لیو ۱۱۴
تیسفون ۶۱۸

تیکوبراه ۱۳۹
تیلسیت ۲۲۸

ث

ثرندایك ۳۰۶

ج

جالینوس ۱۹، ۶۱، ۶۵، ۸۰، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۰
جامی ، عبدالرحمن ۷
جان بیست ودوم ، پاپ ۸۳
جانز هاپکینز، دانشگاه ۳۰۳
جان کلت ۱۰۴، ۱۰۵
جان نکس ۱۱۵
جان هوس ۱۱۰
جفرسن ، تماس ۲۱۹
جمعیت امریکائی تحقیق درباب تعلیم و تربیت ۲۹۸
جمهوری ـ جمهوریت (افلاطون) ۱۳، ۱۶
جهانس هیسپالنسیز ۶۷
جیمس ، ویلیام ۲۸۸، ۲۸۹، ۳۰۵

چ

چندانديشه در بارهٔ آموزش وپرورش (تالیف لك) ۱۵۷
چکواسلواکی ۱۱۰، ۱۴۵
چگونه کرتروود فرزندان خود را میآموزد (تالیف پستالزی) ۱۸۲

ح

حاجی طرخان ۳۰۹
حاوی ، کتاب (تالیف رازی) ۶۵، ۶۷
حسن بن سهل ۶۱
حنین بن اسحق ۶۵

خ

خارکف ۳۲۴
خالد برمکی ۶۱
خاندان نوبختی ۵۹، ۶۱
خانهٔ سیلمان ۱۴۳
خزر، دریا ۳۱۲
خلیلی ، عباس ۷۴
خوارزمی ـ رجوع کنید به محمدبن موسی خوارزمی
خواجه عبدالله انصاری ۱۵۷
خوزستان ۵۷

د

داروین ۲۰۸، ۲۱۵
داستان واندوز (اراسم) ۹۸
داسی ، ایالت ۴۹
دالامبر ۱۶۴
دالتن ۲۹۳
دانته ۸۲
دانشسرا ۱۲۵، ۲۰۵، ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۶۸، ۲۸۲، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۲۶، ۳۲۸
دانشسرایعالی (امریکا) ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷
دانشسرایعالی آموزش ابتدائی ۲۴۶

دانشسرایعالی پاریس ۱۸۹، ۲۵۰
دانش وپرورش (تالیف هکسلی) ۲۱۳
دانشکدهٔ کارگران ۳۲۱، ۳۲۳
دانمارک ۵۱، ۵۶، ۷۷، ۱۳۹
دانوب ، رود ۲۴، ۲۷، ۴۹
دبیرستان اختصاصی (روسیه) ۳۲۲، ۳۲۳
دبیرستان آلمانی ۲۳۴
دبیرستان پرورنده ۲۳۵، ۲۴۲
دبیرستان صرف و نحو ـ رجوع کنید به صرف و نحو
دبیرستان غیرکامل (روسیه) ۳۱۷
دبیرستان کامل (روسیه) ۳۱۸، ۳۱۹
دبیرستانهای اشراف (المان) ۲۱۵
دربارهٔ ادب ورفتار کودکان (تالیف اراسم) ۹۹
دستگاه همگانی (درفرانسه) ۲۴۸
دسو (شهرالمانی) ۱۷۷
دکارت ۱۲۳، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۵
دموستن ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۱۴
دمیا ۱۲۵
دورهٔ تکمیلی (درفرانسه) ۲۴۶
دولوایولا ، اینیاس ۱۲۰
دون ژوان اتریشی ۱۲۲
دونتر (شهر) ۹۷، ۹۸
دونو ۲۴۵
دیدرو ۱۲۲، ۱۶۴
دیژن (شهر) ۱۶۷
دیفو ، دانیل ۱۷۱
دیوئی ، جان ۲۰۴، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۳۰۵

ر

رابانوس ۵۶
رابله ۱۲۹
رازی ،محمد زکریا ۶۵، ۶۷، ۷۶
رسل،ویلیام ۳۰۸
رسلن ۷۰، ۷۱
رفائیل (نقاش) ۱۵، ۸۷
رکفلر ۲۸۱
رک ، هارولد ۳۰۶
رمس ۱۲۵
رن، رودخانه ۲۴، ۴۹، ۱۱۰
رن، رودخانه ۴۶، ۵۱، ۵۵
رنسانس ۷۴، ۷۸، ۸۴، ۹۱، ۹۵، ۱۰۵، ۱۶۳، ۲۱۳
روبین‌سن کروزه ۱۷۱، ۱۷۷
روبین‌سن کروزه سویسی ۱۷۷
روبین‌سن کروزه کوچك ۱۷۷
رواقیان ۱۶، ۱۷
روح قوانین (تالیف منتسکیو) ۱۶۴
رودس ، جزیره ۱۹، ۳۴
رودیه ـ رجوع کنید به ابن مقفع
روس ـ روسیه ۲۴، ۳۸، ۴۳، ۱۸۴، ۱۸۹، ۲۰۵، ۲۲۷، ۲۳۰، ۲۳۸، ۲۶۱، **۳۰۹** تا **۳۳۱**، ۳۳۵، ۳۳۷
روسو ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۶۳، **۱۶۵** تا **۱۷۶**، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۵
روسیهٔ سفید ۳۲۴
روش صحیح تحصیل (تألیف اراسم) ۹۹، ۱۰۰
روش نوین درآموزش وپرورش ۲۶۴
روکبی (آموزشگاه همگانی درانگلیس) ۳۶، ۱۰۶
روم، رومی ۴، ۱۳، ۱۸، ۱۹، ۲۰، **۲۱** تا **۳۸**، ۳۹، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۸۱، ۸۵، ۸۶، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۲، ۹۳، ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۴، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۵۲، ۱۶۰، ۱۸۷، ۲۰۷، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۳۲
رومانف ۳۱۰
رویخلین ۹۷
رها ۴۵، ۵۷
رهنمای خرد (تالیف لك) ۱۵۷، ۱۵۹
رئال پروژیمناز ۲۳۳

رئال ژیمناز ۲۱۶، ۲۳۳، ۲۴۴
رئال‌شوله ۱۵۱، ۲۱۶، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۴۰، ۲۴۴، ۳۱۶، ۳۲۸
رؤس عقاید تربیتی (تالیف‌هربارت) ۱۹۱
ریشلیو ۱۲۲

ز

زادویه ۶۱
زردشت ۱۰۹
زریاب (موسیقی‌دان ایرانی) ۶۷
زوریخ ۱۷۹، ۱۸۵
زیدبن رفاعه ۵۹
زیرکزاده ، غلامحسین ۱۶۷
زیلر ۱۹۶
زینون ۱۳، ۱۶، ۱۷

ژ

ژاپن ۳۱۰
ژانسن، ژانسنی،ژانسنی‌ها ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۶۱
ژان‌کالثاس ویسکنتی ۹۱
ژانوس (خدای رومیها) ۳۹
ژرارد ۶۵، ۶۷
ژرم (ازپدران دین‌مسیح) ۱۰۲
ژرمن،ژرمنها ۳۷، ۴۳، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۵۵
ژن ، بندر ۸۸
ژنو ۱۱۴، ۱۶۵
ژوستی نین ۱۸، ۳۷، ۴۳، ۵۲، ۵۸، ۸۰
ژوهان وسل ۹۷
ژه‌اورژیك (تالیف‌ویرریل) ۳۳
ژیمناز ۶، ۲۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۴۶، ۱۵۱، ۱۶۱، ۱۹۰، ۱۶، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۴۲، ۳۱۶، ۳۲۸

س

سازمان معارف درفرانسه ۲۵۷
ساسانی ، ساسانیان ۵۷، ۱۰۹
ساکس ۱۱۳
ساکس مینینگن ۱۹۸
ساکسون ۵۱
سالامین ۹
سالرن ۷۶
سالمان ۲۳۶
سالوست ۳۳، ۱۰۳
ساوا (بخشی درفرانسه) ۱۶۶
ساویت ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۶
ستایش دیوانگی (تالیف‌اراسم) ۹۸
سرخس ۳۱۲
سرگذشت تلماك (تالیف فنلن) ۱۲۶
سریانی ، زبان ۱۹، ۵۷، ۵۸، ۶۱، ۳۴۰
سفید، دریا ۳۰۹
سقراط ۱۴، ۱۵
سن‌پطرزبورگ ۳۱۴
سن‌پل، کلیسا ۱۰۵
سن‌پل ، مدرسه ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۵
سوتو ۲۷۲
سوریه ۴۸، ۵۲، ۵۷، ۶۱
سوفسطائی ، سوفسطائیان ۱۲، ۱۳، ۱۷، ۳۳
سونوکل ۱۰
سوئد ۷۷، ۲۵۹
سویس ۲۴، ۹۴، ۹۸، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۴۰، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۶، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۸
سیاست (کتاب ارسطو) ۱۳، ۸۰
سیاست (کتاب‌افلاطون) ۱۶
سیرحکمت دراروپا ۷۰ ، ۱۴۵
سیسرون ۱۹، ۳۴، ۳۵، ۹۳، ۱۰۳، ۱۱۴، ۱۲۱، ۱۲۸
سیل ۲۶، ۶۶، ۶۷

ش

شاپوراول ساسانی ۱۰۹
شارل اول (پادشاه ناپل)۶۷
شارل پنجم(امپراطور آلمان) ۱۱۱، ۱۲۲
شارل هشتم (پادشاه فرانسه) ۹۵
شارل مارتل ۶۲
شارلمانی ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۶۹، ۷۵، ۷۷
شرح کتاب مقدس (تألیف اگوستن) ۹۲
شمال ، دریا ۵۶
شهرخدا (تألیف اگوستن) ۹۲
شوروی ـ رجوع کنید به روسیه
شهید ثانی ۲۲۲
شیکاگو ۱۹۶، ۲۸۸

ص

صرف ونحو ، آموزشگاه ـ مدرسه ـ دبیرستان ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۷، ۱۵۹، ۱۶۱، ۲۶۴
صرف ونحو آسان (تألیف کمنیوس) ۱۴۶
صلیبی ، جنگ ـ جنگها ۷۴، ۸۸، ۱۰۹، ۱۳۷

ض

ضحی الاسلام ۷۴

ط

طالس ۱۱، ۱۳۵
طبرنه ، جزیره ۴۵
طلیطله ۶۴، ۶۵

ظ

ظهیرالدین بابر ۷

ع

عباسی ـ عباسیان ـ رجوع کنید به بنی‌عباس
عبری، زبان ۱۹، ۲۰، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۵۲، ۳۱۸
عبدالرحمن دوم اموی ۶۷
عبدالله (پسرابوسهل پسرنوبخت)۶۱
عبدالله بن زبیر۶۷
عدسه ۳۲۴
عرب ـ عربها . عربستان ۲۱، ۵۷، ۵۸، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۶، ۶۷
عربی، زبان ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۶۵، ۶۷، ۶۸، ۷۶، ۱۳۰
عزراء (کتاب تورات) ۴۰
عقاید (تألیف پیرلمباردی) ۸۰
علم پرورش (تألیف هربارت)۱۹۱
علی‌بن هارون زنجانی ، ابوالحسن (از اخوان الصفا) ۵۹
عمربن فرخان ۶۱

غ

غرناطه ۶۴، ۷۶
غزالی ، امام محمد ۵۹، ۶۱، ۶۶، ۷۳

ف

فارابی ۵۹، ۶۱، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۷۳
فجرالاسلام ۷۴
فخرالدین رازی ۶۷
فرانسه، کشور- زبان ۲۲، ۳۸، ۴۷، ۵۰، ۵۵، ۵۶، ۶۰، ۶۲، ۶۷، ۶۸، ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۷۷، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۶، ۹۵، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۴۳، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۶، ۱۸۹، ۲۱۶، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۳۰، ۲۳۸، **۲۴۵** تا **۲۵۷**، ۲۷۱، ۳۰۶، ۳۳۳
فرانسوای نخست (پادشاه فرانسه) ۹۵، ۹۶، ۱۱۳، ۲۵۴
فرانکفورت ۱۸۹، ۱۹۷
فرانک‌ها ۵۱، ۵۵، ۶۲
فربل ۱۵۱، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۸، ۱۹۰، **۱۹۶** تا **۲۰۵**، ۲۱۰، ۲۲۰
فرد ۲۸۱
فردریك (امپراطور آلمان) ۶۶، ۸۷
فردریك باربروس ۷۷
فردریك بزرگ (امپراطور آلمان) ۲۱۸، ۲۲۸
فرج‌بن سالم کلیمی ۶۷
فرهنك ایران وتأثیر آن درتمدن اسلام و عرب ۷۴
فرهنك جهان (ازانتشارات یونسکو) ۲۲۴، ۲۷۰، ۳۱۸، ۳۳۷
فروغی، محمدعلی ۷۰، ۱۴۵
فضل‌الله (پسرابوسهل پسرنوبخت) ۶۱
فلاندر ۵۶
فلتر ۹۱
فلسطین ۴۱، ۵۲
فلورانس ۹۰، ۹۱، ۹۴، ۹۵
فلوطین ۴۳
فلوگل ۲۳۶
فن‌بولو ۱۹۸، ۲۰۵
فنلن ۱۲۶
فولدا، خانقاه ۵۶
فهرست (تألیف ابن ندیم) ۶۱
فهرست (دربار پاپ) ۱۱۹
فیثاغورث ۱۱
فیثاغورثیان ۶۱
فیدیاس ۱۰
فیشته ۱۸۹، ۲۲۹
فیلیپ ششم (پادشاه فرانسه) ۸۲
فیلیپ مقدونی ۱۳

ق

قازان ۳۰۹، ۳۲۴
قانون (تألیف ابن سینا) ۶۶، ۶۷، ۸۰
قاهره ۶۴
قباد ساسانی ۵۷
قبرس ۱۹
قرآن ۵۷، ۶۰
قرارداد اجتماعی (تألیف روسو) ۱۶۷، ۱۸۰
قرطاجنه ۴۵
قرطبه ۶۴، ۶۵، ۶۷، ۷۶
قسطنطنیه ۲۱، ۴۲، ۵۷، ۸۹، ۹۰
قسطنطین ۴۲
قسطنطین افریقائی ۶۷، ۷۶
قفقاز ۴۹، ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۲۴
قیصر (امپراطور روم) ۱۹، ۳۴، ۱۱۴
قیصریه ۴۵

ك

کاترین دوم ۳۱۲
کاتولیك ۷۳، ۱۰۲، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۹،

۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷، ۲۳۰، ۳۰۳
کارابتدائی (تألیف باسدو) ۱۷۶
کارنگی ۲۸۱
کاسینو، کوه (خانقاه) ۴۷
کاسیوس ۱۹، ۳۴، ۴۸
کالج شهرستان (درانگلیس) ۲۶۳، ۲۶۸
کالون ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۲۹، ۱۶۳، ۱۶۵
کالیفرنیا ۳۰۳
کانادا ۱۱۶
کانت، ایمانوئل ۱۷۸
کبرلی (مؤلف تاریخ آموزش وپرورش) ۸۴
کپرنیك ۸۲، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۲۰۷
کپلر ۱۳۹، ۱۴۰
کتاب روش (تألیف باسدو) ۱۷۷
کتاب مقدس ۹۲، ۹۴، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۲۴، ۱۲۹، ۱۳۶
کدام دانش بزرگترین ارزش را دارد (تألیف اسپنسر) ۲۱۱
کرتس ۲۷۱
کردریوس ۱۱۴
کرمون (شهر) ۶۵
کرنل، دانشگاه ۳۰۳
کرنی ۱۲۲
کریزولوراس ۸۹، ۹۰
کریمر، دکتر ۳۲۹، ۳۳۰
کسلر ۲۳۶
کسم دومدیسیس ۹۱
کلت، جان ـ رجوع کنید به جان کلت
کلرکالج ۷۹
کلژ (دبیرستان در فرانسه) ۲۴۵، ۲۵۰
کلژ دوفرانس ۹۶، ۲۵۴
کلدانی ۱۳۰، ۱۳۴
کلمبیا، دانشگاه ۲۰۴، ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۰۷
کلیمی ۱۹، ۲۰، ۴۱، ۴۳، ۶۱، ۶۳، ۶۵، ۶۷، ۷۶، ۳۱۸
کم، رودخانه ۷۹
کمب، جرج ۲۱۵، ۲۱۶
کمدی الهی (تألیف دانته) ۸۲
کمنیوس ۱۳۲، **۱۴۵** تا **۱۵۱**، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۷۷، ۱۷۸
کناره، آموزشگاه ۱۱۴
کنتوربوری ۷۰
کنتی لین ۳۵
کندرسه ۲۴۵
کندل ۳۰۶
کنستانس ۱۱۰
کنعان ۴۰
کنیگسبرگ ۱۸۹، ۱۹۱
کورش ۱۳، ۴۰
کورش نامه ۱۳
کورونادو ۲۷۱
کوزن، ویکتور ۱۸۹
کوفه ۵۸، ۶۱، ۶۲
کونتس، جرج ۳۰۶
کوهن، ارنست ۲۳۶
کیف ۳۲۴
کیل پاتریك، ویلیام ۳۰۵
کیلهو، دهکده ۱۹۷، ۱۹۸
کیمبریج، دانشگاه ۳۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۹۸، ۱۰۳، ۱۳۲، ۱۴۲، ۱۵۲، ۲۱۶، ۲۶۸، ۲۶۹
کیمیا، کتاب ۷۶

گ

گارگانتوا ۱۲۹
گالیله ۸۲، ۱۴۰
گرجستان ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۱۸، ۳۲۴
گردش افلاك (تألیف کپرنیك) ۱۳۸
گرگوار نهم، پاپ ۸۷
گروزدو ۳۱۳
گروسین ۱۰۳، ۱۰۴
گریم بولد ۵۶

گزنفون ۱۳، ۱۱۴
گفتار... (تالیف دکارت) ۱۴۳
گفت وشنود (تالیف اراسم) ۹۸
گل ۲۲، ۲۴، ۲۷، ۴۶، ۵۰، ۵۱، ۵۲
گلدنر ۲۳۶
گلوستر ۱۰۳
گند شاپور ۵۷
گودرز (پدر نوبخت) ۶۱
گوین، مدرسه ۹۶
گیزو ۲۴۵، ۲۴۶
گیگر ۲۳۶
گیوم بوده ۹۵

ل

لاپلاس ۲۰۸
لاتین-لاتینی ۲۲، ۲۵، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۸، ۵۱، ۶۵، ۶۷، ۶۸، ۷۶، ۸۰، ۸۵، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۲، ۹۶، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۲، **۱۵۳** تا **۱۶۳**، ۲۳۳، ۲۴۷، ۲۴۹، ۲۶۶
لاسال ۱۲۴
لاکونی، شبه جزیره - جلگه ۱، ۳، ۴
لاگرانژ ۲۰۸
لامارك ۲۰۸
لاند من ۱۴۱
لایپزیك ۱۷۶، ۱۹۶، ۲۳۰
لتیمر ۱۰۳
لژ نو ۱۴۶
لك، جان ۱۳۰، ۱۳۲، **۱۵۶** تا **۱۵۹**، ۱۶۴، ۱۷۸
لندن، دانشگاه - شهر ۵۵، ۶۵، ۱۰۵، ۱۵۲، ۲۱۶، ۲۲۵، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۹، ۲۷۳
لنکستر ۲۲۴، ۲۲۶
لنین ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲
لنین‌گراد ۳۱۴، ۳۲۴، ۳۲۶
لهستان ۱۳۸
لوار، رودخانه ۴۶
لوتر ۸۲، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۳، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۹، ۲۳۰
لوث، آموزشگاه صرف و نحو ۱۶۰
لورول نقاش ۷۲
لوسرن، دریاچه ۱۸۱
لوون، دانشگاه - شهر ۱۲۳
لوئی هفتم (پادشاه فرانسه) ۷۷
لوئی دوازدهم (پادشاه فرانسه) ۹۵
لوئی چهاردهم ۱۲۴، ۱۲۶
لوئی فیلیپ ۲۴۵
لوی، دکتر ۶۷
لئوناردو گرترود (تألیف پستالزی) ۱۸۰، ۱۸۵
لیبك ۲۰۹
لیسا ۱۴۶
لیستر ۲۰۹
لیسه (آموزشگاه ارسطو) ۱۶
لیسه (دبیرستان درفرانسه) ۱۶۱، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۵۰، ۲۵۲
لیکورك ۵
لیلنداستانفرد، دانشگاه ۳۰۳
لیله ۱۰۵
لینکر ۱۰۳، ۱۰۴
لینکلن، ابراهام ۳۰۰، ۳۰۱
لیوربول ۱۵۲، ۲۱۶
لیون ۱۲۵

ماژلان ۲۷۱
مادرید ۶۲
ماراتن ۹
مارسیال ۱۰۳
مارسیل ۴۶
مارك اورل ۴۸
مارکس ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۲۰، ۳۲۵، ۳۲۹، ۳۳۵
ماری ترز ۲۱۸
ماساچوستس ۲۷۲، ۳۰۳
مالنکف ۳۱۱
مأمون (خلیفهٔ عباسی) ۶۱
مانتو، شهر ـ آموزشگاه ۹۱
مانی ۹۲، ۱۰۹، ۱۱۹
متودیست (فرقهٔ مذهبی) ۲۵۹
مجموعهٔ الهیات (تالیف اکیناس) ۷۳
مجموعهٔ سرود (تالیف پترارك) ۸۹
مجوسی، علی بن عباس ۷۶
محمد اصفهانی ۶۱
محمدبن جهم برمکی ۶۱
محمدبن عبدالله ۵۷
محمدبن موسی خوارزمی ۶۵
محمدبن نصر بستی، ابوسلیمان ۵۹
محمدی، محمد ۷۴
مدرس (هندوستان) ۲۲۴
مدرسهٔ اصلاح شده (درآلمان) ۲۳۴
مدرسهٔ امادگاه (درانگلیس) ۲۶۶
مدرسهٔ عالی راه (فرانسه) ۲۵۰
مدرسهٔ عالی کان (فرانسه) ۲۵۰
مدرسهٔ مادرانه ۲۲۵، ۲۴۶
مدرسه واجتماع (دیوئی) ۲۸۸
مدرسه وشاگرد (دیوئی) ۲۸۸
مدیترانه ۳، ۱۱، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۳۷، ۵۷
مدیسن، جیمس ۲۱۹
مدیسیس، خانواده ۹۰
مراوی ۱۴۵، ۱۴۶
مرچانت تیلر، مدرسه صرف و نحو ۱۳۲
مردمان نامی (پترارك) ۸۹
مرف ۱۸۲
مریل، قانون ۲۷۸، ۳۰۱
مستکفی (خلیفهٔ عباسی) ۵۹
مسکو ۳۰۹، ۳۱۵، ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۳۵، ۳۳۷
مسلمان ـ مسلمانان ۵۹، ۶۵، ۶۱، ۶۴، ۶۸، ۷۴، ۷۶
مسلم بن محمدبن ابوالقاسم المجریطی اندلوسی ۶۲
مسیح ـ مسیحیت ۲۱، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۸، ۴۹، ۵۲، ۵۷، ۶۴، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۳، ۹۲، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۳۶، ۱۳۸، ۳۲۰
مسیحی ۵۷، ۶۳، ۶۴، ۶۸، ۷۰، ۷۶، ۹۸، ۲۰۸
مشفق همدانی ۲۸۸
مصر ۲۴، ۲۷، ۴۰، ۵۷، ۶۱، ۷۶
مصری، زبان ۱۹
معتزله ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۶۳
معزالدوله دیلمی، احمد ۵۹
مغول ۳۰۹
مقدونیه ۱۷، ۴۲
مك کال، ویلیام ۳۰۶
ملکی (تألیف علی بن عباس مجوسی) ۷۶
ملنکتن ۱۱۳، ۱۲۹
منانذر ۳۲
مونتسکیو ۱۶۴
منچستر، دانشگاه ـ شهر ۱۵۲، ۲۱۶، ۲۶۹
منذل ۲۰۸
منرو، پال ۳۰۵، ۳۰۷
منصور (خلیفهٔ عباسی) ۵۸، ۶۱
منصوری (تألیف محمدبن زکریا) ۶۵
موسیقی، کتاب (تألیف فارابی) ۶۵

مولکاستر ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳
مولیر ۱۲۲
مونتنی ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۷۸
مونخن بوخسی ۱۸۳، ۱۸۵
مهتدی ، علی‌اکبر ۱۶۴
مهر-مهرپرستی ۳۵، ۳۹
مهمترین کار تربیت...(رساله-تألیف هربارت) ۱۹۱
میرات اسلام ۷۴
میرات ایران ۶۷
میرون ۱۰
می‌شی‌گان ۲۸۲
میلان ۹۰، ۹۱، ۹۵
میلتن ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۵۲

ن

ناپل ۶۷، ۷۶، ۹۵
ناپلئون ۱۶۱، ۲۲۸، ۲۴۵، ۲۴۷
ناسو ۱۴۶
نامه (تألیف پترارک) ۸۹
نامه‌های ایرانی (تألیف منتسکیو) ۱۶۴
نسطور ۵۷
نسطوری ۵۸، ۶۱
نصیبین ۴۵، ۵۷
نظام‌الملك ۶۲، ۷۷
نظامیه بغداد ۶۲، ۶۴، ۷۷
نکس ، جان ــ رجوع کنید به جان نکس
نلدکه ۲۳۶
نوالز ۵۳
نوبخت ۶۱
نوتردام ،آموزشگاه علوم دینی ۷۷
نوشاتل ، دریاچه ۱۸۳
نیکلای اول ۳۱۲
نیکلای پنجم ، پاپ ۹۳
نیل ، رودخانه ۴۶
نیوتن ۱۴۰، ۱۵۲، ۲۰۷، ۲۰۸
نیوجرزی ۲۸۲
نیویورك ۲۲۶، ۲۸۲، ۲۹۳، ۲۹۶

و

واتیکان ۱۰۲
واترلو ۲۳۰
وارد ، لستر ۲۲۱
واشنگتن (پایتخت امریکا) ۲۷۸، ۳۳۷
واشنگتن ، جرج ۲۱۸، ۲۷۲
واصل بن‌عطاء غزال ۵۸
واندال ۵۰
ورجینیا (ایالت امریکا) ۲۷۲
ورسای ۱۲۳
ورمس ۱۱۱
وسالیوس ۱۴۱
وسپازین ۳۵
وستا (خدای رومیها) ۳۹
ولتر ۱۶۴
ونیز ۹۰، ۹۱، ۹۵
ویتانبرگ ، دانشگاه ۱۱۱
ویتورینو ۹۱، ۹۲، ۹۳
ویرژیل ۳۳، ۹۴، ۱۰۳، ۱۱۴
ویزیگت ۴۹، ۵۰
ویسباخ ۲۳۶
ویسکنتی ، خانواده ۹۱
ویکتور کوزن ۱۸۹
ویکلیف ۱۰۹، ۱۱۰
ویلز ۲۶۱
ویلیام جیمس - رجوع کنید به جیمس
ویلیام هاروی - رجوع کنید به هاروی
ویمفلینگ ۹۷
وینتکا ۲۹۳
وینچستر (آموزشگاه همگانی) ۳۶، ۱۰۶، ۲۱۶
وینه ۱۴۵

ه

هـاروارد ، دانشگاه ۲۱۵، ۳۰۳
هارون (خلیفهٔ عباسی) ۶۱
هاروی ،ویلیام ۱۴۱، ۲۰۷
هانری بارنارد ۲۸۲
هانری دوم (پادشاه انگلیس) ۷۷
هانری هشتم (پادشاه انگلیس) ۱۰۴، ۱۱۵
هایدلبرگ ۱۴۶
هدایت ، رضاقلی ۲۱۲
هراس ۳۳، ۳۴، ۱۰۳
هربارت ۱۵۱، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶ **۱۹۰** تا **۱۹۶**
۱۹۹، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۲۰
هرس مان ۱۸۹، ۲۸۲
هرقلیطوس ۱۱
هرن ،پل ۲۳۶
هرو (آموزشگاه همگانی انگلیس) ۳۶، ۱۰۶
هرودوت ۱۰
هزیود ۸
هکسلی ، تماس ۲۱۳، ۳۱۵، ۲۲۰
هگیوس ۹۷
هلن ۲
هلند ۵۵، ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۴۳
هلوسی ۲۴
هلوئیز جدید (تألیف روسو) ۱۶۷
هومر ۵، ۳۲، ۸۹، ۹۰، ۱۰۳، ۱۱۴، ۱۹۴
همفری ۱۰۳
هند ، هندی ، هندوستـان ۷، ۵۷ ، ۶۱ ، ۷۶ ، ۲۲۴
هنربزرگ آموزگاری (تألیف کمنیوس) ۱۴۷، ۱۴۹
هنس ،دکتر نیکلاس ۲۶۵، ۳۱۴
هوبشمان ۲۳۶
هوس ، جان ـ رجوع کنید به جان
هیتلر ۲۳۶
هیون ۴۹، ۵۰

ی

یسوع ، یسوعی ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۴۳ ، ۱۶۱
یغمائی ، اقبال ۱۷۲
ینا ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۲۸
یهود ـ یهودی ـ رجوع کنید به کلیمی
یوتاه (ایالت امریکا) ۲۷۶
یورك (شهر انگلیس) ۵۵
یوشع بن جمال ۴۱
یوکواسلاوی ۵۱
یومنز ، ادوارد ۲۱۵
یونان ، یونانی ۱، ۲، ۳، ۴، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۵، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۶۳، ۷۴، ۷۶، ۸۵، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۲، ۱۵۲، **۱۵۴** تا **۱۶۲**، ۱۸۷، ۲۰۷، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۴۲، ۲۴۷
یونسکو ۲۴۴، ۳۱۸، ۳۳۷
یونگ ۲۰۹
ییل ، دانشگاه ۳۰۳

تالیفاتی که از نگارنده تاکنون بچاپ رسیده :

نه سخنرانی دراصول تعلیم‌عملی	۱۲۹۸ خورشیدی
اصول تدریس حساب وحل مسائل فکری	۱۳۰۲
صد مسئلهٔ حل شدهٔ حساب	۱۳۰۲
صنایع ایران (ترجمه ازانگلیسی)	۱۳۰۴
اصول عملی علم تربیت	۱۳۰۷
ایران نوین وفرهنك آن (بانگلیسی - چاپ نیویورك)	۱۳۱۰
یکسال درامریکا (دوچاپ)	۱۳۱۱-۱۳۲۱
روش نوین درتعلیم‌وتربیت(۱۰چاپ)	۱۳۱۴-۱۳۳۶
دستگاه تعلیم وتربیت ایران (بانگلیسی-سالنامهٔ تربیتی دانشگاه کلمبیا - درنیویورك)	۱۳۱۶
تاریخ مختصرآمورش وپرورش (سه‌چاپ)	۱۳۱۶-۱۳۱۹
شرح حال وشخصیت وآثارفردوسی (بفارسی وانگلیسی)	۱۳۲۴
روابط فرهنگی‌ایران واروپا (بانگلیسی-انجمن ایران - لندن)	۱۳۲۶
سیرفرهنك در ایران و مغرب زمین	۱۳۳۲
دورهٔ مختصرتاریخ فرهنك ایران	۱۳۳۴
تاریخ فرهنك ایران	۱۳۳۶
تاریخ فرهنك اروپا	۱۳۳۶
گفتارهای رادیو (درمعرفی عظمت وافتخارات ایران) که بیشترآنهارا نویسندگان دیگرتهیه کرده ونگارنده‌آنهارا تنقیح وتکمیل وطبع کرده‌است	
بفارسی ۲ جلد	۱۳۲۰
بانگلیسی ۱ جلد	۱۳۲۰

انتشارات دانشگاه تهران

۱ - وراثت (۱)	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲ - A Strain Theory of Matter	» » محمود حسابی
۳ - آراء فلاسفه دربارهٔ عادت	ترجمهٔ » برزو سپهری
٤ - کالبدشناسی هنری	تألیف » نعمت‌الله کیهانی
٥ - تاریخ بیهقی جلد دوم	بتصحیح سعید نفیسی
٦ - بیماریهای دندان	تألیف دکتر محمود سیاسی
۷ - بهداشت و بازرسی خوراکیها	» » سرهنگ شمس
۸ - حماسه سرائی در ایران	» » ذبیح‌الله صفا
۹ - مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی	» » محمد معین
۱۰ - نقشه برداری جلد دوم	» مهندس حسن شمسی
۱۱ - گیاه شناسی	» حسین گل گلاب
۱۲ - اساس‌الاقتباس خواجه نصیر طوسی	بتصحیح مدرس رضوی
۱۳ - تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد اول	تألیف دکتر حسن ستودهٔ تهرانی
۱٤ - روش تجزیه	تألیف » علی‌اکبر پریمن
۱٥ - تاریخ افضل - بدایع‌الازمان فی وقایع کرمان	فراهم‌آوردهٔ دکتر مهدی بیانی
۱٦ - حقوق اساسی	تألیف دکتر قاسم زاده
۱۷ - فقه و تجارت	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۱۸ - راهنمای دانشگاه	—
۱۹ - مقررات دانشگاه	—
۲۰ - درختان جنگلی ایران	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
۲۱ - راهنمای دانشگاه بانگلیسی	—
۲۲ - راهنمای دانشگاه بفرانسه	
۲۳ - Les Espaces Normaux	تألیف دکتر هشترودی
۲٤ - موسیقی دورهٔ ساسانی	» مهدی برکشلی
۲٥ - حماسه ملی ایران	ترجمهٔ بزرگ علوی
۲٦ - زیست شناسی (۲) بحث در نظریهٔ لامارك	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲۷ - هندسه تحلیلی	» » علینقی وحدتی
۲۸ - اصول گدازو استخراج فلزات جلد اول	تألیف دکتر یکانه حایری
۲۹ - اصول گدازو استخراج فلزات » دوم	» » »
۳۰ - اصول گدازو استخراج فلزات » سوم	» » »

۳۱- ریاضیات در شیمی	نگارش دکتر هورمز
۳۲- جنگل شناسی جلد اول	» مرحوم مهندس کریم ساعی
۳۳- اصول آموزش و پرورش	» دکتر محمد باقر هوشیار
۳۴- فیزیولژی گیاهی جلداول	» » اسمعیل زاهدی
۳۵- جبر و آنالیز	نگارش دکتر محمدعلی مجتهدی
۳۶- گزارش سفر هند	» » غلامحسین صدیقی
۳۷- تحقیق انتقادی در عروض فارسی	» » پرویز ناتل خانلری
۳۸- تاریخ صنایع ایران - ظروف سفالین	» » مهدی بهرامی
۳۹- واژه نامه طبری	» » صادق کیا
۴۰- تاریخ صنایع اروپا درقرون وسطی	» عیسی بهنام
۴۱- تاریخ اسلام	» دکتر فیاض
۴۲- جانورشناسی عمومی	» » فاطمی
۴۳- Les Connexions Normales	» » هشترودی
۴۴- کالبد شناسی توصیفی (۱) - استخوان شناسی	» دکتر امیراعلم - دکتر حکیم
	دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس - دکتر نائینی
۴۵- روان‌شناسی کودک	نگارش دکتر مهدی جلالی
۴۶- اصول شیمی پزشکی	» » آ. وارتانی
۴۷- ترجمه و شرح تبصرهٔ علامه جلداول	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۴۸- اکوستیک « صوت » (۱) ارتعاشات - سرعت	» دکتر ضیاء الدین اسمعیل بیگی
۴۹- انگل شناسی	» » ناصر انصاری
۵۰- نظریه توابع متغیر مختلط	» » افضلی‌پور
۵۱- هندسه ترسیمی و هندسه رقومی	» احمد بیرشک
۵۲- درس اللغة والادب (۱)	» دکتر محمدی
۵۳- جانور شناسی سیستماتیک	» » آزرم
۵۴- پزشکی عملی	» » نجم‌آبادی
۵۵- روش تهیه مواد آلی	» » صفوی گلپایگانی
۵۶- مامالی	» » آهی
۵۷- فیزیولژی گیاهی جلددوم	» » زاهدی
۵۸- فلسفه آموزش و پرورش	» دکتر فتح‌الله امیرهوشمند
۵۹- شیمی تجزیه	» » علی‌اکبر پریمن
۶۰- شیمی عمومی	» مهندس سعیدی
۶۱- امیل	ترجمهٔ مرحوم غلامحسین زیرک‌زاده
۶۲- اصول علم اقتصاد	تألیف دکتر محمود کیهان
۶۳- مقاومت مصالح	» مهندس کوهریان
۶۴- کشت گیاه حشره کش پیرتر	» مهندس میردامادی
۶۵- آسیب شناسی	» دکتر آرمین

٦٦- مکانیك فیزیك	تالیف دکتر کمال جناب
٦٧- کالبدشناسی توصیفی(۲) - مفصل شناسی	» » امیراعلم- دکترحکیم- دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی- دکتر نیك نفس
٦٨- درمانشناسی جلد اول	تألیف دکترعطائی
٦٩- درمانشناسی »دوم	» » »
٧٠- گیاه شناسی - تشریح عمومی نباتات	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
٧١- شیمی آنالیتیك	» دکتر گاگیك
٧٢- اقتصادجلداول	» » علی‌اصغر پورهمایون
٧٣- دیوان سیدحسن غزنوی	بتصحیح مدرس رضوی
٧٤- راهنمای دانشگاه	—
٧٥- اقتصاد اجتماعی	تألیف دکترشیدفر
٧٦- تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد دوم	» » حسن ستوده تهرانی
٧٧- زیبا شناسی	» علینقی وزیری
٧٨- تئوری سنتتیك گازها	» دکتر روشن
٧٩- کارآموزی داروسازی	» » جنیدی
٨٠- قوانین دامپزشکی	» » میمندی‌نژاد
٨١- جنگل‌شناسی جلد دوم	» مرحوم مهندس ساعی
٨٢- استقلال آمریکا	» دکترمجیر شیبانی
٨٣- کنجکاویهای علمی وادبی	—
٨٤- ادوار فقه	» محمود شهابی
٨٥- دینامیك گازها	» دکتر غفاری
٨٦- آئین دادرسی دراسلام	» محمد سنگلجی
٨٧- ادبیات فرانسه	» دکترسپهبدی
٨٨- از سربن تا یونسکو- دو ماه در پاریس	» » علی‌اکبرسیاسی
٨٩- حقوق تطبیقی	» » حسن افشار
٩٠- میکروب‌شناسی جلد اول	تألیف دکترسهراب-دکترمیرداماد
٩١- میزراه‌جلد اول	» » حسین گلژ
٩٢- » » دوم	» » » »
٩٣- کالبد شکافی (تشریح عملی دست‌وپا)	» » نعمت‌الله کیهانی
٩٤- ترجمه وشرح تبصره علامه جلد دوم	» زین‌العابدین ذوالمجدین
٩٥- کالبد شناسی توصیفی (۳) - عضله شناسی	» دکترامیراعلم-دکترحکیم دکتر کیهانی-دکتر نجم آبادی- دکتر نیك نفس
٩٦- » » (۴) - رگ شناسی	» » » »
٩٧- بیماریهای گوش وحلق و بینی جلداول	تألیف دکترجمشیداعلم
٩٨- هندسهٔ تحلیلی	» » کامکار پارسی
٩٩- جبر و آنالیز	» » » »
١٠٠- تفوق وبرتری اسپانیا (١٥٥٩-١٦٦٠)	» » بیانی

۱۰۱- کالبدشناسی توصیفی - استخوان‌شناسی اسب	تألیف دکتر میر بابائی
۱۰۲- تاریخ عقاید سیاسی	» » محسن عزیزی
۱۰۳- آزمایش و تصفیه آبها	نگارش » محمد جواد جنیدی
۱۰۴- هشت مقاله تاریخی وادبی	» نصرالله فلسفی
۱۰۵- فیه مافیه	» بدیع‌الزمان فروزانفر
۱۰۶- جغرافیای اقتصادی جلد اول	» دکتر محسن عزیزی
۱۰۷- الکتریسیته وموارد استعمال آن	» مهندس عبدالله ریاضی
۱۰۸- مبادلات انرژی در گیاه	» دکتر اسمعیل زاهدی
۱۰۹- تلخیص‌البیان‌عن‌مجازات‌القران	» سید محمد باقر سبزواری
۱۱۰- دو رساله - وضع الفاظ و قاعده لاضرر	» محمود شهابی
۱۱۱- شیمی آلی جلداول نفوری واصول‌کلی	» دکتر عابدی
۱۱۲- شیمی آلی «ارگانیک» جلداول	» » شیخ
۱۱۳- حکمت‌الهی عام و خاص	نگارش مهدی‌قمشهٔ
۱۱۴- امراض‌حلق‌وبینی وحنجره	» دکتر علیم مروستی
۱۱۵- آنالیز ریاضی	» » منوچهر وصال
۱۱۶- هندسه تحلیلی	» » احمد عقیلی
۱۱۷- شکسته بندی جلد دوم	» » امیر کیا
۱۱۸- باغبانی (۱) باغبانی عمومی	» مهندس‌شیبانی
۱۱۹- اساس‌التوحید	» مهدی آشتیانی
۱۲۰- فیزیك پزشکی	» دکترفرهاد
۱۲۱- اکوستیك « صوت » (۲) مشخصات صوت - اوله - تار	» » اسمعیل‌بیگی
۱۲۱- جراحی فوری‌اطفال	» » مرعشی
۱۲۲- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة(۱)	» علینقی منزوی تهرانی
۱۲۴- چشم‌پزشکی جلداول	» دکتر ضرابی
۱۲۴- شیمی‌فیزیك	» » بازرگان
۱۲۶- بیماریهای‌گیاه	» » خبیری
۱۲۷- بحث‌درمسائل‌پرورش‌اخلاقی	» » سپهری
۱۲۸- اصول‌عقاید وکرائم‌اخلاق	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۱۲۹- تاریخ کشاورزی	» دکتر تقی‌بهرامی
۱۳۰- کالبدشناسی انسانی(۱) سر وگردن	» » حکیم ودکتر گنج‌بخش
۱۳۱- امراض‌واگیردام	» » رستگار
۱۳۲- درس‌اللغة والادب(۲)	» » محمدی
۱۳۳- واژه نامه گرگانی	» » صادق کیا
۱۳۴- تك‌یاخته‌شناسی	» » عزیز رفیعی
۱۳۵- حقوق اساسی چاپ پنجم (اصلاح شده)	» » قاسم زاده
۱۳۶- عضله وزیبائی‌پلاستیك	» » کیهانی
۱۳۷- طیف‌جذبی واشعه ایکس	» » فاضل زندی

۱۳۸- مصنفات افضل الدین کاشانی	نگارش دکتر مینوی و یحیی مهدوی
۱۳۹- روان‌شناسی (از لحاظ تربیت)	» علی‌اکبر سیاسی
۱۴۰- ترمودینامیک (۱)	» مهندس بازرگان
۱۴۱- بهداشت روستائی	نگارش دکتر زوین
۱۴۲- زمین شناسی	» » یدالله سحابی
۱۴۳- مکانیک عمومی	» » مجتبی ریاضی
۱۴۴- فیزیولوژی جلد اول	» » کاتوزیان
۱۴۵- کالبدشناسی و فیزیولوژی	» » نصرالله نیک‌نفس
۱۴۶- تاریخ تمدن ساسانی جلد اول	» سعید نفیسی
۱۴۷- کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت اول سلسله اعصاب محیطی	» دکتر امیر اعلم ـ دکتر حکیم دکتر کیهانی ـ دکتر نجم آبادی ـ دکتر نیک نفس
۱۴۸- کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت دوم سلسله اعصاب مرکزی	» » » »
۱۴۹- کالبدشناسی توصیفی (۶) اعضای حواس پنجگانه	» » » »
۱۵۰- هندسه عالی (گروه و هندسه)	تألیف دکتر اسدالله آل‌بویه
۱۵۱- اندام‌شناسی گیاهان	» » پارسا
۱۵۲- چشم پزشکی (۲)	نگارش دکتر ضرابی
۱۵۳- بهداشت شهری	» » اعتمادیان
۱۵۴- انشاء انگلیسی	» پازارگادی
۱۵۵- شیمی آلی (ارگانیک) (۲)	» دکتر شیخ
۱۵۶- اسیب شناسی (گانگلیون استلر)	» » آرمین
۱۵۷- تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی	» » ذبیح‌الله صفا
۱۵۸- تفسیر خواجه عبدالله انصاری	بتصحیح علی‌اصغر حکمت
۱۵۹- حشره‌شناسی	تألیف جلال افشار
۱۶۰- نشانه‌شناسی (علم‌العلامات) جلد اول	» دکتر محمدحسین میمندی‌نژاد
۱۶۱- نشانه‌شناسی بیماریهای اعصاب	» » صادق صبا
۱۶۲- آسیب‌شناسی عملی	» » حسین رحمتیان
۱۶۳- احتمالات و آمار	» » مهدوی اردبیلی
۱۶۴- الکتریسته صنعتی	» » محمد مظفری زنگنه
۱۶۵- آئین دادرسی کیفری	» » محمدعلی هدایتی
۱۶۶- اقتصاد سال اول (چاپ دوم اصلاح شده)	» » علی‌اصغر پورهمایون
۱۶۷- فیزیک (تابش)	» » روشن
۱۶۸- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد دوم)	» علینقی منزوی
۱۶۹- » » » » (جلد سوم ـ قسمت اول)	» محمدتقی دانش‌پژوه
۱۷۰- رساله بودونمود	» محمود شهابی
۱۷۱- زندگانی شاه‌عباس اول	» نصرالله فلسفی
۱۷۲- تاریخ بیهقی (جلد سوم)	بتصحیح سعید نفیسی
۱۷۳- فهرست نشریات ابوعلی‌سینا بزبان فرانسه	» »

۱۷٤ـ تاریخ مصر (جلداول)	تألیف احمد بهمنش
۱۷۵ـ آسیب‌شناسی آزردگی سیستم رتیکولو آندوتلیال	« دکتر آرمین
۱۷٦ـ نهضت ادبیات فرانسه دردوره رومانتیك	« مرحوم زیرك‌زاده
۱۷۷ـ فیزیولوژی (طب عمومی)	نگارش دکتر مصباح
۱۷۸ـ خطوط لبه‌های جذبی (اشعه ایکس)	« « زندی
۱۷۹ـ تاریخ مصر (جلددوم)	« احمد بهمنش
۱۸۰ـ سیر فرهنك در ایران و مغرب زمین	« دکتر صدیق اعلم
۱۸۱ـ فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلدسوم ـ قسمت دوم)	« محمدتقی دانش‌پژوه
۱۸۲ـ اصول فن کتابداری	« دکترمحسن صبا
۱۸۳ـ رادیو الکتریسیته	« « رحیمی
۱۸٤ـ پیوره	« « محمود سیاسی
۱۸۵ـ چهار رساله	« محمد سنگلجی
۱۸٦ـ آسیب‌شناسی (جلددوم)	« دکتر آرمین
۱۸۷ـ یادداشت‌های مرحوم قزوینی	فراهم آورده آقای ایرج افشار
۱۸۸ـ استخوان شناسی مقایسه‌ای (جلددوم)	تألیف دکتر میربابائی
۱۸۹ـ جغرافیای عمومی (جلداول)	« « مستوفی
۱۹۰ـ بیماریهای واگیر (جلداول)	« « غلامعلی بینش‌ور
۱۹۱ـ بتن فولادی (جلد اول)	« مهندس خلیلی
۱۹۲ـ حساب جامع وفاضل	نگارش دکتر مجتهدی
۱۹۳ـ ترجمهٔ مبدء ومعاد	ترجمه آقای محمودشهابی
۱۹٤ـ تاریخ ادبیات روسی	تألیف « سعید نفیسی
۱۹۵ـ تاریخ تمدن ایران ساسانی (جلددوم)	« « « «
۱۹٦ـ درمان تراخم با الکتروکوآگولاسیون	« دکتر پرفسور شمس
۱۹۷ـ شیمی وفیزیك (جلداول)	« « توسلی
۱۹۸ـ فیزیولوژی عمومی	« « شیبانی
۱۹۹ـ داروسازی جالینوسی	« « مقدم
۲۰۰ـ علم العلامات نشانه‌شناسی (جلد دوم)	« « میمندی نژاد
۲۰۱ـ استخوان شناسی (جلد اول)	« « نعمت‌اله کیهانی
۲۰۲ـ پیوره (جلد دوم)	« « محمود سیاسی
۲۰۳ـ علم النفس ابن‌سینا وتطبیق آن با روانشناسی جدید	« « علی‌اکبر سیاسی
۲۰٤ـ قواعدلغه	« آقای محمودشهابی
۲۰۵ـ تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران	« دکتر علی‌اکبر بینا
۲۰٦ـ فهرست مصنفات ابن‌سینا	« « مهدوی
۲۰۷ـ مخارج الحروف	تصحیح و ترجمهٔ دکتر پرویز ناتل‌خانلری
۲۰۸ـ عیون الحکمه	از ابن‌سینا ـ چاپ عکسی

۲۰۹- شیمی بیولوژی	تألیف دکتر مافی
۲۱۰- میکربشناسی (جلد دوم)	« آقایان دکتر سهراب ـ دکتر میردامادی
۲۱۱- حشرات زیان‌آور ایران	« مهندس عباس‌دواچی
۲۱۲- هواشناسی	« دکتر محمد منجمی
۲۱۳- حقوق مدنی	« « سیدحسن امامی
۲۱۴- ماخذ قصص و تمثیلات مثنوی	نگارش آقای فروزانفر
۲۱۵- مکانیك استدلالی	« پرفسور فاطمی
۲۱۶- ترمودینامیك (جلد دوم)	« مهندس بازرگان
۲۱۸- گروه بندی وانتقال خون	« دکتر یحیی پویا
۲۱۸- فیزیك، ترمودینامیك (جلداول)	« « روشن
۲۱۹- روان پزشکی (جلدسوم)	« « میرسپاسی
۲۲۰- بیماریهای درونی (جلداول)	« « میمندی‌نژاد
۲۲۱- حالات عصبانی یانورز	ترجمه « چهرازی
۲۲۲- کالبدشناسی توصیفی (۷)	تألیف دکتر امیراعلم ـ دکترحکیم دکتر کیهانی ـ دکترنجم‌آبادی ـ دکترنیك‌نفس
(دستگاه گوارش)	تألیف دکتر مهدوی
۲۲۳- علم‌الاجتماع	« فاضل تونی
۲۲۴- الهیات	« مهندس ریاضی
۲۲۵- هیدرولیك عمومی	تألیف دکتر فضل‌الله شیروانی
۲۲۶- شیمی عمومی معدنی فلزات (جلداول)	« « آرمین
۲۲۷- آسیب‌شناسی آزردگیهای سورنال « غده فوق کلیوی »	« علی‌اکبر شهابی
۲۲۸- اصول‌الصرف	تألیف دکترعلی کنی
۲۲۹- سازمان فرهنگی ایران	نگارش دکتر روشن
۲۳۰- فیزیك، ترمودینامیك (جلد دوم)	—
۲۳۱- راهنمای دانشگاه	—
۲۳۲- مجموعهٔ اصطلاحات علمی	نگارش دکتر فضل‌الله صدیق
۲۳۳- بهداشت غذائی (بهداشت نسل)	« دکترتقی بهرامی
۲۳۴- جغرافیای کشاورزی ایران	« آقای سیدمحمد سبزواری
۲۳۵- ترجمه النهایه باتصحیح ومقدمه (۱)	« دکتر مهدوی اردبیلی
۲۳۶- احتمالات و آمار ریاضی (۲)	« مهندس رضا حجازی
۲۳۷- اصول تشریح چوب	« دکتر رحمتیان دکتر شمسا
۲۳۸- خون‌شناسی عملی (جلداول)	« « بهمنش
۲۳۹- تاریخ ملل قدیم آسیای غربی	« « شیروانی
۲۴۰- شیمی تجزیه	« «ضیاءالدین اسمعیل بیکی
۲۴۱- دانشگاهها و مدارس عالی امریکا	« آقای مجتبی مینوی
۲۴۲- پانزده گفتار	« دکتر یحیی پویا
۲۴۳- بیماریهای خون (جلد دوم)	

۲٤٤ـ **اقتصاد کشاورزی**	نگارش دکتر احمد هومن
۲٤٥ـ **علم‌العلامات** (جلدسوم)	« « میمندی نژاد
۲٤٦ـ **بتن آرمه** (۲)	« آقای مهندس خلیلی
۲٤۷ـ **هندسهٔ دیفرانسیل**	« دکتر بهفروز
۲٤۸ـ **فیزیولژی گل‌ورده بندی تك لپه‌ایها**	« « زاهدی
۲٤۹ـ **تاریخ زندیه**	« « هادی هدایتی
۲٥۰ـ **ترجمه‌النهایه باتصحیح ومقدمه** (۲)	« آقای سبزواری
۲٥۱ـ **حقوق مدنی** (۲)	« « دکتر امامی
۲٥۲ـ **دفتر دانش وادب** (جزء دوم)	—
۲٥۳ـ **یادداشتهای قزوینی** (جلد دوم ب ، ت ، ث ، ج)	« ایرج افشار
۲٥٤ـ **تفوق وبرتری اسپانیا**	« دکتر خانبابا بیانی
۲٥٥ـ **تیره شناسی** (جلد اول)	« « احمد پارسا
۲٥٦ـ **کالبد شناسی توصیفی** (۸) دستگاه ادرار وتناسل ـ پردهٔ صفاق	تألیف دکتر امیر اعلم ـ دکتر حکیم ـ دکتر کیهانی دکتر نجم‌آبادی ـ دکتر نیك نفس
۲٥۷ـ **حل مسائل هندسه تحلیلی**	نگارش دکتر علینقی وحدتی
۲٥۸ـ **کالبد شناسی توصیفی** (حیوانات اهلی مفصل شناسی مقایسه‌ای)	« « میربابائی
۲٥۹ـ **اصول ساختمان ومحاسبه ماشینهای برق**	« مهندس احمد رضوی
۲٦۰ـ **بیماریهای خون ولنف** (بررسی بالینی وآسیب شناسی)	« دکتر رحمتیان
۲٦۱ـ **سرطان شناسی** (جلد اول)	« « آرمین
۲٦۲ـ **شکسته بندی** (جلد سوم)	« « امیرکیا
۲٦۳ـ **بیماریهای واگیر** (جلددوم)	« « بینش‌ور
۲٦٤ـ **انگل شناسی** (بندپائیان)	« « عزیز رفیعی
۲٦٥ـ **بیماریهای درونی** (جلددوم)	« « میمندی‌نژاد
۲٦٦ـ **دامپروری عمومی** (جلداول)	« « بهرامی
۲٦۷ـ **فیزیولوژی** (جلددوم)	« « علی کاتوزیان
۲٦۸ـ **شعر فارسی** (درعهدشاهرخ)	« « یارشاطر
۲٦۹ـ **فن انگشت‌نگاری** (جلداول و دوم)	نگارش ناصرقلی رادسر
۲۷۰ـ **منطق التلویحات**	« دکتر فیاض
۲۷۱ـ **حقوق جنائی**	تألیف آقای دکتر عبدالحسین علی‌آبادی
۲۷۲ـ **سمیولوژی اعصاب**	« « « چهرازی
۲۷۳ـ **کالبد شناسی توصیفی** (۹) (دستگاه تولید صوت وتنفس)	تألیف دکتر امیر اعلم ـ دکتر حکیم ـ دکتر کیهانی دکتر نجم آبادی ـ دکتر نیك نفس
۲۷٤ـ **اصول آمار وکلیات آمار اقتصادی**	نگارش دکتر محسن صبا
۲۷٥ـ **گزارش کنفرانس اتمی ژنو**	« « جناب ـ دکتر بازرگان
۲۷٦ـ **امکان آلوده کردن آبهای مشروب**	نگارش دکتر حسین سهراب ـ دکتر میمندی‌نژاد

۲۷۷ـ مدخل منطق صورت — نگارش دکتر غلامحسین مصاحب
۲۷۸ـ ویروسها — « « فرج‌الله شفا
۲۷۹ـ تالفیت‌ها (آلکها) — « « عزت‌الله خبیری
۲۸۰ـ گیاه‌شناسی سیستماتیك — « « محمد دروبش
۲۸۱ـ تیره‌شناسی (جلددوم) — « « پارسا
۲۸۲ـ احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی — « مدرس رضوی
۲۸۳ـ احادیث مثنوی — « آقای فروزانفر
۲۸۴ـ قواعد النحو — « قاسم تویسرکانی
۲۸۵ـ آزمایشهای فیزیك — « دکتر محمد باقر محمودیان
۲۸۶ـ پندنامه اهوازی یا آئین پزشکی — « « محمود نجم‌آبادی
۲۸۷ـ بیماریهای خون (جلدسوم) — « « یحیی پویا
۲۸۸ـ جنین شناسی (رویان‌شناسی) جلد اول — « « احمد شفائی
۲۸۹ـ مکانیك فیزیك (اندازه‌گیری مکانیك نقطه مادی و فرضیه نسبی) (چاپ‌دوم) — تألیف دکتر کمال‌الدین جناب
۲۹۰ـ بیماریهای جراحی قفسه سینه (ریه، مری، قفسه سینه) — « « محمدتقی قوامیان
۲۹۱ـ اکوستیك (صوت) چاپ دوم — « « ضیاءالدین اسماعیل‌بیگی
۲۹۲ـ چهار مقاله — بتصحیح « محمد معین
۲۹۳ـ داریوش یکم (پادشاه پارسها) — نگارش « منشی‌زاده
۲۹۴ـ کالبدشکافی تشریح عملی سروگردن ـ سلسلهٔ اعصاب مرکزی — « « نعمت‌الله کیهانی
۲۹۵ ـ درس اللغة والادب (۱) چاپ‌دوم — « « محمد محمدی
۲۹۶ـ سه گفتار خواجه طوسی — بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه
۲۹۷ ـ Sur les espaces de Riemann — نگارش دکتر هشترودی
۲۹۸ ـ فصول خواجه طوسی — بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه
۲۹۹ ـ فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلدسوم) بخش سوم — نگارش محمدتقی دانش‌پژوه
۳۰۰ ـ الرسالة المعینیة — « « «
۳۰۱ ـ آغاز و انجام — « ایرج افشار
۳۰۲ـ رسالهٔ امامت خواجهٔ طوسی — بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه
۳۰۳ ـ فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلدسوم) بخش چهارم — « « «
۳۰۴ ـ حل مشکلات معینه خواجه نصیر — « « «
۳۰۵ ـ مقدمه قدیم اخلاق ناصری — « جلال‌الدین همائی
۳۰۶ـ بیوگرافی خواجه نصیرالدین طوسی (بزبان فرانسه) — نگارش دکتر امشه‌ای
۳۰۷ـ رساله بیست باب درمعرفت اسطرلاب — « مدرس رضوی
۳۰۸ـ مجموعهٔ رسائل خواجه نصیرالدین — « « «
۳۰۹ـ سرگذشت و عقائد فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی — « محمد مدرسی (زنجانی)
۳۱۰ـ فیزیك (پدیده‌های فیزیکی در دماهای بسیار خفیف) — « دکتر روشن

کتاب هفتم

۳۱۱ ـ رساله جبر و مقابله خواجه نصیر طوسی — بکوشش اکبر دانا سرشت

۳۱۲ ـ آلرژی بیماریهای ناشی‌ازآن	تألیف دکتر هادوی
۳۱۳ ـ راهنمای دانشگاه (بفرانسه) دوم چاپ	—
۳۱٤ ـ احوال وآثارمحمدبن جریری طبری	تألیف آقای علی‌اکبرشهابی
۳۱۵ ـ مکانیك‌سینماتیك	» دکتراحمد وزیری
۳۱٦ ـ مقدمه روانشناسی (قسمت اول)	» دکترمهدی جلالی
۳۱۷ ـ دامپروری (جلد دوم)	» « تقی‌بهرامی
۳۱۸ ـ تمرینات و تجربیات (شیمی آلی)	» « ابوالحسن شیخ
۳۱۹ ـ جغرافیای‌اقتصادی (جلد دوم)	» » عزیزی
۳۲۰ ـ پاتولوژی مقایسه‌ای (بیماریهای مشترك انسان ودام)	» » میمندی‌نژاد
۳۲۱ ـ اصول نظریه ریاضی احتمال	تألیف دکترافضلی‌پور
۳۲۲ ـ رده‌بندی دولپه‌ای ها وبازدانگان	» » زاهدی
۳۲۳ ـ قوانین مالیه ومحاسبات عمومی ومطالعه بودجه از ابتدای مشروطیت تا حال	» » جزایری
۳۲٤ ـ کالبدشناسی‌انسانی (۱) سروگردن (توصیفی ـ موضعی ـ طرز تشریح)	» » منوچهرحکیم و » سیدحسین گنج‌بخش
۳۲۵ ـ ایمنی‌شناسی (جلد اول)	» » میردامادی
۳۲٦ ـ حکمت‌الهی‌عام وخاص (تجدید چاپ)	» آقای‌مهدی الهی‌قمشه‌ای
۳۲۷ ـ اصول بیماری‌های ارثی‌انسان (۱)	» دکترمحمدعلی‌مولوی
۳۲۸ ـ اصول استخراج معادن	» مهندس محمودی
۳۲۹ ـ مقررات دانشگاه (۱) مقررات استخدامی ومالی	جمع‌آوری دکتر کی‌نیا
۳۳۰ ـ شلیمر	دانشکده پزشکی
۳۳۱ ـ تجزیه ادرار	مرحوم‌دکترابوالقاسم بهرامی
۳۳۲ ـ جراحی‌فك وصورت	تألیف دکترحسین‌مهدوی
۳۳۳ ـ فلسفه‌آموزش وپرورش	» » امیرهوشمند
۳۳٤ ـ اکوستیك (۲) صوت	» » اسماعیل‌بیگی
۳۳۵ ـ الکتریسته صنعتی(جلداول‌چاپ‌دوم)	» مهندس زنگنه
۳۳٦ ـ سالنامه دانشگاه	—
۳۳۷ ـ فیزیك‌جلدهشتم‌ـ کارهای آزمایشگاه‌ومسائل‌ترمودینامیك	» دکتر روشن
۳۳۸ ـ تاریخ اسلام (چاپ دوم)	» » فیاض
۳۳۹ ـ هندسهٔ تحلیلی (چاپ دوم)	» » وحدتی
۳٤۰ ـ آداب‌اللغةالعربیةوتاریخها(۱)	» » محمد محمدی
۳٤۱ ـ حل‌مسائل ریاضیات عمومی	تألیف دکتر کامکارپارسی
۳٤۲ ـ جوامع الحکایات	» » محمد معین
۳٤۳ ـ شیمی تحلیلی	» مهندس قاسمی
۳٤٤ ـ ارادهٔ معطوف بقدرت (اثرنیچه)	ترجمه دکترهوشیار
۳٤۵ ـ دفتردانش وادب (جلد سوم)	مقالهٔ دکترمهدوی
۳٤٦ ـ حقوق مدنی (جلداول تجدید چاپ)	تألیف دکترامامی

۳٤۷ ـ نمایشنامه لوسید	ترجمهٔ دکتر سیهبدی
۳٤۸ ـ آب شناسی هیدرولوژی	تألیف دکتر جنیدی
۳٤۹ ـ روش شیمی تجزیه (۱)	» » فخرالدین خوشنویسان
۳۵۰ ـ هندسهٔ ترسیمی	» » جمال عصار
۳۵۱ ـ اصول الصرف	» علی اکبر شهابی
۳۵۲ ـ استخراج نفت (جلد اول)	» دکتر جلال الدین توانا
۳۵۳ ـ سخنرانیهای پروفسور رنه ونسان	ترجمه دکتر سیاسی ـ دکتر سیمجور
۳۵٤ ـ کورش کبیر	تألیف دکتر هادی هدایتی
۳۵۵ ـ فرهنگ غفاری فارسی فرانسه (جلد اول)	مهندس امیرجلال الدین غفاری
۳۵٦ ـ اقتصاد اجتماعی	دکتر سید شمس الدین جزایری
۳۵۷ ـ بیولوژی (وراثت) (تجدید چاپ)	» خبیری
۳۵۸ ـ بیماریهای مغز و روان (۳)	» حسین رضاعی
۳۵۹ ـ آئین دادرسی در اسلام (تجدیدچاپ)	آقای محمد سنگلجی
۳٦۰ ـ تقریرات اصول	» محمود شهابی
۳٦۱ ـ کالبد شکافی توصیفی (جلد ٤ ـ عضله شناسی اسب)	تألیف دکتر میربابائی
۳٦۲ ـ الرسالة الکمالیه فی الحقایق الالهیه	» سبزواری
۳٦۳ ـ بی‌حسی‌های ناحیه‌ای دردندان پزشکی	» دکتر محمود مستوفی
۳٦٤ ـ چشم و بیماریهای آن	» » باستان
۳٦۵ ـ هندسهٔ تحلیلی	» » مصطفی کامکار پارسی
۳٦٦ ـ شیمی آلی ترکیبات حلقوی (چاپ دوم)	» » ابوالحسن شیخ
۳٦۷ ـ پزشکی عملی	» » ابوالقاسم نجم‌آبادی
۳٦۸ ـ اصول آموزش وپرورش (چاپ سوم)	» » هوشیار
۳٦۹ ـ پرتو اسلام	بقلم عباس خلیلی
۳۷۰ ـ جراحی عملی دهان ودندان (جلد اول)	تألیف دکتر کاظم سیمجور
۳۷۱ ـ درد شناسی دندان (۱)	» » محمود سیاسی
۳۷۲ ـ مجموعهٔ اصطلاحات علمی (قسمت دوم)	ـ
۳۷۳ ـ تیره شناسی (جلد سوم)	» » احمد پارسا
۳۷٤ ـ المعجم	بتصحیح مدرس رضوی
۳۷۵ ـ جواهر آلاثار (ترجمهٔ مثنوی)	بقلم عبدالعزیز صاحب الجواهر
۳۷٦ ـ تاریخ دیپلوماسی عمومی	تألیف دکتر محسن عزیزی
۳۷۷ ـ Textes Français	» بانو نفیسی
۳۷۸ ـ شیمی فیزیك (جلد دوم)	» دکتر علی اکبر توسلی
۳۷۹ ـ زیباشناسی	» آقای علینقی وزیری
۳۸۰ ـ بیماریهای مشترك انسان ودام	» دکتر میمندی نژاد
۳۸۱ ـ فرزان تن وروان	» » بصیر
۳۸۲ ـ بهبود نسل بشر	» » محمد علی مولو
۳۸۳ ـ یادداشتهای قزوینی (۳)	ایرج افشار
۳۸٤ ـ گویش آشتیان	تألیف دکتر صادق کیا

۳۸۵ ـ **کالبد شکافی** (تشریح عملی قفسه سینه وقلب وریه) نگارش دکتر نعمت‌الله کیهانی

۳۸۶ ـ **ایران بعد از اسلام** » عباس خلیلی

۳۸۷ ـ **تاریخ مصر قدیم** (جلداول چاپ دوم) » دکتر احمد بهمنش

۳۸۸ ـ **آرگلونیاتها** (۱) سرخس‌ها » » خبیری

۳۸۹ ـ **شیمی صنعتی** (جلد اول) » » رادفر

۳۹۰ ـ **فیزیك عمومی الکتریسیته** (جلد اول) » » روشن

۳۹۱ ـ **مبادی علم هوا شناسی** » » احمد سعادت

۳۹۲ ـ **منطق و روش شناسی** » » علی اکبر سیاسی

۳۹۳ ـ **الکترونیك** (جلد اول) » » رحیمی قاجار

۳۹۴ ـ **فرهنگ غفاری** (جلد دوم) » مهندس جلال‌الدین غفاری

۳۹۵ ـ **حکمت الهی عام وخاص** (جلد دوم) » محیی‌الدین مهدی الهی قمشه‌ای

۳۹۶ ـ **گنج جواهر دانش** (٤) » حسن آل طه

۳۹۷ ـ **فن کالبد گشائی و آسیب شناسی** » دکتر محمدکار

۳۹۸ ـ **فرهنگ غفاری** (جلد سوم) » مهندس جلال‌الدین غفاری

۳۹۹ ـ **مزدا پرستی در ایران قدیم** » دکتر ذبیح‌الله صفا

٤۰۰ ـ **اصول روشهای ریاضی آمار** » » افضلی پور

٤۰۱ ـ **تاریخ مصر قدیم** (جلد دوم) » » دکتر احمد بهمنش

٤۰۲ ـ **عددمن بلغاء ایران فی‌الغة** » قاسم تویسرکانی

٤۰۳ ـ **علم اخلاق** (نظری وعملی) » دکتر علی‌اکبر سیاسی

٤۰٤ ـ **ادوارفقه** (جلددوم) » آقای محمودشهابی

٤۰۵ ـ **جراحی عملی دهان‌ودندان** (جلددوم) » دکتر کاظم سیمجور

٤۰٦ ـ **فیزیولژی با لینی** » » گیتی

٤۰۷ ـ **سهم الارث** » نصر اصفهانی

٤۰۸ ـ **جبر آنالیز** » دکتر محمدعلی مجتهدی

٤۰۹ ـ **هوا شناسی** (جلد اول) » » محمد منجمی

٤۱۰ ـ **بیماریهای درونی** (جلدسوم) » » میمندی نژاد

٤۱۱ ـ **مبانی فلسفه** » » علی‌اکبر سیاسی

٤۱۲ ـ **فرهنگ غفاری** (جلد چهارم) » مهندس امیر جلال‌الدین غفاری

٤۱۳ ـ **هندسهٔ تحلیلی** (چاپ دوم) » دکتر احمد سادات عقیلی

٤۱٤ ـ **کالبد شناسی** (عضله‌شناسی مقایسه‌ای) (جلدپنجم) » » میر بابائی

٤۱۵ ـ **سالنامه دانشگاه ۱۳۳٦-۱۳۳۵** —

٤۱٦ ـ **یادنامهٔ خواجه نصیر طوسی** نگارش دکتر صفا

٤۱۷ ـ **تئوریهای اساسی ژنتیك** » » آزرم

٤۱۸ ـ **فولاد وعملیات حرارتی آن** » مهندس هوشنگ خسرویار

٤۱۹ ـ **تأسیسات آبی** » مهندس عبدالله ریاضی

۴۲۰ ـ بیماریهای اعصاب (جلد نخست)	نگارش دکتر صادق صبا
۴۲۱ ـ مکانیك عمومی (جلد دوم)	» دکتر مجتبی ریاضی
۴۲۲ ـ صنایع شیمی معدنی (جلد اول)	» مهندس مرتضی قاسمی
۴۲۳ ـ مکانیك استدلالی	» پرفسور تقی فاطمی
۴۲۴ ـ تاریخ فرهنگ ایران	» دکتر عیسی صدیق
۴۲۵ ـ شرح تبصره آیة الله علامهٔ حلی (جلد دوم)	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۴۲۶ ـ حکیم ازرقی هروی	بتصحیح مرحوم علی عبدالرسولی
۴۲۷ ـ علوم عقلی	نگارش دکتر ذبیح‌الله صفا
۴۲۸ ـ شیمی آنالیتیك	» دکتر گاگیك
۴۲۹ ـ فیزیك الکتریسیته (جلد دوم)	» » روشن
۴۳۰ ـ کلیات شمس تبریزی	باتصحیحات وحواشی آقای فروزانفر
۴۳۱ ـ کانی‌شناسی (تحقیق دربارهٔ بعضی از کانهای جزیره هرمز)	نگارش دکتر عبدالکریم قریب
۴۳۲ ـ فرهنك غفاری فارسی بفرانسه (جلد پنجم)	» امیرجلال‌الدین غفاری
۴۳۳ ـ ریاضیات درشیمی (جلد دوم)	دکتر هورفر
۴۳۴ ـ تحقیق درفهم بشر	ترجمه دکتر رضازاده شفق
۴۳۵ ـ السعادة والاسعار	بتصحیح مجتبی مینوی